

# استان ایلام

بخش اول: جغرافیای طبیعی



## مشخصات جغرافیایی

استان ایلام با مساحتی بالغ بر ۲۰۱۵۱ کیلومتر مربع (کمتر از 1/4 درصد مساحت کل کشور) بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در گوشه غربی کشور واقع شده است. این استان از جنوب با خوزستان، از شرق با لرستان و از شمال با کرمانشاه همسایه بوده و از سمت غرب دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است.

از نظر تقسیمات کشوری استان دارای ۷ شهرستان، شامل ۱۷ بخش، ۱۵ شهر، ۳۶ دهستان و ۷۵۳ آبادی دارای سکنه می‌باشد(۱).

## ویژگی‌های طبیعی

### کوه‌ها

رشته کوه‌های مرتفع و موازی کبیر کوه به طول ۱۶۰ کیلومتر از شمال غربی تا جنوب شرقی این استان را در بر گرفته و قسمتی از مناطق غربی و شمال غربی ایلام را از قسمت‌های دیگر مجزا می‌نماید.

بلندترین ارتفاع این رشته به نام ورزین دارای ۳۰۶۲ متر ارتفاع از سطح دریای آزاد می‌باشد.

شعب و یال‌های متعددی از کبیر کوه به طرف باختر منشعب شده و به تدریج از ارتفاع آن‌ها کاسته می‌شود. به طوری که در حدود مرز کشور با عراق این ارتفاع با سطح زمین یکسان می‌گردد. یکی از مهم‌ترین کوه‌های منشعب از کبیر کوه دینار کوه است که بین آبدانان و دهلران واقع گردیده و ۲۶۰۰ متر ارتفاع دارد.

کوه‌های نخجیر، سیاه کوه، سرخ کوه و کوه حمیرین از شعبات مهم کبیر کوه محسوب می‌گردند.

### رودخانه‌ها

رشته کوه‌های موازی کبیر کوه تقسیم کننده آب، میان مناطق شرقی و غربی استان می‌باشند و استان را به دو حوزه آبریز «رودخانه سیمره» در شرق و «رودخانه مرزی» در غرب تفکیک نموده‌اند.

رود سیمره از طرف کرمانشاه وارد ایلام می‌شود و پس از طی فاصله‌ای طولانی از مرز شرقی استان، از قسمت جنوب شرقی از استان خارج شده وارد خوزستان می‌شود و رود کرخه را تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین رودخانه‌هایی که عمدتاً از ارتفاعات شمالی کبیر کوه سرچشمه گرفته و به سیمره می‌ریزند عبارتند از: مولاب، سیاه کوه، سیکان، کلم، شیروان، چرداول و جزمان.

رودخانه‌های مرزی ایران و عراق که اکثراً از جنوب کبیر کوه سرچشمه می‌گیرند و پس از مشروب ساختن دشت‌های غرب و جنوب استان از مرز می‌گذرند عبارتند از: دویرج،

میمه، چنگوله، گاوی، کنجانچم، گدارخوش و کنگیر.

#### آب و هوا

استان ایلام از نظر شرایط اقلیمی جزو مناطق گرمسیر محسوب می‌گردد ولی به علت وجود ارتفاعات، اختلاف درجه حرارت و بارندگی در بخش‌های شمالی، جنوبی و غربی آن زیاد بوده، به طوری که می‌توان از نظر اقلیمی، مناطق سه گانه سردسیری، گرمسیری و معتدل را در این استان به خوبی مشاهده نمود.

-مناطق کوهستانی شمال و شمال غربی استان، نسبتاً سردسیر و دارای زمستانی طولانی بوده و حداقل درجه حرارت در زمستان در این مناطق تا ۱۵ درجه زیر صفر نیز می‌رسد و میزان بارندگی در آن به بیش از ۵۰۰ میلی‌متر در سال بالغ می‌گردد.

-مناطق غربی و جنوب غربی استان، گرمسیر و حداکثر درجه حرارت در این مناطق تا ۴۵ درجه سانتی‌گراد بالای صفر نیز می‌رسد. میزان بارندگی در این مناطق به حدود ۲۰۰ میلی‌متر در سال بالغ می‌گردد.

-مناطق معتدل میانی، درجه حرارت در مناطق میانی تا ۵ درجه زیر صفر و حداکثر حرارت در تابستان در نقاط جنوبی و دره شهر تا بیش از ۴۰ درجه بالای صفر نیز می‌رسد، میزان بارندگی در این مناطق، بین مقدار نزولات دو منطقه فوق بوده و از ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر در نوسان می‌باشد(2).

#### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

##### کشاورزی و دامپروری

استان ایلام به علت شرایط خاص اقلیمی از مناطق مساعد غرب کشور برای کشت و زرع می‌باشد. زمین‌های کوهپایه‌ای، سنگلاخی، دشت‌های ناهموار و کم وسعت و کناره رودخانه‌ها و چشمه‌ها، اراضی زراعی منطقه ایلام را تشکیل می‌دهد. دشت‌ها و مزارع وسیع ایلام در نواحی سرد، معتدل و گرم گسترده شده است.

در نواحی گرمسیری ایلام، کشت غلات، علوفه و صیفی رواج دارد و در قسمتی از این نواحی مرکبات و نخیلات به عمل می‌آید و نواحی سردسیری استان مساعد برای کشت غلات، حبوبات، علوفه، چغندر قند، دانه‌های روغنی، سبزیجات و غیره می‌باشد.

شهرستان‌های ایلام و شیروان و چرداول به علت دارا بودن آب و هوای معتدل، مستعد باغداری‌اند و اکثر میوه‌های سردسیری و معتدل از قبیل سیب، گلابی، هلو، گردو، زردآلو، آلبالو و غیره در این شهرستان‌ها به عمل می‌آید.

در شهرستان مهران و دهلران و در دیگر بخش‌های گرمسیری درختان خرما، انار و مرکبات به عمل می‌آید و شهرستان دره شهر برای کشت مرکبات، انار، انجیر، انگور و غیره مساعد است.

در سال ۱۳۷۵، از کل ۱۹۰۴۴۰۰ هکتار مساحت استان، ۸/۹ درصد آن با وسعتی حدود ۱۸۶۴۶۲ هکتار به زمین‌های زراعتی اختصاص داشته است. از میان غلات، گندم با ۱۱۲۷۷۴ هکتار (۲۸۰۰۷ هکتار آبی و ۸۴۷۶۷ هکتار دیم (بیشترین سطح زیر کشت را در این استان به خود اختصاص داده است(3).

علاوه بر کشاورزی این استان زمینه‌های مناسبی برای پرورش دام و دامداری دارا می‌باشد و یکی از مراکز مهم و مشهور کشور به حساب می‌آید، به طوری که حدود ۵۵۰۰ تن گوشت، ۴۰۰۰ تن شیر، ۵۵۰ تن پشم و ۷۵ تن کرک و مو از منابع دامی این استان به دست می‌آید و به واسطه تنوع آب و هوا و گل‌ها و گیاهان از مناطق مساعد برای پرورش زنبور عسل است.

##### صنایع و معادن

استان ایلام از دیرباز به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و نیاز اهالی به لوازم و مواد اولیه زیستی مهد صنایع دستی بوده است. صنایع دستی این منطقه عبارتند از: موج، قالی، نمد، گلیم، جاجیم، (جاجم = ماشته)، زیلو، (لی)، پارچه بافی یا؛ ظطیع زربافی، جل

(پوشش چارپایان)، هورسبان (خورجین بزرگ)، سیاه چادر و گیوه و (4)....  
بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، تعداد ۶۲۰ کارگاه صنایع دستی در شهرهای ایلام، ایوان، دره‌شهر و شیروان و چرداول به فعالیت مشغول بوده‌اند.

#### صنایع ماشینی

مهم‌ترین صنایع ماشینی که در استان ایلام فعالیت دارند، عبارتند از: موزاییک سازی، تولید شن و ماسه و گچ، کوره‌های آجر پزی. واحدهای تولید پوشاک، کارخانه‌های سیمان، آجر ماشینی، یخ سازی، پشم شویی، تولید لوازم خانگی، کارگاه‌های تولید وسایل اولیه فلزی، واحدهای نان ماشینی، مجتمع صنایع شیمیایی و....

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، در این استان ۲۱ معدن فعال شامل ۱۲ معدن سنگ گچ، ۶ معدن سنگ‌های ساختمانی، شن و ماسه، سنگ آهک و نمک هر کدام یک معدن وجود داشته است (5).

#### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

##### وجه تسمیه

نام «عیلام» - (ایلام) که در تورات و کتیبه‌های بابلی بر خوزستان داده شده، بابلی است. بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در خاور کشورشان قرار داشت، «الامتو» یا «الام» و «ایلامتو» یعنی کوهستان و شاید «کشور طلوع خورشید» به معنی مشرق می‌نامیدند.

بعضی مورخین و جغرافی‌نویسان عیلام را برگرفته از نام عیلام پسر سام ابن نوح می‌دانند. پس از حمله اسکندر این سرزمین به سبَد که جمع آن سَبَدان است تغییر کرد و با پیشوند ماه (سرزمین) به صورت ماه سبد و ماه سبدان در آمد. سپس با ورود اعراب به ایران، دو واژه ماه و سبدان را با هم ترکیب و حرف «د» را به «ذ» تبدیل کردند و این ناحیه را ماسبدان نامیده‌اند.

شهر ایلام سال‌ها به نام والی معروف (حسین قلی خان)، حسین آباد نامیده می‌شد، تا این که در خرداد ماه 1315 ه.ش مجدداً به واژه باستانی ایلام تبدیل گردید. (کلمه ایلام با نگارش همزه) ایلام) و عین (عیلام) صحیح است اما در تداول زبان فارسی آن را با همزه می‌نویسند.

این نام تا به امروز در گوشه‌ای از مغرب فلات ایران و سرزمین پهناور عیلام قدیم می‌درخشد و این واژه با محدوده استانی خود بیانگر تمدنی چند هزار ساله است که اکنون اثری جز خرابه‌های آثار باستانی آن در دست نیست (6).

##### پیشینه تاریخی

بر اساس مدارک تاریخی استان ایلام از گذشته‌های دور مهد تمدنی اصیل و منطقه‌ای آباد بوده است و رودخانه سیمره با آبیاری و حاصل‌خیز کردن اراضی منطقه، زمینه سکونت اقوام گذشته را فراهم کرده است.

در کاوش‌هایی که در تپه گوران واقع در هلیلان استان ایلام صورت گرفت نشان داد دهکده‌ای نیمه مسکونی مربوط به ۶۵۰۰ سال قبل با خانه‌هایی از چوب وجود داشته است و دوره مفرغ در این استان سابقه‌ای تا حدود هزاره سوم قبل از میلاد (۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م) دارد.

استان ایلام در دوره ماد (۷۰۸-۵۵۰ ق.م) جزو ایالت عیلام بود، که خود در زمان حکومت کیاکسار یا او و خستره (۵۸۴-۶۳۳ ق.م) جزو ساتراپ نشین هشتم دولت ماد محسوب می‌شد.

در دوره هخامنشیان، داریوش سرزمین‌هایی را فتح کرد از جمله آن‌ها عیلام بود. در دوران سلوکیه استان ایلام امروزی جزو ساتراپ نشین ماد بزرگ به شمار می‌رفت و در دوره اشکانیان ایالت‌های پارس، خوزستان و ایلام، گرگان و سراسر پارت یعنی ایران

کنونی و تمامی بین النهرین تحت تسلط حکومت اشکانی درآمدند. در زمان ساسانیان، استان ایلام جزو سرزمین پهلّه یا پهلّو، یعنی استان بزرگی که بعداً اعراب آن را جبال نامیدند، بود. پس از انقراض ساسانیان و تصرف ایران توسط مسلمین، سپاهیان اسلام پس از تصرف حلوان، در سال ۵۲۱ ه.ق ایلام را بدون حمله نظامی تسخیر کردند. استان ایلام در تقسیمات پس از اسلام جزو ایالت جبال یا کوهستان بود و ایالات سیمره و شیروان جزو قلمرو حکومتی بغداد و بصره محسوب می‌شدند. در سال ۵۱۳۲ ه.ق سفاح خلیفه عباسی عموی خود سلیمان را به حکومت بصره فرستاد و بحرین، عمان، مهرجانقق و پیرامون آن را نیز به وی سپرد. در سال ۵۵۹۶ ه.ق قطب الدین محمد خوارزمشاه به سلطنت رسید. این پادشاه که فتوحاتی در نواحی مرکزی ایران به دست آورده بود، عزم دیار جبال کرد و سپاه وی به کشتار و غارت ساکنان استان جبال پرداختند. سرزمین لرستان در دوران مغول تحت عنوان لر بزرگ و لر کوچک شناخته می‌شد. از آغاز حکومت صفویه به بعد، منطقه لر بزرگ به سرزمین‌های بختیاری و کهگیلویه و منطقه لر کوچک به لرستان فیلی معروف شدند. لرستان فیلی نیز در زمان سلطنت آقا محمد خان قاجار به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم شد. اتابکان لر کوچک در فاصله سال‌های ۵۷۰ تا ۱۰۰۶ ه.ق بر استان لرستان و ایلام امروزی حکومت می‌کردند. پس از کشته شدن شاهرودی خان توسط شاه عباس عنوان اتابک منسوخ و به جای آن والی معمول شد. در دوره شاه تهماسب مناطق آذربایجان، کردستان و کرمانشاهان طبق قرارداد به دولت عثمانی واگذار شدند. ولی در سال ۱۱۴۳ سپاهیان نادر قلی آن‌ها را از دولت عثمانی باز پس گرفتند. با تسلط زندیه کریم خان زند برای جلب نظر لرها حاکمی از خود آن‌ها تعیین کرد. سپس نظر ولی‌خان را که از خاندان والی بود به حکومت لرستان فرستاد. در زمان آقا محمد خان حکومت این منطقه به یکی از سرداران خود به نام علی قلی خان برادر سپرده شد. به این ترتیب وی توانست که خاندان حسین خان، اولین والی لرستان را کاملاً تضعیف و حکومت آنان را منحصر به قسمتی از لرستان کند، به همین دلیل از اوایل سلطنت فتحعلی شاه نام افراد این خاندان از والی لرستان به والی پشتکوه تغییر کرد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۳ ه.ش، ایلام با ۱۴ شهرستان و ۱۳ بخش از فرمانداری کل ایلام، به استان ایلام تبدیل شد (7).

## فصل سوم: بناهای تاریخی

### الف - شهرستان ایلام

گورستان کان گنبد، مقبره مهدی، گورهای باستانی چوار، گورهای باستانی چنارباشی، قلعه اسماعیل‌خان، قلعه قیران، قلعه والی، قلعه امیرآباد، قلعه حسین آباد، مسجد والی، تپه کل‌ولی، تپه ورکبود.

### ب - شهرستان درّه شهر

تپه تیخان، تپه کوزه‌گران، تپه کل یزید، تپه کلک موسیوند، تپه قلعه زنیل، تپه قلعه گل، تپه رشکله، تپه سیکان، تپه فرهاد آباد، تپه‌های سرگچله، تپه قلعه سکه‌سون، تپه پامیل، تپه چغاسبز، اشکفت یاتنگ بهرام چوبینه، اشکفت شیخ مکان، آسیاب تنگه شیخ ماخو، آتشکده درّه شهر.

### ج - شهرستان دهلران و مهران

تپه موسیان، تپه محمد جعفر، تپه مراد آباد، تپه خزینه، امامزاده سیداکبر، ویرانه‌های شهر سامرا، امامزاده علی صالح، مقبره ناصرالدین.

### د - شهرستان شیروان و چرداول

قلعه سام، آثار باستانی هلیلان، تپه‌های کز آباد، پله‌کان(8).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: جمعیت و ویژگی‌های آن

جمعیت استان ایلام در سال ۱۳۷۵، ۴۸۷۸۸۶ نفر بوده است. از این تعداد ۲۴۹۲۷۵ نفر مرد و ۲۳۸۶۱۱ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان، ۲۵۹۶۸۷ نفر (۲۳/۵۳ درصد) در نقاط شهری و ۲۱۷۶۳۴ نفر (۶۱/۴۴ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته و ۱۰۵۶۵ نفر نیز غیرساکن بوده‌اند(9).

#### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان ایلام: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	487886	249275	238611	82373
ساکن در نقاط شهری	259687	132749	126938	45296
ساکن در نقاط روستایی	217634	111222	106412	35328
غیر ساکن	10565	5304	5261	1749
شهرستان آبدانان	47652	24703	22949	7582
ساکن در نقاط شهری	21396	11301	10095	3424
ساکن در نقاط روستایی	24635	12571	12064	3889
غیر ساکن	1621	831	790	269
شهرستان ایلام	165655	85045	80610	29044
ساکن در نقاط شهری	131828	67290	64538	23630
ساکن در نقاط روستایی	33570	17635	15935	5369
غیر ساکن	257	120	137	45
شهرستان ایوان	45746	23048	22698	7891
ساکن در نقاط شهری	23482	11795	11687	4133
ساکن در نقاط روستایی	21672	10932	10740	3621
غیر ساکن	592	321	271	137
شهرستان دره شهر	53501	27052	26449	8784
ساکن در نقاط شهری	18403	9281	9122	3161
ساکن در نقاط روستایی	34419	17422	16997	5514
غیر ساکن	679	349	330	109
شهرستان دهلران	52299	26502	25797	8455
ساکن در نقاط شهری	32785	16707	16078	5395
ساکن در نقاط روستایی	16531	8279	8252	2576
غیر ساکن	2983	1516	1467	484
شهرستان شیروان و چرداول	76052	38603	37449	12827
ساکن در نقاط شهری	7277	3817	3460	1300
ساکن در نقاط روستایی	68584	34697	33887	11494
غیر ساکن	191	89	102	33

7790	22659	24322	46981	شهرستان مهران
4253	11985	12558	24516	ساکن در نقاط شهری
2865	8537	9686	18223	ساکن در نقاط روستایی
672	2164	2078	4242	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان ایلام.

### وضع فعالیت

در سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان ایلام، ۳۵۰۰۱۴ نفر بوده است. از این تعداد ۱۱۱۵۶۷ نفر جمعیت فعال شامل ۹۸۴۲۵ نفر مرد و ۱۳۱۴۲ نفر زن بوده‌اند. از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر استان، ۲۷۶۵۹ نفر در بخش کشاورزی، ۱۷۸ نفر استخراج معدن، ۴۷۶۶ نفر در بخش صنعت و بقیه در بخش خدمات مشغول به کار بوده‌اند (10).

### زبان و نژاد

مردم استان ایلام از نژاد کرد، لر و لک هستند و زبان آن‌ها از گویش‌های کردی، لری - لکی و عرب تشکیل می‌شود. گویش ساکنان نواحی شمال و شمال غربی و مرکزی کردی است و در نواحی جنوب غربی و دره‌شهر، زبان لری رواج دارد. بر اساس پژوهش‌های به عمل آمده، کردها در سراسر استان به خصوص در شمال و شمال غربی و مرکز استان پراکنده‌اند و لرها در جنوب و جنوب غربی و لک‌ها در نواحی آبدانان و دره شهر و هلیلان ساکن دارند (11).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

بر اساس نتایج تفصیلی سال ۱۳۷۵، از ۴۱۵۸۳۷ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۳۱۹۰۹۷ نفر (۷۴/۷۶ درصد) با سواد بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۴۱۲۵ نفر مرد (۸۲/۰۴ درصد) و ۱۴۴۹۷۶ نفر زن (۷۱/۲۱ درصد) بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان استان ۲۲۲۶۸۹ نفر در نقاط شهری و ۱۸۴۵۰۷ نفر در نقاط روستایی و ۲۶۸۴ نفر نیز غیر ساکن بوده‌اند (12).

### آموزش عالی

مهم‌ترین مراکز دانشگاهی استان ایلام عبارتند از:

دانشگاه ایلام شامل:

دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده کشاورزی، آموزشکده دامپزشکی، آموزشکده تربیت دبیر.

تعداد کل دانشجویان مشغول به تحصیل این مرکز، در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، 2502 نفر شامل ۱۹۲۰ نفر مرد و ۵۸۲ نفر زن در مقاطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و کاردانی بوده است.

دانشگاه پیام نور شامل رشته‌های:

علوم اجتماعی، علوم تربیتی، زبان و ادبیات فارسی، ریاضی، حسابداری، مدیریت دولتی و جغرافیا است (13).

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه

استان ایلام در سال ۱۳۷۵ دارای ۲۱ باب کتابخانه به تفکیک زیر بوده است: آبدانان یک باب، ایلام ۴ باب، ایوان ۳ باب، دره شهر ۲ باب، دهلران ۵ باب، شیروان و چرداول ۳ باب، مهران ۳ باب (14).

#### سینما

این استان در سال ۱۳۷۵ دارای دو باب سینما با ظرفیت ۸۷۴ نفر و یک باب سالن سخنرانی و نمایش با گنجایش ۲۶۰ نفر بوده است (15).

## پارك‌ها و مكان‌های دیدنی

استان ایلام دارای مناظر و پدیده‌های مختلف طبیعی و تاریخی می‌باشد. در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:  
پارك جنگلی ششدار، پارك جنگلی والاب، پارك جنگلی ارغوان، پارك كودك، پارك ملت (ایلام)، تفریحگاه خوران (ایوان)، تفریحگاه تجریان (چوار (16)).

## اماكن ورزشی

در این استان ۹ استادیوم، ۲۵ سالن ورزشی، يك استخر شنا، ۹ میدان فوتبال، ۳ میدان والیبال و بسکتبال و تنیس وجود دارد (17).

## فصل سوم: آداب و رسوم

### آداب ماه مبارك رمضان

در آخرین روز ماه شعبان مردم برای رؤیت هلال در جاهای مرتفع متوجه غروبگاه خورشید می‌شوند و چون ماه را می‌بینند با گفتن صلوات بر محمد و مرحبا مرحبا گفتن اظهار شادی می‌نمایند. یکی از آداب و رسومی که در شب‌های این ماه معمول است نماز تراویح می‌باشد که بعد از نماز عشا می‌خوانند.

برای این که مردم از خواب سحری بیدار شوند، کسانی به طور انفرادی یا دسته جمعی مشغول خواندن دعای سحری می‌شوند. نزدیک غروب همه روزه‌داران به انتظار مؤذن هستند و بلافاصله بعد از اذان بعد مغرب به وسیله خرما و شیرینی و چای افطار می‌کنند و بعد نماز می‌خوانند و سپس افطاری می‌خورند.

در شب‌های قدر به مصداق لیلۃ القدر خیر من الف شهر، این شب‌ها را به خیرات و احسان و شب زنده‌داری با نماز و دعا و اعتکاف به سحر می‌رسانند و شب قدر را یکی از شب‌های فرد دهه آخر ماه رمضان می‌دانند. مردم این استان از پانزدهم ماه مبارك به بعد به دادن زکات فطر می‌پردازند و باید تا روز عید سرپرست خانواده زکات فطره تمام افراد خانه را به مستحق آن بدهد.

صبح روز عید فطر مردان بعد از نماز صبح یا قبل از آن به مساجد یا جایی که نماز جماعت برپا می‌شود می‌روند. امام جماعت قرآن را قرائت می‌کند و پس از طلوع خورشید با تشریفات خاصی نماز عید را می‌خوانند.

بعد از فراغت از نماز به سوی امام جماعت می‌شتابند و به عنوان تبریک دست او را می‌بوسند و تمام افراد نیز دست يك دیگر را می‌بوسند و از همدیگر عذر خواهی و طلب عفو می‌نمایند (18).

### ماه محرم

در شهر و استان ایلام، بیرق‌های سبز و سیاه و سرخ بر بام منازل، سر در مساجد، حسینیه‌ها و مغازه‌ها، فرا رسیدن ماه محرم را خبر می‌دهند.

از قدیم الایام در شهر ایلام رسم بر آن بوده است که هر خانواده به تعداد فرزندان پسر، پرچم یا علمی را بر سر در خانه و یا پشت بام به اهتزاز درمی‌آوردند که این در حقیقت نه به معنی تبعیض بین فرزندان، بلکه شعار مردم این دیار و نیز گویای این واقعیت است که در هر خانه چند نفر در تکرار عاشورایی دیگر، در حمایت از مکتب اهل‌بیت‌علیهم‌السلام به میدان کارزار گام می‌نهند و به استقبال شهادت می‌روند.

در ایلام رسم بر این است که بر نوزادی که تازه به دنیا آمده است و اولین محرم حسینی را درك می‌کند لباس سبز می‌پوشانند، چرا که بر این باورند که نخست باید لباس سبز علوی را بر تن فرزند پوشانند.

لباس سیاه در استان ایلام از حرمت خاصی برخوردار است، خصوصاً اگر در ایام محرم بر تن کرده باشند.

فرد عزادار نزاع نمی‌کند و حریم و حرم دیگران را حفظ می‌کند. پدر و مادر حق کتک زدن کودکانی که لباس عزای حسین بر تن کرده‌اند را ندارند، چرا که بر این باورند



عزادار حسین(ع) مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام است. اغلب مردم ایلام لباس عزاداری امام حسین(ع) را تا اربعین بر تن می‌کنند و از هر گونه مراسم شادی پرهیز می‌کنند. عزاداری مردم ایلام چون مردم سایر نقاط کشور از شب اول محرم آغاز می‌کنند. اما از روز هفتم چهره شهر و سیمای مردم حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد.

قبل از روز هفتم در فرهنگ ایلام و ایلامی روز «تراش» نامیده می‌شود. تا قبل از این روز مردم به اصلاح سر و صورت می‌پردازند و حمام می‌کنند و از روز هفتم که روز بسته شدن آب بر خیمه‌گاه امام حسین(ع) به شمار می‌رود حمام کردن، اصلاح کردن سر و حتی شانه کردن را کراهت می‌دانند.

از روز هفتم روز سقای کربلا و روز عباس علمدار، سفره عباس(ع)، چای عباس(ع) و شربت عباس(ع) در هر خانه و کوی و برزنی کام تشنگان را سیراب می‌کند و عزاداران را از پخت و پز در خانه‌ها باز می‌دارد تا همه یکپارچه فریاد «عباس(ع)» را سر دهند نامی که از جایگاه ویژه‌ای در بین مردم این دیار برخوردار است. از شب هفتم رفت و آمد دستجات از حسینیه‌ها و مساجد آغاز می‌شود. شب تاسوعا و عاشورا خیابان‌های شهر مملو از جمعیت می‌شود و این عزاداری تا ظهر عاشورا ادامه می‌یابد.

شب عاشورا در ایلام شب احیا است و حس همدردی مردم را به شب سال ۶۱ه.ق باز می‌گرداند. در این شب مردم تا سحر بیدار می‌مانند و پس از پایان عزاداری‌های عمومی که تا ساعت یک یا دو بامداد به درازا می‌کشد به منازل همسایه‌ها می‌روند.

در هر محله و کوچه‌ای چند منزل به پخت حلیم می‌پردازند و همسایه‌های دیگر شمع نذری، چای و شربت نذری خود را در کنار دیگ‌های حلیم بین عزاداران تقسیم می‌کنند. مردم ایلام بر این باورند هر کس در شب عاشورا در پخت حلیم امام حسین(ع) کمک کند حاجتش برآورده می‌شود.

با دمیدن سپیده صبح عاشورا حلیم‌ها در بین مردم پخش می‌شود و دستجات شکل می‌گیرد. شهر یکپارچه عاشورا می‌شود و گل‌های بر شانه و پیشانی حدیث عزایی است که در ظهر عاشورا با فریادهای حسین، حسین به پایان می‌رسد.

شام غریبان مردم ایلام در حالی به پایان می‌رسد که اغلب مردم از پخت و پز خودداری می‌کنند و به عزاداری می‌پردازند تا همدردی خود را با بازماندگان حادثه خونین کربلا ابراز نمایند.

#### ماه صفر

مردم ایلام در ماه صفر نیز چون ماه محرم در عزا به سر می‌برند و از برگزاری هرگونه محفل و مجلس شادی آفرین پرهیز می‌کند. مردم به ماه صفر به ماهی نحس و شوم می‌نگرند که در آن گل سر سبد آفرینش حضرت ختمی مرتبت(ص) در آن دنیا را وداع کرده است. در این ماه مردم از هر گونه سفر اجتناب می‌کنند و همواره برای سلامتی خود و خانواده صدقه می‌دهند(19).

#### اعیاد ملی - مذهبی

##### عید غدیر

عیدی است که شیعیان هر سال در روز ۱۸ ذیحجه به مناسبت واقعه غدیر خم، بر پا می‌دارند. این عید نخستین بار در سال 352 ه.ق در بغداد به وسیله معز الدوله دیلمی با شکوه بسیار برگزار شد. مردم ایلام نیز به واسطه عشق بسیار به علی(ع) این عید را مغتنم شمرده و هر سال آن را جشن گرفته و به منازل سادات جهت دیدار می‌روند و نقل و شیرینی توزیع می‌کنند.

##### عید قربان

در این عید که به نام عید اضحی و یکی از دو عید بزرگ اسلامی است که در روز دهم



ذیحجه برگزار می‌شود. این روز را مردم استان ایلام جشن می‌گیرند و گاو، شتر و یا گوسفند قربانی می‌کنند و به دوستان، آشنایان و مستحقان می‌دهند و نماز مخصوص عید خوانده می‌شود(20).

### عید نوروز

در عید نوروز زن و مرد و پیر و جوان، لباس نو می‌پوشند و خانه به خانه به دید و بازدید می‌پردازند و با هم روبوسی می‌کنند. در این روزها کینه‌ها به دور ریخته می‌شود و افرادی که با یکدیگر دشمنی داشته‌اند با وساطت ریش سفیدان آشتی می‌کنند.

### جشن عروسی

زناشویی در بین مردم استان امری مهم و حیاتی است. در گذشته ازدواج‌های این منطقه بیشتر جنبه طبقاتی و درون گروهی داشت و معتقدند که زن موجودی ضعیف است و نباید در چنگال مرد غریبه گرفتار شود.

انتخاب همسر توسط والدین و یا خود پسر صورت می‌گیرد و در صورت توافق روزی برای خواستگاری تعیین می‌شود. پس از خواستگاری جشنی در خانه پدر دختر، با هزینه داماد برگزار می‌شود.

سپس مراسم عقد انجام می‌گیرد. شب قبل از عروسی جمعی از زنان با تجربه و سالمند، از سوی خانواده داماد به خانه دختر می‌روند و پس از صرف شام، مراسم حمام و حنابندان عروس را انجام می‌دهند. هزینه شام این زنان به عهده داماد است. یک روز قبل از عروسی گروه کثیری سوارکار ماهر از سوی خانواده داماد برای شرکت در مراسم آوردن عروس، دعوت می‌شوند و هنگام خروج عروس از خانه پدری سوارکاران شروع به اسب دوانی می‌کنند و نوازندگان هم در تمام طول مسیر می‌نوازند. جشن عروسی از دو تا هفت روز ادامه می‌یابد.

در طول جشن، خانواده داماد از مدعوین پذیرایی می‌کنند و دعوت شدگان نیز پس از صرف ناهار یا شام مبلغی به داماد هدیه می‌کنند. مردم استان ایلام با توجه به اعتقادات اسلامی‌شان طلاق را امری ناپسند می‌دانند و طلاق در بین آنان به ندرت اتفاق می‌افتد. دو مسئله در باب ازدواج در این استان قابل توجه است. یکی مسئله سن ازدواج است که به اختلاف سنی بین زن و شوهر توجه نمی‌شود. گاه مردی ۶۰ ساله با دختری ۱۵ یا ۱۸ ساله ازدواج می‌کند و دیگر شیوه ناف برانی است که هرگاه یکی از زنان طایفه دختر بزاید ناف نوزاد به نیت یکی از پسران فامیل بریده می‌شود تا آن‌ها در سنین بلوغ با یکدیگر ازدواج کنند(21).

### باورها

اگر مرغ همانند خروس آواز بخواند آن را شوم و بدشگون می‌پندارند و مرغ را سر می‌برند.

اگر زنی که در حال خمیر کردن است مقداری از خمیرش از ظرف بیرون بیفتد و یا تازی از مویش جدا شود بر این باورند که میهمان می‌رسد. قارقار کلاغ را در وقت غروب بدشگون می‌پندارند. روزهای زوج هفته را برای انجام کار نحس می‌دانند و اعداد ۹ تا ۱۳ را نحس می‌دانند و لذا هنگام پیمانانه کردن خرمن، وقتی به این اعداد می‌رسند آن‌ها را تکرار نمی‌کنند و در عوض عدد ما قبل را دو بار می‌شمارند.

اگر مار در خرمن گندم و جو لانه و تخم‌گذاری کند معتقدند که آن خرمن محصول بیشتری خواهد داد.

اگر کودک شیر خوارهای گریه و بی‌تابی کند بر این باورند که پرنده شومی در نیمه شب با وی صحبت کرده است برای دفع این شر و بد شگونی و رفع گریه کودک، پیشانی و پشت او را با تیغ می‌تراشند(22).

### ضرب المثل‌ها

بنورا شنچیر و دیوار الده.  
 به کوه شاه نخجیر نگاه کن و سیاه چادر را بر پای کن.  
 يك اگر چگیو دمال يك ملیو جگ دی دورشان.  
 یکی خانه‌اش آتش گرفته بود دیگری گنجشک بر آن آتش کباب می‌کرد.  
 نه چمه منلی نه هیوشیم یا علی.  
 نه به شهر مندلی می‌روم و نه یا علی می‌گویم.  
 روی دم و آنجیر نیه رسی دوت گرسه.  
 روباه دهانش به انجیر نمی‌رسد می‌گفت که کپک زده است.  
 دما درو داسی و دسیت.  
 پس از درو کردن، داسی در دستت باشد.  
 نه گیّه و پوس بووه نه دشمه و دوس بووه.  
 نه شکم تبدیل به پوست می‌شود، نه دشمن، دوست می‌شود.  
 مار دایه ازبنه قژ پیسه ترسی.  
 مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد(23).

### بخش پنجم: اوضاع سیاسی - مذهبی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

##### الف) پیشینه مذهبی

در استان ایلام در دوره عیلامیان بت پرستی رواج داشته و در پی کاوش‌های باستان شناسی بت‌هایی از خدایان این دوره کشف شده است.  
 در دوره ساسانیان و همزمان با ورود اسلام دین زرتشت دین غالب این مناطق بود که با انقراض حکومت ساسانی و فتح ایلام (ما سیدان) به دست مسلمین در سده هفتم میلادی، مردم این مناطق به دین اسلام روی آوردند.  
 در حال حاضر اکثریت مردم ایلام مسلمان و پیرو مذهب جعفری می‌باشند.  
 بر اساس آمار سال 1375، از مجموع جمعیت این استان، ۴۸۷۴۶۱ نفر مسلمان، ۱۵۸ نفر زرتشتی، دونفر مسیحی، يك نفر کلیمی و يك نفر سایر ادیان بوده و وضعیت دینی ۲۶۳ نفر نیز اظهار نشده بود(24).

##### ب) اماکن مذهبی

در سال ۱۳۷۵، استان ایلام دارای ۳۲۷ مکان مذهبی شامل ۲۱۱ مسجد، ۸۸ حسینیه، ۲ تکیه، ۲۰ زیارتگاه و امامزاده، ۶ زیارتگاه بزرگان دینی و يك نظرگاه و قدمگاه بوده است.  
 برخی از مهم‌ترین این اماکن عبارتند از: مسجد رسول الله(ص) (ایلام)، مسجد علی ابن ابیطالب(ع) (ایلام)، مسجد امیرالمؤمنین(ع) (ایلام)، مسجد قدس (ایلام)، مسجد جامع (آبدانان)، مسجد جامع (شیروان و چرداول).  
 حسینیه حائری، حسینیه تکیه زرین چنگ، حسینیه سالار شهیدان، تکیه صیدی در شهرستان ایلام، همچنین در این استان ۲۰ زیارتگاه و امامزاده يك نظرگاه و قدمگاه، ۶ زیارتگاه بزرگان دینی می‌باشد.  
 بقعه زیارتی حاجی حاضر (ایوان)، قدمگاه «ابراهیم قتال» در ارتفاعات قلاویزان (مهران)، بقعه زیارتی سید ناصرالدین (پهله زرین آباد)، بقعه زیارتی سید عبدالله (سراب ایوان)، بقعه متبرکه محمدباقر (شیروان)، مقبره سید احمدی (صالح آباد)، بقاع زیارتی سید نظام‌الدین و سید تاج‌الدین (دره شهر(25)).

##### ج) مدارس دینی

مهم‌ترین مدارس دینی استان به شرح زیر می‌باشد:

- 1- مدرسه علمیه باقریه (ایلام).
- 2- حوزه علمیه صاحب الزمان (ایلام).
- 3- حوزه علمیه خواهران ایلام(26).

## د) بزرگان و مشاهیر

- 1- آیت الله حیدری ایلامی (۱۳۶۵-۱۳۰۴ه.ش)، پیر فرزانه و عارف گمنام.
- 2- حجت الاسلام یعسوبی (امام جمعه شهرستان).
- 3- حجت الاسلام شیخ حسن آرامیان (۱۳۵۳-۱۳۰۶ه.ش).
- 4- حجت الاسلام سید قاسم حائری (متوفی 1338 ه.ش).
- 5- حجت الاسلام حاج شیخ کحیا یحیی پور (متوفی ۱۳۷۳ه.ش).
- 6- غلامرضا خان ارکوازی ایلامی (۱۲۵۰-۱۲۱۱ه.ق) از شعرای زمان فتحعلی شاه قاجار.
- 7- منوچهر خان والی (۱۰۷۷-۱۰۵۲ه.ق) معاصر شاه عباس دوم که دارای ذوق ادبی سرشاری بود.

- 8- حشمت الله احمدی (متولد ۱۳۲۶ه.ش) از نویسندگان ایلام و صاحب کتاب معلم و روانشناسی و مدیریت در اسلام.
- 9- عبدالحسین شاه کرمی (متولد ۱۳۲۸) از نویسندگان مشهور استان، صاحب کتاب‌های کوچ‌نشین و تحولات و مشکلات آن در ایران، نگاهی اجمالی به نظام فئودالی در شهر، سرگذشت مبارزه (27).

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### حوادث دوره مشروطیت

در سال ۱۲۹۷ه.ش والی پشتکوه (ایلام) مزاحمت‌هایی پی در پی برای مردم پیش آورد و به دنبال آن، حمله‌ای سراسری را به منطقه ایوان غرب آغاز کرد و ایوان را تصرف کرد.

مردم ایوان پس از مقاومت‌های فراوان در برابر تجاوز قوای والی پشتکوه، راهی جز ترك ایوان و کوچ به سوی گیلان غرب و دیره را نداشتند. از آن طرف تفنگچیان طوایف تلخانی و گوران و نیروهای مخالف امیر اعظم، از طرف شیروان چرداول در جهت حمایت از مردم به منطقه تاختند که در نتیجه آن منطقه به آشوب کشیده شد و سرانجام با پادرمیانی سالار جنگ، قضیه فیصله یافت (28).

### جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول و با هجوم نیروهای روس و انگلیس به مناطق غرب کشور، نیروهای دو کشور از جمله نیروهایی بودند که به منطقه ایلام وارد شدند و هر چند در بعضی از نقاط با هم ایلات استان درگیری جزئی به وجود آمد و تلفات سنگین بدانان وارد شد اما درگیری عمده‌ای روی نداد ولی قدر مسلم این که توان کشت و کار را از کشاورزان سلب کرده و تفنگداران محلی بسته به توان خود در گوشه و کنار با نیروهای اشغالگر درگیر می‌شدند و عقب می‌نشستند (29).

### واقعه کشف حجاب

هم‌زمان با بازگشت رضاشاه از ترکیه در سال ۱۳۱۴ شمسی پیرو دستور متحد الشکل کردن لباس‌ها، قانون کشف حجاب را صادر کرد. منطقه ایلام که در آن موقع بر طبق تقسیمات کشوری جز استان کرمانشاهان بود، نیز از این قانون مستثنی نماند ولی مقاومت مردم این منطقه که عموماً عشایر و دارای اعتقادات پاک مذهبی هستند، مانع از اجرای برنامه آنان شد و در این استان توفیقی نیافت (30).

### جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم نیروهای مهاجم، ضمن ورود به منطقه ایلام که یکی از راه‌های عبور نیروهای اشغالگر از منطقه بود، بدون هیچ گونه درگیری و برخوردی گذر کردند و فرماندهان نیروهای اشغالگر بزرگان ایلات منطقه را جمع کرده و به اطلاع آن‌ها رساندند که نیروهای تحت فرمان آن‌ها قصد هیچ مزاحمتی ندارند و این منطقه تابع فرماندار نظامی و سیاسی انگلستان (کنل فلیچر) مستقر در کرمانشاه قرار

گرفت که با پایان جنگ نیروهای اشغال‌گر از منطقه خارج شدند(31).

### حوادث دوران انقلاب اسلامی

با شروع حرکت انقلاب مردم غیور استان ایلام همانند سایر شهرهای کشور به مبارزات و تظاهرات خود علیه رژیم منحوس شاهنشاهی و دژخیمان سرسپرده ادامه دادند و پشتیبانی خود را از نهضت مقدس اسلامی و رهبر عالی قدر انقلاب امام خمینی اعلام نمودند.

در ۱۶ آبان ماه ۱۳۵۷ به دنبال اعلامیه پیشوایان دینی، بازار شهر ایلام تعطیل شد و مردم با تجمع در مسجد جامع و شنیدن سخنان حجت‌الاسلام مروارید دست به تظاهرات زدند.

در ۲۲ آبان و نهم دی ماه تظاهرات مردم با مقابله مأموران به خشونت کشیده شد و تعدادی از مردم مجروح و افرادی نیز به شهادت رسیدند. با ورود نیروهای زرهی کرمانشاه به ایلام در جهت مقابله با مبارزان، با ابتکار مردم، چنان وحشتی بر دل آنان افتاد که قدرت هرگونه عکس‌العملی از آنان گرفته شد.

تقریباً از دو ماه قبل از پیروزی انقلاب حکومت در این شهر، در دست مردم بود و از طرف روحانیون، دادگاه اسلامی در شهر تشکیل گردید که در آن به شکایات مردم رسیدگی می‌شد.

سرانجام در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با خبر سقوط رژیم شاهنشاهی، همگان به خیابان‌ها ریختند و به شادی پرداختند(32).

### جنگ تحمیلی

ایلام با بیش از ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، طولانی‌ترین مرز را در میان استان‌های هم‌مرز با این کشور، به خود اختصاص داده است.

با شروع جنگ تحمیلی مردم این استان وظیفه خطیر پاسداری از مرزها را بر عهده گرفتند و با این که کم جمعیت‌ترین استان کشور به شمار می‌رفت، مانوری صد هزار نفری را در زیر بمباران و حملات هوایی دشمن ترتیب دادند و لشگری مقتدر و عملیاتی را به نام لشکر یازده امیرالمؤمنین(ع) بر لشگرهای دیگر این سرزمین افزودند.

مناطق عملیاتی والفجر ۳، والفجر ۵، والفجر ۹، نصر ۸، کربلای ۱، کربلای ۱۰ و ... شاهد رشادت‌های فرزندان این دیار بوده است. فرزندان که بعضاً پس از بازگشت از خطوط مقدم شاهد ویرانی منازل خود در بمباران وحشیانه دشمن و شهادت خانواده خود بودند و هم اکنون نیز این مردم غیور آگاهانه و هوشیارانه در مقابل عوامل استکبار جهانی و تیم‌های اعزامی منافقین به داخل کشور در آن منطقه ایستاده‌اند.

برای نمونه می‌توان به حماسه گروهان مردمی در قلع و قمع منافقین و انهدام تیم ۶ نفره این گروهک اشاره کرد که به شهادت مظلومانه شهید رحیمی انجامید. یاد دلاور مردان این خطه گرامی و راهشان پر رهرو باد(33).

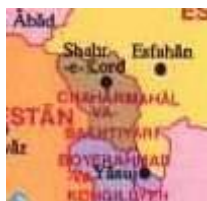
### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، آمارنامه استان ایلام ۱۳۷۵، ص ۱.
- ۲- همان، ص ۲.
- ۳- ایرج افشار سیستانی، ایلام و تمدن دیرینه آن، نگاهی به ایلام، ص ۴۷۵-۴۷۴؛ سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، همان، ص ۱۵۵-۱۵۱.
- ۴- همان، ص ۴۸۳.
- ۵- همان، ص ۴۸۴ و سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، همان، ص ۱۹۴.
- ۶- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۲۸؛ و حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، جلد اول، ص ۱۲۴.
- ۷- همان، ص ۱۷۲-۱۰۹ (با تلخیص).
- ۸- همان، ص ۲۴۷-۱۷۹ (با تلخیص).

- 9- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان ایلام، ص ۶۷-۶۹.
- 10- همان، ص ۶۷-۶۹.
- 11- ایرج افشار سیستانی، ایلام و تمدن دیرینه آن، ص ۴۰۶.
- 12- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار و ۳۲.
- 13- سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، آمار نامه استان ایلام ۱۳۷۵، ص ۶۳-۶۴.
- 14- همان، ص ۶۸.
- 15- همان، ص ۷۲.
- 16- سازمان سیاحتی و زیارتی ایلام، ص ۱۸.
- 17- سازمان برنامه و بودجه استان ایلام، همان، ص ۹۲.
- 18- محمود افندی بایزیدی، آداب و رسوم کردان، ص ۱۷۷-۱۷۲.
- 19- علی زاده و حسن ابراهیمزاده، سیمای ایلام «سرای صداقت»، ص ۱۱۷-۱۱۵.
- 20- ایرج افشار سیستانی، ایلام و تمدن دیرینه آن، ص ۳۷۸.
- 21- همان، ص ۴۱۸-۴۲۳.
- 22- همان، ص ۴۱۴.
- 23- همان، ص ۴۲۸.
- 24- مرکز آمار ایران، همان، ص ۵؛ و ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۱۲۷.
- 25- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی ۱۳۷۵، ص ۱؛ و علی زاده و حسن ابراهیمزاده، همان، ص ۱۱۳-۱۱۵.
- 26- علی زاده و حسن ابراهیمزاده، همان، ص ۱۲۹-۱۲۱ (با تلخیص).
- 27- همان، ص ۱۴۸-۱۳۰؛ و ایرج افشار سیستانی، ایلام و تمدن دیرینه، ص ۴۶۹-۴۵۹.
- 28- آیت الله محمدی، جغرافیای تاریخی ایوان غرب، ص ۱۰۱-۹۹.
- 29- همان، ص ۱۰۴.
- 30- مرتضی جعفری و دیگران، واقعه کشف حجاب، ص ۲۲۸، ۲۵۲، ۴۲۰.
- 31- آیت الله محمدی، همان، ص ۱۲۴.
- 32- علی زاده و حسن ابراهیمزاده، همان، ص ۲۰۴-۱۹۹.
- 33- همان، ص ۲۱۰-۲۰۹.

## استان چهار محال و بختیاری

بخش اول: جغرافیای طبیعی



الف) مشخصات جغرافیایی

استان چهارمحال و بختیاری با ۱۶۲۰۱ کیلومتر مربع مساحت در غرب ایران بین عرض

جغرافیایی حداقل ۲۱ درجه و ۹ دقیقه و حداکثر ۳۲ درجه و ۴۹ دقیقه شمالی از خط استوا و طول جغرافیایی حداقل ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه و حداکثر ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است (۱).

این استان از ۵ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۱۳ بخش شامل ۱۸ شهر، ۳۴ دهستان و ۹۲۵ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد و مرکز آن شهر، شهرکرد می‌باشد (۲).

استان چهارمحال و بختیاری در قلمرو مرکزی رشته کوه‌های زاگرس بین پیشکوه‌های داخلی و استان اصفهان استقرار یافته است. این استان از شمال و شرق به استان اصفهان، از غرب به استان خوزستان و از جنوب به استان کهگیلویه و بویر احمد محدود است (۳).

### ب) ویژگی‌های طبیعی

به طور کلی در ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر که مساحت عمده استان را دربر گرفته است، ریزش برف و باران از اواسط پاییز تا فروردین ادامه دارد. ولی در مناطق پست که درجه حرارت در تابستان به بیش از ۴۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد، حجم نزولات جوی کمتر است. بدین ترتیب از شمال به جنوب ضمن کاهش ارتفاعات، دما افزایش می‌یابد. فصل سرما از اواسط آبان آغاز می‌شود و ۴ تا ۵ ماه ادامه پیدا می‌کند. سردترین ماه‌های سال استان، دی و بهمن است (۴).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

استان چهارمحال و بختیاری منطقه عشایری است و تحت تأثیر شدید اقتصاد دامداری می‌باشد و از کوچ به عنوان تحرك اجتماعی و اقتصادی استفاده می‌کنند.

با توجه به میزان نزولات جوی و جاری شدن رودخانه‌های پر آب، کشاورزی یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصادی به ویژه در شرق استان چهارمحال و بختیاری محسوب می‌شود. از میان محصولات سالانه این استان غلات از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بعد از غلات، نباتات علوفه‌ای بیشترین سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده‌اند (۵).

محصولات عمده کشاورزی این استان عبارتند از: غلات شامل گندم، جو و برنج؛ حبوبات شامل انواع لوبیا، نخود و لپه؛ نباتات صنعتی شامل چغندر قند و دانه‌های روغنی؛ نباتات علوفه‌ای شامل یونجه و اسپرس، شبدر، ذرت و ماشک و محصولات باغی شامل انگور، بادام، انجیر، انار، توت و انواع میوه‌های هسته‌دار.

#### صنایع و معادن

##### صنایع دستی

در این استان تولید صنایع دستی جایگاه خاصی دارد و در میان عشایر بختیاری از رونق به سزایی برخوردار است. از صنایع دستی مهم استان می‌توان به قالی‌بافی، گلیم‌بافی، سرانداز بافی، بافت سیاه‌چادر، کلاه، دستکش و کمچمدان می‌توان اشاره کرد.

##### صنایع ماشینی

با توجه به غلبه معیشت روستایی و عشایری، جریان توسعه صنعت در این استان از رونق چندانی برخوردار نبوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و روند سازندگی در کشور، فعالیت صنایع در این استان روند چشمگیری داشته است.

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، تعداد ۱۳۵ کارخانه در زمینه‌های غذایی و دارویی، نساجی و چرم و پوشاک، چوب و محصولات چاپ و کاغذ، صنایع شیمیایی، کانی غیر فلزی، صنایع فلزی، برق و الکترونیک به فعالیت مشغول هستند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کارخانه قند شهرکرد، کارخانه یخچال سازی فارسان، کارخانه آرد سازی و ریسندگی بروجن و صنایع شیر و لبنی شهر اشاره کرد (۶).

#### معادن

مهم‌ترین معادن فعال و در حال بهره‌برداری استان در سال ۱۳۷۵ شامل معادن مرمریت

(در اکثر شهرهای استان)، سنگ لاشه در شهرهای بروجن، لردگان و شهرکرد، سنگ گچ در شهرهای فارس، لردگان و شهرکرد، خاک نسوز در شهرستان اردل و سنگ‌های تزئینی بوده است (7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

از قدیمی‌ترین نوشته‌های تاریخی که مربوط به هرودوت است چنین استنباط می‌شود که بختیاری‌ها از نژاد قدیم ایرانی هستند که از کوه‌های آرات و قفقاز به سوی مغرب حرکت کردند، عده‌ای به جنوب رود جیحون رسیدند و چون اراضی آن‌جا را خوب و وسیع و بلا منازع یافتند در کنار نهر آبی که ده‌ها مایه می‌شد مسکن گزیدند که بعدها این محل را بخت‌آر نامیدند. این قوم چون از سمت خاور به باختر آمدند همسایگان آنان را باختریان می‌گفتند (8).

سردار اسعد وجه تسمیه ایل را چنین بیان می‌کند که یکی از پادشاهان صفوی در جنگی سخت محتاج به مدد بود و نزدیک بود به کلی مغلوب شود ناگاه جمعی از سواران جنگجوی بختیاری بر دشمن حمله برق آسا برده و آن‌ها را هزیمت و سرنگون کردند. پادشاه از این اقدام و رزم بی‌امان بختیاری‌ها سخت خوشحال شد و گفت امروز بخت یار من گشت، از آن روز به بعد واژه بخت‌یار، صفت این ایل بزرگ گشت و به بختیاری معروف شدند (9). در سده‌های نخستین اسلامی، این منطقه در کتاب‌های تاریخی به نام «جردفادقان» یاد شده و در دوران دیالمه، غزنویان، خوارزمشاهیان، مغولان و اتابکان، امیر نشین بوده است. در این زمان به دو قسمت سردسیری و گرمسیری تقسیم گردید. چون این منطقه از محله‌های چهارگانه کیار، میزدج، رار و گندمان تشکیل یافته است به آن چهارمحال اطلاق کرده‌اند (10).

#### سابقه تاریخی

در اواخر دوره ساسانی شخصی به نام «فرامرز» که مذهب زرتشتی داشت در سرزمین بختیاری حکومت می‌کرد. در اوایل تسلط خلفای عباسی دو برادر در سرزمین لرستان که به دو شعبه لر کوچک (لرستان فعلی) و لر بزرگ (بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد) تقسیم می‌شد، حکومت داشتند. آن که بر سرزمین لر بزرگ حکومت می‌راند «بدر» نام داشت. بعدها اتابکان فضلونیه قریب سیصد سال بر بختیاری حکومت کردند. در زمان یکی از اتابکان فضلونیه، مغولان بر بختیاری و کوه‌های آن دست یافتند، اما اقتدار این قوم دوام نیورد و سلطه مغولان بر بختیاری‌ها وضعی ناپایدار به خود گرفت. از آغاز سلسله صفوی تاریخ بختیاری‌ها روشن‌تر است. در زمان صفوی یکی از تیره‌های بختیاری موسوم به «آستریک» به ریاست شخصی به نام «تاجمیر» و با فرمان شاه اسماعیل اول بر بختیاری حکومت می‌راند. در همین زمان بختیاری‌ها به دو بخش «هفت لنگ» و «چهار لنگ» که در اصل یک تقسیم بندی مالیاتی است، تفکیک شدند. پس از دودمان تاجمیر شخصی به نام «جهانگیرخان» به حکومت بختیاری منصوب شد. پس از فوت او برادرش «میر خلیل خان» از ریاست طایفه آستریک خلع شد و طوایف عمده بختیاری و تعدادی از تیره‌ها در حیطه اقتدار «محمدتقی‌خان چهارلنگ» باقی ماندند. طوایف هفت لنگ نیز به ریاست دو دسته خوانین «دورکی» و «بختیاروند» از طوایف عمده هفت لنگ گردن نهادند. از اواسط پادشاهی قاجار، حسینعلی خان (رئیس طایفه دورکی) با شکست قطعی خوانین بختیاروند، همه طوایف هفت لنگ را متحد ساخته و خود را «ایلخان» و برادرانش را «ایل بیگی» نامید و ریاست ایل هفت لنگ و اداره امور کل منطقه بختیاری را به عهده گرفت.

بررسی‌های تاریخی ایران از اواخر دوره صفویه به بعد نشان می‌دهد که ایل بختیاری و در رأس آن خوانین بختیاری به دلیل برخورداری از شرایط ویژه جغرافیایی قلمرو ایلی و سازمان قبیله‌ای، در بیشتر حوادث و وقایع تاریخی کشور حضور مؤثر و فعال داشتند.



در طول دوره حکومت سلسله‌های صفوی، افشار، زندیه و قاجار عمده قشون سلاطین سلسله‌های مزبور از بختیاری‌ها تشکیل می‌شد، به طوری که علی‌قلی‌خان سردار اسعد اشاره دارد همواره صدنفر از سواران بختیاری به ریاست چند تن از خان‌زادگان بختیاری حفظ نظم شهر تهران و حتی نگهداری از دربار قاجار را به عهده داشتند. پس از به قدرت رسیدن رضاخان، وضع زندگی سنتی ایل بختیاری از هم پاشید. رضاخان برای کسب قدرت هرچه بیشتر و متمرکز کردن آن در تهران، به سرکوب شدید عشایر پرداخت و عده زیادی از آنان را اعدام و یا به زندان افکند و در مسیر کوچ آنان نیز حکومت نظامی برقرار کرد (11).

#### آثار و بناهای تاریخی

قلعه دزک (جنوب شرقی روستای دزک).  
قلعه شلمزار.

پل زمان خان (29 کیلومتری شمال شهرکرد).

سنگ نوشته‌های دوره مشروطیت (پیر غار).

قلعه جونقان (۳۸ کیلومتری شهرکرد).

قلعه چالشر (۱۰ کیلومتری شهرکرد).

حمام درب امامزاده (روبه روی مسجد قدیمی اتابکان شهرکرد).

مدرسه علمیه امامیه شهرکرد.

تونل کوه رنگ (نزدیکی چلگرد).

پل دو پلان (بر روی زاینده رود).

پل شارلو (۷ کیلومتری سامان).

حمام فرادنبه حمام سفید دشت، حمام شلمزار، حمام چلیچه (سامان).

حمام شهرک (شهرکرد).

عمارت خانه فرخ‌شهر و قلعه شمس آباد (لردگان).

حمام حاج عبدالله (شهرکرد) (12).

#### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

##### فصل اول: جمعیت و ویژگی‌های آن

در آبان ماه ۱۳۷۵، جمعیت استان ۷۶۱۱۶۸ نفر بوده است. از این تعداد ۳۸۴۲۸۳ نفر مرد و ۳۷۶۸۸۵ نفر زن بوده است. همچنین از این تعداد ۳۴۲۹۰۵ نفر در نقاط شهری و ۴۱۷۰۰۵ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (13).

جدول ۴-۲- جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	761168	384283	376885	143260
ساکن در نقاط شهری	342905	173736	169169	67134
ساکن در نقاط روستایی	417005	209913	207092	75912
غیر ساکن	1258	634	624	214
شهرستان اردل	64514	32490	32024	11241
ساکن در نقاط شهری	12321	6450	5871	2177
ساکن در نقاط روستایی	52054	25971	26083	9040
غیر ساکن	139	69	70	24
شهرستان بروجن	104485	52405	52080	20610
ساکن در نقاط شهری	71238	35877	35361	14355

6255	16719	16528	33247	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
67667	168059	169867	337926	شهرستان شهرکرد
39874	97887	99650	197537	ساکن در نقاط شهری
27793	70172	70217	140389	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
19136	54488	56223	110711	شهرستان فارس
7891	21909	22960	44869	ساکن در نقاط شهری
11055	32025	32698	64723	ساکن در نقاط روستایی
190	554	565	1119	غیر ساکن
24606	70234	73298	143532	شهرستان لرستان
2837	8141	8799	16940	ساکن در نقاط شهری
21769	62093	64499	126592	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان چهارمحال و بختیاری.

#### وضع فعالیت

از تعداد ۵۵۲۲۱۸ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان در سال ۱۳۷۵، ۲۰۰۳۹۱ نفر فعال و ۳۴۵۶۳۴ نفر غیرفعال و ۶۱۹۳ نفر اظهار نشده بوده‌اند. از مجموع جمعیت فعال استان، ۱۸۴۷۱۹ نفر شاغل، ۴۰۲۳ نفر بی‌کار قبلاً شاغل، ۱۱۶۴۹ نفر بی‌کار قبلاً غیر شاغل بوده‌اند و از مجموع جمعیت غیر فعال، ۱۶۷۴۸۶ نفر محصل، ۱۴۶۹۵۰ نفر خانه‌دار، ۱۳۶۵۹ نفر دارای درآمد بدون کار و ۱۷۵۳۹ نفر جزء گروه سایر بوده‌اند. همچنین از تعداد جمعیت فعال استان ۱۵۹۹۳۱ نفر مرد و ۴۰۴۶۰ نفر زن بوده‌اند (۱۴).

#### زبان و نژاد

بختیاری‌ها از نژاد قدیم ایرانی هستند که از سوی جبال آرات و قفقاز به سمت شرق حرکت کردند. آن چه مسلم است مردم این استان از نژاد قبایل پارسی می‌باشند که در سده‌های ۶ و ۷ ق.م در دامنه کوه‌های بختیاری در شرق شوشتر و در دو سوی رود کارون مستقر شده‌اند و با عیلامیان که مردم بومی آن سرزمین بوده‌اند در آمیخته‌اند و در نتیجه نژاد واحدی به وجود آورده‌اند. مردم این منطقه ایرانی الاصل‌اند، از هرگونه اختلاط و آمیزش با نژادهای غیر ایرانی مصون مانده‌اند و در معرض تهاجم تمدن‌های مختلف کشورگشایان و فاتحان بیگانه، قرار نگرفته‌اند.

زبان مردم استان چهارمحال و بختیاری از اصیل‌ترین زبان‌های فارسی است که ریشه آن فارسی پهلوی است و به خاطر موقعیت جغرافیایی خاص سرزمین بختیاری، پای بیگانگان کمتر به این منطقه رسیده است. به همین سبب در طول چند سده به طرز معجزه آسایی از اختلاط و امتزاج با دیگر زبان‌ها محفوظ مانده است. نزدیکی لهجه شیرین بختیاری با زبان پهلوی به قدری است که زبان شناسان آن دو را از هم جدا نمی‌دانند و می‌توان گفت که گویش بختیاری از زبان پهلوی به یادگار مانده است (۱۵).

#### فصل دوم: آموزش و پرورش

در آبان ۱۳۷۵، از ۶۴۹۶۶۴ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۷۷ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی ۱۴-۶ ساله، ۶۴/۹۵ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۲۵/۶۷ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۱۴-۶ ساله)، نسبت باسوادی در نقاط شهری ۱۰/۹۸ درصد و در نقاط روستایی ۸۴/۹۳ درصد بوده است (۱۶).

#### مراکز دانشگاهی

تعداد دانشجویان دانشگاه‌های استان بر حسب جنس. سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶:

نام دانشگاه	جمع	مرد	زن	تعداد	درصد
جمع	12423	7598	61/2	4825	38/8
دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد	1048	557	53	491	47
دانشگاه شهرکرد	2461	2030	82/5	431	17/5
دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهرکرد)	5559	3378	60/77	2181	39/23
دانشگاه پیام نور (مرکز آموزش شهرکرد)	1880	896	47/7	984	52/3
دانشگاه پیام نور (مرکز آموزش بروجن)	1475	737	49/9	738	50/1

مأخذ: آمار نامه استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۵.

#### امکانات فرهنگی - تفریحی

##### کتابخانه‌ها

کتابخانه‌های عمومی تحت پوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در شهرستان‌های استان: ۱۳۷۵

شهرستان	کتابخانه‌های عمومی	تعداد	کتاب موجود
کل استان	23	176925	10295
شهرکرد	10	85905	5594
بروجن	4	33175	1505
فارسان	4	37090	1394
لردگان	2	9050	692
اردل	3	11705	1110

مأخذ: آمار نامه استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۵.

##### سینما

سینما، تئاتر و تعداد تماشاگران در شهرستان‌های استان: ۱۳۷۵

شهرستان	سینما	تئاتر (نمایش)	تعداد	تماشاگران
کل استان	3	162588	55	16200
شهرکرد	2	162588	23	10200
بروجن	1	0	10	2000
فارسان	0	0	10	2000
لردگان	0	0	12	2000
اردل	0	0	0	0

مأخذ: آمارنامه استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۵.

##### پارک‌ها

این استان در سال ۱۳۷۰، دارای ۱۷ پارک تفریحی، ۹ پارک جنگلی، یک پارک شهر، ۴ پارک کودک و ۲ پارک عمومی بوده است (۱۷).

## اماکن ورزشی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۱۶ استادیوم مورد بهره برداری و یک استادیوم در دست ساختمان، ۳۳ سالن ورزشی مورد بهره برداری و ۲ سالن در دست ساختمان، ۲ استخر شنا، ۵ باشگاه باستانی، ۳ پیست دو و میدانی و ۳ پیست در دست ساختمان، ۹ زمین چمن فوتبال، ۱۱۹ زمین خاکی فوتبال، ۸ زمین والیبال، ۳ زمین بسکتبال و ۴ زمین هندبال بوده است (۱۸).

## فصل سوم: آداب و رسوم

### ماه مبارك رمضان

در این استان چند روز به ماه رمضان مانده مردم به فکر تهیه خواروبار و مایحتاج می‌افتند. از این میان برنج غذای اصلی مردم در ماه مبارك رمضان است. با شروع ماه مبارك، مراسم ختم قرآن انجام می‌شود و مجالس سخنرانی نیز در مساجد برپا می‌شود. در شب نوزدهم که شب قدر و شب ضربت خوردن حضرت امیرالمومنین علی(ع) است، در این استان مجالس و مساجد را با پارچه‌های مشکی سیاه پوش می‌کنند. شب شهادت حضرت علی(ع) مردم این استان برای اموات خود خرما خیرات می‌کنند. در این ایام در بعضی از محلات شهر عزاداری گرم و جان‌سوزی برپا می‌شود و عزاداران هر محله در مسجد خود به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند.

شب‌های احیا، روزه داران پس از خواندن نماز مغرب و عشا چون شب‌های دیگر افطار می‌کنند. پس از صرف افطار و کمی استراحت آن‌هایی که قصد شب زنده‌داری و راز و نیاز با خداوند دارند برای احیا به مسجد می‌روند و هر کس جای مناسبی را انتخاب و جانمازش را پهن می‌کند. زن‌ها نیز در قسمتی از شبستان مسجد که با پرده‌ای، از محل مردها جدا شده است جا می‌گیرند و جانمازشان را می‌اندازند.

دعاهای مخصوص شب‌های احیا عبارتند از: جوش کبیر، جوش صغیر، توسل به ائمه و دعاهای دیگر که از میان دعاهای جوش کبیر مشهورترین و متداول‌ترین دعاست (۱۹).

### ماه محرم

مراسم سوگواری اهل بیت(ع) در میان بختیاری‌ها اهمیت خاصی دارد و همراه با سوز و گداز برگزار می‌شود. عزاداری برای ائمه اطهار به ویژه در ماه محرم مثل تمام نقاط ایران با شکوه می‌باشد. شیوه اجرای مراسم تقریباً مثل سایر نقاط ایران است. دسته‌های زنجیر زنی، سینه زنی و حضور در مراسم مساجد و تکایا و گوش دادن به سخنان و عاظ از جمله جلوه‌های برگزاری این گونه مراسم است (۲۰).

معمولاً هر یک از محلات دارای دسته جات خاص سینه زنی و زنجیر زنی است ولی شبیه خوانی و تعزیه گردانی، در سطح کمتری اجرا می‌شود.

گل رس سمبل غم و اندوه و عزا به شمار می‌رود و مردم در روز عاشورا به سر و صورت خود می‌مالند. بعضی از مردم شب‌های دهه اول محرم، پارچه‌هایی سیاه را بر چهار دیوار بعضی اطاق‌ها آویزان می‌کنند که بدان سقاخانه می‌گویند، و با چای و خرما از عزاداران حسینی پذیرایی به عمل می‌آورند.

مراسم شام غریبان در بیشتر مناطق استان اجرا می‌شود. در این مراسم، دسته‌ها با به سر کشیدن طبق‌های نان و خرما و پاشیدن کاه بر سر و روی همراهان و خواندن آواز غمگین مانند: امشب شب شام غریبان اسیران حسین نالان و گریان و ... به خانه‌های مورد نظر رفته و به مصیبت نوحه خوانان گوش فرا می‌دهند (۲۱).

### مجلس ترحیم

در ایل بختیاری وقتی کسی فوت می‌کند، ایل یکپارچه غرق ماتم و غم می‌شود. سالی طول می‌کشد تا یاد عزیز از دست رفته به فراموشی سپرده شود. لحظه‌ای صاحب عزا را رها نمی‌کنند، «چوقا» از تن بیرون می‌کنند و لباس سیاه می‌پوشند. وقتی خبر مردن مرد یا زن

بختیاری به گوش دیگران می‌رسد، همه جمع می‌شوند تا مراسم دفن و کفن را انجام دهند. بعد از غسل، سیدی را خبر می‌کنند تا بر مرده نماز بگذارد و سپس مرده را به خاک می‌سپارند. پس از مراسم خاک سپاری، مردها در فاصله دور می‌ایستند و زن‌ها به دور گور حلقه می‌زنند و گریه و زاری می‌کنند و همراه با مرثیه که «گاگریو» گفته می‌شود به ذکر خصوصیات اخلاقی مرده می‌پردازند. در این هنگام توشمال‌ها آهنگ غم انگیزی به نام «چی» می‌نوازند. بعد از این مراسم «خیرات» شروع می‌شود. معمولاً زن‌هایی که پا به سن هستند و شوی از دست می‌دهند، دیگر لباس سیاه را از تن بیرون نمی‌آورند و تا آخر زندگی سیاه پوش می‌مانند. اما اگر زن جوان، شوهر از دست داده باشد، بعد از يك سال، زن‌های مسن با لباس‌های رنگارنگ که قبلاً آماده کرده‌اند، نزد او می‌روند و با اصرار از او می‌خواهند که لباس سیاه را از تن بیرون کند (22).

### مراسم عروسی

از دواج در میان بختیاری‌ها معمولاً به صورت درون ایلی انجام می‌گیرد و کمتر پیش می‌آید که مرد بختیاری با زن غیر بختیاری و یا زن بختیاری با مرد غیر بختیاری از دواج کند. بختیاری‌ها معمولاً دختران و پسران خردسال را برای تحکیم مناسبات قومی و طایفه‌ای برای هم «ناف بر» می‌کنند.

انتخاب عروس به عهده مادر داماد است. برای خواستگاری در مرحله اول پدر و مادر پسر به همراهی ریش سفیدان به خانه پدر دختر رفته و پس از خوردن چای و شیرینی از خانواده دختر خواستگاری می‌کنند. اطرافیان با گفتن این جمله که «این پسر را به غلامی خودتان قبول کنید» مقصود خود را بیان می‌کنند، در صورتی که پدر دختر راضی نباشد بهانه‌ای می‌آورد و در غیر این صورت پدر داماد ضمن توافق‌های لازم از پدر عروس نیز قول موافق می‌گیرد. پس از این توافق، مادر و خواهران داماد وقتی را برای رفتن به خانه عروس تعیین می‌کنند و پس از اطلاع دادن به خانواده عروس، همراه با هدایایی چون شلوار، پیراهن، کفش، مینا (روسری)، حنا و مقداری قند به خانه دختر می‌روند. این مراسم را «بلکه برون» می‌نامند و هدایای آن نیز به «دستگیران» معروف است.

در مراسم «بلکه برون»، وعده قرار مراسم «شیرینی اشکنون» را می‌گذارند. مراسم شیرینی اشکنون نیز در خانه عروس صورت می‌گیرد. يك روز قبل از این مراسم خانواده پسر مقداری قند و چای و گوسفند به خانه دختر می‌فرستد. این اجناس را «خرج» می‌گویند و روز بعد تمامی خانواده داماد همراه ریش سفیدان و «توشمال‌ها» (نوازندگان محلی) به خانه عروس می‌روند. همه خانواده عروس نیز در این مراسم حضور دارند. در این روز میزان شیربها یا «باشلق» تعیین می‌شود. پس از تعیین شیربها، توشمال‌ها می‌نوازند و مهمان‌ها به شادمانی می‌پردازند. بعد از صرف غذا مدت پرداخت شیربها تعیین می‌شود. در این قسمت از مراسم، کله قندی را می‌شکنند و به هر کس از کوچک و بزرگ تکه‌ای می‌دهند تا دهان‌شان را شیرین کنند. به این بخش از مراسم «قند اشکنون» می‌گویند. در قند اشکنون تاریخ عروسی را تعیین می‌کنند و تا زمان عروسی داماد مجاز است که به خانه پدر زنش سر بزند. هنگامی که داماد آمادگی برگزاری عروسی را داشته باشد قاصدی به خانه پدر زن می‌فرستد تا روز عروسی را تعیین کند و در ضمن برای دختر «گردآوری» بکنند (یعنی جهیزیه او را حاضر کنند). يك روز پیش از عروسی، مقداری «بارونبش» به نام «باروزی» از طرف خانه داماد به خانه عروس ارسال می‌شود. صبح روز عروسی خانواده‌های وابسته به داماد همراه با توشمال‌ها شادی کنان به طرف خانه عروس راه می‌افتند. زنان و دختران قبل از وارد شدن به خانه عروس در میانه راه آوازهایی می‌خوانند که در اصطلاح به آن «دوالالی» می‌گویند. نزدیک خانه عروس که رسیدند خانواده عروس به پیشواز می‌آیند و مهمانان را به داخل می‌برند (23).

### عید نوروز

از نخستین روزهای ماه اسفند جنب و جوش در تدارک برای برگزاری نوروز آغاز

می‌گردد. خانه‌تکانی، شست‌وشوی وسایل منزل، تهیه لباس و ... از نیمه اول اسفند دانه‌های گندم یا عدس را برای سبزه عید، خیس می‌کنند.

از جمله کارهای پیش از آیین نوروزی، شب ویژه مردگان است که هر خانواده در شب جمعه آخر سال برای شادی و آمرزش مردگان خود مراسمی برگزار می‌کند و ضمن رفتن به گورستان، بر مزار مردگان خود دعا می‌خوانند و خرما و حلوا پخش نموده و یا بر قبر آن‌ها شمع می‌افروزند.

همان طور که در همه جای ایران مرسوم است، در این استان نیز چیدن سفره هفت سین از مهم‌ترین آیین‌های نوروزی است. بر سر این سفره سمنو، سیر، سبزه، سکه، سماق، سنبل و سیب می‌گذارند و سفره را رو به آفتاب یا مشرق و یا رو به جنوب پهن کرده و بر بالای آن آیینه و در وسط یک کاسه چینی آب که یک یا دو ماهی در آن انداخته شده می‌گذارند. یک جلد قرآن، یک عدد شمع، یک بشقاب تخم مرغ رنگ آمیزی شده و چند شاخه شکوفه از جمله چیزهای دیگری است که بر سر سفره می‌گذارند.

از دقایقی پیش از تحویل سال اعضای خانواده با لباس نو در کنار سفره هفت سین می‌نشینند و بزرگ خانواده دعای تحویل سال را می‌خواند. سپس کوچک‌ترها دست بزرگ‌ترها را می‌بوسند و به عنوان عیدی نخستین سکه یا پول را دریافت می‌دارند. این نکته قابل ذکر است که اگر خانواده‌ای عزادار باشد، سال اول سفره هفت‌سین نمی‌چینند و به دید و بازدید نمی‌روند (24).

#### ضرب المثل‌ها

- رو به جایی که بخوننت نه جایی که چو وردارن بروننت.  
جایی برو که دعوت کرده باشند نه جایی که چوب بردارند و بیروننت کنند.  
- با زبون خُشی، کوهی با مویی بکش.  
با زبان خوش می‌توان کوهی را به وسیله مو کشید.  
- ای خدا بارون بزن، بُزم بزایه بلیت‌ها که ایگرن بووم خدایه.  
خداندا باران ببار تا گوسفندم بزاید، درختان بلوط که ثمر می‌گیرند پدرم خداست. اشاره به وقتی است که همه کارها بر وفق مراد انسان باشد.  
- کور به شل ایگو کارانه بکن.

کور به شل می‌گوید کارها را بکن. «اشاره به این که کارها را به ناهلش سپردن.»  
- آریبیز بگیر جلو ریت هر طور وت نگاه کردن.  
همان طور نگاه کن. «اشاره به این که هر کس را بر حسب رفتاری که با تو دارد، با او عمل کن.»

- دو هدر ودا ایبره گور وگا.  
دختر به مادر می‌برد و گوساله به گاو. «یعنی هر کس به اصل خود رجوع می‌کند.»  
- شاد اوید مهمون، بالاش بخورم نون.  
شاد آمد مهمان که از پرتو او نان بخوریم. «اشاره به این که رزق مهمان پیش از خودش می‌رسد.»

- بجور جاته بنه پاته.  
اول جاییت را پیدا کن بعد پاییت را بگذار.  
- بز و پا خوس ایزنن و دار میش و پا خوس.  
بز را با پای خودش به دار می‌زنند و میش را هم به پای خودش.  
- تا رهی نری، مرد ینه نی آزمائی.  
تا راه نروی، مرد را نمی‌آزمائی. «اشاره به این که مرد در سفر شناخته می‌شود.»  
- دام و بوم ای سازه، بوم لنگ تیز ایازه.  
مادرم با پدرم راه می‌آید، پدرم با او ناسازگاری می‌کند.  
- هر چه لر ایگو، و دل پر ایگو.

هر چی لر می‌گوید، از دل پر می‌گوید. «اشاره به این که تا دلی آتش نگیرد، حرف جان‌سوزی نگوید(25)».

#### باورها

-وقتی که ماری را با تفنگ می‌کشند همزمان با شلیک تیر می‌گویند «باجفتش»؛ چون عقیده دارند که جفت مار، گشونده مار را قصاص می‌کند.

-اگر در شب خرده نان زیر پای کسی باشد به هنگام خواب، خواب‌های وحشتناک می‌بیند.  
-اگر به هنگام خمیر کردن، به صورت اتفاقی قسمتی از خمیر بپرد می‌گویند میهمان خواهد آمد.

-وقتی نرمی گوش کودکی درد بگیرد می‌گویند عیبی ندارد خاله یا عمه‌اش چاقو بر آتش گذاشته است.

-اگر کسی بدون قصد با دو دست لقمه‌ای را بخورد می‌گویند سال قحطی می‌آید.

-برای آن که بفهمند زن حامله بچه‌اش دختر است یا پسر، مار مرده‌ای در هوا پرتاب می‌کنند، اگر مار به شکم به زمین افتاد، زائو پسر و اگر به پشت افتاد زائو دختر به دنیا می‌آورد.

-شب هنگام نمک، تخم مرغ و کلاً هر چیز سفید را نباید از خانه بیرون برد، شگون ندارد.  
-اگر کفش‌ها روی هم بیفتد می‌گویند صاحب آن مسافر است(26).

### بخش پنجم: اوضاع سیاسی - مذهبی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

#### الف) پیشینه مذهبی

قبل از ورود اسلام ساکنان چهارمحال و بختیاری مثل سایر نقاط ایران تابع دین زرتشت بودند و وجود بسیاری از مکان‌هایی که نام زرتشتی دارند و نیز آثاری از آتشکده زرتشتی در محل آتشگاه لردگان گواه این واقعیت است. البته در قسمت‌هایی از استان، گورستان‌های بسیار کهن مربوط به دوران‌هایی که مردمان این سرزمین آیین خورشید پرستی «میترائیسم» داشتند در دل خاک وجود دارد. تا عهد هارون الرشید، آتشکده زرتشتیان در شهر ایذه بر پا بود.

بعد از شکست سپاه ساسانی در مقابل سپاه مسلمانان عرب، دین اسلام در ایران به عنوان بهترین برنامه زندگی با خواست مردم پذیرفته شد. با این همه سپاهیان اسلام در تصرف مناطق کوهستانی بختیاری توفیق چندانی نداشتند.

کم‌کم قشرهای مستضعف روستایی و عشایری دین اسلام را به عنوان یک تکیه‌گاه قوی برای مقابله با حکام و امرای زورگو، با رضایت کامل پذیرفتند. بختیاری‌ها قبل از پذیرش مذهب تشیع به وسیله اکثریت مردم ایران، این مذهب را پذیرفتند و مذهب شیعه از طریق شوشتر به نواحی بختیاری نفوذ کرد(27).

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت این، ۸۷/۹۹ درصد را مسلمانان تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت در نقاط شهری ۸۶/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۸۷/۹۹ درصد بوده است(28).

#### ب) اماکن مذهبی

در این استان تا سال ۱۳۷۵ تعداد ۵۹۴ مکان مذهبی وجود داشته است که شامل ۴۲۵ باب مسجد، یک مصلی، ۶۹ زیارتگاه و امامزاده، ۴ نظرگاه و قدمگاه، ۳ زیارتگاه سایر بزرگان دین، ۸۰ حسینیه، یک فاطمیه و ۲ مهدیه بوده است(29).

#### امامزاده‌ها

امام زاده سلطان ابراهیم فرزند امام موسی کاظم(ع)، (۸۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان ایذه).



امام زاده سید صالح(ع)، (۳۰ کیلومتری غرب ایذه).  
 امام زاده عزالدین احکم الحاکمین بن عبدالله بن موسی کاظم(ع)، (دامنه کوه منگشت).  
 امام زاده سید نورالله بن سید نورالدین معروف به شاهپور از فرزندان امام موسی کاظم(ع)،  
 (۲۰ کیلومتری جنوب بخش دهدز).  
 امام زاده سید اسماعیل(ع)، (۷ کیلومتری شمال غربی شلیل).  
 امام زاده حمزه علی(ع) از فرزندان حضرت امام زین العابدین(ع)، واقع در ۱۰ کیلومتری  
 غرب شهر بلداجی.  
 امام زاده محمد ابراهیم(ع)، از نسل امام موسی کاظم(ع)، (روستای ده‌شیخ).  
 امام زاده صالح ابراهیم(ع)، (سرکیجه شمیار).  
 شاهزاده عبدالله(ع) از نوادگان امام موسی کاظم(ع)، (آرنپاهی).  
 امام زاده حلیمه و حکیمه خاتون، در شهرکرد.  
 امامزاده بابا پیر احمد فرزند سید بهاء الدین محمد، (سامان(30)).

#### مساجد

مسجد اتابکان، شهرکرد.  
 مسجد خان جامع، شهرکرد.  
 مسجد جامع شهرک، (۶ کیلومتری جنوب شرقی فرخ شهر و شرق شهرکرد).  
 مسجد جامع چالستر، (۹ کیلومتری شهرکرد).  
 مسجد جامع کیان، (۵ کیلومتری شهرکرد).  
 مسجد جامع فرخ شهر، (مرکز فرخ شهر(31)).

#### ج) مدارس دینی

امروزه در شهرستان‌های مختلف استان چهارمحال و بختیاری، مدارس علوم دینی با  
 برنامه‌های جدید به تربیت طلاب و مشتاقان معارف اسلامی می‌پردازند. مهم‌ترین مدارس  
 علمیه این استان که تحت پوشش حوزه علمیه قم نیز هستند به شرح زیر می‌باشند:

- 1- مدرسه امامیه، شهرکرد.
- 2- مدرسه حضرت مهدی(عج)، بروجن.
- 3- مدرسه امام صادق(ع)، فارسان.
- 4- مدرسه قائمیه، فرخ شهر.
- 5- مدرسه ولی عصر(عج)، لردگان(32).

#### د) بزرگان و مشاهیر

مرحوم آیت الله سید باقر دهکردی.  
 مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم بن سید محمد باقر دهکردی، (۱۳۵۳-۱۲۷۲ه.ش).  
 حاج علی قلی خان (سردار اسعد اول) از سران آزادی خواه و مشروطه طلب.  
 خان بابا خان اسعد بختیاری از سران آزادی خواه و مشروطه طلب (۱۳۱۲-۱۲۵۷ه.ش).  
 عمان سامانی، (متوفی ۱۳۲۰ه.ق)، شاعر معروف معاصر و صاحب کتاب گنجینه‌الاسرار.  
 عبدالعلی خسروی، نویسنده و شاعر عصر حاضر.  
 یوسف علی میرشکاک، نویسنده و محقق عصر حاضر.  
 پژمان بختیاری، شاعر معروف بختیاری.  
 داراب افسر بختیاری، شاعر و مؤلف دوره معاصر.  
 مهرباب امیری، نویسنده، محقق و شاعر معاصر بختیاری(33).

#### فصل دوم: اوضاع سیاسی

##### حوادث دوره مشروطه

مشروطه خواهی سران ایل بختیاری و چگونگی نبرد آن‌ها علیه محمدعلی شاه را باید یکی  
 از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های مربوط به تاریخ انقلاب مشروطه دانست. سال‌ها پیش  
 از اوج گرفتن نهضت انقلابی ایران، مامورین سیاسی انگلستان که در ایران آمد و شد

می‌کردند، در میان این ایل راه یافته و با رؤسای آن‌ها رابطه دوستی نزدیکی برقرار کردند و تحت عنوان نگهداری از آن‌ها در قبال اجحافات دولت مرکزی حمایت دولت متبوع خود را به آن‌ها وعده داده و آن‌ها را به حلقه دوستی با بریتانیا کشاندند.

سردار اسعد یکی از اعضاء فعال گروه مشروطه خواهان بود که در خارج از کشور اقامت داشته و علاقه‌مند بود که هر چه زودتر رژیم مشروطه در ایران برقرار گردد. وی پس از مراجعت به بختیاری طی تلگرافی، وفاداری خود را به مقام سلطنت و دولت ابراز کرد، ولی در آن تلگراف، تقاضای بازگشایی مجلس و استقرار مشروطیت را کرد(34).

سران این ایل در زمان حکومت قاجار از قرب و منزلتی فراوان برخوردار بودند و برای خود تشکیلات و مقررات خاصی داشتند. حتی در بعضی مواقع، خان‌های ایل به عنوان عامل حکومتی تلقی می‌شدند و از این راه درآمدهای کلان و ثروت فراوان و زمین‌های وسیعی را تصاحب می‌کردند. از دولت و حکومت مرکزی مستمری دریافت می‌کردند و از طرف دیگر از رعایای خود مالیات نقدی و جنسی، باج و خراج و حتی حق سرزمین از درآمد استخراج نفت را اخذ می‌کردند. به هر صورت سران ایل چون جعفر قلی خان سردار اسعد، امیر مجاهد، سردار جنگ، سردار محتشم و دیگران توانستند پس از انقلاب مشروطیت به پست‌های حساس کشوری و لشگری دست یابند. چنانچه صمصام السلطنه بختیاری در سال ۱۳۳۶ قمری به سمت نخست‌وزیری و وزارت امور خارجه و عموزاده‌اش لطفعلی خان امیر مفخم نیز به وزارت جنگ گمارده شد(35).

#### بختیاری‌ها در دوره پهلوی

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی و روی کار آمدن رضاخان و تشکیل حکومت مرکزی قوی که مبنای سیاست جدید انگلستان بود، خود به خود این ایل دچار ضعف گردید. رضاخان به بهانه حمایت از شیخ خزعل و شرکت بعضی از سران بختیاری در قیام سعادت به سرکوبی این ایل پرداخت. رضاخان با سیاست تخت‌قاچاق کردن عشایر، به مقابله با بختیاری‌ها پرداخت که در نهایت سبب کشته و زندانی شدن تعداد زیادی از خوانین شد. از آن به بعد، بختیاری‌ها دیگر نتوانستند قدرتی به دست بیاورند. در دوران محمدرضا شاه نیز اگر چه تیمور بختیار، به عنوان اولین رییس اطلاعات و امنیت کشور چندین سال با قدرت، انجام وظیفه می‌کرد، ولی این قدرت در جهت تثبیت حکومت وقت بود و هیچ سودی برای بختیاری‌ها نداشت(36).

#### حوادث دوران انقلاب اسلامی

مردم چهارمحال و بختیاری همانند سایر مردمان کشور در پیروزی انقلاب اسلامی نقش به‌سزایی داشتند و در تمام صحنه‌های انقلاب از جان و مال خود دریغ نداشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ مردم این ناحیه نیز سرنوشت و اداره امور استان را در دست گرفتند. مردم شهید پرور و مسلمان این استان در صحنه‌های جنگ تحمیلی و مبارزه با عوامل ضد انقلاب فداکاری‌ها نمودند و رزم آن‌ها در میدان‌های نبرد زبان زد خاص و عام بود. تیپ قمر بنی هاشم که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از موفق‌ترین نیروهای رزمی بود متشکل از جوانان دلاور این ناحیه می‌باشد(37).

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵، ص ۶-۵.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان چهارمحال و بختیاری، ص پانزده.
- 3- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان چهارمحال و بختیاری، ص ۲۳.
- 4- همان، ص ۲۴.
- 5- همان، ص ۳۳.
- 6- سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری، آمار نامه استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۶.

- 7 - همان، ص ۳۳۹-۳۴۱.
- 8 - اسفندیار آهنجیده، ایل بختیاری و مشروطیت، ص ۱۴.
- 9 - امیرحسین احمدی، گلچینی از تاریخ و فرهنگ بختیاری، ص ۱۵.
- 10 - ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۲۱۷.
- 11 - حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۵-۲۸.
- 12 - همان، ص ۶۷-۷۳.
- 13 - مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 14 - همان، ص ۶۶.
- 15 - ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۲۱۹-۲۲۰.
- 16 - مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 17 - وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی و اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری، ص ۳۹-۴۱.
- 18 - سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۲۱۵-۲۱۶.
- 19 - سیداحمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول.
- 20 - همان، ص ۸۹.
- 21 - عزت‌الله چنگانی، محمد حنیف، فرهنگ قوم لر، ص ۹۴-۹۵.
- 22 - همان، ص ۸۹-۹۰.
- 23 - حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۸۵-۸۷.
- 24 - سید فرید قاسمی، لرستان نامه، ص ۱۲۹-۱۳۲.
- 25 - حافظ عید یوندی، نگرشی بر ایل بختیاری، ص ۵۰۵-۵۰۱.
- 26 - غلامعباس نوروزی بختیاری، کتاب آنزان، کتاب دوم، ص ۱۶۴.
- 27 - سعید مردانی کرّانی، تاریخ، تمدن و فرهنگ چهارمحال و بختیاری، ص ۱۲۵-۱۲۶.
- 28 - مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
- 29 - مرکز آمار ایران، طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور، ۱۳۷۵، ص ۱.
- 30 - امیرحسین احمدی اورک بختیاری، گلچینی از تاریخ و فرهنگ بختیاری، ص ۳۴۵-۳۳۳ (با تلخیص).
- 31 - حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۷۵-۷۷.
- 32 - مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 33 - عبدالعلی خسروی، فرهنگ و ادبیات بختیاری، ص ۵۷.
- 34 - اسفندیار آهنجیده، ایل بختیاری و مشروطیت، ص ۱۰۹-۱۱۰.
- 35 - حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۸.
- 36 - اسفندیار آهنجیده، همان، ص ۱۱-۱۲.
- 37 - سعید مردانی کرّانی، همان، ص ۱۱۱-۱۱۲.

# استان بوشهر

## بخش اول: جغرافیای طبیعی



### مشخصات جغرافیایی

استان بوشهر با مساحتی حدود ۲۳۱۹۱ کیلومتر مربع، بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این استان از شمال به استان خوزستان و قسمتی از کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از استان هرمزگان، از شرق به استان فارس و از غرب به خلیج فارس محدود است. استان بوشهر با خلیج فارس بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز دریایی دارد و از اهمیت سوق الجیشی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار است.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری استان بوشهر مشتمل بر ۸ شهرستان، ۱۷ بخش، ۱۳ شهر، ۳۶ دهستان و ۷۰۶ آبادی دارای سکنه است. شهرستان‌های استان بوشهر عبارتند از: بوشهر، تنگستان، دشتستان، دشتی، دیر، دیلم، کنگان و گناوه(۱).

### ویژگی‌های طبیعی

استان بوشهر از نظر پستی و بلندی به دو قسمت جلگه‌ای و کوهستانی تقسیم می‌شود: قسمت جلگه‌ای استان در امتداد خلیج فارس قرار دارد که عرض آن نیز در جهت شمال غربی (ناحیه بندر دیلم) به قسمت جنوب شرقی افزایش می‌یابد و حداکثر به ۱۴۰ کیلومتر در امتداد دره رودمند می‌رسد. جلگه مذکور از رسوبات رودهای دالکی، شاپور، اهرم و مند تشکیل یافته است.

قسمت کوهستانی استان از دو رشته کوه عمده تشکیل می‌شود که در سراسر طول استان به موازات هم امتداد یافته است. این رشته کوه‌ها مشتمل بر ارتفاعات گچ ترش و ارتفاعات نوکند است که به ترتیب در محدوده شمال و شرق استان قرار دارند. به طور کلی آب و هوای بوشهر در نوار ساحلی گرم و مرطوب و در قسمت‌های داخلی گرم و خشک صحرایی است. زمستان نسبتاً خنک، تابستان گرم و خشک و طولانی و پاییز و بهار این استان زودگذر است(۲).

## بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

### کشاورزی و دامپروری

استان بوشهر به خاطر داشتن امکانات و قابلیت‌های رشد و توسعه می‌تواند به عنوان مرکز توسعه جنوبی ایران مطرح شود. از نظر کشاورزی و تولید محصولات مربوط به آن، این استان از موقعیت مناسبی برخوردار است. کل اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی در سال زراعی ۱۳۷۳-۷۴ حدود ۱۸۸۲۴۷ هکتار بوده است که از این مقدار

37377 هکتار به کشت آبی و ۱۵۰۸۷۰ هکتار به کشت دیم اختصاص داشته است. بدین ترتیب 80% زمین‌های قابل کشت استان به صورت دیم و تنها 20% آن به صورت آبی کشت می‌شود (3).

مهم‌ترین محصولات کشاورزی این استان عبارتند از: گندم، جو، برنج، مرکبات، سبزیجات و خرما. تنها محصول کشاورزی این استان که به خارج از استان صادر می‌گردد، خرما می‌باشد.

این استان در سال ۱۳۷۴ دارای 1283550 رأس دام شامل ۳۲۰۸۴۰ رأس گوسفند و بره، ۸۵۸۲۰۰ رأس بز و بزغاله، ۴۳۴۱۰ رأس گاو بومی بوده است (4). مساحت مناطق تحت پوشش مراتع در حدود 2/5 میلیون هکتار برآورده شده که ظرفیت مراتع موجود علی‌رغم وسعت زیاد به علت فقر پوشش گیاهی، جوابگوی یک پنجم دام‌های فعلی نیست و قشلاق دام‌های عشایر قشقای و بویر احمدی سبب تخریب بیش از حد آن‌ها شده است.

در زمینه مرغداری صنعتی این استان دارای دو واحد در بوشهر و دشتستان با ظرفیت ۵۰۰۰۰ قطعه می‌باشد. همچنین ۲۳ واحد مرغداری غیر صنعتی با ظرفیت ۵۰۳۷۵۴ قطعه نیز در این استان وجود دارد (5).

پرورش زنبور عسل نیز در این استان از اهمیت نسبی برخوردار است. در سال ۱۳۷۴ بالغ بر ۶۷۶۶۰ کندوی عسل در این استان وجود داشته است که سالانه ۱۵۹۷۴۰ کیلو عسل تولید می‌کنند (6).

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی استان بوشهر صید ماهی است که هر چند به دلیل بافت سنتی و وسایل قدیمی رشد چندانی نیافته، ولی با داشتن ۲۷۶۶ فروند شناور صیادی و ۳۲۳۰۷ نفر صیاد در سال ۱۳۷۴، موفق به صید ۳۵۲۰۰ تن ماهی و ۱۸۷۴ تن میگو شده‌اند (7).

### صنایع و معادن

صنایع استان بوشهر به دو بخش دستی و ماشینی تقسیم می‌شود. صنایع دستی از گذشته‌های دور نقش مهمی در زندگی و معیشت روستائیان داشته است. صنایع دستی این استان امروزه جنبه تجارتي و ارزش صادراتی ندارد و تنها تامین کننده نیازهای منطقه است. مهم‌ترین این صنایع عبارت است از: توربافی، گلیمبافی، قالیبافی، گبهبافی، نم‌بافی، کوزه و سفال.

صنایع ماشینی استان غالباً متوسط و کوچک و عموماً تبدیلی هستند. در رابطه با صنایع متوسط، شهرهای بوشهر و برازجان و در رابطه با صنایع کوچک، ابتدا شهرستان دشتستان و سپس بوشهر، دشتی و گناوه به ترتیب دارای اهمیت هستند. به غیر از شرکت ملی صنایع دریایی و نیروگاه اتمی، مالکیت صنایع استان عمدتاً به بخش خصوصی تعلق دارد. این واحدهای صنعتی شامل صنایع غذایی و دارویی، شیمیایی، کانی غیر فلزی، برق و الکترونیک، فلزی و ریخته‌گری، ماشین سازی، تجهیزات خودرو و لوازم و ابزار صیادی است که عمده‌ترین آن‌ها را صنایع غذایی و دارویی و ماشین سازی تشکیل می‌دهد.

تعداد کارگاه‌های صنعتی استان تا پایان سال 1374، بالغ بر ۳۱۵۱ واحد بوده است. از نظر معادن نیز استان بوشهر در زمینه منابع نفت، گاز، و قیر، معادن سنگ‌نمک، سنگ گچ، سنگ لاشه، شن و ماسه و خاک رس غنی است (8).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

بوشهر از هزاره سوم ق.م شهری آباد بوده و یکی از مراکز مهم امپراطوری عیلام را تشکیل می‌داده است. از آجر نوشته‌های دوره عیلامی چنین به دست می‌آید که شهر باستانی «لیان» در این منطقه بوده است.

ظاهراً این شهر (لیان باستانی) از هزاره سوم ق.م و احتمالاً پیش از آن به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی خود یکی از نقاط ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب بوده است. در زمان اردشیر بابکان، سردودمان سلسله‌ی ساسانی، شهر «رام اردشیر» در حدود ۱۲ کیلومتری بوشهر بنا شده بود که اکنون خرابه‌های آن به نام «ریشهر» معروف است. اعراب مسلمان که از این محل به داخل ایران نفوذ کردند آن را «زیضهر» نام گذاری کرده‌اند.

نام بوشهر برای اولین بار در کتاب معجم البلدان یاقوت حموی آمده است و به نظر می‌رسد تحریف شده «ریشهر» باشد، و ریشهر نیز مخفف «ریواردشیر» به معنی شهر اردشیر است. زیرا این شهر در زمان اردشیر اول، پادشاه ساسانی ساخته شده است (9).

### پیشینه تاریخی

به طوری که از اسناد و اطلاعات برمی‌آید، این منطقه به علت موقعیت استراتژیکی مناسب برای احداث پایگاه دریایی و بندرگاه، مورد استفاده پادشاهان عیلام قرار می‌گرفت.

در زمان هخامنشیان که کشور ایران به بیست ساتراپ نشین (استان) تقسیم می‌شد، سرزمین بوشهر جزء ساتراپ‌نشین پارس بود.

مقایسه کننده شده بر سطح سنگی جزیره خارک دلیل بر حضور سربازان هخامنشی در استان بوشهر است که برای نگهبانی از چنین راه طولانی تدارک شده بود. در سال ۱۳۲ ه.ق که خلافت اسلامی به دست «ابو مسلم خراسانی» به اولاد عباس منتقل گشت سواحل خلیج فارس از جمله سرزمین بوشهر نیز در تمام مدت حکومت امویان توسط فرستادگان خلفا اداره می‌شد و در دوره خلافت هارون الرشید که قلمرو حکومت عباسیان به اوج عظمت و قدرت رسید از قسمت جنوب به خلیج فارس از جمله سرزمین بوشهر و سواحل مکران امتداد پیدا کرد.

در دوره صفاریان حکومت بوشهر در کنار حکومت فارس و کرمان و ... به انضمام شرطگی بغداد و حرمین از طرف معتمد خلیفه بغداد به عمرولیث به خاطر اطاعت واگذار گردید.

در طول ۱۲۰ سال سلطنت آل بویه که هفده تن از آن خاندان به حکومت رسید در تمام این مدت سرزمین‌های فارس و بوشهر در قلمرو و فرمانروایی آل بویه قرار داشت. زمانی که سلجوقیان سرزمین‌های کرمان و بلوچستان را به دست آوردند فارس را نیز جزء متصرفات خود نمودند. سپس سواحل و جزایر خلیج فارس از جمله بوشهر و جزایر بحرین را نیز اضافه نمودند. این حال تا ضعف دولت سلجوقی دوام داشت. در دوره فترتی که بین انقراض سلسله ایلخانان و ظهور تیمور لنگ وجود دارد حکومت خلیج فارس و منطقه بوشهر با آل مظفر بود (10).

خلیج فارس به دلیل موقعیت سوق الجیشی و به لحاظ اهمیت اقتصادی و بازرگانی، در طول تاریخ همواره از سوی کشورها و دولت‌ها برای تبادل علم و ثروت و گسترش قدرت مورد توجه قرار گرفته است. اولین یورش دولت‌های اروپایی به سواحل خلیج فارس در سال ۱۵۰۶ میلادی با حمله پرتغالی‌ها تحت عنوان محافظت و حراست از منابع پرتغال در برابر تجار مصری و ونیزی صورت گرفت. در سال ۱۰۳۱ هجری قمری شاه عباس با انگلیسی‌ها متحد شد و دست پرتغالی‌ها را از خلیج فارس کوتاه کرد. در سال ۱۱۴۹ هجری قمری نادرشاه، لطیف خان را به ایالت دشتستان و کاپیتانی کل سواحل خلیج فارس انتخاب و اعزام کرد. این شخص برای تهیه ناوگانی در خلیج فارس، بوشهر را مرکز دریایی خود قرار داد. در اواخر سلطنت نادر، ایران ۲۳ تا ۲۵ فروند کشتی جنگی در خلیج فارس داشت. بدین ترتیب از زمان نادر شاه بوشهر رو به پیشرفت نهاد و حتی مدتی بندرعباس را نیز تحت الشعاع خود قرار داد. پس از قتل نادر در اثر هرج و مرجی که در ایران پدید آمد، کشتی‌های جنگی توسط حکمرانان و شیوخ اطراف

خلیج فارس ضبط گردید. همچنین بندر بوشهر و بندر عباس نیز اهمیت سابق خود را از دست دادند. تجار هلندی که در سال ۱۶۲۳ میلادی روابط تجاری خود را با ایران شروع کرده بودند پس از قتل نادر ایران را ترک کردند و بصره را مرکز تجارت خود قرار دادند، اما پس از مدتی در اثر دسیسه رقبای انگلیسی و به منظور نزدیکی بیشتر با دهانه خلیج فارس، تأسیسات تجاری خود را به خارك منتقل کردند و در عین حال از پرداخت اجاره بهای خارك به میر مهتا حاکم بندر ریگ و جزیره خارك خودداری نمودند. میرمهنا در سال 1756 به تأسیسات هلندی‌ها حمله برد، دژ آن‌ها را تسخیر کرد و آن‌ها را از جزیره بیرون راند، ولی به سبب این که در دفعات متعدد بنای سرکشی و تمرد از دستورات کریم خان زند را گذاشت و مدتی آرامش خلیج را برهم زد، کریم خان او را شکست داد و جزیره خارك و بندر ریگ را تصرف کرد.

در همین زمان نفوذ انگلیسی‌ها در سواحل و جزایر خلیج فارس و به خصوص سرزمین بوشهر رو به گسترش نهاد و آن‌ها موفق شدند اجازه تأسیس تجارت خانه‌ای را در بوشهر با امتیازات فوق العاده به دست آورند.

سلسله قاجاریه که پس از زندیه روی کار آمد، چندان نفوذی در خلیج فارس نداشت، به همین دلیل، رفته رفته نفوذ انگلیسی‌ها در خلیج فارس بیشتر شد و زمام امور خلیج فارس و دریای عمان به دست آن‌ها افتاد و جنرال کنسول در بوشهر مدت ۲۰ سال بر همه خلیج فارس حکمرانی کرد.

در زمان ناصر الدین شاه ارتش ایران هرات را اشغال کرد و به دنبال آن حالت جنگی بین ایران و انگلیس به وجود آمد. به دنبال این مسئله ناوگان انگلیس در خلیج فارس مرکب از هشت کشتی جنگی و تعدادی ناوگان بخاری و بادی به ایران حمله کردند و جزیره خارك را متصرف شدند. پنج روز پس از آن قوای انگلیسی در حوالی بوشهر در خاک ایران پیاده شدند و شروع به پیشروی به سوی برازجان کردند. قوای ایران برازجان را تخلیه و عقب نشینی کرده بود. بنابراین قوای انگلیس انبار اسلحه و مهمات برازجان را منفجر کرد و سپس به بوشهر بازگشت. سرانجام در نبردی که در نهم ژانویه ۱۸۵۷ میلادی در خوشاب بین ایران و انگلیس رخ داد، انگلیسی‌ها موفق شدند سپاه ایران را شکست دهند.

پیش از جنگ اول جهانی بار دیگر دولت انگلیس منطقه بوشهر را مورد تجاوز قرار داد و در سال ۱۹۱۳ میلادی جنگ سختی بین نیروی انگلیس و دلیران دلواری درگرفت. در جریان این جنگ رئیس علی دلواری و مردم تنگستان و دشتستان نقش برجسته‌ای ایفا کردند (11).

### آثار و بناهای تاریخی

شهرستان بوشهر:

ویرانه‌های ریشهر، تل پی تل، شاه نشین، گورستان شغاب، عمارت ملک، کلیسای ظهور مسیح.

شهرستان خارك:

قبرهای سنگی، بقعه امام زاده میر محمد، کلیسا و صومعه نسطوریان، گورستان، قلعه هلندی‌ها.

شهرستان دشتستان:

کاخ هخامنشی، کاخ سنگ سیاه، تنگ ارم، آثار تاریخی ده کهنه، آثار قدیمی تُوژ، چهل خانه.

شهرستان گناوه:

گنبد سلیمان ابن علی، تل گنبد، تل گوری، گوپال، آتشکده بابا کلو.

شهرستان دیلم:

بندر سی‌نیز، قریه حصار.



شهرستان دیر: بردستان، قلعه گنوی، قلعه جلال خان حاکم، مقابر گنخک هیبرونی، آثار تل سوزو، ویرانه‌های جبرونی. شهرستان کنگان: قلعه‌های کنگان و آثار بندر اختر، آثار شهر باستانی سیراف، گور سیبویه، آرامگاه قطب الدین و پسرش. شهرستان تنگستان: قلعه کلات، قلعه تنگستان، قلعه محمدعلی‌خان. شهرستان دشتی: قلعه خور موج، مقبره کلات، عمارت مشیر، آتشکده مند(12).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت استان بوشهر ۷۴۳۶۷۵ نفر بوده است که از این تعداد ۳۷۷۳۹۰ نفر مرد و ۳۶۶۲۷۵ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۳۹۲۴۸۹ نفر در نقاط شهری و ۳۳۲۸۸۴ نفر در نقاط روستایی و ۱۶۳۰۲ نفر غیر ساکن بوده‌اند(13). جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان بوشهر: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	743675	377390	366285	132268
ساکن در نقاط شهری	394489	203547	190942	72329
ساکن در نقاط روستایی	322884	165753	167131	56896
غیر ساکن	16302	8090	8212	3043
شهرستان بوشهر	187914	99933	87981	35911
ساکن در نقاط شهری	152354	81801	70553	29659
ساکن در نقاط روستایی	35560	18132	17428	6252
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان تنگستان	59066	29734	29332	10724
ساکن در نقاط شهری	10883	5408	5475	1985
ساکن در نقاط روستایی	47519	23980	23539	8630
غیر ساکن	664	346	318	109
شهرستان دشتستان	209634	104781	104853	36721
ساکن در نقاط شهری	93153	47213	45940	16616
ساکن در نقاط روستایی	105997	52480	53517	18138
غیر ساکن	10484	5088	5396	1967
شهرستان دشتی	69350	34292	35058	12391
ساکن در نقاط شهری	32567	16337	16230	5841
ساکن در نقاط روستایی	32759	15871	16888	5802
غیر ساکن	4024	2084	1940	748
شهرستان دیر	41986	21001	20985	7039
ساکن در نقاط شهری	16008	8114	7894	2754

4235	12960	12758	25718	ساکن در نقاط روستایی
50	131	129	260	غیر ساکن
4460	12608	12468	25076	شهرستان دیلم
3023	8109	8302	16411	ساکن در نقاط شهری
1422	4459	4126	8585	ساکن در نقاط روستایی
15	40	40	80	غیر ساکن
12852	38896	39422	78318	شهرستان کنگان
3035	8957	9006	17963	ساکن در نقاط شهری
9670	29571	30039	59610	ساکن در نقاط روستایی
147	368	377	745	غیر ساکن
12170	36572	35759	72331	شهرستان گناوه
9416	27784	27366	55150	ساکن در نقاط شهری
2747	8769	8367	17136	ساکن در نقاط روستایی
7	19	26	45	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن. 1375

وضع فعالیت

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت ده ساله و بیشتر استان بوشهر، ۵۴۶۳۸۹ نفر بوده است. از این تعداد ۱۶۹۱۹۰ نفر جمعیت فعال و ۳۷۰۲۰۸ نفر جمعیت غیر فعال و ۶۹۹۱ نفر اظهار نشده بوده‌اند.

از جمعیت فعال این استان ۱۵۶۸۵۵ نفر را مردان و ۱۲۳۳۵ نفر را زنان تشکیل می‌داده‌اند.

لازم به ذکر است که از جمعیت شاغل این استان، ۴۲/۱۹ درصد در گروه‌های عمده «کشاورزی، شکار و جنگلداری» و «ماهی‌گیری»، ۷۹/۹ درصد در گروه‌های عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیرات، ۰۸/۶ درصد در بخش صنعت و ۷۱/۶۴ درصد در سایر گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی به کار اشتغال داشته‌اند(14).

نژاد و زبان

استان بوشهر از آغاز رهگذر و محل سکونت نژادهای گوناگونی بوده است. پیش از ورود آریائی‌ان، نژادهای بومی در این سامان می‌زیسته‌اند.

امروزه در این استان نژادهای مختلفی از عرب‌ها و لر‌ها ساکن هستند که در اثر اختلاط یک نوع نژاد خاصی را به وجود آورده‌اند و به بوشهری معروف شده‌اند. تقریباً تمامی مردم این استان به زبان فارسی و با لهجه‌های محلی صحبت می‌کنند. لهجه‌ها در روستاها از تنوع بیشتری برخوردارند و بین آنان اختلاف‌هایی نیز به چشم می‌خورد. برخی از اهالی «جزیره شیف» و بنادر کنگان و عسلویه نیز به زبان عربی تکلم می‌کنند(15).

فصل دوم: آموزش و پرورش

در آبان ۱۳۷۵، از ۶۳۸۶۶۹ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان ۵۱۴۴۸۳ نفر ۵۶/۸۰ درصد باسواد بوده‌اند. از این تعداد ۲۹۶۵۶۵ نفر در نقاط شهری و ۲۱۱۳۳۱ نفر در نقاط روستایی و ۶۵۸۷ نفر غیر ساکن بوده‌اند.

تعداد دانش آموزان این استان در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ در مقاطع ابتدایی ۱۲۶۰۴۶ نفر، راهنمایی ۷۱۱۸۴ نفر و آموزش متوسطه ۴۷۲۹۶ نفر بوده‌اند(16).

مرکز آموزش عالی

مهم‌ترین مراکز دانشگاهی استان بوشهر در سال ۱۳۷۵ شامل مراکز زیر بوده‌اند:  
آموزشگاه عالی در علوم و صنایع شیلاتی خلیج فارس، آموزشکده فنی وابسته به انرژی هسته‌ای بوشهر، مرکز آموزش علوم و فنون دریایی و کشتیرانی، دانشکده علوم پزشکی بوشهر شامل رشته‌های پرستاری، مامائی، تکنسین اطاق عمل، مجتمع آموزشی و پژوهشی مامائی، دانشگاه آزاد اسلامی در کلیه رشته‌های معارف اسلامی، عمران، برق، حسابداری، ادبیات فارسی، دینی و عربی، آموزش ابتدایی، علوم تجربی(17).  
امکانات فرهنگی - تفریحی  
کتابخانه

این استان در سال ۱۳۷۴، دارای ۱۷ باب کتابخانه عمومی در شهرهای اهرم، بوشهر، برازجان، خارك، خورموج، دیر، دیلم، ریگ و دیگر مناطق بوده است. این کتابخانه‌ها دارای ۱۰۰۹۶۴ جلد کتاب و ۸۴۴۷ نفر عضو می‌باشند(18).

فصل سوم: آداب و رسوم

آداب ویژه ماه رمضان

مردم استان بوشهر چند روز قبل از ماه رمضان با نظافت و پاک سازی خانه‌ها، تکیه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها به پیشواز ماه مبارك رمضان می‌روند. شستن لباس‌های کلیه اعضای خانواده و شستن فرش‌های منزل و مساجد و غیره از کارهای اساسی قبل از فرا رسیدن ماه مبارك می‌باشد.

معمولاً در اکثر نقاط استان بوشهر رسم است که بر پشت بام یا مکان بلندی و یا حتی در برخی مناطق به بالای تپه و یا کوه رفته و منتظر رؤیت هلال ماه می‌نشینند.

در سحرگاه ماه مبارك رمضان در بوشهر و توابع آن هیئتی که از دو الی سه نفر تشکیل شده با دمام در کوچه‌ها و خیابان‌ها به راه می‌افتند و ضمن نواختن دمام که به رسم تک ضرب‌های مقطع است اشعاری می‌خوانند تا مردم از خواب بیدار شده و آماده تهیه غذای سحر شوند.

مراسم احیا معمولاً در مساجد و یا در خانه اشخاص نذر دار بر پا می‌شود. در مواردی که بعضی‌ها به صورت نذری و سنتی عده‌ای را برای احیا دعوت می‌کنند، مدعوین دور اطاق می‌نشینند و قرآنی را در میان می‌گذارند و هر کدام قسمتی از يك سوره را می‌خوانند، علاوه بر این دعای کمیل، جوشن کبیر و ابوحمزه ثمالی خوانده می‌شود تا این که وقت سحر فرا برسد و صاحب خانه سحری مدعوین را آماده سازد.

آداب ویژه ماه محرم

با فرا رسیدن ماه محرم، این استان در قالب دسته‌های سینه زن و زنجیر زن به عزاداری سالار شهیدان می‌پردازند. شرکت کنندگان که در سنین متفاوت هستند در صفوف متعدد به شکل دوایر متحدالمرکز گرد هم جمع می‌شوند. نوحه‌ها به وسیله ضربات منظم سینه‌زنی همراهی می‌گردد. در سینه زنی دو نوحه خوان اصلی شرکت می‌کنند. نوحه خوان دوم معمولاً در زمره بهترین نوحه خوان‌های بوشهر است. نوحه‌خوان دوم زمانی در مراسم حضور می‌یابد که دایره دومی از شرکت کنندگان در وسط دایره اول تشکیل گردد. در خاتمه سینه‌زنی شرکت کنندگان به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم شده و به سینه‌زنی ادامه می‌دهند. مراسم سینه زنی معمولاً ۷۵ دقیقه طول می‌کشد. در مراسم شام غریبان شرکت کنندگان که اکثراً زن هستند در حالی که مشعلی در دست دارند از کوچه‌های شهر عبور می‌کنند و به طور گروهی نوحه‌های شام غریبان را می‌خوانند. این نوحه‌ها به وسیله فلوتی همراهی می‌شود.

در روزهای ماه محرم، نواختن طبل (دمام) سنج، شیپور (بوق) که از شاخ گاو تهیه شده متداول است. دمام با آهنگ خاصی و به طور گروهی نواخته می‌شود.

در این مراسم نواختن طبل (دمام) به منظور اعلام شروع مراسم عزاداری در ایام تاسوعا و عاشورا است. پس از دمام معمولاً تعزیه به نمایش گزارده می‌شود. اجرای دمام

که به صورت عبور در شهر عملی می‌گردد در سال‌های اخیر بسیار کمتر شده است و تعداد زیادی از گروه‌های دمام، دست از نواختن کشیده‌اند(19).

مراسم ترحیم اموات

در استان بوشهر وقتی شخصی فوت می‌کند مراسم شب سوم، هفتم، چهلم و سالگرد برای او می‌گیرند. تنها موردی که با سایر شهرها فرق دارد مراسمی است که بعد از چهار ماه و ده روز می‌گیرند و برای شادی روح شخص فوت شده مجلس عزاداری ترتیب داده و نهار می‌دهند. هم چنین در اولین عید بعد از فوت فرد مورد نظر، مثل عید فطر و یا عید غدیر و ... صبح در منزل مراسم دارند و اقوام و خویشان به دیدنشان می‌آیند و بعد از ظهر به سر قبر می‌روند. این عید را عید تلخ می‌نامند. در مراسم سوگواری زنانه نیز در حالی که زن‌ها دور هم نشسته‌اند یکی از آن‌ها که صدای رسائی داشته باشد نوحه می‌خواند و با ریتم مخصوصی هماهنگ با نوحه به روی پایش با دست می‌زند. این زن را «سرخوان» می‌نامند. بقیه زن‌ها در حالی که به او جواب می‌دهند با دستشان به پای خود می‌زنند. این مراسم در حالت نشسته اجراء می‌شود.

روز هفتم که به سر خاک می‌روند، کسی که نزدیک‌ترین افرادش فوت شده است، باید بدون کفش سرخاک برود. ضمناً مراسم خیرات در مجالس عزاداری بوشهر بدین ترتیب است که شب اول و دوم فوت، حلواي آرد گندم که به «حلواي آردی» معروف است درست کرده و بین مستحقین در بیرون از منزل تقسیم می‌کنند و شب سوم مرغ با پلو. لازم به یادآوری است که این کار باید حتماً قبل از اذان مغرب صورت گیرد(20).

اعیاد ملی - مذهبی

مراسم عید فطر

در بوشهر نیز مانند سایر نقاط ایران مراسم روز عید فطر با خواندن نماز عید فطر و پرداخت فطریه برگزار می‌شود. در این روز مردم به دیدن همدیگر می‌روند و آرزوی قبولی طاعات و عبادات را برای همدیگر می‌کنند. در پایان این ماه و صبح روز عید فطر جماعت دم دم سحری به در خانه‌ها می‌روند و هر خانواده به نسبت وضع مالی خود پول یا چیز دیگر به آنان می‌دهند. در این روز مردم با خرما و چای از همدیگر پذیرائی می‌کنند(21).

عید غدیر خم (عید سیدها)

در این روز سادات شهر مراسم جشن برگزار می‌کنند و مردم برای تبریک به دیدن آن‌ها می‌روند. معمولاً از میهمانان با شیرینی و میوه پذیرایی می‌کند.

عید نیمه شعبان یا نیمه برات

در این روز به مناسبت ولادت حضرت صاحب الزمان مردم جشن برپا می‌دارند. تمام خانواده‌های بوشهری به مناسبت این روز خیرات می‌دهند و حلوا، شیرینی، زولبیا و بامیه را به منازل همسایه‌ها می‌برند و در مقابل نیز ظرف آن‌ها توسط همسایه پر می‌شود.

مراسم جشن عروسی

در استان بوشهر نیز مانند سراسر ایران زمین امر عروسی، شادی بخش و همراه با مراسم ویژه است. در این قسمت به دو رسم از مراسم این استان اشاره می‌کنیم:

سرتراشون

دو شب قبل از عروسی که معمولاً شب عقد کنان است دست و پای عروس و داماد را حنا می‌بندند که هر يك به طور جداگانه در خانه خود این مراسم را انجام می‌دهند. شب قبل از عروسی سر و صورت داماد را اصلاح می‌کنند، البته در این شب به آرایش عروس نیز می‌پردازند. در این مراسم مخصوصاً در روستاها جوانان همراه داماد نیز اصلاح می‌کنند. این مراسم را اصطلاحاً «سرتراشون» می‌نامند.

یزله

در مراسم عروسی در بوشهر و بنادر استان جوانان با هماهنگی خاصی دست می‌زنند که

در نوع خود بی‌نظیر است. این دست افشانی جمعی با سرود و اشعار همراه است. در کلیه مراسم شاد مراسم یزله رواج دارد. همچنین در مراسم عروسی زنان نغمه‌های هماهنگ و با هم نوائی دلنشین سر می‌دهند که بیشتر به فریاد شادی شبیه است. شروع این فریاد با «کل» آغاز می‌شود.

در شب عروسی در طبق‌های چوبی مستطیل شکل، انواعی از میوه‌ها و شیرینی را می‌چینند و با شمع و گل تزیین می‌کنند و آن را روی سر می‌گذارند و از خانه داماد به منزل عروس می‌برند. در این مراسم ممکن است یک یا چندین طبق وجود داشته باشد. در روستاها به جای طبق چوبی از سینی‌های بزرگ استفاده می‌کنند(22).

باورها

مهم‌ترین باورهای مردم استان بوشهر از قرار زیر است:

- خوردن ماهی و ماست با هم موجب ابتلا به بیماری پیسی (برص) می‌گردد. چون ماهی و ماست دارای طبع سرد هستند و با هم خوردن آن‌ها خوب نیست.

- بعضی‌ها معتقدند تا چهل روز نباید نوزاد را از خانه بیرون آورد. این مسئله به خاطر جلوگیری از چشم زخم است.

- معتقدند تخم کبوتر برای لکنت زبان اطفال مفید است.

- چاقو یا شیئی فلزی را زیر بالش کودک و زائو می‌گذارند تا جن زده نشود.

- بوشهری‌های قدیم اعتقاد داشتند، اگر کسی ناخن خود را در شب کوتاه کرد از آن خانه بریده می‌شود.

- اگر خروس بی‌موقع آواز خواند بدیمن می‌باشد و او را می‌کشند.

- مادری که نوزادش دختر است از شیر او جهت چشم درد استفاده می‌کنند. (به تجربه ثابت شده که مؤثر بوده است).

- معتقدند خوردن هندوانه و لک (گندم نیم‌کوب شده) با هم باعث مرگ شخص می‌شود(23).

ضرب المثل‌ها

درِ خونه خُوم در میارم می‌زارم در خونه خالوم که خوم بیدارتر خالم هَسَم.

برگردان = در منزل خودم را بیرون می‌آورم و می‌گذارم درب منزل خاله‌ام چون خودم بیدارتر از خاله‌ام هستم.

مفهوم = چیزی را که خودم محتاج آن هستم به دیگری بخشیدن چون خودم می‌توانم تحمل کنم.

درد بی‌بی از بی چادر پِن.

برگردان = درد خانم از نداشتن چادر است.

مفهوم = علت انجام ندادن این کار این است که امکاناتش را ندارد.

خَز پیر، اُوسار رنگی.

برگردان = الاغ پیر، افسار رنگی

مفهوم = در سن پیری عملی انجام دادن که مناسب با سن شخص نیست.

گُو نُه من شیری.

برگردان = گاوی که نه من (۲۷ کیلو) شیر می‌دهد و در نهایت با لگد سطل شیر را

می‌ریزد.

مفهوم = کسی که کار بزرگی انجام می‌دهد ولی در نهایت با عمل ناشایستی کار بزرگ خود را نابود می‌کند.

دیر اشتر بخوس، خُو آشفته نبین.

برگردان = دور از شتر بخواب، خواب آشفته نبین.

مفهوم = با شخص بد معاشرت نکن، از آزار او در امان باش.

خر لنگ، بندبیل هوشین.

برگردان = خری که لنگ است منتظر شنیدن کلمه هشن است.  
مفهوم = کسی که میل به انجام کاری ندارد منتظر بهانه است.  
گفت سلوَمَت به خونت نری، گفت دِس و دلش هم ندارم.  
برگردان = گفت سلامت به منزل نروی، گفت اشتیاقی به رفتن هم ندارم.  
مفهوم = آرزوی بد برای کسی کردن تا شخص در آن کار موفق نشود و اظهار شخص در مورد این که خودم هم مایل به انجام آن کار نیستم(24).  
بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی  
فصل اول: اوضاع مذهبی  
الف) پیشینه مذهبی

در دوره علما در این منطقه بت پرستی رواج داشته و در زمان ساسانیان، دین زرتشت، دین غالب این سرزمین بوده است. پس از انقراض حکومت ساسانی اکثر مردم این مناطق به دین اسلام روی آوردند. در حال حاضر اکثریت مردم استان بوشهر پیرو دین اسلام هستند که گروهی پیرو مذهب جعفری و گروهی اهل سنت و عده‌ای اهل حق هستند. اقلیت‌های مذهبی ساکن در این استان شامل زرتشتی، کلیمی و مسیحی می‌باشند. همچنین فرقه‌های مذهبی نظیر شیخیه و اخباریه نیز در این استان پیروانی دارند. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت این استان، ۷۴۲۹۹۴ نفر، ۹۱/۹۹ درصد مسلمان، ۲۲۳ نفر زرتشتی، ۲۲ نفر مسیحی، ۶ نفر کلیمی و ۴۳۰ نفر سایر ادیان و اظهار نشده بوده‌اند(25).

ب) اماکن مذهبی  
بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۸۲۹ باب مسجد، ۵ باب مصلی، ۳۲۱ باب حسینیه، ۸ باب فاطمیه، مهدیه، زینبیه و حیدریه، ۱۷۱ بقاع متبرکه (امامزاده و زیارتگاه) بوده است(26).

بعضی از مهم‌ترین مساجد استان بوشهر عبارتند از:  
مسجد شیخ سعدون (بوشهر)، مسجد جمعه (بوشهر)، مسجد جماعت (بوشهر)، مسجد فیل (بوشهر)، مسجد شنبدی (بوشهر)، مسجد بردستان (دیر)، مسجد امام حسن مجتبی (کنگان) و....

مهم‌ترین بقاع متبرکه در این استان عبارتند از:  
بوشهر: امام زاده عبدالمهیمن، امام زاده آقا کوچیکا، امام زاده محمد باقر، امامزاده جابر، امامزاده عبدالله.

برازجان: امامزاده شاه ابوالقاسم، امامزاده سید محمد، امامزاده سید نورالدین.

کنگان: امامزاده شیخ سعید، امامزاده کمال الدین و....

ج) مدارس دینی  
مدارس دینی در استان بوشهر از سابقه طولانی برخوردار است و نقش به‌سزایی در گسترش مکتب تشیع در این استان داشته است. برخی از مهم‌ترین مدارس این استان عبارتند از: مرکز علوم اسلامی خواهران (بوشهر)، مدرسه علمیه امام خمینی (بوشهر) و مدرسه علی بن ابی طالب(ع)(کنگان(27)).

د) بزرگان و مشاهیر

ابوزید حسن بن زید سیرافی، از بزرگان و نویسندگان اوایل سده چهارم ه.ق که دارای سفرنامه‌ای مشهور است.

حسن بوشهری آل عصفور (متوفی 1260 ه.ق)، از علمای مشهور در علم حدیث، نحو و لغت.

شیخ محمد علی آل عصفور (متولد ۱۲۸۹ ه.ق)، نویسنده کتاب تحف الخواص.

سید علی نقی دشتی، دانشمند مشهور در علم لغت و صرف و شاعری بنام بود.

آیت الله العظمی حاج سید عبدالله بلادی (متولد 1291 ه.ق).

صادق چوبک، از نویسندگان مشهور که داستان‌های وی دارای نثری ساده و روان است. آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن، از فقها و دانشمندان بزرگ برازجان. آیت الله شیخ محمد حسین مجاهد، از فقها و دانشمندان برازجان. علیمردان فراشبدی، از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و مدیر سابق روزنامه خامه ملت است و تألیفات بسیار دارد.

محمد جعفر خورموجی (متوفی سال ۱۳۰۱ ه.ق.)، نویسنده کتاب حقایق الاخبار ناصری. ابو سعید گناوه‌ای (۳۰۰-۲۵۴ ه.ق) از رهبران مبارزات بر ضد خلفای عباسی در منطقه بود.

میر مهنا، از سرداران دلیر مبارزه علیه استعمار هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در زمان شاه عباس که به رشادت و وطن پرستی مشهور بود. رئیسعلی دلواری (متولد ۱۲۹۹ ه.ق) از رهبران مبارزه علیه استعمار انگلیس در دوران مشروطیت (28).

#### فصل دوم: اوضاع سیاسی حوادث دوره مشروطیت

با شروع نهضت مشروطه در مرکز که همراه با اعتصابات و تحصن‌ها و حمایت و پشتیبانی همه جانبه روحانیت ایران و نجف بود مردم استان بوشهر نیز در این نهضت شرکت کردند. اقدامات شعاع السلطنة والی فارس و بوشهر که مردم را سخت زیر فشار قرار داده بود باعث اعتراضات مردمی گردید. اهالی برازجان به عنوان اعتراض به تعدیات حکومت از پرداخت مالیات خودداری کردند و تظلمات و شکایات خود را به تهران فرستادند ولی دستورات به نفع شعاع السلطنة بود. دامنه اغتشاشات و تشنجات تمام منطقه را فرا گرفت و دستورات عین الدوله مبنی بر تقویت قوا و نیرو در برابر مردم کارساز نبود. با فرار محمد علی شاه، رئیسعلی دلواری با کمک تفنگچی‌های تنگستانی، بوشهر را از عناصر مستبد وابسته به دربار قاجار پاک کردند. این قضیه بر انگلیسی‌ها که اداره گمرک را در اجاره داشتند، گران آمد و آنان برای تضعیف مشروطه خواهان و استمرار سلطه بر حیات اقتصادی و سیاسی، به جنگ با دلیران تنگستان پرداختند (29).

#### جنگ جهانی اول

در آستانه جنگ جهانی اول و تجاوزات روس و انگلیس به سرزمین ایران، قوای انگلیس که از مدتی قبل قصد تصرف کامل جنوب ایران را داشتند، منطقه بوشهر را؛ ملاحظه مورد تجاوز قرار دادند و در سال ۱۹۱۳ میلادی جنگ سختی بین نیروهای انگلیس و دلیران تنگستانی در گرفت.

ولی انگلیسی‌ها نتوانستند بر رئیس علی و یارانش تفوق یابند تا این که در گیر و دار حمله انگلیس‌ها به بوشهر در شب ۲۳ شوال ۱۳۳۳ ه.ق (سوم سپتامبر ۱۹۱۵ م)، هنگامی که رئیس علی در محلی به نام تنگک صفر قصد شبیخون به قوای انگلیسی‌ها را داشت، از پشت مورد هدف گلوله یکی از همراهان خائن قرار گرفت و در دم به شهادت رسید (30).  
واقعه کشف حجاب

هم زمان با بازگشت رضاشاه از ترکیه در سال ۱۳۱۴ ه.ش، دستور متحد الشكل کردن لباس‌ها و کشف حجاب زنان صادر شد. استان بوشهر نیز از این قانون مستثنی نماند ولی مقاومت مردمی در آن استان مانع از اجرای برنامه آن‌ها شد و این قانون در این استان با شکست مواجه شد (31).

#### جنگ جهانی دوم

حادثه شهریور سال ۱۳۲۰ شمسی که در شعله‌های جنگ جهانی دوم برای ملت ایران پیش آمد يك واقعه شوم و فراموش نشدنی است. این استان که در ساحل خلیج فارس قرار داشت با حمله نیروی دریایی انگلیس به تصرف آنان درآمد و به دنبال آن ناامنی، قحطی، گسیختگی، فقر، بلا تکلیفی، احتکار و مهمتر از همه سیر تصاعدی هزینه زندگی و تورم



اقتصادی اهالی منطقه را به ستوه آورد تا این که در روز یازدهم اسفند سال ۱۳۲۴ شمسی با پایان جنگ، قوای انگلیسی از استان خارج شدند.

حوادث دوران انقلاب اسلامی

استان بوشهر همواره از وجود عالمان وارسته و مومنان بیدار دل بهره‌مند بوده است. در اربعین شهدای تبریز که مصادف با فروردین ۱۳۵۷ بود مردم بسیاری از شهرهای ایران در مساجد، مجالس یادبود برگزار کردند. در استان بوشهر این حرکت با خشم مأمورین روبرو گردید. در تظاهرات عظیمی که در روز عید سال ۱۳۵۷ به راه افتاد، شعارهای جمعیت حاضر در تظاهرات باعث وحشت ساواک رژیم در منطقه بوشهر گردید و چون رهبری تظاهرات در منطقه بوشهر به عهده حجت‌الاسلام عاشوری از روحانیون سرشناس منطقه بود، مأمورین رژیم در ۱۳ آبان ماه سال ۵۷ خانه او را مورد هجوم همه جانبه قرار دادند و بدنش را غربال گلوله‌های ناجوانمردانه کردند. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه طی پیامی شهادت وی را به خانواده وی و مردم استان تسلیت گفتند. تظاهرات و تحصن‌ها و مقاومت‌های مردمی ادامه یافت و هر روز با رگبار دژخیمان شهیدی و مجروحی تقدیم انقلاب می‌گشت. تا این که کاسه عمر رژیم به سرآمد و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با خبر سقوط حکومت، همگان به خیابان‌ها ریختند و به شادی پرداختند. عوامل حکومت نظامی از ترس مخفی شدند و سربازان و کادر نیروی هوایی و دریایی نیز با شرکت در راهپیمائی‌ها و برگزاری مراسم جشن و شادی، پیروزی انقلاب را به مردم تبریک گفتند (۳۲).

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان بوشهر، ص ۲۳.
- ۲- همان، ص ۲۴.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، استان بوشهر، آمارنامه استان بوشهر ۱۳۷۴، ص ۱۴۲.
- ۴- همان، ص ۱۶۹.
- ۵- همان، ص ۱۸۱.
- ۶- همان، ص ۱۷۵.
- ۷- همان، ص ۱۶۶.
- ۸- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به بوشهر، ج ۲، ص ۷۷۲-۷۷۳.
- ۹- همان، ص ۳۴-۳۵؛ حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۳۰.
- ۱۰- شهیندخت حاتم‌خانی، بوشهر در گذرگاه تاریخ، ص ۴.
- ۱۱- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۸-۲۶.
- ۱۲- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۳۹۲-۲۰۹ (با تلخیص).
- ۱۳- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان بوشهر، ص شانزده.
- ۱۴- همان، ص بیست و نه و ۶۶.
- ۱۵- شهیندخت حاتم‌خانی، نگاهی بر هنر، ادبیات و باورهای استان بوشهر، ص ۴.
- ۱۶- مرکز آمار ایران، همان، ص ۳۲-۳۳.
- ۱۷- وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی و اجتماعی استان بوشهر ۱۳۷۰، ص ۲۳-۲۴.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، همان، ص ۱۳۰.
- ۱۹- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۸۸.
- ۲۰- همان، ص ۸۱-۸۲.
- ۲۱- شهیندخت حاتم‌خانی، همان، ص ۳۲.
- ۲۲- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۸۰-۷۹.
- ۲۳- شهیندخت حاتم‌خانی، همان، ص ۱۵.

- 24 همان، ص ۱۳.
- 25 مرکز آمار ایران، همان، ص ۵.
- 26 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور، ص ۱.
- 27 مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 28 ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۵۶۵-۵۱۷ (با تلخیص).
- 29 حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۸.
- 30 همان، ص ۲۹.
- 31 مرتضی جعفری و دیگران، واقعه کشف حجاب، ص ۷۸-۸۴ (اسناد شماره ۱۹ تا ۲۲).
- 32 دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شهدای روحانیت، دفتر اول، ص ۶۳-۶۲.

# استان اردبیل

## بخش اول: جغرافیای طبیعی

### ویژگیهای جغرافیایی

استان اردبیل به وسعت ۱۷۸۸۱ کیلومتر مربع در شمال غربی فلات ایران بین ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به رود ارس و جمهوری آذربایجان، از شرق به رشته کوه‌های طالش و بغرو در استان گیلان، از جنوب به استان زنجان و از غرب به استان آذربایجان شرقی محدود است. مرکز این استان شهرستان اردبیل می‌باشد (۱). این استان از ۶ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۱۷ بخش، شامل ۱۴ شهر، ۶۲ دهستان، ۱۸۸۲ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد (۲).

### ویژگی‌های طبیعی

معروف‌ترین و بزرگ‌ترین رشته کوه‌های استان، سیلان و طالش می‌باشد که از شمالی‌ترین نقطه استان ادامه رشته کوه قره داغ که از استان آذربایجان شرقی به سمت شرق کشیده شده، گذشته و به دره رودخانه قره سو و دره رود ختم می‌شود. در مجموع سه جریان هوایی با خصوصیات متفاوت، اقلیم و آب و هوای استان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

- 1- جریان مدیترانه‌ای با ماهیت معتدل و بحری.
  - 2- جریان هوایی سیبری با ماهیت بری و سرد.
  - 3- جریان هوایی اطلس شمالی یا اسکاندیناوی با ماهیتی سرد بحری.
- مهمترین عوامل مؤثر بر اقلیم و آب و هوای منطقه توپوگرافی (ناهمواریه‌ها)، عرض جغرافیایی و وجود دریای خزر در شرق استان می‌باشد (۳).

## بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

استان اردبیل از حیث کشاورزی، یکی از نقاط مستعد ایران به شمار می‌رود و نوع خاک و آب و هوای آن، این منطقه را از نواحی حاصلخیز کشور قرار داده است. محصول غالب استان اردبیل گندم می‌باشد که سطح کاشت آن در سال ۱۳۶۷ بالغ بر

۲۲۶۴۴ هکتار و مقدار تولید آن ۲۴۸۰۹ تن در سال ۱۳۶۷ بوده است. اکثر مزارع کشت گندم در این استان به صورت دیم می‌باشد. تا آن جا که از سطح کاشت ذکره شده، ۱۶۰۶۹ هکتار به صورت دیم و ۶۵۷۵ هکتار به طریق کشت آبی مورد بهره برداری قرار گرفته است.

دومین محصول مهم منطقه جو می‌باشد که سطح کاشت آن ۱۰۹۵۳ هکتار و مقدار تولید آن ۱۲۳۷۶ تن در سال ۱۳۶۷ بوده است.

دیگر محصولات مهم استان عبارتند از: سیب زمینی با ۱۲۶۹ هکتار سطح کاشت و ۱۳۴۳۴ تن تولید، چغندر با ۵۳۷ هکتار سطح کشت و ۱۸۱۰۲ تن تولید، پنبه با ۳۷۷ هکتار سطح کاشت و ۱۱۳۱ تن تولید (4).

علاوه بر این، موقعیت طبیعی استان اردبیل از لحاظ آب و هوا و وجود مراتع قشلاقی دشت مغان و مراتع بیلاقی دامنه کوه‌های سبلان، بزقوش و غیره، وضعیت مناسبی را برای دامداری و دامپروری در این منطقه به وجود آورده است و می‌توان این استان را یکی از مناسبترین مناطق کشور برای تولید گوشت، پوست، پشم و مواد لبنی به شمار آورد.

استان اردبیل علاوه بر دامداری یکی از کانون‌های پرورش زنبور عسل در سطح کشور به شمار می‌رود که تنها در شهرستان اردبیل ۲ هزار نفر با ۷ هزار کندوی مدرن به شغل زنبورداری اشتغال دارند (5).

از نظر صنایع دستی، استان با توجه به ساخت روستایی و عشایری آن، از جایگاه ویژه برخوردار است و زمینه جانبی فعالیت اقتصادی عشایر و روستائیان را تشکیل می‌دهد. از جمله این صنایع می‌توان به فرش، گلیم، جاجیم، ورنی و بافته‌های عشایری اشاره کرد.

کارخانه چرم مغان از طریق صادرات پوست به کشورهای آلمان و ایتالیا مبالغ هنگفتی ارز وارد کشور می‌کند (6).

انواع فعالیت‌های صنعتی در استان اردبیل عبارتند از: صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات، صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع شیمیایی، صنایع محصولات معدنی غیر فلزی و صنایع ماشین آلات.

استان اردبیل به دلیل موقعیت خاص خود دارای ۲۵ معدن، شامل کائولن، پوکه معدنی، سنگ تراورتن، سنگ مرمریت و مرمر، سنگ آهک و سنگ ساختمانی می‌باشد (7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

مورخان قدیمی، مانند نویسنده «حدود العالم» اردبیل را واژه‌ای اوستایی دانسته‌اند که از دو کلمه «ارتا» (مقدس) و «ویل» (شهر) به معنی شهر مقدس ترکیب شده است و بر اثر مرور زمان به اردبیل تغییر نام یافته است. بسیاری از مورخان اسلامی، هم چون یاقوت حموی و فردوسی شاعر نامدار ایران، بنای این شهر را به فیروز، پادشاه ساسانی (۴۸۹ - ۴۵۷ م) نسبت می‌دهند و آن را «بادان پیروز» نامیده‌اند (8).

#### پیشینه تاریخی

از پیشینه تاریخی قبل از اسلام اردبیل اطلاع دقیق و روشنی در دست نیست ولیکن آثار و اشیای مربوط به قرن ۱۶ - ۱۲ ق.م که توسط باستان‌شناسان در حفاری نمین در سه فرسنگی اردبیل به دست آمده و هم چنین سنگ نبشته اورارتوئی مربوط به قرن ۹ - 7 ق.م در قره داغ، بیان کننده قدمت تمدنی است که در ادوار گذشته در منطقه اردبیل وجود داشته است.

در سال ۲۲ه.ق آذربایجان توسط حذیفه الیمان سردار معروف اسلام فتح شد. در این زمان اردبیل مرکز حکومت آذربایجان بوده است. در زمان خلافت عمر (۱۱ - ۱۳ه.ق)

عتبه بن فرقد به جای حذیفه منصوب شد، در این دوره اهالی اردبیل علیه سلطه اعراب سر به شورش برداشتند اما شورش آنها توسط حاکم جدید سرکوب شد. در دوره خلافت امام علی (ع) (۳۶ - ۴۰ ه.ق) اشعث به حکومت آذربایجان منصوب شد. در زمان حکومت اشعث اکثریت اهالی آذربایجان به دین مقدس اسلام مشرف شدند. در دوران خلافت هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵ ه.ق) خلیفه اموی، خزرها از طریق دربند وارد آذربایجان شدند و اردبیل را ویران ساختند. در زمان خلافت مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ ه.ق) خلیفه عباسی، بابک خرم دین پیشوای خرم دینان در اردبیل و حوالی آن قریب مدت ۲۲ سال در مقابل سپاهیان خلفا پایداری کرد. از سال ۲۷۹ - ۳۱۷ ه.ق سلسله‌ای از امرای ایرانی منسوب به ابوالساج از منسوبین امرای اشروسنه در آذربایجان تأسیس شد. پایتخت ساجیان ابتدا مراغه بود، بعداً به اردبیل منتقل شد. تا اوایل قرن چهارم هجری اردبیل مهم‌ترین شهر آذربایجان و پایتخت آن جا بود.

در قرن ششم و هفتم هجری گرجی‌ها به کرات اردبیل را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند و عده زیادی را کشتند و ساختمان‌های زیادی از جمله مسجد جامع شهر را ویران کردند. در سال ۶۱۷ ه.ق نیز این شهر به تصرف مغولان درآمد و ویران گردید. در اوایل قرن هشتم هجری اهالی اردبیل پیرو مذهب شافعی بودند ولیکن یک قرن بعد نهضت تشیع از همین جا برخاست و همین نهضت موجب تأسیس دولت جدید ایران یعنی سلسله صفویه شد که در حدود ۴۶۰ سال در ایران حکومت روحانی و سلطنت داشته‌اند. شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰ - ۷۳۵ ه.ق) از مشایخ صوفیه ایران در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است که در آذربایجان و آسیای صغیر مریدان زیاد داشت. پس از او پسرش شیخ صدرالدین (۷۰۴ - ۷۹۴ ه.ق) جانشین پدر شد و بعد از وی پسرش خواجه علی (۷۹۸ - ۸۳۳ ه.ق) جای او نشست. بعد از درگذشت خواجه علی پسرش شیخ ابراهیم معروف به شیخ شاه به جای پدر نشست. در زمان وی نفوذ روحانیت در اردبیل به جایی رسید که موجب وحشت و اضطراب جهان‌شاه قراقویونلو گردید. ابراهیم در سال ۸۵۱ ه.ق درگذشت و پسر کوچک او شیخ جنید جانشین پدر شد. وی گذشته از داشتن مسلک تصوف یکی از مدافعین متعصب مذهب شیعه امامیه نیز بود و علیه سنی‌های داغستان مبادرت به جنگ کرد و در نبرد با شروانشاه در سال ۸۶۰ ه.ق کشته شد. بعد از وی شیخ حیدر جانشین پدر گردید و برای گرفتن انتقام خون پدر خود رهسپار شروان شد و بر شروانشاه غلبه کرد لیکن به علت کمکی که امیر یعقوب ترکمان به شروانشاه کرد، در سال ۸۹۳ ه.ق در جنگ با آن‌ها کشته شد.

اردبیل در دوره جانشینان شاه اسماعیل باز هم از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار بود، چنان که شاه عباس اول، مقبره و مسجد شیخ صفی‌الدین را با هدایای پرارزشی زینت بخشید و کتابخانه معتبری وقف شهر کرد. این شهر در حوادث دوران آخرین سلاطین صفویه مدت کوتاهی به تصرف عثمانی‌ها درآمد، ولیکن نادر در سال ۱۱۴۷ ه.ق آن را بازپس گرفت. اردبیل بر اثر لشکرکشی‌های نادر دچار رکود اقتصادی شد به همین علت عده زیادی از اهالی شهر به نقاط دیگر کوچ کردند. شهری که در دوره صفویه به علت وجود مقبره شیخ صفی‌الدین دارای اهمیت و از احترام خاصی برخوردار بود بعد از انقراض سلسله صفویه به تدریج ارزش و اعتبار خود را از دست داد تا جایی که در دوره سلسله قاجاریه عملاً تبدیل به تبعیدگاه سیاسی شده بود. در دوره فتحعلی شاه با آمدن هیأت‌های فرانسوی به ایران، ژنرال گاردان آن جا را مستحکم ساخت و عباس میرزای ولیعهد دربار خود را در آن شهر قرار داد. ژنرال پاسکویچ قبل از امضای عهدنامه ترکمانچای قسمت بزرگی از کتاب‌های نفیس کتابخانه مقبره شیخ صفی‌الدین را به عنوان غنائم جنگی تصرف کرده و به سن‌پترزبورگ فرستاد (9).

### آثار و بناهای تاریخی

برخی از مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی استان اردبیل عبارتند از:

## قلعه‌ها و دژها

قلعه کهنه (مشکین شهر)، قلعه اولتان (پارس آباد)، آغجه قلعه (مشکین شهر)، قلعه هیر (اردبیل)، قیز قلعه سی (گرمی)، دیو قلعه سی (مشکین شهر).

## پل‌های تاریخی

پل خدا آفرین (پارس آباد)، پل سامیان (اردبیل)، پل کلخوران (اردبیل)، پل سید آباد (اردبیل)، پل یعقوبیه (اردبیل)، پل قره سو (اردبیل).

## بازارهای قدیمی

بازار اردبیل که مجموعه‌ای است مرکب از تیمچه، سرا، حمام و مسجد که از سابقه‌ای بسیار طولانی برخوردار است.

## مساجد

مسجد جمعه (اردبیل)، مسجد میرزا علی اکبر مجتهد (اردبیل)، مسجد اعظم (اردبیل)، مسجد جامع و مسجد نو (خلخال)، مسجد جنت سرا (مشکین شهر).

## مقبره‌ها و امامزاده‌ها

بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (اردبیل)، مقبره امین الدین جبرائیل (اردبیل)، مقبره شیخ حیدر (مشکین شهر)، بقعه گورائیم (اردبیل)، امامزاده صالح (اردبیل)، امامزاده سید سلیمان (مشکین شهر)، امام زاده دختر (اردبیل)، امام زاده خلخال (خلخال)، بقعه سید دانیال (خلخال).

## کلیساها

کلیسای مریم مقدس (اردبیل) (10).

## بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

### جمعیت و ویژگی‌های آن

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان اردبیل ۱۱۶۸۰۱۱ نفر بوده است که از این تعداد ۵۸۹۹۴۶ نفر مرد و ۵۷۸۰۶۵ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۵۶۸۴۴۸ نفر در نقاط شهری و ۵۹۶۹۱۶ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند (11).

### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان اردبیل: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1168011	589946	578065	213766
ساکن در نقاط شهری	568448	290915	277533	109484
ساکن در نقاط روستایی	596916	297693	299223	103806
غیر ساکن	2647	1338	1309	476
شهرستان اردبیل	563477	288237	275240	106620
ساکن در نقاط شهری	356912	183124	173788	70513
ساکن در نقاط روستایی	206511	105087	101424	36095
غیر ساکن	54	26	28	12
شهرستان بیله سوار	59584	29650	29934	10142
ساکن در نقاط شهری	19116	9666	9450	3412
ساکن در نقاط روستایی	40468	19984	20484	6730
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان پارس آباد	138887	71020	67867	23318
ساکن در نقاط شهری	63323	32153	31170	10854

12060	35565	37744	73309	ساکن در نقاط روستایی
404	1132	1123	2255	غیر ساکن
26061	70600	67392	137992	شهرستان خلخال
10225	25377	25767	51144	ساکن در نقاط شهری
15830	45222	41620	86842	ساکن در نقاط روستایی
6	1	5	6	غیر ساکن
17114	52184	51880	104064	شهرستان گرمی
4948	14037	14129	28166	ساکن در نقاط شهری
12112	37999	37567	75566	ساکن در نقاط روستایی
54	147	184	332	غیر ساکن
30511	82240	81767	164007	شهرستان مشکین شهر
9532	23711	26076	49787	ساکن در نقاط شهری
20979	58529	55691	114220	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۳۹. نتایج تفصیلی استان اردبیل.

#### وضع فعالیت

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان اردبیل ۸۵۸۰۵۰ نفر بوده است که از این تعداد ۳۰۰۵۶۰ نفر جمعیت فعال و ۵۴۵۶۹۶ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند. از جمعیت فعال این استان ۲۶۷۱۴۵ نفر را مردان و ۳۳۴۱۵ نفر را زنان تشکیل می‌داده‌اند. از جمعیت شاغل ۹۶۶۸۷ نفر در بخش کشاورزی، ۸۲۲۹۲ نفر در بخش صنعت، ۹۴۸۶۹ نفر در بخش خدمات و ۵۰۱۱ نفر نامشخص بوده است (۱۲).

#### مهاجرت

در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، ۱۲۰۸۰۱ نفر به استان وارد و یا در داخل این استان جابجا شده‌اند. محل اقامت قبلی ۳۶۸۹۰ نفر مهاجران، سایر استان‌ها، ۲۴۳۰۲ نفر شهرستان‌های دیگر همین استان و ۵۸۸۰۳ نفر در شهرستان محل سرشماری بوده‌اند. محل اقامت قبلی ۸۰۶ نفر خارج کشور یا اظهار نشده بوده است (۱۳).

#### زبان و نژاد

قبل از مهاجرت آریاها به فلات ایران، مردمی در این سرزمین زندگی می‌کردند که بومی محل بودند و به زبان مخصوصی سخن می‌گفتند. با آغاز مهاجرت آریایی‌ها چون نتوانستند در مقابل آن‌ها پایداری کنند حکومت آن‌ها را گردن نهاده به تدریج آداب و رسوم و زبان آن‌ها را پذیرفتند (۱۴).

مردم اردبیل تا دوره صفویه به زبان آذری که ریشه در زبان پهلوی دارد سخن می‌گفتند، ولی هم‌زمان با تشکیل سلسله صفویه، به علت رسمیت زبان ترکی در دربار صفوی، زبان آذری جایش را به زبان ترکی داد. به همین خاطر زبان کنونی را نه می‌توان آذری نامید و نه ترکی، بلکه در واقع ترکیبی است از آذری، ترکی و فارسی (۱۵).

#### آموزش و پرورش

تقریباً پنجاه سال پس از تأسیس دار الفنون در تهران، اولین سنگ بنای مدرسه جدید در اردبیل به سال ۱۳۲۲ه.ق به همت شادروان محمد ولی خان تنکابنی (نصر السلطنه) به نام مدرسه نصریه گذاشته شد و بعد از گذشت ۱۳ سال (۱۳۳۵ه.ق) اولین مدرسه دولتی به نام مدرسه احمدی افتتاح گردید (۱۶).

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۱۰۰۳۳۸۹ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان اردبیل، 735715 نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۴۱۲۴۵۱ نفر مرد و ۳۲۳۲۶۴ نفر زن بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان ۳۹۸۸۳۴ نفر در نقاط شهری و ۳۳۶۰۲۶ نفر در نقاط روستایی و ۸۵۵ نفر غیر ساکن بوده‌اند. در این استان، نسبت با سواد در بین مردان 81/67 درصد و در بین زنان ۸۶/۶۴ درصد بوده است (17).

استان اردبیل در سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ مجموعاً دارای ۲۹۲۹۴۵ نفر دانش آموز بوده که از این تعداد ۱۶۰۸۸۲ نفر پسر و ۱۳۲۰۶۳ نفر دختر بوده‌اند که این تعداد دانش آموز در ۲۲۲۵ آموزشگاه در مقاطع مختلف آموزشی به تحصیل اشتغال داشته‌اند (18).

### آموزش عالی

فعالیت آموزش عالی در شهرستان اردبیل از سال ۱۳۵۷ ه.ش آغاز شده است. در اثر بذل مساعی بزرگان اردبیل در مهرماه ۱۳۵۷ دانشکده کشاورزی اردبیل (دوره کارشناسی) با ۳۰ نفر دانشجو آغاز به کار کرد (19). هم اکنون استان اردبیل با داشتن ۱۳۵۱۲ نفر دانشجو در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مراکز مهم دانشگاهی استان در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ عبارت بودند از: دانشگاه اردبیل با ۴۳۵۰ نفر دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی با ۷۴۹ نفر دانشجو، دانشگاه آزاد با ۵۸۴۲ نفر دانشجو و دانشگاه پیام نور با ۲۵۷۱ نفر دانشجو (20).

### امکانات فرهنگی - تفریحی:

#### کتابخانه‌ها

در سال ۱۳۷۵، استان اردبیل دارای ۳۱ کتابخانه عمومی و یک کتابخانه سیار با ۱۶۱۰۶۰ جلد کتاب و ۴۱۳۲۱ نفر عضو بوده است که بیشترین آن‌ها در شهر اردبیل قرار داشته است. از این تعداد، ۱۵ واحد در اردبیل، ۲ واحد در بیله سوار، ۳ واحد در پارس آباد، ۷ واحد در خلخال، ۳ واحد در مشکین شهر و ۲ واحد در مغان بوده است (21).

#### مطبوعات

اولین نشریه‌ای که به صورت روزنامه در اردبیل منتشر شد جریده «اتفاق» نام داشت که مقارن با آغاز نهضت مشروطیت ایران، و به همت تنی چند از آزادیخواهان منتشر می‌شده است. روزنامه‌های دیگری که در این استان منتشر می‌شده به ترتیب انتشار عبارتند از:

روزنامه برگ سبز، روزنامه جودت، روزنامه قبس، روزنامه شمس ایران، روزنامه دامن حق، روزنامه پیک روز، روزنامه دفاع مردم و روزنامه بهار آذربایجان (22).

#### سینما

در سال ۱۳۷۰ در کل استان، چهار باب سینما با گنجایش 1887 صندلی و چهار سالن سخنرانی و نمایش با گنجایش ۵۴۷۴ نفر بوده است. از این تعداد پنج سینما و سالن در خود اردبیل و بقیه در دیگر شهرستان‌های استان بوده‌اند. در این سال، شهرستان‌های بیله‌سوار، خلخال و گرمی فاقد هرگونه امکانات فیزیکی فعالیت‌های هنری بوده‌اند (23).

#### پارک‌ها

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، در استان اردبیل ۲۸ پارک عمومی وجود داشته است که از این تعداد ۶ پارک متعلق به شهرستان اردبیل، ۴ پارک در شهرستان پارس آباد، ۴ پارک در شهرستان مشکین شهر، ۳ پارک در شهرستان بیله سوار و بقیه متعلق به شهرستان‌های دیگر بوده است (24).

#### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۵، استان اردبیل دارای ۱۲۹ مکان ورزشی به شرح زیر بوده است: ۶ ورزشگاه، ۶ استادیوم، ۱۶ سالن ورزشی، ۳ پیست دو و میدانی، ۸ زمین فوتبال، ۳۰ زمین والیبال، ۳۰ زمین بسکتبال و ۳۰ زمین والیبال و بسکتبال بوده است (25).



## آداب و رسوم

### عزاداری ماه محرم:

عزاداری ماه محرم در استان اردبیل تشریفات بخصوصی دارد که شاید همانند آن را در دیگر شهرها نتوان یافت. انجام مراسم طشت‌گذاری از سه روز قبل از ماه محرم، به منزله اعلام رسمی شروع سوگواری است. از آن روز مساجد و تکایا سیاه پوش می‌شوند و در بازار و کاروانسراها و خیابان‌ها پرچم‌های سیاه بر در مغازه‌ها و تجارت‌خانه‌ها به اهتزاز درمی‌آید.

عزاداری ماه محرم به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. یکی از آن‌ها برگزاری مجالس روضه خوانی است و این مجالس علاوه بر مساجد و تکایا، گاهی در منازل اشخاص منعقد می‌گردد.

طریق دیگر عزاداری سینه زنی و زنجیر زنی است که خاص ده روز اول ماه محرم می‌باشد. هر دسته مرکزی به نام حسینیه دارند که در طول سال، شب‌های جمعه در آن جا جمع شده تمرین می‌نمایند ولی پس از حلول محرم عزاداری به مساجد کشیده می‌شود و هر دسته يك روز معین در بازار عزاداری می‌کند.

روز نهم محرم یعنی تاسوعا اردبیلیان در ۴۱ مسجد شمع روشن می‌کنند. این شمع‌ها نذری است و معمولاً اشخاص برای برآورده شدن حاجات خود چنین نذری می‌کنند. در این روز مردم دسته دسته در تمام نقاط به حرکت درمی‌آیند و چون آشنایی با ۴۱ مسجد و طی فاصله آن‌ها کار مشکلی است و تا غروب نیز باید شمع‌ها بین مساجد تقسیم شود، در هر دسته شمع گذار، يك نفر آشنا به محل‌ها و راه مساجد نیز دیده می‌شود و او دیگران را راهنمایی می‌کند.

روز عاشورا استان اردبیل نمای حزن انگیزی دارد. در این روز بیشتر مردها پابره‌نه می‌شوند و برای شرکت در دسته‌ها و مساجد به راه می‌افتند. مردم شهر غالباً در چنین روزی شربت قند و حلوا احسان می‌کنند. این مراسم معمولاً حوالی ساعت يك بعدازظهر پایان می‌یابد.

شب یازدهم که شب شام غریبان خوانده می‌شود، اول شب مردم در مساجد جمع می‌شوند و در حالی که چراغ‌ها را خاموش می‌کنند عزاداری می‌نمایند (26).

### آداب ماه مبارك رمضان

از چند روز به ماه مبارك رمضان مردم استان اردبیل به جنب و جوش افتاده و به نظافت خانه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و ... می‌پردازند.

در این استان همانند سایر نقاط ایران یکی از رسوم پسندیده‌ای که رایج است ایجاد الفت و آشتی بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی به دل دارند. در بسیاری از استان‌ها از جمله اردبیل عده‌ای از مردم يك روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند. مردم این استان با دیدن هلال ماه و یا شنیدن از رسانه‌های گروهی، آغاز ماه مبارك را به همدیگر تبریک می‌گویند و آرزوی توفیق روزه برای خود و بستگان می‌کنند.

در ماه مبارك رمضان در اغلب مساجد و تکایا و خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود که معمولاً مردها و زن‌ها و بچه‌ها به صورت جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند. در این استان آن‌هایی که توانایی دارند يك یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند.

در ایام شهادت حضرت علی(ع) که مصادف با شبهای قدر می‌باشد تمام استان غرق در ماتم و حزن و اندوه می‌شود و همه جا سیاه پوش می‌شود و کسب و کار تعطیل می‌شود و دعا و نیایش، عزاداری، سینه زنی و نوحه خوانی تا پاسی از شب ادامه می‌یابد (27).

### عید فطر

با فرا رسیدن عید سعید فطر، در تمام مناطق استان، نماز عید فطر برپا می‌شود. در این

روز کسانی که قبل از این عید یکی از افراد خانواده خود را از دست داده‌اند در خانه می‌مانند و دوستان و آشنایان برای همدردی نزد آن‌ها می‌روند و تسلیت خاطر می‌دهند و بدین وسیله از غم و اندوه آن‌ها، که طبعاً در چنین روزهایی بیشتر متأثر و پریشان حال‌اند، اندکی می‌کاهند و بعضی از مردم نیز برای تبریک به خانه برخی از روحانیون سرشناس و یا نزد بزرگان خانواده خود می‌روند(28).

### جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی

#### عید قربان

در این روز همانند عید فطر باز دیده‌ها مخصوص مصیبت دیدگان می‌باشد و بعضی از مردم نیز برای تبریک به خانه برخی از روحانیون و یا نزد بزرگان خانواده خود می‌روند. متمکنین اردبیل، به ویژه کسانی که سال‌های قبل به مکه رفته‌اند معمولاً گوسفندی را قربانی کرده و گوشت آن را بین فقرا قسمت می‌کنند و معمولاً رسم بر این است که از این گوشت سهمی برای خویشان و اقوام نزدیک اختصاص می‌دهند.

#### عید غدیر

در استان اردبیل در هجدهم ذی‌الحجه به یاد روزی جشن گرفته می‌شود که به اعتقاد شیعیان، آن روز پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) را به جانشینی خود برگزید. در این روز سردر مغازه‌ها و خانه‌ها آذین بندی می‌شود و به پخش نقل و شیرینی می‌پردازند.

#### سوم شعبان و نیمه شعبان

ولادت حضرت حسین بن علی(ع) و حضرت حجة بن الحسن(ع) از جمله اعیاد مذهبی در این استان می‌باشد. در این روزها بازار و مغازه‌ها با کشیدن پارچه‌های رنگین بر سر در، و روشن کردن چراغ‌های رنگارنگ آذین بندی می‌شود و به پخش نقل و شیرینی و شربت می‌پردازند(29).

#### عید نوروز

از سنن تاریخی مردم اردبیل، انجام مراسم عید نوروز می‌باشد. با نزدیک شدن عید، جنب و جوش چشمگیری در بین مردم ایجاد می‌شود و مردم به تهیه لباس و لوازم مخصوص عید مشغول می‌شوند. یکی دو ساعت مانده به سال تحویل، سفره هفت سین را پهن می‌کنند و اولین چیزی که در آن قرار می‌دهند قرآن می‌باشد. و علاوه بر هفت سین میوه، شیرینی، آجیل و خشکبار هم می‌گذارند. در ساعت تحویل سال، گر چه نیمه شب باشد، همه افراد خانواده بیدار گشته سر سفره می‌نشینند. حتی کودکان خردسال، پیران و بیماران را حمام برده و لباس تمیز می‌پوشانند و بر سر سفره می‌نشانند.

چون سال تحویل می‌شود اولین کار باز کردن قرآن و نگاه کردن به آن می‌باشد و بعد اعضاء خانواده همدیگر را بوسیده و این عید را تبریک می‌گویند. بعد از تحویل سال دید و بازدیدها آغاز می‌گردد و به ترتیب کوچک‌ترها اول به دیدن بزرگترها می‌روند و عید را تبریک می‌گویند و بزرگ خانواده نیز از آن‌ها با شیرینی و میوه پذیرایی می‌کند و در خور شأن خود به آن‌ها عیدی می‌دهد. این دید و بازدیدها تا روز دوازدهم ادامه می‌یابد و در روز سیزدهم مردم این منطقه همانند سایر مردم ایران برای سیزده بدر به کوه‌ها، دشت‌ها و باغ‌های اطراف می‌روند و تا غروب در آن جا به جشن و سرور می‌پردازند(30).

#### جشن عروسی

انتخاب همسر بر خلاف امروز، که بر عهده پسر و دختر می‌باشد در چندی پیش از طرف مادر یا خواهر داماد صورت می‌گرفت. پس از آن که دختری مورد پسند واقع شد، خواستگاری از جانب پسر انجام می‌گیرد. در روز خواستگاری مردانی از کسان پسر به خانه دختر می‌روند و از فامیل‌های دختر هم عده‌ای به این مجلس که به «شیرینی ایچدی(31)» معروف است، دعوت می‌شوند و بعد از صحبت‌های طولانی، خواستگاری انجام می‌شود. و از این تاریخ پسر و دختر با هم نامزد می‌شوند. در گذشته نامزدی رسمی وقتی صورت می‌گرفت که مراسم مخصوصی به نام «شال اوزوک» انجام

می‌گرفت. اوزوك لفظ ترکی و به معنی انگشتی است و شال نیز به همان معنایی است که در زبان فارسی نیز مصطلح است.

امروزه این مراسم متروک گشته و به جای آن دو عدد حلقه طلائی معمول گردیده است که حین عقد پسر و دختر در انگشت هم می‌نمایند. بین نامزدی و عقد مدت زیادی طول نمی‌کشد و از کسان دو طرف برای مجلس عقد دعوت می‌شود و پس از مجلس جشنی که در خانه عروس گرفته می‌شود، صیغه عقد توسط عاقد خوانده می‌شود. گاهی بردن عروس به خانه بخت مدتی طول می‌کشد و در این فاصله اگر عیدی پیش می‌آمد برای عروس هدیه‌ای و خلعتی می‌فرستادند. در قدیم و حتی امروزه در بعضی نقاط این استان رسم است قبل از بردن عروس به خانه بخت جشن دیگری گرفته می‌شود که مختص زن‌ها می‌باشد و به «پارچه کسدی (32)» معروف است. مراد از این جشن آن است که کسان دو طرف دور هم بنشینند و لباس‌های عروس را بریده و بدوزند.

قبل از این که جشن عروسی صورت گیرد کسانی از طرف خانواده داماد به خانه عروس می‌روند و جهیزیه را به خانه داماد می‌برند. بعد از بردن جهیزیه در روزی که معین شده بود جشن عروسی بر پا می‌شود و داماد از میهمانان با شیرینی و شام پذیرایی می‌کند. در گذشته رسم بر این بود که داماد سه عدد سیب به پشت عروس بزند و به سر او نقل و نبات بریزد و پول نثار کند و در مدخل راهروی ساختمان طشت مسین می‌گذاشتند تا عروس از روی آن بگذرد تا مثل مس در آن خانه محکم بماند (33).

#### باورها

- مردم این منطقه بر این باورند که اگر روی گور کسی آب بپاشند، روح مرده آرامش خواهد یافت.

- اگر در حین بارندگی آفتاب بدرخشد، علامت این است که بچه گرگی در حال به دنیا آمدن است.

- رنگین کمان را نشانه فراوانی خواربار می‌دانند.

- اگر مرغی مثل خروس بانگ بزند آن را به يك سید می‌بخشند (34).

- اگر کسی ته دیگ شیر جوشیده را بخورد شب عروسی اش برف یا باران می‌بارد.

- اگر مردی از زیر دوک نخ ریسی بگذرد، از مردی می‌افتد (35).

#### ضرب‌المثل‌ها

بومورتا اغورلیپا، دوه او غروسی اولار - تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.  
 کر دیدی، سس گلیر - یعنی کر گفت صدا می‌آید.  
 کور دیدی، او دور گلیر - یعنی کور گفت آن هست می‌آید.  
 چولاق دیدی، درون قاقاق - یعنی تنبل گفت، پاشید فرار کنیم.  
 بیگی یالان ساخلار، ایشه گی پالان - یعنی بزرگ را دروغ نگه می‌دارد، خر را پالان (36).

#### بخش پنجم: اوضاع سیاسی - مذهبی

##### اوضاع مذهبی

##### پیشینه مذهبی

اردبیلیان کهن به دین مغی که به احتمال بسیار، به وسیله زردشت، منسوخ یا اصلاح شد، معتقد بودند. بعد از این که زردشت قیام کرد به دین زردشتی گرایش پیدا کردند و پس از این که اردبیل به دست سپاه عرب فتح گردید دین اسلام جایگزین آئین گذشته شد. بعدها که دین اسلام انشعاباتی از حیث فروع پیدا کرد مردم اردبیل به آئین شافعی وظایف دینی را به عمل می‌آوردند ولی بعد از سلاجقه با نفوذ و قدرتی که فرزندان شیخ صفی الدین به دست آورده بودند مذهب شیعه رواج یافت و شاه اسماعیل آن را مذهب رسمی ایرانیان گردانید. از آن تاریخ مردم این استان مذهب تشیع اختیار کردند و هم اکنون نیز به این مذهب پایبند هستند. با این همه در این منطقه یهودی، مسیحی، کلیمی هم وجود دارد (37).

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375، از ۱۱۶۸۰۱۱ نفر جمعیت اردبیل، ۱۱۶۵۵۹۰ نفر مسلمان، ۳۰۶ نفر زردشتی، ۱۰ نفر مسیحی، ۱۶ نفر کلیمی، ۱۳ نفر سایر ادیان و ۲۰۷۶ نفر اظهار نشده بوده‌اند(38).

#### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۱۶۱۸ باب مسجد، یک باب مصلا، ۸۷ حسینیه، یک فاطمیه، ۴۰ زینبیه و حیدریه، ۲ خانقاه و ۸۷ بقاع متبرکه امامزاده و زیارتگاه بوده است(39).

مهمترین مساجد و بقاع متبرکه استان اردبیل عبارتند از:

مسجد جامع اردبیل، مسجد میرزا علی اکبر مجتهد (اردبیل)، مسجد اعظم اردبیل، مسجد جنت سرا (مشگین شهر)، مسجد جمعه اردبیل، مسجد جامع خلخال، مسجد جمعه خلخال، مسجد قائمیه (خلخال)، بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (اردبیل)، مقبره امین الدین جبرائیل (اردبیل)، مقبره شیخ حیدر (مشگین شهر)، بقعه گورانیم (اردبیل)، امامزاده صالح (اردبیل)، امامزاده سید سلیمان (مشگین شهر)، امامزاده خلخال (خلخال)، بقعه سید دانیال (خلخال) و(40).....

#### مدارس دینی

حضور عرفانی شیخ صفی در اردبیل، این منطقه را مجمع عرفا و ادبا و اهل فضل و معرفت نموده بود. شیخ صفی در تاریخ ۷۰۰ هجری، خلیفه و جانشین شیخ زاهد گیلانی گردید و تا دویست سال، شهر اردبیل از انقباس آن مرشد و الامقام، دار الارشاد بوده است (41). و به همین دلیل مدارس علمیه شیعه در این منطقه تأسیس شد. از مدارس قدیم اردبیل که در یک قرن اخیر مرکز تعلیمات اسلامی بوده و هم اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان از مدرسه صالحیه جنب مسجد جامع، مدرسه ملا ابراهیم روبروی مسجد جامع میر صالح، مدرسه آقا میرزا علی اکبر جنب مسجدی به همین اسم در اردبیل، مدرسه جعفریه در خلخال و مدرسه المهدی (عج) در مشکین شهر نام برد(42)..

#### بزرگان و مشاهیر

اردبیل علاوه بر سابقه تاریخی، زادگاه علما، دانشمندان، عرفا و محققین بزرگی بوده است که برگی زرین بر افتخارات علمی و فرهنگی این مرز و بوم افزوده‌اند. در زیر فهرست وار به اسامی برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

آیت‌الحق ملا ابراهیم امام جمعه (فقیه ۱۲۰۷ - ۱۳۰۷ ه.ق.)، ابن بزاز اردبیلی (دانشمند قرن هشتم ه.)، حاج میرزا ابوالفضل فضلی (فقیه قرن ۱۳ و ۱۴)، شیخ ابو سعید اردبیلی (عارف، قرن سوم)، آقا سید احمد مرتضوی (فقیه ۱۲۸۰ - ۱۳۵۳ ه.ق.)، الیاس اردبیلی (دانشمند قرن دهم)، الهی اردبیلی (۸۷۰ - ۹۴۰ ه.ق.) درویش امیر اردبیلی، برهان اردبیلی، بزمی اردبیلی، بیضای اردبیلی، حالی اردبیلی، حکیم الهی اردبیلی، شیخ صفی الدین اردبیلی، میرزا علی اکبر اردبیلی، خواجه علی سیاهپوش، شیخ غلامحسین غروی اردبیلی، محمود بن عبیدالله الاربدیلی، مفتی الشیعه، مولانا مقدس اردبیلی، میرآخور اوغلی، حاج میرزا یوسف مجتهد، سید یونس نجفی اردبیلی، آیت الله مشکینی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله بیوک مروج، آیت الله سید ابراهیم سید حاتمی، آیت الله عبدالرحیم جعفری (43).....

#### اوضاع سیاسی

جنبش مشروطیت که از تابستان ۱۳۲۳ ه.ق در ایران شروع شده بود به اردبیل نیز کشیده شد. لزوم احتیاط ایجاب می‌کرد که روشنفکران اردبیل در آن دوره به طور سری گرد هم آیند و برنامه‌های خود را که صرفاً کاشتن تخم آزادی و آبیاری و بارور کردن آن بود، با تأنی و مال اندیشی لازم به موقع اجرا بگذارد و بر همین اساس علما و تجار اردبیل، مثل علما و بازرگانان آذربایجان، با مرکز نشینان هم صدا شدند و آوای یاری سر دادند.

در تابستان ۱۳۲۶ قمری که خبر به توپ بستن مجلس به تبریز رسید آزادیخواهان به فکر چاره افتادند و در صدد ازدیاد نیرو برآمدند. ملا امام وردی مشکینی تصمیم به مراجعت به زادگاه خود گرفت تا مساعدت طوایف اطراف را جلب کند که توسط مأموران امیر معزز دستگیر و به اردبیل منتقل شد و در آن جا او را به دار زدند. با این همه سخت‌گیری‌ها باز نتوانستند فکر آزادی را از مخیله مشروطه خواهان این ناحیه به دور سازد و ارتباط محرمانه آن‌ها را از دیگر مجاهدان این طریقت قطع نماید. بلکه در عوض روابط سرّی آنان را بیش از پیش محکم‌تر ساخت و یک علقه ناگسستی، البته در آن روزهای سخت، بین همه مشروطه خواهان ایران به وجود آورد(44)..

### اردبیل در جنگ جهانی اول

خبر شروع جنگ بین الملل اول در هفتم ماه رمضان ۱۳۳۲ قمری، که ده روز از تاجگذاری احمد شاه می‌گذشت، در اردبیل منتشر شد. بدین طریق که بعد از ظهر آن روز، هنگامی که مردم در مساجد نشسته، به سخنان و عاظ گوش می‌دادند، ناگاه صدای شلیک مفصلی در شهر به گوش رسید و همه را در بهت و حیرت فرو برد. شلیک بی‌سابقه آن روز، که در مساجد به گوش مردم رسید، نگرانی خاصی به وجود آورد. با این که دولت ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد لیکن آزادیخواهان قبلاً از آلمان و ترکیه و متحدین آن‌ها طرفداری می‌کردند. در اردبیل نیز کسانی بدین منظور قیام کردند و برای پیروزی دول متحد به اقداماتی دست زدند و یکی از آن‌ها حاج شعبانعلی معمار بود.

روز ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری در اردبیل شایع شد که عثمانی‌ها به سراب وارد شده‌اند و اینک به سوی این شهر پیش می‌آیند. این شایعه روس‌ها را به وحشت انداخت و آن‌ها در یک شب تمام مهمات و ذخیره سلاح‌هایی را که از چندین سال پیش در نارین قلعه انبار کرده بودند برداشته و شهر را تخلیه و به آستارا عقب نشستند.

اینان که رفتن خود را از شهر در نتیجه انتشارات دروغین مردم اردبیل می‌دانستند بیش از پیش نسبت به مردم این منطقه خشونت و بد رفتاری نشان دادند و به دست‌گیری و آزار مردم این شهر پرداختند و این روند ادامه داشت تا این که جنگ به پایان رسید و قوای خارجی از این شهر عقب نشینی کردند(45)..

### واقعه کشف حجاب

بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش کشف حجاب زنان نیز جزو اصلاحات اجتماعی منظور گشت و در دیماه ۱۳۱۴ خورشیدی به مرحله اجراء درآمد. این کار روز ۱۷ دیماه با تشکیل مجالس جشنی در سراسر ایران عملی شد و در اردبیل نیز چنین مجلسی در فرمانداری برگزار گردید و از یک هفته قبل از تجار و رؤسای ادارات و محترمین شهر برای شرکت در آن جا همراه بانوانشان دعوت به عمل آمد. به موازات این اقدام بر سر کردن چادر در کوچه و بازار نیز برای زنان ممنوع گردید(46)..

### جنگ جهانی دوم

با آغاز جنگ جهانی دوم چون ایران پل ارتباطی متفقین محسوب می‌شد روس‌ها تصمیم به اشغال ایران نمودند. شب دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ ش در حالی که سکنه اردبیل، مثل همیشه به خواب رفته بودند در سه فرسخی شهر یعنی آن طرف مرز ایران و شوروی، ستون‌های نظامی با تجهیزات کامل آماده دریافت فرمان حمله بودند. در ساعت چهار صبح که سکوت مطلق بر فضای شهر حاکم بود به ناگاه صدای گوش خراش و وحشت آور هواپیماهای روسی که به پادگان اردبیل حمله کرده بودند به یکباره در شهر پیچید و همه را از خرد و کلان، پیر و جوان از خواب بیدار کرد. هواپیماها تعداد زیادی اوراق چاپی ریختند که در آن‌ها از طرف روس‌ها به مردم اطمینان داده شده بود و ضمن اعلام دوستی، از رهائی مردم ایران از یوغ نازی‌ها، سخن رفته بود. هنوز ظهر نشده بود که تانک‌های روسی وارد شهر گردیدند و از نقاط مختلف، به طرف سربازخانه و نیز عمارت سالاریه، که محل استقرار ستاد لشکر بود، روی آوردند و سربازخانه را اشغال

کردند. ولی چون شب فرا رسید بنا به مقتضیات حالت جنگی، آن جا و نقاط دیگری را که در اختیار داشتند رها کرده از شهر بیرون رفتند. ولی آن دسته از سپاه روس که می‌بایست در این منطقه بماند، بدان جا نقل مکان کردند و تا اواسط اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ خورشیدی، سربازخانه را در تصرف داشتند(47)..

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان اردبیل، ص ۲۵.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان اردبیل، ص پانزده.
- 3- سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل، آمارنامه استان اردبیل ۱۳۷۵، ص ۲-۳.
- 4- همان، ص ۲۰۲.
- 5- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ مهر ۱۳۷۳، ص ۴.
- 6- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص 40.
- 7- سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل، همان، ص ۲۵۶-۲۵۷.
- 8- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۰.
- 9- عزیزالله بیات، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، ص ۲۱۰-۲۱۳.
- 10- بیوک جامعی، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل.
- 11- مرکز آمار ایران، همان، ص 16.
- 12- همان، ص ۳۰ و ۶۶.
- 13- همان، ص ۸ و ۲۰.
- 14- بابا صفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۲، ص ۵۶.
- 15- محمدعلی مخلصی، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، ص ۱۷.
- 16- بیوک جامعی، همان، ص ۱۷۹-۱۷۸ و 187.
- 17- همان، ص ۲۴ و ۳۲.
- 18- سازمان برنامه و بودجه استان، همان، ص ۸۴ و ۸۷.
- 19- بیوک جامعی، همان، ص ۱۹۰.
- 20- سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل، همان، ص ۱۳۰-۱۲۲.
- 21- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص 126.
- 22- بابا صفری، همان، ج ۳، ص 227-229.
- 23- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۱۲۶.
- 24- سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل، همان، ص ۳۲۲.
- 25- همان، ص ۱۴۹.
- 26- بابا صفری، همان، ص ۱۴۴-۱۲۵.
- 27- احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، ج ۱.
- 28- بابا صفری، همان، ص ۱۱۸.
- 29- همان، ص ۱۱۸-۱۲۱.
- 30- همان، ص ۱۱۴-۱۰۹.
- 31- همان، ص ۱۶۰-۱۵۴.
- 32- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، ج ۲، ص ۸۲۳.
- 33- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان غربی، ج ۲، ص ۶۱۶.
- 34- علی میرنیا، فرهنگ مردم، ص 364-365.
- 35- بابا صفری، همان، ج ۲، ص ۸۰-۶۸.
- 36- مرکز آمار ایران، همان، ص 5.
- 37- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱.

- 38 حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص. 93-112
- 39 عقیقی بخشایشی، مفاخر آذربایجان، ج ۱، ص ۲۷.
- 40 بابا صفری، همان، ص ۱۷۵.
- 41 همان، ج ۳، ص ۲۹۰-۳۷۰.
- 42 همان، ج ۱، ص ۱۸۸-۲۰۹.
- 43 همان، ص ۳۲۵-۳۴۱.
- 44 همان، ص ۲۴-۲۵.
- 45 همان، ج ۲، ص. 54-44

# استان آذربایجان شرقی

## بخش اول: جغرافیای طبیعی



### مشخصات جغرافیایی

استان آذربایجان شرقی با مساحتی معادل ۴۷۸۳۰ کیلومتر مربع در شمال غربی ایران، بین ۳۶ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. شهرستان تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی با مساحتی معادل ۴۳۰۰ کیلومتر مربع در مرکز این استان واقع شده است (۱).

این استان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۱۴ شهرستان، ۳۴ بخش، ۳۹ شهر، ۱۳۴ دهستان و ۲۸۴۰ آبادی دارای سکنه می‌باشد (۲).

### ویژگیهای طبیعی

استان آذربایجان شرقی در ناحیه کوهستانی قرار گرفته و قسمت بزرگی از بخش شرقی فلات آذربایجان را شامل می‌شود. ناهمواریهای این منطقه را می‌توان به سه واحد متمایز تقسیم‌بندی نمود:

کوههای شمالی: شامل قره داغ، میشوداغ و مرو داغ؛

کوههای شرقی: شامل طالش، صلوات داغ و خروسلو؛

کوههای مرکزی و جنوبی: شامل سبلان، بزغوش، عون بن علی، سهند، قافلان کوه.

وجود کوههای متعدد، عرض جغرافیایی بالا، وجود دریاچه‌های خزر و ارومیه، دریای مدیترانه و توده‌های هوای سردسیری در آب و هوای استان نقش مهمی دارند. به طور کلی تقسیمات آب و هوایی استان به شرح زیر می‌باشد:

نواحی سرد، شامل ارتفاعات سهند و سبلان

نواحی معتدل، شامل جلگه تبریز، اهر، مراغه

نواحی گرم، شامل میانه و سواحل ارس (۳).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی



## کشاورزی و دامپروری

آذربایجان شرقی از مناطق حاصلخیز کشور است که اراضی و استعداد و امکانات توسعه کشاورزی آن از اغلب استانها بیشتر می‌باشد. کشت غلات، خاصه گندم و جو، مهمترین فعالیتهای زراعی استان را تشکیل می‌دهد. و هم اکنون از لحاظ میزان سطح زیر کشت گندم، بعد از استان خراسان مقام دوم را دارا می‌باشد.

این استان از نظر باغداری، با دارا بودن بیش از ۸ درصد باغهای کل کشور، پس از استانهای مرکزی و خراسان در ردیف سوم قرار دارد. تاکستانها و باغهای بادام، زردآلو و سیب لبنانی این مناطق در حد وسیعی گسترده می‌باشد.

موقعیت طبیعی آذربایجان شرقی برای دامداری و دامپروری بسیار مناسب می‌باشد به طوری که می‌توان این استان را از بهترین مناطق ایران از نظر تولید گوشت، پوست و پشم گوسفند به شمار آورد.

## صنایع و معادن

در این استان اکثر واحدهای صنعتی در شهر تبریز متمرکز شده که این امر، موجب افزایش سطح اشتغال و درآمد سرانه در شهر تبریز و مهاجرت نیروی کار به این شهر گردیده است(4).

انواع فعالیتهای صنعتی در این استان عبارتند از: صنایع مواد غذایی (آشامیدنی و دخانیات) صنایع نساجی (پوشاک و چرم)، صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع شیمیایی، صنایع محصولات معدنی غیر فلزی، صنایع ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی(5).

از مهمترین واحدهای صنعتی این استان می‌توان به پالایشگاه تبریز و نیز کارخانه تراکتور سازی تبریز اشاره کرد.

## بخش سوم: جغرافیای تاریخی

### وجه تسمیه

درباره وجه تسمیه آذربایجان نظریات گوناگونی ارائه شده است که در زیر به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

این نام از کلمه «آتورپات» فرمانده ایرانی ماد کوچک که بر علیه اسکندر قیام نموده، گرفته شده است که بعدها به «آتورپاتکان» و بعد «آذربایگان» و هم اکنون «آذربایجان» تبدیل شده است.

آذربایجان مأخوذ از کلمه «آذر» یا «آثر» به معنی آتش است و این نامگذاری را به مناسبت وجود آتشکده معروف «شیز» در این منطقه دانسته‌اند(6).

### پیشینه تاریخی

وجود تپه‌ها و آثار متعدد از اواسط هزاره دوم ق.م تا پایان دوره ساسانی گویای سابقه تاریخی این منطقه است. تا روزگار اسکندر و جانشینان وی آذربایجان را بخشی از ماد یا ماد کوچک می‌نامیدند لیکن در زمان حکومت اسکندر بر ایران، سرداری به نام «آتورپات» که شهربان منطقه ماد کوچک بود قیام کرد و اسکندر بدین شرط که آتورپات خود را تابع امپراطوری وی بداند، حکمرانی این منطقه را به او سپرد و مردم به پاس خدمات وی در جلوگیری از نفوذ بیگانگان بر این منطقه ماد کوچک را به نام «آتورپاتکان» خواندند و سپس به اسامی آذربادگان و آذربایجان معروف شد(7).

تاریخ آذربایجان به عنوان ناحیه‌ای مشخص، از هنگام دعوی استقلال آتورپات آغاز می‌شود. در دوره ساسانی، معمولاً یکی از مرزبانان را به حکومت آذربایجان می‌گماردند. در اواخر این دوره، آذربایجان به خاندان فرخ هُرمزد تعلق داشت و پایتخت آذربایجان در آن موقع «شیز» یا «گنزک» بود.

فتح آذربایجان به دست اعراب در ضمن وقایع سالهای ۱۸ تا ۲۲ هجری اتفاق افتاد. پس از فتح آذربایجان قبایل عرب از بصره و کوفه و شام و یمن، برای سکونت به این منطقه

روی آوردند و املاک وسیعی را به تصرف خود درآوردند. در این زمان بابک خرمین از ضعف خلافت مرکزی در بغداد و دوری مأمون از این سرزمین استفاده کرده و قسمتهای مهمی از شمال شرقی آذربایجان را به تصرف خود درآورد. پس از شکست بابک، ساجیان، دیلمیان و روادیان بر این منطقه حکومت کردند. در آغاز قرن پنجم هجری ترکان غز، به فرماندهی سلجوقیان، آذربایجان را اشغال کردند. بعد از سلجوقیان، خوارزمشاهیان و سپس مغولان آذربایجان را به تصرف خود درآوردند. پس از ضعف ایلخانان مغول امرای مستقل از قبیل جلاپریان، چوپانیان، ترکمانان، قره قویونلوها و آق قویونلوها بر تبریز تسلط پیدا کردند. پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی، تبریز مدتی پایتخت ایران بود و آذربایجان برای شاهان صفوی سنگرگاه اصلی و مرکز عمده گردآوری قوای نظامی گردید. پس از سقوط دولت صفویه، در دوره‌ای که ایران میان روس، عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی قرار گرفت ولی دیری نپایید که نادرشاه آن را از تصرف دولت عثمانی بیرون آورد و در صحرای مغان تاجگذاری کرد.

کریم خان زند در سال ۱۱۷۵ هجری آذربایجان را از دست خانهای محلی که پس از مرگ پادشاه قیام کرده بودند، خارج ساخت اما پس از مرگ او باز خوانین محلی در این استان ظاهر شدند تا این که بالاخره آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۵ هجری موفق شد که آذربایجان را کاملاً مطیع خود کند. ولی خشونت‌های غیر انسانی و نابخردانه آقامحمدخان و سیاست ضعیف فتحعلیشاه، باعث شکل‌گیری عهدنامه‌های ننگینی شد که باعث جدا شدن قسمتهایی از خاک ایران از جمله آذربایجان و ضمیمه آنها به خاک شوروی سابق شد (8).

### آثار و بناهای تاریخی

آذربایجان شرقی به علت پیشینه تاریخی و اهمیتی که در قرون مختلف داشته سرشار از بناها و آثار تاریخی از هزاره دوم ق.م تا اواخر دوره قاجاریه می‌باشد که مهمترین آنها عبارتند از: کتیبه سنگی سفندل و قلعه داغ (اهر)، معبد یا مسجد غار و گورستان قدمگاه (آذرشهر)، مسجد مهرآباد (بناب)، مسجد کبود، ارگ علیشاه، مسجد جامع، مسجد استاد و شاگرد، مقبره الشعراء، ربع رشیدی، بازار تبریز، تیمچه‌امیر و برج خلعت‌پوشان (تبریز)، کتیبه نشتبان، چهار طاقی ساسانی و مسجدجامع (سراب)، مسجد جامع طسوج (شبستر)، قلعه جمهوری، برج دوزال و حمام کردشت (کلپیر)، گنبد سرخ، گنبد کبود، برج منور، گنبد غفاریه، مسجدشیخ معزالدین، امامزاده معصوم، مسجد کبود، رصدخانه، بقعه قبر آقا و کلیسای هوانس (مراغه)، مسجد جامع، کلیسای سنت استپانوس، کلیسای سهرقه و کلیسای موجومبار (مرند)، پل دختر، قلعه ضحاک، مسجد ترک، قلعه دختر و پل شهر چای (میانه) و (9)....

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگیهای جمعیتی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان آذربایجان شرقی ۳۳۲۵۵۴۰ نفر بوده است که از این تعداد ۱۶۸۲۰۶۶ نفر مرد و ۱۶۴۳۴۷۴ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۲۰۰۴۴۸۴ نفر در نقاط شهری و ۱۳۲۰۷۸۸ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند (10).

#### جمعیت و خانوار شهرستانهای استان آذربایجان شرقی: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	3325540	1682066	1643474	695381
ساکن در نقاط شهری	2004484	1020266	984218	446159

249168	659118	661670	1320788	ساکن در نقاط روستایی
54	138	130	268	غیر ساکن
37966	99469	98559	198028	شهرستان اهر
16284	40707	40160	80867	ساکن در نقاط شهری
21650	58673	58321	116994	ساکن در نقاط روستایی
32	89	78	167	غیر ساکن
18559	53446	54956	108402	شهرستان بستان آباد
2574	6431	7047	13478	ساکن در نقاط شهری
15985	47015	47909	94924	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
23693	55657	57328	112985	شهرستان بناب
13953	31092	32148	63240	ساکن در نقاط شهری
9740	24565	25180	49745	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
333441	726151	760358	1486509	شهرستان تبریز
296016	636935	667649	1304584	ساکن در نقاط شهری
37425	89216	92709	181925	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
	خانوار	مرد	جمعیت	شرح
11538	27119	27464	54583	شهرستان جلفا
6675	15600	15849	31449	ساکن در نقاط شهری
4863	11519	11615	23134	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
27759	72525	76306	148831	شهرستان سراب
9311	20972	21620	42592	ساکن در نقاط شهری
18448	51553	54686	106239	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
26782	62132	60705	122837	شهرستان شبستر
11732	26080	25686	51766	ساکن در نقاط شهری
15050	36052	35019	71071	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
16577	46501	45759	92260	شهرستان کلیبر
1664	3630	4309	7939	ساکن در نقاط شهری
14913	42871	41450	84321	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
56911	136225	140991	277216	شهرستان مراغه

34582	77452	77989	155441	ساکن در نقاط شهری
22316	58743	62971	121714	ساکن در نقاط روستایی
13	30	31	61	غیر ساکن
خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
47036	113043	111301	224344	شهرستان مرند
23089	53313	53774	107087	ساکن در نقاط شهری
23945	59730	57525	117255	ساکن در نقاط روستایی
2	0	2	2	غیر ساکن
18236	46858	47709	94567	شهرستان ملکان
4436	9786	10338	20124	ساکن در نقاط شهری
13800	37072	37371	74443	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
42236	104152	103606	207758	شهرستان میانه
18018	41763	42378	84141	ساکن در نقاط شهری
24218	62389	61228	123617	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
14120	38911	37903	76814	شهرستان هریس
3790	9652	9846	19498	ساکن در نقاط شهری
10330	29259	28057	57316	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
20527	61285	59121	120406	شهرستان هشترود
4035	10805	11473	22278	ساکن در نقاط شهری
16485	50461	47629	98090	ساکن در نقاط روستایی
7	19	19	38	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان آذربایجان شرقی.

### وضع فعالیت

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان آذربایجان شرقی ۲۵۸۴۵۹۵ نفر بوده است که از این تعداد ۹۷۵۴۴۱ نفر جمعیت فعال و ۱۵۸۳۹۲۹ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند.

از جمعیت فعال این استان ۸۴۳۳۲۱ نفر را مردان و ۱۳۲۱۲۰ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. از جمعیت شاغل، ۵۸/۲۵ درصد در بخش کشاورزی، ۲۰/۳۷ درصد در بخش صنعت، ۸۶/۳۵ درصد در بخش خدمات و ۳۶/۱ درصد نامشخص بوده است (۱۱).

### زبان و نژاد

آذری‌ها، اصیل‌ترین افراد ایرانی و از نژاد آریایی هستند. این قوم از نژاد قدیم آریین می‌باشند که زبان و خصوصیت‌های کلی ایرانیان دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی را حفظ کرده‌اند (۱۲).

مردم آذربایجان تا دوره صفوی به زبان آذری که ریشه در زبان پهلوی دارد سخن می‌گفتند لیکن مقارن تشکیل سلسله صفوی به علت رسمیت زبان ترکی در دربار صفوی،

زبان آذری جایش را به زبان ترکی داد و زبان کنونی در حقیقت ترکیبی است از آذری، ترکی و فارسی(13).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۲۹۴۰۹۹۸ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان آذربایجان شرقی ۲۲۱۶۴۲۲ نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۱۲۲۲۱۱۶ نفر مرد و ۹۹۴۳۰۶ نفر زن بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان ۱۴۵۴۹۲۰ نفر در نقاط شهری و ۷۶۱۴۶۶ نفر در نقاط روستایی و ۳۶ نفر غیر ساکن بوده‌اند. در این استان نسبت باسوادی در بین مردان ۳۶/۸۲ درصد و در بین زنان ۲۴/۶۸ درصد بوده است.

جمعیت در حال تحصیل در سال ۷۶ - ۱۳۷۵ مجموعاً ۱۰۲۰۳۶۲ نفر بوده که از این تعداد، ۴۹۲۸۹۳ نفر در مقطع ابتدایی، ۲۶۲۶۴۹ نفر در مقطع راهنمایی، ۱۸۸۴۸۳ نفر در مقطع متوسطه، ۶۰۹۴ نفر پیش دانشگاهی، ۴۹۱۲۱ نفر در دوره‌های آموزش عالی، ۹۵۸ نفر طلبه علوم دینی، ۱۳۰۱۶ نفر نهضت سوادآموزی، ۱۹۳ نفر محصلین خارج از کشور و ۶۹۵۵ نفر اظهار نشده بوده‌اند(14).

مهمترین مراکز آموزش عالی در این استان عبارتند از: دانشگاه تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، آموزشکده فنی تبریز، دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های پیام نور.

#### کتابخانه

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، تعداد کتابخانه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی، ۶۱ واحد با ۵۰۸۰۰ جلد کتاب بوده است(15).

#### سینما

در سال ۱۳۷۴ استان آذربایجان شرقی دارای ۱۸ سالن نمایش فیلم با گنجایش ۱۱۰۰۱ نفر بوده است(16).

#### پارک

در سال ۱۳۷۰ این استان دارای حدود ۵۰ پارک جنگلی و بازی بوده است.

#### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۰ این استان دارای مکانهای ورزشی به شرح زیر بوده است: ۵ باب ورزشگاه، ۶ استادیوم، ۵۹ سالن ورزشی، ۹ استخر شنا، ۶ پیست دو میدانی، ۷۰ زمین فوتبال، ۲۶ زمین والیبال و بسکتبال و ۴ زمین تنیس(17).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ویژه ماه رمضان

در استان آذربایجان شرقی همانند دیگر استانهای کشور مردم چند روز قبل از ماه رمضان به نظافت خانه‌ها و مساجد می‌پردازند. یکی از رسوم پسندیده در ماه مبارک رمضان در این استان آشتی و ایجاد الفت بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی به دل دارند و عقیده دارند اگر دو نفر با هم قهر باشند روزه آنان مورد قبول درگاه خداوند نمی‌باشد.

در اکثر شهرهای این استان مردم يك الی سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند و بعضی مردم نیز سه روز اول و وسط و آخر ماه شعبان را روزه می‌گیرند. در غروب روز آخر ماه شعبان مردم به پشت بامها و بلندیا می‌روند تا ماه را رؤیت کنند. امروزه با نفوذ صدا و سیما در اکثر نقاط ایران این امر برای مردم آسان شده است. در قدیم لایام در این استان مردم برای بیدار شدن در سحرهای ماه مبارک رمضان از روشهای گوناگونی از جمله بانگ خروس، صدای نقاره، طبل و شیپور، کوبیدن قوطی خالی، جار کشیدن و کوبیدن دیوار همسایه استفاده می‌کردند. با اینکه بعضی از این وسایل هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی متداولترین وسیله‌ای که امروزه برای بیدار شدن مورد استفاده قرار می‌گیرد ساعت زنگدار می‌باشد. اکثر مردم معمولاً يك الی دو

ساعت قبل از سحر از خواب بیدار شده و به عبادت و خواندن دعا مشغول می‌شوند و بعد سحری را میل می‌نمایند.

در ماه مبارک رمضان در اغلب مساجد و حسینیه‌ها و خانه‌های این استان، مجالس ختم قرآن برگزار می‌شود. در بعضی از مناطق این استان مجالس ختم قرآن را هر روز در خانه یک نفر برگزار می‌کنند و در پایان هر جلسه، افطار میهمان آن فرد می‌باشند. افطاری دادن یکی از رسوم پسندیده‌ای است که در اکثر نقاط این استان به چشم می‌خورد. معمولاً کسانی که توانایی دارند یک یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. شبهای نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان را شبهای احیا می‌گویند. در این شبها شیعیان تا سحر به عبادت و خواندن قرآن و دعا مشغول می‌شوند. بعضی در خانه و بعضی در مساجد اعمال و مراسم احیا را به‌جا می‌آورند. در روزهای قدر در تمام مساجد و تکایا در سوگ امیر مؤمنان علی «ع» نوحه خوانی و سینه زنی برپا می‌باشد. بسیاری از مردم این استان که به سبب ناتوانی موفق به روزه گرفتن نمی‌باشند به احترام این ایام روزه گرفته و عزاداری می‌کنند. در غروب روز آخر ماه رمضان مردم برای دیدن هلال ماه بار دیگر به پشت بامها و بلندیا می‌روند و با دیدن هلال ماه روز اول شوال را عید می‌گیرند.

### عید فطر

مسلمانان پس از یک ماه روزه و عبادت پروردگار چشم به راه این روز بزرگ می‌باشند تا این روز را جشن می‌گیرند. فطر در لغت به معنی شکستن روزه و روزه گشودن آمده است. صبح عید فطر مردم قبل از نماز، فطریه را جدا کرده و بعد به‌سوی مسجد برای برگزاری نماز رهسپار می‌شوند و بعد از دادن فطریه و خواندن نماز به خانه‌های خود برگشته و با اهل منزل به دیدن بزرگان و اقوام می‌روند و این روز را به همدیگر تبریک می‌گویند (18).

### ماه محرم

مراسم عزاداری سالار شهیدان در استان آذربایجان باشکوه فراوان برگزار می‌شود. از آغاز نخستین روز محرم در شهرها و روستاها عزاداری به شکل زنجیرزنی، سینه‌زنی، و روضه‌خوانی برپا می‌شود. اشعار حماسی در شهادت امام حسین (ع) و یارانش به زبان ترکی از شورانگیزترین و حزن آورترین مرثیه‌ها می‌باشد. از روز نخست محرم، در استان آذربایجان شرقی مراسم وعظ و سخنرانی توسط روحانیون، در مساجد و تکایا برقرار می‌باشد و پس از آن، عزاداران، در سوگ سالار شهیدان به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. در برخی از شهرستان‌های استان نیز از روز نخست ماه محرم در خیابان‌ها به عزاداری می‌پردازند. عزاداران در حالی که هر یک چوبی به طول یک متر در دست راست دارند با دست چپ پشت یکدیگر را گرفته و صفی طولانی می‌بندند و با حرکت چوب و حرکات موزون بدن، با فریادهای بلند «شاخسی»، «واخسی» «شاحسین واحسین» می‌گویند.

در برخی از محله‌ها نیز در شب عاشورا افرادی با شمشیر و قمه در کوچه‌ها به راه می‌افتند. این افراد در صبح عاشورا در حالی که لباس‌های سفید بلند بر تن کرده‌اند و اشعار حماسی می‌خوانند تا ظهر به حماسه خوانی و عزاداری می‌پردازند و در هنگام ظهر به قمه‌زنی می‌پردازند. این سنت (قمه‌زنی) در گذشته‌ای نه چندان دور در استان رواج کامل داشته اما اکنون با توجه به جایز نبودن قمه‌زنی از سوی برخی از مراجع عظام، این عمل کمتر انجام می‌شود. در روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداران در شهرهای مختلف استان به نهار، شام و ... اطعام می‌شوند.

مراسم شب یازدهم محرم (شام غریبان) در فضایی حزن‌آور در حالی که عزاداران شمع‌هایی روشن در دست گرفته‌اند و اشعاری حزن‌آور خوانده و بر سر می‌زنند، اجراء

می‌شود.

در آخرین دهه ماه صفر هم‌زمان با اربعین حسینی و رحلت پیامبر اکرم (ص) و امام مجتبی (ع)، مراسم روضه‌خوانی در مساجد و تکایا برقرار می‌باشد و در این روزها دستجات عزادار در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و خیابان‌ها به زنجیرزنی و سینه‌زنی می‌پردازند (19).

### مجالس ترحیم

در استان آذربایجان شرقی با انتشار خبر مرگ فردی، دوستان و آشنایان گرد هم می‌آیند و طی مراسمی خاص، متوفی را تشییع و به خاک می‌سپارند. جنازه را معمولاً فرزند بزرگ خانواده و یا یکی از نزدیک‌ترین کسان او در قبر می‌گذارد. پس از به خاک سپاری، صاحبان عزا در خانه و یا مسجد محل می‌نشینند و مردم برای عرض تسلیت نزد آن‌ها می‌آیند.

مراسم رسمی ختم در روز بعد از مرگ متوفی انجام می‌شود و در این اولین پنجشنبه پس از مرگ، صاحبان عزا به گورستان می‌روند.

مراسم شب هفت و چهلم متوفی نیز مانند سایر شهرها برگزار می‌شود.

در مراسم به خاک سپاری و یا در منزل و یا در مسجد افرادی به نام «آغی» مرثیه خوان، اشعاری حزن‌انگیز در وصف متوفی بیان می‌کنند. در گذشته آغی‌ها فقط در مرگ قهرمانان به مرثیه سرایی می‌پرداختند. برخی از این مرثی‌ها عبارتند از:

باغچادا تاغیم آغلار

باسما یار پاغیم آغلار

نه قدر ساغام آغلار ام

اؤلسم تور پاغیم آغلار

در باغچه بوته‌هایم می‌گیرند

دست نزن که برگ و بارم می‌گرید

تا زنده‌ام خودم می‌گیریم

وقتی مردم خاکم می‌گرید

### عید نوروز

از آداب کهن این استان که از سده‌های پیشین پابرجاست، گرامی داشتن عید نوروز است که ریشه در فرهنگ ملی و دینی مردم این استان دارد.

بسیاری از مردم معتقدند که نخستین روز سال نو، امیرالمؤمنین (ع) به امامت و ولایت برگزیده شده است.

با فرا رسیدن ماه اسفند مردم استان به پاکیزه ساختن منازل می‌پردازند و خود را آماده استقبال از بهار می‌کنند.

هم‌زمان با تحویل سال بسیاری از مردم کنار مزار شهدا، امامزادگان و درگذشتگان حاضر می‌شوند و سال نو را در کنار تربت این پاکان سپری می‌کنند.

در آذربایجان سنت دید و بازدید نوروز به ویژه آغاز بازدید از منزل بزرگان فامیل و شهداء سخت پابرجاست.

بافرا رسیدن سیزدهمین روز فروردین مردم استان خود را به سبزه‌زارها می‌رسانند و سبزه‌ای که در عید فراهم آورده‌اند برای دوری از بلایا به آب روان می‌سپارند (20).

### جشن عروسی و ازدواج

مراسم ازدواج یکی از شورانگیزترین و دیدنی‌ترین مراسم در آذربایجان است. نخستین مرحله ازدواج با خواستگاری آغاز می‌شود. در مراسم خواستگاری دعوت شدگان با چای و شیرینی پذیرایی می‌شوند، این مجلس به «شیرین ایچدی» (یعنی شیرینی یا چای شیرین خوردن) معروف است. در این مراسم دختر و پسر با هم نامزد می‌شوند.

نامزدی رسمی زمانی صورت می‌گیرد که مراسم خاصی به نام «شال اوزوک» (اوزوک



به معنی انگشتنری است) انجام پذیرد.

پس از مراسم نامزدی، مراسم عقد صورت می‌پذیرد. مراسم عقد در روستاها در حالی که عروس را بر زین اسب و یا تشتی مسین نشانده‌اند و در وسط پارچه‌ای که در بالای سر او گرفته‌اند قند می‌سایند، انجام می‌گیرد. در فاصله عقد و عروسی اگر عیدی پیش بیاید، برای عروس هدیه می‌فرستند و در عید قربان خانواده داماد برای خانواده عروس گوسفندی برای قربانی می‌فرستند. پیش از بردن عروس به خانه داماد مراسمی به نام «پارچه کسدی» که خاص زنان است برپا می‌شود. امروزه در این مراسم به نشان دادن لباس‌ها و زیورآلات عروس پرداخته می‌شود. شب قبل از عروسی مراسمی در خانه عروس و داماد به نام «حناگچه سی» (شب حنابندان) برپا می‌شود که در آن به حنابندان عروس و داماد و سایر بستگان پرداخته می‌شود. مراسم عروسی در خانه داماد با شرکت نزدیکان عروس و داماد انجام می‌شود و در آن سرودهای مختلفی خوانده می‌شود. هر مرحله از عروسی در آذربایجان شامل نامزدی، عقد، آوردن عروس به خانه داماد سرودهای مخصوص به خود را دارد. یک روز پس از شب عروسی، مراسم «تخت پاینده» انجام می‌شود. در این مراسم بستگان عروس و داماد به منزل داماد می‌آیند و هدایایی را تقدیم می‌دارند(21).

### ضرب المثل‌ها

دوس داشی یامان اولی. سنگ دوست کشنده است.  
دیل یاراسی ساغمالماز. زخم زبان خوب شدنی نیست.  
وئرنده تاپا نمیرام آلاندا هاردن تاپیم؟ هنگام دادن نمی‌توانم پیدایت کنم، موقع پس گرفتن کجا گیرت بیاورم؟  
پرمورتا اغور لیبیا اوغور لیبیا دوه او تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود.  
غروسی اولار.

### باورها

اگر کسی روی گور کسی آب بپاشد، روح مرده آرامش پیدا خواهد کرد.  
اگر کودکی بمیرد پرنده‌ای می‌شود و به بهشت پرواز می‌کند و در انتظار پدر و مادرش می‌نشیند که آنها را نیز با خود به بهشت ببرد.  
سبلان، پیامبری بوده که کوه سبلان به نام وی نامیده شده است.  
رنگین کمان نشان فراوانی خواروبار است و در آذربایجان شرقی رنگین کمان را «قاری نه نه نین الیشی» یعنی کار و یا دوک پیرزن می‌نامند(22).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از ۳۳۲۵۵۴۰ نفر جمعیت آذربایجان شرقی، ۳۳۱۸۷۴۴ نفر مسلمان، ۶۳۱ نفر زرتشتی، ۱۱۹۹ نفر مسیحی، ۵ نفر کلیمی، ۸۴۹ نفر سایر ادیان و ۴۱۱۲ نفر اظهار نشده، بوده است. از مجموع جمعیت مسلمان ۱۹۹۹۱۲۱ نفر در نقاط شهری و ۱۳۱۹۳۵۵ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند(23).

#### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۴۷۱۱ باب مسجد، ۴ مصلا، ۴۲۰ حسینیه، ۱۸ فاطمیه و مهدیه و زینبیه، ۴ تکیه و ۲۹۱ بقاع متبرکه، امامزاده و زیارتگاه بوده است(24). برخی از مهمترین اماکن مذهبی این استان عبارتند از:

#### مساجد

مسجد کبود، مسجد جامع، مسجد حسن پادشاه، مسجد امام جمعه (تبریز)، مسجد جامع، مسجد امامزاده (شیشتر)، مسجد جامع هریس، مسجد جامع مراغه، مسجد جامع اهر، مسجد شیخ عماد (اهر)، مسجد جامع سراب، مسجد حاج عظیم (سراب)، مسجد جامع

مرند، مسجد جامع مهرآباد (بناب) و....

زیارتگاهها

بقعه صاحب الامر، بقعه سید حمزه، بقعه عون بن علی (تبریز)، بقعه شیخ اسحاق (هریس)، بقعه شیخ شهاب‌الدین (اهر)، بقعه امامزاده اسماعیل (میانه)، امامزاده بزرگ و امامزاده کوچک (سراب)، آرامگاه ملامعصوم (مراغه) و (25)....

### مدارس دینی

سرزمین آذربایجان در شش مقطع حساس تاریخی دارای حوزه‌های علمی نسبتاً مجهز و قابل توجه‌ای بوده است که از این حوزه‌ها رجال علمی ناموری به جامعه اسلامی تحویل شده است. مهمترین حوزه علمی که در آذربایجان به وجود آمد، حوزه علمیه نصیری با الهام از حوزه علمی علامه حلّی‌قدس سره با تشکیلات رصدخانه مراغه در دوره اسلامی بود که بازتاب وسیعی در جهان اسلام داشت (26).

برخی از مهمترین مدارس علمی آذربایجان شرقی عبارتند از:

مدرسه علمیه حضرت ولی عصر «ع»، طالبیه، صادقیه، حاج صفر علی، حسن پادشاه، الزهرا (مخصوص خواهران) و خواجه علی اصغر در تبریز، مدرسه امامزاده مراغه، مدرسه جامع مراغه، مدرسه ولی عصر بناب و (27)....

### بزرگان و مشاهیر

سرزمین آذربایجان از دیرباز، مرکز علما و فقها و منشأ خیزش دانشمندان، هنرمندان، شاعران، خوشنویسان و خاستگاه مفسران عالیقدر قرآن مجید و ادبای نامداری بوده است که هر کدام فصلی را در تاریخ علم و معارف اسلامی برای خود باز گشوده‌اند. در زیر به اسامی تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

فقیهان و مفسران

شیخ الاسلام سید عبدالوهاب طباطبایی، شیخ الاسلام شیخ علی تبریزی، آیه‌الله شیخ محمدرضا تبریزی، آیه‌الله سید محمدباقر تبریزی، آیه‌الله میرزا محمدعلی تبریزی، آیه‌الله سید محمدتقی قاضی طباطبایی، آیه‌الله سید عبدالفتاح مراغی، آیه‌الله ملا احمد شبستری، آیه‌الله سید احمد خسروشاهی، آیه‌الله حاج میرزا احسن مجتهد تبریزی، شهید آیه‌الله قاضی طباطبایی، آیه‌الله شهید سید اسدالله مدنی، آیه‌الله حاج شیخ عبدالحسین غروی، آیه‌الله شیخ محمدباقر مرندی، آیه‌الله جعفر سبحانی و....

فیلسوفان و عارفان

حکیم نظامی گنجوی، حکیم میرزا ابوالفتح تبریزی، استاد محمدتقی جعفری تبریزی، شیخ محمود شبستری، علامه طباطبایی، آیه‌الله سید مهدی قاضی طباطبایی، عارف نامی سید محمدحسن الهی، اوحدی مراغهای و....

شاعران، نویسندگان و خوشنویسان

صائب تبریزی، شوقی تبریزی، استاد شهریار، محمد آقاسی، میرزا حسن رشديه، محمدعلی تربیت، عبدالعلی کارنگ، استاد حسین رسام، حاج طاهر خوشنویس، میرزا محمدحسین مدرس، عذرا عقیقی بخشایشی و (28)....

### فصل دوم: اوضاع سیاسی

#### آذربایجان در نهضت مشروطیت

آذربایجان به ویژه تبریز که به آن «شهر قهرمان» نام داده‌اند، در نهضت مشروطیت ایران بر ضد رژیم استبدادی قاجار، سهم به سزایی داشت. قهرمانان مشروطیت ایران، ستارخان، باقرخان، محمدقلی خان و تقی خان رشیدالملک اکثراً از آذربایجان بودند و از هیچ گونه فداکاری و جانبازی کوتاهی نکردند. تا آن که سرانجام با ریختن خون شهیدان راه آزادی و فرزندان خلق آذربایجان، رژیم مشروطه در ایران برقرار گردید و حکومت مستبد و دست‌نشانده قاجار سرنگون شد.

#### آذربایجان در جنگ جهانی اول

در جریان جنگ جهانی اول، نیروهای عثمانی قسمت اعظم آذربایجان تامیانه و کردستان، کرمانشاه و همچنین بروجرد و همدان را اشغال کرده بودند. روسها نیز قسمت شرقی آذربایجان، گیلان و مناطق وسیعی را که شامل قسمت اعظم استان مرکزی کنونی، قم، کاشان، نطنز و اصفهان می‌شد، تحت سلطه خود گرفتند.

در این زمان سران دولت عثمانی طرح الحاق آذربایجان را به امپراتوری عثمانی دنبال می‌کردند. که بالاخره در نوامبر 1918 م با رسیدن خبر خاتمه جنگ، به ایران، موجبات تسکین و آسودگی افکار فراهم شد (29).

#### واقعه کشف حجاب

با بازگشت رضاشاه از ترکیه و دستور کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ شمسی مردم متدین آذربایجان که متوجه نقشه خائنانه رضاشاه گشته بودند با داشتن تعصب نسبت به نوامیس خود به این دستو عمل نکرده و برای ایفای وظیفه خود در مقابل این بی‌شرمی آشکار نسبت به قوانین اسلام به منزل علماء و روحانیون رفته تا از آنان کسب تکلیف کنند و رژیم که از بیداری مردم احساس خطر کرده بود، با کمال شقاوت و بی‌رحمی به سرکوب مردم و علما پرداخت. به هر حال این قانون ظالمانه تا پایان حکومت رضاشاه ادامه داشت (30).

#### آذربایجان در جنگ جهانی دوم

علی رغم بی‌طرفی ایران در جریان جنگ جهانی دوم، در چهارم شهریور ۱۳۲۰ خاک کشور ایران از دو سو مورد تجاوز بیگانه قرار گرفت و در مدتی کوتاه این کشور از جمله آذربایجان به تصرف نیروهای نظامی شوروی و انگلستان درآمد.

ستونهای مکانیزه روسها از مرز جلفا وارد ایران شده و پس از اشغال تبریز به سوی جاده‌ای که از میانه و زنجان به تهران می‌رفت رهسپار شدند.

در همان زمان نیروی دیگری از باکو به سوی سواحل غربی دریای مازندران به مقصد رشت سرازیر شد که این دو نیرو در قزوین به هم تلاقی کردند و این شهر را به تصرف خود درآوردند. بعد از پایان جنگ به علت مساعدت ایران با متفقین سران سه دولت بزرگ متفقین وعده دادند نظر به مشکلاتی که جنگ مزبور برای ایران و از جمله آذربایجان به بار آورده بود به حل مشکلات اقتصادی این مناطق توجه خاص مبذول دارند (31).

#### وقایع پانزده خرداد تا انقلاب اسلامی

وقتی خبر دستگیری حضرت امام(ره)، و اتفاقات پانزده خرداد به آذربایجان رسید، همه جا تعطیل شد و سخنرانی‌ها و منبرهای تند مجدداً شروع شد. علمای اعلام آذربایجان، طوری ترتیب داده بودند که هر شب در يك مسجد همگی اجتماع کنند و ضمن بیان مسائل اسلامی، مردم را در جریان روز و آنچه برای مراجع عالیقدر و شخص آیه‌الله خمینی روی داده بود، قرار دهند. در واکنش به این نشست‌ها، ساواک تعدادی از روحانیون را بازداشت و آنها را به تهران اعزام و در زندان قزل قلعه زندانی نمود. به دنبال دستگیری روحانیون تبریز، اهالی غیور این شهر دست به اعتصاب زدند و بازار و مغازه‌ها تعطیل شد و این اعتصاب تا چهار روز ادامه داشت.

رژیم شاه به منظور سرکوبی اعتصاب کنندگان حکومت نظامی اعلام کرد و عده‌ای از مردم را بازداشت نمود (32).

این جریان به همین منوال ادامه داشت تا اینکه قیام نوزده دی قم اتفاق افتاد و در آنجا عده زیادی از طلاب به خاک و خون کشیده شدند. در چهل این شهیدان، مردم تبریز در جلوی مسجد میرزا یوسف اجتماع کردند و پلیس از ورود آنها به مسجد جلوگیری نمود.

در نتیجه درگیری با مأمورین در همین نطقه آغاز شد و پس از آن به تدریج تمام شهر را فرا گرفت. در این روز بانکها، ساختمان حزب رستاخیز، مجسمه‌های شاه، کارخانه پیپسی‌کولا، سینما و مراکز دولتی به آتش خشم و کینه مردم انقلابی تبریز کشیده شد. در

این درگیری‌ها دهها نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. این تظاهرات و درگیریها تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه داشت (33).

در زمان حمله عراق به ایران مردم متدین و سخت کوش آذربایجان نیز مانند سایر هموطنان عزیز خود در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شرکت کرده و با قوای بعثی مردانه جنگیدند و شهدای زیادی را تقدیم اسلام و انقلاب اسلامی نمودند.

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- دبیران جغرافیای استان آذربایجان شرقی، جغرافیای استان آذربایجان شرقی، سال دوم آموزش متوسطه، ص ۱ و ۱۸.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشمای عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان آذربایجان شرقی، ص پانزده.
- 3- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول، ص ۱۳ - ۲۴.
- 4- دبیران جغرافیای استان آذربایجان شرقی، همان، ص ۴۳ - ۴۴.
- 5- سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، سازمان آمارنامه استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۰، ص ۳۹۶.
- 6- محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران. ص ۶.
- 7- محمدعلی مخلص، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، ص ۱۶.
- 8- بهروز خاماچی، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، ص ۲۵ - ۲۹.
- 9- محمدعلی مخلص، همان، ص ۱۸ - ۲۸.
- 10- مرکز آمار ایران، همان، ص پانزده.
- 11- همان، ص ۶۶ و سی و یک.
- 12- ایرج افشار سیستانی، ایرج. سیمای ایران، ص ۱۲۳.
- 13- محمدعلی مخلص، همان، ص ۱۷.
- 14- مرکز آمار ایران، همان، ص ۳۲.۳۳ -
- 15- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ص ۶۱۱.
- 16- همان، ص ۶۰۸.
- 17- سازمان برنامه و بودجه استان، همان، ص ۵۵۷ - ۵۶۰ و ص ۲۷۲.۲۷۳ -
- 18- سیداحمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم. جلد اول.
- 19- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، ج ۲، صص ۸۵۲-۸۵۴) با تلخیص).
- 20- همان، ص ۸۲۲.
- 21- همان، صص ۸۴۳-۸۴۸.
- 22- همان، ص ۸۲۳-۸۲۸؛ حسن زندهدل و دستیاران، استان آذربایجان شرقی، صص ۱۶۴-۱۶۵.
- 23- مرکز آمار ایران، همان، ص ۵ - ۷.
- 24- مرکز آمار ایران، طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵. ص ۱.
- 25- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول، صص ۳۹۴-۳۴۷.
- 26- عقیقی بخشایشی. مفاخر آذربایجان، جلد اول، ص ۲۴.
- 27- وزارت کشور، همان، ص ۲۷.۲۸ -
- 28- عقیقی بخشایشی، همان، جلد ۱ و ۲ و ۳.
- 29- ایرج افشار سیستانی، همان، جلد اول. ص ۴۹۳ - ۴۹۴ و ۴۸۱.
- 30- مرتضی جعفری و دیگران. واقعه کشف حجاب.
- 31- ایرج افشار سیستانی، همان، جلد اول. ص ۴۸۳.
- 32- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد. ج ۲.

# استان آذربایجان غربی

## بخش اول: جغرافیای طبیعی



### مشخصات جغرافیایی

استان آذربایجان غربی با مساحت ۳۹۴۸۷ کیلومتر مربع در شمال غرب ایران واقع شده است. این استان بین حداقل ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه و حداکثر ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و حداقل ۴۴ درجه و ۲ دقیقه و حداکثر ۴۷ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است (1).

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان از ۱۲ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۲۸ بخش شامل ۲۲ شهر، ۱۰۳ دهستان و را در بر می‌گیرد (2). مرکز این استان شهرستان ارومیه می‌باشد.

### ویژگیهای طبیعی

آذربایجان غربی گرچه تحت تاثیر جریان‌های مرطوب اقیانوس اطلس و مدیترانه قرار می‌گیرد ولی در برخی از ماه‌های زمستان، توده‌های هوای سرد از سوی نخجوان به این طرف کشیده می‌شود که در کاهش دمای هوای استان تاثیر به سزایی دارد. علاوه بر جریان‌های مذکور، ارتفاع مکان، جهت گیری ارتفاعات، وزش بادهای دوری از دریا، نقش مهمی در میزان دما و ریزش باران در این منطقه دارد تا جایی که آب و هوا این استان را می‌توان حد فاصل آب و هوای سواحل دریای مازندران و اقلیم نیمه صحرایی داخلی دانست (3).

## بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

### کشاورزی

استان آذربایجان غربی یکی از مناطق مستعد کشاورزی کشور است. در حالی که مساحت این استان ۶/۲ درصد مساحت کشور می‌باشد اراضی مزروعی آن بیش از ۶ درصد کل اراضی مزروعی کشور را شامل می‌شود و از این نظر، این استان دارای رتبه پنجم در کل کشور است (4). این استان نظر به موقعیت خاصی که دارد، محل کشت محصولات متنوع کشاورزی نظیر توتون، چغندر قند، پنبه، انگور، برگه زردآلو، مغز بادام، کتیرا و غیره می‌باشد. غیر از محصولات زراعتی مزبور، درختکاری و محصول چوب نیز از منابع ثروت طبیعی آذربایجان غربی محسوب می‌گردد. این استان از مناطق مهم غله خیز ایران است و بعضی از نواحی آن مانند بوکان از این لحاظ شهرت فراوانی دارد (5).

## صنایع و معادن

بر اساس آمار سال ۱۳۷۲، استان آذربایجان غربی دارای ۱۳۳ کارگاه صنعتی بوده است که در زمینه صنایع زیر به فعالیت مشغول بوده‌اند:

صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع کاغذ و مقوا، چاپ و صحافی، صنایع شیمیایی، محصولات غیرفلزی، تولید فلزات اساسی و صنایع ماشین است. آذربایجان غربی از نظر اکتشاف و بهره‌برداری منابع معدنی نسبت به سایر استان‌های کشور در وضع مطلوبی قرار ندارد. مطالعات اخیر نشان داده است که در برخی از مناطق استان معادن مهمی وجود دارد، ولی هنوز در جهت بهره‌برداری از آنها اقدام جدی صورت نگرفته است. معدنی که هم اکنون در این استان فعال هستند عبارت‌اند از: سنگ آهک، سنگ گچ، سنگ ساختمانی، سنگ تزئینی و نما، پوکه معدنی، خاک نسوز، زرنیخ، میکا، سنگ نمک و نمک آبی، سنگ معدن و کرومیت (6).

## بخش سوم: جغرافیای تاریخی

### وجه تسمیه

آذربایجان در فارسی میانه، «آتورپاتکان»، در آثار کهن فارسی، «آذربادگان» یا «آزربایگان»، در فارسی کنونی آذربایجان، در یونانی «آتروپاند»، در ارمنی «آتروپاتکان» و در عربی «آذربایجان» نامیده شده است. آذربایجان به نام سرداری موسوم به آتروپات است که استرابون جغرافی‌دان نامی یونان در کتاب خویش وی را آتروپاتوس خوانده است. وی در نبرد میان داریوش سوم و اسکندر مقدونی در «گاوگاملا» آتروپاتوس را در سپاه ایران، فرمانده سپاه خوانده است. پس از شکست داریوش، آتروپات ماد نسب، در آن منطقه، پادشاهی آزادی بنیاد نهاد که با اخلاف خاندانش، لاقلاً سیصد سال فرمانروایی آن سرزمین را داشته‌اند و حتی در زمان اشکانیان، آن منطقه، آزاد و از دیگر ولایت‌های ایران جدا بود. این ناحیه تا قبل از استقلال و استقرار آتروپات که به نام وی آتورپاتکان نامیده می‌شد، چون بخشی از ماد یا خاک مادان بود در برابر ماد بزرگ (همدان، اصفهان، ایالت جبال، کرمانشاه) ماد کوچک (آذربایجان) نامیده می‌شد (7).

### پیشینه تاریخی

تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. قوم ماد پس از مهاجرت به ایران آرام آرام قسمت‌های غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کرد. بعد از تاسیس دولت ماد، آذربایجان به ماد کوچک معروف شد. بعد از غلبه اسکندر مقدونی به ایران، سرداری به نام آتروپات در آذربایگان ظهور کرد و از اشغال آن توسط یونانیان ممانعت به عمل آورد و خود به پادشاهی رسید و آن ناحیه را مستقل اعلام نمود.

در طول دوره حکومت سلوکی‌ها، ناحیه آتورپاتکان هم‌چنان مستقل ماند و یونانیان و جانشینان اسکندر نتوانستند آداب و رسوم و تمدن یونانی را در محل اشاعه دهند. آذربایجان در این زمان پناهگاه زردشتیان و تکیه‌گاه «ایرانیت» در مقابل «یونانیت» شد.

حکومت جانشینان آتروپات در آذربایجان در زمان اشکانیان نیز ادامه یافت تا اینکه اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی بر حکمرانان آذربایجان استیلا یافت. از این تاریخ این منطقه استقلال خود را از دست داد.

پس از فتح آذربایجان به دست اعراب، قبایل عرب از بصره و کوفه و شام و یمن برای سکونت به آنجا روی آوردند و با خرید زمین‌های وسیع، کشاورزی را گسترش دادند و افراد بومی را رعیت خود ساختند.

سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان که از

شرق ایران برخاستند و حکومت‌های مستقلی تشکیل دادند هیچگاه نتوانستند قلمرو خود را به آذربایجان برسانند. در این مدت که از سال ۲۰۵ه.ق (تاسیس سلسله طاهریان) شروع و تا سال ۴۲۹ه.ق (آغاز حکومت سلجوقیان) ادامه می‌یابد، حکومت‌های محلی متعددی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند. آخرین حکام مقتدر این ایالت، ساجیان بودند. پس از سقوط ساجیان، سلسله‌های محلی دیگری در آذربایجان به قدرت رسیدند که روادیان از آن جمله بودند.

در آغاز قرن پنجم هجری ترکان غز به فرماندهی سلجوقیان، نخست با دسته‌های کوچک و سپس به تعداد بیشتر، آذربایجان را به تصرف درآوردند. در نتیجه اهالی ایران و نواحی مجاور ماوراء قفقاز، حکومت ترکان را گردن گذاشتند.

با حمله مغول و ورود هلاکو خان ایلخان در سال ۶۵۴ه.ق، آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی شد که از آمو دریا تا شام امتداد داشت. پس از ضعف ایلخان مغول، در آذربایجان امرای مستقل حکومت یافتند. از آن جمله می‌توان به جلایرخان، چوپانیان و ترکمانان اشاره کرد که در قسمتی از این منطقه حکامی مستقل شدند.

پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی در سال ۹۰۷ه.ق، آذربایجان سنگر گاه اصلی و مرکز عمده گردآوری قوای نظامی برای شاهان صفوی گردید. در این زمان، آذربایجان محل جنگ‌های خونین میان سپاه ایران و عثمانی بود و عثمانیان بارها تبریز را به تصرف خود درآوردند.

پس از سقوط دولت صفویه، در دوره‌ای که ایران عملاً میان روس و عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی ماند، ولی دیری نپایید که نادرشاه آن را از تصرف دولت عثمانی بیرون آورد و در صحرای مغان تاج گذاری کرد.

کریم خان زند در سال ۱۱۷۵ه.ق آذربایجان را از دست خان‌های محلی که پس از مرگ پادشاه قیام کرده بودند، باز پس گرفت، اما پس از مرگ او باز خوانین محلی سر برآوردند، تا اینکه آغامحمد خان قاجار در سال ۱۲۰۵ه.ق موفق شد که آذربایجان را کاملاً مطیع نماید(8).

### بناهای عمده تاریخی

- کاخ باغچه جوق: در فاصله ۸ کیلومتری ماکو به بازرگان.
- عمارت چهار برج ارومیه: ساختمان بزرگی است که به دستور رضاقلی خان بیگلربیگی بنا شده است.
- عمارت کلاه فرنگی ماکو: قسمتی از مجموعه ساختمان‌های بزرگ و قدیمی ماکو است که در خیابان امام این شهر واقع شده است.
- ساختمان شهربانی ماکو.
- تخت سلیمان: مجموعه آثار باستانی و تاریخی آن یکی از مهمترین و مشهورترین مراکز تمدن ایران محسوب می‌شود که در شهرستان تکاب واقع است.
- قلعه باستانی بسطام: در بالا دست روستای بسطام قره ضیاء الدین قرار دارد.
- قلعه اسماعیل آقا: بر فراز کوهی در ۱۸ کیلومتری غرب ارومیه قرار گرفته است.
- پل خاتون: در ۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خوی
- پل پنج چشمه: در ۵ کیلومتری ماکو
- بازار قدیمی خوی: که در ضلع شرقی شهر و به موازات خیابان طالقانی و انقلاب قرار گرفته است.
- بازار ارومیه: در گوشه جنوب شرقی شهر قرار گرفته است.
- سنگ نبشته شهر روسا در ماکو که یکی از نفایس آثار کهن این سرزمین است و توسط روسای دوم فرزند آرگیشتی دوم از پادشاهان اورارتو به خط میخی نوشته شده است.
- شهر مادی اندرکش: در حوالی دهکده‌ای به همین نام در ۱۰ کیلومتری بخش حومه شهرستان مهاباد.



-شهر اورارتویی: مربوط به هزاره اول پیش از میلاد و در ۷ کیلومتری شمال شهر ماکو قرار دارد.

- مسجد جامع ارومیه: واقع در وسط بازار قدیمی شهر ارومیه.
- مسجد سردار ارومیه: واقع در خیابان امام.
- مسجد مناره ارومیه: واقع در محله امیر نظامی و ضلع شمالی خیابان امام.
- مسجد اعظم ارومیه: واقع در خیابان عسگر آبادی.
- مسجد مطلب خان خوی: واقع در ضلع جنوب غربی میدان انقلاب.
- مسجد ملاحسن خوی: ضلع جنوبی خیابان انقلاب.
- مسجد سید الشهداء خوی: ضلع شمالی خیابان انقلاب.
- مسجد جامع مهاباد: خیابان حافظ.
- مسجد جامع میاندوآب(9).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی جمعیت و ویژگی های آن

در آبان ۱۳۷۵، جمعیت استان آذربایجان، ۲۴۹۶۳۲۰ نفر بوده است که از این تعداد ۱۲۶۹۲۲۰ نفر مرد و ۱۲۲۷۱۰۰ نفر زن بوده اند. از جمعیت استان، ۱۳۱۵۱۶۱ نفر در نقاط شهری و ۱۱۸۱۱۱۹ نفر در نقاط روستایی ساکن هستند (۱۰).

### جمعیت و خانوار شهرستان های استان آذربایجان غربی: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	2496320	1269220	1227100	470633
ساکن در نقاط شهری	1315161	670689	644472	270974
ساکن در نقاط روستایی	1181119	598508	582611	199651
غیر ساکن	40	23	17	8
شهرستان ارومیه	725008	372905	352103	149613
ساکن در نقاط شهری	444001	227369	216632	100605
شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان بوکان	175541	88930	86611	29179
ساکن در نقاط شهری	120020	61001	59019	20792
ساکن در نقاط روستایی	55509	27921	27588	8383
غیر ساکن	12	8	4	4
شهرستان پیرانشهر	86721	44656	42065	12707
ساکن در نقاط شهری	33805	16907	16898	5691
ساکن در نقاط روستایی	52916	27749	25167	7016
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان تکاب	84901	42396	42505	15568
ساکن در نقاط شهری	42569	21112	21457	8157
ساکن در نقاط روستایی	42332	21284	21048	7411
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان خوی	323194	162327	160867	62559

36790	87370	89890	177260	ساکن در نقاط شهری
25769	73497	72437	145934	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
15262	45348	47820	93168	شهرستان سردشت
5534	14938	15966	30904	ساکن در نقاط شهری
9728	30410	31854	62264	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
28720	77432	79126	156558	شهرستان سلماس
15152	35775	37107	72882	ساکن در نقاط شهری
13568	41657	42019	83676	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
19495	52811	51787	104598	شهرستان شاهین دژ
5996	14633	14387	29020	ساکن در نقاط شهری
13499	38178	37400	75578	ساکن در نقاط روستایی
خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
0	0	0	0	غیر ساکن
37066	101897	101042	202939	شهرستان ماکو
14130	35123	36463	71586	ساکن در نقاط شهری
22936	66774	64579	131353	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
28882	81797	89827	171624	شهرستان مهاباد
20004	51512	56287	107799	ساکن در نقاط شهری
8874	30272	33525	63797	ساکن در نقاط روستایی
4	13	15	28	غیر ساکن
42571	102738	107102	209840	شهرستان میاندوآب
19743	43948	46193	90141	ساکن در نقاط شهری
22828	58790	60909	119699	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
29011	80926	81302	162228	شهرستان نقده
18380	47167	48007	95174	ساکن در نقاط شهری
10631	33759	33295	67054	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان آذربایجان غربی.

#### وضع فعالیت

از تعداد ۱۸۴۶۴۸۷ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان استان در سال ۱۳۷۵، ۷۰۳۷۷۲ نفر فعال و ۱۱۲۲۳۷۲ نفر غیر فعال و ۲۰۳۴۳ نفر اظهار نشده بوده‌اند. از مجموع جمعیت فعال این استان ۶۳۷۶۱۸ نفر شاغل، ۱۴۴۵۲ نفر بیکار قبلاً شاغل،

۵۱۷۰۲ نفر بیکار قبلاً غیر شاغل بوده‌اند و از مجموع جمعیت غیر فعال، ۴۰۸۰۲۱ نفر محصل، ۶۲۰۱۴۳ نفر خانهدار، 31123 نفر دارای درآمد بدون کار و ۶۳۰۸۵ نفر جزء گروه سایر موارد بوده‌اند.

همچنین از جمعیت فعال استان ۶۲۴۲۵۱ نفر مرد و ۷۹۵۲۱ نفر زن بوده‌اند(11).

### زبان

زبان مردم آذربایجان از دیرباز با زبان مردم سایر شهرهای ایران از يك ریشه بوده است. نویسندگان، زبان مخصوص این سامان را «آذری» نامیده‌اند. نباید چنان‌که برخی پنداشته‌اند زبان آذری را با زبان ترکی یکی دانست. به موجب نوشته‌های مورخان، زبان آذربایجان تا سده ششم آذری بوده است.

در زمان سلجوقیان ترکان با انبوهی بسیار به این سرزمین آمدند و پادشاهی بزرگی در ایران و عراق بنیان نهادند. پس از آن که آذربایجان به کلی به دست سلجوقیان افتاد نام پاره‌ای از آبادی‌ها ترکی گردید و رفته رفته آذری تقریباً به فراموشی سپرده شد و در زمان صفویه زبان ترکی بر آذری پیشی گرفت و زبان ترکی همگانی شد(12).

### نژاد

آن چه از آثار محققین به دست می‌آید این است که در حدود ۳ یا ۴ هزار سال پیش مردمی به نام آریان از میهن اصلی خود مهاجرت کرده و به سوی اروپا آمدند. دسته‌ای از آن‌ها از اروپا گذشته و به طرف ایران سرازیر گردیدند. این عده به سه دسته مهم پارت، پارس و ماد تقسیم شده و در نقاط مختلف این کشور سکونت گزیدند. از آن جمله مادها در آذربایجان سکونت اختیار کردند و به همین جهت مردم امروزی آذربایجان نیز از اولاد همان نژاد می‌باشند(13).

### آموزش و پرورش

در آبان ۱۳۷۵، از ۲۱۴۰۲۱۷ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۰۲/۶۹ درصد با سواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی ۶ - ۱۴ ساله ۱۸/۸۷ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۱۰/۶۱ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۶ - ۱۴ ساله) نسبت باسوادی در نقاط شهری ۸۸/۹۳ درصد و در نقاط روستایی ۰۷/۸۰ درصد بوده است(14).

### آموزش عالی

این استان دارای ۶ مرکز آموزش عالی، با ظرفیت ۱۸۸۸۳ دانشجو می‌باشد که به تفکیک عبارتند از:

عنوان تعداد دانشجو تعداد رشته

دانشگاه ارومیه 5۴۳۲۳

دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ۳ ۱۴۷۳

دانشگاه پیام نور ارومیه 2۲۱۸۶

دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه ۷ ۱۶۴۹

دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد 18۳۰۴۴

دانشگاه آزاد اسلامی خوی ۷ ۴۲۰۸

مأخذ: آمارنامه استان آذربایجان غربی، 1375.

امکانات فرهنگی - تفریحی

موزه، کتابخانه و سینماموزه و کتابخانه‌های عمومی شهرستان‌های استان ۱۳۷۵

شهرستان موزه کتابخانه‌های عمومی

(تعداد (تعداد کتب اعضاء

موجود (نفر)

کل استان ۵ ۳۰ ۲۴۱۹۳۳ ۳۸۸۸۳

ارومیه ۲ ۶ ۴۳۲۲۲ 17578

بوکان ۱۰ ۷۶۸۷ ۱۵۸۴  
پیرانشهر ۱۰ ۸۰۳۳ ۴۱۰  
شهرستان موزه کتابخانه‌های عمومی  
(تعداد) تعداد کتب اعضاء  
موجود (نفر)  
تکاب ۱۲۰ ۷۶۱۱ 1273  
خوی ۱ ۵۱۷ ۴۲۱۷  
سردشت ۱۰ ۱۵۱۳۳ ۲۰۸۶  
سلماس ۲۰ ۲۱۱۳۰ 2965  
شاهین‌دژ ۲۰ ۸۴۶۰ ۶۸۰  
ماکو ۴۱ ۴۶۵۹۴ ۱۹۸۰  
مهاباد ۱۰ ۱۴۱۸۹ 2506  
میاندوآب ۱ ۱۷۵۵۸ ۸۶۸  
نقده ۳۰ ۱۳۷۹۹ ۲۷۳۶

مأخذ: آمارنامه استان آذربایجان غربی، ۱۳۷۵. سینما و تاتر و تعداد تماشاگران در  
شهرستان‌های استان 1375:

شهرستان سینما تاتر  
تعداد تماشاگر اجرا شده تماشاگر  
کل استان 14 20500 20 2323439  
ارومیه ۴ ۱۰۳۴۰۷۲ ۱۵۰۰  
بوکان ۱ ۵۰۱۶۹ ۳۰۰۰  
پیرانشهر 0 0 1 38217  
تکاب ۰۰۰۰  
خوی ۲ ۵۵۹۵۳۸ ۵۰۰۰  
سردشت ۰۰۰۰  
سلماس 0 0 0 153410  
شاهین‌دژ ۰۰۰۰  
ماکو ۱ ۷۴۰۳۵ ۱۰۰۰  
مهاباد ۱ ۱۵۷۳۲۲ 3500  
میاندوآب ۱ ۱۶۹۸۵۶ ۳۵۰۰  
نقده ۲ ۸۷۸۲۰ ۳۰۰۰

مأخذ: آمارنامه استان آذربایجان غربی، ۱۳۷۵.

### اماکن ورزشی

این استان در سال 1375 دارای ۳۳ استادیوم، ۸۱ سالن ورزشی و ۵۹ سالن در دست  
احداث، یک استخر شنا و ۱۰ استخر در دست ساخت، ۵۸ باشگاه ورزشی، ۱۸ پیست دو  
و میدانی، ۱۸ زمین فوتبال چمن، ۸ زمین فوتبال خاکی، ۳ زمین والیبال، ۷ زمین  
بسکتبال و ۹ زمین تنیس بوده است (15).

### آداب و رسوم

#### مراسم ویژه ماه محرم

مراسم عزاداری، و روضه‌خوانی بر امام حسین «ع» و یارانش در مناطق شیعه‌نشین  
آذربایجان از نخستین روزهای محرم آغاز می‌شود. در بیشتر شهرها و روستاها هنگام  
عزاداری و زنجیر زنی و نوحه خوانی، عزاداران دور هم حلقه می‌زنند و مردی که کتل  
بزرگی به دست دارد در وسط حلقه می‌ایستد.  
در روزهای اول تا دهم ماه محرم، افراد هر محله از ساعت هشت بعدازظهر تا نیمه شب

به عزاداری مشغول می‌شوند. در شب عاشورا افرادی با شمشیر و قمه‌های برهنه در کوچه‌ها و خیابان‌ها به راه می‌افتند و اشعار حماسی و مذهبی می‌خوانند. روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداری به اوج خود می‌رسد. در این روزها مردم آب و طعام احسان می‌کنند.

مراسم تعزیه خوانی در این استان اهمیت فوق العاده‌ای دارد و همه ساله مجالس روضه خوانی همراه با تعزیه در مساجد و تکایا برپاست. همچنین مراسم قمه زنی در صبح عاشورا در این خطه اهمیت ویژه‌ای دارد (16).

### ماه رمضان

از چند روز به ماه مبارک رمضان، مردم این استان به جنب و جوش افتاده و به نظافت خانه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها و ... می‌پردازند.

بسیاری از مردم استان آذربایجان غربی یک روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند. در این ماه در اغلب مساجد و تکایا و خانه‌ها مجلس ختم قرآن برگزار می‌شود که معمولاً مردها و زن‌ها و بچه‌ها به صورت جداگانه در این مجالس شرکت می‌کنند. در این استان آن‌هایی که توانایی دارند یک یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. ایام شهادت حضرت علی «ع»، این استان (مناطق شیعه نشین) در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌رود و همه جا سیاه پوش می‌شود. کسب و کار تعطیل می‌شود و مراسم عزاداری و سینه زنی تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. این ایام که با شب‌های قدر مصادف است، مردم تا سحر به دعا و نیایش می‌پردازند و در تمام تکایای شهر در سوگ امام علی «ع» نوحه خوانی و سینه زنی برپاست.

### اعیاد ملی و مذهبی

اعیاد مذهبی در این استان در مناطق مختلف، بطور متفاوتی برگزار می‌شود. در بعضی از مناطق، عید قربان را بزرگترین عید خود می‌دانند. در این روز ضمن پوشیدن لباس‌های نو، اقدام به قربانی گاو و گوسفند می‌کنند و گوشت آن را بین مستمندان تقسیم می‌کنند. در بعضی مناطق دیگر به عید فطر و قربان بسیار اهمیت می‌دهند و در این دو روز مراسم جشن و سرور بر پا می‌کنند و در برخی دیگر نیز برای عید فطر، قربان و تولد حضرت محمد «ص» اهمیت بسیاری قائل هستند (17).

### خواستگاری و عروسی

مراسم مربوط به عروسی در سطح استان از روز نشان کردن و نامزدی شروع می‌شود و در خانه دختر نامزد شده، بازی‌ها، نمایش‌ها و صحنه‌پردازی‌های زیادی به راه می‌افتد. اجرا کنندگان این مراسم غالباً دختران هستند. مراسم عروسی در چند مرحله است از جمله خواستگاری، عقد، نامزد کردن و نشان بردن، شب حنابندان، بردن جهیزیه و غیره، همچنین «پاینده تخت» انجام می‌گیرد. هر مرحله نیز برای خود سرودها و آوازهای خاصی دارد که خواندن سرودهای مربوط به مادر شوهر از جالب‌ترین مراسم است. در مراسم خواستگاری معمولاً ریش سفیدی از طرف خانواده پسر به خانه دختر می‌رود و مراسم خواستگاری را به جا می‌آورد. وقتی موافقت کامل حاصل شد بستگان پسر با کله قند وارد خانه دختر می‌شوند و در مورد شیربها صحبت می‌کنند.

حضور مدعوین در روز عروسی الزامی است و پیشکش‌هایی از قبیل پول یا هدایای دیگر به داماد می‌دهند. جشن عروسی سه روز طول می‌کشد. آن گاه عروس را به سوی خانه داماد حرکت می‌دهند که در این حال سواران پیشاپیش عروس می‌تازند و هر کس که زودتر به خانه داماد برسد جایزه‌ای می‌گیرد. داماد نیز به خانه یکی از اقوام خود می‌رود و لباس جدید خود را می‌پوشد. معمولاً زن همین خانواده به عنوان «بنگه» همراه عروس، او را به حجله می‌برد. هر گاه کسی بخواهد عروس را ببیند باید رونما بدهد (18). هنگامی که عروس به خانه داماد رسید، از پشت بام قند، شیرینی و سیب بر سر عروس می‌ریزند. عروس هنگام ورود به خانه نمی‌نشیند تا پدر داماد به او اجازه دهد. پس از آن

که پدر داماد به او اجازه نشستن داد هدیه‌ای نیز به او می‌دهد(19).

### عید نوروز

آداب و مراسمی که در ایام نوروز اجرا می‌شود با مختصر تفاوتی در سایر نقاط ایران مرسوم است. مردم این استان با سبز کردن دانه‌های گندم و عدس و سایر حبوبات به استقبال نوروز می‌روند. چند روز مانده به نوروز خانه تکانی می‌کنند. در روز پنجشنبه آخر سال به زیارت اهل قبور می‌روند و برای آنان خیرات می‌دهند. در لحظه تحویل سال مومنین به تلاوت سوره «یس» یا دعای مخصوص عید مشغول هستند و هر کسی به هر کاری مشغول باشد، به عقیده مردم تا پایان سال به همان کار مشغول خواهد بود. در هنگام تحویل سال سفره هفت سینی گسترده می‌شود و در آن شمع روشن می‌کنند و بعضی از حبوبات در آن می‌چینند و معتقدند که این‌ها مایه برکت و فزونی نعمت هستند. بعد از تحویل سال رئیس خانواده عیدی می‌دهد، سپس به دیدن بزرگان خاندان و معتمدین شهر می‌روند(20).

### ضرب المثل‌ها

وقتی به خانه گرگ رفتی، سگ خود را همراه ببر.  
نه غسل می‌خورم نه بلا می‌کشم.  
مرد بمیرد نامش می‌ماند، گاو بمیرد پوستش.  
فکر اول به درستی فکر آخر نیست.  
این میدان و این شیطان.  
اگر گرگ پوستش را عوض کند، فکرش عوض نمی‌شود.

### باورها

اگر مردی از زیر دوك نخ ریسی بگذرد، از مردی می‌افتد.  
اگر مردی اولین گرده نانی را که از تنور بیرون آورده شود بخورد، زنش خواهد مرد.  
پوست سیر را باید از خانه بیرون انداخت و گرنه بدبختی می‌آورد.  
هرگاه مرغی به آوای خروس بخواند، باید سرش را برید، مبادا که بدبختی بیاورد.  
اگر پسری یا دختری، ته دیگ جوشیده سرد شده را بخورد، شب عروسی‌اش برف یا باران می‌بارد(21).

### بخش پنجم: اوضاع سیاسی - مذهبی

#### اوضاع مذهبی

#### پیشینه مذهبی

در آذربایجان غربی در دوران ماد و اورارتوها بت پرستی رواج داشته و در پی کاوش‌های باستان‌شناسی آثاری از آن یافت شده است. در دوره هخامنشیان و ساسانیان و هم‌زمان با ورود اسلام، دین زرتشت دین غالب این منطقه بوده است و به طوری که از آتشکده «تمر» در حومه ارومیه و سایر آتشکده‌های موجود در این استان، پیداست، این منطقه از پایگاه‌های دین زرتشت بوده است. البته در نواحی شمالی این استان دین مسیحیت نیز رواج داشته است. پس از انقراض حکومت ساسانی در سال ۵۲۰ ق و ورود سپاه اسلام، اکثر مردم این مناطق به دین اسلام روی آوردند. در حال حاضر اکثریت مردم استان پیرو دین اسلام هستند که برخی شیعه و برخی اهل سنت و تعداد قلیلی نیز اهل حق هستند. اقلیت‌های دینی ساکن در این استان زرتشتی، کلیمی و مسیحی می‌باشند(22).

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت این استان، ۲۴۸۵۴۳۷ نفر مسلمان، ۵۶۶ نفر زرتشتی، ۶۴۱۶ نفر مسیحی، ۹۰ نفر کلیمی و وضعیت دینی ۲۴۲۲ نفر اظهار نشده بود(23).

#### اماکن مذهبی

در سال ۱۳۷۵، در استان آذربایجان غربی، ۳۳۹۶ مکان مذهبی وجود داشته است که از

این تعداد ۳۰۰۶ مکان آن مسجد می‌باشد. برخی از مهم‌ترین مساجد آن عبارتند از مسجد جامع (ارومیه)، مسجد سردار (ارومیه)، مسجد صاحب الزمان (ارومیه)، مسجد علی ابن ابیطالب «ع» (ارومیه)، مسجد چورس (خوی)، مسجد مطلب خان (خوی)، مسجد ملا حسن (خوی)، مسجد جامع (مهاباد) و....

این استان دارای ۱۶۹ حسینیه، ۶ تکیه و ۲ مهدیه می‌باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. حسینیه رابری، حسینیه اکبر آقا، حسینیه علی اکبر در شهرستان میاندوآب و.... همچنین در این استان ۲۶ زیارتگاه و امامزاده، ۹ نظرگاه و قدمگاه و ۱۳۸ زیارتگاه بزرگان دین می‌باشد. از جمله آن‌ها محمد خلیلان (ارومیه)، علی پنجه سی (ارومیه)، مقبره سید یعقوب (خوی)، بقعه هفت برادران ربط (خوی)، بقعه ایوب انصاری (میاندوآب)، حضرت عباس اجاقی (میاندوآب)، مقبره اوحدی (مراغه)، قبر آقا؛ ظظ (مراغه) و (24)....

### مدارس دینی

مهم‌ترین مدارس دینی استان به شرح زیر است:

- 1- مدرسه امام خمینی (ارومیه).
- 2- مدرسه علمیه رسول اکرم «ص» «تکاب».
- 3- مدرسه علمیه امام خمینی (ماکو).
- 4- مدرسه امام رضا «ع» «میاندوآب».
- 5- مدرسه نمازی (خوی).
- 6- مدرسه امام صادق «ع» (نقده).

### بزرگان و مشاهیر

- 1- حسام الدین چلبی (۶۲۲ - ۵۶۸۴ ه.ق)، معروف به اخی ترك و از بزرگان مشایخ ارومیه.
- 2- سراج الدین محمود ارموی (۵۹۴ - ۵۶۸۲ ه.ق)، از علمای دوره مغول.
- 3- سفیر العارفین (متوفی ۱۳۱۳ ه.ق)، عارف و صاحب نوق.
- 4- حاجی میرزا فضل الله مجتهد (متوفی ۱۳۳۹ ه.ق)، مجتهد و از فقهای طراز اول و مبارز ارومیه.
- 5- آخوند ملا علی (متوفی ۱۲۶۵ ه.ق).
- 6- شیخ ابراهیم خوئی (متوفی 1230 ه.ق)، عالم و عارف.
- 7- آقا میرزا ابراهیم دنبلی (۱۲۴۰ - ۱۳۲۵ ه.ق)، از شاگردان شیخ انصاری، فقیه و حکیم.
- 8- سید حبیب الله هاشمی خوئی (متوفی ۱۳۲۴ ه.ق)، فقیه، اصولی و ادیب و از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی.
- 9- آیه الله العظمی سیدابوالقاسم خویی، فقیه و اصولی، مفسر، رجالی و مرجع تقلید شیعیان جهان (۱۳۱۷ - ۱۴۱۳ ه.ق).
- 10- استاد الهوردی نقاش.
- 11- ابوالحسن نقاش باشی.
- 12- میرزا مهدی منشی خوئی، از خوشنویسان معروف دربار محمدشاه قاجار (25).

### اوضاع سیاسی

#### حوادث دوره مشروطیت

جنبش آزادی خواهی مشروطیت در آذربایجان غربی خصوصاً در ارومیه از سال ۱۲۸۸ ه.ش آغاز گردید و مجاهدانی چون مشهدی اسماعیل افشار و مشهدی باقرخان رئیس به طرفداری از آزادی و مشروطیت قیام نموده و مسلحانه رهبری مشروطه خواهان را به دست گرفتند و مشهدی اسماعیل خان افشار، جان خود را در این راه فدا کرد.



از علمای معروف ارومیه در این دوره، میرزا علی عسگرآبادی، روحانی و واعظ توانا بود که با نطق‌های آتشین خود، مردم را به آزادی و قیام در راه مشروطیت دعوت می‌کرد. نویسندگان، شاعران جوان، تجار و مالکان منطقه نیز به یاری مشروطه خواهان برخاستند. اما در مقابل همچون سایر نقاط کشور، عده‌ای به طرفداری زمامداران وقت، با مشروطه خواهی مردم مخالفت می‌کردند که در رأس آنان حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد بود. به دنبال اختلاف دو دسته (مشروطه‌خواهان و مستبدین)، دولت عثمانی که به دنبال بهانه‌ای برای تجاوز به خاک کشور ایران می‌گشت، از سوی عراق وارد خاک آذربایجان شده و به قتل و غارت و کشتار مردم و مشروطه خواهان دست یازید (26).

### جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول، هر چند ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی مردم منطقه همچنان طرفدار آلمان بودند. زیرا آلمان دشمن روسیه تزاری بود. قرار داد 1907 م، نسبت به انگلستان نیز احساسات مخالف و خصمانه‌ای در آنان بود. به همین سبب، در جریان جنگ جهانی اول، به کمک نیروهای عثمانی شتافتند و آنان قسمت اعظم این استان و استانهای کردستان و کرمانشاه را اشغال کردند. روس‌ها نیز در جبهه مقابل، آذربایجان شرقی، گیلان و مناطق وسیعی را که شامل قسمت اعظم استان مرکزی، قم و کاشان بود تحت سلطه داشتند تصرف نمودند ولی نتوانستند به این استان نفوذ کنند. بالاخره با پایان جنگ در ۱۹۱۸ و شکست از متفقین، نیروهای عثمانی منطقه را تخلیه کردند (27). به دنبال آن تعدادی از ارمنه که تحت عنوان بی‌پناه، در طول جنگ به این استان آمده بودند با ریاست جوان ۲۵ ساله‌ای به نام تارشیمون، نیروی نظامی شش هزار نفری را؛ طپ تشکیل دادند و دولت انگلیس و متحدانش با عنوان استقرار ارمنستان بزرگ، از آنان حمایت می‌کردند. قوای مسلح آنان در ابتدا به قتل مسلمانان پرداخت و در اسفند ۱۲۹۶ ه. ش، ارومیه و سپس سلماس را اشغال کردند ولی رئیس آنها در مصاف با اسماعیل آقا سمیتقو از سران اکراد منطقه کشته شد و قوای مسلح ارمنه با کمک یک سپاه هشت هزار نفری به فرماندهی آندرونیک که از ماورای قفقاز آمده بود در جهت انتقام، قصد تصرف خوی و دیگر شهرها و قتل و غارت هر چه بیشتر را داشتند که با کمک علما و مقاومت مردم، این تهاجم وحشیانه در هم شکست (28).

### واقعۀ کشف حجاب

هم‌زمان با بازگشت رضاشاه از ترکیه در سال ۱۳۱۴ شمسی دستور متحد الشكل کردن لباس‌ها و کشف حجاب زنان صادر شد. استان آذربایجان غربی نیز از این قانون مستثنی نماند. ولی مقاومت مردمی در آن استان مانع از اجرای این توطئه شوم شد و این قانون با شکست مواجه گردید (29).

### جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ دوم جهانی، در بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰ ه. ش هواپیماهای شوروی، ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی را بمباران کردند. مردم به روستاها پناه بردند. قوای زمینی شوروی از طریق ماکو وارد این استان شده و پس از اشغال این شهر به سوی خوی و سلماس سرازیر شدند. در این مدت هواپیماهای شوروی به صورت مداوم سربازخانه‌ها و مراکز مهم ارومیه و شهرهای استان را بمباران می‌کردند و صبح روز دوشنبه یکی از بمب‌ها در کنار ستاد لشکر و دیگری جنب تلگرافخانه ارومیه افتاد و خسارات زیادی به بار آورد. در هنگام پیشروی، قوای شوروی هر کس را می‌دیدند به گلوله می‌بستند. در روز ۷ شهریور ۱۳۲۰ ارومیه به تصرف آنان درآمد و لشکر ارومیه متلاشی و منحل شد و سربازان شوروی انتظامات شهر را به عهده گرفتند (30). پس از خروج قوای بیگانه حزب دموکرات که در تحت حمایت قوای بیگانه در آن استان پا گرفته بود، رابطه آذربایجان با تهران را قطع کرد و خود مختاری آذربایجان را اعلام نمود. در شهرستان مهاباد نیز قاضی محمد حکومت کردستان را اعلام کرد ولی در اثر

اقدامات ایران در سازمان ملل و مذاکرات قوام نخست وزیر وقت با استالین، آذربایجان و کردستان را تخلیه و ستون ارتش به آن مناطق اعزام و تعدادی از خائنین گریخته و بقیه به سزای اعمالشان رسیدند(31).

### انقلاب اسلامی

مردم آذربایجان غربی از آغاز انقلاب همگام با سایر اقشار مردم در سراسر ایران با برگزاری تظاهرات و راه پیمایی نقش مؤثری در سرنگونی رژیم شاه داشتند. در سال ۱۳۵۶ه.ش یکی از سرداران رشید این استان به نام اسماعیل سلامت بخش با به هلاکت رساندن عده زیادی از افسران رژیم طاغوتی در یکی از پادگان‌های تهران موجب شور و تشدید حرکت انقلابی و اسلامی مردم استان شد و خود نیز به شهادت رسید. پس از درگیری خونین مأمورین با مردم ارومیه، تظاهرات در شهرستان‌های استان به صورت پراکنده ادامه داشت و تمامی مغازه‌ها و بازار و مدارس مرکز استان و شهرستان‌ها به عنوان اعتراض بسته بود. دولت موقت بختیار برای مقابله با حرکت مردم با تحریک اهالی بعضی از روستاها و در اختیار گذاردن اسلحه زمینه هجوم آن‌ها را به شهرها فراهم آورد. آنها با سلاح سرد و گرم در دستجاتی به شهر می‌ریختند و شعارهایی به نفع رژیم می‌دادند و شب هنگام بابتی‌رحمی و قساوت تمام به خانه‌های مردم وارد شده و به زور اسلحه، اموال مردم را تاراج می‌کردند.

مردم نیز بی‌کار ننشسته و برای جلوگیری از حرکات ناپسند آنان و نیز تشدید حرکت‌های انقلابی با ایجاد پست‌های نگهبانی و مسلح کردن مردم سعی در جلوگیری از حرکات اشرار داشتند. سرانجام در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با خبر سقوط رژیم شاهنشاهی همگان به خیابان‌ها ریختند و به شادی پرداختند و مردم با تشکیل کمیته‌های انقلاب، با حفظ نظم در دوران حساس پیروزی به مقابله با عناصر فرصت طلب مسلح مانند کومله، منافقین، حزب دمکرات، ساواکی‌ها، فئودال‌ها و نیز مبارزه با مفسد اجتماعی و قاچاق مواد مخدر پرداختند(32).

### جنگ تحمیلی

مردم مسلمان آذربایجان غربی همانند مردم سایر استان‌ها به محض اطلاع از اولین حمله هوایی عراق علیه ایران در شهریور سال ۱۳۵۹ه.ش، به فرمان امام خمینی «ره» در این دفاع مقدس شرکت فعال نمودند و با سازماندهی منظم در قالب تیپ ۳۱ عاشورا به مناطق جنگی و خطوط مرزی شتافتند. و چنان بر دشمن بعثی و عمال آنان در منطقه یورش بردند که خاطرات ایثارگری‌ها، رشادت‌ها و شهادت‌های آنان امروزه ورد زبان مردم این منطقه می‌باشد. مردم این استان علاوه بر اعزام رزمندگان و تقدیم شهدا و جانبازان، در پشت جبهه نیز کمک‌های نقدی و جنسی خود را به جبهه‌ها ارسال می‌داشتند و تا حد توان از هیچ کمک و خدمتی کوتاهی نمی‌کردند(33).

شهرستان‌های این استان اغلب تا روزهای آخر جنگ زیر حملات وحشیانه هوایی و موشکی دشمن و حرکات مذبحخانه گروهک‌های وابسته به استکبار بود ولی مردم آن با ایستادگی حماسه‌ای جاودانه آفریدند.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1 مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، ص ۵.
- 2 مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان آذربایجان غربی، ص پانزده.
- 3 ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان غربی، ج ۱، ص ۵۹.
- 4 حسن زنده دل و دستیاران، استان آذربایجان غربی، ص ۴۲.
- 5 ایرج افشار سیستانی، همان، ج ۲، ص ۸۷۴.
- 6 سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان غربی، آمارنامه استان آذربایجان غربی ۱۳۷۵، ص ۱۴۶.

- 7- حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، ج ۱، ص ۲۲.
- 8- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۳۰ - ۳۲.
- 9- همان، ص ۷۵ - ۱۱۴ (با تلخیص).
- 10- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 11- همان، ص ۶۶.
- 12- یونس مروارید، مراغه، ص ۱۲۵ - ۱۲۸.
- 13- همان، ص ۱۳۳.
- 14- مرکز آمار ایران، همان، ص ۲۴.
- 15- سازمان برنامه و بودجه استان، آمارنامه استان آذربایجان غربی، ص ۲۷۶ - ۲۷۷.
- 16- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، ج ۲، ص ۸۵۲.
- 17- باباصفری، اردبیل در گذر تاریخ، ج ۲، ص ۱۱۸.
- 18- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۱۳۵.
- 19- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان غربی، ج ۲، ص ۶۰۰.
- 20- جمشید محبوبی، نگاهی به تاریخ و جغرافیای میاندوآب و تکاب و شاهین‌دژ، ص ۵۱۵.
- 21- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۶۱۵ - ۶۱۶.
- 22- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۱۳۰؛ علی صدراپی خویی، سیمای خوی، ص ۷۷.
- 23- مرکز آمار ایران، همان، ص ۵.
- 24- نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور، ص ۱؛ جمشید محبوبی، همان، ص ۴۶۸؛ یونس مروارید، همان، ص ۳۷۹ و ۳۹۰.
- 25- مرکز مدیریر حوزه علمیه قم.
- 26- ایرج افشار سیستانی، همان، ج ۲، ص ۷۳۲ - ۷۶۶ (با تلخیص).
- 27- همان، ص ۴۲۲ - ۴۳۰.
- 28- همان، ص ۴۵۷.
- 29- علی صدراپی خویی، همان، ص ۹۰ - ۹۶.
- 30- مرتضی جعفری و دیگران، واقعه کشف حجاب، ص ۲۰۶ و ۲۰۸، اسناد ۹۱ و ۹۲.
- 31- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۴۵۸ - ۴۶۴ (با تلخیص).
- 32- علی صدراپی خویی، همان، ص ۱۰۴. 105 -
- 33- همان، ص ۱۰۶. 107 -

## استان اصفهان

بخش اول: جغرافیای طبیعی



## مشخصات جغرافیایی

استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۰۷۰۲۷ کیلومتر مربع بین ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۱۸ شهرستان، شامل ۶۷ شهر، ۳۸ بخش، ۱۱۷ دهستان و ۲۴۷۰ آبادی دارای سکنه می‌باشد و مرکز آن شهر اصفهان است.

## آب و هوا:

به طور کلی هوای استان اصفهان به خاطر وجود رودها و کوه‌های زیاد معتدل و فصول آن منظم می‌باشد. میزان بارندگی در این استان نسبتاً کم و در نواحی کوهستانی زمستان‌ها سرد و پربرف و تابستان‌ها ملایم و مطبوع می‌باشد (۱).

## بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

### کشاورزی

استان اصفهان از لحاظ کشاورزی به سه ناحیه جلگه‌ای، کوهستانی و کویری تقسیم می‌شود. درختان این منطقه بیش‌تر از نوع انار و انگور، خرما، سیب، گلابی، گیلاس و ... است.

حدود ۳۱۸۶۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی استان زیر کشت درختان میوه قرار دارد. پراکندگی زمین‌های زیرکشت درختان میوه بیش‌تر در جنوب، مرکز و غرب استان است. درختان نواحی شرق استان بواسطه شرایط اقلیمی خاص بیش‌تر انار و انگور می‌باشد. در مرکز استان بیش‌تر درختان هسته‌دار و دانه‌دار، در منطقه سمیرم بیش‌تر درختان سیب و در منطقه خور و بیابانک (به علت شرایط آب و هوایی) خرما کشت می‌شود. البته باغ‌های پراکنده میوه در سرتاسر استان وجود دارد که از لحاظ اقتصادی چندان اهمیتی ندارد (۲).

محصولات عمده زراعی استان عبارتند از انواع غلات شامل گندم، جو، برنج و ارزن؛ حبوبات شامل نخود، عدس و ماش؛ سبزیجات شامل سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، سبزیجات برگی غده‌ای و محصولات جالیزی؛ نباتات صنعتی شامل چغندر قند، پنبه، انواع توتون و تنباکو و کنجد؛ نباتات علوفه‌ای شامل اسپرس، یونجه، شبدر و انواع ذرت (۳).

## صنایع و معادن

### صنایع دستی

صنایع دستی اصفهان در طول قرن‌های متمادی به عنوان نماینده هنر اصیل اسلامی و ایرانی در دنیا شناخته شده است. در ذهن هر شنونده‌ای همراه با نام اصفهان بی‌درنگ تصویر کاشی‌های معرق، تابلوهای مینیاتور، قالی‌های نفیس و نقش‌های قلم‌کار زنده می‌شود.

صنایع دستی و هنری اصفهان، عبارتند از: خاتم‌سازی، میناکاری، مینیاتورسازی، نقاشی و تذهیب، منبت‌کاری، خراطی، نمدالی، پوست‌دوزی، عبا‌بافی، قالی‌بافی، تهیه خورجین، گلیم و جاجیم، زیلوبافی، زری‌بافی، مخمل‌بافی، سکه‌دوزی، ملیله‌سازی، نقره‌سازی، قلم‌زنی، قلم‌کاری، ملیله‌دوزی، قلاب‌دوزی، کاشی و سرامیک (۴).

### صنایع ماشینی

تعداد قابل توجهی از مهم‌ترین صنایع تولیدی کشور شامل صنایع فولادسازی، ذوب‌آهن اصفهان و فولاد مبارکه، الیاف مصنوعی، پلی‌اکریل، نساجی، تصفیه‌نفت، پالایشگاه، نیروگاه‌های حرارتی شهید منتظری و اسلام‌آباد و غیره، در این استان قرار دارد که وجود این مراکز منطقه را به یکی از مناطق مهم صنعتی کشور تبدیل کرده است. اکثر این صنایع پیرامون شهرستان اصفهان و بر روی اراضی نسبتاً مستعد استقرار یافته‌اند (5).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

آنچه در مورد اصفهان و وجه تسمیه آن مشهور است آن است که چون اصفهان در زمان اشکانیان و ساسانیان و حتی پیش‌تر از آن، از لحاظ موقعیت جغرافیایی در قلب فلات ایران قرار داشته، اهمیتی به سزا یافته و به واسطه جنبه استراتژیکی، مرکز تجمع و جمع‌آوری سپاه قرار گرفته و به صورت دژی محکم خودنمایی می‌کرده است، لذا نام سپاهان را به واسطه نقش سپاهی‌گری که داشته بر خود گرفته که این واژه، کم‌کم، معرّب و به اصفهان تبدیل شده است (6).

#### سابقه تاریخی

سابقه تاریخی استان اصفهان به صدها سال قبل از اسلام می‌رسد. اصفهان در روزگار قدیم، از دو محل متصل به هم به نام‌جی و یهودیه (اصفهان امروزی) تشکیل شده است (7).

در دوران عیلامیان شعبه‌ای از مادها به سوی اصفهان رهسپار گردید اما با توجه به این که اصفهان تحت سلطه عیلامیان قرار داشت از نفوذ آن‌ها جلوگیری شد. در دوره هخامنشیان اصفهان گوی نامیده شده و پارتیکا که آن را فریدن می‌دانند از نواحی مشهور و آبادان این منطقه بوده است (8).

در دوران اشکانیان اصفهان قلمرو یکی از پادشاهان محلی بوده است. اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله ساسانی، اصفهان را به تصرف خود درآورد و این شهر محل فرمانروایی یکی از هفت خاندان بزرگ بوده است (9).

اصفهان در زمان خلیفه دوم به تصرف مسلمانان درآمد و تا حدود ۳۰۰ سال حکامی از سوی خلفا در آنجا فرمانروایی می‌کردند. در این مدت، شهر اصفهان به دو محله یکی مسلمان‌نشین به نام شهرستانه و دیگری یهودیه تقسیم شده بود و میان دو محله دیواری کشیده بودند، ولی رکن‌الدوله دیلمی، هر دو محله را یکی کرد (10).

اصفهان در دوران آل بویه و سلجوقیان، پایتخت بود. در دوره ملک‌شاه سلجوقی این شهرستان به عنوان یکی از مراکز مهم علم و دانش شناخته می‌شد. در عصر حکمرانان سلجوقی آثار تاریخی بسیاری در این شهر ایجاد گردید. البته در اواخر دوره سلجوقیان به علت حمله مغولان و قتل عام تیمور، خسارات جبران‌ناپذیری بر این منطقه وارد شد. قتل و غارت مغول آن چنان شدید بود که در کتب تاریخی آمده است که تیمور گورکانی از هفتاد هزار سربریده مردم این شهر، مناره‌ای برپا کرد.

در زمان صفویّه در سال ۱۰۰۰ هجری، شهرستان اصفهان پایتخت حکومت شاه‌عبّاس اول می‌شود. در این دوره اصفهان بیش از هر دوره دیگری دست‌خوش تغییر قرار گرفت و اولین طرح جامع شهرسازی پیاده گردید. در اواخر دوران صفویّه، افغان‌ها این شهر را ویران ساخته و چنان کشتاری کردند که زاینده‌رود از اجساد کشته‌شدگان پر شد. از دوره افشاریه و زندیه در اصفهان آثار مهمی نمانده است، ولی در زمان قاجاریه به همت مردان خیر چند بنای قابل توجه احداث گردید.

در نیم‌قرن اخیر با ورود تکنولوژی و تمدن صنعتی و نوسازی به سبک غرب بافت قدیمی تا حدی دست‌خوش تغییر و تحول شده است. البته با وجود حوادثی که بر این خطّه تاریخی گذشته است هنوز اصفهان از زیباترین شهرهای ایران است (11).

#### بناهای عمده تاریخی

آثار مهم تاریخی استان اصفهان عبارتند از:

### الف) شهرستان اصفهان

مسجد جمعه (جامع) اصفهان، میدان امام (نقش جهان)، مسجد امام، مسجد شیخ لطف‌الله، عمارت عالی‌قاپو، کاخ چهلستون، مدرسه امام جعفر صادق (ع) (چهارباغ)، پل‌الله وردیخان (سی‌وسه‌پل)، پل خواجه، پل شهرستان، منارجنبان، کلیساهای جلفا (بَدْخَم، وانگ و مریم)، کاخ هشت بهشت، مرقد مطهر حضرت قاسم بن موسی بن جعفر (ع)، مرقد مطهر حضرت ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) و....

### ب) گلپایگان

مسجد جامع گلپایگان، بقعه هفده‌تن، بقعه امامزاده سیدالسادات، مناره گلپایگان، بقعه امامزاده ابوالفتح، مسجد جامع سرآور و....

### ج) نطنز

مسجد جامع نطنز، بقعه شیخ عبدالصمد نطنزی، آستانه امامزاده آقاعلی‌عباس، مزار بی‌رقیه، امامزاده عبدالله، آتشکده ساسانی، بقعه باباافضل، محراب مسجدکوجه میر و....

### د) نائین

مسجد جامع نائین، مسجد محمدیه، مسجد بابا عبدالله، و....

### ه) کاشان

باغ فین، بندقمصر، تپه‌های سیلک (سیالک)، مسجدجامع و مناره، قلعه کهنه، آتشکده نیاسر، مسجدآقابرگ، مسجد دروازه (وزیر)، مسجد میدان کاشان، مدرسه خواجه‌تاج‌الدین، چهل‌اختران، بنای امامزاده حبیب‌بن‌موسی، بقعه شاهزاده ابراهیم، مدرسه آقا، مدرسه سلطانی، مناره پنجه‌شاه و....

### و) سمیرم

بقعه شاهزاده ابراهیم، بقعه شهرضا، کاروان‌سرای قریه مهیار و....

### ز) ایبانه

مسجد دارالمحراب، مسجدآقا و....

### ح) لنجان

قلعه بزی، بقعه شاهزاده ابوالقاسم و....

## بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت استان اصفهان ۳۹۲۳۲۵۵ نفر بوده است، که از این تعداد ۲۰۱۳۴۹۲ نفر مرد و ۱۹۰۹۷۶۳ نفر زن بوده‌اند.

از جمعیت استان، ۲۹۱۴۸۷۴ نفر ساکن نقاط شهری و ۱۰۰۷۰۸۷ نفر ساکن در نقاط روستایی و ۱۲۹۴ نفر نیز غیرساکن بوده‌اند (۱۲).

### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان اصفهان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	3923255	2013492	1909763	888983
ساکن در نقاط شهری	2914874	1495988	1418886	670282
ساکن در نقاط روستایی	1007087	516837	490250	218452
غیر ساکن	1294	667	627	249
شهرستان اردستان	45150	22351	22799	10988
ساکن در نقاط شهری	25751	12963	12788	6016
ساکن در نقاط روستایی	19399	9388	10011	4972

0	0	0	0	غیر ساکن
373724	777542	832473	1610015	شهرستان اصفهان
327024	678341	719897	1398238	ساکن در نقاط شهری
46694	99182	112563	211745	ساکن در نقاط روستایی
6	19	13	32	غیر ساکن
49464	106574	114443	221017	شهرستان برخوارومیمه
40279	87372	92404	179776	ساکن در نقاط شهری
9185	19202	22039	41241	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
53812	116487	126999	243486	شهرستان خمینی شهر
47058	100836	108707	209543	ساکن در نقاط شهری
6754	15651	18292	33943	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
8804	18174	18502	36676	شهرستان خوانسار
5396	10780	11186	21966	ساکن در نقاط شهری
3408	7394	7316	14710	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
12474	32864	32054	64918	شهرستان سمیرم
4827	12126	12378	24504	ساکن در نقاط شهری
7639	20720	19661	40381	ساکن در نقاط روستایی
8	18	15	33	غیر ساکن
38628	79545	84816	164361	شهرستان شهرضا
26005	52275	54674	106949	ساکن در نقاط شهری
12611	27237	30103	57340	ساکن در نقاط روستایی
12	33	39	72	غیر ساکن
26265	69002	67402	136404	شهرستان فریدن
6507	16256	16473	32729	ساکن در نقاط شهری
19538	52190	50334	102524	ساکن در نقاط روستایی
220	556	595	1151	غیر ساکن
7979	22112	22005	44117	شهرستان فریدونشهر
2758	6662	6930	13592	ساکن در نقاط شهری
5218	15449	15070	30519	ساکن در نقاط روستایی
3	1	5	6	غیر ساکن
45195	101252	108545	209797	شهرستان فلاورجان
18892	42880	46219	89099	ساکن در نقاط شهری
26303	58372	62326	120698	ساکن در نقاط روستایی



0	0	0	0	غیر ساکن
79873	165636	170149	335785	شهرستان کاشان
62272	128880	133510	262390	ساکن در نقاط شهری
17601	36756	36639	73395	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
19374	39610	39760	79370	شهرستان گلپایگان
11779	23707	23721	47428	ساکن در نقاط شهری
7595	15903	16039	31942	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
44283	100947	106323	207270	شهرستان لنجان
32878	74755	78955	153710	ساکن در نقاط شهری
11405	26192	27368	53560	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
26476	57407	62314	119721	شهرستان مبارکه
14627	31806	33474	65280	ساکن در نقاط شهری
11849	25601	28840	54441	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
13729	27550	26425	53975	شهرستان نایین
8135	16125	16383	32508	ساکن در نقاط شهری
5594	11425	10042	21467	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
68355	153086	159087	312173	شهرستان نجف آباد
49776	110365	114269	224634	ساکن در نقاط شهری
18579	42721	44818	87539	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
9560	19176	19844	39020	شهرستان نطنز
6053	12932	13845	26777	ساکن در نقاط شهری
3507	6244	5999	12243	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: آمارنامه استان اصفهان. 1375

#### وضع فعالیت

از مجموع ۳۰۷۳۶۳۰ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر استان در سال ۱۳۷۵، ۱۲۸۷۳۳ نفر جمعیت فعال و ۹۱۸۱۸۵ نفر جمعیت غیرفعال و ۲۶۷۱۲ نفر اظهار نشده بوده‌اند.

از جمعیت فعال استان، ۱۰۳۸۵۵۳ نفر شاغل، ۳۸۱۳۰ نفر بیکار قبلاً شاغل و ۵۲۰۵۰ نفر بیکار قبلاً غیرشاغل بوده‌اند و از تعداد جمعیت غیرفعال ۸۸۸۲۸۵ نفر محصل، ۸۵۴۸۱۲ نفر خانه‌دار، ۱۰۲۹۴۲ نفر دارای درآمد بدون کار و ۷۲۱۴۶ نفر جز گروه

سایر بوده‌اند.

از جمعیت فعال استان، ۹۶۶۵۵۹ نفر مرد و ۶۲۱۷۴ نفر زن بوده‌اند (13).

### نژاد و زبان

اصفهانیان مردمی آریایی نژاد و اصیل هستند. زبان آنان فارسی است و به لهجه‌های شیرین اصفهانی، نائینی، نطنزی، خوانساری، گلپایگانی، کاشانی و... صحبت می‌کنند (14).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در سال ۱۳۷۵، از ۳۴۹۲۳۳۵ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۶۷/۸۴ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در بین مردان ۲۶/۸۸ درصد و در بین زنان ۸۹/۸۰ درصد بوده است. این نسبت در نقاط شهری برای مردان و زنان به ترتیب ۰۷/۹۰ درصد و ۶۰/۸۳ درصد و در نقاط روستایی ۹۹/۸۲ درصد و 73/02 درصد بوده است (15).

#### مراکز دانشگاهی

استان اصفهان با داشتن دانشگاه‌های متعدد از مراکز علمی - صنعتی مطرح در کشور می‌باشد و دارای بیش از ۸۷۸۰۰ دانشجوی پسر و دختر می‌باشد. برخی از مراکز مهم دانشگاهی این استان عبارتند از: دانشگاه اصفهان (با ۱۴۰۰۰ دانشجو) دانشگاه صنعتی اصفهان (با ۸۰۰۰ دانشجو)، مرکز آموزش عالی فنی شهید مهاجر (با ۳۰۰۰ دانشجوی مرد)، دانشگاه آزاد استان اصفهان (۱۲ واحد دانشگاهی در ۱۲ شهر استان با ۴۰۰۰۰ دانشجو)، دانشگاه پیام نور استان (۱۱ واحد در ۱۱ شهر استان با ۱۵۰۰۰ دانشجو)، دانشگاه کاشان (با 14000 دانشجو)، دانشگاه علوم پزشکی کاشان با بیش از ۲۰۰۰ دانشجو) و (16)....

### فصل سوم: اماکن فرهنگی تفریحی

#### کتابخانه

در سال ۱۳۷۴ در این استان تعداد ۶۳ کتابخانه وجود داشته است. از این تعداد ۲۴ کتابخانه در شهرستان اصفهان و بقیه در سایر شهرستان‌ها بوده‌اند (17).

#### مطبوعات

مطبوعات به عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی، در استان اصفهان از پیشینه تاریخی بیش از نود سال برخوردار می‌باشد. عناوین برخی از مطبوعات گذشته اصفهان عبارتند از: انجمن اصفهان (اولین روزنامه، ۱۳۲۴)، اخگر، باختر، بلدیه، جنبش، جهاد اکبر، دانش اصفهان، زبان زنان، ستاره اسلام، عصر پهلوی، کشکول، ناقور، آفتاب، راه اصفهان، مجاهد، ارژنگ، خروش زاینده‌رود، مجله تنها، مجله سپاهان، مجله عرفان و....

برخی از مطبوعات فعلی استان اصفهان عبارتند از: هفته‌نامه اولیاء، هفته‌نامه نوید اصفهان، هفته‌نامه فلاحت ایران، گزارش ورزشی (هفته‌نامه)، هفته‌نامه نسل فردا، نشریه پیام زاینده‌رود، نشریه طوبی، نشریه ندای کویر، هفته‌نامه جام اصفهان، نشریه اصفهان و (18)....

#### سینما

تعداد سینماهای فعال در سطح استان ۱۲ باب است. از این تعداد ۷ باب در شهر اصفهان و بقیه در شهرهای خمینی‌شهر، مبارکه، درچه، کاشان، شاهین‌شهر می‌باشد (19).

#### پارک‌ها و اماکن دیدنی

وجود پارک‌ها و اماکن دیدنی بسیار زیاد به استان اصفهان جلوه‌ای خاص بخشیده است. در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۳۰۰ پارک و مکان دیدنی در این استان وجود داشته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پارک جنگلی موته (اصفهان)، پارک جنگلی شهید امینی (سمیرم)، پارک جنگلی مهاباد

اردستان، پارک جنگلی گلپایگان، پارک شهری وحید (اصفهان)، پارک وحش (اصفهان)، پارک شهری ژان شاردن (اصفهان)، باغ قوشخانه و باغ غدیر (اصفهان)، بوستان ملت و بوستان سعدی (اصفهان)، برج‌های کبوتر (اصفهان)، سرچشمه خوانسار، بازار چهارسوق گلپایگان، آتشکده اردستان، شهربازی آبشار و ملک‌شهر (اصفهان)، پارک کوهستانی صفه (اصفهان)، موزه ملی کاشان، موزه کلیسای وانک، موزه چهلستون، موزه علوم دانشگاه اصفهان و (20)....

### اماکن ورزشی

استان اصفهان در سال ۱۳۷۵ دارای ۴۸ استادیوم، ۹۸ سالن ورزشی، ۱۰ استخر شنا، ۱۸۰ باشگاه ورزشی، ۱۹ پیست دومیدانی، ۳۳ زمین فوتبال چمن و ۱۹۶ زمین خاکی، ۱۱۴ زمین والیبال، ۷۵ زمین بسکتبال و ۱۵ زمین تنیس بوده است (21).

### فصل چهارم: آداب و رسوم

#### آداب ویژه ماه رمضان

نظافت مساجد: مردم استان اصفهان با نظافت مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها، به پیشواز این ماه مبارک می‌روند. مساجد را با آئینه و شمعدان و چلچراغ و شاخه‌های سرو و کاج و پارچه‌های سبز آذین می‌بندند. در اکثر شهرهای این استان زن‌ها در نظافت مساجد و تکایا شرکت می‌کنند و به آب و جاروی مسجد و شستن ظروف و آماده‌ساختن وسایل پذیرایی برای ماه رمضان می‌پردازند (22).

شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان را شب‌های قدر گویند و به خاطر بزرگداشت شب قدر، این سه شب را احیا می‌گیرند. بعضی‌ها هم شب بیست‌وهفتم را که شب هفتم رحلت امام علی(ع) است احیا می‌گیرند. در این شب‌ها شیعیان تا سحر به عبادت و خواندن قرآن و دعا مشغولند.

برخی از مردم در خانه و بسیاری در مساجد و یا مصلائی شهرها اعمال و مراسم احیا را به‌جا می‌آورند. برخی آداب مخصوص این شب‌ها در اصفهان به شرح زیر است: غسل: آن‌هایی که قصد برگزاری مراسم احیا را دارند قبل از غروب آفتاب به حمام می‌روند و غسل می‌کنند. شب بیست و سوم بسیاری از افراد علاوه بر غسل اول شب، یک مرتبه نیز آخر شب غسل به‌جا می‌آورند و عقیده دارند این غسل ثواب بسیار دارد. دعا: دعاهایی که در شب‌های احیا خوانده می‌شود بر دو قسمتند: اول دعاهایی که در همه شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود مانند دعای افتتاح و ... و دوم دعاهایی که مخصوص شب‌های احیا است. دعاهای مخصوص این شب‌ها عبارتند از: جوشن کبیر، جوشن صغیر، توسل، مجیر و .... از این میان این دعاها، دعای جوشن کبیر مشهورترین و متداول‌ترین دعایی است که در شب‌های احیا خوانده می‌شود. قرائت قرآن: خواندن قرآن در شب‌های احیا منحصر به سوره‌ای خاص نیست اما قرائت چند سوره از شأن و منزلت خاصی برخوردار است از جمله سوره‌های قدر، دُخان، روم و عنکبوت.

نماز: نمازهای مستحبی که در شب‌های قدر می‌خوانند عبارتند از نماز حمد با سه سوره، نماز هزار رکعتی، نماز هفت‌قل‌هو‌اللّٰهی، نماز صدرکعتی و نماز قضا. معمولاً مردم خواندن نماز قضا را در این شب‌ها بر دیگر نمازهای مستحبی مقدم می‌دارند. قرآن برسرگرفتن: آخرین عمل در شب‌های احیا، قرآن بر سرگرفتن است که با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. هنگام شروع این مراسم، چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و حاضران در حالی که از گناهان خود استغفار می‌کنند قرآن‌ها را بر سر می‌گیرند و پس از قسم به لفظ جلاله «بِکَ یا الله»، خداوند را به نام چهارده‌معصوم قسم می‌دهند و سپس به دعا، استغفار و طلب حاجت می‌پردازند.

با توجه به این که شهادت حضرت علی(ع) مصادف با شب‌های قدر است مراسم ویژه‌ای در روزها و شب‌های نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود. در

این ایام مسلمانان و دوستداران مولای متقیان در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌روند و همه جا یکپارچه سیاهپوش می‌شود. مردم اصفهان کسب و کار و بازار را تعطیل کرده و به تعزیه و نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند.

در برخی نقاط استان در صبح روز بیست‌ویکم در مسجد روضه می‌خوانند و بعد از تمام‌شدن روضه جمعیت حاضر دو دسته می‌شوند و در حال سینه‌زنی و نوحه‌خوانی از مسجد بیرون می‌آیند و دور حسینیه و یا در خیابان‌ها می‌گردند و عزاداری می‌کنند. در برخی مناطق نیز در شب بیست و یکم یعنی شب شهادت حضرت علی (ع) اهالی برای اموات خود خرما، زولبیا، شربت، کلوچه، حلوازرد یا شله زرد و رنگینک و غیره خیرات می‌کنند (23).

#### مراسم عید فطر

روز اول ماه شوال که یکی از اعیاد بزرگ ما مسلمانان می‌باشد در استان اصفهان با شکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌شود. در شب عید فطر عده زیادی از مردم در مساجد به دعا و نماز تا صبح مشغول هستند با طلوع آفتاب افراد نمازگزار پس از پرداخت فطریه خود و افراد تحت تکفل به مصلا می‌روند. در بین راه مصلاً با آهنگ دلپذیر و توجه قلب انکار الله اکبر لاله الا الله والله اکبر ... رامی‌خوانند و آنگاه وارد مصلاً شده و به نماز عید می‌پردازند.

بعد از نماز، امام جماعت به ایراد خطبه و سخنرانی در عظمت آن روز می‌پردازد. در برخی نقاط رسم است که مردم بعد از مراسم نماز عید فطر، کنار قبور اموات و گذشتگان خود حاضر می‌شوند و به قرائت فاتحه می‌پردازند (24).

#### ماه محرم

مراسم سوگواری و عزا، مثل سایر شهرها و استان‌های ایران، به دو صورت عمومی و خصوصی انجام می‌گیرد. عزاداری‌های عمومی در روزهای وفات و شهادت ائمه اطهار معمول است. از این میان، مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا با شدت و شوری بیش‌تر برگزار می‌شود.

مراسم سوگ و عزا به ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا، در سرتاسر استان بسیار گسترده و مفصل برگزار می‌گردد. مردم شهرها و روستاها، این روزها را به سوگ می‌نشینند و با انجام مراسم ویژه، خاطره جان‌فشانی‌های امام حسین (ع) و یارانش را گرامی می‌دارند.

سینه‌زنی، زنجیرزنی، تعزیه‌خوانی‌های متعدد، علم و کُتل‌گردانی از جمله مراسم ویژه‌ای است که در این روزها انجام می‌گیرد. همچنین مراسمی نیز در سطح استان انجام می‌گیرد که شاید بتوان گفت اختصاص به این منطقه دارد. یکی از این مراسم «سنگ زنی» است. نحوه انجام این مراسم بدین ترتیب است که دسته عزادار دو قطعه چوبی را که در دو دست گرفته‌اند، همراه با نوحه‌خوانی و با یک حرکت خاصی به هم می‌کوبند و عزاداری می‌کنند.

اطعام دادن در ایام محرم یکی از رسوم رایج در این استان است خصوصاً در روزهای تاسوعا و عاشورا که در تمامی استان در مساجد و حسینیه صورت می‌گیرد (25).

#### اعیاد ملی و مذهبی

اعیاد مذهبی در این استان با شکوه فراوان برگزار می‌شود. روزهای عید قربان، غدیر خم، مبعث، فطر و روزهای تولد ائمه در اکثر نقاط استان جشن گرفته می‌شود. از این میان، روز نیمه شعبان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است به طوری که در سراسر استان، خصوصاً در شهر اصفهان، مغازه‌ها و منازل و خیابان‌ها آذین‌بندی و چراغانی می‌شود و مردم به پخش شیرینی و شربت می‌پردازند.

#### عید نوروز

مردم استان اصفهان جشن نوروز را با شکوه تمام برگزار می‌کنند. چند روز به عید مانده

با تمییز کردن منازل خود و خرید لباس نو به استقبال بهار می‌روند. شب جمعه آخر سال اختصاص به اموات دارد و مردمان برای انجام مراسم فاتحه خوانی و خیرات به مزار گذشتگان خود می‌روند و برای آن‌ها خیرات هدیه می‌کنند. از مراسم روز عید چیدن سفره هفت سین است که در تمامی استان رایج است و هنگام تحویل سال تمام اعضای خانواده کنار این سفره جمع می‌شوند تا سال نو فرا برسد و بعد از تحویل سال به یکدیگر تبریک گفته و برای خود و خانواده‌شان آرزوی موفقیت و سلامتی می‌کنند. با فرارسیدن سال نو به منزل بزرگان خود می‌روند و سال نو را به آن‌ها تبریک می‌گویند.

روز سیزده نوروز مردم این استان از منازل خود خارج می‌شوند و به کوه و دشت می‌روند. در میان مردم نواحی مختلف استان مراسم ویژه‌ای مانند «بخت گشایی»، «فال گوش نشینی»، «قاشق زنی»، «فال گرفتن»، «کوزه شکستن» و «سبزه گره زدن» در این روز رایج است (26).

### جشن عروسی

مراسم ازدواج در استان اصفهان با آداب و شکوهی خاص برگزار می‌شود. آغاز مراسم معمولاً با خواستگاری است. بدین ترتیب که چند تن از زنان خانواده مرد به خانه دختر می‌روند و از دختر خواستگاری می‌کنند. مادر مسئله را با پدر در میان می‌گذارد، اگر پدر موافقت کرد، روز دیگر از خواستگاران با چای و شیرینی پذیرایی می‌شود. بعد از موافقت خانواده دختر، پدر داماد باید طی سه تا چهار روز، هدیه شیرینی به خانه عروس ارسال کند. مادر عروس نزدیکان پسر و دختر را دعوت می‌کند و پس از مذاکرات طولانی بین دو طرف، شرایط و زمان عقد تعیین می‌شود. روز عقدکنان، هر دو خانواده مقدمات کار را فراهم می‌کنند، پدر داماد مقداری شیرینی و میوه را برای مصرف در جشن عروسی به پدر عروس هدیه می‌دهد. به علاوه دعوت نامه‌هایی برای میهمانان توسط خانواده عروس و داماد فرستاده می‌شود. روز عقد کنان مدعوین در خانه عروس جمع می‌شوند و عاقد به قسمت زنانه هدایت می‌شود. عروس با مدعوین زن، پشت دیواری از قند و شیرینی قرار دارد و عاقد چندین مرتبه از عروس می‌پرسد که آیا موافق شرایط عقد هست یا خیر؟ عروس بر حسب آداب و رسوم معمول، پس از سه بار تکرار سؤال، جواب «بلی» می‌دهد. به محض این که کلمه «بلی» ادا شد، هیجان و شادی اطرافیان را فرا می‌گیرد، دست می‌زنند و به رقص و پایکوبی می‌پردازند (27).

### ضرب‌المثل‌ها

آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد.  
شتر در خواب بیند پنبه دانه، عرب در خواب بیند هندوانه.  
هر کس خربزه خورد پای لرزش هم می‌نشیند.  
این دو نفر مثل عسل و خربزه هستند.  
یک سیب که به هوا بیندازی تا به زمین برسد، صد چرخ می‌خورد.  
پایش روی دم مار است ولی حاضر نیست بردارد.  
گاه از خودت نبود، ولی گاه‌دان از خودت بود.

### باورها

اگر کف دست بچه را بیوسی، گدا می‌شود.  
در هنگام ماه یا خورشید گرفتگی اگر زن حامله دست به شکم خود بگذارد، در بدن طفل او خال سیاه بیرون می‌آید.  
اگر کسی عطسه کند، گویند باید صبر کند ولی اگر دو عطسه کند، می‌گویند باید عجله کند.  
اگر کسی ترسیده باشد، مقداری آب که نمک یا طلا در آن قرار داده باشند، به او بخوراند، ترسش برطرف می‌گردد.

اگر آب روی سینه میت را کسی بخورد، قوی دل می‌شود.  
اگر دو لب قیچی را برهم بزنی، جنگ می‌شود.  
اگر چیزی در گلو افتد، گویند سوغاتی خواهد خورد.  
اگر در زمستان پا را بر سقف کرسی بزنی، برف می‌بارد(28).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

##### پیشینه مذهبی

قبل از ورود اسلام، دین زرتشت، دین رسمی مردم اصفهان بود. با انقراض دولت ساسانیان، اصفهان نیز مانند سایر شهرهای ایران تدریجاً تحت سلطه اعراب درآمد. خلیفه دوم با فرستادن سپاهی، منطقه را فتح کرد، ولیکن در زمان آل بویه تعداد شیعیان این منطقه افزایش یافت. با استقرار آل بویه در اصفهان شمار زیادی از شیعیان قم که پیش‌تر بازرگان بودند به این شهر کوچ کردند.

در سال ۳۴۵هـ.ق میان شیعیان و اهل سنت فتنه‌ای در گرفت و فقهای شافعی و حنفی اصفهان شیعیان اسماعیلیه را تکفیر کردند بنابراین شمار زیادی از مردم اصفهان به همدلی با شیعیان باطنیه متهم شده قتل عام گردیدند. با استقرار دولت صفویه گسترش مکتب شیعه به اوج خود رسید(29).

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از جمعیت استان ۴۵/۹۹ درصد را مسلمانان، ۰۲/۰ درصد را زرتشتیان، 0/21 درصد را مسیحیان و ۰۳/۰ درصد را کلیمیان تشکیل می‌داده‌اند. ۲۸/۰ درصد نیز سایر و اظهار نشده بوده‌اند. نسبت مسلمان در نقاط شهری ۳۳/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۸۱/۹۹ درصد بوده است(30).

##### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان اصفهان دارای ۴۴۳۱ باب مسجد، ۱۱ باب مصلا، ۶۲ نمازخانه، ۵۱۸ زیارتگاه و امامزاده، ۳۱ نظرگاه و قدمگاه، ۷۸ زیارتگاه بزرگان دین، ۳۳ تکیه، ۷۳۹ حسینیه، ۱۵ فاطمیه، ۱۱ مهدیه، ۱۴ زینبیه و حیدریه، 2 خانقاه و ... بوده است(31).

نام برخی از مهمترین اماکن مذهبی استان اصفهان عبارتند از: مسجد جمعه اصفهان، مسجد جامع عباسی (مسجد امام) اصفهان، مسجد شیخ لطف‌الله (اصفهان)، مسجد کار (اصفهان)، مسجد ذوالفقار (اصفهان)، مسجد میدان یا عمادی (کاشان)، مسجد جامع خوانسار، مسجد جامع نائین، مسجد بابا عبدالله (نائین)، مسجد جامع گلپایگان، مسجد سرآور (گلپایگان)، مسجد جامع نراق، مسجد نو(شهرضا)، امامزاده احمدبن عیسی(اصفهان)، امامزاده اسماعیل (اصفهان)، امامزاده جعفر (اصفهان)، امامزاده زینبیه (اصفهان)، امامزاده حبیب‌بن موسی (کاشان)، امامزاده میرنشانه(کاشان)، امامزاده سید صالح و امامزاده احمد (خوانسار)، امامزاده سلطان سیدعلی (نائین)، امامزاده سیدالسادات(گلپایگان)، امامزاده زبیده خاتون (نراق)، امامزاده قاسم(ع) و امامزاده حسن (بیدگل)، و....

##### مدارس دینی

حوزه علمیه اصفهان یکی از مهمترین مراکز دینی در این استان و در ایران می‌باشد و نقش به‌سزایی در گسترش تشیع داشته است. مهمترین مدارس دینی استان عبارتند از: مدرسه صدر (اصفهان)، مدرسه نیم‌آور (اصفهان)، جده بزرگ و جده کوچک (اصفهان)، مدرسه ذوالفقار (اصفهان)، مدرسه عربان یا آیه‌الله خادمی (اصفهان)، مدرسه امامیه (اصفهان)، مدرسه درب‌کوشک (اصفهان)، مدرسه الغدیریه (اصفهان)، مدرسه محمودیه (اصفهان)، مدرسه سلطانی (کاشان)، مدرسه آقابرگ (کاشان)، مدرسه آیه‌الله مدنی (کاشان)، مدرسه امام خمینی «ره» (کاشان)، مدرسه حاج سیدمرتضی نطنزی (نطنز)،

مدرسه حاج حسن (خمینی شهر)، مدرسه جعفری (نائین)، مدرسه طباطبائی (نجف آباد)،  
مدرسه حاج کاظم خادم (قمشه)، مدرسه سید شریف (قمشه)، مدرسه آقا کبیر (قمشه) و....

### بزرگان و مشاهیر

محدثین

- ابراهیم بن اسماعیل طباطبا، سر سلسله خاندان بزرگ و علمی طباطبایی.
  - ابراهیم بن شیبیه اصفهانی، از اصحاب امام جواد(ع) و امام هادی(ع).
  - احمد بن محمد بن بَطَّه اصفهانی (متوفی ۳۱۳ه.ق).
  - احمد بن محمد سیاری.
  - سعید بن ابی الرجاء صیرفی اصفهانی.
- دانشمندان و فقهاء
- ابوالفرج اصفهانی، ادیب و نحوی، کاتب و شاعر و مورخ (۳۵۶-۲۸۴ه.ق).
  - اسماعیل بن عبَّاد (صاحب بن عبَّاد)، ادیب و شاعر، متکلم، فقیه و دین شناس و وزیر مؤید الدوله (۳۸۵-۳۲۶ه.ق).
  - احمد بن محمد بن یعقوب (ابن مسکویه)، فیلسوف، حکیم و طبیب قرن پنجم.
  - حافظ ابو نعیم اصفهانی، فقیه، محدث و مورخ (۴۳۰-۳۳۶ه.ق).
  - ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل اصفهانی (راغب اصفهانی)، ادیب، متکلم و مفسر (متوفی ۵۰۲ه.ق).
  - شیخ علی بن عبدالعالی اصفهانی (محقق کرکی)، فقیه و محقق، اصولی و رجالی نامدار (متوفی ۵۹۴ه.ق).
  - ملا محمدتقی مجلسی، فقیه محدث، مفسر و رجالی بزرگ (متوفی ۱۰۷۰ه.ق).
  - علامه محمدباقر مجلسی، فقیه محدث، اصولی و رجالی نامدار، صاحب کتاب بحار الانوار (متوفی ۱۱۱۰ه.ق).
  - آیت الله العظمی آقا شیخ محمدحسین اصفهانی (صاحب فصول)، فقیه و اصولی نامدار (متوفی ۱۲۵۴ه.ق).
  - آقا شیخ محمدحسن نجفی اصفهانی، از مراجع و فقهای نامدار جهان تشیع، مولف کتاب جواهر الکلام (متوفی ۱۲۶۶ه.ق).
  - آیت الله آقا سید محمد فشارکی، فقیه، اصولی و محقق (متوفی ۱۳۱۶ه.ق).
  - آیت الله نخردکی اصفهانی، فقیه و عارف مشهور.
  - آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی، فقیه، حکیم، متکلم و مفسر (متوفی ۱۳۳۹ه.ق).
  - آیت الله العظمی حاج میرزا محمدحسین غروی نائینی اصفهانی، فقیه و اصولی بزرگ (متوفی ۱۳۵۵ه.ق).
  - آیت الله العظمی آقا شیخ محمدحسین اصفهانی، فقیه، متکلم، اصولی، ادیب و شاعر، حکیم و مرجع شیعیان (متوفی ۱۳۶۱ه.ق).
  - آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، فقیه اصولی و مرجع جهان تشیع (متوفی ۱۳۶۵ه.ق).
  - آیت الله العظمی سید محمدتقی خوانساری، فقیه و مرجع تقلید (۱۳۰۵-۱۳۷۱). (۱۳۷۱-۱۳۰۵ه.ق).
  - استاد الهی قمشه‌ای، مفسر و مترجم قرآن مجید.
  - آیت الله العظمی سید احمد خوانساری، فقیه و عارف مشهور.
  - آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، فقیه، مفسر و مرجع شیعیان، (۱۴۱۴-۱۳۱۶ه.ق).
  - آیت الله خامی، فقیه و اصولی، رئیس حوزه علمیه اصفهان (متوفی ۱۴۰۵ه.ق).
  - آیت الله علامه فانی، فقیه اصولی و مجتهد و شاعر (متوفی ۱۴۰۹ه.ق).
  - بانو مجتهده حاجیه نصرت امینی، فقیه و مجتهد، مفسر و عارف (۱۳۶۲-۱۲۶۵ه.ش).



-ملا محمد مهدی نراقی، فقیه و مرجع تقلید، حکیم، متکلم، صاحب کتاب جامع السعاده (۱۲۰۹-۱۱۵۰ ه.ق.)

-ملا احمد نراقی، فقیه، عارف و ادیب، صاحب کتاب معراج السعاده (۱۲۴۵-۱۱۸۵ ه.ق.)

و....

### فصل دوم: اوضاع سیاسی

#### از انقلاب مشروطه تا روی کار آمدن رضاخان

در آستانه نهضت مشروطه به ابتکار و پافشاری دوتن از مجتهدین اصفهانی (مرحوم آقاجفی و مرحوم آقا نورالله اصفهانی) «شرکت اسلامیة اصفهان» تأسیس می‌شود و اکثر علماء و تجار عمده شهر نیز در آن فعالیت داشتند و خیلی سریع فعالیت‌های آنان از اصفهان فراتر رفته و به دیگر شهرهای کشور و حتی خارج از کشور نیز می‌رسد. یکی از فعالیت‌های شرکت، تحریم اجناس روسی بود که از سوی تجار و با حمایت علما و مردم صورت پذیرفت گرچه این عمل با کارشکنی دولتیان مواجه شد ولیکن گام مثبتی در جهت کوتاه کردن دست اجنبیان در تضعیف اقتصاد ایران، محسوب می‌شد. پس از پیروزی جنبش مشروطه خواهی که با کوشش‌ها و جان فشانی‌های مردم ایران در سال ۱۲۸۵ خورشیدی به وقوع پیوست، کشورهای غارتگر روس و انگلیس دست به کار شده و هر کدام با کارشکنی و پشتیبانی از دسته‌های آشوبگر و راهزن، آرامش شهرها و بخش‌های کشور را بر هم زدند. از نمونه این ناامنی‌ها حمله اشراار به کاروان‌ها و جنگ و درگیری بین مشروطه خواهان و مستبدان در شهر اصفهان و قحطی و کمیابی شدید ارزاق در این شهر بود.

از حوادث مهم زمان احمد شاه قاجار و نخست‌وزیری عضدالملک، می‌توان به ناآرامی‌هایی که در گوشه و کنار اصفهان رخ داد اشاره کرد. این ناآرامی‌ها به دلیل درگیری دسته‌های راهزنان در اطراف اصفهان، با مردم بی‌دفاع روستائیان بود. نبرد «رامش» مهم‌ترین نبرد مردم با راهزنان در این دوره بود (32).

#### اصفهان و جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۲۸ ه.ق با وجود این که ایران در جنگ جهانی بی‌طرف بود، در اکثر نقاط ایران ناامنی رخ داد و بیش‌تر شهرهای ایران مورد تجاوز نیروهای انگلیس، روس و آلمان قرار گرفت. اصفهان نیز از این تجاوزات بی‌نصیب نماند. ایران که دارای سپاهیان مستعدی نبود و معرض تهاجم واقع شده بود در جهت احقاق حق خود به آلمان نزدیک شد (33).

فعالیت آلمان‌ها در اصفهان چشمگیر بود تا جایی که «شارژ د افر» سفیر آلمان به کفالت کنسولگری اصفهان انتخاب شد. سپس نیروهای روس به شهر اصفهان حمله کردند ولیکن با امضاء قرارداد بین سردار اصفهان و سران بختیاری تحت نظارت کنسول انگلیس پای روس و آلمان از قضایای اصفهان بریده شد (34).

#### واقعه کشف حجاب

در پی واقعه کشف حجاب در اصفهان، مقاومت‌های مردمی در برابر آن صورت گرفت و اعلامیه‌هایی در مخالفت با کشف حجاب در سرتاسر اصفهان پخش شد. مخالفت‌ها و اعتراض‌های مردمی به حدی بود که رئیس اداره کلّ شهربانی طی نامه‌ای به وزارت کشور به شکست طرح اعتراف نمود (35).

#### اصفهان در جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم، اصفهان نیز مانند سایر شهرهای ایران، محل تاخت و تاز نیروهای بیگانه و دیپلمات‌ها و جاسوسان کهنه‌کار گردید. با ورود متفقین، ناآرامی در سرتاسر اصفهان به وجود آمد (36). از حوادث این دوران می‌توان به تاخت و تاز تفنگداران بویراحمدی به سرکردگی مختار

پادنایی به اطراف اصفهان، جنگ اشرار با مردم در حسنی‌آباد و دستگرد، درگیری با اشرار در کفران و نبرد اسدآباد اشاره کرد.

### حوادث سیاسی دوران انقلاب اسلامی

با شروع قیام 19 دی در قم علی‌رغم مراقبت شدید رژیم شاه، روح پرخاشگری مردم اصفهان علیه ظلم و ستم رژیم جوشید و زمینه‌های حرکت و مبارزه با رژیم با راهنمایی روحانیت در مردم جلوه‌گر شد. اصناف و کسبه بازار اصفهان مغازه‌های خود را تعطیل کردند و در تظاهرات بزرگ و وسیع خود تمام سینماها، مشروب فروشی‌ها، بانک‌ها، ادارات دولتی، و ساختمان حزب رستاخیز را به آتش کشیدند.

در این درگیری‌ها عده‌ای از مردم کشته و مجروح شدند. دولت در اصفهان حکومت نظامی اعلام کرد. جنبش مسلمانان مبارز بیانیه‌ای انتشار داد و اعلام حکومت نظامی در اصفهان را محکوم کرد. آیه‌الله خمینی «ره» در پیامی، کشتار بی‌رحمانه مردم اصفهان و شیراز را محکوم کرد. آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی و نجفی‌مرعشی اعلامیه‌ای درباره کشتار مردم اصفهان مشترکاً صادر کردند.

در مراسم راهپیمایی عاشورای سال ۱۳۵۷، در اصفهان مردم خشمگین، محل سازمان امنیت و کلانتری را به آتش کشیدند. در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، مردم، کلانتری‌ها، شهربانی، ژاندارمری و... را به تصرف درآورده و نهایتاً در ۲۲ بهمن، رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سقوط کرد.

### استان اصفهان و جنگ تحمیلی

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مردم این استان از پیش‌گامان میدان جنگ بودند. رزمندگان این استان در قالب لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و تیپ قمربنی‌هاشم بیش‌ترین نقش را در سرکوب دشمنان اسلام و میهن داشته است.

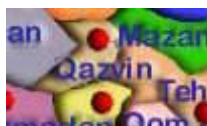
در طول جنگ تحمیلی مردم استان اصفهان متجاوز از بیست‌هزارتن از بهترین و فداکارترین جوانان رزمنده پاسدار و بسیجی و قوای مسلح خود را تقدیم اسلام و پاسداری از انقلاب اسلامی ایران کرده است. یاد شهدای این استان گرامی‌باد.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، آمارنامه استان اصفهان ۱۳۷۵، ص ۸-۵.
- 2- رضا اسماعیلی، بررسی و تجزیه و تحلیل شرایط فرهنگی منطقه اصفهان ۱۳۷۵، ص ۷۱.
- 3- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، همان، ص ۲۴۲-۲۴۱.
- 4- رضا اسماعیلی، همان، ص ۷۶.
- 5- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ اسفند 1371.
- 6- حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، جلد اول، ص ۹۸ و ۱۰۴.
- 7- همان، ص ۱۰۱.
- 8- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۱۵۸.
- 9- رضا اسماعیلی، همان، ص ۸۱.
- 10- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۱۵۹.
- 11- رضا اسماعیلی، همان، ص ۸۴-۸۲.
- 12- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان اصفهان، ص شانزده.
- 13- همان، ص ۶۶.
- 14- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۱۵۴.
- 15- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 16- رضا اسماعیلی، همان، ص ۳۵۶-۳۴۴ و سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، ص ۸۹.

- 17 همان، ص ۴۱۳.
- 18 همان، ص ۴۸۷-۴۸۰.
- 19 همان، ص ۴۲۴.
- 20 وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی اجتماعی استان اصفهان، 1370، ص ۱۰۹-۱۲۷.
- 21 سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، همان، ص ۱۱۱-۱۱۰.
- 22 احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول، ص ۱۸.
- 23 همان، ص ۹۲-۸۵.
- 24 حسین هاشمی تبار (فعولی بیدگلی)، تاریخ بیدگل، جلد اول، ص ۵۹.
- 25 حسن زنده‌دل و دستیاران، استان اصفهان، ص ۱۸۰.
- 26 همان، ص ۱۶۶.
- 27 همان، ص ۱۶۷.
- 28 سید حسین هاشمی تبار، همان، ص ۶۵-۶۴.
- 29 لطف الله هنر فر، اصفهان، ص ۶۵-۶۲.
- 30 مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
- 31 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱.
- 32 کریم نیکزاد امیرحسینی، شناخت سرزمین بختیاری و اصفهان.
- 33 ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی و قدرت‌های بزرگ، ص ۱۳.
- 34 کاوه بیات، ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، ص ۲۷۸.
- 35 مرتضی جعفری و دیگران، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، ص ۴۰۸ (سند شماره ۱۹۶).
- 36 ایرج ذوقی، همان، ص ۸۰.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان قزوین با مساحتی معادل ۳۴۴۰۰ کیلومتر مربع در شمال غربی کشور در طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه واقع شده است. مرکز این استان، شهر قزوین می‌باشد و ۱۳۰۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (۱). استان قزوین از شمال به استان گیلان، از جنوب به استان مرکزی، از مشرق به استان تهران و از مغرب به استان زنجان و همدان محدود است. شهر قزوین بعد از جدا شدن از استان زنجان، تا سال ۱۳۷۵ جزء محدوده سیاسی - اداری استان تهران بود. در این سال این شهر از استان تهران جدا شد و همراه با شهرستان تاکستان از توابع استان زنجان، به عنوان استان قزوین در تقسیمات کشوری جای گرفت. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، این استان دارای ۲ شهرستان شامل ۱۰ بخش، ۱۲ شهر، ۳۷ دهستان و ۹۳۶ آبادی دارای سکنه می‌باشد (۲).

#### ویژگی‌های طبیعی

استان قزوین به دو ناحیه کوهستانی و دشتی تقسیم می‌شود. منطقه کوهستانی آن در شمال

استان قرار دارد و قسمتی از دهستان‌های الموت، رودبار و قسمتی از کوهپایه اقبال و پیشگلدره را در بر می‌گیرد. بخشی از رشته کوه البرز از بخش شمال غربی و از استان گیلان به طرف جنوب غربی در داخل استان قزوین کشیده شده است. سیلان و الموت دو قلّه از قلّه‌های معروف کوهستان‌های بخش غربی البرز می‌باشند (3).

دشت قزوین که در جنوب شهر قزوین واقع شده بین ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ متر ارتفاع دارد و در غرب دره ابهر قرار گرفته است. وجود رسوبات نرم و قابل نفوذ مخروط افکنه‌ای در ابتدای این دشت‌ها، خاک و آب‌های زیر زمینی مناسبی را در یک جا پدید آورده است (4). به دلیل وجود این پستی و بلندی‌ها، در استان قزوین آب و هوای متعددی به چشم می‌خورد:

آب و هوای ناحیه شمالی استان قزوین کوهستانی است. این ناحیه زمستان‌های سرد و پر برف و تابستان‌های معتدل دارد. نواحی دشتی استان دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خنک است. میانگین دمای سالیانه آن ۱۳ درجه سانتی‌گراد و میانگین بارندگی سالیانه ۳۰۴ میلی‌متر است (5).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

استان قزوین یکی از قطب‌های مهم کشاورزی کشور است. دشت قزوین یکی از مناطق با اهمیت کشاورزی استان و کشور به شمار می‌رود. به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات اقتصادی آن طی دهه‌های قبل، سازمان عمران قزوین با ایجاد شبکه آبیاری و حفر کانال‌ها و تونل‌هایی به طول ۱۱۵۰ کیلومتر یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های کشاورزی را در این دشت به وجود آورده است. گندم، جو، چغندر قند، پسته و انگور از جمله محصولات است که در این دشت کشت می‌شود. بخش قابل توجهی از زمین‌های استان به ویژه در نواحی تاکستان، به کشت انگور اختصاص دارد. برای نمونه، میزان تولید انگور این استان در سال زراعی ۱۳۷۴، ۱۸۳۳۱۵ تن بوده است.

استان قزوین در زمینه پرورش طیور و پرورش مرغ گوشتی و تولید تخم مرغ جایگاه ممتازی در کشور دارا می‌باشد (6).

#### صنایع و معادن

این استان به ویژه شهر قزوین از مراکز مهم صنعتی کشور محسوب می‌شود. شهر صنعتی البرز در این شهر در زمینی به مساحت ۹۰۰ هکتار، ۳۴۷ کارخانه و حدود ۷۰ کارگاه صنعتی را در درون خود جای داده است. این مجتمع بزرگ صنعتی در سال ۱۳۴۶ شمسی احداث شده است.

صنایع شهر صنعتی البرز به هفت گروه عمده صنعتی شامل: صنایع فلزی، شیمیایی، نساجی، سلولزی، الکتریکی، کانی غیر فلزی و صنایع غذایی تقسیم می‌شود (7).

از دیگر کارگاه‌های صنعتی قزوین می‌توان از مجتمع صنعتی شهید رجایی، پارک صنعتی لیا و نیروگاه حرارتی شهید رجایی با ظرفیت نهایی ۲۰۰۰ مگاوات نام برد (8).

استان قزوین از لحاظ معادن نیز غنی می‌باشد. مهم‌ترین معادن این استان عبارتند از: شن و ماسه، زغال سنگ، سنگ آهن، سنگ لاشه ساختمانی، سنگ آهک مارن، سنگ گچ، کائولن، باریت، سنگ نمک و سنگ سیلیس (9).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

- 1- قزوین را معرب کشوین به معنی «مرز محفوظ» ذکر کرده‌اند و علت را وجود پایگاه نظامی معروف مادها در این منطقه دانسته‌اند.
- 2- نام قزوین را ظاهراً از اسم قوم کاسی گرفته‌اند، نام این منطقه را کاسپین یعنی محل قوم کاسی گفته‌اند که سپس معرب شده و قزوین نام گرفته است.
- 3- قزوین معرب کدوین به معنی جا و مکان انگور است و علت آن دارا بودن

تاکستان‌های زیاد ذکر شده است (10).

### پیشینه تاریخی

بنای اولیه شهر قزوین را به شاهپور اول ساسانی معروف به شادپور (242-271 م) و برخی نیز به شاپور ذوالاکتاف (۳۷۹-۳۱۰ م) نسبت داده‌اند. شادپود و یا شاپور شهر قزوین را برای جلوگیری از تهاجمات دیالمه بنیان نهاد و در آن دژ و استحکامات نظامی پدید آورد و به مرور زمان پایگاه نظامی شاپور توسعه یافت و هسته اصلی شهر قزوین به وجود آمد (11).

در دوران اسلامی، قزوین در سال 24 هـ.ق به وسیله مسلمانان به سرداری براء بن عازب محاصره گردید و مردم قزوین مانند مردم سایر شهرها اسلام را پذیرفتند. در زمان امویان، قزوین به عنوان مرکز عملیات لشگریان عرب برای فتح مناطق شمالی کشور قرار گرفت.

در سال ۱۷۶ هـ.ق قلعه دیگری در مقابل شهر قدیم قزوین توسط خلیفه، هادی عباسی بناگردید که به نام مدینه موسی یا مدینه مبارکه معروف گردید (12).

در سال ۴۳۸ هـ.ق اسماعیلیان بر دژ الموت در شمال قزوین دست یافتند و حسن صباح (رهبر اسماعیلیان در ایران و سوریه) خود مدت ۳۵ سال در دژ الموت زندگی کرد. در این زمان تا سال ۶۵۴ هـ.ق قزوین شاهد نبردهای طولانی میان حکومت مرکزی و اسماعیلیان بوده است (13).

با به قدرت رسیدن صفویه، در حدود سال ۹۴۴ یا ۹۶۶ هـ.ق، قزوین به پایتختی برگزیده شد و تا حدود سال‌های ۱۰۰۰ تا 1006 هـ.ق (سال انتقال پایتخت به اصفهان)، در حدود ۶۰ سال مرکز فرمانروایی پادشاهان صفوی بوده است. در این مدت بناهای متعدد و نیز حوزه علمی بزرگی در قزوین برپا گردید (14).

### آثار و بناهای تاریخی

آب انبار سردار - قزوین.

آرامگاه حمدالله مستوفی - قزوین، محله پنبه ریس.

آرامگاه رئیس المجاهدین - قزوین.

امامزاده شاهزاده حسین - قزوین.

بازار تاریخی قزوین - قزوین.

برج‌های خرقان - ۲۳ کیلومتری جاده قزوین - همدان.

بقعه پیر - تاکستان.

پل صفویه - قزوین.

حسینیه امینی‌ها - قزوین، خیابان مولوی.

حمام شاه‌عباس - تاکستان.

حمام صفا - قزوین.

دروازه تهران - قزوین.

ساختمان شهرداری - قزوین.

عمارت چهل ستون - قزوین.

قلعه الموت - قزوین.

قلعه دختر (قز قلعه) - تاکستان.

مسجد النبی - قزوین.

مسجد پنجه علی - قزوین، خیابان پیغمبریه.

مسجد جامع - قزوین، خیابان شهداء.

مسجد حیدریه - قزوین، محله پنبه ریس.

موزه عمارت کلاه فرنگی - قزوین (15).

بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

## فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان قزوین ۹۶۸۲۵۷ نفر بوده است که از این تعداد ۴۹۱۱۱۴ نفر مرد و ۴۷۷۱۴۳ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت استان ۱۰/۵۷ درصد در نقاط شهری و ۹۰/۴۲ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند (16).

جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان قزوین: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	968257	491114	477143	198114
ساکن در نقاط شهری	552928	282276	270652	116249
ساکن در نقاط روستایی	415329	208838	206491	81865
شهرستان قزوین	832274	422988	409286	171139
ساکن در نقاط شهری	492423	251565	240858	103875
ساکن در نقاط روستایی	339851	171423	168428	67264
شهرستان تاکستان	135983	68126	67857	26975
ساکن در نقاط شهری	60505	30711	29794	12374
ساکن در نقاط روستایی	75478	37415	38063	14601

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان‌های قزوین و تاکستان.

## وضع فعالیت

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان قزوین، 728803 نفر بوده است که از این تعداد ۲۴۱۹۵۱ نفر جمعیت فعال و ۴۷۵۶۰۳ نفر جمعیت غیرفعال بوده‌اند. وضع فعالیت ۱۱۲۴۹ نفر نیز اظهار نشده بوده است. از جمعیت فعال این استان ۲۲۱۷۱۷ نفر را مردان و ۲۰۲۳۴ نفر را زنان تشکیل می‌دهند (17).

## نژاد و زبان

نژاد مردم قزوین در اصل آریایی و از طایفه دیلم بوده‌اند. اما با آمدن سلجوقیان، مغولان و اعراب به ایران تغییراتی در این نژاد به وجود آمده است.

زبان شایع در میان مردم قزوین تا هنگام حمله مغول، پهلوی بوده است (18). اما این زبان دستخوش تغییراتی گردیده است و فارسی کنونی جانشین آن شده است. برخی از مردم استان قزوین در دهستان‌های خرقان، ابهرود، قاقزان، طارم، افشاریه و بویین زهرا به زبان ترکی صحبت می‌کنند.

استان قزوین به لحاظ اجتماعی، ترکیب قومی متنوعی دارد. مهم‌ترین عشایر استان عبارتند از:

لرها و کردها، در نواحی طارم، قاقزان، رودبار الموت، پیشگلدره و بشاریات. شاهسون‌ها در نواحی رامند، بویین زهرا، خرقان و افشاریه و برخی نیز به صورت کوچ نشین در محدوده کوه‌های خرقان و ... زندگی می‌کنند.

مراغی‌ها یا کله بزی‌ها نیز در منطقه رودبار الموت زندگی می‌کنند (19).

## فصل دوم: آموزش و پرورش

### وضع سواد

در آبان ماه ۱۳۷۵، از ۸۴۳۶۱۵ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان قزوین، ۶۸۶۸۱۷ نفر باسواد بوده‌اند. از این تعداد 368619 نفر مرد و ۳۱۸۱۹۸ نفر زن بوده‌اند. همچنین از مجموع جمعیت باسواد استان، 421413 نفر در نقاط شهری و ۲۶۵۴۰۴ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. بر اساس این آمار، نسبت باسوادی در این استان ۸۱

درصد می‌باشد. این نسبت در میان مردان ۹۸ درصد و در بین زنان ۷۶ درصد بوده است.

همچنین جمعیت در حال تحصیل این استان، در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، ۳۲۲۶۸۶ نفر بوده است. از این تعداد ۱۵۶۸۵۹ نفر در مقطع ابتدایی، ۸۷۸۲۵ نفر در مقطع راهنمایی، ۵۶۸۹۶ نفر در مقطع متوسطه، ۱۷۲۷ نفر در مقطع پیش دانشگاهی، ۱۳۸۸۰ نفر در دوره‌های آموزش عالی، ۵۲۸ نفر در حوزه‌های علمیه، ۲۲۱۵ نفر در نهضت سوادآموزی، ۲۱ نفر دانشجویان خارج از کشور و ۲۹۹۳ نفر اظهار نشده بوده‌اند (20).

از مراکز مهم آموزش عالی در قزوین می‌توان از دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و دانشگاه علوم پزشکی قزوین نام برد.

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه

استان قزوین در سال ۱۳۷۵، دارای ۱۶ باب کتابخانه بوده است. از این تعداد ۱۳ باب با ۱۱۵۹۳۹ جلد کتاب در شهرستان قزوین و ۳ باب دیگر با ۱۲۱۸۲ جلد کتاب در شهرستان تاکستان بوده است.

#### سینما

استان قزوین در سال ۱۳۷۵، دارای ۳ باب سینما با ظرفیت حدود ۱۴۰۰ نفر بوده است. از این تعداد، دو باب با گنجایش ۱۰۰۰ صندلی در شهرستان قزوین و یک باب دیگر در شهرستان تاکستان بوده است (21).

#### اماکن ورزشی

استان قزوین در سال ۱۳۷۵، دارای ۴ استادیوم، ۳۵ سالن ورزشی، ۳۲ باشگاه ورزشی، ۴ زمین فوتبال چمن، ۱۰ زمین فوتبال خاکی، ۲۴ زمین والیبال، ۲۱ زمین بسکتبال، ۱۶ زمین تنیس و ۱۷ استخر شنا بوده است (22).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ماه رمضان

مردم استان قزوین از چند روز به ماه رمضان مانده به جنب و جوش افتاده و به نظافت مساجد، حسینیه‌ها و خانه‌ها می‌پردازند.

در این استان نیز همانند سایر نقاط ایران یکی از رسوم پسندیده ایجاد الفت و آشتی بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی به دل دارند. در این استان عده‌ای از مردم یک روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند. در این ماه در اغلب مساجد و تکایا و خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود و آن‌هایی که توانایی دارند یک یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند.

در ایام شهادت حضرت علی (ع) این شهر در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌رود و همه جا؛ عه سیاهپوش می‌شود و عزاداری و سینه زنی تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. از آن جا که این ایام با شب‌های قدر مصادف است، مردم تا سحر به دعا و نیایش مشغول می‌باشند.

#### عید فطر

با دیده شدن هلال ماه شوال، ماه مبارک رمضان به پایان می‌رسد و با نخستین طلوعه آفتاب، در مساجد استان قزوین همانند سایر نقاط ایران، نماز عید فطر برگزار می‌شود. مردم قبل از رفتن به مساجد، فطریه خود را کنار گذاشته و یا به افراد ذی‌صلاح می‌دهند. بعد از نماز معمولاً به دیدن بزرگ خانواده و یا به دیدن اقوامی که یکی از افراد خانواده را از دست داده‌اند، می‌روند و این عید را تبریک می‌گویند و به آن‌ها تسلی خاطر می‌دهند.

#### ماه محرم

مراسم عزاداری سالار شهیدان در ماه‌های محرم و صفر با شکوه خاصی در شهر و روستای این استان برگزار می‌شود و مردم در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا به عزاداری



می‌پردازند. این مراسم در روزهای تاسوعا و عاشورا به اوج خود می‌رسد و همه جا غرق اندوه و ماتم می‌شود. دسته‌های زنجیر زنی و سینه زنی در کوچه‌ها و خیابان‌ها به راه می‌افتند و یا در تکایا و حسینیه‌ها به عزاداری می‌پردازند. علاوه بر آن، مراسم تعزیه خوانی نیز در برخی از نقاط استان با شکوه فراوان برگزار می‌شود. یکی از ذورات و یا تشریفات خاص شب عاشورا در گذشته در قزوین، این بود که پای برهنه چهل منبر را زیارت و در پای هر یک شمع روشن می‌کردند.

### مراسم ترحیم

در قزوین با درگذشت یک نفر خانواده و آشنایان با احترام، او را به خاک می‌سپارند و مراسم شب سوم، شب هفتم و چهلم متوفی را بر سر مزار وی برپا می‌سازند. معمولاً در روز اول ختم، در خانه یکی از بستگان یا همسایگان فرد متوفی گل گاوزبان با شیر و نشاسته دم می‌کنند و با آن از عزاداران پذیرایی می‌کنند. اگر روز سوم فرد متوفی با روز جمعه مصادف باشد، همسایگان با همکاری یکدیگر آش می‌پزند و با آن از میهمانان و خانواده فرد متوفی پذیرایی می‌کنند (23).

از نکات قابل توجه در مراسم ترحیم، وجود مداحانی است با کلاهی بلند که با روبان سبز تزیین شده است.

### عید نوروز

مردم استان قزوین با آغاز ماه اسفند خود را آماده استقبال از نوروز می‌کنند. زنان در این ماه به پاکیزه ساختن منازل می‌پردازند و برای عید سبزه‌هایی را آماده می‌کنند، با نزدیک شدن بهار، این تلاش دو چندان می‌شود. برخی از مردم قزوین آغاز سال نو را در کنار مرقد امامزادگان و شهدا سپری می‌کنند.

پس از تحویل سال در اولین روز بهار به دیدار بزرگان فامیل و خانواده شهداء می‌روند و اگر در بین دوستان و آشنایان قهری صورت گرفته باشد در این روز دید و بازدیدها به صفا و صمیمیت تبدیل می‌شود.

در سیزدهمین روز بهار، مردم این استان عازم باغ‌ها و کوهپایه‌های اطراف می‌شوند. در این روز سبزه‌هایی را که برای عید و سفره هفت‌سین فراهم آورده‌اند را در آب روان می‌اندازند و آن روز را با عهه شادی و نشاط سپری می‌کنند.

کله بزی‌های (یا مراغی‌های) قزوین که در رودبار الموت زندگی می‌کنند در پنج روز پایان سال مانند زرتشتیان مراسم خاصی دارند و در روز سیزدهم نوروز جشنی به نام «گل گندم» برگزار می‌کنند (24).

### ازدواج و عروسی

مراسم ازدواج در استان قزوین دارای ویژگی‌های خاصی است. در مراسم خواستگاری در نخستین میهمانی، دختر برای پذیرایی از میهمانان فقط آب خوردن می‌برد. بار دوم نیز که میهمانان (خواستگاران) برای گرفتن پاسخ آمدند، باز هم دختر با آب از آنها پذیرایی می‌کند. اگر دختر مورد پسند خواستگار واقع شود و خانواده عروس نیز داماد را پسندیدند، بار سوم دختر با شیرینی و چای از خواستگار پذیرایی می‌کند.

هنگام انجام مراسم عقد، دو دختر بالای سر عروس قند می‌سایند. از جمله چیزهایی که سر سفره عقد می‌چینند، کاسه آبی است که در آن یک برگ سبز قرار می‌دهند که پس از گرفتن «بلی» از دختر، آب کاسه را روی سر و بدن عروس می‌ریزند.

در شب عروسی که عروس و داماد را به حجله می‌برند هر یک سعی می‌کنند پای دیگری را لگد کند زیرا معتقدند هر کس پایش روی پای دیگری قرار بگیرد بر دیگری مسلط خواهد شد.

در شب عروسی مادر داماد دیزی دان و سه پایه‌ای جلوی راه عروس می‌گذارد تا زبان عروس به اصطلاح کوتاه باشد و در طول زندگی به مادر شوهر و شوهر خود معترض نشود (25).

لازم به ذکر است که برخی از این آداب امروزه متداول است ولی برخی از آن‌ها فقط در روستاها مرسوم می‌باشد و یا به طور کلی از بین رفته‌اند.

#### باورها

شب جارو نمی‌کنند و می‌گویند برکت از خانه می‌رود. سوار شدن کفش‌ها را روی هم علامت پیش آمدن مسافرت می‌دانند. پشت سر مسافر آب می‌ریزند که زود برگردد. اگر گربه دست و رو بشوید نشانه این است که میهمان می‌آید. شب آب جوش به زمین نمی‌ریزند مگر با گفتن بسم الله، چون معتقدند اجنه همه جا هستند و احتمال دارد بسوزند.

نشستن در میان آستانه در را خوب نمی‌دانند و معتقدند که هر کس بنشیند مورد تهمت قرار می‌گیرد.

عید غدیر خیاطی نمی‌کنند و می‌گویند «عقربك» می‌گیریم (26).

#### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

##### فصل اول: اوضاع مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از جمعیت ۹۶۸۲۵۷ نفری استان، ۹۶۴۷۵۴ نفر مسلمان، ۲۱۷ نفر زرتشتی، ۲۲۲ نفر مسیحی، ۳ نفر کلیمی، ۵۸۹ نفر سایر ادیان و ۲۴۷۴ نفر اظهار نشده بوده است. از مجموع جمعیت مسلمان، ۵۵۰۴۷۶ نفر در نقاط شهری و ۴۱۴۲۷۸ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (27).

##### اماکن مذهبی

در سال ۱۳۷۵، شهرستان قزوین دارای ۴۰۱ مکان مذهبی شامل: ۲۷۳ باب مسجد، ۱۸ حسینیه، یک کلیسا و ۱۰۹ بقاع متبرکه بوده است. P {آمار مربوط به شهرستان تاکستان در دسترس نبوده است. برخی از مهم‌ترین این اماکن عبارتند از:

##### مساجد

مسجد جامع، مسجد حیدریه، مسجد النبی، مسجد سردار، مسجد شیخ الاسلام «مسعودیه»، مسجد پنجه‌علی، مسجد صالحیه، مسجد بی‌بی‌آمنه و مسجد محمدیه (قزوین) (28).

##### زیارتگاه‌ها

شاهزاده حسین، بی‌بی سکینه، بی‌بی زبیده، امامزاده صالح، امامزاده محمد ظاهر، سلطان سیدمحمد، آمنه خاتون، پیغمبریه، امامزاده علی‌اکبر، امامزاده اسماعیل، امامزاده کمال، آرامگاه پیرسفید، میرابراهیم و شیخ‌احمد غزالی (قزوین). امامزاده زلان، امامزاده فضل‌الله، امامزاده صالح و امامزاده سلیمان و بقعه‌پیر (تاکستان) (29).

##### مدارس دینی

قزوین از دیرباز دارای مدارس دینی باشکوهی بوده که عالمان، مجتهدان و فلاسفه بزرگی را در خود پرورش داده‌اند. اوج شکوفایی مدارس این استان مربوط به دوره‌ای است که قزوین پایتخت صفویه بوده است.

مدارس دینی که در حال حاضر به فعالیت اشتغال دارند عبارتند از: مدارس مولا وردیخان، سرداریه، شیخ الاسلام، صالحیه و امام صادق (ع) در قزوین و مدرسه مصطفی خمینی در تاکستان.

از مهم‌ترین مدارس استان می‌توان از مدرسه امام صادق (ع) یاد کرد که زیر پوشش حوزه علمیه قم می‌باشد.

هم اکنون طلاب علوم دینی در پایه‌های مختلف در حوزه‌های علمیه این استان به تحصیل اشتغال دارند و دروس خارج نیز توسط آیت الله محمدی و آیت الله مظفری تدریس می‌شود (30).

## بزرگان و مشاهیر

استان قزوین با توجه به سابقه تاریخی آن، عالمان و دانشمندان بزرگی را در خود پرورانده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

شیخ محمدتقی برغانی (مشهور به شهید ثالث، متوفی 1264 ه.ق.)

آقا میرزا هاشم قزوینی (فقیه و عارف مشهور معاصر.)

آقا مجتبی قزوینی (فقیه و عارف معاصر.)

آیت الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (فقیه و فیلسوف، متوفی ۱۳۵۳ ه.ش.)

علی اکبر دهخدا قزوینی (ادیب، صاحب لغت‌نامه دهخدا، متوفی ۱۳۷۴ ه.ق.)

آیت الله سیدموسی زرابادی (از بزرگان و پایه گذاران مکتب تفکیک.)

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی (قرآن شناس، حافظ شناس و پژوهشگر معاصر.)

عبید زاکانی (شاعر و طنز پرداز مشهور قرن هشتم.)

میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی (شاعر معاصر، ۱۳۵۲-۱۳۰۰ ه.ق.)

شهید محمدعلی رجایی (نخست وزیر شهید، شهادت ۸ شهریور ۱۳۶۰.)

سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی (مشهور به نسیم شمال، شاعر طنزپرداز و صاحب امتیاز

روزنامه نسیم شمال.)

شیخ ابوالحسن احمد قزوینی (از ائمه لغت، ادب و تفسیر، مولف تفسیر جامع التاویل و...،

قرن چهارم.)

میر عماد قزوینی) از خطاطان بزرگ، ۱۰۲۴-۹۶۱ ه.ق.)

شیخ ابو عبدالله زکریای قزوینی (صاحب کتاب آثار البلاد و اخبار العباد، ۶۸۰-۵۶۰ ه.ق.)

حمدالله مستوفی قزوینی (مورخ، متوفی حدود 750 ه.ق.)

عبدالجلیل قزوینی (مؤلف کتاب مشهور النقض مربوط به قرن ششم.)

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### قزوین در نهضت مشروطیت

با آغاز فرمان مشروطیت به وسیله مظفر الدین شاه در سال ۱۳۲۴ ه.ق در ۲۷ شعبان همان سال مجلس شورای ملی افتتاح شد و در سال ۱۳۲۵ به دعوت عمیدالملک، پسر امجدالدوله فرماندار وقت، نزدیک ۳۰۰ نفر از سرشناسان و طبقات مختلف در مسجد پنجه‌علی گرد آمدند و دو نفر را به عنوان نماینده انتخاب کردند. اما مخالفین این انتخاب در شاهزاده حسین با برپا کردن چادرهایی به تحصن پرداختند.

در سال 1326 ه.ق مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه به توپ بسته شد و امجدالدوله از مخالفین سرسخت مشروطیت به فرمانداری قزوین منصوب شد. وی در جهت سرکوب مخالفین، بسیاری از مشروطه خواهان را زیر شکنجه و زندان قرار داد. همزمان با قتل سردار افخم فرماندار گیلان به دست مجاهدین، شصت تن از مردم و تجار قزوین در شهپندری (کنسولگری) عثمانی تحصن کردند.

در سالگرد تولد محمدعلی شاه، از سوی فرماندار قزوین، مجلس جشنی برپا شد و شهر را چراغانی کردند. در این هنگام مجاهدین گیلانی به قزوین حمله کردند و در مرکز فرمانداری جنگ سختی میان مشروطه خواهان و مخالفان درگرفت که در نتیجه آن، مرکز فرمانداری (عالی قاپو) را به آتش کشیدند. مردم نیز با شعار «زنده‌باد ستارخان»، از مشروطه خواهان حمایت می‌کردند تا این که در نیمه‌های شب فرمانداری تسلیم شد. پس از آن مشروطه خواهان به منزل شیخ الاسلام، از مخالفین مشروطه، حمله کردند و پس از قتل وی، منزلش را غارت کردند.

مشروطه خواهان به رهبری بیبرم ارمنی، در مدت اقامتشان در قزوین، بسیاری از

مخالفین مشروطه را تیرباران کردند.

برخی از مخالفین مشروطه نیز با مشاهده قتل‌ها به کنسولگری روسیه در قزوین پناهنده شدند.

با فتح تهران توسط مشروطه خواهان و اعلام مجدد مشروطیت، قوای نظامی روسیه وارد قزوین شدند و تا اواخر جنگ جهانی اول و آغاز انقلاب اکتبر (روسیه)، قزوین در اشغال آنان بود(31).

### جنگ جهانی اول

با فرا رسیدن ششم مرداد ۱۲۹۳ ه.ش / ۱۹۱۴ م، جنگ جهانی اول آغاز شد و در ۱۳ آذر با افتتاح دوره سوم مجلس شورای ملی، ایران بی طرفی خود را اعلام نمود. اما بدون توجه به اعلام بی طرفی، ایران از سوی آلمان، عثمانی و روسیه اشغال شد. قزوین نیز در ۱۷ مهرماه ۱۲۹۴ ه.ش مانند بسیاری از شهرهای ایران به وسیله ارتش تزاری روسیه اشغال گردید. با اشغال قزوین این شهر به عنوان یکی از مراکز نظامی روسها قرار گرفت. در نتیجه مواد غذایی بسیار کمیاب و بیماریهای فراوانی مانند وبا، تیفوس و غیره پدیدار گشت و خسارات فراوانی به شهر و ساکنان آن وارد شد. گذشته از این، در طول جنگ جهانی اول، قزوین از سوی نیروهای انگلیس نیز اشغال گردید(32).

### واقعه کشف حجاب

در قرن اخیر، یکی از اهداف استعمار غرب، تهاجم به ارزشهای دینی و فرهنگی به خصوص پوشش اسلامی بانوان، با کمک دست نشانندگان خود مانند رضاشاه بوده است. رضاشاه پس از بازگشت از ترکیه در سال ۱۳۱۴ شمسی و تماشای مظاهر تمدن غرب در آن جا، تمدن را در متحد الشکل شدن لباسها و رفع حجاب زنان می دانست. لذا در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ ه.ش موضوع کشف حجاب بانوان را در ایران اعلام کرد و این روز را روز «آزادی زن» و «کشف حجاب» نامید.

با اعلام قانون کشف حجاب، مأمورین شهربانی متعرض زنان در تمامی کشور از جمله قزوین می شدند و چادر و نقاب زنان را پاره می نمودند. اما این اقدامات تنها توانست در سطح کارگران کارخانهها و مدارس دولتی تا حدودی موفقیت آمیز باشد. ولی با وجود فشارهای فراوان، زنان مسلمان قزوین پوشش و حجاب خود را در قالب چادر حفظ نمودند و مجموعه این مقاومتها دستگاه حکومت رضاخانی را مجبور به تعدیل کشف حجاب نمود(33).

### قزوین در جنگ جهانی دوم

با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸ ه.ش / ۱۹۳۹ م، در تهران اعلامیه ای منتشر شد و دولت ایران اعلام بی طرفی نمود. اما آتش جنگ در سال ۱۳۲۰ شمسی ایران را فرا گرفت و شهرهای ایران مانند قزوین، رشت و تبریز مورد شدیدترین حملات هوایی قرار گرفت و بسیاری از مردم قزوین کشته شدند.

دیری نپائید که قزوین به اشغال ارتش سرخ درآمد و از طرفی سربازان هندی ارتش انگلستان، در تاکستان و واحدهایی از ارتش آمریکا در نزدیکی دهکده سلطان آباد قزوین مستقر شدند. با استقرار نیروهای بیگانه در قزوین به علت دخالت های مستمر و نابجای آنها، پیوسته با مردم و مأمورین دولتی درگیری هایی پدیدار می گشت که منجر به جرح و یا قتل تعدادی از طرفین می شد.

نیروهای متفقین با ورود به قزوین، بیماری های فراوان، کمبود آذوقه، فساد و بی بندوباری را برای ساکنان این منطقه با خود به ارمغان آوردند(34).

### نهضت ۱۵ خرداد

با وفات آیت الله العظمی بروجردی (ره) در سال ۱۳۴۰ ه.ش و تصور رژیم مبنی بر نبودن رهبران دینی، در ۱۵ مهر ۱۳۴۱، علم نخست وزیر وقت لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی شامل حذف قید سوگند به قرآن مجید و کفایت سوگند به هر کتاب آسمانی و نیز حق انتخاب زنان را مطرح کرد و آن را به تصویب مجلس شورای ملی رساند. روحانیون و مردم قزوین به رهبری آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی وارد میدان

مبارزه با رژیم شدند. آیت الله رفیعی با تلگرافی به شاه در ۲/۸/۱۳۴۱ خواستار اصلاح تصویبنامه و مراعات مقررات مذهبی در کلیه امور گردید. مردم قزوین نیز در مسجد النبی با تهیه دو طومار بزرگ، پشتیبانی خود را از نهضت امام خمینی و روحانیون در کشور اعلام نمودند و بسیاری از اطلاعیه‌های امام خمینی در میان مردم توزیع و به دیوارها چسبانیده شد.

با تعیین روز ششم بهمن برای تصویب لوایح شش‌گانه در فرمانده عمومی، علماء بزرگ قزوین و ائمه جماعات در ماه رمضان برای مبارزه با رژیم از حضور در نماز جماعت خودداری نمودند و با آغاز نهضت در ۱۵ خرداد مردم و روحانیون قزوین در کنار امام خمینی(ره) شجاعانه مقاومت نمودند(35).

### قزوین و انقلاب اسلامی

مردم استان قزوین از نخستین طلیعه‌های انقلاب اسلامی در خرداد 1342 همراه با سایر مردم ایران، به منظور استقرار حکومت اسلامی به پا خواستند و در این راه شهادی بسیاری تقدیم انقلاب و اسلام نمودند.

از وقایع مهم دوران انقلاب اسلامی در قزوین می‌توان به حمله مردم قزوین به پادگان نظامی قزوین در هفتم دی ماه 1357 اشاره نمود، در این حمله به وسیله نیروهای نظامی ۲۰۰ نفر از مردم شهید و ۳۵۰ نفر مجروح شدند. امام خمینی نیز به مناسبت عمق این فاجعه در قزوین اطلاعیه‌ای صادر و عزای عمومی اعلام نمود. با آغاز ماه بهمن ۱۳۵۷، تظاهرات مردم قزوین در شکلی بسیار وسیع برگزار می‌گردید و نظامیان با خشونت فراوان به سوی تظاهرکنندگان تیراندازی می‌کردند. با آغاز بیست و دومین روز بهمن ۱۳۵۷، مراکز دولتی، پادگان نظامی و مرکز ساواک به تسخیر مردم مسلمان قزوین درآمد و نخستین طلیعه حکومت اسلامی را در کنار شهیدان جشن گرفتند(36).

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان تهران، آمار نامه استان تهران ۱۳۷۵، ص ۱۰، و سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، آمار نامه استان زنجان ۱۳۷۵، ص 33.
- 2- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان قزوین، ص ۲۳.
- 3- پرویز ورجاوند، سرزمین قزوین، ص ۳-۴.
- 4- دبیران جغرافیای استان تهران، جغرافیای استان تهران، سال دوم آموزش متوسطه عمومی، ص ۵.
- 5- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص 25.
- 6- همان، ص ۳۱.
- 7- همان، ص ۳۳.
- 8- دبیران جغرافیای استان تهران، همان، ص ۴۴.
- 9- سازمان برنامه و بودجه استان تهران، همان، ص ۳۸۲.
- 10- محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۱۱.
- 11- دبیران جغرافیای استان تهران، همان، ص ۴۲ و حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۵.
- 12- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۶.
- 13- احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۶.
- 14- محمد باقر آصف زاده، قزوین در گذرگاه هنر، ص ۱۷، سید محمود خیری، فرهنگ سخنوران و سراینندگان قزوین، ص ۲۳ و نسیم فرهنگ و ادب قزوین، کتاب اول، زمستان 75، ص ۵۱.
- 15- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، صص ۱۴۲-۱۳۹.

- 16- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان تاکستان، ص شانزده، و سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی شهرستان قزوین، ص شانزده.
- 17- همان، ص ۶۰.
- 18- سید محمدعلی گلریز، مینودر یا «باب الجنة قزوین»، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۱.
- 19- حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۲۰ و ۲۹-۳۰.
- 20- مرکز آمار ایران، همان، ص 32-34.
- 21- سازمان برنامه و بودجه استان تهران، همان، ص ۲۲۲-۲۲۰؛ و سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، همان، ص ۴۰۷.
- 22- همان، ص ۶۶۶-۶۶۷؛ و ص ۴۱۵-۴۱۶.
- 23- حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۲۴-۱۲۵.
- 24- محمدعلی گلریز، همان، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۷۰.
- 25- حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص 123-124.
- 26- سید محمدعلی گلریز، همان، ص ۴۰۱-۴۰۷.
- 27- مرکز آمار ایران، همان، ص 5-6.
- 28- سازمان برنامه و بودجه استان تهران، همان، ص ۲۲۶.
- 29- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۴۱-۱۴۰.
- 30- حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۴۱-۱۴۲.
- 31- اطلاعات نگارنده.
- 32- سیدمحمدعلی گلریز، همان، ج ۱، ص ۹۱۰-۹۰۰.
- 33- باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، ج ۱، ص ۹۷-۱۲۲.
- 34- مرتضی جعفری و دیگران، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب، ص ص 430-416.
- 35- باقر عاقلی، همان، ص ۳۲۹-۳۱۴؛ و محمدباقر آصف زاده، همان، ص ص 22-20.
- 36- نسیم فرهنگ، هنر و ادب قزوین، کتاب اول، به کوشش محمدعلی حضرتی، ص ص ۲۶۸-۲۸۹.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



### مشخصات جغرافیایی

استان قم با وسعتی معادل ۱۱۲۳۷ کیلومتر مربع بین مدار ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان تهران، از غرب به استان مرکزی، از جنوب به استان اصفهان و از شرق به استان سمنان محدود می‌شود. مرکز این استان شهر مقدس قم با مساحتی معادل ۹۰۰۰ هکتار در مرکز این استان قرار گرفته است. این استان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای یک شهرستان، ۴ بخش، ۳ شهر، ۹ دهستان و تعداد ۲۹۶ آبادی دارای سکنه می‌باشد (۱).

## ویژگیهای طبیعی:

استان قم کوههای متعدّد با ارتفاعات مختلف را در فضای طبیعی خود جای داده است که معروفترین آنها کوه ولیجا با ارتفاع ۳۳۳۰ متر و تخت سرحوض به ارتفاع ۳۱۹۳ متر در جنوب قم می‌باشد (۲). لازم به ذکر است که حدود ۲۵٪ مساحت استان قم کوهستانی و کوهپایه‌ای و مابقی به صورت دشت می‌باشد و با توجه به اختلاف ارتفاع زیاد در استان (از ۶۰۰ تا ۳۳۳۰ متر) آب و هوای متفاوت و اقلیم‌های مختلفی از جمله: گرم و خشک، نیمه‌خشک، مدیترانه‌ای و نیمه‌مرطوب وجود دارد (۳).

به طور کلی تقسیمات آب و هوایی این استان به شرح زیر می‌باشد:

آب و هوای کوهستانی: در نواحی غربی و جنوبی استان در ارتفاعات بالاتر از

۱۵۰۰ متری دیده می‌شود که خود به دو نوع معتدل و سرد کوهستانی تقسیم می‌شود.

آب و هوای نیمه بیابانی: به نواحی کوهپایه‌ای و دشتهای استان منطبق است که دارای تابستانهای گرم و خشک و زمستانهای سرد می‌باشد.

آب و هوای گرم و خشک بیابانی: در شرق استان و سواحل دریاچه نمک وجود دارد (۴).

## بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

### کشاورزی و دامپروری

از نظر فعالیت اقتصادی در بخشهای سه‌گانه (صنعت، کشاورزی، خدمات) استان قم از ویژگی خاصی برخوردار است. در این استان، کشاورزی نسبت به بخشهای دیگر، از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. این بخش فقط ۶٪ درصد از کل شاغلین استان را دربرمی‌گیرد در حالی که بخش خدمات و صنعت، ۹۴٪ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده‌اند، علت این امر در نامساعد بودن منطقه برای کشاورزی و گسترش شهرنشینی در استان می‌باشد (۵).

از حدود ۹۷ هزار هکتار اراضی آبی منطقه، سطحی معادل ۶۶۲۰۰ هکتار آن تحت کشت محصولات زراعی سالیانه بوده که عمده آنها گندم و جو، صیفی و یونجه، پنبه و سبزیجات می‌باشد و حدود ۶۴۸۰ هکتار از اراضی آبی به صورت باغهای پراکنده بوده که بیشتر از نوع قیسی، فندق، گیلاس، آلو، انار، انجیر، گوجه، گردو، پسته و درختان میوه سردسیری می‌باشند (۶).

پرورش دام در این استان به دو صورت سنتی و صنعتی انجام می‌گیرد. دامپروری سنتی خود به دو صورت شبانی (رمه‌گردانی عشایر کوچنده) و خانگی است. این عشایر به پرورش گوسفند می‌پردازند. نوع دیگری از پرورش دام در استان گاوداری است که بیشتر به صورت صنعتی و نیمه صنعتی می‌باشد. از طرفی مرغداری صنعتی در این استان پیشرفت چشمگیری داشته است.

### صنایع و معادن

نقش صنعت در گسترش و توسعه استان قم به مراتب بیش از بخش کشاورزی بوده است. یکی از دلایل گسترش کارگاههای صنعتی در این استان، نزدیکی به شهر تهران و از طرف دیگر به دو استان صنعتی اصفهان و مرکزی می‌باشد.

= صنایع قم عبارتند از: کانی‌های غیرفلزی (۷/۲۷ درصد)، صنایع نساجی، چرم و کفش (۲۴ درصد)، بخش صنایع ماشین‌آلات، ابزار و محصولات فلزی (۲۲ درصد)

همچنین در استان قم تعداد زیادی معادن فعال کوچک و بزرگ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. مهمترین معادن این استان عبارتند از: معادن نفت و گاز سراج، معادن سنگ ساختمانی، معادن سنگ گچ و منگنز، که مهمترین تولیدات معدنی استان، منگنز می‌باشد (۷).

## بخش سوم: جغرافیای تاریخی

### وجه تسمیه:

قم در زبان عربی به معنای محل جمع‌شدن آب می‌باشد. و به دلیل آنکه آب رودخانه‌های



تیمره، و اناررود در آن جمع می‌شد و تولید گیاه سبز می‌نمود، محل کوچ عشایر محسوب می‌گردید و چوپانها برگرد آن رودخانه‌ها خیمه‌هایی از چوب و گیاه درست می‌کردند که در فارسی به آنها «کومه» گفته می‌شد، این کومه‌ها کم‌کم زیاد شده و به صورت ده کوچکی درآمد و به تدریج در اثر مرور زمان و ازدیاد سکنه تبدیل به شهر گشت و کومه را «کُم» گفتند و عربها کاف را به قاف تبدیل کردند و قم گفتند (8).

### پیشینه تاریخی:

تعدادی از محققان قدمت شهر قم را به یکی از پادشاهان پیشدادی یعنی طهمورث نسبت می‌دهند، و عده‌ای دیگر عقیده دارند که قم پیش از اسلام وجود نداشته و پس از اسلام بنا گردیده است.

این شهر در سال ۲۳ ه.ق به دست سپاه اسلام به فرماندهی ابوموسی اشعری فتح گردید. دسته‌ای از قبایل شیعه اشعری که از ستم خلفای اموی به داخل ایران مهاجرت کرده بودند در جستجوی موطنی جدید، در آغاز سال ۹۴ ه.ق وارد خطه قم شدند (9). از این زمان روز به روز عشق و ارادت مردم قم به پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم و خاندان مطهرش افزوده شد و قم به پناهگاه شیعیان و مخالفان خلفای اموی و عباسی تبدیل شد. اشعریون با پشتکار فراوان و استفاده از سرمایه‌های ناچیز به کشت و کار پرداختند و زمین‌های روستایی اطراف را آباد و معمور ساختند و در همین دوران است که قم از شکل روستاهای پراکنده بیرون آمده و به شهری آباد و منسجم تبدیل گردید. از عمده‌ترین وقایع در تاریخ قم که در نوع خود یکی از بزرگترین عوامل اصلی توسعه و پیشرفت این شهر گردیده، تشریف فرمایی ثامن الحجج حضرت امام رضا (ع) در سال ۲۰۰ ه.ق و خواهر مکرمه‌اش حضرت فاطمه (س) در سال ۲۰۱ ه.ق به شهر قم می‌باشد. قم تا اواخر قرن سوم هجری، شهری آباد و بزرگ بود ولی از آن پس این آبادانی رو به ویرانی نهاد که این ویرانی تا قرن نهم به درازا کشید. عمده‌ترین علل این ویرانی عبارت بودند از: ۱ - افزایش جمعیت و کمبود منابع آب، ۲ - سیل سال ۲۸۲ ه.ق. ۳ - تعصب دینی و مذهبی که منجر به ابراز عشق و ارادت آشکار و بی‌پروا به خاندان پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم گشته بود و این امر موجب کینه و دشمنی خلفاء و گماشتگان آنان شده و کشتار مردم و ویرانی شهر را به دنبال داشته است.

از جمله این رخدادها می‌توان به قتل عام مردم در سال ۲۱۰ ق در زمان مأمون عباسی به بهانه ندادن خراج، یورش سپاه معتصم در سال ۲۱۷ ه.ق، کشتار مردم در دوران خلافت معتزل در سال ۲۵۴ ه.ق و کشتار بازرگانان و زائران قمی در اصفهان و بغداد در سال ۳۴۵ ه.ق اشاره کرد.

مردم قم نه تنها زیر بار زورگویی‌های خلفا و والیان اموی و عباسی نرفتند بلکه در قرون بعد با پادشاهان ایرانی نیز به مبارزه برخاستند. از آن جمله نافرمانی آنها از سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۶ ه.ق است که این شورش به وسیله ابوسهل حمدونی والی منطقه ری به سختی سرکوب شد.

بزرگ‌ترین زبانی که مردم این شهر بدان گرفتار شدند کشتاری بود که مغولان در سال ۶۲۱ ه.ق. در این شهر به راه انداختند.

از قرن نهم به بعد ابرهای تیره و ویرانی کنار رفتند و آفتاب رشد و آبادانی بر این سرزمین مقدس ولی رنج کشیده تابیدن گرفت.

در سال 846 ه.ق در دوره تیموریان میرزا سلطان محمد بهادر با انتخاب قم به عنوان مرکز حکومت، وضعیت سیاسی آن را بهبود بخشید و این آبادی در زمان حکومت قره قویونلوها و صفویان ادامه یافت و در زمان صفویه بود که قم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به اوج شکوفایی رسید.

قم از دهه اول قرن دوازدهم و پایان دوره صفویان دیگر بار رو به ویرانی و خرابی نهاد. در این سالها قم مورد تاخت و تاز محمود افغان (سال ۱۱۴۲ ه.ق) قرار گرفت و زیان

فراوانی دید. پس از شکست سپاه محمود افغان به دست نادرشاه افشار، سپاه او از کشتار و غارت اموال مردم و ویرانی شهر کوتاهی نکردند.

قم از تاخت و تاز قاجاریان نیز در امان نبود به طوری که در سال ۱۲۰۸ه.ق که آقا محمدخان قاجار برای نابودی سلسله زندیه به اصفهان، فارس و کرمان لشکر کشید در سرراه خود با حيله و نیرنگ وارد شهر قم شد و به قتل عام مردم و آتش زدن خانه و کاشانه آنان پرداخت و پس از آن تا پایان دوره قاجاریه شهر قم در زیر بار مالیات‌ها و عوارض سنگین شاهزادگان کمر خم کرد.

### آثار و بناهای تاریخی

شهر مقدس قم گنجینه گران‌سنگی از آثار تاریخی و میراث فرهنگی می‌باشد که پیشینه برخی از آنها به دوران پیش از اسلام می‌رسد. مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی استان قم عبارتند از:

قلعه دختر (قلعه کبری) که در بیرون قم در ضلع غربی واقع شده است. ۲ - حرم حضرت معصومه(س) - گنجینه‌ای نفیس از آثار هنری و معماری است که همواره بر تارک مشاهده متبرک جهان تشیع می‌درخشد. ۳ - گورستان شیخان ۴ - چهل اختران ۵ - بقعه امامزاده زید ۶ - امامزاده احمد (خاکفرج) ۷ - گنبد امامزاده ابراهیم ۸ - مزار علی بن جعفر ۹ - امامزاده احمدبن قاسم ۱۰ - تیمچه بزرگ قم ۱۱ - مسجد امام حسن عسکری(ع) ۱۲ (مسجد جامع عتیق ۱۳ - مسجد عشقعلی ۱۴ - مسجد اعظم ۱۵ - مدرسه فیضیه ۱۶ - مدرسه رضویه ۱۷ - مدرسه دارالشفاء ۱۸ - مسجد جمکران ۱۹ - قلعه حاجی آباد ۲۰ - کاروان‌سرای قلعه صدری ۲۱ - کاروان‌سرای پاسنگان(10).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگیهای جمعیتی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان قم ۸۵۳۰۴۴ نفر بوده است که از این تعداد ۴۳۷۱۹۰ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان، ۱۶/۹۱ درصد در نقاط شهری و ۸۲/۸ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیرساکن بوده‌اند(11).

جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان قم: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	853044	437190	415854	177655
ساکن در نقاط شهری	777677	397638	380039	160565
ساکن در نقاط روستایی	75269	39500	35769	17078
غیر ساکن	98	52	46	12
شهرستان قم	853044	437190	415854	177655
ساکن در نقاط شهری	777677	397638	380039	160565
ساکن در نقاط روستایی	75269	39500	35769	17078
غیر ساکن	98	52	46	12

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن. 1375

#### وضع فعالیت

بر اساس سرشماری عمومی و مسکن 1375، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان قم ۶۳۸۰۷۲ نفر بوده است که از این تعداد 206646 نفر جمعیت فعال و ۴۲۳۵۵۶ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند. از جمعیت فعال این استان ۱۸۶۶۸۳ نفر را مردان و ۱۹۹۶۳ نفر را زنان تشکیل می‌داده‌اند. از جمعیت شاغل، 8/23 درصد در

بخش کشاورزی، ۵۶/۴۲ درصد در بخش صنعت، ۲۵/۴۶ درصد در بخش خدمات و ۹۶/۲ درصد نامشخص و اظهار نشده بوده است (12).

### زبان و نژاد

نژاد مردم قم صرف نظر از ورود جمعی از اقوام دیگر، دنباله ساکنان اولیه و یکی از شاخه‌های قوم آریا می‌باشد. زبان مردم قم فارسی دری است که از قدیم‌الایام به این زبان تکلم می‌نموده‌اند. امروزه زبان عمومی مردم قم به لهجه تهرانی نزدیک شده و لهجه قمی در بین پیر مردها و بعضی از محلات قم رایج است (13).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد:

در آبان ۱۳۷۵، از ۷۳۹۰۶۰ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان قم ۶۰۵۰۳۲ نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۳۲۷۶۶۹ نفر مرد و ۲۷۷۳۶۳ نفر زن بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان ۵۵۸۵۴۶ نفر در نقاط شهری و ۴۶۴۷۹ نفر در نقاط روستایی و ۷ نفر نیز غیر ساکن بوده‌اند. در این استان نسبت باسوادی در بین مردان ۵۵/۸۶ درصد و در بین زنان ۹۵/۷۶ درصد بوده است.

استان قم در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ مجموعاً دارای ۳۰۱۱۹۴ نفر دانش‌آموز و دانشجو بوده است که در مقاطع مختلف آموزشی به تحصیل اشتغال داشته‌اند (14). لازم به ذکر است که در این استان مراکز دانشگاهی بسیاری وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دانشگاه قم: واقع در جاده اصفهان

مجمع آموزش عالی: جاده تهران. بعد از ترمینال

دانشگاه مفید: واقع در خیابان ۴۵ متری صدوق

دانشگاه آزاد اسلامی: واقع در خیابان آذر، فلکه پلیس و بلوار شاه سیدعلی.

دانشگاه پیام‌نور: واقع در بلوار شاه سیدعلی، پشت امامزاده سیدعلی.

دانشگاه علوم پزشکی فاطمیة: واقع در جاده اصفهان، جنب شهرک مهدیه.

پژوهشگاه باقرالعلوم (ع) واقع در خیابان دورشهر (15).

#### امکانات فرهنگی، تفریحی:

#### کتابخانه:

شهر قم به موجب موقعیت خاص مذهبی - علمی و وجود حوزه‌های علمیه، دارای کتابخانه‌های نسبتاً بزرگ و فراوانی است که به یاری اهل دانش و مردان خیراندیش بنا شده است. از جمله مهم‌ترین کتابخانه‌های قم می‌توان از: کتابخانه آیة‌الله نجفی، کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی، کتابخانه آستانه مقدسه، کتابخانه قرآن و عترت، کتابخانه مسجد اعظم و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نام برد که مجموعاً این شش کتابخانه بیش از هفتصد هزار جلد کتاب دارا می‌باشند (16).

#### مطبوعات

مطبوعات یکی از وسایل ارتباط جمعی تأثیر گذار در هر جامعه‌ای می‌باشد و کثرت مطبوعات منتشره نشان دهنده رشد فرهنگی آن جامعه است. در استان قم نیز مطبوعات بسیاری انتشار می‌یابد که عناوین برخی از آنها عبارتند از: آیینیه پژوهش، پیام‌زن، حوزه، بینات، پاسدار اسلام، پیام حوزه، نورعلم، روزنامه فیضیه، نقدونظر، فقه، پژوهشهای قرآنی، پوپک، بعثت، قم امروز، ایمان و (17)....

#### سینما:

در استان قم تعداد هفت سینما وجود دارد که عبارتند از:

سینمای استقلال ۲ - فرهنگ ۳ - پیمان ۴ - سازمان تبلیغات ۵ - تربیت ۶ - شهیدآوینی (نور) ۷ - مفید

از سوی دیگر استان قم دارای ۴ سالن نمایش تئاتر نیز می‌باشد.

## پارك:

در استان قم جمعاً ۱۴ پارک عمومی وجود دارد که اهالی قسمتی از اوقات فراغت خود را در این محل‌ها می‌گذرانند همچنین این استان دارای ۳۰ پارک محلی و جنگلی می‌باشد.

## اماکن ورزشی:

استان قم دارای ۵ ورزشگاه عمومی و ۳۰ مکان ورزشی خصوصی (۲۵ مکان آن مخصوص آقایان و ۵ مکان مخصوص بانوان) می‌باشد. ورزشگاههای عمومی عبارتند از: ورزشگاه تختی، شهید جعفر حیدریان، شهدای نیروگاه، هفتم‌تیر و ۱۵ خرداد (۱۸).

## فصل سوم: آداب و رسوم

### ماه مبارك رمضان:

از نیمه دوم ماه شعبان همه مردم در جنب و جوش و آماده ساختن خویش برای استقبال از ماه مبارك رمضان هستند. چند روز قبل از ماه رمضان، مردم به نظافت و پاکسازی خانه‌ها، مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها می‌پردازند.

یکی از رسوم ماه مبارك رمضان در شهرستان قم ایجاد الفت بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی به دل دارند. این عقیده وجود دارد که اگر کسی روزه بگیرد در حالی که از بستگان یا برادر دینی خود کدورتی به دل داشته باشد روزهاش مال شیطان است و قبول درگاه خداوند نیست.

روز آخر شعبان را روز «کلوخ اندازان» گویند. در اکثر نقاط ایران از جمله در این شهر ضمن این‌که مردم دور هم جمع می‌شوند و به شادی و شادمانی می‌پردازند خود را برای ماه رمضان آماده می‌کنند. روز کلوخ اندازان بعضی‌ها در خانه بزرگ خانواده جمع می‌شوند و بسیاری از مردم در صورت مناسب بودن هوا؛ اغلب در بهار و تابستان به باغها و گردشگاههای اطراف شهر و آبادی‌شان می‌روند و به تفریح و برپایی مراسم مخصوص روز کلوخ اندازان می‌پردازند. خوراکی‌های این روز بسیار متنوع است و سعی می‌کنند آنچه میلشان باشد بخورند و خود را برای ماه رمضان که ماه امساك و پرهیز از زیاده‌خواری و گناه است آماده کنند.

بسیاری از خانواده‌هایی هم که به پیشواز ماه رمضان می‌روند و روز آخر ماه شعبان روزه می‌گیرند مقید به برگزاری مراسم «کلوخ اندازان» هستند و دو یا چند روز به ماه رمضان مانده به «کلوخ اندازان» می‌روند. مردم قم روز کلوخ اندازان وسایل خورد و خوراك و تفریحشان را برمی‌دارند و به امامزاده‌ها و زیارتگاههای اطراف قم از جمله به «شاه جمال»، «مسجد جمکران» و «چهار امامزاده» و دیگر امامزادگان می‌روند. در مسجد جمکران هر کسی در این روز دو رکعت نماز حاجت می‌خواند.

بعضی از خانواده‌ها نیز به باغهای اطراف قم می‌روند. تا چند سال پیش گروهی از جوانان بعد از ظهر روز آخر ماه شعبان ساز و نقاره برمی‌داشتند و به «دروازه قلعه» می‌رفتند و پس از تفریح از جمله چوب بازی، هر کس کلوخی به آب خندق دروازه قلعه می‌انداخت و از خدا توفیق می‌طلبید تا ماه رمضان بتواند روزه بگیرد.

در ماه مبارك رمضان در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود. البته ختم قرآن تنها به ماه رمضان اختصاص ندارد و در تمام ماههای سال برپا می‌شود اما در ماه رمضان صفا و جلوه‌ای دیگر دارد؛ مردها و زنها و بچه‌ها جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند. محل برگزاری ختم قرآن مردها اغلب در مساجد است و محل برگزاری ختم قرآن زنان در خانه‌ها می‌باشد که به صورت نوبتی در خانه شرکت کنندگان برپا می‌شود. اگر ماه رمضان سی‌روز باشد هر روز يك جزء از قرآن خوانده می‌شود اما اگر بیست و نه روز باشد ده روز آخر ماه هر روز چند آیه بیشتر خوانده می‌شود.

افطاری دادن یکی از رسوم پسندیده است و آنهایی که توانایی دارند يك یا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند و از روزه داران دعوت به عمل می‌آورند. افطاری دادن

ثواب بسیار دارد و بسیاری معتقدند کسی که افطاری می‌دهد با ثواب روزه میهمانانش شریک می‌شود و خداوند اجر و مزد بسیار به او می‌دهد. آنان که توانایی چندانی ندارند و نمی‌توانند از روزه‌داران پذیرایی کنند، خرما یا شربت یا نوعی شیرینی مثل زولبیا به مسجد می‌برند و بین دو نماز مغرب و عشا از روزه‌داران پذیرایی می‌کنند. شبهای نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان را شبهای احیا گویند. در این شبها مردم تا سحر به عبادت و خواندن قرآن و دعا مشغولند. بعضی در خانه و بسیاری در مسجد و قبور امامزادگان اعمال و مراسم احیا را به جا می‌آورند. در شهر قم حرم حضرت معصومه و مصلاي قدس و مسجد امام حسن عسکری(ع) و مسجد جمکران از مکان‌های مهمی هستند که مردم برای احیا به آنجا می‌روند. در شب‌های احیا بعد از نماز مغرب و عشا اول دعای افتتاح و بعد دعای جوشن کبیر خوانده می‌شود و بعد چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و قرآن‌ها را بر سر می‌گذارند و پس از خواندن دعاها و استغفار و طلب حاجت مجلس به اتمام می‌رسد و مردم برای خوردن سحری به خانه‌های خود می‌روند.

در مراسم احیا در حین خواندن دعای جوشن کبیر، زنها در حالی که در دلشان دعا را زمزمه می‌کنند هنگام خواندن «الغوث...» به نبات یا نقل و یا قندی که در دست دارند می‌دمند و بعد از مراسم، قند و یا نبات را برای تبرک و شفا نگه می‌دارند.

### عید فطر

رؤیت هلال ماه شوال در اسلام مستحب است. به همین خاطر در روز آخر ماه مبارک رمضان برخی از مردم برای رؤیت هلال ماه شوال به پشت بام‌ها می‌روند و مدت زمانی را صرف می‌کنند تا اینکه ماه را ببینند. عده‌ای دیگر به بیوت مراجع، مراجعه می‌کنند و از آنها کسب اطلاع می‌کنند.

مراسم عید فطر با دادن فطریه آغاز می‌شود و مردم فطریه خود را به مراکز کمیته امداد یا نیازمندان مورد نظر خود می‌دهند. بعد از فطریه دادن برای مراسم نماز مهیا می‌شوند. نماز عید فطر قم در اکثر مساجد شهر برگزار می‌شود که شلوغ‌ترین آنها در حرم حضرت معصومه(س)، مصلی قدس و مسجد امام حسن عسکری(ع) می‌باشد. بعد از اتمام نماز، مردم برای تبریک گفتن روز عید به خانه بزرگان خود مثل پدر و مادر می‌روند. همچنین عده‌ای از مردم برای عرض تبریک به بیوت مراجع عظام می‌روند که مورد پذیرایی واقع می‌شوند. در این بیوت مراسم مدیحه‌سرایی نیز برگزار می‌شود(19).

### ماه محرم

عزاداری بر امام حسین(ع) و شهدای کربلا از دیرباز در میان محبان اهل بیت علیهم‌السلام در ایران مرسوم بوده است. شهر مذهبی قم، از مهم‌ترین مراکز عزاداری در کشور محسوب می‌شود. این عزاداری به گونه‌های مختلف، در مکان‌های مختلف و در روزهای خاصی برگزار می‌شود.

مکان‌های عزاداری ممکن است، خانه علما و مراجع، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، هیئت‌ها، بارگاه حضرت معصومه(س)، خانه‌ها و نیز برخی مراقد امامزاده‌ها باشد.

عزاداری در خانه مراجع و علما

از قدیم الایام خانه علما و مراجع، مرکز عزاداری برای ائمه‌علیهم‌السلام به خصوص امام حسین(ع) بوده است. تقریباً از تمام اقشار در این مجلس شرکت می‌کنند و حتی برخی از شهرهای اطراف برای شرکت در مجالس عزاداری در محضر علما حاضر می‌شوند.

مساجد و تکایا

مساجد از دیرباز، پایگاه تجمع مردم برای عزاداری در ماه محرم بوده است. معمولاً ترتیب برگزاری مجالس در کلیه مساجد مشابه است. این مجالس عمدتاً شب‌ها در مساجد با سخنرانی يك روحانی آغاز می‌شود.

سپس يك یا چند مداح مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی را برپا می‌کنند.

در اکثر مساجد و تکایای قم مراسم عزاداری با اطعام دادن به پایان می‌رسد. اکثر مساجد دهه اول را اطعام می‌دهند ولی بعضی از مساجد تا پانزدهم و بعضی دیگر در دهه‌های آخر اطعام می‌دهند.

مهم‌ترین شکل عزاداری در قم، عزاداری هیئتی است که این نوع عزاداری بسیار رایج است. هیئت‌های شهر قم به دو دسته تقسیم می‌شوند، هیئت‌های که از قدیم بنیان گذاشته شده‌اند که اکثر آن‌ها تا به امروز وجود دارند و هیئت‌های که جدید التاسیس می‌باشند.

عزاداری در بارگاه حضرت معصومه(س):

عزاداری در بارگاه حضرت معصومه(س) بر دو نوع است، یکی این که در ایام ویژه محرم، مخصوصاً دهه اول، همه روزه مجلس روضه‌خوانی، مداحی و سینه‌زنی در رواق‌ها و شبستان‌های حرم مطهر، مسجد بالاسر و داخل صحن و حیاط بزرگ حرم برقرار می‌باشد که علاوه بر قمی‌ها، برخی از زوار که در ایام محرم به قم آمده‌اند در این جلسات حضور دارند.

نوع دیگر بدین صورت است که هیئت‌ها و دسته‌جات سینه‌زنی و زنجیرزنی در روزهای نهم، دهم، دوازدهم و سیزدهم محرم وارد صحن مطهر شده و در حیاط حرم (ایوان آینه) تجمع می‌کنند و سپس آرام آرام از درب دیگر خارج می‌شوند. نحوه حرکت هیئت‌ها بدین صورت است که هر هیئتی در موعد مقرر و مخصوص خود به صورت منظم از در آستانه وارد می‌شوند و پس از عرض تسلیت و ارادت به حضرت معصومه(س)، نوحه‌خوانی و مداحی کرده و از در دیگر (سه راه موزه) خارج می‌شوند.

#### اعیاد و جشن‌های ملی و مذهبی

مردم استان قم در جشن‌های مختلفی از جمله: نیمه شعبان؛ تولد حضرت مهدی(عج)، ۱۷ ربیع‌الاول؛ تولد پیامبر اکرم(ص)، ۲۰ جمادی الثانی؛ تولد حضرت فاطمه زهرا(س)، ۱۳ رجب؛ تولد حضرت علی(ع) و ۱۱ ذی القعدة؛ تولد امام رضا(ع)، به جشن و سرور می‌پردازند.

در این روزها مردم، معابر و خیابان‌ها را چراغانی کرده و با نقل و شیرینی و شربت از رهگذران پذیرایی می‌کنند. همچنین در بعضی از مساجد شهر از جمله: مسجد عشقعلی، تکیه آقاسیدحسن، حسینیه نجفی‌ها، حسینیه کربلائی‌ها و ... از مردم با شام و ناهار پذیرایی می‌شود.

لازم به ذکر است که در جشن نیمه شعبان که مصادف با تولد حضرت مهدی(عج) است مردم شور و شوق زیادی از خود نشان می‌دهند، به خصوص کودکان و نوجوانان که با سینی‌هایی در دست و گاهی نیز در آن‌ها اسپندی دود کرده‌اند، برای تأمین مخارج تزئینات محله‌شان به جمع‌آوری پول از منازل و عابریان می‌پردازند. در این استان چند روز مانده به نیمه شعبان خیابان‌ها را با انواع و اقسام تزئینات (چراغ، پرچم‌های گوناگون، مجسمه‌های مختلف و ...) مزین می‌کنند، که مرکز ثقل این مراسم در خیابان چهارمردان می‌باشد.

در کوچه و خیابان‌های دیگر نیز جوانان و نوجوانان به تزئین محله‌های خود می‌پردازند. در این روزها در هر کوچه و محله‌ای چادری برپا می‌کنند و در داخل آن مجسمه‌ها و آب‌نماهای زیبایی می‌سازند. مردم نیز در این ایام به گشت و گذار در کوچه‌ها و خیابان‌ها پرداخته و به تماشای این شور و شوق می‌پردازند. در این روزها در هر کوچه و خیابانی صدای بلندگوها و ضبط‌هایی که خوانندگان آنان در مدح امام زمان ترانه‌سرایی کرده‌اند به گوش می‌رسد، که این‌ها همه نشان دهنده عشق و ارادت مردم این استان به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشد.

## عید قربان

یکی از عیدهای بزرگ مذهبی ایرانیان عید قربان می‌باشد. در این روز که مصادف با دهم ماه ذی الحجه است، هر کسی که استطاعت داشته باشد، گوسفند، گاو و یا شتر قربانی می‌کند. در قم نیز کسانی که استطاعت مالی دارند گوسفند و یا گاو را قربانی کرده و گوشت آن را بین همسایگان و مستمندان تقسیم می‌کنند. در قدیم این مراسم با تشریفات خاصی از جمله تزیین قربانی صورت می‌گرفت. در این روز اغلب مردم به دیدار بزرگ فامیل و خانواده می‌روند و این عید را به همدیگر تبریک می‌گویند. برخی نیز در بیوت مراجع عظام حضور می‌یابند و ضمن تبریک این روز با عظمت، در مراسم ویژه این روز شرکت می‌کنند.

## عید فطر

رؤیت هلال ماه شوال در اسلام مستحب است و تأکید شده که هر شخص با رؤیت کردن هلال ماه شوال افطار کند. در راستای عمل به این حکم، در روز آخر ماه مبارک رمضان عده‌ای از مردم برای رؤیت هلال ماه شوال به پشت بامها می‌روند و مدت زمانی را صرف می‌کنند تا اینکه ماه را ببینند. عده‌ای نیز به بیوت مراجع می‌روند و از آنها کسب اطلاع می‌کنند. مراسم عید فطر با دادن فطریه آغاز می‌شود و مردم فطریه خود را به مراکز کمیته امداد یا نیازمندان مورد نظر خود می‌دهند. بعد از فطریه دادن برای مراسم نماز عید فطر مهیا می‌شوند. نماز عید فطر قم در اکثر مساجد شهر برگزار می‌شود که شلوغ‌ترین آنها در حرم حضرت معصومه(س) و مصلی قدس شهر توسط امام جمعه اقامه می‌شود. بعد از اتمام نماز، مردم برای تبریک گفتن روز عید به خانه بزرگان خود مثل پدر و مادر می‌روند. همچنین عده‌ای از مردم برای عرض تبریک، به بیوت مراجع عظام می‌روند و مورد پذیرایی واقع می‌شوند. معمولاً در این روز در بیوت علماء، مراسم مدیحه‌سرایی برقرار می‌باشد.

## عید غدیر

روز ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری برای شیعیان روز بسیار مهم و مبارکی است. روزی که خداوند بهترین عیدی خود را به دوستان و ولایت هدیه کرد. این روز را ایرانیان با آذین‌بندی و چراغانی معابر و خیابانها جشن می‌گیرند. در شهر قم که مرکز فقاقت شیعه است این مراسم دارای ویژگی خاصی می‌باشد. شب عید غدیر خیابانها، مراکز دولتی و غیر دولتی و مغازه‌ها چراغانی می‌شود و مجالس جشن و سرور در سراسر شهر بر پا می‌گردد.

با شکوه‌ترین این مراسم در حرم حضرت معصومه(س) می‌باشد که مداحان بعد از نماز مغرب و عشاء به مدیحه‌سرایی در وصف این روز بزرگ و امیر مؤمنان علی(ع) می‌پردازند. از جمله مراسم باشکوه دیگر می‌توان به دفتر مقام معظم رهبری، هیئت عاشقان بقیع، هیئت محبان اهل بیت علیهم‌السلام و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم اشاره کرد.

برخی از مردم نیز در این روز برای عرض تبریک به بیوت مراجع عظام می‌روند و مورد پذیرایی قرار می‌گیرند.

در زبان عامه مردم قم این روز به عید سیدها شهرت دارد و مردم به پاس احترام این روز به دیدار اقوام یا آشنایان سید خود می‌روند و مورد محبت آنان قرار می‌گیرند. اغلب سادات سکه‌هایی را که از قبل آماده کرده‌اند به رسم عیدی به بازدیدکنندگان می‌دهند.



## ازدواج و عروسی

ازدواج در قم با خواستگاری خانواده پسر از خانواده دختر شروع می‌شود. در وهله اول مادر یا یکی دوتا از نزدیکان داماد برای صحبت‌های اولیه و دیدن عروس به خانه پدر دختر می‌روند. بعد از اتمام دیدار، گزارش این دیدار و بیان خصوصیات ظاهری دختر را به پسر می‌دهند؛ اگر پسر پذیرفت، صحبت‌ها و جلسات بعدی شروع می‌شود تا اینکه نوبت به دیدن و صحبت کردن پسر و دختر می‌رسد. بعد از اینکه همدیگر را دیدند در يك اطاق با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند تا با شرایط و خصوصیات یکدیگر آشنا شوند. بعد از اینکه دختر و پسر یکدیگر را پسندیدند، شبی را برای تعیین مهریه که به نام مراسم «مهربرون» معروف است، تعیین می‌کنند که اقوام درجه اول دو طرف در خانه پدر دختر جمع می‌شوند و مراسم تعیین مهریه توسط ریش سفیدان یکی از دو طرف شروع می‌شود.

این مراسم غالباً جنبه تشریفات دارد و مقدار مهریه در يك جلسه خصوصی با پدر و مادر دو طرف مشخص شده و این جلسه فقط برای بیان مقدار مهریه می‌باشد.

بعد از اینکه مراسم مهر برون با خوبی و خوشی تمام شد خانواده دو طرف روزی را برای خرید بازار تعیین می‌کنند و عروس و داماد همراه با خانواده خود با حضور در بازار، مراسم خرید را انجام می‌دهند؛ بدین صورت که خانواده عروس برای داماد و خانواده داماد برای عروس خرید می‌کنند.

مراسم عقد در اکثر موارد بدون تشریفات عمومی برگزار می‌شود و مراسم اصلی برای زمان عروسی است. این مراسم با حضور خانواده و بستگان دو طرف انجام می‌گیرد و با خوردن میوه و شیرینی و شام این مراسم خاتمه می‌پذیرد.

عروسی در قم با تشریفات مفصلی انجام می‌گیرد که مقداری برای روز قبل از عروسی و مقداری هم برای بعد از عروسی است. قبل از عروسی، مراسم «جهازبران» و «حنابندان» انجام می‌گیرد و بعد از عروسی هم «مراسم پاتختی.»

مراسم جهازبران توسط نزدیکان عروس صورت می‌گیرد و جهاز را یکی دو روز مانده به عروسی، به خانه داماد می‌برند و هر کدام را در جای خود می‌چینند، که این مراسم توسط دختران جوان و همسن و سالان عروس انجام می‌گیرد.

مراسم حنابندان هم يك روز قبل از عروسی است؛ بدین صورت که يك نفر زن به خانه دعوت می‌شود تا اینکه آرایش مختصری روی عروس و کسان دیگر انجام دهد و در حین آرایش عروس، حاضران در مجلس هر کدام پولی را به عنوان هدیه به آرایشگر می‌دهند. در روز موعد عروسی، عروس توسط داماد به آرایشگاه برده می‌شود و بعد از اینکه اقوام و مدعوین در مجلس جمع شدند، داماد با ماشین مخصوصی که از قبل تهیه و با گل زینت داده شده، عروس را از آرایشگاه به مراسم عروسی می‌آورد و وی را تا مکانی که برای عروسی مهیا شده، همراهی می‌کند. این مجلس هم باصرف شیرینی و شام پایان می‌پذیرد.

يك روز بعد از عروسی، مراسم پاتختی انجام می‌گیرد و بانوانی که در مراسم عروسی شرکت کرده بودند هدایایی از طرف خانواده خود به خانه عروس و داماد می‌برند. این هدایا ممکن است پول نقد، و یا سایر اجناس مورد نیاز زندگی می‌باشد.

## عید نوروز

نوروز یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین اعیاد ایران و از جمله قم می‌باشد. از آنجا که این عید مصادف با بیداری و تجدید حیات طبیعت است، با نشاط و سرور بیشتری برگزار می‌شود.

از چند هفته به نوروز مانده، جنب و جوش خاصی در مردم پدید می‌آید. همه در حال تهیه لباس نو و خانه تکانی هستند. همچنین پیش از عید بعضی از خانواده‌ها به نیت

سلامتی و تندرستی و خوشبختی و گشایش روزی به تعداد افراد خانواده در ظرف‌های کوچک، گندم یا عدس و یا ماش ریخته و منتظر سبز شدن آن تا موقع سیزده بدر می‌شوند. نزدیک تحویل سال نو در اغلب خانه‌ها سفره هفت‌سین انداخته می‌شود که روی این سفره، يك جلد کلام الله مجید، آینه، تنگ بلور پر از آب یا ماهی قرمز، نان، نقل و نبات، آجیل و هفت‌سین (شامل: سبزی، سکه، سمنو، سنجد، سرکه، سماق و سیب) چیده می‌شود. هنگام تحویل سال عده‌ای به حرم حضرت معصومه (س) و یا اماکن متبرکه دیگر می‌روند تا؛ دعا بخوانند و از برکت آن دعا در تمام مدت سال از خطرات مصون باشند. گروهی نیز در خانه نزد زن و فرزندان خود می‌مانند زیرا عقیده دارند که موقع تحویل سال نباید از خانه و خویشان خود دور باشند.

در موقع تحویل سال که در قدیم با شلیک توپ و امروزه از طریق رادیو و تلویزیون اعلام می‌شود، اهل خانه، دعای تحویل سال را قرائت می‌کنند و بزرگ‌ترها از درگاه خداوند برای افراد خانواده سلامت و تندرستی و خیر و برکت آرزو می‌کنند، و بعد اهل خانه یکدیگر را بوسیده و این عید و سال نو را به همدیگر تبریک می‌گویند. روز اول عید معمولاً بزرگ خانواده در خانه می‌نشینند تا همه به دیدن او بروند و عید را به او تبریک بگویند و ایشان نیز متناسب با مقام و موقعیت و استطاعت خود به هر يك از افراد خانواده عیدی می‌دهد و با میوه و شیرینی و در بسیاری مواقع با دادن ناهار یا شام از آن‌ها پذیرایی می‌کند. این دید و بازدیدها تا روز دوازدهم فروردین ادامه می‌یابد.

### ضرب المثل‌ها

- حرف راست از دهن بچه بشنو.
- آب از سرچشمه گل آلود است.
- هر که طاووس خواهد جور هندوستان کند.
- بادمجان بد آفت ندارد.
- پیش قاضی، ملق بازی.
- کارد دسته خودش را نمی‌برد.
- عقل مردم به چشم آن‌ها است.
- يك شبه ره صدساله را پیمودن.
- تا تنور گرم نون را بچسبون.
- میوه خوب نصیب شغال می‌شود.
- برای کسی بمیر که برایت تب کند.
- بگذار خود را جا کنم، آن وقت ببین چه‌ها کنم.

### باورها

- کف دست اگر بخارد معتقدند که پولی به دستشان می‌رسد.
- اگر در استکان چای، تفاله‌ای ایستاده باشد و یا اگر استکان‌های چای پشت سرهم قرار گیرند می‌گویند، میهمان می‌آید.
- اگر کسی روی گربه آب بپاشد، روی دستش زگیل درمی‌آید.
- آب نیم خورده دیگران را نباید خورد می‌گویند میان آن دو کدورت ایجاد می‌شود.
- پشت سر مسافر آب می‌پاشند تا به سلامت برگردد.
- روز جمعه ناخن گرفتن ثواب دارد.
- بی‌مورد چیچی را باز و بسته کردن باعث دعوا می‌شود.
- جارو کردن موقع شب را بد می‌دانند و می‌گویند نحسی می‌آورد.
- اگر شب بخواهند آب داغ را روی زمین بریزند باید بسم الله بگویند، چون معتقدند جن‌ها صدمه می‌بینند(20).

## بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

### فصل اول: اوضاع مذهبی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، از ۸۵۳۰۴۴ نفر جمعیت استان قم، ۸۵۱۰۲۴ نفر مسلمان، ۲۳۳ نفر زرتشتی، ۱۱ نفر مسیحی و ۱۷۷۶ نفر اظهار نشده بوده‌اند.

از مجموع جمعیت مسلمان، ۱۵/۹۱ درصد در نقاط شهری و ۸۴/۸ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند (21).

### اماکن مذهبی

استان قم دارای مساجد و حسینیه‌های زیادی است که نقش بسیار ارزنده‌ای در جهت تبلیغ و ترویج مذهب تشیع ایفا نموده‌اند. این مساجد و حسینیه‌ها که تعداد آنها به رقمی بیش از ۳۴۰ باب می‌رسد در قدمت و قداست بر بسیاری از مساجد ایران پیشی دارند.

مهمترین مساجد و امامزادگان قم عبارتند از:

مسجد جامع (جمعه) - مسجد جمکران - مسجد امام حسن عسگری (ع) - مسجد اعظم - مسجد امام حسن مجتبی (ع) - مسجد عشقعلی - مسجد بالاسر - مسجد محمدیه - مسجد میدان میر - مسجد طباطبائی - مسجد رضوی - مسجد چهل اختران - مسجد سیدحسن - مسجد کامکار - تکیه خلوص - تکیه سیدحسن - تکیه شاه خراسان - تکیه یزدیها - تکیه پنجه‌علی - حسینیه آقاجفی - حسینیه سالار شهیدان - حسینیه ارك - حسینیه شاه‌حمزه - حسینیه امام خمینی (ره) - حسینیه شهدا و....

آستانه مقدسه حضرت فاطمه دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع) به عنوان یکی از باشکوه‌ترین اماکنی است که بعد از آستان قدس رضوی (ع) در این استان قرار دارد. سایر امامزادگان و بقاع متبرکه عبارتند از:

چهل اختران - امامزاده حمزه - امامزاده احمد - امامزاده علی بن جعفر - امامزاده شاه اسماعیل - امامزاده شاه ابراهیم - امامزاده عبدالله - امامزاده شاه جمال - چهار امامزاده - شش امامزاده و....

### مدارس دینی

استان قم دارای فقها و علماء برجسته و عظیم‌الشانی است که باعث و بانی حوزه علمیه بوده‌اند. این شهر از قرن دوم و سوم و به خصوص قرن چهارم دارای حوزه علمیه بوده است. در قرنهای پنجم و ششم و دهم این خطه مرکز بزرگی برای فقها بوده است که در حوزه مشغول به تدریس بوده‌اند. حوزه علمیه قم در عصر صفویه در قرنهای دهم، یازدهم و دوازدهم ه.ق از رونق خاصی برخوردار بوده است و در قرن سیزدهم ه.ق وارد مرحله جدیدی شد و رونق عمیق و گسترده‌ای داشت (22).

هم‌اکنون این استان دارای ۶۳ باب مدرسه دینی می‌باشد که نام تعدادی از مدارس مهم استان عبارتند از: مدرسه فیضیه - مدرسه دارالشفاء - مدرسه خان - مدرسه حجثیه - مدرسه رضویه - مدرسه مؤمنیه - مدرسه حقانی - مدرسه شهیدین - مدرسه معصومیه - مدرسه شهابیه - مدرسه امام صادق (ع) - مدرسه جهانگیرخان - جامعه الزهراء (س) - مدرسه الهادی - مدرسه آیه‌الله گلپایگانی - مدرسه آیه‌الله نجفی و (23)....

### بزرگان و مشاهیر

یکی از ویژگیهای قم وجود راویان و محدثان و دانشمندان بنامی است که برخی از آنها از اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام به شمار می‌روند و بعضی نیز مورد عنایت خاص و محبوب آنان بوده‌اند. ویژگی دیگر استان قم وجود دانشمندان دین‌شناس است که در طول

- تاریخ تشیع در این سرزمین به تحصیل مشغول بوده‌اند. در زیر به اسامی برخی از آنان اشاره می‌کنیم:
- زکریا بن آدم، محدث قرن دوم و سوم هجری و از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام.
  - احمد بن محمد بن خالد برقی، محدث قرن سوم هجری و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما‌السلام.
  - محدث قمی، شیخ عباس قمی مشهور به خاتم‌المحدثین، صاحب کتاب شریف مفاتیح الجنان، (1294-1359) ه.ق.
  - آیت الله حاج آقا حسین قمی، فقیه و مرجع تقلید و از شاگردان آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۶۶ ه.ق).
  - آیت الله حاج میرزا محمد فیض قمی، فقیه و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (۱۳۷۰-۱۲۹۳ ه.ق).
  - آیت الله کبیر، فقیه مشهور و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (۱۳۵۳-۱۲۸۱ ه.ق).
  - میرزای قمی، فقیه و اصولی معروف، صاحب کتاب قوانین و از شاگردان آیت الله وحید بهبهانی (متوفی 1231 ه.ق).
  - آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم-1355 (1276 ه.ق).
  - آیت الله سید محمد حجت، فقیه و مرجع تقلید (1310-1372) ه.ق.
  - آیت الله سید محمدتقی خوانساری، فقیه و مرجع تقلید (1305-1371) ه.ق.
  - آیت الله سید صدرالدین صدر، فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان (1299-1373) ه.ق.
  - آیت الله سید حسین بروجردی، فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان (1292-1382) ه.ق.
  - آیت الله امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع جهان تشیع (۱۴۱۰-۱۳۲۰ ه.ق).
  - آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی‌نجفی، فقیه، رجالی و مرجع تقلید شیعیان (۱۴۱۱-۱۳۱۵ ه.ق).
  - آیت الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی، فقیه، مفسر، اصولی و مرجع تقلید شیعیان (۱۴۱۴-۱۳۱۶ ه.ق).
  - آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبایی، فیلسوف، مفسر و متکلم شیعه و صاحب تفسیر شریف المیزان (1321-1402) ه.ق.
  - آیت الله حاج محمدعلی اراکی، فقیه و مرجع تقلید شیعیان (متوفی ۱۳۷۳ ه.ش).
  - آیت الله سید رضا بهاء‌الدینی، فقیه و عارف (1278-1376) ه.ش.
- ....و

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### قم در عصر مشروطه

در جریان انقلاب مشروطیت مهاجرت علما و مردم به سوی قم انجام گرفت که تأثیرات بسیاری در تاریخ سیاسی این شهر داشته است و این مهاجرت به منظور دستیابی به اهدافی بود که علما و مردم در پی آن بودند. مهاجرت کبری در روز ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ه.ق با عزیمت علمای بزرگ از جمله آیه‌الله طباطبائی، آیه‌الله بهبهانی، شیخ فضل‌الله نوری، و عده زیادی از طلاب و مردم تهران به سوی قم آغاز شد. هنگامی که گروه کثیر مهاجرین به ری رسیدند، اهالی این شهر به نزد مهاجرین آمدند و از آنها خواستند که در حرم حضرت عبدالعظیم اقامت کنند تا خواسته‌هایشان برآورده شود ولی علما قبول نکردند و به سوی قم راه افتادند و در این زمان شهر تهران حالت عادی خود را از دست داد. بازارها و دکانها بسته شد و اضطراب عمومی بر شهر حاکم شد.

بالاخره مهاجرین پس از تحمل زحمات فراوان به قم رسیدند و در حرم حضرت معصومه(س) استقرار یافتند. در این مدت حکومت وقت نیز در اطراف قم نیروی نظامی مستقر کرد تا مواظب اوضاع باشد. بدین ترتیب، قم در این ایام مرکز نهضت علیه استبداد گردید.

مردم قم آمادگی خاص در زمینه قیام و انقلاب پیدا کردند. بالاخره مهاجرت به قم مؤثر واقع شد و فرمان مشروطیت در تاریخ 14 جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ ه.ق از سوی مظفرالدین‌شاه صادر شد و مهاجرین به تهران بازگشتند.

### قم در جنگ جهانی اول

در جنگ جهانی اول، دامنه جنگ به قدری گسترش یافت که روسها حتی نواحی مرکزی ایران از جمله قم را نیز به اشغال خویش درآوردند. در پاییز سال ۱۲۹۴ ش. قشون روس به منظور تصرف تهران به کرج وارد شدند و این امر سبب مهاجرت بسیاری از طبقات مختلف مردم تهران به قم گردید. در قم توسط مهاجرین «کمیته دفاع ملی» جهت دفاع از میهن تشکیل گردید و بدین ترتیب قم تبدیل به مرکز سیاسی و نظامی علیه روس و انگلیس گردید. به خاطر این موضوع ژنرال باراتوف فرمانده کل قشون روس، تصمیم گرفت شهر قم را به اشغال خود درآورد. بنابراین نیروهای روسی به سوی قم حرکت کردند و در حوالی قم جنگهای متعددی بین نیروهای کمیته دفاع ملی و روسها به وقوع پیوست ولی سرانجام در چهاردهم دیماه ۱۲۹۴ ش، قم به اشغال نیروهای روسی درآمد و این نیروها زمام امور این منطقه را به مدت چند سال به دست گرفتند و فجایع زیادی را مرتکب شدند(24).

### واقعه کشف حجاب

فرمان برداشتن چادر همانند سایر شهرهای دیگر در قم نیز صادر شد. ولی وضعیت این دیار با سایر نقاط ایران تفاوت بسیاری داشت چون این شهر يك شهر مذهبی بود و در حقیقت پایگاه تشیع محسوب می‌شده است. از این رو بسیار با احتیاط و حساب شده اقدام می‌کردند. اغلب اهالی پس از انتشار خبر کشف حجاب، دخترهای خود را از مدرسه رفتن منع کردند و زنها هم از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند. اداره معارف برای اینکه مردم را به برداشتن حجاب تشویق کند اغلب تجار و بانوانشان را به جشن ۱۷ دی دعوت کرده بود ولی عده زیادی از تجار قم در این جشن شرکت نکردند و این امر باعث خشم حاکمان شد.

### قم در جنگ جهانی دوم

هم‌زمان با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین شهر قم نیز به پادگانی از نیروهای بیگانه تبدیل شده بود. نیروهای متفقین که اطراف قم را از محله خاکفرج تا شاه جمال اشغال کرده بودند چادرهایی برای استراحت برپا داشته بودند. علاوه بر این بلا، خشک‌سالی نیز دردی افزون بر دردهای دیگر مردم قم به شمار می‌رفت که با خواندن نماز باران در این زمان توسط آیه‌الله خوانساری، دریچه رحمت الهی بر مردم گشوده شد.

### سفر محمدرضا شاه به قم در سال ۱۳۴۱

تاریخ قم، روحیه حماسی و انقلابی مردم این سرزمین را روزی به ثبت رسانید که محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۴۱ به منظور جلب اعتماد علما و روحانیان حوزه و فریب مردم به این شهر سفر کرد. پس از آنکه شاه به شهر قم وارد شد (چهارم بهمن سال ۱۳۴۱) و در میدان آستانه حضرت معصومه(س) از اتومبیل خود پیاده گردید تمام

آرزوهایش را بر باد رفته دید؛ زیرا صحنه‌ای غیر منتظره را مشاهده کرد که انتظارش را نداشت. نه تنها از مردم استقبال کننده، کسی را ندید بلکه کارمندان اداری و سازمانهای دولتی و روحانیان نیز به چشم نمی‌خوردند و سکوتی شگفت بر شهر حکم فرما شده بود. گویا شاه به شهری پر از دشمن قدم نهاده است. از شدت خشم و اضطراب؛ از رفتن به حرم حضرت معصومه(س) منصرف گشته و از همانجا بازگشت(25).

### قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

روز دوم فروردین ۱۳۴۲ مصادف با سالگرد شهادت امام جعفر صادق(ع) (هجومی وحشیانه و بی‌رحمانه به علما و روحانیون مدرسه فیضیه صورت گرفت که منجر به کشته و زخمی شدن عده زیادی از طلاب این مدرسه گردید. به دنبال این حادثه دردناک، امام خمینی(ره) با صدور اعلامیه‌ای آتشین، سکوت در برابر رژیم را حرام اعلام کرد و در عصر روز عاشورا سال ۱۳۴۲ شمسی، سخنرانی بسیار مهم و تاریخی خود را در فیضیه قم ایراد نمود و رژیم شاه را به شدت مورد حمله قرار داد. بیش از دو روز از ۱۵ خرداد نگذشته بود که امام را شبانه دستگیر کردند. مردم قم وقتی از موضوع اطلاع پیدا کردند به طرف منزل امام و از آنجا به طرف حرم مطهر حضرت معصومه(س) به راه افتادند. تظاهرکنندگان پس از تجمع در حرم مطهر و دادن شعارهایی بر علیه نظام به تظاهرات خود در خیابانهای اطراف حرم ادامه دادند. لحظه‌ای از دور شدن جمعیت از حرم نگذشته بود که صدای رگبار گلوله موج جمعیت را شکست و مردان و زنان بی‌شماری را به خون خود غلطاند(26).

### وقایع ۱۷ خرداد ۱۳۵۴

هر سال روحانیون و اغلب مردم متدین به یاد شهادت قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و در غم هجران رهبر و مراد خویش مجلس می‌گرفتند. در شبانگاه ۱۶ خرداد ۱۳۵۴ پس از ادای نماز، بار دیگر اجتماع تظاهر کنندگان به خروش آمد و به طرف در خروجی فیضیه به حرکت درآمدند و شعارهایی بر علیه شاه سر دادند، این جریان تا ۱۷ خرداد ادامه پیدا کرد. در این روز کماندوها به فیضیه حمله برده و ۳۵۰ نفر از طلاب را دستگیر می‌کنند و به آزار و اذیت آنها می‌پردازند. این قیام به يك تعبیر، حلقه مفقوده‌ای بود بین قیام پانزده خرداد ۴۲ و بهمن ۱۳۵۷.

### قیام ۱۹ دی و پیروزی انقلاب اسلامی

با چاپ مقاله توهین آمیز «استعمار سرخ و سیاه در ایران» که لبه تیز حمله در این مقاله متوجه رهبری نهضت بود، طلاب و مردم در روز ۱۹ دی ماه راهپیمایی آرامی صورت داده و به طرف منزل آیه‌الله حسین نوری حرکت کردند. ایشان طی سخنانی تند و انقلابی به سیاستهای رژیم حمله کرد. به هنگام بازگشت جمعیت، در میدان شهدا (چهارراه فاطمی) مأمورین با ایجاد درگیری ساختگی به سوی راهپیمایان آتش گشودند و عده‌ای از مردم شهید، مجروح و دستگیر شدند. برگزاری مراسم هفتم، چهلم و چهلم در این قیام بود که سینه به سینه طفل انقلاب را پرورش داد و بالاخره ۲۲ بهمن ۵۷ روز به ثمر نشستن کوشش‌های مردم و جانفشانی‌های گلگون کفانی بود که در این راه بپا خاسته بودند(27).

این شهر به جهت رشادت‌ها و ایثارگری‌های جوانان غیرتمندش، در زمان قبل و بعد از انقلاب، به شهر خون قیام مشهور گردیده است.

مردم این استان با تقدیم ۵۰۶۲ شهید و ۱۴۰۶۵ جانباز، در دوران مبارزه و جنگ تحمیلی، دین خود را به انقلاب و میهن اسلامی ادا کرده‌اند. یاد شهدای به خون خفته این دیار گرامی باد(28).

## پی‌نوشت‌ها

- 1- اداره کشاورزی استان قم، کشاورزی قم در يك نگاه، ۱۳۷۵، ص ۲.
- 2- محمدمهدی فقیه محمدی، انوار پراکنده، جلد اول، ص ۷۲.
- 3- اداره کشاورزی استان قم، همان، ص ۴.
- 4- دبیران جغرافیای استان قم، جغرافیای استان قم، سال دوم متوسطه، ۱۳۷۵، ص ۹.
- 5- همان، ص ۳۳.
- 6- سید حسن ابن‌الرضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.
- 7- دبیران جغرافیای استان قم، همان، ص ۳۵ - ۳۸.
- 8- محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۱۳.
- 9- محمدیوسف کیانی، شهرهای ایران، ج ۲. ص ۱۴۷.
- 10- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان قم، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان قم، ص ۷۰ - ۷۷ و ص ۱۰۱ - ۱۱۷.
- 11- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان قم، صفحه شانزده.
- 12- همان، ص ۶۶ و سی و يك.
- 13- سید حسین ابن‌الرضا، همان، ص ۴۲۹.
- 14- مرکز آمار ایران، همان، ص ۳۲. 33 -
- 15- عبدالوحید وفائی، سیمای قم، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.
- 16- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان قم، همان، ص ۳۳۴.
- 17- همان، ص ۴۱۰.
- 18- همان، ص ۳۹۱-۳۸۷ و 342-348.
- 19- سیداحمد وکیلپان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول، ص ۲۴ - ۱۱۲.
- 20- کلیه آداب و رسوم از طریق مطالعات میدانی تهیه شده است.
- 21- مرکز آمار ایران، همان، ص ۶.
- 22- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت‌معصومه‌فاطمه‌دوم، ص ۲۰۸ - ۲۳۲ و ص ۷۳ - 88.
- 23- عبدالوحید وفایی، همان، ص ۱۱۳. 118 -
- 24- علی وفایی، شهرها و قصه‌ها، شهر قم، ص ۲۴ - ۴۰.
- 25- مجله پیام انقلاب، شماره ۱۲۶، سال ۱۳۶۲، ص ۱۲ - ۱۵.
- 26- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۵۰.
- 27- روزنامه سلام، مورخ. 1374/10/21.
- 28- دبیرخانه فرهنگ عمومی استان قم، همان، ص ۱۳۵.

## بخش اول: جغرافیای طبیعی



## مشخصات جغرافی

استان گیلان سرزمینی است به وسعت ۱۴۱۰۶ کیلومتر مربع که در جنوب باختری دریای



خزری و در فاصله ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۴۸ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی، از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این استان از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. شهرستان رشت مرکز استان تقریباً در مرکز این استان قرار گرفته است (1). استان گیلان بر طبق آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، دارای ۱۲ شهرستان، ۳۵ شهر، ۳۰ بخش، ۹۹ دهستان و ۲۷۰۰ آبادی دارای سکنه بوده است (2).

### ویژگیهای طبیعی

وجود کوههای بلند و نزدیکی آنها به دریا، تبخیر سطحی رودها، مردابها و دریای خزر، به گیلان آب و هوایی متغیر داده و سبب شده است تا پیوسته جریانهای هوایی مرطوب و سنگین از دریا به وجود آید. به طور کلی تقسیمات آب و هوای استان گیلان عبارتند از: آب و هوای معتدل مرطوب: شامل تمام بخش جلگه‌ای و کم ارتفاع ساحلی از رودسر تا هشتپر.

آب و هوای بحرالرومی: شامل بخشهایی از استان می‌گردد که در فاصله بین جلگه‌های پست ساحلی و ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته‌اند. آب و هوای معتدل جنگلی سرد: شامل نواحی کوهستانی است که درجه گرما به علت ارتفاع جغرافیایی تقلیل پیدا می‌کند. آب و هوای نیمه صحرایی یا نیمه بیابانی: شامل بخش بسیار کوچکی از شهرستان رودبار می‌شود و سد سفیدرود و دره‌های شرقی و غربی آن را دربر دارد و نقاطی مانند لوشان و منجیل و گیلوان نمونه‌های آن به شمار می‌روند (3).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

زمین پر برکت و حاصلخیز و آب فراوان موجب رونق کشاورزی در استان گیلان شده است. از این رو چهره غالب اقتصاد استان کشاورزی است و بعد از آن دامداری و ماهیگیری و جنگلداری، صنعت و معدن نیز در آخرین مرتبه قرار دارد. محصولات عمده کشاورزی برنج و چای است. توتون، زیتون و مرکبات نیز جزء محصولات کشاورزی استان هستند که در مرتبه بعد قرار دارند. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، سطح زیرکشت محصولات عمده کشاورزی این استان ۳۵۵۲۷۴ هکتار بوده‌است. از این مقدار محصول برنج با ۲۳۰۰۰۰ هکتار، چای با ۲۸۵۲۰ هکتار و گندم با ۲۱۳۰۰ هکتار به ترتیب بیشترین سطح زیرکشت را در این استان به خود اختصاص داده‌اند.

#### صنایع و معادن

صنعت استان بیشتر حول محور کشاورزی دور می‌زند و کارخانه‌های شالی‌کوبی، چای خشک‌کنی و کارخانه‌های آرد، بیشترین آمار کارگاههای صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. صنایع غذایی، نساجی (پوشاک و چرم)، صنایع شیمیایی، صنایع برق و الکترونیک، صنایع ماشین و قطعه‌سازی، صنایع چوب، خوراک دام و طیور و... نیز در استان فعالیت دارند.

علاوه بر صنایع ماشینی، صنایع دستی نیز در این استان نقش عمده‌ای در تأمین معیشت و اشتغال ساکنان استان دارند. در سال ۱۳۷۵، ۱۱۱۲۸ نفر در این بخش اشتغال داشته‌اند. مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی در این استان عبارتند از: گلیم‌بافی، قالی‌بافی، حصیربافی، مرواریدبافی، سفالگری و سرامیک، چادرشب‌بافی، مکرومبافی، بامبو‌بافی، قلابدوزی، خراطی و نازک‌کاری چوب و... همچنین در سال ۱۳۷۵، استان گیلان دارای ۵۳ معدن فعال و غیرفعال با ظرفیت

استخراج ۲۴۶۶۴۰۰ تن ماده معدنی بوده است. مهم‌ترین معادن استان شامل سنگ‌آهک، سنگ‌لاشه، ذغال‌سنگ، سنگ‌نما، سیلیس، خاک‌نسوز، صدف و میکا می‌باشد(4).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

نام گیلان مأخوذ از گیل است. گفته‌اند: ۱ - این سرزمین محل سکونت قومی به نام گیل یا گلای بوده، از این رو آن را گیلان نامیده‌اند. گیلان مأخوذ از گیل به معنای «گیل» است زیرا زمین‌های آن غالباً باتلاقی و گل‌آلود است. گیلان مأخوذ از جیل است. وی از اعقاب نوح پیامبر است که این سرزمین را بنا کرده و نام خود را بر آن نهاده است(5).

#### پیشینه تاریخی

گیلان را دارای تمدنی سه هزار ساله دانسته‌اند. مطابق مستندات تاریخی، گیل‌ها در اوایل سده ششم پیش از میلاد با استقلال زندگی می‌کردند. حمله اسکندر به ایران، قوم کادوس (ساکنان منطقه گیلان) را بر انگیخت تا به صورت قوایی نیرومند به کمک داریوش سوم برخیزند. با شکست سپاهیان ایران، گیلان نیز از تجاوز اسکندر مصون نماند. استیلای اسکندر دیری نپایید و بعد از شکست او، گیلان استقلال خود را بازیافت. در نهایت با سقوط ساسانیان، پای نیروهای اسلام به این منطقه باز شد. سال ۲۲ه.ق نخستین برخورد مردم دیلم با اعراب روی داد و دیلمی‌ها شکست خوردند. بین سالهای ۷۲ تا ۹۵ه.ق حجاج بن یوسف والی عبدالملک مروان و نیز در زمان سلیمان بن عبدالملک (۹۶ تا ۹۹ه.ق) تلاش‌هایی برای تصرف گیلان صورت گرفت ولی موفق نبودند.

در قرن سوم ه.ق مهاجرت علویان به گیلان صورت گرفت و رفتار علویان باعث جذب این مردم به اسلام شد.

پایه‌های حکومت علویان به دنبال يك قیام روستایی علیه نیروهای خلیفه به رهبری حسن بن زید استقرار یافت. سالها این خطه مستقل از بقیه نواحی ایران که تحت سیطره خلفای بنی‌عباس بودند، به دست علویان شیعه اداره می‌شد. سلسله‌های محلی بسیاری از قرن دوم تا سال ۱۰۰۷ه.ق یعنی زمان حکومت شاه عباس صفوی به وجود آمده و بر گیلان حکم رانده‌اند. جستانیان، آل وهسودان، سالاریان، آل زیار، آل بویه و اسماعیلیان از جمله این سلسله‌ها هستند. مهمترین حاکم آل بویه معزالدوله است که بغداد را فتح کرد و به دایره قدرت خود توسعه بخشید.

مهمترین گروه فکری در این دوره، اسماعیلیان بودند که بدست حسن صباح تأسیس شد و آخرین زمامدار این سلسله رکن‌الدین خورشاه به دست هلاکوخان مغول کشته شد. از زمان حکومت شاه عباس صفوی به بعد فشار بر مردم گیلان آغاز شد و قتل و عام‌های شاه عباس در گیلان جو رعب و وحشت به وجود آورد. شاه به شاهزاده‌ها نیز رحم نمی‌کرد به طوری که شاهزاده صفی میرزا که مورد بدگمانی او قرار گرفته بود طبق دستور به دست یکی از غلامان کشته شد، گرچه مردم به خونخواهی وی قیام کرده بودند ولی با دخالت سپاهیان غزلباش قیام آنها سرکوب شد.

سال ۱۰۳۸ه.ق قیامی در گیلان روی داد که از اهمیت خاصی برخوردار بود. این شورش به رهبری عادلشاه (غریب شاه) انجام شد و در نتیجه آن کوچصفهان و خشکبیجار به آتش کشیده شدند و رشت مورد تهاجم قرار گرفت. اما دیری نپایید که دولت مرکزی با آنها به مقابله پرداخت و عادلشاه را دستگیر و در اصفهان به دار آویختند و به این ترتیب غائله خاتمه یافت. در سال ۱۱۳۵ زمان شاه طهماسب دوم بخشی از گیلان توسط روسها اشغال گردید ولی شیوع وبا آنها را وادار به تخلیه این مناطق کرده بود. بار دیگر در

زمان نادرشاه روسها وارد گیلان شدند ولی به علت لشگرکشی نادرشاه در سال ۱۱۴۸، پس از ۱۳ سال خاک ایران و گیلان را ترک کردند. در سال ۱۱۶۳ رشت بدست محمدحسن خان قاجار افتاد و مدتی بعد به تصرف قوای کریمخان زند درآمد. گیلان مورد توجه خاص پادشاهان قاجار بود و آنها حکومت این سرزمین را معمولاً به رجال مهم دولتی، شاهزادگان و فرزندان خود می‌سپردند (6).

### بناهای عمده تاریخی

-مسجد صفی (مربوط به قرن نهم هجری و منسوب به صفی میرزا پسر شاه عباس صفوی - رشت)

-مسجد صمدخان (باقرآباد رشت)

-کاروانسرای شاه عباس (از دوران صفوی)

-بقعه شیخ زاهد گیلانی (از قرن هشتم هجری - لاهیجان)

-بقعه چهار اولیا (از دوره تیموریان - لاهیجان)

-بقعه میر شمس‌الدین (از اولاد امام کاظم (ع) - لاهیجان)

-پل خشتی (از دوره تیموری و صفوی - لنگرود)

-تپه گردکول (از هزاره قبل از میلاد - رودبار)

-تپه گلشنی (از دوره پارت ساسانی - رودبار)

-قلعه رودخان (از دوره سلجوقی - فومن)

-مسجد سفید (از دوره سلجوقی - تالش)

-بقعه تاج‌الدین محمود خیوی (۵۷۳۲ه.ق - تالش)

-قصر سلسله جادو (از دوره سلجوقی - صومعه سرا)

-قلعه لیسار (مربوط به دوره اسماعیلیه - تالش (7)).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی جمعیتی

در آبان ماه سال ۱۳۷۵، جمعیت استان گیلان، ۲۲۴۱۸۹۶ نفر بوده است. از این تعداد ۱۱۱۵۳۹۱ نفر مرد و ۱۱۲۶۵۰۵ نفر زن بوده‌اند. از مجموع جمعیت این استان ۸۳/۴۶ درصد در نقاط شهری و ۱۵/۵۳ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند (8).

#### جمعیت و خانوار شهرستانهای استان گیلان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	2241896	1115391	1126505	512425
ساکن در نقاط شهری	1049980	527171	522809	249351
ساکن در نقاط روستایی	1191480	588006	603474	262979
غیر ساکن	436	214	222	95
شهرستان آستارا	63254	31774	31480	13517
ساکن در نقاط شهری	30666	15475	15191	7039
ساکن در نقاط روستایی	32588	16299	16289	6478
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان آستانه اشرفیه	114483	56728	57755	27934
ساکن در نقاط شهری	47591	23866	23725	11526
ساکن در نقاط روستایی	66892	32862	34030	16408

0	0	0	0	غیر ساکن
29049	59173	60654	119827	شهرستان بندر انزلی
23978	48808	49736	98544	ساکن در نقاط شهری
5071	10365	10918	21283	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
169510	356908	358188	715096	شهرستان رشت
110650	229056	230270	459326	ساکن در نقاط شهری
58860	127852	127918	255770	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
24725	56008	57075	113083	شهرستان رودبار
11718	25636	27653	53289	ساکن در نقاط شهری
13007	30372	29422	59794	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
47162	102457	100205	202662	شهرستان رودسر
21032	43583	43789	87372	ساکن در نقاط شهری
26128	58874	56414	115288	ساکن در نقاط روستایی
2	0	2	2	غیر ساکن
14393	35855	34437	70292	شهرستان شفت
1151	2517	2520	5037	ساکن در نقاط شهری
13242	33338	31917	65255	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
30718	69808	66902	136710	شهرستان صومعه سرا
8125	17728	17826	35554	ساکن در نقاط شهری
22593	52080	49076	101156	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
52051	132090	130330	262420	شهرستان طوالش
13757	32738	32496	65234	ساکن در نقاط شهری
38203	99130	97624	196754	ساکن در نقاط روستایی
91	22	210	432	غیر ساکن
22645	52208	50984	103192	شهرستان فومن
7437	15824	16180	32004	ساکن در نقاط شهری
15206	36384	34802	71186	ساکن در نقاط روستایی
2	0	2	2	غیر ساکن
48501	103764	100538	204302	شهرستان لاهیجان
16457	33442	33242	66684	ساکن در نقاط شهری
32044	70322	67296	137618	ساکن در نقاط روستایی

0	0	0	0	غیر ساکن
32220	68999	67576	136575	شهرستان لنگرود
16481	34561	34118	68679	ساکن در نقاط شهری
15739	34438	33458	67896	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان گیلان.  
وضعیت فعالیت

در آبان ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان، ۱۷۸۲۴۵۷ نفر بوده‌اند. از این تعداد ۷۲۹۳۳۳ نفر جمعیت فعال شامل ۶۳۱۵۲۰ نفر شاغل، ۱۲۶۷۳ نفر بیکار قبلاً شاغل و ۸۵۱۴۰ نفر بیکار قبلاً غیر شاغل بوده‌اند.  
بر اساس این آمار، افراد شاغل و افراد بیکار (جویای کار) در مجموع ۹۲/۴۰ درصد از جمعیت ده ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهند.  
درصد شاغلان و افراد جویای کار در نقاط شهری ۳۰/۳۷ درصد و در نقاط روستایی ۱۳/۴۴ درصد بوده است. از جمعیت فعال این استان، ۹۶/۷۶ درصد را مردان و ۴/۲۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.  
از جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر، ۴۶/۳۹ درصد در بخش کشاورزی، ۳۸/۲۰ درصد در بخش صنعت و ۵۱/۳۸ درصد بخش خدمات مشغول بوده‌اند. وضع فعالیت ۵۵/۱ درصد نیز نامشخص و اظهار نشده بوده است (9).

### زبان و نژاد

زبان مردم گیلان فارسی با گویش گیلکی است. البته در نقاطی از گیلان مانند تالش و آستارا و رودبار زبان مردم ترکی است. زبان تاتی نیز در منطقه تالش و رودبار رایج است. در شهر رشت نیز جمعیت ترک زبان زیاد است.  
مردم استان گیلان از نژاد آریایی هستند. اقوام آریایی در دوران ماقبل تاریخ برای یافتن چراگاه به سرزمین گیلان هجوم آوردند. تپورها، ماردها، تات‌ها، کادوس‌ها، کاس‌ها و گیل‌ها نژادهایی هستند که از زمان قدیم به ترتیب در این منطقه زندگی کرده‌اند (10).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۱۹۹۷۷۷۳ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۲۰/۷۹ درصد باسواد بوده‌اند. این نسبت در نقاط شهری 87/07 درصد و در نقاط روستایی ۳۴/۷۲ درصد بوده است. نسبت باسوادی در میان افراد لازم‌التعلیم (۶ - ۱۴ ساله) در نقاط شهری ۳۴/۹۸ درصد و در نقاط روستایی ۴۲/۹۶ درصد بوده است.  
در سال ۱۳۷۵، در این استان ۱۲۷ کودکستان، ۲۲۴۱ دبستان، ۱۱۳۴ مدرسه راهنمایی، ۶۰۷ دبیرستان و هنرستان و ۴۳ آموزشگاه بزرگسالان وجود داشته است (11).

#### آموزش عالی

استان گیلان بعد از انقلاب اسلامی در زمینه آموزش عالی رشد چشمگیری داشته است. برخی از مهمترین مراکز دانشگاهی استان عبارتند از:  
دانشگاه گیلان، در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۶۶۶۴ دانشجوی مرد وزن داشته است.  
دانشکده علوم پزشکی که در شهرهای مختلف دانشکده‌هایی در رشته پزشکی و رشته‌های وابسته دایر کرده است و در سال 1375 بالغ در ۲۱۴۳ دانشجوی دختر و پسر داشته است.

دانشگاه آزاد رشت با ۹۷۵۲ دانشجو (۴۷۶۵ مرد و ۴۹۸۷ زن).  
دانشگاه آزاد لاهیجان با ۵۸۹۰ دانشجو (۳۰۸۱ مرد و 2809 زن)  
دانشگاه آزاد آستارا با ۲۰۲۸ دانشجو (۱۳۱۰ مرد و ۷۱۸ زن)

دانشگاه پیام نور رشت با ۱۵۹۱ دانشجو (۹۲۲ و ۶۶۹ زن) پیام نور تالش با ۱۱۶۶ دانشجو (۶۰۴ مرد و ۵۶۲ زن) پیام نور صومعه سرا با ۱۸۲ دانشجو (۱۰۰ مرد و ۸۲ زن) آموزشکده فنی با ۱۱۳۹ دانشجوی مرد. مراکز تربیت معلم که ۴۵۲ دانشجو (۱۶۲ مرد و ۲۹۰ زن) داشته‌اند (12).

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه

در سال ۱۳۷۵ در استان گیلان، 56 کتابخانه عمومی وجود داشته است. از این تعداد ۳۶ کتابخانه با ۴۶۸۰۶ عضو و ۲۹۴۴۹۲ جلد کتاب، متعلق به اداره ارشاد اسلامی و ۲۰ کتابخانه با ۳۷۷۶۵ عضو و ۱۹۰۹۶۴ جلد کتاب، متعلق به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است (13).

#### مطبوعات محلی

بخشی از مطبوعات منتشر شده بعد از انقلاب اسلامی در گیلان عبارتند از: جنگل (رشت) ۲ - همشهری (آستارا) ۳ - هنر و هنرمند ۴ - نقش قلم (رشت) ۵ - پیام گیلان ۶ - گیله مرد ۷ - گیلان ما ۸ - کادح ۹ - گام ورزشی ۱۰ - گیله‌ور ۱۱ - آوای گیلان و چندین نشریه که در شهرهای مختلف استان منتشر می‌شوند (14).

#### سینما

در این استان در سال ۱۳۷۵، ۲۰ سینما وجود داشته است که به تفکیک شهرستان به شرح زیر بوده‌اند: رشت ۶ سینما، انزلی ۳ سینما، تالش یک سینما، آستارا یک سینما، فومن یک سینما، لاهیجان ۲ سینما، سیاهکل یک سینما، لنگرود ۲ سینما، رودسر یک سینما، کلاچای یک سینما و لشت نشاء یک سینما (15).

#### پارکها

استان گیلان درای ۷ پارک جنگلی و ۲۰ پارک عمومی و ۱۲ پارک کودک می‌باشد. برخی از این پارکها عبارتند از: پارک جنگلی امامزاده هاشم (رشت)، پارک جنگلی سروان (رشت)، پارک جنگلی گیسوم (تالش)، پارک جنگلی صفرا بسته (آستانه‌اشرفیه)، پارک جنگلی شیخ زاهد (لاهیجان)، پارک جنگلی آستارا چای (آستارا)، پارک خرما (لنگرود) (16).

#### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۵، استان گیلان دارای ۹۹ زمین فوتبال، ۲۸ زمین والیبال، 3 پیست دو و میدانی، ۳ استخر شنا، یک زمین سوارکاری، ۲۲ سالن چند منظوره، ۱۵ سالن کشتی، ۳ سالن وزنه‌برداری، ۳ سالن تنیس، ۹ سالن رزمی، یک سالن ژیمناستیک، ۶ سالن شطرنج، ۲ سالن ورزشهای باستانی و ۲ سالن بوکس بوده است (17).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ماه رمضان

ماه رمضان ماه مناجات و راز و نیاز با خداست. در برخی شهرهای گیلان از جمله رشت و بندر انزلی، روزه پیشوازی را «پیشاشو» می‌گویند و اکثر مردم به روزه گرفتن یک یا چند روز قبل از ماه رمضان تأکید دارند (18).

از چند روز قبل از ماه رمضان مردم این سامان سرگرم تهیه امکانات و لوازم برای مصارف ماه رمضان می‌شوند.

یکی از غذاهای متداول گیلانی‌ها در ماه رمضان «رشته خشکار» است. این رشته را از آرد نیم داغ برنج درست می‌کنند (19).

افطاری دادن به عنوان نذری و دعوت از خویشاوندان عروس یا داماد خانواده، به خصوص در دوران نامزدی، تقریباً در تمام نقاط معمول است. در «نومندان» برای خیرات و به اصطلاح «احسان»، آش می‌پزند و «افطار آشی» می‌دهند. همچنین سنی

مذهبان شافعی این منطقه برای افطار و شام عده‌ای را دعوت می‌کنند و بعد از آن ذکر «حق‌الله» می‌گیرند. قبل از ذکر خوانی، یک نفر ظرف شربت را می‌گرداند و همه از آن می‌نوشند. سپس پیشنهاد به ذکر می‌پردازد و دیگران ذکر را هماهنگ تکرار می‌کنند (20).

احیاء شبهای قدر (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که قرآن بر سرگرفتن و خواندن دعای جوشن کبیر بسیار مورد توجه است و با سوادان هر مسجد سعی می‌کنند حداقل یک بند از دعای جوشن کبیر را بخوانند. مردم تالش بر این باورند که در لحظه‌ای معین از یکی از این شبها، برکت بر زمین نازل می‌شود و آن لحظه‌ای است که «خدر» یعنی حضرت خضر گذر می‌کند. در آن لحظه هر کس نیتی کند و حاجتی بخواهد برآورده می‌شود و بر این اساس، قصه‌ها ساخته‌اند که برخی از آنها طنزهای شیرینی دربر دارد.

در طول شب‌های قدر که مصادف با شهادت حضرت علی (ع) می‌باشد، در مساجد مجالس روضه‌خوانی و عزاداری برپا می‌شود. در پاره‌ای از نقاط گیلان به ویژه در شرق استان، علاوه بر این، مجلس تعزیه «حضرت علی و جوانمرد قصاب» هم اجرا می‌شود. رفتن سر مزار شهدا و درگذشتگان از اعمال مورد توجه مردم در این روزهاست.

### عید فطر

با دیده شدن هلال ماه شوال، رمضان به پایان می‌رسد و مردم با شادی تمام به استقبال نماز عید فطر می‌روند. صدای خوش آهنگ «نماز و روزه شما قبول» و «عبادتهای شما قبول» گوش‌نواز است.

عید فطر در منطقه تالش و حدود هشتمین و رضوان شهر با تفصیل بیشتر برگزار می‌شود. در این منطقه اول صبح و قبل از نماز به سراغ اموات و خفتگان خاک می‌روند. آش، حلوا، عسل، ماست و خوردنی‌های دیگر به گورستان می‌برند و بر مزار مردگان، سوره یاسین می‌خوانند. در بعضی نقاط، از جمله در روستاهای لیسار و نومندان قبلاً در گورستان غذا می‌پختند و همه اهل روستا و میهمانان، اطعام می‌شدند (21).

### مراسم ماه محرم

ماه محرم با مراسم، آداب و آئین‌های آن جایگاه برجسته‌ای در استان گیلان دارد. آغاز این ماه با جلوه‌های نمادین آن یعنی سیاه‌پوش کردن تکیه‌ها، حسینیه‌ها و مساجد آغاز می‌گردد. در روستاهای حوزه شرقی گیلان، نشانه آغاز محرم، گل مالی دیوار مساجد است که به وسیله زنان روستایی انجام می‌گیرد.

با آغاز محرم مراسم روضه‌خوانی در حسینیه‌ها، تکایا، مساجد و سراهای بازار آغاز می‌گردد. مجالس روضه تا سیزدهمین روز محرم به شکل عمومی ادامه دارد.

پس از مراسم روضه، سینه‌زنی و زنجیرزنی شروع می‌شود. از روز هفتم محرم دستجات عزادار در خیابان‌ها به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند و هر کدام از دستجات مسیر مشخصی دارند.

از آئین‌های پرشور محرم در گیلان مراسم علم‌بندی یا طوق‌بندی و علم‌واچیدن است که در آغاز محرم علم بسته می‌شود و در پایان مراسم عزاداری آخر ماه صفر علم را باز می‌کنند.

بارزترین نشانه و در واقع هویت هر محله‌ای، علم آن است. مراسم علم‌بندی شور و هیجانی خاص دارد و در جریان آن نذری می‌آورند، شمع روشن می‌کنند و بر سینه می‌زنند و حاجت می‌خواهند.

روز تاسوعا و عاشورا عزاداری جلوه‌ای خاص دارد گویی عاشورا در چهره محزون عزاداران هویدا گشته است.

از جمله مراسم پرشور عزاداری در ماه محرم در استان گیلان مراسم تعزیه‌خوانی می‌باشد. مراسم شام غریبان در شامگاه عاشورا در حالی که عزاداران چند بچه را به یاد



اسیران کربلا در زنجیر کشیده‌اند و شمع‌هایی روشن در دست گرفته‌اند، جلوه‌ای خاص دارد و عزاداران ضمن تکرار آوای حزین:

طفل صغیری ز حسین گمشده

قامت زینب ز الم خم شده

آرام آرام بر سر می‌زنند. در منطقه تالش شب شام غریبان را «چراغ‌کشی» نیز می‌نامند. آذربایجانی‌های مقیم گیلان در روز دوازدهم محرم، سومین روز شهادت امام حسین (ع) و یارانش، در حالی که لباس‌های عربی بر تن کرده و بیل و کلنگ بر دوش دارند، چنین می‌نمایند که همانند قوم بنی اسد برای به خاک سپاری شهدای کربلا می‌روند. در دهه آخر ماه صفر که هم‌زمان با اربعین شهادت امام حسین (ع) و رحلت پیامبر (ص) و شهادت امام مجتبی (ع)، است دستجات مذهبی به عزاداری می‌پردازند. در این دهه در اغلب مساجد، مجالس روضه و عزاداری برپا می‌باشد (22).

### مراسم ترحیم

در گیلان به ویژه شهرهای کوچک و روستاها با شنیدن خبر مرگ يك نفر از اهالی محل، گرد غم بر چهره محله می‌نشیند و مردم همه در مراسم تشییع و به خاک‌سپاری فرد در گذشته، شرکت می‌کنند و پس از مراسم خاک‌سپاری، خانواده وی را تا منزل همراهی می‌کنند.

در برخی از روستاها تا سه روز متوالی در مسجد، مجلس ختم برپا می‌کنند و در روز سوم خانواده متوفی، با توجه به استطاعت مالی خود، عده‌ای را برای نهار دعوت می‌کند که به آن در اصطلاح محلی «خرج» می‌گویند و در صورت نداشتن توان مالی به همان ختم اکتفا می‌کند.

گرفتن مجالس هفتم و چهلم نیز مرسوم است که از این میان چهلم عمومیت بیشتری دارد. امروزه نشانه عزاداری به ویژه در شهرهای بزرگ پوشیدن لباس سیاه است. اما در گذشته پوشیدن لباس سیاه چندان عمومیت نداشت فقط از پوشیدن لباس‌های روشن و شاد پرهیز می‌کردند و یا يك تکه لباس سیاه می‌پوشیدند. مردان نیز دکمه یقه خود را باز می‌گذاشتند.

در تالش در بالای سر مردگان يك درخت آزاد می‌کارند و درخت آزاد مورد احترام و مقدس شمرده می‌شود.

در دیلمان شب اول به خاک‌سپاری در گذشته را «شب غرب» می‌نامند و به عنوان خیرات پلو می‌پزند و خیرات می‌دهند (23).

### اعیاد و جشن‌های ملی و مذهبی

#### نیمه شعبان

در روز نیمه شعبان که مصادف با ولادت حضرت امام زمان (عج) می‌باشد، در استان گیلان، مساجد و بازارها را آذین‌بندی می‌کنند و به پخش شیرینی در معابر می‌پردازند و در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها جشن می‌گیرند.

در برخی از نقاط از جمله کلشتر و اطراف آن مردم باور دارند که در شب نیمه شعبان در لحظه‌ای آب‌ها از حرکت باز می‌ایستند و درختان سر فرود می‌آورند و هر کس آن لحظه را درک کند هر مرادی داشته باشد برآورده خواهد شد (24).

#### عید قربان

عید قربان در استان گیلان به ویژه در هشتر و توالش گرامی داشته می‌شود. در این روز بسیاری از مردم سعی می‌کنند در صورت استطاعت مالی قربانی کنند.

گیلانیان به خاطر قربانی روز عید، نام قربان را بر ماه ذی الحجه نهاده‌اند.

گاهی چند نفر با هم شريك می‌شوند و گوسفندی را قربانی می‌کنند و خون آن را در برخی از نواحی به مزارع خویش می‌پاشند تا زمین آنها دارای برکت شود.

از جمله رسم‌های عید قربان در گیلان، فرستادن قربانی برای دخترانی است که نامزد

شده‌اند. طبق این رسم گوسفند قربانی را در حالی که بر پشت آن حنا بسته و شاخه‌های گل بر شاخ‌هایش بسته‌اند از طرف خانواده داماد به خانه عروس که دوران نامزدی را طی می‌کند می‌فرستند.

### عید غدیر

در روز هیجدهم ذی الحجه، عید غدیر که به عید سادات مشهور است، مردم در گیلان به زیارت سادات می‌روند و از آنها عیدی می‌گیرند. برخی از ثروتمندان در روز عید غدیر به سادات فقیر عیدی می‌دهند و از آنها به جهت تمین و تبرک عیدی می‌گیرند. در این روز همچنین به دیدن بزرگان فامیل نیز می‌روند.

### عید نوروز

عید نوروز در استان گیلان با فضای سرسبز و حیات دوباره طبیعت و آغاز بهار، رنگ و بوی خاصی دارد.

با فرارسیدن ماه اسفند، زنان گیلانی به خانه تکانی می‌پردازند و خود را برای استقبال از بهار آماده می‌کنند.

در هنگام تحویل سال بسیاری از مردم به زیارت امامزاده‌ها می‌روند و لحظه تحویل سال را در آنجا سپری می‌کنند.

در اولین لحظه تحویل سال و یا طلوعه اولین روز بهار، فردی که در اصطلاح خوش قدم است به خانه‌ها پا می‌گذارد و با قرار دادن گل در طاقچه، مقداری آب در پاشنه خانه می‌ریزد و قرآن، آب و آینه را در سفره هفت سین قرار می‌دهد. همچنین سکه‌ای برای شگون به صاحب‌خانه می‌دهد و در مقابل، عیدی و شیرینی از صاحب‌خانه می‌گیرد و تمام خانه را قدم می‌زند تا خیر و برکت را به همه جای خانه برساند. این افراد «خانه پازن» نیز نامیده می‌شوند.

در این ایام مردم به دید و بازدید اقوام و خویشان می‌روند. نوعروسان گیلانی نیز برای «گلاب‌زنی» در صبح نوروز به همراه هم سالان خود به خانه پدر و مادر نامزد خویش می‌روند و به اهل خانه گلاب می‌پاشند و عیدانه می‌گیرند.

در سیزدهمین روز نوروز نیز بنا بر يك سنت عمومی، مردم گیلان به سبزه زارها می‌روند و با سپری کردن روز، سبزه خود را به آب روان می‌سپارند و غذاهای سبزی‌دار می‌خورند (25).

### مراسم ازدواج

مراسم عروسی در گیلان دارای آداب خاص و متنوعی است که در همه جا ممکن است یکسان نباشد.

انتخاب همسر، نخستین مرحله ازدواج است و در جامعه روستایی گیلان اغلب همسران خود را در اثر برخوردها در مراسم عمومی مانند عروسی‌ها، کار در مزرعه و بازارهای هفتگی انتخاب می‌کنند. نخست زنان خانه داماد به خواستگاری می‌روند و پس از موافقت خانواده دختر، مردان و ریش سفیدان به خواستگاری (زن خواهی) می‌روند و پس از توافق بر مقدار مهریه، شیربها و سایر موارد، روز عقدکنان را تعیین می‌کنند. مراسم عقدکنان در خانه عروس انجام می‌پذیرد و سفره عقد را باید زنی خوشبخت بچیند. گیلانیان اعتقاد دارند گره زدن نخ و پارچه، بستن چاقو و کارهایی دیگر از این قبیل، در هنگام عقد، پیامدهای ناخوشایندی را به همراه دارد.

پس از مراسم عقد نوبت شیرینی خوران است که آن را در برخی مناطق «دومازن مارون» و یا «پاکشون» می‌نامند که در این مراسم داماد برای اولین بار پس از عقد به خانه همسر خود می‌رود.

فاصله دوران عقد و عروسی که دوران نامزدی نیز نامیده می‌شود ممکن است يك سال و یا بیشتر به طول انجامد. در این دوران خانواده عروس به تهیه جهیزیه می‌پردازند. در روز عروسی در خانه داماد و عروس جشن برپا می‌کنند و پس از پایان جشن،

عروس را طی مراسم خاصی همراه با صدای ساز و نقاره و بانگ شادی به خانه داماد می‌برند.

بردن عروس به خانه داماد را در اصطلاح «گیشه بری» می‌گویند. پس از برگزاری مراسم عروسی، روز دوم یا سوم همه به دیدن عروس و داماد، به اصطلاح «عروس‌تماشا» می‌روند و هدایایی به عروس و داماد می‌دهند (26).

#### ضرب المثل‌ها

برنج دَبون امبارَه، پلا پوتن چی کاره.

برنج در انبار باشد پلو پختن کار ندارد. (برای آدم غنی و بی‌نیاز ریخت و پاش مهم نیست.)

دیو شله اسبه موندنه، آمنه چرم دَنه شون انار پوش، به اسب دیوشل می‌ماند موقع آمدن چرم دارد و موقع رفتن پوست انار، (زمانی آرام ندارد و سخت برای پول در تلاش است.)

زو موسونه چله تره جی یخ مگتیه نشه. چله زمستون از تو یخ نمی‌شود گرفت. (کنایه از خست است) (27).

#### باورها

-درختی که میوه نمی‌دهد با تبر آن را تهدید می‌کنند که اگر میوه نداد آن را قطع خواهند کرد و معتقدند با این عمل درخت در سال آینده شکوفه خواهد داد.

-برای دفع چشم شور از مزارع کشاورزی، جمجمه اسب یا خوک را در آنها می‌آویزند.

-اگر به خانه‌ای پیه گرگ بمالند در آن خانه دعوا می‌شود.

-اگر سنگ سوراخی را به نخ بکشند و بر سردر خانه یا مغازه آویزان کنند، «چشم‌شور» را بی‌اثر می‌کند.

-زیر درخت انار و گردو نباید خوابید چون سنگین است (28).

#### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

##### الف) مذهبی

##### پیشینه مذهبی

مردم گیلان قبل از تشریف به آیین اسلام، پیرو آیین زرتشت بوده‌اند و برخی نیز آیین مزدکی را پذیرفته بودند. نخستین آشنایی عمومی گیلانیان با اسلام به سال ۱۱۴۱ ه.ق و فتح طبرستان و رویان به دوره عباسی باز می‌گردد.

مردم گیلان با تشیع از طریق علویانی که از بیم خلفا به گیلان پناه می‌بردند آشنا شدند. نخستین علوی مشهور یحیی بن عبدالله از فرزندان امام حسن (ع) در سال ۱۱۷۶ ه.ق به گیلان پناه برد و نخستین پایه‌های حکومت علوی در سال 250 ق در نواحی گیلان به وسیله حسن بن زید پایه‌گذاری شد. بسیاری از مورخین، اسلام آوردن مردم گیلان را در سال ۳۰۱ همزمان با قیام ناصرالکبیر مشهور به اطروش دانسته‌اند و از نوادگان امام زین‌العابدین (ع) بوده است.

آیین تشیع در گیلان همزمان با حکومت صفویه در ایران، با گرویدن سلطان احمدخان زیدی حاکم شرق گیلان به این آیین، گسترش پیدا کرد (29).

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از ۲۲۴۱۸۹۶ نفر جمعیت استان، ۸۸/۹۹ درصد آنها را مسلمانان (۲۲۳۹۲۹۴ نفر)، ۰/۲ درصد آنها را زرتشتیان (۴۶۴ نفر)، ۰/۱ درصد را مسیحیان (۲۶۹ نفر)، ۰/۱ درصد را سایر ادیان (۳۱۰ نفر) و ۰/۷ درصد (۱۵۷۳ نفر) نیز دین خود را اظهار نکرده‌اند (30).

##### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان گیلان دارای ۲۶۴۷ باب مسجد، يك باب مصلی، ۳ باب نمازخانه، ۵۴۴ باب امامزاده، ۴ باب نظرگاه و قدمگاه، ۱۲۷ باب زیارتگاه بزرگان دین، ۳۷ باب حسینیه، ۵ باب تکیه، ۴ باب فاطمیه، ۳ باب محمدیه، ۱۱ باب حیدریه و

زینبیه و ۵ باب خانقاه بوده است(31).

مهمترین مساجد استان عبارتند از:

مسجد جامع (رشت)، مسجد حاجی صمدخان (رشت)، مسجد صفی (رشت)، مسجد کاسه  
فروشان (رشت)، مسجد جامع (لاهیجان)، مسجد اکبریه (لاهیجان)، مسجد شهربافان  
(لاهیجان)، مسجد گلشن (لنگرود)، مسجد حاجی محمدخان امینی (لنگرود)، مسجد آقا  
سیدحسین (لنگرود)، مسجد جامع (فومن)، مسجد صاحب الزمان (ماسوله)، مسجد پال سرا  
(تالش) مسجد سید قادر آقا (تالش دولاب)، مسجد سرخی (انزلی) مسجد آقا سیدحسین  
(لنگرود) و....

مشهورترین امامزاده‌ها و بقاع متبرکه استان عبارتند از:

امامزاده آقا سید محمد (آستانه اشرفیه)،

امامزاده ابراهیم (شفت)،

امامزاده سید جلال‌الدین اشرف (آستانه اشرفیه)،

امامزاده صالح (انزلی)،

امامزاده هاشم (رشت)،

بقعه آقا سیدابراهیم (صومعه سرا)،

بقعه آقاسید حسین (لنگرود)،

بقعه آقا سیدعبدالله (فومن)،

بقعه بی‌بی حوریه (انزلی)،

بقعه بی‌بی فاطمه (صومعه سرا)،

بقعه دوازده تن (لنگرود)،

بقعه سیدابراهیم و سید قاسم (آستارا)،

بقعه سید محمود هرندی (رودبار)،

بقعه شیخ زاهد گیلانی (لاهیجان)،

بقعه عون بن محمد حنفیه (فومن)،

سرتربت (رودسر)،

شاه شهیدان (رودبار)،

مزار پیر شرفشاه (تالش)،

مزار درویشان (شفت)،

مزار میرزا کوچک خان جنگلی (رشت)،

مقبره دکتر معین (آستانه اشرفیه)،

مقبره کاشف السلطنة (لاهیجان) و(32)....

### مدارس دینی

سرزمین گیلان از دیرباز دارای مدارس دینی نسبتاً مهمی بوده است و عالمان بزرگی در  
این مدارس پرورش یافته‌اند. بسیاری از این مدارس در گذر حوادث از بین رفته و حتی  
نامی از آنها باقی نمانده است. برخی از مدارس استان گیلان عبارتند از:

مدرسه علمیه حاج حسن (رشت)، مدرسه علمیه امام صادق(ع) (رودسر)، مدرسه علمیه

جامع (لاهیجان، جنب مسجد جامع)، مدرسه جوادالائمه(ع) (صومعه سرا)، مدرسه علمیه

امام صادق(ع) (رودسر)، مدرسه علمیه صاحب الزمان(عج) (لنگرود)، مدرسه کاسه

فروشان (رشت)، مدرسه علمیه مستوفی (رشت)، مدرسه علمیه مسجد جامع (رشت)،

مدرسه علمیه ولی عصر(عج) (آستارا)، مدرسه علمیه قائمیه (بندر انزلی)، مدرسه علمیه

امام صادق(ع) (تالش)، مدرسه علمیه جلالیه (آستانه اشرفیه) و(33)....

### بزرگان و مشاهیر

سرزمین سرسبز گیلان در درون خود عالمان، فقیهان، فیلسوفان، عارفان، شاعران و  
سرداران بزرگی را پرورش داده است که به نام برخی از این بزرگان اشاره می‌کنیم:

- ناصرالحق اطروش (متوفی ۳۰۴ه.ق.)،
- یحیی بن زید دیلمی [فراء نحوی] (متوفی ۲۰۷ه.ق.)،
- مهیار دیلمی (شاعر، متوفی ۴۲۸ه.ق.)،
- شیخ عبدالله لاهیجی مشهور به شیخ عبدالله مازندرانی (فقیه، متوفی ۵۱۳۳۰ه.ق.)،
- شیخ محمدکاظم تنکابنی (فقیه، متوفی حدود ۱۰۳۳ه.ق.)،
- اسیری لاهیجی (شاعر، متوفی ۹۱۲ه.ق.)،
- میرزا کوچکخان جنگلی (متوفی ۱۲۹۹ه.ق.)،
- ابراهیم فخرایی (نویسنده، متوفی ۱۳۶۶ه.ش.)،
- ابوعلی حمزه بن عبدالعزیز، «سلار» (فقیه، متوفی ۴۴۸ه.ق.)،
- آقامیرزا هاشم اشکوری (فیلسوف، متوفی ۱۳۳۲ه.ش.)،
- میرزا حبیب‌الله رشتی (فقیه مشهور، متوفی ۱۰۷۲ه.ق.)،
- شیخ زاهد گیلانی (عارف، متوفی ۷۱۱ه.ق.)،
- شیخ عبدالقادر گیلانی (عارف، ۵۱۶ه.ق.)،
- میرزای قمی (فقیه و اصولی مشهور، متوفی ۱۳۲۱ه.ق.)،
- سید محمدباقر شفتی (فقیه، متوفی ۱۲۶۰ه.ق.)،
- سید شرف‌الدین حسینی، «نسیم شمال» (شاعر و آزادیخواه، متوفی ۱۳۱۲ه.ش.)،
- آیه‌الله العظمی محمدتقی بهجت (از مراجع تقلید)،
- آیه‌الله احسان‌بخش امام جمعه رشت،
- دکتر محمدمعین (صاحب لغت‌نامه معین) و (34)....

#### فصل دوم: اوضاع سیاسی

##### از انقلاب مشروطیت تا روی کار آمدن پهلوی اول

استان گیلان در جریان انقلاب مشروطیت نقشی بسیار حساس و مهم داشته است و از میان تمام استانهای کشور، گیلان پایگاه بلند و ارزشمند آزادی‌خواهان و پیشگام مشروطیت ایران بوده است. با ظهور انقلاب مشروطیت در تهران، مردم استان گیلان با آغوش باز از آن استقبال کردند و در واقعه میدان توپخانه و به توپ بستن مجلس، تعطیل عمومی اعلام کردند و در تلگراف‌خانه اجتماع کردند. در آغاز مشروطیت چند کمیته و انجمن سری در رشت و انزلی تشکیل گردید که مهمترین آنها کمیته ستار، انجمن اخوت و انجمن ابوالفضلی‌ها در رشت و انجمن عدالت و کمیته برق در بندر انزلی بوده‌اند. مجاهدین پس از کشتن حاکم گیلان، دولت انقلاب را تشکیل و محمدولی خان تنکابنی را به ریاست حکومت انقلابی گیلان برگزیدند. محمدولی خان سپهدار تنکابنی پس از برقراری نظم و امنیت در گیلان به عنوان فرمانده مجاهدان به منظور فتح تهران به حرکت درآمد و با کمک آزادیخواهان قزوین، آنجا را فتح و به سوی تهران حرکت کردند و در سپیده دم روز ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ه.ق گروه مجاهدین گیلانی و بختیاری وارد تهران شدند و محمدعلی شاه که به سفارت روسیه پناهنده شده بود از سلطنت خلع و احمدشاه فرزند وی را به پادشاهی برگزیدند (35).

در سال ۱۳۲۹ه.ق با دخالت نیروهای نظامی روسی و اشغال گیلان، مردم گیلان کالاهای روسی را تحریم کردند و دانش‌آموزان همراه با سایر مردم در سایه رهبری روحانیت، کفن‌پوشان در خیابانها به راهپیمایی برخاسته و بر علیه روسها شعار می‌دادند (36).

##### گیلان در جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۲۸ه.ق علی‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران نسبت به طرفهای درگیر در جنگ، نواحی شمال ایران به ویژه استان گیلان از طرف دولت روسیه اشغال شد و نظامیان و فرماندهان روسی، حقوق و نوامیس مردم را مورد تجاوز قرار دادند. در همین زمان، نهضتی در گیلان به رهبری میرزا کوچکخان جنگلی شکل

گرفت. جنگلیان که از حمایت مردم برخوردار بودند، بر علیه نیروهای اشغالگر و دولتی عملیاتهای متعددی انجام دادند. میرزا کوچکخان از نیروهای مخالف انگلیس و روسیه، یعنی آلمان، اتریش و عثمانی استفاده کرد. و پس از کسب موفقیت‌های نسبی، با نفوذ نیروهای چپ‌گرا در نهضت جنگل و بروز اختلاف، این نهضت در سال ۱۲۹۹ه.ق، دچار شکست شد و سردار جنگل در زمستان سرد در راه خلخال جان داد(37).

#### واقعه کشف حجاب

با بازگشت رضاشاه از ترکیه و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب و اتاتورک، در سال ۱۳۱۴ه.ق اقدام به یکسان کردن لباسها، کشف حجاب و جلوگیری از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی نمود. در گیلان برای گسترش بی‌حجابی ابتدا رؤسای ادارات دولتی زنان خود را بدون حجاب به مراسم و جشنها آورده و سپس دختران مدارس را مجبور به کشف حجاب نمودند. اما برنامه کشف حجاب در گیلان با اعتراضات عمومی همراه شد. آیه‌الله شیخ یوسف گیلانی مجتهد بزرگ رشت کتابی به نام «طومار عفت» نگاشت که به خاطر نوشتن این کتاب به زندان افتاد (38). آیه‌الله کاشانی نیز به مناسبت مقاومت مردم گیلان در مقابل فشارهای حاکمان گیلان، پیامی به دولت وقت مخابره نمود(39).

#### گیلان در جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهان دوم، از سال ۱۹۴۱، گیلان تحت اشغال نیروهای شوروی درآمد و تا پایان جنگ در این استان حضور داشتند. در طول جنگ جهانی دوم، برنج که محصول عمده گیلان بود، قیمت گزافی پیدا کرد(40)..

#### حوادث سیاسی دوران انقلاب اسلامی

مردم استان گیلان از آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی همگام با سایر نقاط کشور، در اعتراض به این فاجعه در کنار علماء دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. در جریان انقلاب اسلامی با فعالیت مستمر روحانیت، دیگر قشرها از جمله بازاریان، اصناف، دانشگاهیان و پزشکان نیز اقدام به اعتصاب و راهپیمایی نمودند. در صبح روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ حمله به مراکز نظامی و سازمان امنیت در رشت آغاز شد و همزمان با سقوط رژیم در تهران، استان گیلان نیز به دست مبارزان افتاد و یک کمیته ۲۵ نفری به ریاست آیه‌الله احسان‌بخش تشکیل و به اداره امور در گیلان پرداخت.

#### استان گیلان و جنگ تحمیلی

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جوانان پر شور و مسلمان استان گیلان در قالب لشکر ۲۵ کربلا و تیپ قدس عازم جبهه‌های جنگ شدند و در بسیاری از عملیاتها حماسه آفریدند و در طول دفاع مقدس، شهداء و مجروحین فراوانی تقدیم انقلاب اسلامی نمودند. همچنین مردم این استان در طول ۸ سال جنگ تحمیلی با کمکهای خود به یاری رزمندگان اسلام شتافتند. به عنوان مثال می‌توان به اعزام کاروان هدایای مردم که شامل هزار دستگاه کامیون بوده است، اشاره کرد(41)..

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، آمارنامه استان گیلان ۱۳۷۵، ص ۱.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان گیلان. صفحه پانزده.
- 3- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران. کتاب گیلان، جلد اول، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.
- 4- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، همان، ص ۱۵ - ۲۰ و ۲۹۲-۲۹۳.
- 5- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، همان، جلد دوم ص ۲۳.
- 6- همان، جلد اول. ص ۴۸۵-۴۸۲ و علی طاهری، راهنمای زیارت و سیاحت در گیلان. ص ۹۳-۷۷.
- 7- علی طاهری، همان، ص ۱۵۸-۱۵۲.
- 8- مرکز آمار ایران، ص‌شانزده.

- 9- همان، ص بیست و شش - سی و یک.
- 10- علی طاهری، همان، ص ۸۲.
- 11- مرکز آمار ایران، همان، صفحه بیست و چهار و سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، همان، ص ۱۳۵-۱۲۶.
- 12- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، همان، ص ۱۴۶.
- 13- همان، ص ۲۱۸-۲۱۵.
- 14- ابراهیم اصلاح عربانی، همان، ج 3، ص ۶۸۹-۶۸۶.
- 15- علی طاهری، همان، ص ۱۷۳.
- 16- همان، ص ۱۰۹ و وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی - اجتماعی استان گیلان، ۱۳۷۰. ص ۷۹-۷۸.
- 17- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، همان، ص ۱۶۵-۱۶۳.
- 18- احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول، ص ۳۴.
- 19- همان، ص ۱۹۱-۱۹۰.
- 20- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، همان، جلد سوم، ص ۴۵۳.
- 21- همان، ج ۲، ص ۴۳.
- 22- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، کتاب گیلان، ج ۳، ص ۴۵۲-۴۴۹.
- 23- همان، ص ۴۴۸.
- 24- همان، ص ۴۵۴.
- 25- همان، ص ۴۵۹-۴۵۸.
- 26- همان، ص ۴۴۱ و ۴۴۸.
- 27- محمود پاینده لنگرودی، فرهنگ مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم. ص ۷۲، 156 و ۱۶۳.
- 28- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، همان، ص ۴۶۸.
- 29- ابراهیم، اصلاح عربانی، طلایه کتاب گیلان. ص ۸۲-۸۱.
- 30- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، همان، ص ۹۳.
- 31- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵. ص ۱.
- 32- منوچهر ستوده، آستارا تا استارآباد. انجمن آثار ملی. ج ۱ و ۲.
- 33- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 34- رضا مظفری، مشاهیر گیلان، ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، کتاب گیلان، ج ۲؛ محمدعلی قربانی، پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن، و ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، طلایه کتاب گیلان.
- 35- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، طلایه کتاب گیلان، ص ۹۷-۹۵.
- 36- محمدرضا سماک امانی، سیمای رشت. ص ۷۲.
- 37- مریم کشاورز، گیلان، ص ۶۵-۶۰.
- 38- محمدرضا سماک امانی، همان، ص ۹۰-۸۸.
- 39- مرتضی جعفری، معصومه فرشچی، صغری اسماعیلزاده، واقعه کشف حجاب، ص ۴۱۸.
- 40- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳. ص ۳۶۰-۳۵۸ و ج ۴، ص ۱۳۳.
- 41- ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، طلایه کتاب گیلان، ص ۱۰۵؛ محمدرضا سماک امانی، همان، ص ۹۸-۹۶.

بخش اول: جغرافیای طبیعی





### مشخصات جغرافیایی

استان گلستان با مساحت حدود ۱۹۴۳۴ کیلومتر مربع در فاصله ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد و ارتفاع مرکز آن از سطح دریا ۱۶۰ متر است. مرکز این استان شهرستان گرگان می‌باشد و فاصله آن تا شهرستان ساری (مرکز استان مازندران) ۱۳۷ (کیلومتر است) (۱).

در حال حاضر این استان دارای ۷ شهرستان، ۱۶ شهر، ۱۶ بخش، ۴۲ دهستان و بیش از ۱۱۰۰ روستا می‌باشد (۲).

استان گلستان از جنوب به سلسله کوه‌های البرز و استان سمنان، از غرب به استان مازندران، از شرق به استان خراسان و از شمال به دریای خزر و کشور ترکمنستان محدود می‌شود.

### ویژگی‌های طبیعی

آب و هوای این ناحیه معتدل خزری است و بارندگی آن نسبت به سایر نقاط شمالی کشور (مازندران و گیلان) کمتر است به طوری که میزان بارندگی سالانه آن از ۶۰۰ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند و در فصل تابستان به دلیل کاهش رطوبت، گرما نسبت به مازندران و گیلان افزایش بیشتری می‌یابد (۳).

مرتفع‌ترین قله منطقه موسوم به شاه کوه است که ارتفاع آن ۳۷۶۷ متر است.

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دام داری

شهرت استان گلستان به کشاورزی است و این منطقه را، سرزمین طلای سفید (پنبه) گفته‌اند. علاوه بر گندم به عنوان مهم‌ترین محصول زراعی استان، جو، برنج، سویا، حبوبات، سبزیجات، سیب زمینی، پیاز و علوفه بیشترین تولید را در استان دارند. محصولات جالیزی نیز به ویژه در سه شهرستان مینودشت، گنبد و علی آباد به مقدار زیادی تولید می‌شود.

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، عمده‌ترین محصولات زراعی این استان به شرح زیر بوده است:

پنبه: ۲۳۳۵۰۳ تن، گندم: ۴۱۹۶۰۲ تن، جو: ۱۶۲۷۳۳ تن، برنج (شلتوک) ۱۲۹۹۸۷ تن (۴).

در سال‌های اخیر کشت زیتون و گردو رونق بسیار زیادی یافته است و مناطق اطراف آزادشهر در این استان به عنوان یکی از قطب‌های کشت زیتون مطرح می‌باشد.

#### دامپروری

استان گلستان به علت داشتن مراتع سرسبز، دارای دامپروری غنی در زمینه گوسفندداری و گاوداری می‌باشد.

بیشترین آمار دام استان مربوط به گاوداری‌ها و گوسفندداری‌های غیر صنعتی است که آمار بسیار بالایی دارد.

علاوه بر این، دامداری‌های صنعتی در سال ۱۳۷۵ شامل: ۷۴ واحد گاوداری شیری، ۱۳۸ واحد گاوداری پرواری، ۳۱۶ واحد گاوداری دورگ، ۹۴ واحد گوسفندداری بوده است.

هم چنین مرغداری‌های صنعتی نیز شامل: ۴۱۱ واحد مرغداری گوشتی، ۲ واحد مرغ

مادر گوشتی، ۸ واحد مرغ تخمگذار و ۲ مؤسسه جوجه کشی بوده است (5).

### صنایع و معادن

امروزه صنایع وابسته به کشاورزی، دام پروری و جنگل در این استان رو به گسترش است و کارخانه‌های شیر پاستوریزه و تولید محصولات لبنی در گرگان، رامیان و دیگر نقاط استان به وجود آمده است.

بخشی از کارخانه‌های صنعتی این استان عبارتند از:

پنبه هیدروفیل گنبد، کارخانه دلند الکتریک در شهرستان آزادشهر، صنعت چوب شمال تولید کننده نئوپان در گنبد. ماکارونی فندرسک، واحد تولیدی زرین گل، کشت و صنعت گرگان (مواد غذایی)، نانک گرگان (ماکارونی)، شیر گرگان، زمزم گرگان (نوشابه غیر الکلی)، شرکت سهامی خاص روغن مایع سویای طبیعی (کردکوی)، پنبه گرگان، و کارخانه‌های متعدد پنبه پاک کنی در گنبد، آزاد شهر، علی آباد و... علاوه بر این، در سال‌های اخیر نیز تعدادی کارخانه ماکارونی، تولید کالباس و سوسیس، پنیر و مواد لبنی، صنایع چوب و ... در شهرهای مختلف استان ایجاد شده است (6).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

هر چند تمام جنگل‌های بی نظیر این استان، منطقه را به صورت گلستان درآورده است ولی بخشی از جنگل‌های آن به «جنگل گلستان» شهرت دارد و همین نام و تناسب آن با واقعیت این خطه، زمینه نامگذاری استان به گلستان به مرکزیت گرگان در ۱۶ آذر ۱۳۷۶ از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی را فراهم کرده است. در قدیم و حتی امروزه به تمام این ناحیه گرگان و دشت اطلاق می‌شد و قبل از گرگان، نام استرآباد و جرجان زمین شهره آفاق بوده و در کتب تاریخی از آن یاد شده است. برخی معتقدند گرگان از نام گرگین حاکم مازندران گرفته شده و یا ترجمه نام فارسی قدیم آن یعنی هیرکانی یا هیرگان (ویرگان) است و استرآباد نیز یا ترجمه «زادرا - کارتا - «زادرا» یعنی ستاره و «کارتا» یعنی آباد - است و یا به دلیل وجود رصد خانه و توجه به ستارگان در این منطقه بوده است که آن را ستاره آباد گفته‌اند و شاید از استر به معنی قاطر و چهارپا باشد (7).

#### پیشینه تاریخی

استان گلستان امروزه محدوده‌ای است که در قدیم به آن جرجان، گرگان و استرآباد می‌گفته‌اند و شهر گرگان فعلی بخشی از آن بوده است و در واقع جایگزین استرآباد و شاید مرکز استرآباد قدیم باشد.

گرگان در دوران هخامنشی، آبادی مهمی به شمار می‌رفت به طوری که گرگانیان از بهترین افراد سپاه جاویدان داریوش اول به شمار می‌آمدند. در دوران ساسانیان در سراسر خطه سرحدی، جهت جلوگیری از هجوم طوایف شمالی در این حدود دیوار دفاعی عظیمی بنا گردید. این دیوار از شرق دریای خزر شروع و از شمال آق قلعه و گمشیان گذشته، پس از پیمودن شمال گنبد به طرف شمال غرب رفته و دامنه کوه‌های بجنورد خاتمه می‌یافت (8).

گرگان بعد از ظهور اسلام، حدود سال 22 ه.ق به دست سوید بن مقرن در زمان خلافت عمر به صلح فتح شد. (بعضی فتح آن را به دوران عثمان نسبت می‌دهند.) سال ۲۱۱ ه.ق عبدالله بن طاهر حکمران گرگان بود. طغرل سال ۴۳۳ ه.ق گرگان و طبرستان را فتح کرد. در زمان سلطان تکش، خاندان کبود جامه از طرف آنان بر گرگان حکومت داشتند. این شهر مانند سایر بلاد ایران به دست لشکر مغول به کلی ویران شد. بعد از ویرانی گرگان (جرجان) مردم آن به محل استر آباد کنونی (گرگان فعلی) کوچ کردند.

ترکمانان قره قویونلو نیز مدتی بر این ایالت حکومت داشتند، تا آن که از بکان به سال

۹۱۲هـ.ق بر استر آباد دست یافتند ولی در سال ۹۱۶ با شکست آنان از شاه اسماعیل صفوی گرگان از وجود آنان پاک شد.

سال ۱۰۲۰هـ.ق شاه عباس به مازندران و استرآباد سفر کرد و قلعه مبارک آباد را در گرگان ساخت و ایل قاجار را به آنجا کوچاند.

استرآباد تا پایان حکومت صفوی در قلمرو حکومت آنان بود. این شهر را در زمان صفویه، دارالمؤمنین می‌نامیدند و علت آن وجود سادات زیادی بود که در این شهر زندگی می‌کردند.

[محدوده ایالت استرآباد در عصر صفوی از مغرب به اشرف (بهشهر) و هزار جریب و از مشرق به نواحی حاجیلر و گرایلی محدود می‌شد. هم چنین آن سوی رود گرگان (ولایت میان جرجان و خوارزم تا رود اترک) همه از توابع استر آباد بود(9)].

در سال ۱۱۴۵هـ.ق، گرگان در تصرف نادر بود. به خاطر هجوم مکرری که از طرف ترکمن‌ها به این شهر می‌شد، نادرشاه دستور داد تا باروئی برگرد آن ساختند که مانند قلعه‌ای به نظر می‌رسید. در بالای آن ارابه و توپ گردش می‌کرد و در هر ۵۰۰ متر برج خاکی ساخته و در آن طرف بارو، خندق وسیع ایجاد کرده بودند.

محمدحسن خان قاجار که در عهد نادرشاه حاکم استرآباد بود، قلعه‌ای در قسمت شرقی این حصار ساخته بود که نادرشاه آن را خراب کرد.

استرآباد را مهد خاندان قاجاریه نامیده‌اند. زیرا آقا محمد خان قاجار مؤسس این سلسله در این شهر و در خانه سید رضا مفیدی که به مولود خانه معروف است به دنیا آمد. وی پس از مرگ کریمخان، گرگان و مازندران را پایگاه مبارزاتی خویش قرار داد. ولی علی رغم این حضور، گرگان تا انقراض سلسله قاجاریه اغلب ناامن بود و مردم آن، روز خوشی را ندیدند(10).

در دوران قاجاریه و به دنبال شکست‌های ایران از روسیه، کنسول‌گری روسیه در استرآباد ایجاد شد که در تمام امور دخالت می‌کرد و معمولاً دخالت آنها باعث اختلال در کارها می‌گردید(11).

### بناهای تاریخی

گرگان دارای بناهای تاریخی بسیاری است که برخی از آنها عبارت است از:

امامزاده نور در محله سرچشمه گرگان، (متعلق به دوره سلجوقی).

تورنگ تپه در ۱۷ کیلومتری شرق گرگان با آثاری از دوره پارسی و ساسانی تا تیموری.

امامزاده روشن آباد، درهای امامزاده مربوط به سال ۸۶۵هـ.ق است.

مسجد سردار - دوره قاجاریه، سد اسکندر یا دیوار دفاعی گرگان - از دوره ساسانی،

مسجد جامع گرگان، از دوره سلجوقی.

برج رادکان با قدمت ۱۰۰۰ ساله، در ۲۴ کیلومتری کردکوی.

کاخ آقا محمد خان، از آثار دوره صفویه است که آقا محمد خان آن را تعمیر کرد.

میل گنبد، از آثار شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، سال ۳۹۷هـ.ق.

مسجد جامع و مناره گرگان، از آثار دوره سلجوقی و....

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های فرهنگی

بر اساس سرشماری ۱۳۷۵، این استان دارای ۱۴۲۶۲۸۸ نفر جمعیت بوده است. از این

تعداد ۷۱۰۲۸۷ نفر مرد و ۷۱۶۰۰۱ نفر زن بوده‌اند. هم چنین ۵۸۸۹۸۵ نفر در نقاط

شهری و ۸۳۰۱۷۱ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند(12). جمعیت و خانوار

شهرستانهای استان گلستان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1426288	710287	716001	268849

119343	293792	295193	588985	ساکن در نقاط شهری
148143	418771	411400	830171	ساکن در نقاط روستایی
1363	3438	3694	7132	غیر ساکن
18994	56044	55348	111392	شهرستان ترکمن
9532	26515	26442	52957	ساکن در نقاط شهری
9462	29529	28906	58435	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
22899	59035	58252	117287	شهرستان علی آباد
8431	20671	20726	41397	ساکن در نقاط شهری
14468	38364	37526	75890	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
74429	206007	205515	411522	شهرستان گنبد کاووس
33448	86050	85694	171744	ساکن در نقاط شهری
40740	119374	119182	238556	ساکن در نقاط روستایی
241	583	639	1222	غیر ساکن
23805	57071	55685	112756	شهرستان کردکوی
10878	25337	25221	50558	ساکن در نقاط شهری
12927	31734	30464	62198	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
84114	211248	210522	421770	شهرستان گرگان
45291	104505	106405	210910	ساکن در نقاط شهری
38823	106743	104117	210860	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
44608	126596	124965	251561	شهرستان مینودشت
11763	30714	30705	61419	ساکن در نقاط شهری
31723	93027	91205	184232	ساکن در نقاط روستایی
1122	2855	3055	5910	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان مازندران.

#### وضع فعالیت

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت ده ساله و بیشتر استان، ۳۴۸۱۶۸ نفر شاغل و ۳۸۱۶۶ نفر بی‌کار جویای کار بوده‌اند (13).

#### زبان و نژاد

مردم استان گلستان به زبان فارسی صحبت می‌کنند و گویش‌های محلی نظیر گویش گیلکی در غرب استان و گویش‌های ترکی و ترکمنی در شرق استان وجود دارد. به دنبال مهاجرت نژادهای غیر بومی قاجار، ترک، بلوچ، سیستانی، سبزواری و غیره به این استان گویش‌های این گروه‌ها نیز بر انواع گویش‌های محلی افزوده شده است. چند اصطلاح رایج به زبان گرگانی: اشنه (عطسه)، او (آب)، بابو (جد)، بی‌بی یا عجی (جده)، سرتو کردن (سرزنش کردن)، دله (شکم پرست)، فیس (تکبر)، جُول (عمیق)،

قتلمه) نان فتیر روغنی)، افتو و مهتو (آفتاب و مهتاب). هم اکنون ساکنان این استان ترکیبی از مردم بومی، قاجار، ترک، بلوچ، کرد، دیلمی، کولی، دامغانی، سیستانی، سبزواری، کاشمیری، آشوری، ترکمن، بسطامی می‌باشند(14).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۶۵/۷۶ درصد باسواد و ۳۵/۲۳ درصد بی‌سواد بوده‌اند(15).

### مراکز دانشگاهی

به برکت انقلاب اسلامی آموزش عالی در استان گلستان از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. برخی از مهم‌ترین مراکز دانشگاهی استان عبارتند از:

- 1- آموزش‌شده کشاورزی گنبد.
- 2- دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر.
- 3- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد.
- 4- دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
- 5- دانشگاه پیام نور بندر ترکمن.
- 6- دانشگاه پیام نور گنبد.
- 7- دانشگاه علوم پزشکی گرگان.
- 8- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- 9- مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان گرگان.
- 10- مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان گنبد.
- 11- مرکز آموزش کشاورزی کردکوی.
- 12- مرکز تربیت معلم گرگان(16).

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه‌ها و مطبوعات

در سال ۱۳۷۵، در استان گلستان ۱۸ کتابخانه عمومی وابسته به اداره ارشاد اسلامی وجود داشته است. هم‌چنین در این استان ۳۳ چاپ‌خانه کوچک و بزرگ و دو نشریه پیام گلستان و نیمروز فعالیت دارند(17).

### سینما

در شهرستان‌های گنبد، آزادشهر، علی‌آباد، گرگان، بندر ترکمن و بندر گز ۱۰ سینما وجود دارد و سایر شهرستان‌ها تا سال ۱۳۷۵ از داشتن سینما محروم بوده‌اند(18).

### پارک‌ها

با توجه به سرسبزی منطقه و وجود جنگل‌های طبیعی انبوه، پارک‌های احداثی جلوه‌چندانی ندارند. با وجود این، پارک جنگلی قرق، پارک جنگلی دلند، پارک طبیعی نهار خوران گرگان و پارک جنگلی گلستان از مهم‌ترین پارک‌های این استان به شمار می‌روند. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، ۸ استادیوم، ۷ استخر شنا، ۱۲۱ زمین والیبال، ۵۳ زمین بسکتبال، ۱۱۰ زمین فوتبال (چمن و خاکی)، ۳ مجموعه سوارکاری، ۴ پیست دو و میدانی، یک زمین تنیس، ۴ زمین هندبال، ۱۹ سالن تنیس روی میز، ۴ سالن شطرنج، ۶ سالن والیبال، ۳ سالن بسکتبال، ۱۶ سالن کشتی، ۴ سالن وزنه برداری، ۲۴ سالن چند منظوره، ۶ سالن ورزشی باستانی، ۳ سالن ژیمناستیک، ۲ استخر شنا، ۲ سالن بوکس و ۱۰ سالن رزمی بوده است(19).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ماه مبارک رمضان

مردم استان چند روز قبل از فرا رسیدن ماه رمضان خود را آماده استقبال از ماه خدا می‌کنند. مساجد را می‌آرایند و غبار آن را می‌زدایند.

برخی از مؤمنین بنا بر سنت دیرین خود، از چند روز قبل با روزه گرفتن به پیشواز ماه رمضان می‌روند. با آغاز این ماه پر خیر و برکت مردم به مساجد روی می‌آورند و جان خویش را با کلام خدا و سخن واعظان آرامش می‌بخشند.

از مراسم پرشکوه ماه رمضان جلسات قرائت قرآن در مساجد و منازل است. در برخی از شهرهای استان نیز در شب‌های رمضان مراسم «الله رمضونی» انجام می‌شود. در این مراسم، جوانان به جمع‌آوری اعانات برای مستمندان می‌پردازند و از محل جمع‌آوری این کمک‌ها به مستمندان افطاری می‌دهند. (معمولاً غذای تهیه شده را به منازل مستمندان می‌برند).

با فرا رسیدن شب‌های احیاء، مساجد شور و نشاطی خاص می‌یابد و مردم روزه‌دار با اشتیاق فراوان در مساجد حضور می‌یابند و مراسم احیاء را با خواندن قرآن، دعای جوشن کبیر و قرآن بر سر گرفتن، به‌جا می‌آورند. این شب‌ها که مصادف با شهادت امام امیرالمؤمنین (ع) است، دسته‌های عزادار در مساجد به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند. از جشن‌های ماه رمضان در این استان می‌توان به جشن نیمه رمضان) و ولادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)) و جشن ۲۷ رمضان (کشته شدن ابن ملجم) اشاره نمود.

#### عید فطر

با پایان یافتن ماه رمضان و نمایان شدن هلال ماه شوال، مردم خود را آماده استقبال از عید فطر می‌کنند و هم‌زمان با طلوع آفتاب به سوی مکان برگزاری نماز عید می‌شتابند و پس از برگزاری نماز به دید و بازدید دوستان و آشنایان می‌پردازند. اهل سنت و ترکمنان منطقه به عید فطر و عید قربان بیشتر از سایر اعیاد اهمیت می‌دهند(20).

#### ماه محرم

ماه محرم با مراسم و آئین‌های آن در میان مردم استان گلستان دارای جایگاهی برجسته می‌باشد. این مراسم با سیاه‌پوش نمودن مساجد، حسینیه‌ها و تکایا و افراشتن پرچم سیاه بر فراز منازل، بازار و مغازه‌ها شروع می‌شود.

در پنجمین روز محرم بنا بر يك سنت دیرین علم‌های عزا با پارچه الوان زینت داده می‌شود. این مراسم در میان مردم استان به «علم بندان» شهرت دارد که به نام حضرت عباس «ع» علم‌ها را بسته و به حرکت درمی‌آورند.

با بستن علم‌ها، مراسم رسمی عزاداری در استان آغاز می‌شود و هیئت‌های عزادار در خیابان‌ها به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. اوج عزاداری در روزهای تاسوعا و عاشورا می‌باشد.

در این روزها دسته‌ها با شکوه خاص در حالی که در عزای سالار شهیدان در حزن و اندوه فرو رفته‌اند به طرف امام‌زاده‌ها و محل جلوس امام جمعه شهر حرکت می‌کنند. معمولاً در روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداران حسینی در حسینیه‌ها، مساجد و منازل اطعام می‌شوند.

در یازدهمین شب محرم، هیئت‌های عزادار در حالی که شمع‌های روشن در دست گرفته‌اند در دسته‌های کوچک در خیابان‌ها به عزاداری می‌پردازند و مراسم شام غریبان را برپا می‌کنند. مراسم عزاداری عمومی در این استان به دهه اول محرم محدود می‌شود. همچنین در دهه آخر ماه صفر که مصادف با اربعین حسینی و رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت امام مجتبی (ع) می‌باشد در مساجد و حسینیه‌ها مراسم روضه‌خوانی و عزاداری برقرار می‌باشد و در روز اربعین و ۲۸ صفر دسته‌های عزادار در خیابان‌ها به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند.

گذشته از این، بنا بر يك سنت دیرین، بسیاری از مردم استان در این روزها، برای عزاداری و عرض تسلیت به محضر هشتمین امام شیعیان (ع)، خود را به مشهد مقدس می‌رسانند و در کنار بارگاه امام‌رضا (ع) به عزاداری می‌پردازند(21).

## مجالس ترحیم

برگزاری مجالس ترحیم با سایر نقاط ایران تفاوت چندانی ندارد. معمولاً در این مجالس، بر خلاف دستورات اسلامی، خانواده میت مخارج سنگینی را به ویژه تا؛ طظ روز چهارم متحمل می‌شوند. سوم، هفتم، پانزدهم و چهارم مراسم گرفته می‌شود و در تمام این روزها پذیرایی به صورت نهار یا شام صورت می‌گیرد.

قرآن خوانی برای اموات بسیار متداول است. مراسمی به عنوان «پیش عیدی» قبل از عید نوروز در منطقه مرسوم است که مردم برای شادی روح اموات خود عده‌ای قرآن خوان را دعوت کرده و شام می‌دهند تا برای اموات آنان قرآن بخوانند.

## عید غدیر

ارزش عید غدیر بر کسی پوشیده نیست. مردم استان گلستان این روز را بسیار گرامی داشته و به صورت انفرادی و دسته جمعی به دیدن سادات می‌روند. مجالس پذیرایی عمومی نیز در سال‌های اخیر رایج شده است.

## عید قربان

قربانی کردن در روز عید قربان، مورد عنایت همه مردم استان گلستان است. اهل سنت به ویژه ترکمن‌های استان اهمیت ویژه‌ای برای این عید قائل هستند و به این مناسبت معمولاً سه روز جشن برگزار می‌شود و از میهمانان پذیرایی می‌کنند.

## عید نوروز

عید نوروز یکی از اعیاد مهم در منطقه گلستان به شمار می‌رود و مراسم این روزها با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. قبل از عید زنان به پختن نان‌های محلی و نوعی شیرینی به نام «کاک» و تهیه سمنو می‌پردازند.

معمولاً در مجالس عید دیدنی، دادن تخم‌مرغ رنگ شده و عیدی به بچه‌ها، مرسوم است. رفتن نوعروسان به خانه پدری در عید اول، امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین در این روزها مرسوم است به خانه کسانی که سال اول از دست دادن فردی از اعضای خانواده آنهاست، بروند.

سالگر یا (شگون) روز اول عید و در لحظات اولیه سال تحویل با قرآنی در دست وارد منازل می‌شود تا سال خوشی برای صاحب منزل رقم بخورد.

## جشن عروسی

ویژگی ممتاز عروسی در استان گلستان این است که در اکثر نقاط استان تهیه جهیزیه به عهده هر دو خانواده (عروس و داماد) می‌باشد.

اگر عروس مدتی در عقد بماند و عروسی انجام نشود داماد باید در مناسبت‌های مختلف هدایای مناسبی را به خانه پدر عروس ببرد.

اکثر خانواده‌ها پولی به عنوان «باشلق» از داماد برای تهیه جهیزیه می‌گیرند. يك روز بعد از عروسی، مراسم پاتختی انجام می‌شود که فامیل، نزدیکان و دوستان برای عروس هدیه می‌آورند.

استفاده از ساز و دهل در روز جشن عروسی مرسوم است و اخیراً آلات جدید موسیقی رواج زیادی پیدا کرده است.

در بعضی از نقاط استان در روز عروسی بعد از صرف غذا، افراد دعوت شده به تناسب توان خود، مبلغی پول در سینی شیرینی که بین افراد می‌چرخاند، می‌اندازند.

در میان غیر بومیان منطقه مانند زابلی‌ها و بلوچ‌ها هنوز هم سنت‌های بسیار قدیمی رایج و ازدواج‌های اجباری مشاهده می‌شود.

دادن دختر به عنوان خون‌بها به صورت نادر هنوز هم وجود دارد.

مراسم چوب بازی از مراسم‌های مرسوم در عروسی‌های زابلی‌ها و بلوچ‌ها می‌باشد که نوعی رقص محسوب می‌شود.

## باورها



اعتقاد به جن، پری، دیو و ... در میان مردم این سامان وجود دارد. دعا گرفتن و دعا نویسی از جمله اعتقادات رایج در میان مردم است. هنگام چای خوردن اگر استکان‌ها دنبال هم ردیف شود، میهمان می‌آید. آب روشنایی است باید پشت سر مسافر آب پاشید تا سلامت برگردد. زدن گربه را در شب بد می‌دانند.

### ضرب المثل‌ها

\*چوپان اگر دلش بخواهد از تکه نر شیر می‌دوشد.  
(وقتی این مثل به کار می‌رود که بخواهند بفهمانند مخاطب اگر بخواهد می‌تواند کار را انجام دهد.)  
\*گرگ به گله می‌زند چوپان را دستشویی می‌گیرد.  
(کار بی‌موقع کردن مراد است.)  
\*سالی که نیکوست از بهارش پیداست.  
\*کار ورزا می‌کنه، ان و ان را ماده گاو می‌کنه.  
(وقتی از این مثل استفاده می‌شود که کار را کسی انجام دهد و ادعا و سخن گفتن درباره آن را دیگری انجام دهد(22)).

### آداب ویژه ترکمن‌ها

بسیاری از ترکمن‌های ایران در استان گلستان زندگی می‌کنند و پیرو مذهب حنفی هستند. روحانیون ترکمن از نظر شاخص‌های دینی به: آخون، ملا، قاری، ایشان و اولاد تقسیم می‌شوند.  
اولاد و ایشان‌ها احترام خاصی نزد ترکمن‌ها دارند، بر سر قبر آن‌ها گنبد می‌سازند و به زیارت قبر آن‌ها می‌روند و برای آن‌ها نذری می‌کنند.  
ترکمن‌های استان دارای آداب و اعتقادات مذهبی خاصی هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:  
ترکمن‌ها مانند بسیاری دیگر از مسلمانان هر روز نماز را در پنج وعده می‌خوانند و به نماز جماعت اهتمام فراوانی دارند.

### ماه رمضان

با فرا رسیدن ماه رمضان ترکمن‌ها با آداب و رسوم خاص این منطقه مهیای میهمانی خدا می‌شوند. در این ایام مساجد گرم و پر نور می‌شود. نماز تراویح از مهم‌ترین مناسک عبادی ماه رمضان پس از نمازهای یومیه است.  
از دیگر مراسم ماه رمضان که مختص ترکمن‌هاست برگزاری مراسم «یا رمضان» است که در شب چهاردهم رمضان و پس از ادای نماز عشاء و تراویح انجام می‌پذیرد. در این مراسم دسته‌های چند نفری از جوانان با خواندن سرودهایی با مضامین مذهبی از درب مساجد به سوی منازل مردم حرکت می‌کنند و در هر خانه‌ای با خواندن سرود از صاحب‌خانه تقاضای کمک برای مستمندان را می‌نمایند.  
ترکمن‌ها در شب‌های رمضان قربانی می‌کنند و مردان برای میهمانی حاضر می‌شوند. مراسم شب قدر نیز در میان آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. در این شب علاوه بر عبادات معمول، ادای نمازهای نافله و قرائت قرآن، به صلّه ارحام به شکل وسیع می‌پردازند.  
آن‌ها برای شب بیست و هفتم ماه رمضان اهمیت فراوانی قائلند و آن را «قدر گیجه» می‌نامند.

در این شب میهمانی مفصلی می‌دهند و تا سحرگاهان بیدار می‌مانند.  
از اعیاد مذهبی عید فطر نزد ترکمنان بسیار گرامی است و آن را «ارازا بایرام» می‌نامند. در این روز با پوشیدن لباس نو، برای اقامه نماز عید فطر آماده می‌شوند و پس از اقامه نماز به دیدار بزرگسالان می‌روند.

عید قربان نیز از اعیاد بزرگ آنها می‌باشد و آن را «قربان بایرام» می‌نامند و سه روز جشن می‌گیرند. روز اول گوسفند قربانی می‌کنند و گوشت آن را برای سایر خانواده‌های ترکمن می‌فرستند. در این روزها از میهمانان با شیرینی پذیرایی می‌کنند. هنگامی که ترکمن‌ها به سن ۶۳ سالگی، یعنی سن پیامبر اکرم «ص» رسیدند، نیز گوسفند قربانی می‌کنند و جشن می‌گیرند.

### مجالس ترحیم

هنگامی که یکی از آنها فوت می‌کند او را در خانه یا «آی» اش غسل داده و در تابوتی قرار داده و به مسجد می‌برند. سپس گروهی ده تا دوازده نفره او را به گورستان برده و دفن می‌کنند و دیگران نیز در خانه فرد متوفی به خواندن قرآن می‌پردازند. صبح فردای پس از دفن، خویشاوندان به خانه فرد متوفی می‌روند و با خود قند، پارچه و گوسفند می‌برند و مجلس ختم قرآن و دعا در آنجا برگزار می‌کنند. در هفتمین روز مرگ متوفی میراث او را بنا بر سنت مذهب حنفی بین ورثه تقسیم می‌کنند (23).

### ازدواج و عروسی

خواستگاری اولیه در میان ترکمن‌ها بر عهده زنان است. پس از توافق اولیه، مراسم فرستادن «باش‌اولی» (ریش سفیدان قوم) از طرف خانواده پسر انجام می‌گیرد. در این مراسم درباره تعیین وقت عروسی و میزان مهریه که از عناصر اصلی ازدواج در میان ترکمن‌ها می‌باشد مذاکره صورت می‌پذیرد. (مهریه در میان ترکمن‌ها نقدی است و تمام آن قبل از رفتن عروس به خانه داماد به پدر عروس پرداخت می‌شود. کمترین میزان مهریه در حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال است.)

جشن عروسی ترکمن‌ها شامل یک میهمانی عام در شب قبل از ازدواج و ناهار در روز عروسی است. قبل از جشن عروسی مراسم «دوز دادیشما» برگزار می‌شود. در این مراسم زنان خانواده داماد چندین سفره نان روغنی محلی را به خانه عروس می‌برند تا با خوردن نان و نمک پیوند دو خانواده را محکم کنند. صبح روز عروسی، عروس را به خانه داماد می‌برند. در این مراسم خانواده داماد چادری به نام «چاشو» را به همراه خود می‌آورند و بر سر عروس می‌اندازند. در این هنگام زنان خانواده عروس چادر را از سر او برمی‌دارند و پرتاب می‌کنند. این عمل چند بار تکرار می‌شود (کنایه از این است که ما به آسانی به شما دختر نمی‌دهیم). این چادر، از زمان رفتن عروس به خانه داماد تا هنگام شب بر سر او باقی می‌ماند. هنگام رفتن عروس، مادر او مشتی آرد بر روی ماشینی که عروس را حمل می‌کند به نشانه برکت و سفیدبختی می‌پاشد.

در هنگام ورود عروس به خانه داماد، بر اساس یک سنت دیرین، یک دبه روغن در برابر عروس می‌نهند و نو عروس با دست‌های خود مشتی روغن بیرون می‌آورد و پس از آن یک دوک نخ ریسی به نیت کاری بودن عروس به دست او می‌دهند تا دقایقی نخ‌ریسی کند. پس از آمدن عروس به خانه داماد، مراسم عقد صورت می‌پذیرد. در هنگام خواندن خطبه عقد سه یا چهار نفر در زوایای مختلف مجلس مرتب و مداوم قیچی را باز و بسته می‌کنند تا خطبه عقد تمام شود. ترکمن‌ها بر این باورند که قیچی زدن نیات مغرضانه و نفرین‌ها را دفع می‌کند.

از دیگر رسوم رایج عروسی ترکمن‌ها و در حقیقت آخرین مرحله از یک جشن عروسی، مراسم «چاگیرما» (دعوت عروس به خانه پدری) از طرف خانواده او و مراسم «قایتارما» (بازگرداندن عروس از خانه پدری) به وسیله خانواده داماد است. در گذشته عمدتاً به دلیل کم سن و سال بودن عروس و احاطه نداشتن بر امور خانه‌داری، پس از بازگشت به خانه پدر یک یا دو سال آنجا می‌ماند و سپس به خانه شوهر برمی‌گشت. امروزه این رسم تلطیف شده است و عروس پس از چند روز توقف در خانه پدر، به خانه داماد باز می‌گردد.

امروزه به خاطر مهریه سنگین، بسیاری از دختران و پسران ترکمن تا سن ۳۵ سالگی هنوز ازدواج نکرده‌اند و مهریه سنگین یکی از معضلات تشکیل خانواده در میان ترکمن‌ها به شمار می‌رود (24).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

##### الف) پیشینه مذهبی

بیش از ۹۹ درصد مردم استان گلستان مسلمان هستند. هم چنین تعداد اندکی کلیمی نیز در استان به ویژه شهر گرگان زندگی می‌کنند (25).

شهرهایی نظیر بندر ترکمن، گمیشان، مراوه تپه و گنبد کاووس که محل سکونت ترکمنان است، اکثریت مردم اهل سنت و پیرو مذهب حنفی هستند.

فرقه ضالیه بهائیت نیز قبلاً در بعضی نقاط استان وجود داشته که تا حدودی متواری شده‌اند ولی هنوز هم افرادی از آن‌ها در منطقه زندگی می‌کنند.

لازم به یادآوری است که فعالیت صوفیه در استان در سال‌های اخیر بیشتر شده است (26).

##### ب) اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۴، در این استان، ۱۲۳۷ مسجد (۷۲۹ باب در مینودشت و گنبد و ۵۰۸ باب در گرگان، علی آباد، بندر ترکمن و کردکوی)، ۹۴ امامزاده و بقعه، ۲۸۷۵ موقوفه، ۱۵۰ حسینیه و دیگر اماکن، ۵۷ تکیه، ۱۹۸ مدرسه علوم دینی وجود داشته است.

لازم به ذکر است که تعداد مدارس علوم دینی برادران اهل سنت، بسیار زیاد و در اکثر روستاهای آنها حداقل یک مدرسه دینی وجود دارد که در آن‌ها طلاب به آموزش علوم دینی مشغول هستند.

برخی از مهم‌ترین مساجد این استان عبارتند از: مسجد جامع گرگان (از دوره سلجوقی)، مسجد گلشن گرگان، مسجد مصلی، مسجد قائمیه گنبد و....

##### امامزادگان و بقاع متبرکه

امامزاده نور، گرگان؛ امامزاده عبدالله، گرگان؛ امامزاده یحیی بن زید، گنبد؛ امامزاده آق امام (محمد بن زید)، آزاد شهر؛ قدمگاه حضرت علی (ع)، گرگان؛ بقعه قاسم، روستای دلند رامیان؛ بقعه پیرباد، نوده خاندوز (آزادشهر)؛ بقعه مختوم قلی قوآنحی، گنبد؛ بقعه جعفر پسرک، مینودشت؛ بقعه سکینه خاتون، قلعه قافه مینودشت (27).

##### ج) مدارس علوم دینی:

###### الف) مدارس شیعه

- 1- مدرسه امام خمینی (گرگان).
- 2- مدرسه دارالشفاء (گرگان).
- 3- مدرسه اسلامیة (گنبد).
- 4- مدرسه منتظریه (گنبد).
- 5- مدرسه امام محمد باقر (گنبد).

###### ب) مدارس اهل سنت:

- 1- مدرسه حنفیه (گنبد).
- 2- مدرسه مدرس (گنبد).
- 3- مدرسه محمدیه (گنبد).
- 4- مدارس عرفانی متعدد در نقاط مختلف شهرستان گنبد.
- 5- مدرسه فاروقیه (گالیکش).
- 6- مدرسه سیفیه و محمدیه (کلاله) (28).

##### د) بزرگان و مشاهیر

-شیخ ابوطالب استرآبادی، از فقها و محدثان قرن ششم هجری.  
-ابو البرکات استرآبادی، از فقها و متکلمان شیعه در قرن دهم هجری.  
-مولی ابوطالب استرآبادی، از شعرا و علمای قرن دهم هجری.  
-شیخ ابو محمد عماد الدین حسن استرآبادی، از فقها و محدثان و قاضیان شیعه در قرن ششم هجری.

-مولی شیخ جلال الدین صدری استرآبادی، از دانشمندان علم معقول در قرن دهم هجری.

-سید محمد رضا استرآبادی، فقیه، تاریخ نگار، ادیب، شاعر و طبیب شیعی ایران (۱۳۴۶-۱۲۸۳ ه.ق).

-محمد بن حسن الرضی استرآبادی ملقب به نجم الائمه، ادیب.  
-ابوالقاسم میر فندرسکی، از حکما و عرفای عصر شاه عباس.  
-عبدالقاهر جرجانی، از بزرگترین ادبای قرن پنجم هجری.  
-شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، شاعر و پادشاه مشهور زیاری، متوفی ۴۰۳ ه.ق.  
-عنصر المعالی کیکاوس، نویسنده قابوس نامه.  
-فخرالدین اسعد گرگانی، از داستان سرایان بزرگ در قرن پنجم ه.ق.  
-مولی شیخ محمد کاظم استرآبادی حایری، از علما و فقهای امامیه.  
-مختومقلی خان، شاعر بزرگ ترکمن، متوفی ۱۲۱۰ ه.ق.  
-مسکین قلیچ، شاعر معاصر ترکمن، متوفی ۱۳۲۷ ه.ق (29).

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### استان گلستان در زمان مشروطیت

از اسناد و شواهد تاریخی چنین برداشت می‌شود که جنبش مشروطه در این منطقه به ویژه از زمانی که سپهدار محمدولی‌خان تنکابنی بعد از شکست نیروهای دولتی در تبریز، به تنکابن آمد، شور و هیجان خاصی داشت.

وی اعلامیه‌هایی به این مضمون که «ما مجلس شورا در تنکابن برپا کرده‌ایم، شما هم بکشید» به شهرهای مختلف فرستاد. این اعلامیه وقتی به دست مردم این مناطق رسید، مردم تهییب شده و تصمیم به اخراج حاکمان ضد مشروطه شهرها گرفتند. بعضی حکام نیز برای آرام کردن مردم، خود را مشروطه طلب خواندند.

یکی از رهبران مشروطه در این منطقه حاج‌محمدحسین مقصودلو بود که با تهران نیز ارتباط داشت. مجاهدین روزها به کار خود مشغول بودند و شب‌ها در انجمن محلات تجمع می‌کردند و در جوانب موضوع بحث و بررسی می‌کردند.

قنسول روس در این مدت به پیروی از سیاست سراسری دولت خود، مخفیانه تحرکات ضدمشروطه را در ناحیه گرگان و اطراف آن تقویت می‌نمود.

در این زمان آزادی خواهان گیلان برای فتح تهران، از هیات رئیسه انجمن گرگان یاری خواستند و هیئت رئیسه به خصوص حاج‌محمدحسین مقصودلو برای این منظور، به روستاهای اطراف رفت و آن‌ها را ترغیب به کمک به آزادی خواهان گیلان و رشت نمود. در این اثنا که مردم خود را برای کمک به آزادی خواهان مهیا می‌کردند ناگهان خبر خلع محمدعلی‌شاه و تاجگذاری احمدشاه مردم را به وجد آورد و مردم به جشن و سرور پرداختند. در همین زمان، اوضاع منطقه به شدت ناپسامان شده بود و مخالفین مشروطه به دلیل سرخوردگی، به هرج و مرج بیشتر دامن می‌زدند و بسیاری از آن‌ها فرصت را غنیمت شمردند و در جاده‌های اطراف به راهزنی و چپاول پرداختند.

در این وضعیت بحرانی و درهم آمیخته یکی از حاکمان قبلی منطقه نیز اوضاع را مساعد دید و اقدام به قتل رحیم‌خان مقصودلو و عده‌ای از طرفدارانش که برای کمک به مجاهدین گیلانی خود را آماده می‌کردند نمود، بعد از خبر کشته شدن مجاهدان، تعطیل عمومی اعلام شد و مردم خود را برای نبرد با مخالفان مشروطه آماده می‌کردند که با درایت

محمدحسین مقصدلو از يك خونریزی شدید جلوگیری به عمل آمد. با تثبیت قدرت مشروطه طلبان در تهران، اوضاع در شهرهای مختلف کشور نیز برای مشروطه طلبان مساعدتر شد. در منطقه گرگان نیز مشروطه طلبان قدرت ابراز وجود یافتند و بسیاری از مخالفان مشروطه گریخته یا مخفی شدند. مجاهدان با شنیدن خبر تجمع خان‌های طرفدار محمد علی شاه مخلوع به رهبری شعاع السلطنه، به جمع آوری نیرو پرداختند و سپس برای متفرق کردن آن‌ها به سوی بندر گز حرکت کردند. در يك درگیری سرسختانه، مشروطه طلبان شکست خوردند و بسیاری از آن‌ها کشته و زخمی و عده‌ای هم به سوی جنگل گریختند. بعد از این غائله محمد علی شاه به گرگان آمد و در دیوانخانه ارگ دولتی و عمارت کلاه فرهنگی ساکن شد و فرمان عفو عمومی صادر کرد. در سال ۱۳۳۳ه.ق در رأی گیری انتخاباتی گرگان، از بین ۵۰۰ رأی، محمد حسین مقصدلو ۳۸۱ رأی را به خود اختصاص داد و به ایت ترتیب وکیل مردم منطقه گرگان در مجلس گردید(30).

#### واقعه کشف حجاب

حکومت رضاشاه به منظور اجرای قانون کشف حجاب از هیچ کوششی فروگذار نبود. از جمله در این منطقه به خصوص شهر گرگان، بازاریان و سایر طبقات را عصر روز شنبه ۴/۱۱/۱۳۱۴ به اداره حکومتی احضار کردند و مقررات لازم را در جهت کشف حجاب به آن‌ها گوشزد نمودند. هم چنین به آن‌ها دستور دادند که کمترین فرصت باید برای زنان و دخترانشان لباس دیگری تدارک ببینند و هیچ کس حق استفاده از چادر را در خیابان ندارد.

پس از پایان مدت فوق، اگر زنی با چادر در کوچه و خیابان دیده شود به شهربانی جلب و سرپرست آن زن بر طبق مقررات تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. بعد از این جلسه، با دعوت از همسران افراد شاغل، مجالسی مختلط از زن و مرد در گوشه و کنار شهر تشکیل گردید و بعضی از افراد خودفروخته اداری در اجرای مقاصد شوم رضاخان، بی‌شرمانه برای حفظ مقام و مسئولیت خود حاضر به این کار شدند. از طرفی برای قانونی کردن و جا انداختن این مسأله از بعضی افراد به ظاهر روشنفکر ریاست طلب دعوت کردند تا برای مردم از فرهنگ ابتذال و بی حجابی تبلیغ کنند. در مقابل، روحانیت مبارز این منطقه نیز در جهت شکست این طرح ضد اسلامی، پیشقدم شدند و از توطئه کشف حجاب و مخالفت آن با شرع مقدس اسلام پرده برداشتند. سرانجام این مبارزات به ثمر نشست و با خلع رضاشاه از قدرت، این طرح نیز ناکام ماند(31).

#### گلستان در جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم و اولتیماتوم‌های مکرر دولتین شوروی و انگلیس به ایران، عاقبت در سوم شهریور ۱۳۲۰ه.ش سرزمین ایران از سمت شمال و جنوب مورد هجوم قوای روس و انگلیس قرار گرفت. در منطقه گلستان هم زمان با پیشروی لشکر ۶۷ پیاده شوروی نیروهای نظامی مستقر در منطقه به طرف شاهکوه گریختند و نیروهای دشمن به راحتی تمامی شهرها را به تصرف درآوردند. در گرگان پادگان و ساختمان هتل میامی از مراکز اصلی و ستاد فرماندهی آنان قرار گرفت. مردم که هنوز خاطره جنایات روس را به خاطر داشتند در کوه‌ها و جنگل‌ها پنهان شده بودند. سه روز بعد، روس‌ها از طریق هواپیما اقدام به پخش اعلامیه و دعوت از مردم برای بازگشت به شهر کردند. در آذر ماه 1322 شمسی در جریان کنفرانس تهران استقلال ایران تضمین و ایران در صف متفقین قرار گرفت و کنترل شهرها به دولت مرکزی سپرده شد. ولی نیروهای شوروی هم چنان در مناطق شمال کشور حکومت می‌کردند تا آن که با پایان جنگ در سال ۱۳۲۴ به تدریج از ایران خارج شدند(32).

گلستان از سال 1340 تا ۱۳۵۷

در پی تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، امام خمینی(ره) (طبقات مختلف مردم را به قیام دعوت کردند. موضوع اعتراض امام، به وسیله علما در دیگر شهرستان‌ها نیز ابلاغ شد. در همین راستا از طرف امام، حجة الاسلام نور مفیدی مأموریت پیدا کرد تا به گرگان برود و پیام ایشان را مبنی بر دعوت به قیام در مقابل این توطئه به علمای شهر ابلاغ کند. علمای گرگان دعوت امام را لبیک گفته و به روشنگری مردم پرداختند. در نتیجه این روشنگری‌ها که در مناطق مختلف کشور انجام پذیرفت، شکست لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آشکار گردید.

بعد از این شکست، رژیم سعی کرد تا با مطرح کردن مسئله اصلاحات ارضی (انقلاب سفید) شکست گذشته را جبران کند. شاه برای نیل به این هدف، در این منطقه فردی به نام منصور مزین، سرلشکر باز نشسته را رئیس املاک بنیاد پهلوی در گرگان کرد. وی علاوه بر زمین‌های شاه، همه زمین‌های مرغوب بی‌مالک و دارای مالک را نیز تصرف کرد و تحت عنوان املاک شاه به نور چشمی‌ها فروخت. در مقابل، مردم که حاضر نبودند حتی یک وجب از زمین‌هایی را که با زحمت فراوان، آباد کرده‌اند از دست بدهند، دست به اعتراض زدند و نیروهای دولتی وارد عمل شده و مردمی را که سلاحی جز ایمان نداشتند مورد ضرب و شتم و تعقیب قرار دادند و عده‌ای از مردم روستای محمد آباد را پس از دستگیری به زندان منتقل کردند.

در سال 1342 امام خمینی، در پی اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون، به ترکیه تبعید گشت، ولی افشاگری‌ها و روشنگری‌های امام توسط علما به سراسر نقاط ایران از جمله گرگان منتقل می‌شد. مساجد گرگان چون مسجد گلشن و حاج آقا کوچک، کانون مبارزه بود. طلاب جوان در ایام تبلیغ با آمدن به این منطقه و تشکیل کلاس‌های عقیدتی جوانان را از تحولات سیاسی با خیر می‌ساختند. در پی این روشنگری‌ها، دانشجویان گرگان در سال ۱۳۴۹ در اوج خفقان در دانشگاه منابع طبیعی گرگان دست به تحصن انقلابی زدند. این تحصن به دخالت مأموران و ضرب و شتم دانشجویان انجامید.

مبارزات مردم این منطقه به رهبری روحانیت هم چنان ادامه داشت و با قیام خونین نوزده دی ۱۳۵۶ قم به اوج رسید. در اولین راهپیمایی در گرگان، هزاران دانش‌آموز، فرهنگی، بازاری و غیره شرکت کردند. مهم‌ترین حادثه در دوران مبارزه، واقعه ۵ آذر شهر گرگان است که در جریان آن کشتار بسیار زیادی به خصوص جلوی بیمارستان این شهر که مردم برای اهدای خون صف بسته بودند، صورت گرفت.

در واکنش به رفتار مأمورین، مردم خشمگین به سازمان آتش نشانی، کوی افسران، کلانتری ۲ گرگان و زندان شهربانی حمله کردند و تعداد زیادی از نیروهای نظامی را فراری دادند.

[در ۱۴ آبان تظاهراتی با شرکت حدود هشتاد هزار نفر از مردم گرگان و اطراف در اعتراض به وقایع خونین دانشگاه تهران برپا شد].  
شهر گرگان از نیمه آبان تا نیمه دی ماه ۱۳۵۷ شاهد تظاهرات و اعتصابات بزرگی بود که در اثر این فداکاری‌ها عده زیادی شهید و مجروح شدند. در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در پی شهادت دو تن از اعضای کمیته مردمی، مردم دست به شورش زدند و مسبب این کار را اعدام کردند. پس از این ماجرا مأموران به خیابان‌ها ریختند و شروع به تیراندازی کردند که عده زیادی زخمی و شش نفر شهید شدند و تعداد زیادی مغازه به آتش کشیده شد.

در روز ۲۱ بهمن ارتش اعلام بی طرفی کرد و مردم گرگان به سوی شهربانی رفته و آن جا را به تصرف خود درآوردند. در جریان این درگیری‌ها ۱۶ نفر افسر و پاسبان کشته شدند.

امت مسلمان و انقلابی پس از سال‌ها مبارزه خونین، با تقدیم شهدای زیاد، در 22 بهمن

۱۳۵۷ پیروزی را در آغوش کشیدند(33).

پی‌نوشت‌ها

- 1 - روزنامه ایران، شماره ۸۴۰، ۳۰/۹/۱۳۷۶، ص ۱۲.
- 2 - سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، آمار نامه استان مازندران ۱۳۷۵، ص ۷۱.
- 3 - مجله هما، شماره ۸، آبان ۱۳۷۱، ص ۱۹.
- 4 - سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۵۱۱-۵۰۷.
- 5 - همان، ص ۵۶۵-۵۵۴.
- 6 - همان، ص ۶۲۰.
- 7 - عبدالحسین نهجیری، جغرافیای تاریخی شهرها، ص ۱۹۶-۱۹۵ (با اقتباس) و محمد رضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۲۷.
- 8 - اسد الله معطوفی، استرآباد و گرگان، ص ۲۶ و ۴۴.
- 9 - اسد الله معطوفی، همان، ص ۲۰۰-۵۸ (با تلخیص).
- 10 - مجله هما، شماره ۸، آبان ۱۳۷۱، ص ۲۲.
- 11 - اسد الله معطوفی، همان، ص ۲۵۶-۲۵۵.
- 12 - سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۱۱۰.
- 13 - همان، ص ۱۲۵.
- 14 - مجله هما، شماره ۸، ص ۲۲.
- 15 - آمار نامه استان مازندران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴.
- \* بدلیل نبودن آمار نامه مستقل برای استان گلستان، آمار جمعیت قابل ارائه نبود.
- 16 - سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، صفحات ۲۲۷-۲۲۵، ۲۳۷ و ۲۴۸.
- 17 - همان، ص ۲۴۶-۲۴۳.
- 18 - همان، ص ۴۴۷.
- 19 - همان، ص ۴۸۲-۴۷۱.
- 20 - سید احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، ص ۲۱۱.
- 21 - اطلاعات نگارنده.
- 22 - همان.
- 23 - روزنامه ایران، شماره ۵۸۴، بهمن ۱۳۷۵؛ اصغر عسگری خانقاه و دیگران، ایرانیان ترکمن، ص ۱۶۰-۱۵۶.
- 24 - روزنامه ایران، سال چهارم، ۱۵ مهرماه ۱۳۷۷، و ۲۹ آذرماه ۱۳۷۷.
- 25 - مجله هما، شماره ۸، ص ۲۲ (با اقتباس).
- 26 - اطلاعات نگارنده.
- 27 - وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی - اجتماعی استان مازندران، ۱۳۷۰، ص ۵۳-۳۵.
- 28 - همان، ص ۳۳-۲۳.
- 29 - مرتضی بذرافشان، سیمای گرگان، ص ۱۴۲-۱۳۲؛ و اسد الله معطوفی، همان، ص ۳۸۹-۳۹۰.
- 30 - اسد الله معطوفی، همان، ص ۳۰۳-۲۹۶.
- 31 - مرتضی بذرافشان، همان، ص ۱۱۹-۱۱۵.
- 32 - اسد الله معطوفی، همان، ص ۳۶۸-۳۶۶.
- 33 - مرتضی بذرافشان، همان، ص ۸۷-۶۶؛ و مجله ۱۵ خرداد، شماره ۶، ص ۹۹-۹۸.

بخش اول: جغرافیای طبیعی  
مشخصات جغرافیایی



استان همدان با ۱۹۵۴۷ کیلومتر مربع مساحت، در غرب ایران، ۲/۱ درصد کل مساحت کشور را تشکیل می‌دهد.

این استان بین مدارهای ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته و از شمال به استان زنجان، از جنوب به استان لرستان، از مشرق به استان مرکزی و از مغرب به استان‌های کرمانشاه و استان کردستان محدود می‌شود. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۸ شهرستان شامل ۱۸ بخش، ۱۸ شهر، ۶۸ دهستان و ۱۱۲۳ آبادی دارای سکنه می‌باشد و مرکز آن شهر همدان است. شهرستانهای استان عبارتند از: همدان، نهاوند، تویسرکان، ملایر، کیبودرآهنگ، اسدآباد، بهارورزن(1).

### ویژگی‌های طبیعی

استان همدان منطقه‌ای است کوهستانی که بیشتر کوه‌های آن از تخت سنگهای خاراوی تشکیل شده است و جزء رشته کوه‌های غربی و مرکزی ایران می‌باشد. بلندترین نقطه استان، قله الوند با ارتفاع ۳۵۷۴ متر از سطح دریا می‌باشد. از ارتفاعات مهم استان می‌توان از کوه گرمه و کوه سرده در ملایر، آلمابلاغ در حدفاصل اسدآباد و بهارکوه، خان گرمز در تویسرکان، بوقاطی در کیبودر آهنگ و ... نام برد. در استان همدان رودخانه و چشمه‌سارهای فراوانی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: رودهای سیمینه‌رود، گاماسیاب، دره مرادیك و خرم‌رود. آب و هوای این استان به علت وجود کوه‌های مرتفع، رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای فراوان و پرآب و پستی و بلندی‌های زیاد، متغیر است. به این ترتیب که هوای دره‌های شمالی کوه الوند سرد و هوای بخش مرکزی ملایم می‌باشد. زمستانهای این استان سرد و پر برف و باران و تابستانهای آن معتدل است. استان همدان یکی از نواحی باد خیز کشور است. ریزش برف و باران نسبتاً کافی در این منطقه، سبب پیشرفت وضع کشاورزی و دامپروری این استان می‌باشد(2).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

اساس اقتصاد استان همدان بر کشاورزی و دامپروری و استخراج و استحصال معادن استوار است.

### کشاورزی و دامپروری

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در سطح استان، ۸۰۲۵۶۳ هکتار زمین کشاورزی وجود داشته است که از این مقدار، ۲۸۶۷۵۴ هکتار آبی و ۵۱۵۸۰۹ هکتار دیم است. در سال زراعی ۱۳۷۵، ۳۶۸۸۰۶ هکتار به کشت گندم و ۶۱۵۸۵ هکتار به کشت جو و با میزان بهره‌وری ۴۹۶۴۱۴ و ۱۳۳۵۰۴ تن اختصاص داشته است(3). مهمترین محصولات کشاورزی استان گردو، گندم، جو، سیب‌زمینی و چغندر قند است. کشت گندم و جو حدود سه چهارم اراضی زیر کشت را به خود اختصاص داده است. محصول گردو به ویژه در تویسرکان از لحاظ کمی و کیفی کم‌نظیر است و اولین مرکز تحقیقات گردوی کشور در شهر تویسرکان تأسیس شده است. شیوه دمداری این استان بیشتر سنتی است. این استان به علت تنوع آب و هوا، وجود مراتع وسیع و بیلاقی بودن منطقه، برای عشایر دامدار، از اهمیت خاصی برخوردار است. در حال حاضر مجتمع‌های دمداری صنعتی و نیمه صنعتی زیر نظر مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی فعالیت دارند.

### صنایع و معادن

در این استان، صنایع دستی بیش از صنایع ماشینی گسترش دارد. مهمترین صنایع دستی استان عبارت است از: قالی بافی، سفالگری، گیوه بافی و کفش دوزی. قالی بافی همدان در سطح کشور از شهرت خوبی برخوردار است و قالی ریزباف آن به

خارج از کشور نیز صادر می‌شود. سفالگری از صنایع دستی مهم استان، به ویژه در شهر لالجین از توابع شهرستان بهار است، که از شهرت جهانی برخوردار است. از صنایع ماشینی استان می‌توان از کارخانه صنعتی تولید شیشه، صنایع غذایی، نساجی و چرم‌سازی، سلولزی، شیمیایی، کانی غیر فلزی، برق و الکترونیک و شرکت فولاد همدان نام برد(4).

استان همدان از نظر معادن بسیار غنی است. مطابق آمار سال ۱۳۷۳، در این استان ۱۲۳ معدن فعال وجود داشته است. مهم‌ترین معادن آن گرانیت، سنگ آهک، سنگ ساختمانی، فلدسپات، سرب، روی، نقره و ... می‌باشد(5).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

استان همدان یکی از مناطق تاریخی و از قدیمی‌ترین کانونهای تمدن بشری محسوب می‌گردد. همدان در زمان دیاکو نخستین پادشاه ماد (در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد) به پایتختی ایران برگزیده شد.

بنای شهر همدان را نیز به دیاکو نسبت داده‌اند. یونانیان این شهر را اکباتان خوانده‌اند و در سنگ نوشته‌های هخامنشی به نام هگمتانه به معنای محل اجتماع آمده است. (در این محل پارسی‌ها و مادها جهت اتحاد، اجتماع نمودند و این اتحاد منجر به ازدواج دو خانواده فرمانروای ماد و پارس گردید و کورش نخستین پادشاه هخامنشی از این پیوند به وجود آمد.) از دیگر نام‌های این شهر می‌توان از: آمدانه، سارو، زینستان ایران‌شهر، نازمه و همدان نام برد که همدان از همه نام‌ها مشهورتر است. برخی معتقدند همدان تغییر یافته املانه می‌باشد و املانه به معنی مکان مادهاست(6).

#### پیشینه تاریخی

شهر همدان در دوره فرمانروایی بخت‌النصر ویران شد و بعدها داریوش آن را مرمت نمود. اسکندر مقدونی نیز به این شهر حمله نمود و کاخ باشکوه آن‌اهیتا در همدان را ویران ساخت. در دوره هخامنشی و اشکانی، همدان پایتخت تابستانی شاهان ایران بوده است(7).

ساسانیان نیز همدان را اقامتگاه تابستانی خود قرار داده بودند. در زمان یزدگرد اول، جماعتی از یهود به فرمان همسر وی در همدان که شهر مقدسی در نزد آنان بود، مسکن گزیدند.

در دوره اسلامی همدان در سال ۲۳ ه.ق در اثر جنگ سختی که میان ایرانیان و مسلمانان در نهاوند رخ داد، به وسیله مسلمانان فتح گردید. همدان در دوره دیلمیان (۳۱۹ ه.ق) صدمات فراوان دید. در قرن ششم هجری سلجوقیان مرکز حکومت خود را از بغداد به همدان منتقل کردند و مدت 50 سال این شهر پایتخت سلجوقیان بود.

در قرن هفتم هجری با حمله مغول به ایران، همدان به تصرف مغولان درآمد و به ویرانه‌ای مبدل گردید. در دوره صفویه همدان شهری آباد بود. با سقوط صفویه در سال ۱۱۳۸ ه.ق، همدان به وسیله احمد پاشا والی عثمانی تصرف شد اما شش‌ماه بعد به وسیله نادرشاه افشار باز پس گرفته شد. پس از آن، همدان بارها مورد هجوم و تسلط قبایل مختلف قرار گرفت تا اینکه طبق قرار داد ۱۱۴۵ ه.ق کاملاً به ایران ملحق شد. شهر همدان به علت قرار گرفتن در مسیر اصلی منطقه غرب کشور در قرن‌های اخیر همواره از نظر بازرگانی و نظامی مورد توجه بوده است(8).

#### آثار و بناهای تاریخی

استان همدان با توجه به قدمت تاریخی آن، دارای بناها و آثار تاریخی فراوانی است که برخی از آنها عبارتند از:

شهرستان همدان:  
 کاخ هگمتانه، قلعه دختر، آرامگاه ابوعلی سینا، آرامگاه باباطاهر، مقبره استرو مردخای،  
 گنبد علویان، قبر اسکندر، کتیبه گنج‌نامه، تپه باستانی هگمتانه و....  
 شهرستان نهاوند:  
 مقبره باباپیر، مقبره در شیخ، مسجد جامع نهاوند و....  
 شهرستان ملایر:  
 قلعه یزدگرد، قلعه چوبین، بازار قدیمی و....  
 شهرستان کبودرآهنگ:  
 امامزاده اظهرین علی، امامزاده ازناو، کاروان سرای یارم قیه و....  
 شهرستان تویسرکان:  
 بقعه حبقوق نبی، مسجد شیخ علی‌خان زنگنه، آرامگاه میر رضی‌الدین آرتیمانی،  
 کاروانسرای شاه عباس، مدرسه شیخ علی‌خانی و....  
 شهرستان اسدآباد:  
 خانه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مسجد سلطانی، حمام قدیم گلستان، کتیبه آقاچان بر لاغی  
 و(9)....

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان همدان، ۱۶۷۷۹۵۷ نفر شامل ۸۴۹۲۲۳ نفر مرد و ۸۲۸۷۳۴ نفر زن بوده است. از این تعداد، ۸۱۰۶۴۰ نفر در نقاط شهری و ۸۶۷۳۱۷ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیرساکن بوده‌اند(۱۰). جمعیت و خانوار شهرستانهای استان همدان ۱۳۷۵:

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1677957	849223	828734	342174
ساکن در نقاط شهری	810640	412190	398450	176151
ساکن در نقاط روستایی	867115	436936	430179	165990
غیرساکن	202	97	105	33
شهرستان اسدآباد	110077	55749	54328	20580
ساکن در نقاط شهری	48386	24676	23710	9359
ساکن در نقاط روستایی	61550	31008	30542	11200
غیرساکن	141	65	76	21
شهرستان بهار	127635	65090	62545	24971
ساکن در نقاط شهری	48178	24890	23288	10228
ساکن در نقاط روستایی	79457	40200	39257	14743
غیرساکن	0	0	0	0
شهرستان تویسرکان	118954	59091	59863	25645
ساکن در نقاط شهری	43308	21769	21539	10225
ساکن در نقاط روستایی	75611	37304	38307	15413
غیر ساکن	35	18	17	7
شهرستان رزن	123790	60918	62872	23274
ساکن در نقاط شهری	16150	8145	8005	3400

19874	54867	52773	107640	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
27624	75276	77537	152813	شهرستان کبودر آهنگ
3641	9021	9306	18327	ساکن در نقاط شهری
23983	66255	68231	134486	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
61657	148940	148122	297062	شهرستان ملایر
31610	74120	75003	149123	ساکن در نقاط شهری
30047	74820	73119	147939	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
38464	90965	93195	184160	شهرستان نهاوند
15026	33523	34056	67579	ساکن در نقاط شهری
23433	57430	59125	116555	ساکن در نقاط روستایی
5	12	14	26	غیر ساکن
119959	273945	289521	563466	شهرستان همدان
92662	205244	214345	419589	ساکن در نقاط شهری
27297	68701	75176	143877	ساکن در نقاط روستایی

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان همدان.

#### وضع فعالیت

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان همدان، ۱۲۵۳۳۳۴ نفر که از این تعداد ۴۴۶۶۵۱ جمعیت فعال و ۷۹۶۵۹۰ نفر غیر فعال بوده‌اند.

به این ترتیب، افراد شاغل و افراد بی‌کار جویای کار، در مجموع ۶۴/۳۵ درصد از جمعیت استان ده ساله و بیشتر استان را تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت در نقاط شهری ۱۶/۳۴ درصد و در نقاط روستایی ۱۰/۳۷ درصد بوده است. از جمعیت فعال این استان، ۱۸/۹۰ درصد را مردان و ۸۲/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دادند.

از شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر استان، 32/14 درصد در گروه عمده کشاورزی، ۹۶/۲۹ درصد در گروه عمده صنعت و ۰۹/۳۷ درصد در گروه خدمات اشتغال داشته‌اند (11).

#### نژاد و زبان

مردم استان همدان آمیخته‌ای از ساکنان ایران هستند و اقوام مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم خاص در آن سکونت دارند.

ترکها: در شمال و غرب استان، به ویژه در شمال و غرب شهرستان همدان و در ۵۶۲ روستا سکونت دارند.

لر و لک: این اقوام در شهرستانهای ملایر و نهاوند در ۲۵۵ روستا سکونت دارند. کردها: این قوم در ۱۵۹ روستا در غرب و شمال غربی در مجاورت استانهای کردستان و کرمانشاه سکونت دارند.

فارسها: بیشتر ساکنان مرکز استان را تشکیل می‌دهند و از دوران مادها در این سرزمین سکونت داشته‌اند.

مردم این استان به زبانهای فارسی، ترکی، لری و کردی سخن می‌گویند (12).

## فصل دوم: آموزش و پرورش

### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۱۴۵۴۲۰۱ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۱۱۲۳۶۰۷ نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۶۱۰۱۰۰ نفر مرد و ۵۱۳۵۰۷ نفر زن بوده‌اند. به این ترتیب از جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۷۷/۳ درصد باسواد بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۱/۸۳ و برای زنان ۳/۷۱ درصد بوده است (۱۳).  
نسبت باسوادی در بین افراد لازم‌التعلیم (۶ - ۱۴ ساله) در نقاط شهری ۲۲/۹۸ و در نقاط روستایی ۴۸/۹۵ درصد بوده است. درصد باسوادی در سال ۱۳۵۵، ۷/۵۶ درصد و در سال ۱۳۷۵، ۳/۷۷ درصد بوده است (۱۴).  
جمعیت در حال تحصیل در سال ۱۳۷۶ - ۵۳۰۸۵۴ نفر بوده است که از این تعداد ۲۷۱۳۳۴ نفر در مقطع ابتدایی، ۱۴۴۱۵۸ نفر در مقطع راهنمایی، ۸۳۹۷۴ نفر در مقطع متوسطه، ۲۷۵۲ نفر در دوره پیش‌دانشگاهی، ۱۸۸۸۸ نفر در دوره‌های آموزش عالی، ۶۵۰۲ نفر در نهضت سوادآموزی، ۲۶۸۵ نفر اظهار نشده، ۵۲۹ نفر طلاب علوم دینی و ۲۸ نفر در خارج از کشور به تحصیل اشتغال داشته‌اند (۱۵).

### آموزش عالی

در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵، در استان همدان، ۱۸۰۹۵ نفر در رشته‌های مختلف پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و دامپروری، در شهرستانهای همدان، ملایر، تویسرکان، نهاوند، کبودر آهنگ، اسدآباد، رزن و بهار به تحصیل اشتغال داشته‌اند (۱۶).

### امکانات فرهنگی و تفریحی

#### کتابخانه

در سال ۱۳۷۵، استان همدان، دارای ۲۴ باب کتابخانه وابسته به اداره ارشاد اسلامی با ۱۷۷۳۶ نفر عضو و ۱۷۵۰۰۰ جلد کتاب بوده است.

#### سینما

این استان در سال ۱۳۷۵، دارای ۵ باب سینما بوده است. از این تعداد، دو باب در شهر همدان و شهرهای ملایر، نهاوند و تویسرکان هر کدام يك باب به خود اختصاص داده‌اند.

#### اماکن ورزشی

استان همدان در سال ۱۳۷۵، دارای ۹ استادیوم، ۸۸ سالن ورزشی، ۱۲ استخر شنا، ۳۵ باشگاه ورزشی، ۱۱ زمین فوتبال چمن، ۱۰۹ زمین فوتبال خاکی و ۳ زمین والیبال بوده است (۱۷).

## فصل سوم: آداب و رسوم

### آداب ماه رمضان

در استان همدان چند روز قبل از آغاز ماه رمضان مردم به غبار رویی و نظافت مساجد می‌پردازند و مساجد را برای مراسم رمضان آماده می‌سازند. بسیاری از مردم استان از چند روز قبل به استقبال ماه رمضان می‌روند و روزهای آخرین ماه شعبان را روزه می‌گیرند.

با آغاز نخستین طلوع ماه رمضان مراسم جلسات قرآن و سخنرانی در مساجد برپا می‌گردد. در بسیاری از مناطق استان، زنان جلسات قرائت قرآن، تفسیر و تجوید برپا می‌دارند.

از مراسم ماه رمضان می‌توان به رسم پسندیده افطاری دادن در استان اشاره نمود که بسیاری از مردم نیکوکار و متدین استان معمولاً يك یا چند شب از این ماه را افطاری می‌دهند.

مراسم شبهای قدر در مساجد استان باشکوه خاصی برگزار می‌شود. در این شبها تا هنگام سحر مردم به احیاء، عبادت و سوگواری شهادت امام امیرالمؤمنین (ع) می‌پردازند.

با پایان یافتن ماه رمضان، مراسم باشکوه نماز عید فطر در مساجد برگزار می‌گردد. در این روز بسیاری از مردم به دید و بازدید نزدیکان خود می‌پردازند.

### عزاداری محرم

مراسم عزاداری ماه محرم در استان همدان با سیاهپوش نمودن مساجد، حسینیه‌ها و تکایا آغاز می‌گردد.

از نخستین روز ماه محرم مردم در مساجد و تکایا حضور می‌یابند و پس از استماع سخنان روحانیون و وعاظ، به سینه‌زنی می‌پردازند. این مراسم تا پاسی از شب ادامه دارد.

با آغاز پنجمین شب ماه محرم، دسته‌های عزادار، در قالب سینه‌زنی و زنجیرزنی در خیابانها به راه می‌افتند.

در روز عاشورا و تاسوعا عزاداری در استان به اوج خود می‌رسد. مردم در این دو روز از پاکیزه کردن خانه و پختن غذا، خوداری می‌کنند و ترجیح می‌دهند غذا را از راه نذوراتی که در این روزها داده می‌شود، تهیه کنند.

یکی از مراسم مهم در روز تاسوعا و عاشورا در برخی از شهرستان‌های استان مانند همدان، تویسرکان برپایی مراسم تعزیه است که در گذشته در محل‌های مختلف آن تعزیه‌های متعددی برگزار می‌گردیده است. مراسم عزاداری در این استان به شکل عمومی تا سیزدهم محرم ادامه دارد و در برخی از منازل در ماه‌های محرم و صفر مراسم روضه‌خوانی برپا می‌باشد.

در دهه آخر ماه صفر، مصادف با اربعین حسینی و رحلت پیامبر گرامی (ص) و امام مجتبی (ع)، استان دوباره فضای روزهای تاسوعا و عاشورا را به خود می‌گیرد و شبها در مساجد، مراسم روضه‌خوانی و سینه‌زنی برپا می‌شود. همچنین در روزهای بیستم و بیست و هشتم ماه صفر دستجات سینه‌زن و زنجیرزن در خیابانها به عزاداری می‌پردازند (18).

### مجالس ترحیم

مجالس ترحیم در استان همدان اکنون به مانند بسیاری از نقاط کشور برگزار می‌شود. در گذشته مجالس ترحیم و مجموعه مراسمی که مردم استان در سوگ عزیزان خود انجام می‌دادند با امروز متفاوت بوده و هنوز نیز در برخی روستاها سنت‌های گذشته رعایت می‌شود (19).

مراسم ترحیم در گذشتگان، امروز در روزهای سوم، هفتم و چهلم و اولین سالگرد برگزار می‌شود. در هر شب جمعه بسیاری از مردم استان بر سر قبر عزیزان خود می‌روند و به فاتحه‌خوانی و دادن خیرات می‌پردازند. در جمعه آخر سال با این اعتقاد که مرده‌ها چشم انتظارند به هر طریق ممکن خود را به گورستان می‌رسانند و بر سر گور عزیزان خود با قرائت فاتحه و دادن خیرات روح آنان را شاد می‌کنند.

### مراسم عروسی

مراسم عروسی در شهرستانهای استان همدان اعم از شهر و روستا، از تنوع خاصی برخوردار است. مراسم ازدواج در اکثر نقاط استان با خواستگاری آغاز می‌شود. پس از توافق ضمنی مبنی بر پذیرش خانواده عروس، شبی را برای مراسم بله‌برون یا شیرینی خوران انتخاب می‌کنند و طی آن خانواده داماد يك کله قند به همراه گل و شیرینی به خانه عروس می‌برند و پس از توافق در زمینه مقدار مهریه، شیربها و تاریخ عروسی، قندی را که خانواده داماد آورده است بزرگ خانواده و یا ریش سفید محل می‌شکند و عروسی را تبریک می‌گوید.

آنچه در گذشته در این شهر مرسوم بوده و هم اکنون نیز در برخی از خانواده‌ها رواج دارد، مراسم «رخت‌بران» است، که در فردای روز شیرینی خوران انجام می‌گیرد. بدین گونه که برای عروس پارچه‌ای می‌خرند و برای دوختن، خیاط را به خانه دعوت می‌کنند

و طی مراسمی که با حضور زنان فامیل و همسایه انجام می‌گیرد، لباس عروس بریده می‌شود و یا پارچه را به خانه خیاط می‌برند و دستور بریدن و دوخت آن را می‌دهند. پس از مراسم عقدکنان، نوبت به مراسم حنابندان می‌رسد. در مراسم حنابندان، حنا همراه با تشریفات ویژه‌ای از خانه داماد به خانه عروس برده می‌شود و پس از آماده شدن، هر کس مقداری از حنا را به دست خود می‌مالد و برای عروس و داماد آرزوی خوشبختی و سعادت می‌کند.

شب عروسی با جشن و سرور و هلهله و شادی همراه است. هر کدام از اقوام و بستگان عروس و داماد به طور جداگانه در خانه پدری عروس و داماد به شادی می‌پردازند و نزدیک نیمه شب خانواده داماد برای آوردن عروس به همراه میهمانان خود به خانه پدر عروس می‌روند. در جریان آوردن عروس معمولاً خویشان داماد وسایلی را از خانه عروس دزدکی بر می‌دارند و معتقدند انجام ندادن آن بد شگون است. امروزه پس از بردن عروس، مدتی عروس را با خودرو در خیابانها می‌گردانند و سپس به خانه داماد می‌برند.

در فردای روز عروسی، مراسم «پاتختی» برگزار می‌شود. در این مراسم خانواده عروس و دوستان و آشنایان برای دیدار از عروس و داماد به خانه داماد دعوت می‌شوند. در این روز خانواده‌ها هدایایی را همراه خود به منزل داماد می‌برند. خانواده عروس نیز در این روز «شیرین پلو» می‌پزد و آن را برای برگزاری مراسم پاتختی به خانه داماد می‌برد (20).

### مراسم عید نوروز

مراسم عید نوروز در استان همدان بسیار متنوع است. قبل از فرا رسیدن فروردین، زنان به خانه تکانی می‌پردازند. و به هنگام تمیز کردن منازل برخی از خانم‌ها به کمک یکدیگر آمده و يك صدا همگی می‌خواندند «کُنه‌ها میری تمیزی میا، دوده‌ها میری سفیدی میا.» یکی از سنت‌های مهم در همدان سبزه ریختن است چون این کار را مایه خیر و برکت برای خانواده می‌دانند. از مراسم زیبایی که در گذشته‌های نه چندان دور در همدان انجام می‌شد، این بود که افرادی به نام علی صلواتی از ۲۵ اسفند تا ۱۳ فروردین صبحها قبل از طلوع آفتاب در کوچه‌ها به راه می‌افتادند و با صدایی مترنم بانگ بر می‌آوردند که: ای دل‌دمی بیدار شو - اگر مستی هوشیار شو - اگر خوابی، بیدار شو.

در شب جمعه آخر سال مردم بنا بر يك سنت قدیمی، به گورستانها می‌روند و برای مردگان خود طلب استغفار می‌کنند و خیرات می‌دهند.

در هنگام تحویل سال همه اعضاء خانواده دور سفره هفت سین می‌نشینند و بزرگ خانواده آیاتی از قرآن کریم را قرائت می‌کند. مردم معتقدند هر کس هر حالتی در هنگام تحویل سال نو داشته باشد تا آخر سال همان حالت را خواهد داشت. پس از تحویل سال دید و بازدیدها، با دیدار کوچک‌ترها از بزرگترها شروع می‌شود و به هنگام ورود میهمان، با گلاب پاش، گلاب به دست میهمانها ریخته و می‌گویند: «صد سال به این سالها.»

در روز سیزدهم فروردین مردم به فضاهای سرسبز مانند کوه‌ها، دشت‌ها و باغ‌های اطراف می‌روند. در گذشته این روز غذای خاصی به نام کوفته آماده می‌شد و اعمال خاصی نیز صورت می‌پذیرفت. در پایان روز، مردم سبزه‌ای که برای نوروز ریخته‌اند در رودخانه و یا جوی آب می‌اندازند و معتقدند با انداختن سبزه در آب، بلا از خانه دفع خواهد شد (21).

### باورها

-قارقار کلاغ و خیر از سفر کرده.

هر گاه کلاغی بر بام یا بر فراز درخت منزلی می‌نشست و قارقار می‌کرد می‌گفتند حتما خبری از مسافر خواهد رسید.



-شوم دانستن صدای جغد.  
اگر جغدی بر بالای خانه‌ای و یا درختی نزدیک خانه کسی بنشیند و صدا کند، صدای آن را شوم می‌دانند و اعتقاد دارند واقعه ناگواری برای آن خانواده اتفاق خواهد افتاد.  
-عطسه کردن هنگام مسافرت.  
اگر در هنگام مسافرت یا خروج از خانه کسی عطسه کند اعتقاد دارند که بایستی تأمل کند. اما اگر بدون فاصله مجدداً عطسه کند، معتقدند اثر آن خنثی می‌شود.  
-به عیادت مریض نرفتن در شبهای چهارشنبه.  
در همدان قدیم رسم بود شبهای چهارشنبه به عیادت بیمار نمی‌رفتند و عقیده بر این بود که در این صورت بیماری شدیدتر می‌گردد(22).

### ضرب‌المثل‌ها

-باد که بیا ملو تلخه هم می‌جنبه.  
باد که بیاید گودانه (ماش) هم حرکت می‌کند. کاربرد: کاسبها وقتی بیکار می‌شوند به هم می‌گویند: «اگر کاسبی باشد برای همه هست.»  
-باران آمد - ترکا رفتن بهم.  
باران آمد شکاف‌های روی پشت بام به هم چسبید. کاربرد: به کسانی می‌گویند که با کوچکترین برخوردی از هم جدا و یا با هم دوست می‌شوند.  
-یکی نون نداشت بخوره - ترپ می‌خورد تا اشتهاش وایشه.  
کاربرد: درباره کسانی گفته می‌شود که آه در بساط ندارند ولی ادعاهای بزرگ دارند.  
-سیخم و میخم - صندوقخانه بیخم.  
کاربرد: هر کس مالک مال خودش است و آن را محکم نگه می‌دارد و به دیگران روی نمی‌آورد.

-گدازه - رو بدی - میره صندوقخانه نون آب میزنه.  
گدا را رو بدهی، میره صندوقخانه و نان آب می‌زند. کاربرد: به آدم کم ظرفیت رو بدی نتیجه عکس می‌گیری(23).

### بخش پنجم: اوضاع سیاسی مذهبی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

#### اوضاع مذهبی

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از ۱۶۷۷۹۵۷ نفر جمعیت استان همدان، ۱۶۷۶۰۰۹ نفر مسلمان، ۳۰۸ نفر زرتشتی، ۸۶ نفر مسیحی، ۴۷ نفر کلیمی، ۴۹۲ نفر سایر ادیان و ۱۰۱۵ نفر دین خود را اظهار ننموده‌اند(24).

#### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان همدان دارای ۱۸۴۴ مکان مذهبی شامل 1430 مسجد (۲۵۲ مسجد در مناطق شهری و ۱۱۸۳ مسجد در مناطق روستایی)، ۵ مصلی، یک نمازخانه، ۱۷۴ زیارتگاه و امامزاده، ۱۰ نظرگاه و قدمگاه، ۹ زیارتگاه بزرگان دین، ۱۸ تکیه ثابت، ۱۶۸ حسینیه، ۳ فاطمیه، ۳ مهدیه، ۱۲ زینبیه، حیدریه و...، ۶ خانقاه و ۵ مکان مذهبی اقلیت‌های دینی بوده است(25).  
برخی از مساجد مشهور این استان عبارتند از:  
همدان: مسجد نظر بیگ، مسجد شریف‌الملک، مسجد میر سید جلیل، مسجد ملاخلیل، مسجد میرزا تقی، مسجد شورین.

اسدآباد: مسجد سلطانی (مسجد جامع اسدآباد).

تویسرکان: مسجد شیخ علی‌خان زنگنه.

نهاوند: مسجد جامع و(26)....

همچنین برخی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های استان عبارتند از:

-امامزاده شاهزاده حسین (همدان)،

- امامزاده یحیی (همدان)،
- امامزاده عبدالله (همدان)،
- امامزاده اهل بن علی (همدان - روستای درجزین)،
- بقعه خاتونیه (همدان روستای شوند)،
- مقبره باباطاهر (همدان)،
- مقبره آیت الله آخوند ملاعلی معصومی (همدان)،
- امامزاده باباعلی (ملایر)،
- امامزاده دستجرد (ملایر)،
- امامزاده قاسم (ملایر)،
- مقبره باباپیر (نهاوند)،
- مقبره در شیخ، ابوالعباس نهاوندی از عرفای سده چهارم (نهاوند)،
- بقعه حَبَقُوقِ نَبِی، از انبیاء بنی اسرائیل (تویسرکان)،
- امامزاده شاه زید (تویسرکان)،
- مرقد شیخ محمد بهاری عارف بزرگ (بهار) و (27)....

### مدارس دینی

شهر تاریخی همدان، همواره مرکز علم و دانش و شعر و ادب بوده است و در مدارس دینی آن از دیر باز عالمان و دانشمندان بزرگی چون بدیع الزمان همدانی، ابوعلی سینا، ابوالوفاء سلمه همدانی و... به تدریس اشتغال داشته‌اند.

هم اکنون استان همدان دارای ۱۱ مدرسه دینی می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از:

- مدرسه آخوند (همدان)،
- مدرسه آیت الله دامغانی (همدان)،
- مدرسه علمیه امام خمینی (نهاوند)،
- مدرسه علمیه حاج شیخ عزیز (نهاوند)،
- مدرسه شیخ علی خان (تویسرکان)،
- مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع) (ملایر)،
- مدرسه آیت الله بهاری (بهار)،
- مدرسه صاحب الزمان (اسدآباد)،
- مدرسه امیر المؤمنین (فامنین) (28).

### بزرگان و مشاهیر

- عین القضاة همدانی (عارف، مقتول به سال ۵۲۵ ه.ق.).
- بدیع الزمان همدانی (ادیب، وفات ۳۹۸ ه.ق.).
- حافظ ابوالعلاء همدانی (محدث، وفات 599 ه.ق.).
- آخوند ملاحسین قلی همدانی (از عرفاء بزرگ معاصر).
- شیخ محمد بهاری (از عرفاء بزرگ معاصر).
- آیت الله آخوند همدانی (فقیه مشهور، وفات ۱۳۵۷ ه.ش.).
- میر سیدعلی همدانی (عارف مشهور).
- سید جمال الدین اسدآبادی (مصلح اجتماعی و سیاسی، وفات ۱۳۱۴ ه.ق.).
- آیت الله شیخ علی دامغانی (فقیه، وفات ۱۳۶۲ ه.ق.).
- سید محمد رضا میرزاده عشقی (شاعر عصر مشروطه، وفات ۱۳۰۳ ه.ش.).
- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (وزیر، طبیب).
- آیت الله حاج آقا رضا همدانی (از مفاخر بزرگ شیعه، وفات ۱۳۲۲ ه.ق.).
- آیت الله شیخ محمدجواد انصاری همدانی (از عرفاء بزرگ معاصر، وفات ۱۳۳۸ ه.ق.).
- آیت الله العظمی نوری همدانی، مرجع تقلید شیعه.
- آیت الله شهید دکتر محمد مفتاح (تاریخ شهادت، ۲۷ آذر. 1358)

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### جنگ جهانی اول

با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. (۱۲۸۶ ه.ش) و گسترش شعله‌های آن، مناطق مختلف استان همدان از سوی نیروهای نظامی انگلستان، روسیه و عثمانی اشغال گردید.

نیروهای انگلیسی به فرماندهی ژنرال دانستروپل در محلی مقابل قالیباف خانه در خارج از شهر و قوای عثمانی نیز در مقابل مسجد شاه اردو زدند. قوای روسی نیز برخی از مناطق شهر و خانه اعیانی و بزرگ شهر را تصرف نموده بودند. نیروهای نظامی روسیه در زمان اشغال همدان به تجاوز و تعدی بر مردم پرداختند و درگیریهایی متعددی با مردم داشتند.

بیگانگان روسی هر گاه فرصتی می‌یافتند در صورت برخورد با نوامیس مردم مسلمان، حالت تجاوز و تهاجم به خود می‌گرفتند در نتیجه زنان مسلمان همیشه خود را از مسیر آنان به دور می‌داشتند.

در مقابل، سربازان عثمانی به خاطر مسلمان بودن، رفتاری مناسب‌تر از سربازان روسی داشتند و سعی در جلب محبت مردم می‌نمودند. به همین خاطر برخی از مردم همدان در مقابل قوای روسی، به همکاری با سربازان عثمانی می‌پرداختند.

در طول جنگ جهانی اول نبردهایی بین آلمانی‌ها و طرفداران ایرانی آنها با نیروهای روسی در گرفت و بانک دولت روس نیز غارت گردید (29).

### واقعه کشف حجاب

به دنبال فرمان جابرانه رضاشاه مبنی بر کشف حجاب بانوان، ماموران شهربانی در صورت مشاهده هر زنی که حتی روسری کوچکی بر سر داشت، به سوی وی حمله کرده و روسری را همراه با مثنی مو از سر زنان مظلوم و بی‌دفاع بر می‌داشتند.

بسیاری از زنان متدین نیز سالها خود را در خانه، زندانی ساختند و تنها هر چند وقت یکبار در سحر گاهان، ترسان و لرزان، در تاریکی به حمام می‌رفتند. برخی از زنان نیز صرفاً به منظور حفظ حجاب، چادرهای سیاه را کنار و با چادر نماز در خیابانها حضور پیدا می‌کردند. در میان زنان متدین همدان که در مقابل مأمورین رضاشاه مقاومت به خرج می‌دادند و هرگز تسلیم خواسته‌های آنان نمی‌شدند می‌بایست از بانویی شجاع و سیده به نام شهربانو مشهور به «دختر آقا» یاد کرد.

از حوادث تلخ همدان در واقعه کشف حجاب، حضور کارمندان و کارکنان دولت در مراسم ۱۷ دی (روز کشف حجاب) با بانوان بی‌حجاب خویش می‌باشد (30).

### جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸ ه.ش، دامنه‌های آن در سال ۱۳۲۰ به ایران نیز کشیده شد. و بر خلاف اعلان بی‌طرفی دولت ایران نسبت به طرف‌های درگیر در جنگ، ایران از سوی متفقین اشغال گردید.

در سپیده دم روز ششم شهریور ۱۳۲۰ ه.ش هواپیماهای روسی بر فراز آسمان همدان به پرواز در آمدند و به بمباران شهر پرداختند. مردم بی‌دفاع همدان که تا آن زمان، با چنین منظره‌ای روبرو نشده بودند، به اطراف شهر پراکنده شدند و در اثر این بمباران‌ها عده‌ای کشته و مجروح شدند (31).

### کودتای ۲۸ مرداد

یکی از مهمترین وقایع سیاسی در تاریخ کشور و مبارزات مردم استان همدان، واقعه کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ه.ش است.

پس از فرار محمدرضاشاه در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به بغداد، مردم همدان به خیابانها ریختند و مجسمه وی را سرنگون ساختند. از سوی دیگر با انتشار خبر حرکت تیپ زرهی کرمانشاه به فرماندهی سرهنگ تیمور بختیار به سمت تهران به منظور حمایت از شاه و

شرکت در کودتا، مردم همدان اعم از مرد و زن به سوی تانکها و زره‌پوشهای در حال پیشروی یورش برده و با خوابیدن بر آسفالت خیابان، قصد جلوگیری از عبور نیروهای تیپ زرهی کرمانشاه را داشتند که با به خاک و خون کشیدن این تظاهرات، نیروهای بختیار از همدان عبور کردند.

کفن‌پوشان همدان نیز که برای پشتیبانی از دولت مصدق به سوی تهران حرکت کرده بودند پس از برخورد با نیروهای کودتا و عکس‌العمل شدید آنها و اطلاع از سقوط دولت مصدق، ناامیدانه به سوی همدان بازگشتند(32).

### انقلاب اسلامی

مردم پاك نهاد استان همدان از روزهای نخست طلّیعه نهضت امام خمینی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در همراهی با سایر اقشار کشور اسلامی درنگ نکردند.

حماسه سازان این استان قهرمان پرور، همافران پایگاه هوایی نوژه (شاهرخی) برای نخستین بار در تاریخ نظامی ایران با اعتراض و اعتصاب و اعلام حمایت از نهضت امام خمینی(ره) نقطه امید نظام شاهنشاهی را در هم شکستند.

در حمایت از اعتصاب غذای يك هفته‌ای ۲۸۰۰ پرسنل نیروی هوایی در پایگاه شهید نوژه، خانواده‌های آنان نیز دست به تظاهرات زدند(33).

مردم مسلمان و متدین همدان با رهبری اولین شهید محراب آیت‌الله مدنی(ره)، با خوابیدن بر پهنه آسفالت سرد جاده کرمانشاه، مانع عبور و رسیدن تانک‌ها و خودروهای لشگر زرهی کرمانشاه که به منظور سرکوب انقلابیون عازم تهران بودند، شدند.

مردم سایر شهرستانهای استان مانند، تویسرکان، نهاوند، کبودر آهنگ، بهار نیز با تظاهرات عمومی و اعتصابات گسترده، گام‌های موثری در سقوط رژیم شاهنشاهی برداشتند.

بازاریان همدان نیز از آذرماه ۱۳۵۶ با تعطیل عمومی بازار، به حمایت از امام خمینی(ره) برخاسته و دست به تظاهرات زدند.

### پی‌نوشت‌ها

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان همدان، آمارنامه استان همدان ۱۳۷۵، ص ۱ و ۷.
- 2- همان، ص ۱-۶.
- 3- همان، ص ۱۶۷-۱۶۸.
- 4- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان همدان، ص ۳۱ و سازمان برنامه و بودجه استان همدان، همان، ص ۱۹۷.
- 5- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص 32-31.
- 6- احمد صابری همدانی، تاریخ مفصل همدان، ج ۱، ص ۱۳-۱۵؛ و محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۵۴.
- 7- عبدالرفیع حقیقت، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران، ص ۶۴۴-۶۴۵.
- 8- عبدالرفیع حقیقت، همان، ص ۶۴۶-۶۵۱.
- 9- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۴۶۹ و حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۱۱۵-۱۱۸.
- 10- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان همدان، ص شانزده.
- 11- همان، ص بیست و شش - بیست و نه و 68-66.
- 12- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۴۶۷-۴۶۸.
- 13- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 14- سازمان برنامه و بودجه استان همدان، همان، ص ۹۷-۹۹.
- 15- مرکز آمار ایران، همان، ص ۳۲-۳۴.

- 16 سازمان برنامه و بودجه استان همدان، همان، ص ۱۲۸.
- 17 همان، ص ۱۴۱- ۱۴۵.
- 18 حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۰۶- ۱۰۷.
- 19 صحبت‌الله مرادی، فرهنگ عامه خطه تویسرکان، ص ۱۵۰- ۱۵۱.
- 20 حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۰۴- ۱۰۶.
- 21 فصلنامه همدان، سال دوم، شماره 8، ص ۹۶- ۱۰۱.
- 22 غلامحسین قراگوزلو، هگمتانه تا همدان، ص ۴۳۳- ۴۳۹.
- 23 فصلنامه همدان، سال دوم، شماره ۲ و ۳، ص ۶۱- ۶۲.
- 24 مرکز آمار ایران، همان، ص ۵.
- 25 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه اماکن مذهبی کشور 1375، ص ۱؛ و سازمان برنامه و بودجه استان همدان، همان، ص ۱۴۳.
- 26 احمد صابری همدانی، همان، ص ۱۹۴- 195.
- 27 همان، ص ۱۹۹- ۲۱۸.
- 28 سازمان برنامه و بودجه استان همدان، همان، ص ۱۴۳، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 29 غلامحسین قراگوزلو، همان، ص ۵۹۳- 599.
- 30 مرتضی جعفری، معصومه فرشچی و صغری اسماعیل‌زاده، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب، ص ۴۰۶ و غلامحسین قراگوزلو، همان، ص ۶۶۸- ۶۶۹.
- 31 غلامحسین قراگوزلو، همان، ص ۶۷۲.
- 32 باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۹۰- ۴۹۱ و غلامحسین قراگوزلو، همان، ص ۶۷۴- ۶۷۵.
- 33 باقر عاقلی، همان، ج ۲، ص 393.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان هرمزگان با وسعت ۷۱۱۹۳ کیلومتر مربع در جنوب ایران مابین مختصات جغرافیایی حداقل ۲۵ درجه و ۲۴ دقیقه و حداکثر ۲۸ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و حداقل ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه و حداکثر ۵۹ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است (1).

این استان از شمال و شمال شرقی با استان کرمان، از جنوب با خلیج فارس و دریای عمان، از جنوب شرقی با استان سیستان و بلوچستان و از غرب با استان‌های فارس و بوشهر همسایه است.

مرکز استان شهرستان بندرعباس می‌باشد و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، این استان از ۸ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۲۱ بخش شامل ۱۴ شهر و ۶۹ دهستان و ۳۰۴۶ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد (2).

#### ویژگی‌های طبیعی

استان هرمزگان از مناطق گرم و خشک ایران است و اقلیم آن تحت تاثیر آب و هوای نیمه بیابانی و بیابانی قرار دارد. هوای نوار ساحلی در تابستان‌ها، بسیار گرم و مرطوب است و گاهی نیز دمای آن از ۵۲ درجه سانتی‌گراد تجاوز می‌کند. دمای متوسط سالانه این منطقه حدود ۲۷ درجه سانتی‌گراد است.

از ویژگی‌های آب و هوای استان هرمزگان، يك فصل طولانی گرم و يك فصل کوتاه خنك است. فصل گرم همراه با هوای شرجی، ۹ ماه به درازا می‌کشد. این فصل از اوایل اسفند ماه شروع می‌شود؛ هوا رفته رفته رو به گرمی می‌رود تا این که گرما در تیر و مرداد به اوج خود می‌رسد. فصل خنك آن همراه با خشکی نسبی هوا، در حدود ۳ ماه طول می‌کشد. این فصل از اوایل آذر ماه شروع می‌شود. دمای هوای این استان، در سردترین شب‌های سال، به ندرت به صفر درجه می‌رسد و در روزهای زمستانی، دمای آن معمولاً از ۱۰ درجه سانتی‌گراد پایین‌تر نمی‌آید(3).

### **بخش دوم: جغرافیای اقتصادی**

#### **کشاورزی و دامپروری**

فعالیت عمده مردم هرمزگان در زمینه کشاورزی و ماهیگیری است. هم‌چنین حمل و نقل دریایی از دیگر فعالیت‌های عمده اقتصادی اهالی نوار ساحلی و جزایر استان می‌باشد. این استان از نظر رشد سریع محصولات کشاورزی گرمسیری و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و ناحیه‌ای، اهمیت قابل توجهی دارد. از جمله می‌توان به تولید و کاشت انواع صیفی و سبزی شامل گوجه‌فرنگی، خیار، بامیه، هندوانه و ... اشاره کرد. کشت مرکباتی از قبیل پرتغال، نارنگی، لیموترش و ... نیز در این استان رایج است. منطقه میناب به عنوان قطب کشاورزی استان هرمزگان به شمار می‌رود(4).

#### **صنایع و معادن**

##### **صنایع دستی**

صنایع دستی این استان جنبه تجاری ندارد و فقط در اکثر موارد تامین‌کننده بخشی از نیازهای منطقه می‌باشد.

مهم‌ترین صنایع دستی فعال در استان هرمزگان عبارتند از:

سبد بافی و حصیر بافی در منطقه میناب و بشاگرد.

گلابتون دوزی و زری دوزی در شهرهای بندر لنگه، بندر عباس و میناب.

سوزن دوزی در بخش بشاگرد.

هم‌چنین قالی بافی، چادر شب بافی، بادوله دوزی، خوس دوزی و سفالگری از دیگر

صنایع دستی این استان به شمار می‌رود(5).

##### **صنایع ماشینی**

استان هرمزگان در زمینه صنایع غذایی و حمل و نقل دریایی از موقعیت اقتصادی برجسته‌ای برخوردار است.

شیلات از مهم‌ترین صنایع هرمزگان است که محصولات آن در سراسر کشور توزیع

می‌گردد. محصولات مهم آن کنسرو، ساردین و تن است. کارخانه آرد ماهی نیز از دیگر

صنایع استان است که از پوست و استخوان و امعاء و احشاء ماهیان کنسرو شده در

کارخانه کنسروتن، آرد ماهی به عمل می‌آورد. هم‌چنین صنایع دیگری مانند صنعت قایق

سازی، نساجی، لنج سازی، یخ سازی، کارخانه آب لیموگیری، کشتی سازی و تعمیر و

بازسازی کشتی و لنج نیز در این استان وجود دارد.

پالایشگاه نفت بندر عباس یکی از مهم‌ترین پالایشگاه‌های ایران به شمار می‌رود(6).

##### **معادن**

استان هرمزگان معادن فراوانی دارد که مهم‌ترین آن نفت و گاز است. معادن دیگری

مانند کرومیت، خاک سرخ، سنگ گچ و آهک، گوگرد و آهن نیز در این استان یافت

می‌شوند. با کشف معادن جدیدی مثل شن و ماسه، سنگ لاشه، نمک طعام و سنگ تزئینی

صنایع معدنی استان فعال‌تر شده است (7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

نام استان هرمزگان برگرفته از جزیره هرمز می‌باشد و هرمز نام بندری بوده در کنار خلیج فارس که به بانی آن یعنی هرمز ساسانی نسبت داده شده است. تنگه هرمز نیز نام خود را از آن گرفته و به علت نزدیکی این جزیره با تنگه، به همین نام خوانده شده است (8).

ابن حوقل علت نام گذاری دریای پارس را، چنین ذکر می‌کند: «دریای فارس، خلیجی از بحر محیط در حد چین و شهر واق است و این دریا از حدود بلاد سند و کرمان تا فارس امتداد دارد و از میان سایر ممالک به نام فارس نامیده شده است. زیرا فارس از همه این کشورها آبادتر است و پادشاهان آن جا در روزگاران قدیم سلطه بیشتری داشتند و هم اکنون به همه کرانه‌های دور و نزدیک این دریا مسلطاند و همه کشتی‌هایی که در دریای فارس حرکت می‌کنند و از حدود مملکت خود خارج می‌شوند و با جلال و مصونیت برمی‌گردند، متعلق به فارس هستند (9).

#### پیشینه تاریخی

جغرافیای تاریخی استان هرمزگان با تاریخ و جغرافیای خلیج فارس درهم آمیخته است. مدارک پراکنده‌ای بر پایه نوشتارهای تاریخ نگاری یونانی مربوط به قرن چهارم پیش از میلاد، درباره خلیج فارس وجود دارد. از همان زمانی که پارسی‌ها به لب دریای جنوب رسیدند، یعنی از هزاره دوم پیش از میلاد، بایست نام این دریا را دریای پارس یا خلیج فارس گذاشته باشند و از نخستین روزی که نام این دریا در اسناد معتبر تاریخی آمده است تا امروز همواره آن را به همین نام خوانده‌اند.

پیش از آن که آریائی‌های ایران، بر فلات ایران تسلط پیدا کنند، آشوریان از این دریا در کتیبه‌های خود به نام «نارم‌تو» که به معنای رود تلخ است یاد کرده‌اند. در کتیبه‌ای که از داریوش کبیر در تنگه سوئز به دست آمده به نام «دراپاتیا‌هخاپارساآتی» یعنی دریایی که از پارس می‌رود، خوانده شده است (10).

تاریخ مکتوب بندر هرمز از زمان اردشیر بابکان آغاز می‌شود. مورخین شرقی و اروپایی چنین گفته‌اند که روزگار آبادانی بندر هرمز بین سال‌های (۲۴۱-۲۱۱) میلادی بوده، ولی پس از ظهور اسلام و سقوط دولت ساسانی به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز داد و ستد شرق، معروفیت پیدا کرده است. در فاصله سال‌های (۷۵۰-۶۶۱) میلادی، منطقه خلیج فارس جز قلمرو خلافت اموی و سپس جز قلمرو خلافت عباسی بوده است. از اواخر قرن هشتم میلادی که دوران شکوفایی خلافت عباسی بود، داد و ستدهای دریایی رونق به سزایی یافت. بسیاری از مورخین، این راه دریایی را با اهمیت‌تر از جاده معروف ابریشم یا شاخه مهمی از آن می‌دانند.

در سال ۱۴۳۵ میلادی هنگامی که قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح سقوط کرد، ارتباط زمینی اروپاییان با آسیا گسسته شد. در سال ۱۴۹۷ میلادی، برای اولین بار استعمارگران غربی به فرمانروایی «واسکودوگاما» در بنادر خلیج فارس پیاده شدند. در سال ۱۵۰۶ میلادی پرتغالی‌ها به عنوان محافظت از منابع پرتغال در برابر تجار مصری و ونیزی، به رهبری «آلفونسو آلبوکرک» با هفت کشتی جنگی جزیره هرمز را محاصره نمودند.

بندر هرمز در این زمان، کلید تجاری خلیج فارس محسوب می‌شد و راه ادویه از کنار همین بندر در تنگه هرمز عبور می‌کرد. سقوط هرمز که از نظر تجاری و نظامی برای دولت ایران اهمیت داشت، به جدا شدن هرمز از ایران و تسلط پرتغالی‌ها بر تنگه هرمز و وضع مالیات برای عبور کشتی‌ها گردید. شاه اسماعیل که در صدد اعاده مالکیت ایران بر هرمز بود به سبب گرفتاری‌های ناشی از جنگ با عثمانی‌هان، به بیرون راندن



پرتغالی‌ها موفق نشد و پیمانی با آنان منعقد نمود که به موجب آن پرتغالی‌ها می‌بایست در لشکرکشی به بحرین، شاه اسماعیل را مساعدت می‌کردند. با این پیمان تسلط پرتغالی‌ها بر خلیج فارس تا مدتی تثبیت شد، ولی شاه عباس با کمک قوای انگلیس، حاکمیت پرتغالی‌ها بر خلیج فارس را پایان داد.

خلیج فارس بعد از جنگ جهانی اول، نه تنها به عنوان یک معبر دریایی تجاری بسیار مهم، بلکه به عنوان بزرگ‌ترین کانون نفت و منبع مهم رشد صنایع، اهمیت اقتصادی و استراتژیکی فراوانی یافت، به طوری که کلیه طرف‌های تجاری خارجی ایران به ویژه انگلیس با جدیت تمام تلاش کردند حضور فیزیکی خود را در خلیج فارس حفظ کنند(11).

### آثار و بناهای تاریخی

- عمارت کلاه فرنگی، مربوط به دوره صفویه، در مجاورت اسکله قدیمی بندر عباس در بلوار طالقانی.

- عمارت فکری: مربوط به دوره قاجار واقع در بندر لنگه.

- قلعه لشتان: در ۶ کیلومتری شرق بندر لنگه مربوط به سال ۹۰۴ ه.ق.

- قلعه پرتغالی‌ها: در انتهای شمال شرقی جزیره قشم.

- قلعه لافت: در جنوب روستای لافت.

- قلعه هزاره (بی‌بی مینو): واقع در شهر میناب.

- قلعه خمیر: در نزدیکی بندر خمیر.

- قلعه هرمز: واقع در ضلع شمالی جزیره هرمز که به فرمان «آلفونسو آلبوکرک» پرتغالی در سال ۱۵۰۷ میلادی ساخته شد.

- آب‌انبار بی‌بی: واقع در شهر قشم.

- آب‌انبار خریز: در کنار شهر باستانی خریز.

- چاه پرتغالی‌ها: معروف‌ترین چاه قدیمی استان هرمزگان واقع در محوطه نیروگاه برق قشم.

- اسکله باستانی بندر لافت.

- سد بالاتل واقع در دره کولغان.

- شهر باستانی کنگ.

- محله باستانی سورو: واقع در غرب بندر عباس.

- پل لاتیدان: در ۵۰ کیلومتری غرب بندر عباس بر روی رودخانه کل ایجاد شده و یادگار دوره صفوی است.

- حمام گله‌داری: تنها حمام قدیمی شهر بندر عباس است(12).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

در آبان ۱۳۷۵، جمعیت استان ۱۰۶۲۱۵۵ نفر بوده است که از این تعداد ۴۴۳۹۷۰ نفر در نقاط شهری و ۶۱۳۳۲۶ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته و ۴۸۵۹ نفر غیر ساکن بوده‌اند.

هم‌چنین از مجموع جمعیت استان، ۵۴۷۶۰۲ نفر مرد و ۵۱۴۵۵۲ نفر زن بوده است. در نتیجه نسبت جنسی برابر ۱۰۶ می‌باشد یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۶ نفر مرد وجود داشته است(13).

#### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان هرمزگان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1062155	547602	514553	195329
ساکن در نقاط شهری	443970	233367	210603	83951
ساکن در نقاط روستایی	613326	311861	301465	110334

1044	2485	2374	4859	غیر ساکن
232	365	3050	3415	شهرستان ابوموسی
227	365	1907	2272	ساکن در نقاط شهری
5	0	1143	1143	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
11383	27284	28930	56214	شهرستان بندر جاسک
1596	4055	5012	9067	ساکن در نقاط شهری
9787	23229	23918	47147	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
79258	200405	219533	419938	شهرستان بندرعباس
54357	134355	147577	281932	ساکن در نقاط شهری
24764	65897	71716	137613	ساکن در نقاط روستایی
137	153	240	393	غیر ساکن
28063	75658	81272	156930	شهرستان بندر لنگه
9696	23291	28100	51391	ساکن در نقاط شهری
18367	52367	53172	105539	ساکن در نقاط روستایی
خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
0	0	0	0	غیر ساکن
12094	30727	30658	61385	شهرستان حاجی آباد
3130	8204	8485	16689	ساکن در نقاط شهری
8308	20839	20613	41452	ساکن در نقاط روستایی
656	1684	1560	3244	غیر ساکن
15586	42944	43760	86704	شهرستان رودان
3408	9449	10029	19478	ساکن در نقاط شهری
11959	32927	33219	66146	ساکن در نقاط روستایی
219	568	512	1080	غیر ساکن
13611	35635	37346	72981	شهرستان قشم
3631	8912	9412	18324	ساکن در نقاط شهری
9977	26715	27921	54636	ساکن در نقاط روستایی
3	8	13	21	غیر ساکن
35102	101535	103053	204588	شهرستان میناب
7906	21972	22845	44817	ساکن در نقاط شهری
27167	79491	80159	159650	ساکن در نقاط روستایی
29	72	49	121	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان هرمزگان.  
وضع فعالیت

از مجموع 750430 نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان در سال ۱۳۷۵، ۲۲۸۴۱۲ نفر فعال و ۵۱۰۴۶۱ نفر غیر فعال بوده‌اند. جمعیت فعال استان شامل: ۲۰۹۰۰۲ نفر شاغل، ۴۴۸۹ نفر بیکار قبلاً شاغل و ۱۴۹۲۱ نفر بیکار قبلاً غیر شاغل، و جمعیت غیر فعال نیز شامل: ۲۰۱۶۲۷ نفر محصل، ۲۱۶۹۶۰ نفر خانه‌دار، ۲۳۲۳۱ نفر دارای درآمد بدون کار و ۶۸۶۴۳ نفر در گروه سایر بوده‌اند.

هم چنین از مجموع جمعیت فعال استان، ۲۱۰۸۱۲ نفر مرد و ۱۷۶۰۰ نفر زن و از جمعیت غیرفعال، ۱۷۰۱۳۰ نفر مرد و ۳۴۰۳۳۱ نفر زن بوده‌اند(14).

### زبان

حدود ۹۷ درصد مردم این استان، فارسی زبان و ۳ درصد باقیمانده به سایر زبان‌ها و گویش‌های مخصوص بندری و محلی و برخی نیز به زبان عربی صحبت می‌کنند.

گویش‌های محلی رایج بین اهالی این استان از شهری به شهر دیگر و یا روستاهای دورتر آن با هم تفاوت دارند و شاید برای خود اهالی استان که به شهرها و یا روستاهای اطراف سفر می‌کنند این گویش‌های محلی تا حدودی قابل درک نباشد.

لهجه‌های محلی که در سطح استان متداول است ترکیبی از کلمات فارسی و عربی و هندی است(15).

### نژاد

خلیج‌فارس از دیرباز یعنی پیش از ورود آریاییان به ایران و گسترش آن نژاد، مسکن اقوام دیگری بوده است و علاوه بر نژاد مدیترانه‌ای، نژادهایی چون دراویدی، سیاه پوست، سامی و عیلامی در هرمزگان سکونت داشته‌اند(16).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۸۸۸۵۳۷ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۷۸/۷۲ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت با سواد در گروه سنی (۱۴-۶ ساله) ۸۷/۹۰ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۳۹/۶۳ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۱۴-۶ ساله)، نسبت با سواد در نقاط شهری ۱۸/۹۵ درصد و در نقاط روستایی ۹۹/۸۷ درصد بوده است(17).

مراکز دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌ها و مدارس عالی استان هرمزگان بر حسب

جنس سال تحصیلی 70-71

درصد	تعداد	زن	مرد	جمع	دانشکده یا مدرسه عالی
35%	1083	65	2008	3091	کل استان:
31%	289	69	644	933	دانشگاه آزاد اسلامی
52/5%	116	47/5	105	221	دانشگاه پیام نور
32%	192	68	415	607	دانشکده پزشکی
81%	219	19	53	272	دانشکده پرستاری و مامائی
0%	0	100	337	337	دانشکده مهندسی کشتی سازی و صنایع دریایی
8%	11	92	129	140	آموزشکده فنی مهندسی هرمزگان
100%	256	0	0	256	مرکز تربیت معلم فاطمه الزهرا
0%	0	100	325	325	مرکز تربیت معلم شهیدباهنر

مأخذ: آمارنامه استان هرمزگان، 1370

امکانات فرهنگی - تفریحی

کتابخانه‌ها

ردیف نام شهر نام کتابخانه آدرس

- 1 بندرعباس مرکزی (شهداء) دکتر شریعتی بازار آیت الله طالقانی
- 1 بندرعباس شماره ۱ آیت الله طالقانی خیابان امام خمینی - خیابان مژگان
- 1 بندرعباس شماره ۲ شهید مطهری ششصد دستگاه کوی ملت امیرآباد
- 1 بندرلنگه خیابان سپاه پاسداران
- 1 بخش فین خیابان امام خمینی
- 1 بستک خیابان برق
- 1 بندر لنگه شهرستان بندر لنگه
- 1 حاجی آباد بلوار شهید بهشتی
- 1 قشم (رجائی) بلوار شهید رجائی
- 1 گاوبندی بخش گاوبندی
- 1 میناب کوی کارمندان
- 1 بندر خمیر
- 1 رودان
- 1 بندر لنگه پارک

مأخذ: مجموعه آماری امکانات اجتماعی - فرهنگی استان هرمزگان، 1370.

#### سینما

بر اساس آمار سال ۱۳۷۰، در این استان ۲ سالن سینما وجود داشته که هر دو در شهر بندرعباس واقع است (18).

#### پارک‌ها

بر اساس آمار سال ۱۳۷۰، در این استان ۱۳ پارک شهری و 6 پارک جنگلی وجود داشته است (19).

#### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۰، در این استان ۱۰۱ باشگاه ورزشی عمومی، ۳ باشگاه باستانی، ۵ پیست دو و میدانی، ۳ زمین فوتبال چمن، ۶۲ زمین فوتبال خاکی، ۲۸ زمین والیبال، ۲۸ زمین بسکتبال، ۶ استادیوم مورد بهره‌برداری و ۴ استادیوم در دست ساختمان، ۶ سالن ورزشی مورد بهره‌برداری و ۵ سالن در دست ساختمان، ۵ استخر شنا مورد بهره‌برداری و ۳ استخر در دست ساختمان بوده است (20).

#### فصل سوم: آداب و رسوم

##### ماه مبارک رمضان

در این استان خصوصاً در مناطق روستایی دو نفر برای بیدار کردن مردم از نیمه شب تا نزدیک سحر در کوی و برزن راه می‌افتند. یکی از این دو، طبل بزرگی به گردن انداخته و دیگری در حالی که چراغ دریایی در دست دارد او را همراهی می‌کند و هر بار با صدای بلند می‌گویند «یا ماه رمضان قدمت مبارک» و خلق الله را از خواب بیدار می‌کنند. در ماه مبارک رمضان در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود و مردان و زنان و کودکان هر کدام جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند. در این ماه افطاری دادن یکی از رسوم پسندیده است و آن‌هایی که توانایی دارند چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند.

شب پانزدهم یا نیمه ماه رمضان در این استان به «نیمه برات» شهرت دارد و مردم به یاد مردگان خود خیرات می‌دهند و آن‌هایی که استطاعت مالی دارند مستحقان را افطاری می‌دهند و به این افطاری «نیمه براتی» می‌گویند.

شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان را شب‌های احیا می‌گویند. در این شب‌ها شیعیان تا سحر به عبادت و خواندن قرآن و دعا مشغولند. زمان و مکان احیا نزد همگان یکسان نیست، بعضی در خانه و بسیاری دیگر در مساجد، مراسم احیا را به

جا می‌آورند.

### عید فطر

با فرا رسیدن روز عید فطر مردم از صبح روانه مساجد می‌شوند و نماز عید فطر را به جا می‌آورند. در برخی از مناطق استان، در این روز در خانه، سفره عید به وسیله خانم خانه چیده می‌شود و در آن شیرینی، شکلات، میوه و نبات قرار می‌دهند. سپس افراد خانه به دور آن جمع شده و با خوشحالی و نشاط به خوردن میوه و شیرینی می‌پردازند. بعد از این کار، اهل خانه از خانه خارج می‌شوند و به دیدن اقوام و آشنایان می‌روند و تا سه روز این کار ادامه می‌یابد. در این روز اگر بین افراد محل، کدورتی به وجود آمده باشد با یکدیگر آشتی می‌کنند و کدورت‌ها و دلخوری‌های قبلی را به فراموشی می‌سپارند (21).

### مراسم ماه محرم

در ماه محرم مردم این خطه مانند سایر نقاط ایران به عزاداری و سینه زنی می‌پردازند و در ضمن اجرای مراسم تدریجاً به تعداد شرکت کنندگان اضافه می‌شود. شرکت کنندگان که در سنین متفاوت هستند در صفوف سینه‌زنی به شکل دوایر متحدالمرکز گرد هم جمع می‌شوند. نوحه‌های آن به وسیله ضربات منظم سینه‌زنان همراهی می‌گردد. این نوحه‌ها بین نوحه خوان اصلی و سینه زنان متوالیاً مبادله می‌شود. در خاتمه سینه زنی شرکت کنندگان به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم شده و به سینه زنی ادامه می‌دهند. مراسم سینه زنی معمولاً ۷۵ دقیقه به طول می‌انجامد. بعد از ختم سینه زنی، هیئت عزاداران از تکیه عبور می‌کنند. این دسته که از شرکت کنندگان زن و مرد تشکیل می‌شود، با گروهی از سنج زنان همراهی می‌شود. در مراسم شام غریبان شرکت کنندگان که اکثراً زن هستند در حالی که مشعلی در دست دارند از کوچه‌های شهر عبور می‌کنند و به طور گروهی نوحه‌های شام غریبان را می‌خوانند (23).

### اعیاد و جشن‌های ملی - مذهبی

#### عید قربان

عید قربان یکی از بزرگ‌ترین اعیاد اهالی سواحل و جزایر خلیج فارس است. به این روز، «عید قربان»، «عید اضحی»، «عید گپه» و «عید بزرگ» نیز می‌گویند. در این روز اغلب مردم صبح زود از خواب برمی‌خیزند و پس از ادای نماز به گورستان شهر می‌روند و بر قبر بستگان خود به خواندن فاتحه و قرآن می‌پردازند. بعد از آن، به خانه آمده و غسل می‌کنند و پس از صرف صبحانه به مسجد جامع شهر می‌روند و به خواندن قرآن و دعا می‌پردازند و با آمدن امام جماعت مسجد، تکبیر بلند می‌گویند. سپس پشت سر او دو رکعت نماز عید به جای می‌آورند. در این روز احیاناً اگر دو نفر با هم قهر بوده و یا دعوا کرده باشند، روی هم را می‌بوسند و با هم آشتی می‌کنند. هم چنین در این روز همه اهالی لباس نو می‌پوشند، بچه‌ها به در خانه‌ها اعم از آشنا و غیر آشنا می‌روند؛ صاحب خانه‌ها نیز به آن‌ها عیدی می‌دهند (24).

#### نیمه شعبان

روز پانزدهم شعبان که روز ولادت امام مهدی (عج) است، در استان هرمزگان نیز جشن گرفته می‌شود. مردم شیعه هرمزگان در نیمه ماه شعبان که آن را ماه دو - دو نیز می‌نامند، به تهی دستان صدقه می‌دهند و معتقدند شب نیمه شعبان، شب سرنوشت است و در این شب باقی مانده عمر و روزی و مقدرات هر کس تا پایان زندگی مشخص می‌شود. از این رو تمام شب را به تلاوت قرآن و به ویژه خواندن سوره «یاسین» می‌گذرانند. در این شب، بزرگ‌ترها از خانه بیرون نمی‌روند و فقط بچه‌ها طبق یک رسم قدیمی به شکل گروهی از خانه خارج می‌شوند و برای انجام مراسم «هرارگیز کرد» یا «هارگز کرده» به در خانه‌های همسایه می‌روند.

در روز چهاردهم ماه شعبان دو ساعت از ظهر گذشته، کودکان در حالی که هر کدام یک کیسه در دست دارند، چند نفری به طرف خانه اهالی به راه می‌افتند و به محض رسیدن

به در خانه، به آواز بلند و دسته جمعی می‌گویند: «ارگیز» یا «هرارگیز کرد» امروز روز «ارگیز کردی» است.

صاحب خانه با شنیدن صدای بچه‌ها، در خانه را گشوده و مقداری نخودچی، مویز، بادام، گردو، آب نبات و دیگر تنقلات، یا پول و خرما که از چند روز قبل تهیه کرده است، بین کودکان تقسیم می‌کند و کودکان نیز آن‌ها را در کیسه خود ریخته و به راه خود ادامه می‌دهند.

روز پانزدهم شعبان، روز شادی و جشن بچه‌هاست، آن‌ها در این روز دور هم جمع می‌شوند و ضمن شادی و سرور به خوردن تنقلات می‌پردازند (25).

### عید نوروز

فرا رسیدن سال نو و عید نوروز شور و حال دیگری بین مردم به وجود می‌آورد. مردم با نو شدن لباس طبیعت، لباس‌های خود را نیز نو می‌کنند و به ویژه در روزهای عید با لباس‌های تازه به استقبال سال جدید و فرا رسیدن بهار می‌روند. در روزهای عید هر کس به اندازه توان خود سعی می‌کند که لذیذترین غذاها را طبخ کند. مراسم تحویل سال در این استان مثل سایر نقاط ایران برگزار می‌شود. از جمله این مراسم، چیدن سفره هفت سین است که در اکثر خانواده‌ها رواج دارد.

بعد از تحویل سال و در روزهای عید، دید و بازدیدهای دوستانه و فامیلی شروع می‌شود و معمولاً روز اول عید، کوچک‌ترهای خانواده به دیدار بزرگ‌ترهای فامیل می‌روند.

### مراسم عروسی

مراسم عروسی مردم استان هرمزگان، علی‌رغم مشابهت‌های کلی با مراسم عروسی دیگر مردمان ایران، به لحاظ مراحل جشن و نحوه انجام آن، تفاوت‌هایی دارد. یکی از مهم‌ترین مراحل جشن عروسی، خواستگاری است. در ابتدا، خانواده داماد دختری را در نظر گرفته، سپس مادر یا خواهر داماد به اتفاق يك یا دو زن از بستگان داماد، مثل عمه یا خاله (حتماً باید شوهر کرده باشند)، به خانه پدر دختر می‌روند و خواستگاری می‌کنند. در جلسه اول، اگر مادر و پدر دختر، داماد را پسندیدند و شغل و کار و مسکن او را مناسب حال خویش تشخیص دادند، برای تحقیقات بیشتر و مشورت با دختر و سایر اقوام، قرار ملاقات‌های بعدی را می‌گذارند.

ولی اگر داماد مورد پسند دختر و خانواده قرار نگیرد، بهانه‌ای آورده و جواب رد می‌دهند.

در قدیم یعنی در سی یا چهل سال پیش اتفاق می‌افتاد که عروس و داماد یکدیگر را اصلاً نمی‌دیدند و نمی‌شناختند. پدر عروس اختیار کامل داشت که دختر خود را به هر کس که دلش می‌خواست شوهر بدهد و دختر در انتخاب شوهر کاره‌ای نبود. ولی امروزه وضع فرق کرده است و حتماً باید دختر راضی به ازدواج باشد و مشورت با دختر در این امر مهم، شرط اولیه و اساسی است.

در صورتی که طرفین راضی به ازدواج باشند، بعد از يك تا پنج روز، مادر پسر چند نفر از بستگان و اطرافیان خود را دعوت می‌کند و به اتفاق ایشان يك گردن بند یا مدال طلا، يك حلقه انگشتری، يك دست خلعت (لباس)، مبلغی وجه نقد، مقداری کمپوت و میوه و شیرینی به عنوان «دست قوی» برمی‌دارند و به خانه دختر می‌روند و همه را به مادر عروس تحویل می‌دهند. مادر عروس نیز بعد از رفتن میهمان‌ها، هدیه‌ها را به عروس می‌دهد. این مراسم حتماً باید در شب انجام شود.

در خانه عروس، پس از صرف چای و شیرینی، روز برگزاری مراسم عروسی را تعیین می‌کنند. اگر مراسم عقد و عروسی با عید فطر یا عید قربان برخورد کند، داماد باید مجدداً يك دست لباس نو برای عروس تهیه کند و به منزل او بفرستد.

پرداخت کلیه مخارج سه شبانه روز عروسی، به عهده داماد است و داماد وظیفه دارد مخارج عروسی را سه روز قبل از شروع مراسم، به خانه عروس برساند. علاوه بر

مخارج جشن عروسی، تهیه تمام لباس‌های عروس و تمام وسایل زنانه از صابون گرفته تا حوله و غیره بر عهده داماد است که بایست خانواده داماد تهیه کرده و در جعبه بزرگی بگذارد و یک شب قبل از پایان عروسی به خانه عروس برساند. خانواده عروس معمولاً سه شبانه روز جشن می‌گیرد و مجلس زنانه دارد و تمام زنان فامیل و دوستان و آشنایان و همسایگان را دعوت می‌کند. در یکی از این روزها، مراسم حنابندان انجام می‌شود. در مراسم حنابندان دست و پای عروس را حنا می‌بندند و با خطهای زیبا و منظمی دست و پای عروس را نقش و نگار می‌اندازند. داماد هم یک یا دو روز در منزل خویش جشن می‌گیرد و مردم برای صرف ناهار به منزل او می‌روند (26).

### باورها

-شنبه و چهارشنبه، روزهای خوبی نیستند.  
-اگر شخصی عازم سفر باشد و کسی عطسه کرد، به سفر نمی‌روند.  
-مردم جزیره عطسه را نشانه رحمت و خیر، ولی خمیازه را نشانه شر و شیطان می‌دانند.  
-صدقه دادن مکرر، نزد خدا همانند طفلی است که از کوچکی به مرور بزرگ شود.  
-اگر دو زانو در یک منزل باشند، نباید تا چهل روز، با هم ملاقات کنند تا هر دو چله را پشت سر بگذارند.  
-زائو را تا هفت روز نباید ملاقات کرد.  
-اگر کسی بیمار شده یا سفر رفته باشد که خبری از او نباشد، می‌گویند: اگر خداوند او را نجات دهد، سه روز یا بیشتر روزه می‌گیریم یا برنج و گوشت برای او نذر می‌کنند.  
-اگر مرغی باله‌ایش را تکان دهد، میهمان می‌آید (27).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

##### پیشینه مذهبی

منطقه خلیج فارس از سال ۱۳ تا ۳۴۵ ه.ق یعنی تا زمان روی کار آمدن دیلمیان و به زیر فرمان درآوردن خلفای عباسی، بر دین گذشتگان خود یعنی دین مرسوم عهد ساسانی (زرتشت) بودند. دیلمیان نخستین دودمانی بودند که پس از گسترش دین اسلام، بر سراسر جزایر و کرانه‌های خلیج فارس مسلط شدند. از این زمان به بعد دین اسلام توسط مبلغین مسلمان در این منطقه رواج یافت و مردم آن را با طیب خاطر پذیرفتند (28). بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از جمعیت استان ۷۷/۹۹ درصد را مسلمانان اعم از شیعه و سنی تشکیل می‌داده‌اند (29).

##### اماکن مذهبی

با توجه به آمار سال ۱۳۷۵، در این استان تعداد ۳۲۷۰ باب مکان مذهبی وجود داشته است که از این تعداد، ۱۹۶۹ باب مسجد، ۲ مصلی، ۳ نمازخانه، ۱۰۶ زیارتگاه و امامزاده، ۵۹۰ نظرگاه و قدمگاه، ۹۴ زیارتگاه سایر بزرگان دین، ۴۸۰ حسینیه، یک فاطمیه، ۳ مهدیه، ۵ زینبیه و ۱۷ باب سایر اماکن مذهبی بوده است (30).

##### مساجد تاریخی

-مسجد و مناره ملك ابن عباس (مسجد علی) واقع در قسمت غربی شهر بندرلنگه.  
-مسجد دژگان: بندر خمیر.  
-مسجد منبر کهنه: غرب شهر بندر عباس.  
-مسجد جامع بندر عباس: که به علت هم جواری با مرقد امامزاده شاه محمدتقی، به مسجد امام زاده نیز مشهور است.  
-مسجد برخ (جزیره قشم).



-مسجد صحرا باغی: در محله اوزی های بندر عباس (ویژه اهل سنت).  
-مسجد جامع قشم.

### زیارتگاهها و امامزادهها

- امامزاده امیر دیوان: شهر میناب.
- امامزاده خواجه خضر: کنار جاده بندر عباس - سورو.
- امامزاده سید کامل: بندر عباس.
- امامزاده سید مظفر: بندر عباس.
- امامزاده شاه محمدتقی: کنار جاده بندر عباس - سورو.
- بقعه شیخ برخ الاسود: قریه گوشه قشم.
- زیارتگاه بی بی مریم: قریه توران جزیره قشم.
- زیارتگاه شاه شهید (نیایشگاه مهری): مجاورت آثار شهر باستانی خریز.
- زیارتگاه شیخ اندر آبی: حاشیه شمالی جزیره شیخ اندر آبی(31).

### مدارس دینی

نام سال آدرس ردیف تأسیس

- 2مدرسه امام جعفر صادق(ع) ۱۳۵۸ بندرعباس:خیابان آیت الله غفاری
- 2مدرسه دینی نبی اکرم ۱۳۶۰ بندرعباس: گمرک قدیم
- 2مدرسه دینی اهل سنت و جماعت ۱۳۵۹ بندرعباس: خواجه عطا
- 2شیخ علی خالدي) سلطان العلماء) ۱۲۸۰ بندر لنگه
- 2مدرسه کمالیه عبدالروف نحوی ۱۱۰۰ قشم
- 2شیخ علی رحیمی (صدرالاسلام) ۱۲۵۳ بندر خمیر
- 2دار الهدی ۱۳۵۹ بندر پل

نام سال آدرس ردیف تأسیس

- 2محمد علی افروشی ۱۳۶۱ کچین علیا) بندرعباس)
- 2فاروق جاوید ۱۳۶۰ شهرستان لنگه بخش بستک دشتی
- 2مدرسه علوم دینی سلطان العلماء ۱۳۶۲ بخش بستک
- 2مدرسه علوم شافعیه ۱۳۶۰ بندر سیریان
- 2مدرسه علوم فتوئیه ۱۳۶۰ بندر لنگه(32)

### بزرگان و مشاهیر

- آیت الله انواری، از علمای مشهور و مبارز استان.
- حجت الاسلام غفوری، از علما و بزرگان منطقه.
- حجت الاسلام طالب، امام جمعه میناب و از مبارزینی که از قبل از انقلاب در منطقه فعالیت بسیار زیادی داشته است.

- شهید حجت الاسلام حقانی، امام جمعه بندرعباس و از شهدای هفتم تیر ۱۳۶۱.
- امام قلی خان، سردار دلیر که باعث آزادی جزیره هرمز از دست پرتغالی ها در قرن ۱۷ م. گردید.

- بزرگ بن شهریار الناخداهرمزی، متولد ۳۴۲ه.ق و مؤلف کتاب عجایب الهند.
- اتابک ابوبکر سعد زنگی، متولد ۴۸۳ه.ق، از حکام بزرگ منطقه.
- توران شاه هرمزی، متوفی ۵۸۸ه.ق، از حکام بلامنازع منطقه هرمز و جزایر.
- محمد علی سدید السلطنة بندر عباسی، نویسنده کتاب مفاتیح الادب فی تواریخ العرب در عصر مظفرالدین شاه.

### فصل دوم: اوضاع سیاسی

#### نهضت مشروطیت

مردم منطقه که سالیان سال طعم اسارت و ذلت نیروهای بیگانه پرتغالی، هلندی و انگلیسی را چشیده بودند و نفرت عمیقی از آنان بر دل داشتند و به علت ضعف و سستی،

حمایت آشکار و پنهان بعضی از عوامل داخلی حکومت، نتوانسته بودند در مبارزه با آنان موفق باشند، با شروع نهضت مشروطه به هواخواهی از مشروطه خواهان برخاستند و در صفر ۱۳۲۷ه.ق کارگزاران حکومت استبداد را از شهرها بیرون راندند(33). پس از پیروزی نهضت مشروطه و با تشکیل مجلس قانونگذاری، قانون ایالات و ولایات در سال ۱۹۰۵ میلادی به تصویب رسید که بر اساس آن بندرعباس و توابع آن جزء ایالت (استان) فارس و بنادر گردید و بعد از آن تحت اختیار حاکم کرمان قرار گرفت(34).

### جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول، ایران عملاً صحنه رقابت قدرت‌های بیگانه گردید. دولت آلمان که توان اعزام نیرو به داخل ایران را نداشت با فرستادن جاسوسان و نظامیان کارکشته، قصد جمع‌آوری و تجهیز نیرو در داخل ایران را داشت. رؤسای یکی از این هیئت‌ها (زوگمایر) به سمت جنوب ایران حرکت کرد و در مسیر خود با تحریک اهالی توانست چندین بانک شاهی در شهرهای مختلف و مراکز وابسته به انگلیس را غارت و افرادی از آنان را اسیر کند. دولت انگلیس به محض اطلاع از آمدن زوگمایر به استان هرمزگان، از آن جا که فعالیت‌های او را به نفع خود تشخیص نمی‌داد یک هیأت نظامی به ریاست ژنرال سرپرسی سایکس به منطقه فرستاد. سایکس در این باره می‌نویسد: مأموریت ما آن بود تا پلیسی در منطقه هرمزگان با استعداد یازده هزار نفر تهیه کنیم و دولتین روس و انگلستان سالی دویست هزار تومان هزینه آن‌ها را به ایران بدهند. وی در ادامه می‌نویسد: سرباز گیری بلافاصله شروع شد و علی‌رغم تبلیغات ضد انگلیسی توانستیم افرادی از مردم محلی را جذب و پلیس جنوب را در این منطقه تشکیل دهیم(35).

### ماجرای کشف حجاب

به دنبال مسافرت پهلوی اول به ترکیه و تقلید وی از اعمال آتاترک در جهت اسلام زدایی، دستور اتحاد شکل و قانون کشف حجاب رسماً اعلام گردید. در منطقه بندرعباس و هرمزگان علی‌رغم فشار و تهدید عوامل حکومتی، به علت مقاومت مردمی، این قانون عملاً پیشرفت چندانی نیافت و به شکست انجامید(36).

### جنگ جهانی دوم

حادثه شهریور سال ۱۳۲۰ ش. در شعله‌های جنگ جهانی دوم برای ملت ایران پدید آمد و استان هرمزگان به علت موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک از همان آغاز مورد تعرض نیروی دریایی متفقین قرار گرفت و تمامی بنادر آن به تصرف آنان درآمد. چندی بعد رضاخان که از قدرت خلع شده بود در ۲۰ مهرماه ۱۳۲۰ با خانواده سلطنتی به بندرعباس آمد و به صورت ذلیلانه‌ای وسایل و چمدان‌های وی توسط مأمورین انگلیسی بازدید و با یک کشتی انگلیسی به جزیره موریس انتقال یافت و علی‌رغم اصرار خانواده وی و تمایل او مبنی بر ماندن در ایران، سفیر انگلیس این امر را منتفی دانست. در چنین شرایطی، نیروهای انگلیس تا پایان جنگ، در منطقه و جزایر خلیج فارس حضور داشتند و با تسلیم بلاشرط آلمان در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ ش، به تدریج از منطقه خارج شدند(37).

### بازگرداندن جزایر

در واپسین روزهای قرن نوزدهم، پس از وارد شدن نیروی دریایی و اتباع سیاسی انگلستان به آب‌های خلیج فارس به بهانه بیرون راندن دزدان دریایی و مانع شدن از برده فروشی و حفظ امنیت هندوستان، نیروی دریایی انگلستان از عملیات مأموران نظامی حکومت فارس در جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی جلوگیری به عمل آوردند. اما در همان ایام بر روی نقشه‌های رسمی انگلستان، کلیه خطوط مرزی که مربوط به ایران بود، به رسمیت شناخته شد و مورد تأیید قرار گرفت. پس از چندی شیخ شارجه

زیر نظر تعالیم انگلستان، ادعای مالکیت جزیره را کرد و در آن با ایجاد چند اسکله و تأسیسات بندری محقر، به انتقال خاک سرخ و راه اندازی چراغ دریایی و تولید مقدار کمی برق پرداخت. در سال ۱۳۵۰ نخست وزیر ایران طی نطقی در مجلس شورای ملی تصمیم دولت شاهنشاهی ایران را در بازگرداندن جزایر سه گانه اعلام داشت. پس از آن نیروهای ایران طی عملیاتی سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را آزاد ساختند که در جزیره تنب بزرگ، بر اثر درگیری نیروهای طرفین، چند نفر از نیروهای طرفین کشته و زخمی شدند (38).

از این تاریخ به بعد، از نظر تقسیمات کشوری این سه جزیره تابع استان هرمزگان گردیدند و از سال ۱۳۶۶ جزیره ابوموسی تبدیل به شهرستان شده است.

### حوادث دوران انقلاب اسلامی

با شروع نهضت اسلامی مردم ایران بر علیه حکومت شاهنشاهی، مردم استان هرمزگان نیز مانند سایر مردم ایران به صف خروشان آنان پیوستند. در اوایل سال 1357 روز دهم فروردین) به منظور یاد بود چهلم شهدای تبریز، مراسمی در مسجد کوفه بندرعباس با حضور علمای شهر برپا شد و به دنبال آن تا منزل آیت الله انواری (از علمای بزرگ منطقه) راهپیمایی باشکوهی انجام گرفت. رژیم که از آن قضیه در هول و هراس افتاده بود، اقدام به کنترل شدید و محاصره محلات شهر کرد. ولی هم چنان تظاهرات، اعتصابات و تحصن‌ها ادامه داشت و مأمورین رژیم پاسخ هر تظاهرات را با گلوله می‌دادند و هر روز بر صف شهداء و مجروحین افزوده می‌گشت و مأمورین شهربانی و ساواک با حمایت چماق به دستان خود، جنایت می‌آفریدند. اما اقیانوس عظیم ملت به حرکت درآمده بود و دیگر هیچ قدرتی را یارای ایستادگی در برابر آن نبود و سرانجام با طلوع اشعه زرین خورشید در بیست و دوم بهمن، آخرین پایگاه طاغوتیان در هم شکسته شد و رژیم دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی سقوط کرد (39).

### پی‌نوشت‌ها

- 1- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، ص ۵.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان هرمزگان، ص پانزده.
- 3- حسن زنده دل و دستیاران، استان هرمزگان، ص ۲۶.
- 4- همان، ص ۴۵.
- 5- مجید بختیاری، راهنمای مفصل ایران، ج ۲۲، استان هرمزگان، ص ۴۶-۴۷.
- 6- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۴۶.
- 7- همان، ص ۴۵.
- 8- محمد رضا فدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۵۲.
- 9- ایرج افشار سیستانی، جزیره هندرابی و دریای پارس، ص ۳۸.
- 10- مجید بختیاری، همان، ص ۲۶.
- 11- حسن زنده دل و دستیاران، همان، ص ۲۸-۳۰.
- 12- همان، صفحات ۸۸-۸۱ (با تلخیص).
- 13- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان هرمزگان، ص شانزده.
- 14- همان، ص ۶۶.
- 15- مجید بختیاری، همان، ص ۵۶.
- 16- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۴۵۱.
- 17- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 18- سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، آمارنامه سال ۱۳۷۰، ص ۷۸.
- 19- وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی، اجتماعی استان هرمزگان

- 1370، ص ۴۳.
- 20 سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، همان، ص ۳۶.
  - 21 سید احمد و کیلیان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول.
  - 22 حسن زنده‌دل، همان، ص ۸۱.
  - 23 همان، ص ۱۰۱.
  - 24 همان، ص ۱۰۲.
  - 25 همان، ص ۱۰۳-۱۰۶.
  - 26 ایرج افشار سیستانی، جزیره هندرابی و دریای پارس، ص ۱۱۶.
  - 27 همان، ص ۶۰.
  - 28 مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
  - 29 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح‌تهیه شناسنامه‌مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱.
  - 30 حسن زنده دل و دستیاران، همان، صفحات ۹۶-۸۹ (با تلخیص).
  - 31 وزارت کشور، همان، ص ۱۴.
  - 32 احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۲.
  - 33 مجید بختیاری، همان، ص ۹۲.
  - 34 احمد علی خان وزیر کرمانی، تاریخ کرمان، ص ۴۴۵-۴۴۶.
  - 35 مرتضی جعفری، معصومه فرشچی و صغری اسماعیل‌زاده، واقعه کشف حجاب، اسناد ۲۰-۱۸، ص ۷۶-۸۰.
  - 36 سالنامه دنیا، سال ۱۳۴۰، ص ۲۰.
  - 37 مجید بختیاری، همان، ص ۶۳-۶۴.
  - 38 ستاد نماز جمعه شهرستان میناب، میناب و انقلاب در آئینه خاطرات، ص ۱۴۱-۱۰۴، (با تلخیص).

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان کرمان دومین استان پهناور کشور بعد از خراسان است و با مساحتی حدود از ۱۸۱۸۱۴ کیلومتر مربع نزدیک به ۱۱٪ از وسعت کشور را به خود اختصاص داده است. پهنه وسیع یاد شده بین ۲۵ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۲ درجه و ۲۶ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان از ۱۰ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۳۱ بخش شامل ۲۷ شهر، ۱۴۱ دهستان و ۵۹۳۷ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد.

این استان از شمال به استان‌های خراسان و یزد، از شرق به استان سیستان و بلوچستان،

از غرب به استان فارس و از جنوب به استان هرمزگان محدود می‌باشد(1).

### ویژگی‌های طبیعی

استان کرمان به علت وجود کوه‌های نسبتاً زیاد و مرتفع از يكسو و کشیده شدن به سمت خشک‌ترین کویرها و بیابان‌ها از سوی دیگر و همین‌طور منطقه سرسبز جازموریان و سبزواران و... دارای آب و هوای متنوع می‌باشد. میزان بارندگی در این استان نسبتاً کم و در نواحی کوهستانی زمستان‌ها سرد و پربرف و تابستان‌ها ملایم و مطبوع می‌باشد. میزان بارندگی سالانه بین ۹۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر در نواحی مختلف در نوسان می‌باشد(2).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

اراضی استان کرمان از لحاظ کشاورزی به سه ناحیه جلگه‌ای، کوهستانی و کویری تقسیم می‌شود. درختان این منطقه بیشتر از نوع انار و انگور، خرما، سیب، گلابی و گیلاس و... است.

سطح زیر کشت محصولات استان ۵۶۹ هزار هکتار است که از این مقدار ۳۰۶ هزار هکتار به محصولات باغی و ۲۶۳ هزار هکتار به محصولات زراعی اختصاص دارد(3).

محصولات عمده استان شامل: پسته ۲۰۰ هزار تن، مرکبات ۴۹۰ هزار تن، خرما ۲۰۵ هزار تن، گندم ۲۰۶ هزار تن و سیب زمینی ۱۳۸ هزار تن در درجه اول اهمیت می‌باشند. سایر محصولات عمده زراعی استان عبارتست از: جو، سایر غلات، حبوبات، چغندر قند، پنبه، دانه‌های روغنی، یونجه، اسپرس، محصولات علوفه‌ای شامل: سبزیجات جالیزی، زیره، زعفران و مرکبات شامل: میوه‌های دانه‌دار، انار، انگور، میوه‌های هسته‌دار، انجیر، گردو، بادام، انواع توت و(4)....

#### صنایع و معادن

##### صنایع دستی

صنایع دستی کرمان در طول قرن‌های متمادی به عنوان نماینده هنر اصیل اسلامی و ایرانی در دنیا شناخته شده است و در ذهن هر شنونده‌ای همراه با نام کرمان بی‌درنگ تصویر قالی‌های نفیس و نقش‌های قلمکار زنده می‌گردد. دیگر صنایع دستی و هنری کرمان عبارتند از: خاتم‌سازی، نقاشی و تذهیب، خراطی، نمدمالی، پوست‌دوزی، عبابافی، تهیه خورجین، گلیم و جاجیم، زیلوبافی، زری دوزی، مخمل بافی، سکه دوزی، ملیله سازی، قلابدوزی، کاشی و سرامیک.

##### صنایع ماشینی

استان کرمان از لحاظ تنوع معادن، مقام اول را در کشور داراست و سهم قابل توجهی از ذخایر شناخته شده معادن فلزی و غیر فلزی را به خود اختصاص داده است. این استان با دارا بودن معادن مس، ذغال سنگ، آهن، سرب، روی، کرومیت، منگنز، تیتانیوم و انواع سنگ‌های تزئینی و ساختمانی از غنی‌ترین استان‌های کشور از نظر معادن است(5).

صنایع این استان عبارت است از صنایع لاستیک کرمان و سیرجان، مجتمع نساجی شهید باهنر، تولید ورق آزیست کرمانیت، روغن نباتی گلنار، پشمبافی آسیا، کارتن‌سازی کرمان، صنایع بلورچینی، مجتمع مس شهید باهنر، خودروسازی و تراکتورسازی، کارخانجات پنیر و صنایع وابسته، تولید ماشین‌های پخت نان و(6)....

##### معادن

استان کرمان از لحاظ تنوع معادن مقام اول را در کشور دارد. به این استان لقب بهشت زمین شناسان و معدن کاران داده شده است. میزان متوسط استخراج سالیانه معادن استان کرمان چیزی در حدود ۱۲ میلیون تن تا سال ۱۳۷۰ بوده و ارزش تولیدات معدنی استان

در این سال چیزی در حدود ۱۵۰ میلیارد ریال برآورد گردیده است.

معادن مهم این استان عبارتند از:

مجتمع معدنی سنگ آهن گل گهر سیرجان، ذغال سنگ پابدانا، تیتان کهنوج، مس میدوک، مس چهارگنبد، مس سرچشمه، معادن کرومیت بافت، آبدشت، اسفندقه و فاریاب، معادن سرب و روی، سنگ‌های تزئینی، معادن سیلیس، معادن آهک، معادن نمک و معادن گچ (7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

نام کرمان در کتیبه‌های تاریخی هخامنشی «کارمانی» یا «کارمانیا» ضبط شده است و مورخین یونانی آن را به همین نام نوشته‌اند. در گذشته‌ای نه چندان دور کرمان را «گواشیر» که مخفف «گوراردشیر» و به معنی شهر اردشیر است، می‌خواندند ولی هم‌اکنون به نام اصلی خود «کرمان» خوانده می‌شود. بنای شهر کرمان را برخی به اردشیر ساسانی نسبت داده‌اند. برخی معتقدند کرمان از دو کلمه «کار» + «مان» به معنی محل جنگ و یا جایگاه رزم‌آوران تشکیل می‌گردد (8).

#### سابقه تاریخی

سابقه تاریخی استان کرمان به صدها سال قبل از اسلام می‌رسد. کرمان در روزگار قدیم به شکل قلعه قدیمی بوده که امروز معروف به قلعه دختر است. نخستین بازسازی شهر کرمان در زمان هخامنشیان صورت گرفت. در دوران ساسانی که اردشیر ساسانی بر هفتواد پیروز شد شهر کرمان یکی از مراکز مهم توسعه قدرت ساسانیان به شمار می‌رفت.

همزمان با ظهور اسلام در سال ۵۲۹ ق. شهرهای کرمان و بم به وسیله عبدالله بن عامر فتح شدند. پس از یک قرن که ابومسلم خراسانی خلافت بنی‌امیه را واژگون ساخت، قلاع نظامی کرمان و بم مجدداً احیا شده و شهر دوباره توسعه کامل یافت. با شکست آل‌الیاس از آل بویه، استان به دست آنان افتاد. وقتی قاورد سلجوقی با سپاه ترک به کرمان روی نهاد و شهر را تسخیر کرد، دستور داد شهرکی با تمام امکانات از قبیل مسجد و بازار و گرمابه و غیره بنا کردند. با حمله غزها و سقوط سلاجقه، ملک دینار غز یک محله شهر را اختصاصاً تعمیر و بازسازی نمود و مرکز توقف سپاهیان قرار داد. در زمان حکومت صفویان، گنجعلی خان که در سال ۱۰۰۵ ق. بر کرمان حکم می‌راند، محلات مختلف شهر را بازسازی کرد. پس از سقوط حکومت زندیه و تصرف کرمان به وسیله سپاه آقامحمدخان قاجار، حدود ۲۰ هزار نفر از ساکنان شهر را کور کردند. دوره قاجاریه ابراهیم‌خان ظهیرالدوله بر کرمان حاکم گردید و به خاطر اهمیت منطقه، به تدریج تأسیسات نظامی طبق اصول جدید ساخته شد که امروزه با نام باغ نظر و دیوان‌خانه و مرکز ستاد شهرت دارد (9).

امروزه با توسعه همه جانبه و سرمایه‌گذاریهای عمرانی و اقتصادی و پیوستن خط راه‌آهن سراسری و امتداد آن تا آبهای خلیج فارس (بندر عباس) و تأسیس فرودگاه‌های جدید و ده‌ها پروژه دیگر، سیمای استان کاملاً دگرگون شده و به یکی از استان‌های مهم کشور تبدیل گردیده است (10).

#### بناهای عمده تاریخی

مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی معروف استان عبارتند از: مقبره پیر جارسوز «مقبره آقا سیدمحمد» (بردسیر - قرن هفتم ق.)، خانه نادری (بم - قاجاریه)، قیصریه زرتشتیان (بم - قاجاریه)، ارگ بم (بم - ساسانی تا ۱۵۰ سال قبل)، میل نادری (فهرج - سلجوقی)، نادری)، شهر دقیانوس «کلنگ بهجرد» (آبادی بهجرد - جیرفت، پیش از تاریخ)، مقبره میرحیدر «گورخانه» (جیرفت - سلوکی)، مقبره آخوند (کوهبنان - قاجاریه)، قلعه سنگ

«محل سیرجان قدیم» (سیرجان - ساسانی، اسلامی)، مسجدملك (کرمان - سلجوقی به بعد)، مجموعه بناهای تاریخی گنجعلی خان (کرمان - صفویه ۳۱ه.ق)، رباط زین الدین «کاروان سرا» (کرمان - صفویه)، مجموعه وکیل حمام، مسجد، بازار و کاروان سرا (کرمان - قاجاریه)، آرامگاه شیخ عبدالسلام «لنگر» (۶ کیلومتری ماهان - قرن ششم.ق)، مقبره شاه نعمت الله ولی (ماهان - ۸۴۰ه.ق به بعد)، قلعه قهقهه (راور - قرن ششم.ق)، قلعه کهنه (قریه کهیر - کرمان، ساسانی)، قلعه دختر و قلعه اردشیر (کرمان - ساسانی تا اواخر سلجوقی)، قلعه رموک (شهداد - ساسانی)، باغ شاهزاده ماهان (۶ کیلومتری ماهان - قاجاریه)، مسجد پامنار (کرمان - ۷۸۰ه.ق)، مقبره خواجه اتابک (کرمان - سلجوقی)، مسجد جامع مظفری (کرمان - ۷۵۰ آل مظفر)، مدرسه گنجعلی خان (کرمان - صفویه)، حمام و بازار ابراهیم خان (کرمان - قرن سیزدهم.ق - قاجاریه)، گنبد مشتاقیه «کوثر علی شاه» (کرمان - قاجاریه)، قلعه راین (بخش راین - ساسانی تا ۱۵۰ سال قبل (۱۱)).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی و فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی های جمعیتی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت استان کرمان ۲۰۰۴۳۲۸ نفر بوده که از این تعداد ۱۰۱۸۲۰۱ نفر مرد و ۹۸۶۱۲۷ نفر زن بوده اند. از جمعیت استان ۵۲/۸۹ درصد در نقاط شهری و ۴/۴۶ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده اند (۱۲).

#### جمعیت و خانوار شهرستان های استان کرمان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	2004328	1018201	986127	394179
ساکن در نقاط شهری	1060075	544009	516066	211276
ساکن در نقاط روستایی	922883	463936	458947	178528
غیر ساکن	21370	10256	11114	4375
شهرستان بافت	122967	60548	62419	24281
ساکن در نقاط شهری	42412	21109	21303	8276
ساکن در نقاط روستایی	74219	36395	37824	14736
غیر ساکن	6336	3044	3292	1269
شهرستان بردسیر	65745	32922	32823	13429
ساکن در نقاط شهری	26040	13134	12906	5104
ساکن در نقاط روستایی	38099	19034	19065	7978
غیر ساکن	1606	754	852	347
شهرستان بم	198435	100179	98256	36274
ساکن در نقاط شهری	83936	43297	40639	16065
ساکن در نقاط روستایی	114154	56715	57439	20140
غیر ساکن	345	167	178	69
شهرستان جیرفت	208874	104543	104331	37737
ساکن در نقاط شهری	74790	38022	36768	13277
ساکن در نقاط روستایی	127432	63252	64180	23062



1398	3383	3269	6652	غیر ساکن
50353	116869	123342	240211	شهرستان رفسنجان
24963	57586	59945	117531	ساکن در نقاط شهری
25390	59283	63397	122680	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
27199	68503	66699	135202	شهرستان زرنند
11747	30595	30318	60913	ساکن در نقاط شهری
15452	37908	36381	74289	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
39315	96725	101902	198627	شهرستان سیرجان
26571	65677	69347	135024	ساکن در نقاط شهری
12101	29342	31045	60387	ساکن در نقاط روستایی
643	1706	1510	3216	غیر ساکن
12847	31283	30369	61652	شهرستان شهربابک
6202	15842	15762	31604	ساکن در نقاط شهری
6638	15421	14588	30009	ساکن در نقاط روستایی
7	20	19	39	غیر ساکن
118022	277364	300315	577679	شهرستان کرمان
94243	221332	239270	460602	ساکن در نقاط شهری
23779	56032	61045	117077	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
34722	97554	97382	194936	شهرستان کهنوج
4828	13418	13805	27223	ساکن در نقاط شهری
29252	82453	82084	164537	ساکن در نقاط روستایی
642	1683	1493	3176	غیر ساکن
394179	986127	1018201	2004328	استان
211276	516066	544009	1060075	ساکن در نقاط شهری
178528	458947	463936	922883	ساکن در نقاط روستایی
4375	11114	10256	21370	غیر ساکن
24281	62419	60548	122967	شهرستان بافت
8276	21303	21109	42412	ساکن در نقاط شهری
14736	37824	36395	74219	ساکن در نقاط روستایی
1269	3292	3044	6336	غیر ساکن
13429	32823	32922	65745	شهرستان بردسیر
5104	12906	13134	26040	ساکن در نقاط شهری
7978	19065	19034	38099	ساکن در نقاط روستایی

347	852	754	1606	غیر ساکن
36274	98256	100179	198435	شهرستان بم
16065	40639	43297	83936	ساکن در نقاط شهری
20140	57439	56715	114154	ساکن در نقاط روستایی
69	178	167	345	غیر ساکن
37737	104331	104543	208874	شهرستان جیرفت
13277	36768	38022	74790	ساکن در نقاط شهری
23062	64180	63252	127432	ساکن در نقاط روستایی
1398	3383	3269	6652	غیر ساکن
50353	116869	123342	240211	شهرستان رفسنجان
24963	57586	59945	117531	ساکن در نقاط شهری
25390	59283	63397	122680	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
27199	68503	66699	135202	شهرستان زرنند
11747	30595	30318	60913	ساکن در نقاط شهری
15452	37908	36381	74289	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
39315	96725	101902	198627	شهرستان سیرجان
26571	65677	69347	135024	ساکن در نقاط شهری
12101	29342	31045	60387	ساکن در نقاط روستایی
643	1706	1510	3216	غیر ساکن
12847	31283	30369	61652	شهرستان شهربابک
6202	15842	15762	31604	ساکن در نقاط شهری
6638	15421	14588	30009	ساکن در نقاط روستایی
7	20	19	39	غیر ساکن
118022	277364	300315	577679	شهرستان کرمان
94243	221332	239270	460602	ساکن در نقاط شهری
23779	56032	61045	117077	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
34722	97554	97382	194936	شهرستان کهنوج
4828	13418	13805	27223	ساکن در نقاط شهری
29252	82453	82084	164537	ساکن در نقاط روستایی
642	1683	1493	3176	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان کرمان.

#### وضع فعالیت

در سال ۱۳۷۵، افراد شاغل و افراد بیکار (جویای کار) در مجموع ۵۰/۳۳ درصد از جمعیت ده ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهند. این نسبت در نقاط شهری ۰۴/۳۳ درصد و

در نقاط روستایی 33/87 درصد بوده است. از جمعیت فعال این استان، ۶۴/۸۶ درصد را مردان و ۳۶/۱۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین میزان فعالیت مربوط به گروه سنی (۳۵ - ۳۹) ساله با ۰۷/۵۵ درصد و کمترین میزان مربوط به گروه سنی (۱۰ - ۱۴) ساله با ۰۴/۲۳ درصد بوده است (13).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۱۷۲۴۱۴۳ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۲۳/۷۸ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی (۶ - ۱۴) ساله ۹۹/۹۳ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۵۲/۷۰ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۶ - ۱۴ ساله) نسبت باسوادی در نقاط شهری ۲۲/۹۷ درصد و در نقاط روستایی ۵۳/۹۰ درصد بوده است (14).

#### مراکز دانشگاهی

استان کرمان با داشتن دانشگاه‌های متعدد، از مراکز علمی مطرح در کشور است. در سال ۱۳۷۴، ۳۳۴۸۴ نفر دانشجو در چهار دوره تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، در ۶۷ عنوان رشته تحصیلی مشغول به تحصیل بوده‌اند. مهم‌ترین مراکز دانشگاهی این استان عبارت است از: دانشگاه شهید باهنر، پیام نور، علوم پزشکی کرمان، علوم پزشکی رفسنجان، ولی عصر رفسنجان، دانشگاه‌های آزاد اسلامی کرمان، شهر بابک، بردسیر، زرنند، بافت، رفسنجان، سیرجان و جیرفت و (15)....

#### امکانات فرهنگی - تفریحی

##### کتابخانه

در سال ۱۳۷۴ در این استان تعداد ۷۰ کتابخانه وجود داشته است. از این تعداد ۱۲ کتابخانه در شهرستان کرمان و بقیه در سایر شهرستان‌ها بوده‌اند.

##### مطبوعات

مطبوعات به عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی در استان کرمان از پیشینه تاریخی بیش از نود سال برخوردار می‌باشد. اسامی برخی از مطبوعات فعلی این استان عبارت است از: حدیث کرمان، رفسنجان، فتح کرمان، معراج، کرمان امروز، ندای وحدت کرمان، نسل آفتاب کرمان، فصلنامه فرهنگ و ادب و فصلنامه کرمان.

##### سینما

در سال ۱۳۷۴، تعداد ۱۶ سینما در استان کرمان وجود داشته است. در این سال تعداد سینماهای استان کرمان در مجموع ۱۶ واحد می‌باشد که در سال 1374 تعداد ۱۲۰۹۸۴۴ نفر از فیلم‌های نمایش داده شده در این سینماها، دیدن کرده‌اند. علاوه بر این، سینمای مجتمع مس سرچشمه و سه سینمای شرکت زغال سنگ از دیگر سینماهای فعال این استان به شمار می‌روند (16).

#### پارک‌ها و اماکن دیدنی

وجود پارک‌ها و اماکن دیدنی بسیار زیاد به استان کرمان جلوه‌ای خاص بخشیده است. در سال ۱۳۷۴ بالغ بر ۲۲۵ پارک و مکان دیدنی و ۱۴۶۰ هکتار فضای سبز در این استان وجود داشته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

پارک ولی عصر (عج) کرمان، پارک جنگلی کرمان، پارک جنگلی بم، پارک کودک (بم)، پارک ملت (بم)، پارک شهر (بردسیر)، پارک قائم (چترود)، پارک شهید باهنر (چترود)، پارک هلیل (جیرفت)، پارک شهر (جوپار)، پارک هادی (سیرجان)، پارک خبام (سیرجان)، پارک کوی شریعت (سیرجان)، نهالستان (بردسیر)، پارک میوه (بردسیر)، پارک جنگلی (ماهان)، باغ ملی (راین)، پارک محله قدیمی (انار)، پارک میوه (کوهبنان)، پارک شهر (کوهبنان) و (17)....

#### اماکن ورزشی

استان کرمان در سال ۱۳۷۴ دارای ۴۸ استادیوم و سالن ورزشی، ۱۹ استخر شنا، ۵۳ باشگاه ورزشی، ۲۵۹ زمین فوتبال، ۲۱۰ زمین والیبال و بسکتبال، ۲۳ زمین تنیس و دو و میدانی بوده است (18).

### فصل سوم: آداب و رسوم آداب ویژه ماه رمضان

در «بردسیر» کرمان چند روز قبل از ماه رمضان گوسفندی را که چند ماه پروار کرده‌اند، می‌کشند و گوشت آن را در دیگ می‌پزند و در پوست همان گوسفند که خوب تمیز کرده و به شکل همیان درآورده‌اند - که در محل به آن «سختو» می‌گویند - می‌ریزند. «سختو» را در جای خنکی می‌گذارند و در ماه رمضان برای سحر و افطار از این گوشت به عنوان قاتق استفاده می‌کنند. اکثر مردم يك روز قبل از ماه رمضان روزه می‌گیرند و به پیشواز ماه رمضان می‌روند. در بردسیر روز آخر ماه شعبان را روز «سنگ اندازان» می‌گویند و مانند جاهای دیگر در این روز به گردش و تفریح می‌روند (19).

بعضی از کودکان که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند با تقلید یا تشویق پدر و مادرشان سحر همراه بزرگترها بیدار می‌شوند و روزه می‌گیرند. بلند شدن در سحر و نشستن پای سفره سحری برای بچه‌ها بسیار شیرین است. روزه این کودکان اغلب تا ظهر بوده ولی بعضی مواقع روزه را تمام نگه می‌دارند. در برخی نقاط استان بچه‌ای که روزه اولش باشد، افطار نمی‌کند تا بزرگ خانواده به او «سرروزه‌ای» بدهد. «سرروزه‌ای» هدیه‌ای است که پدر و مادر در قبال روزه اول به فرزندشان می‌دهند (20).

در بعضی نقاط دیگر استان، در ماه رمضان هر روز، آشی به نام آش روزه می‌پزند. برای پختن این آش ابتدا مکانی را مثل مسجد یا حسینیه یا خانه مناسبی در نظر می‌گیرند، سپس تعدادی دیگ و کاسه از خانه‌ها به امانت گرفته و چند نفر زن و مرد برای پختن آش و تقسیم آن بین اهالی همکاری می‌کنند (21).

شبهای نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان را شبهای قدر گویند و به خاطر بزرگداشت شب قدر، این سه شب را احیا می‌گیرند. برخی از مردم در خانه و بسیاری در مساجد و مصالای شهر اعمال و مراسم احیا را به جا می‌آورند. برخی از آداب مخصوص این شبها به شرح زیر است:

الف) غسل: آنهایی که قصد برگزاری مراسم احیا را دارند قبل از غروب آفتاب به حمام می‌روند و غسل می‌کنند.

ب) دعا: دعاهایی که در شبهای احیا خوانده می‌شود بر دو قسمند: اولاً: دعاهایی که در همه شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود مانند دعای افتتاح و... و ثانیاً: دعاهایی که مخصوص شب‌های احیا می‌باشد. دعاهای مخصوص این شبها عبارتند از: جوشن کبیر، جوشن صغیر، توسل، مجیر.

د) نماز: نمازهای مستحبی که در شبهای قدر یا احیا می‌خوانند عبارتند از نماز نافله، نماز انا فتحنها، نماز حمد با سه سوره، نماز هزار رکعتی، نماز هفت قل هو اللهی، نماز صد رکعتی و نماز قضا. معمولاً مردم خواندن نماز قضا را در این شبها بر دیگر نمازهای مستحبی مقدم می‌دارند.

ه) قرآن بر سرگرفتن: آخرین عمل در شبهای احیا، قرآن بر سر گرفتن است که با تشریفات خاصی برگزار می‌شود.

با توجه به اینکه شهادت حضرت علی «ع» مصادف با شبهای قدر است مراسم ویژه‌ای در روزها و شبهای نوزدهم، بیستم و بیست و یکم ماه رمضان برگزار می‌شود. در این ایام مسلمانان و دوستداران مولای متقیان در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌روند و همه جا يكپارچه سیاهپوش می‌شود.

### مراسم عید فطر

روز اول ماه شوال که یکی از اعیاد بزرگ مسلمانان است در استان کرمان باشکوه هر چه تمامتر برگزار می‌شود. در شب عید فطر عده زیادی از مردم در مساجد تا صبح به دعا و نماز مشغول هستند. با طلوع آفتاب، مردم پس از پرداخت فطریه خود و افراد تحت تکفل، به مصلا یا میدین بزرگ می‌روند و نماز عید فطر را به جا می‌آورند. بعد از نماز، امام جماعت به ایراد خطبه و سخنرانی می‌پردازد. در برخی نقاط رسم است که مردم بعد از مراسم نماز عید فطر کنار قبور اموات و گذشته‌گان خود حاضر می‌شوند و به قرائت فاتحه می‌پردازند.

### ماه محرم

مراسم عزاداری در میان مردم کرمان همانند بقیه نقاط ایران انجام می‌شود. تمامی مساجد و حسینیه‌ها در این ایام سیاهپوش می‌شود و مجالس سخنرانی و سینه‌زنی هر شب خصوصاً در دهه اول ماه محرم برگزار می‌شود. مجالس با سخنرانی یک روحانی آغاز می‌شود و در پایان سخنرانی، مراسم سینه‌زنی و نوحه خوانی انجام می‌گیرد و در بعضی از مساجد مراسم با اطعام دادن به پایان می‌رسد. در روز تاسوعا و عاشورا دسته‌جات با ترکیب خاصی به صورت سینه‌زنی یا زنجیرزنی به طرف مکان‌های خاصی به حرکت درمی‌آیند. در شهر کرمان دسته‌جات وارد مسجد جامع شهر می‌شوند و در سایر مناطق هم یا به امامزاده معروف محل یا به مسجد جامع یا به مکان‌های مقدس دیگری وارد می‌شوند. اطعام دادن در این دهه، بیشتر به روزهای تاسوعا و عاشورا اختصاص دارد که اکثر مساجد و یا خانه‌ها به صورت نذری اطعام می‌دهند (22).

### اعیاد ملی - مذهبی

#### عید قربان

این عید سعید در استان با شکوه فراوان برگزار می‌شود. برگزاری مراسم مذهبی این عید در روستاها و در میان عشایر استان از رونق ویژه‌ای برخوردار است و در مناطق شهری نیز به ویژه در میان خانواده‌هایی که عقاید عمیق مذهبی دارند به نحو برجسته‌ای برگزار می‌شود. خانواده‌ها با توجه به توانایی مالی و نذورات قبلی، گوسفند یا گاو قربانی می‌کنند و در میان آشنایان و نیازمندان تقسیم می‌نمایند. در روستاها و در میان عشایر تقریباً اکثر قریب به اتفاق مردم با قربانی کردن گوسفند، این روز را جشن می‌گیرند و بخشی از گوشت قربانی نیز بین خانواده‌هایی که استطاعت مالی ندارند، تقسیم می‌شود. نکته خاص عید قربان در کرمان این است که گوسفند را به یاد شخص متوفی خانواده که محترم‌ترین و نزدیک‌ترین است نذر و قربانی می‌کنند. در واقع برای شادی روح شخص متوفی نذر ادا می‌شود (23).

#### عید نوروز

فرا رسیدن اسفندماه، آهنگ آماده باش برای پذیرایی از میهمانی بس گرامی است. از پانزدهم یا بیستم اسفند ماه مردم کرمان زمین برای پیشواز نوروز به خانه تکانی می‌پردازند. جامه نو تهیه می‌کنند و با تهیه شیرینی و تنقلات دیگر به استقبال نوروز می‌روند.

یکی از آئین‌های نوروزی چهارشنبه سوری است که در آن بیماری‌ها و نگرانی‌های سال کهنه را به آتش می‌سپارند تا سال نو را با شادی شروع کنند. پنج‌شنبه آخر سال نیز رسم است که مردم به گورستان بروند و روح آن‌ها را با خواندن فاتحه و دادن خیرات شاد کنند.

در برخی از مناطق استان روز آخر سال را «علفه» و برخی «عرفه» می‌نامند و عصر روز قبل از علفه به گورستان‌ها می‌روند و شب را نیز شام قورمه سبزی می‌خورند. کاشتن سبزه نیز در اواخر سال صورت نمادین به خود گرفته و در بین همه خانواده‌ها

مرسوم است. قبل از تحویل سال لباس‌های نو به تن می‌شود، سفره هفت‌سین آماده می‌گردد و تمام اعضاء خانواده بر سر سفره حاضر می‌شوند و با خواندن آیاتی از قرآن، سال نو را آغاز می‌کنند و آن را به یکدیگر تبریک می‌گویند. معمولاً غذای شب عید مردم استان کرمان را پلو تشکیل می‌دهد. با آغاز سال جدید دید و بازدیدها آغاز می‌شود. ابتدا به دیدن بزرگان فامیل و شخصیت‌های دارای منزلت می‌روند و در بسیاری از این عید دیدنی‌ها، اکثر افراد خانواده شرکت دارند. این عید دیدنی‌ها تا سیزده نوروز ادامه دارد. در دید و بازدیدهای نوروزی رسم است که نخست [روز نوروز] به خانه کسانی بروند، که «نوروز اول» درگذشت عضوی از آن خانواده است. هدیه دادن نوروزی نیز رسمی کهن است و عیدی‌های امروز بیشتر به صورت نقد و اسکناس نو است (24). روز سیزدهم نوروز که بنابر اعتقاد مردم این دیار، روز ناخجسته‌ایست، مردم از خانه‌ها بیرون می‌روند و به سوی دشت و باغ و کوه رهسپار می‌گردند تا این ناخجستگی را از خود دور کنند و روز چهاردهم را با شادمانی دنبال کار بروند (25).

### جشن عروسی

پس از این که پسر، دختری را انتخاب نمود، خانواده را در جریان قرار می‌دهد و پدر و مادر پسر برای خواستگاری به خانه عروس می‌روند. اگر خانواده عروس این وصلت را پذیرفت، یک روز دیگر پدر و مادر داماد به همراه داماد و برخی از بستگان نزدیک، یک جلد قرآن و یک انگشتری برای عروس هدیه می‌برند و در خانه عروس جمع می‌شوند تا میزان مهریه و زمان عقد را مشخص نمایند. یک روز قبل از عقد، خرید می‌روند و طلا و جواهرات، آینه و شمعدان، کیف و کفش و ... برای عروس و داماد می‌خرند. روز عروسی در منزل عروس مجلس زنانه است و در خانه‌ای نزدیک خانه عروس، مجلس مردانه برگزار می‌شود. معمولاً اول صبح جهیزیه عروس را با ماشین‌های متعدد در حالی که صدای بوق آن‌ها همه را خبر می‌کند، به خانه داماد می‌برند و آن‌ها را طوری در آن‌جا می‌چینند که هر بیننده‌ای تمام آن‌ها را مشاهده کند.

زمان عروسی که معمولاً از ساعت ۲ بعدازظهر می‌باشد، میهمانان جمع می‌شوند و عروس را به آرایشگاه می‌برند. عاقد خطبه عقد را جاری می‌کند، پس از آن میهمانان با چای و شیرینی و میوه پذیرایی می‌شوند و همگی عروس و داماد را تا خانه داماد بدرقه می‌نمایند.

پس از صرف شام در خانه داماد، عروس و داماد را تنها می‌گذارند. صبح روز بعد داماد به خانه پدرزن می‌رود و روی او را می‌بوسد و از او تشکر می‌کند. پدر عروس نیز وقتی که برای او چای می‌آورند بایستی در سینی چای مبلغی را به عنوان «پاچای» قرار دهد تا داماد بردارد. این عمل «پاچای» برای عروس نیز در خانواده داماد باید تکرار شود.

روز سوم عروسی، مراسم «پاتختی» شروع می‌شود. در این روز، تمام کسانی که در عروسی شرکت داشتند، مبلغی را برای عروس و داماد هدیه می‌برند. این پول را باید داخل همان پاکت دعوت عروسی بگذارند و تحویل عروس دهند. روز هفتم عروسی نیز مراسم «آش‌پزان» دارند. در این روز نیز اقوام عروس و داماد جمع می‌شوند و آش رشته می‌پزند. پس از این عروس و داماد زندگی جدید خود را آغاز می‌کنند (26). برگزاری مراسم ازدواج در میان عشایر نیز جالب و دیدنی است. معمولاً پدر داماد، یکی از ریش سفیدان یا محترمین را برای جلب موافقت پدر دختر به خانه وی می‌فرستد. اگر توافق به عمل آمد، یک دست لباس و حلقه انگشتری برای دختر به عنوان «نشانه» فرستاده می‌شود.

بعد از تعیین مهریه، مراسم عقدکنان برگزار می‌گردد و در جریان این مراسم مبلغ و

مشخصات مهریه در عقدنامه ذکر و صیغه عقد جاری می‌شود. اما تا مراسم عروسی، دختر خود را از داماد پنهان می‌کند و به ندرت و به دفعات کم با وی دیدار می‌کند. پس از این که مقدمات جشن عروسی فراهم شد در آخرین روز همه عشایر در مسابقه شتردوانی و تیراندازی شرکت می‌کنند. عده‌ای از دوستان داماد، وی را جهت اصلاح سر و صورت به سلمانی می‌برند و زنان ایل نیز با ریختن نقل و نبات بر سر داماد، شادی خود را ابراز می‌کنند.

داماد بعد از استحمام، عازم خانه عروس می‌شود. در این مرحله، عمل «سرابی» که بخشیدن اغنام و احشام و ملك از طرف پدر عروس به داماد است، انجام می‌گیرد. بعد از صرف شام، جشن تا نیمه‌های شب ادامه یافته و سپس عروس و داماد به حجله می‌روند (27).

### ضرب المثل‌ها

-موش نمی‌رفت وه غایش، جارویی بس ور دمبالش.

موش به لانه نمی‌رفت جارویی به دم بست.

-مئه زنا آیس سن را می‌ره.

مثل زن‌های آبستن راه می‌رود.

-فلون فلون شده گشنگی نخوردی

فلان فلان شده گرسنگی نکشیده.

-آروق ناشتا می‌کنه.

آروغ ناشتا می‌زند. (کنایه از لاف زدن است)

-روبا درگت خودش شیره.

روباه در سوراخ خودش شیر است.

-كلو وم خدایی دارد.

كچلك هم خدایی دارد.

-آسمون كت شده و همی یکی افتاده وه تك.

آسمان سوراخ شده و همین یکی پایین افتاده.

-دسی تو کاسو مش تو پیشونی.

دست توی کاسه و مشت به پیشانی (28).

### باورها

-اگر آینه عروس (در هر زمانی) بشکند، سیابخت می‌شود.

-اگر موقع رفتن به مسافرت سگ سیاه جلوشان درآید، بدشانسی می‌آورند.

-اگر بچه شیر خوار، در آینه نگاه کند دیوانه می‌شود.

-اگر از بالای سر بچه به او نگاه کنند، بچه کاج می‌شود (چشمش چپ می‌شود).

-اگر استکان را به حالت وارونه روی نعلبکی بگذارند و نزد کسی ببرند، به آن شخص توهین نموده‌اند.

-اگر کسی را با جارو بزنند، دزد می‌شود.

-اگر هنگام غروب آفتاب جارو کنند، بدبختی یا بدشانسی می‌آورند.

-اگر کلاغی بر بالای خانه کسی قارقار کند، خبری را برای آن خانواده آورده است.

-اگر صبح روز عاشورا بر قبر مرده‌ها آب بریزند، آب به آنها می‌رسد.

-مراسم ختم روز شنبه خوب نیست.

-بعد از غروب آفتاب رفتن به قبرستان خوب نیست.

-اگر قند داخل چای بیفتد، میهمان می‌آید).

**بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی**

**فصل اول: اوضاع مذهبی**

**پیشینه مذهبی**



قبل از اسلام دین اغلب مردم کرمان زرتشتی بود که وجود معابد و آتشکده‌ها دلالت بر این امر دارد. با انقراض دولت ساسانیان، کرمان نیز مانند سایر شهرهای ایران به تدریج تحت سلطه مسلمین درآمد. با استقرار آل بویه در کرمان، تعدادی از افراد به تشیع گرویدند ولی به دنبال حوادث تاریخی مربوط به فتنه ترکان غز، گرایش به تشیع متوقف شد. تا اینکه پس از استقرار دولت صفوی گسترش مکتب تشیع به اوج خود رسید (29).

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از جمعیت استان ۶۸/۹۹ درصد را مسلمانان تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت در نقاط شهری ۵۸/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۷۹/۹۹ درصد بوده است (30).

#### اماکن مذهبی

استان کرمان در سال ۱۳۷۵، دارای ۲۷۱۲ باب مکان مذهبی شامل ۱۸۲۷ مسجد، ۴ مصلی، ۱۵ نمازخانه، ۹۷ زیارت‌گاه و امامزاده، ۱۵۵ نظرگاه و قدمگاه، ۶۰ زیارتگاه سایر بزرگان دین، ۱۸۴ تکیه ثابت، ۲۲۱ حسینیه، ۵ فاطمیه، ۱۶ مهدیه، ۱۳ زینبیه و حیدریه، ۴ خانقاه و ۱۰۷ مکان مذهبی متفرقه بوده است (31). تعدادی از این اماکن به قرار ذیل می‌باشد: مقبره آقا سیدمحمد (بردسیر)، مقبره شاه نعمت‌الله ولی (ماهان)، مقبره خواجه اتابک (کرمان)، شاهزاده حسین «ع» (جوپار)، امامزاده محمدبن زید (شهاد)، پیر بابا مسافر (شهاد)، گنبد سبز (کرمان)، مسجد ملک (کرمان)، مسجد وکیل (کرمان)، مسجد پامنار (کرمان)، مسجد جامع مظفری (کرمان)، مسجد چهل ستون (کرمان)، مسجد صاحب‌الزمان (بم)، مسجد امام حسین «ع» (شهربابک) و (32)....

#### مدارس دینی

حوزه علمیه کرمان یکی از مهم‌ترین مراکز دینی در این استان می‌باشد. مهم‌ترین مدارس دینی استان عبارتند از: مدرسه علمیه صالحیه (کرمان)، مدرسه ابراهیمیه (کرمان)، مدرسه محمودیه (کرمان)، فیضیه امام خمینی (بردسیر)، قائمیه (بم)، امام خمینی (رفسنجان)، امام حسن مجتبی (رفسنجان)، حوزه علمیه علی بن ابیطالب «ع» (شهاد)، حوزه علمیه ولی عصر (عج) (کهنوج)، مدرسه علمیه مفیدیه (سیرجان)، مدرسه علمیه جعفریه (زرند) و....

#### بزرگان و مشاهیر

از استان کرمان علما و دانشمندان برجسته‌ای برخاسته‌اند که نام کرمان را در سراسر کشور و بلکه در جهان مشهور ساخته‌اند. در این جا گلچینی از این دانشمندان را ذکر می‌کنیم.

- شاه نعمت‌الله ولی کرمانی، عارف و شاعر مشهور قرن هشتم و نهم هجری، مرید شیخ الشیوخ ابو عبدالله الیافعی (۸۲۷-۷۳۰ ه.ق.).

- شیخ میرزا محمدتقی بن کاظم کرمانی، عارف، فیلسوف و فقیه (متوفی ۱۲۱۵ ه.ق.).  
- کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی متخلص به خواجه‌ای کرمانی، شاعر و عارف قرن هشتم (689-750) یا ۷۵۳ ه.ق.).

- شیخ حبیب‌الله کرمانی، فقیه معاصر (متوفی 1280 ه.ق.).

- سید شمس‌الدین ابراهیم بمی کرمانی، عارف و شاعر قرن نهم.

- شیخ محمدحسین کرمانی، ادیب و عارف (متوفی ۱۲۲۵ ه.ق.).

- شیخ ملا حیدر علی کرمانی، عالم، متکلم، ادیب و فیلسوف.

- آیت الله حاج شیخ عبدالله بن محمدعلی بن عبدالغفار کرمانی، فقیه و از شاگردان میرزای شیرازی (۱۳۲۷-۱۲۵۴ ه.ق.).

- آیت الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی از علمای معروف مقیم اصفهان (متوفی ۱۳۷۰ ه.ق.).

- آیت الله حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی، مجتهد و خطیب (متولد ۱۳۱۸ ه.ق.).  
- میرزا رضا کرمانی، از شاگردان سید جمال‌الدین اسدآبادی.

-دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، استاد دانشگاه، نویسنده و شاعر (متولد ۱۳۰۴ه.ش).

-هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده و داستان نویس (متولد ۱۳۲۳ه.ش).  
-شهید دکتر محمدجواد باهنر، استاد دانشگاه و نویسنده و نخست‌وزیر دولت شهید رجائی، (شهادت ۸ شهریور ۱۳۶۰).

-محمدجواد حجتی کرمانی، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم.  
-آیت الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، مجتهد، نویسنده و از سیاست‌مداران بزرگ ایران.

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### از انقلاب مشروطه تا روی کار آمدن پهلوی اول

در آستانه نهضت مشروطه، به ابتکار آیه‌الله کرمانی، مردی عرق فروش از عمل خود توبه نموده و اقدام به شکستن شیشه‌های شراب خود می‌کند. بدنبال این کار، عده‌ای از الواط و اوباش به بهانه اینکه قصد شکستن شیشه‌های شراب و جلوگیری از مناهای را دارند به منازل یهودیان ریخته و آنجا را غارت می‌کنند و می‌گویند، حکم، حکم آیه‌الله است. یهودیان شکایت به ظفر السلطنه می‌برند و او دستور دستگیری آیه‌الله و فلک ایشان را می‌نمایند. پس از این واقعه، مردم ضمن تجمع در تلگراف‌خانه، عزل ظفر السلطنه و تعقیب و مجازات او را خواستار شدند. از سوی دیگر هیچ کدام از علما و مجتهدین نیز برای اقامه نماز جماعت در مساجد حاضر نشدند.  
از طرف دیگر دو نفر از محترمین کرمان آقایان ناظم‌الاسلام و آقای مجدالاسلام به آیه‌الله طباطبایی و شیخ فضل الله نوری در تهران مراجعه می‌کنند و آنها را در جریان قرار می‌دهند. در واکنش به این واقعه، ظهر آن روز در تمام مساجد تهران عنوان خبرها شرح واقعه کرمان و چوب زدن به يك روحانی عالی‌قدر بود که موجب تأثر شدید مردم گردید و آنها را در مخالفت با دستگاه قاجار مصمم‌تر کرده بود.

### کرمان و جنگ جهانی اول

در جریان جنگ جهانی اول آلمان به عنوان یکی از طرف‌های درگیر در جنگ، هیئتی مستشار نظامی با ریاست «زوغمایر» به ایران فرستاد. این هیئت در جهت شناسایی مسیر حمله به هندوستان، که آن زمان در اشغال انگلستان بود، وارد کرمان گردید. در همین ایام فرخ‌خان برادرزاده آقاخان محلاتی (ریاست فرقه شیخیه) که از عوامل انگلیس بود، و به بهانه سرکشی به اموال خود وارد کرمان شده بود، به تحریک انگلیسی‌ها در وسط بازار کرمان به دست افراد ناشناس به قتل رسید. با قتل او انگلستان دربار را تحت فشار قرار داد تا عوامل حمله را، شناسایی کند و تهران نیز حکم احضار ریاست نظمییه وقت را صادر کرد. با رسیدن این حکم، آزادی‌خواهان کرمان که از این همه وابستگی دربار به انگلیس و روس به تنگ آمده بودند با همکاری ژاندارمری و نیروهای مسلح محلی بانک روس را غارت کرده و عوامل خارجی روس و انگلیس را از شهر بیرون رانده و شهر را به تصرف درآوردند. در این زمان دولت انگلستان که احساس خطر کرده بود و ناامنی را در حوالی مرزهای هندوستان نمی‌توانست تحمل کند با کمک نیروهای نظامی فراوان و تفنگداران اجیر شده پس از کشتار فراوان، شهر کرمان را به تصرف خود درآورد (33).

### واقعه کشف حجاب

با بازگشت رضاخان از ترکیه و احساس تمایل به فرهنگ غرب، در سال 1314 ه.ش دستور کشف حجاب به تمام مناطق و ایالات را صادر کرد. در استان کرمان این دستور با مقاومت مردمی مواجه شد. به طوری که از محتوای تلگراف ۲۵/۹/۱۳۱۴ از ایالت کرمان به مرکز فهمیده می‌شود این طرح با موفقیت همراه نبوده و مردم از پذیرش آن سرباز می‌زدند. در بخشی از این تلگراف آمده است:  
«این روزها غیر از مدیر و سه - چهار محصل، عموم محصلین و معلمین چادر سر

کرده‌اند. کفیل معارف به عنوان اینکه مرکز دستور داده کسی را مجبور به کشف حجاب نکنند، از جلوگیری خودداری می‌نماید. ممکن است این ترتیب در انظار عامه سوء اثر بخشیده موضوع کشف حجاب در کرمان به تأخیر بیفتد(34)».

#### حوادث سیاسی دوران انقلاب اسلامی

در روز ۲۴ مهر سال ۱۳۵۷ در حالی که مردم برای یادبود شهدای هفدهم شهریور در مسجد جامع کرمان اجتماع کرده بودند عده‌ای بی‌هویت با حمایت و تحریک ساواک با چماق به مسجد هجوم آوردند و ضمن ضرب و شتم مردم، وسایل نقلیه آنان و مسجد را به آتش کشیدند. این عمل آنان باعث شد تا انقلاب از حوزه مساجد و طلاب و متدینین تا عمق توده مردم نفوذ کند. چون مسجد جامع کرمان از نظر سنتی تقدس غیر قابل انکاری در ذهن مردم داشت. بازدید از مسجد سوخته شده نیز سبب انفجاری در ذهن‌ها و روحیه‌ها می‌شد. و این شعار را در کرمان و ایران طنین انداز کرد: «خلق مسلمان را، مسجد کرمان را، شاه به آتش کشید (35)». این تظاهرات و اعتصابات علی‌رغم خشونت مأمورین شاه ادامه یافت. در ۲۴ آذرماه ۱۳۵۷ مردم کرمان در مسجد امام جمع شدند که مورد هجوم دژخیمان قرار گرفتند و رگبار آنان باعث جراحت و شهادت جمعی از مردم شد ولی همبستگی مردم ادامه یافت و اعتراضات و راهپیمایی‌ها در شهرهای مختلف این استان تا سقوط رژیم ستم‌شاهی ادامه داشت (36).

#### استان کرمان و جنگ تحمیلی

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مردم این استان از پیش‌گامان میدان‌های نبرد بودند و مجاهدان و مبارزان این استان در قالب لشکر ۴۱ ثارالله نقش مهمی در سرکوب دشمنان اسلام و میهن داشتند. مردم این استان با تقدیم هزاران شهید و مفقودالاثر و جانباز از بهترین و فداکارترین جوانان رزمنده خود نقش به‌سزایی در حفظ نظام و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایفا نموده‌اند. یاد شهدای این استان گرامی (37) باد.

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان کرمان. صفحه پانزده و سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان کرمان ۱۳۷۴. ص ۱ و ۲.
- 2- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمان، ۱۳۷۲. ص ۱۹.
- 3- همان، ص ۱۹۵.
- 4- همان، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.
- 5- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۳۷۶، شکوه سازندگی در استان کرمان، ۱۳۷۶، ص ۷۳.
- 6- همان. ص ۶۶.
- 7- محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران. ص ۱۲۰.
- 8- محمدیوسف کیانی، شهرهای ایران. جلد ۲. ص ۱۹۶ - ۱۹۸.
- 9- گیتا شناسی، چهره ایران، راهنمای سیاحتی و مسافرتی، ص ۱۹۱.
- 10- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان کرمان سال ۱۳۷۴. ص ۱۰۳ - ۱۰۶.
- 11- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 12- همان، ص بیست و شش و بیست و هفت.
- 13- همان، ص بیست و چهار.
- 14- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان کرمان سال ۱۳۷۴. ص ۷۲ - ۷۶.
- 15- همان. ص ۸۸ - ۱۰۲ (با تلخیص).

- 16- همان. ص ۱۳۷. و وزارت کشور، امکانات فرهنگی - اجتماعی استان کرمان، 1370 ص ۷۳ - ۷۵.
- 17- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان کرمان ۱۳۷۴. وزارت کشور، ص ۱۲۴.
- 18- سید احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم. جلد اول، ص ۲۲-۳۴.
- 19- همان. ص ۱۳۸.
- 20- همان. ص ۱۸۱.
- 21- اطلاعات محلی.
- 22- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان کرمان، ص ۱۰۸.
- 23- محمود روح الامینی، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، ص ۴۹-۴۰ (با تلخیص).
- 24- م. اورنگ، جشن نوروز، ص ۴۷.
- 25- اطلاعات نگارنده.
- 26- محمود همت کرمانی، تاریخ کرمان، ص ۴۶۴-۴۶۱.
- 27- ناصر بقایی، امثال فارسی در گویش کرمان.
- 28- اطلاعات نگارنده.
- 29- محمدیوسف کیانی، همان، ص ۱۹۹.
- 30- مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
- 31- مرکز آمار ایران، طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵. ص ۱.
- 32- گزارش اقتصادی اجتماعی استان سال ۱۳۷۴. ص ۱۰۳ - ۱۰۶.
- 33- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 34- کرمانی، احمدعلی خان. تاریخ کرمان (سالاریه). تهران: ۱۳۴۰. چاپ اول. ص ۳۶۸-۳۶۵ و ۴۵۱.
- 35- مرتضی جعفری، صغری اسماعیل‌زاده و معصومه فرشچی، واقعه کشف حجاب. ص ۱۰۰.
- 36- فصلنامه کرمان. شماره ۵، تابستان ۱۳۷۱. ص ۲۲.
- 37- همان. شماره ۳، زمستان ۱۳۷۰. ص ۷.۶ -

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان کرمانشاه با وسعت ۲۴۷۴۱ کیلومتر مربع در میانه ضلع غربی کشور بین ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان کردستان از جنوب به استانهای لرستان و ایلام از شرق به استان همدان و از مغرب به کشور عراق محدود شده و دارای حدود ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با این کشور است. مرکز آن شهر کرمانشاه می‌باشد (۱).

این استان از ۱۱ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۲۴ بخش شامل ۱۹ شهر ۸۳

دهستان و ۲۷۹۳ روستای دارای سکنه را در بر می‌گیرد(2).

### ویژگیهای طبیعی

استان کرمانشاه از نظر آب و هوا به دو منطقه گرمسیر و سردسیر (قشلاق و بیلاق) تقسیم می‌شود بر اساس این تقسیم‌بندی، مناطقی از قبیل قصر شیرین، گیلان غرب، سومار، نفت شهر و دهستانهای از گله و سرقلعه در غرب استان و قسمت جنوبی شهر کرمانشاه قشلاق و سایر مناطق استان بیلاق می‌باشند(3).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

استان کرمانشاه به علت شرایط خاص اقلیمی و وجود خاکهای زراعی مرغوب، آب فراوان، دشتهای وسیع و دره‌های طولانی و حاصلخیز از دیرباز دارای سابقه قابل توجهی در امر کشاورزی بوده است.

دشتهای وسیع کرمانشاه در نواحی سرد، معتدل و گرم گسترده شده است. تولید محصولات سردسیری و نیمه گرمسیری چون خرما و مرکبات، از ویژگیهای استان می‌باشد.

علاوه بر کشت آبی در دشتهای و حواشی سرابها و چشمه‌ها وجود اراضی حاصلخیز پای کوهی و دامنه‌های نسبتاً کم شیب با بارشهای کم و بیش مفید، به کشاورزی این استان رونق بخشیده و باعث شده است که کشاورزان قسمتی از فراورده‌های خود را از طریق کشت دیم به دست آورند(4).

نواحی گرمسیری کرمانشاه قابلیت کشت غلات، علوفه و صیفی را دارد و در قسمتی از این نواحی مرکبات و نخیلات به عمل می‌آید و نواحی سردسیری استان مساعد برای کشت غلات، حبوبات، علوفه، چغندر قند، دانه‌های روغنی، سبزیجات، و... است. میوه‌هایی از قبیل: گردو، بادام، انار، سیب، گلابی، انجیر، مرکبات، خرما و... در این استان به عمل می‌آید که از معروفیت خاصی برخوردار است.

سطح کل اراضی زیر کشت استان کرمانشاه در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۷۴۹۷۴۷ هکتار بوده است که از این مقدار ۱۴۰۵۰۵ هکتار به صورت آبی و ۶۰۹۲۴۲ هکتار به صورت دیم کشت می‌شود.

از میان غلات، گندم با ۳۲۳۰۵۵ هکتار بیشترین سطح زیر کشت را در این استان به خود اختصاص داده است.

علاوه بر کشاورزی، این استان زمینه‌های مناسبی برای پرورش دام و دامداری دارا می‌باشد و یکی از مراکز مهم و مشهور کشور به شمار می‌آید. این استان در حال حاضر بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰۰ هکتار مرتع جهت چرای دام دارد(5).

### صنایع و معادن

#### صنایع دستی

استان کرمانشاه از دیرباز به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و نیاز اهالی به لوازم و مواد اولیه زیستی، مهد صنایع دستی بوده است. صنایع دستی این منطقه عبارتند از: قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، شال‌بافی، دستکش‌بافی، گیوه، قلمزنی، حکاکی، نقره کاری، طلاکاری، تسیح سازی، حجاری، نمدالی، چرم سازی، نساجی، چغیغ بافی و(6)....

#### صنایع ماشینی

صنایع سبک این استان عبارتند از: کارخانه قند اسلام آباد، کارخانه الکل‌سازی، واحدهای سنگ کوبی و تولید پودر سنگ، کارخانه سیمان، کارخانه پشمبافی کشمیر، گونی بافی بیستون، شیر پاستوریزه، صنایع نساجی، صنایع غذایی و دارویی و....

صنایع سنگین این استان بعد از انقلاب پیشرفت چشمگیری داشته است. از جمله این صنایع می‌توان به صنایع ریخته‌گری پیشرفته، پروفیل، آلومینیم، مس، ساخت جکهای

هیدرولیکی، تولید گیره‌های صنعتی، ساخت گیوتین و پرس هیدرولیک، دریل رادیال، ماشین سنگزنی و... اشاره کرد.  
پالایشگاه کرمانشاه به ظرفیت ۱۸ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۱۴ ساخته شد و بر اساس آخرین آمار در سال ۱۳۷۵، نفت خام دریافتی این پالایشگاه ۷/۳۷۷۷ متر مکعب و نفت تصفیه شده ۳/۳۷۳۰ متر مکعب و فرآورده‌های نفتی توزیع شده ۳۶۰۲ متر مکعب در روز می‌باشد(7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

واژه کرمانشاه معرب «قرماسین» یا «قرمیسین» می‌باشد و ایالت «کامبادنه» پارتیان در این مکان بوده است.

در زمان ساسانیان و نیز پس از غلبه اسلام این منطقه، «ایالت ماه» نامیده می‌شد. اما در متون مربوط به سده‌های نخستین اسلامی به نام کرمانشاهان به صورت قرماسین، قرماشین، قرمیسین و کرمانشاه اشاره شده است(8).

#### پیشینه تاریخی

بر اساس مدارک تاریخی شهر کرمانشاه به وسیله بهرام بن شاپور نوالاکتاف ساسانی ساخته شد و قبادبن فیروز ساسانی آن را تجدید عمارت کرده و در آن برای خود عمارت عالی ساخت.

کرمانشاهان از دوره عیلامیان تا دوره مادها جزء ایالت «پارسوا» به شمار می‌رفته است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در دوره هخامنشیان این سرزمین که «گامبادن» نامیده می‌شد جزء مملکت ماد به حساب می‌آمد و در سال ۵۵۰ قبل از میلاد پس از تصرف مملکت ماد توسط کوروش کبیر، این منطقه نیز به تصرف او درآمد.

در دوره مقدونیان سرزمین کرمانشاهان به علت داشتن مراتع سرسبز برای پرورش اسبان تیز تک، که از عوامل موفقیت در تهاجم نظامی دنیای قدیم بود، نظرها را جلب کرد تا آنجا که یونانیان این نواحی پر نعمت را به خدایان اساطیری خود نسبت دادند و آن را «نیسا» یا «نیشا» نام نهادند.

در دوره اشکانیان، زمان سلطنت مهرداد اول ایالت‌های کارینا (کرد) کامبادنه (کرمانشاه)، پارس و سراسر پارت، تحت حکومت اشکانی درآمد. در زمان اشکانیان سرزمین کرمانشاهان به دو ایالت «کارینا» و «کامبادنه» تقسیم شده بود که طبق شواهد موجود امروزه «کارینا» با «کرد» و «کامبادنه» با «کرمانشاهان» منطبق است.  
در سال ۲۲۸ ق.م منطقه غرب و از جمله کرمانشاهان توسط اردشیر ساسانی فتح شد و آن را ضمیمه قلمرو ساسانیان گردانید.

پس از انقراض ساسانیان و تصرف ایران توسط مسلمین، سپاهیان اسلام پس از تصرف حلوان در سال ۵۲۱ ه.ق، کرمانشاه را بدون حمله نظامی تسخیر کردند.

در دوره امویان سرزمین‌های اسلامی به ۱۰ استان از جمله کوفه تقسیم شده بود که کرمانشاهان جزو استان کوفه به شمار می‌رفت و در زمان خلافت عباسیان به ویژه در روزگار خلافت مأمون، امپراتوری اسلامی به ۲۰ اقلیم شرقی و ۱۷ اقلیم غربی تقسیم شده بود که کرمانشاهان ضمیمه یکی از استانهای شرقی به نام استان جبل (عراق عجم) بوده است.

در سال 596 ه.ق قطب الدین محمد خوارزمشاه به سلطنت رسید. این پادشاه که فتوحاتی در نواحی مرکزی ایران به دست آورده بود عزم دیار جبال کرد و سپاه وی به کشتار و غارت ساکنان استان جبل پرداخت و از همدان تا دینور و کرمانشاه را در هم کوبید.  
کرمانشاهان از حمله مغول در امان نماند و سپاهیان هلاکوخان در این منطقه قتل و غارت فجیعانه‌ای به بار آوردند.

در زمان صفویه شاه اسماعیل توانست با جنگهای مختلف وسعت سرزمین خود را از شرق تا هرات و از غرب تا دیار بکر و بغداد گسترش دهد.  
در دوره شاه تهماسب مناطق آذربایجان، کردستان و کرمانشاهان طبق قرار داد به دولت عثمانی واگذار شدند ولی در سال ۱۱۴۳ سپاهیان نادر قلی آنها را از دولت عثمانی بازپس گرفتند.

در سال 1196 ه.ق الله قلی خان (از خانها و امرای معروف ایران) در کرمانشاه حکومت می‌کرد و بیگلربیگی این منطقه بود. آبادی کرمانشاه در زمان وی شروع شد و پس از وی عمویش حاج علی خان زنگنه کارهای عمرانی او را ادامه داد و بنای مسجد جامع کرمانشاه از آثار اوست.

بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۳۹ ه.ش ایران شامل ۱۴ استان و فرمانداری کل بود که کرمانشاهان در این تقسیم‌بندی به صورت استان باقی ماند و مرکز آن شهر کرمانشاه بود(9).

### بناهای تاریخی

شهرستان اسلام آباد  
تپه چغاگوانه، قلعه یزدگردی، نقاره خانه، گنبد طلایی.  
شهرستان سرپل ذهاب  
نقش آنو بانی نی، کتیبه اشکانی، قلعه مریم، قلعه شاهین.

شهرستان قصر شیرین و گیلانغرب  
چهار قاپو، کاخ ساسانی قصر شیرین، بنای اشکانی، کاروانسرای قصر شیرین.  
شهرستان کرمانشاه  
طاق بستان، دیوار خسرو، قلعه چهار زبر، تکیه معاون الملک، مقبره فاضل‌تونی.  
شهرستان هرسین

دخمه‌های ده نو اسحاق وند، تخت شیرین، قلعه هرسین.  
شهرستان صحنه

دخمه بزرگ دربند، تخت تیمور، غار بیستون، قلعه هجیر.  
شهرستان کنگاور

گودین تپه، معبد آناهیتا، امامزاده باقر، کاروانسرای شاه عباسی.

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگیهای جمعیتی

جمعیت استان کرمانشاه در سال ۱۳۷۵، 1778596 نفر بوده است. از این تعداد ۹۱۶۳۱۰ نفر مرد و ۸۶۲۲۸۶ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۱۰۹۸۲۸۲ نفر (۷۵/۶۱ درصد) در نقاط شهری و ۶۷۰۴۵۹ نفر (۷۰/۳۷ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته و ۹۸۵۵ نفر (۵۵/۰ درصد) غیر ساکن بوده‌اند(10).

#### جمعیت و خانوار شهرستانهای استان کرمانشاه: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1778596	916310	862286	347007
ساکن در نقاط شهری	1098282	562882	535400	224955
ساکن در نقاط روستایی	670459	348537	321922	120332
غیر ساکن	9855	4891	4964	1720
شهرستان اسلام آباد غرب	215392	109560	105832	39709
ساکن در نقاط شهری	90727	46335	44392	17323



22009	60335	62168	122503	ساکن در نقاط روستایی
377	1105	1057	2162	غیر ساکن
12397	30801	31117	61918	شهرستان پاره
5232	12607	12959	25566	ساکن در نقاط شهری
7165	18194	18158	36352	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
20010	53214	56304	109518	شهرستان جوانرود
9616	25623	27841	53464	ساکن در نقاط شهری
10327	27390	28261	55651	ساکن در نقاط روستایی
67	201	202	403	غیر ساکن
13944	37680	43944	81624	شهرستان سرپل ذهاب
5310	13468	13950	27418	ساکن در نقاط شهری
8379	23359	29266	52625	ساکن در نقاط روستایی
255	853	728	1581	غیر ساکن
21883	55893	56121	112014	شهرستان سنقر
9119	20097	20751	40848	ساکن در نقاط شهری
12762	35794	35370	71164	ساکن در نقاط روستایی
2	2	0	2	غیر ساکن
16707	40543	41500	82043	شهرستان صحنه
6740	15302	15746	31048	ساکن در نقاط شهری
9958	25216	25729	50945	ساکن در نقاط روستایی
9	25	25	50	غیر ساکن
3927	9302	10704	20006	شهرستان قصر شیرین
2652	6114	6938	13052	ساکن در نقاط شهری
814	1993	2524	4517	ساکن در نقاط روستایی
461	1195	1242	2437	غیر ساکن
170901	406743	436382	843125	شهرستان کرمانشاه
144488	337034	356964	693998	ساکن در نقاط شهری
26299	69384	79040	148424	ساکن در نقاط روستایی
114	325	378	703	غیر ساکن
17735	44357	44824	89181	شهرستان کنگاور
10273	24921	25348	50269	ساکن در نقاط شهری
7428	19307	19365	38672	ساکن در نقاط روستایی
34	129	111	240	غیر ساکن
11641	31539	36217	67756	شهرستان گیلانغرب
3324	8428	8385	16813	ساکن در نقاط شهری

7916	21982	26684	48666	ساکن در نقاط روستایی
401	1129	1148	2277	غیر ساکن
18153	46382	49637	96019	شهرستان هرسین
10878	27414	27665	55079	ساکن در نقاط شهری
7075	18968	21972	40940	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان کرمانشاه.

### وضع فعالیت

در سال 1375، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان کرمانشاه ۱۳۲۷۲۴۸ نفر بوده است. از این تعداد 477365 نفر جمعیت فعال (شامل ۳۸۹۰۰۰ نفر شاغل و ۸۸۳۶۵ نفر بیکار جویای کار (بوده‌اند. از این تعداد ۴۲۱۵۰۷ نفر مرد و ۵۵۸۵۸ نفر زن بوده‌اند. از جمعیت شاغل 10 ساله و بیشتر این استان ۱۰۲۹۸۷ نفر (۴۷/۲۶ درصد) در بخش کشاورزی و ۸۷۳۳۹ نفر (22/45 درصد) در بخش صنعت و ۱۹۰۸۹۲ نفر (۰۷/۴۹ درصد) در بخش خدمات و ۷۷۸۲ نفر (۲ درصد) نامشخص و اظهار نشده بوده‌اند(11).

### زبان و نژاد

زبان اکثر اهالی کرمانشاه کردی است و گویشهای متفاوتی از این زبان در نقاط مختلف آن رواج دارد. علاوه بر این، زبان ترکی نیز در بعضی مناطق این استان رایج می‌باشد. بر اساس پژوهشهای باستان‌شناسی و آثار بدست آمده و مدارك مکتوب تاریخی، کرمانشاهان محل سکونت نژادهای مختلف بوده است.

پیش از ورود و استقرار آریایی‌ها در کرمانشاهان، نژادهای بومی مختلفی در این منطقه می‌زیستند. از جمله این اقوام: عیلامیها، لولوییها، هوریها، کوتیان، کاسیها، مغانها و سامیها بوده‌اند(12).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از ۱۵۳۸۶۵۵ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۱۱۷۸۰۸۶ نفر (۵۷/۷۶ درصد) باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۶۵۴۸۳۳ نفر (55/959 درصد) مرد و ۵۲۳۲۵۳ نفر (۴۲/۴۴ درصد) زن بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان استان ۷۸۰۹۷۸ نفر (۲۹/۶۶ درصد) در نقاط شهری و ۳۹۴۶۲۵ نفر (۵۰/۳۳ درصد) در نقاط روستایی و همچنین ۲۴۸۶ نفر (۲۱/۰ درصد) غیر ساکن بوده‌اند(13).

### آموزش عالی

مهمترین مراکز دانشگاهی استان کرمانشاه عبارتند از:

دانشگاه رازی کرمانشاه شامل:

دانشکده تربیت دبیر، آموزشکده کشاورزی کرمانشاه، آموزشکده کشاورزی ایلام و

دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

دانشگاه علوم پزشکی.

تعداد کل دانشجویان مشغول به تحصیل این مراکز در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، ۷۰۵۷ نفر شامل ۴۴۱۴ نفر مرد و ۲۶۴۲ نفر زن بوده است(14).

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه

استان کرمانشاه در سال 1375، دارای ۲۱ باب کتابخانه به تفکیک زیر بوده است: اسلام آباد غرب ۴ باب، پاره 2 باب، جوانرود ۳ باب، سرپل ذهاب یک باب، سنقر یک باب، صحنه یک باب، قصر شیرین ۲ باب، کرمانشاه ۴ باب، کنگاور یک باب، گیلان غرب یک باب و هرسین یک باب. این کتابخانه‌ها جمعاً ۱۶۴۰۹ نفر عضو و ۲۱۷۲۸۴ جلد

کتاب داشته‌اند (15).

### مطبوعات

در این استان تاکنون ۶۴ روزنامه و مجله انتشار یافته است که برخی از آنها عبارتند از: روزنامه کرمانشاه، روزنامه غرب ایران، مجله دعوت اسلامی، مجله اخوت، روزنامه مهرداد، هفته نامه باختر، هفته نامه صفر غرب و (16)....

### سینما

این استان در سال ۱۳۷۵ دارای ۷ باب سینما با ظرفیت ۵۴۹۰ نفر بوده است. برخی از این سینماها عبارتند از: سینما استقلال (کرمانشاه)، سینما آزادی (کرمانشاه)، سینما پیروزی (کرمانشاه)، سینما صحرا (کرمانشاه)، سینما احسان (اسلام آباد غرب) (17).

### پارکها و مکانهای دیدنی

استان کرمانشاه دارای مناظر و پدیده‌های مختلف طبیعی و تاریخی می‌باشد. در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

سراب نیلوفر، چشمه آب معدنی امام حسن، غار عسل، غار کنشت، غار کبوتر، غار جوجار، پارک بیستون کرمانشاه، پارک شیرین کرمانشاه، پارک خرم کنگاور و (18)....

### اماکن ورزشی

در این استان ۱۴ استادیوم، ۷۲ سالن ورزشی، ۸ استخر شنا، ۱۵ زمین والیبال و تنیس، ۴ باشگاه باستانی، ۸ پیست دو میدانی و ۳۰ زمین فوتبال وجود دارد (19).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ماه مبارك رمضان

در آخرین روز شعبان مردم برای رؤیت هلال در جاهای مرتفع متوجه غروبگاه خورشید می‌شوند و چون ماه را ببینند با گفتن صلوات بر محمد و مرحبا مرحبا گفتن اظهار شادی می‌نمایند. یکی از آداب و مراسمی که در شبهای این ماه معمول است نماز تراویح می‌باشد که بعد از نماز عشاء می‌خوانند.

برای اینکه مردم از خواب سحری بیدار شوند کسانی به طور انفرادی یا دسته جمعی مشغول خواندن دعای سحری می‌شوند. این مراسم را «صلاة» یا «پارشيو» می‌گویند. اصل دعای پارشيو چنین است: الصلوة والسلام عليك و علی آلك و اصحابك یا سیدنا یا رسول الله.

در هنگام سحری بچه‌ها و کودکان کوچک هم به پیروی از پدر و مادر بیدار می‌شوند و با شرکت در برنامه سحری لذت می‌برند.

نزدیک غروب، همه روزه داران به انتظار مؤذن هستند و بلافاصله بعد از اذان به وسیله خرما و شیرینی و چای افطار می‌کنند و بعد نماز می‌خوانند و سپس افطاری می‌خورند. در شبهای قدر بر مصداق لیلۃالقدر خیر من الف شهر، مردم، این شبها را به خیرات و احسان و شب زنده‌داری با نماز و دعا و اعتکاف به سحر می‌رسانند و شب قدر را یکی از شبهای فرد دهه آخر ماه رمضان می‌دانند مانند: شبهای بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و پنجم، بیست هفتم و مخصوصاً بیست و نهم. که در تمام این شبها مراسم ویژه شب قدر را به جا می‌آورند.

مردم این استان از پانزدهم ماه مبارك به بعد به دادن زکات فطر می‌پردازند و باید تا روز عید سرپرست خانواده زکات فطره تمام افراد خانه را به مستحق آن بدهد.

صبح روز عید فطر مردان بعد از نماز صبح یا قبل از آن به مساجد یا جایی که نماز جماعت در آنجا برگزار می‌شود می‌روند. امام، قرآن قرائت می‌کند. و پس از طلوع خورشید با تشریفات خاصی نماز عید را می‌خوانند.

بعد از فراغت از نماز به سوی امام جماعت می‌شتابند و به عنوان تبریک دست او را می‌بوسند و تمام افراد نیز دست یکدیگر را می‌بوسند و از همدیگر عذرخواهی و طلب عفو می‌نمایند. عید فطر روزی با شکوه و با عظمت و با شکوهترین اعیاد کردها و همانند

عید قربان و عید نوروز به شمار می‌رود (20).

#### ماه محرم

مردم استان کرمانشاه، همزمان با فرا رسیدن ماه محرم، با پوشیدن لباس سیاه که نشانه عزادار بودن است به استقبال ماه محرم می‌روند. مراسم عزاداری را در زبان کردی کلهری «تازییه» می‌گویند که صورت دیگری از تعزیه است. جهت انجام مراسم عزاداری، در شهرها، روستاها و مناطق عشایری مردم در مساجد، تکایا و میادین بزرگ جمع می‌شوند و به برگزاری مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند.

شورانگیزترین این مراسم در روز عاشورا برگزار می‌شود که مردم از ابتدای طلوع آفتاب از خانه‌های خود خارج می‌شوند و با تشکیل دسته‌های مختلف به عزاداری می‌پردازند. چندین علم در جلوی دسته‌ها حرکت داده می‌شود و مردم در حالی که پاهایشان برهنه می‌باشد، به دنبال علم‌ها حرکت می‌کنند و بر سر و سینه می‌زنند. از جمله آداب مخصوص این ماه دادن غذای نذری است که در اصطلاح کردی به آن «خرج» یا «خیرات» می‌گویند و غذایی به اسم «هدلیسه» یا «که شکهک» درست می‌کنند که هر کس به اندازه توانایی خود در یکی از روزها و یا شب‌های محرم که بیشتر در شب هفتم یا دهم، چهل و شام غریبان می‌باشد، مقداری غذا درست می‌کنند و در بین فقرا و اطرافیان تقسیم می‌کنند (21).

#### جشن‌های ملی - مذهبی

#### عید قربان

مراسم عید قربان در میان کردها و عشایر منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این روز اکثر مردم گوسفندی را به عنوان قربانی سر می‌برند و معتقدند که هر کس باید در طول عمرش یا بعد از مرگش هفت گوسفند در هفت سال متوالی سر ببرد و یا اگر مرد، برای او و به اسم او سر ببرند.

بعد از تمام شدن هفت گوسفند يك گوسفند دیگر که به آن «حذقیقه» می‌گویند در هشتمین سال سربریده می‌شود. بعد از ذبح گوسفند خون و اعضای حرام او را در چاله‌ای انداخته و دفن می‌کنند و گوشت آن را بین مستمندان توزیع می‌کنند (22).

#### عید غدیر

در این روز که مشهور به عید سادات است اهالی شیعه منطقه به دیدن سادات و بزرگان می‌روند و با زیارت و دیده بوسی یکدیگر این عید را به یکدیگر تبریک می‌گویند.

#### عید نوروز

قبل از فرارسیدن سال نو، مردم به خانه تکانی و پاک کردن محیط زندگی می‌پردازند. مراسم روز عید و تحویل سال بسیار ساده و بی‌آلایش صورت می‌گیرد و خانواده‌ها با درست کردن غذاهای متناسب، آغاز سال جدید را جشن می‌گیرند. عده‌ای معتقدند که در هنگام تحویل سال اگر مقداری پول خرد یا سکه در میان دست گیرند و تکان دهند تا آخر سال هیچ وقت بی‌پول نخواهند شد. برگزاری ورزش‌های محلی مانند «زووران» و اسب دوانی و تیراندازی و سایر بازی‌های تفریحی در ایام عید معمول و رایج است. افراد روستاها و عشایر بلافاصله بعد از تحویل سال به سرکشی از خانواده‌های عزادار می‌روند و با آنها ابراز همدردی می‌کنند. همچنین به صورت دسته‌جمعی به منازل یکدیگر می‌روند و فرارسیدن سال نو را تبریک می‌گویند.

در گاه شماری کردی، پنج روز اول سال را پنج روز «پنجه» می‌گویند. این پنج روز در حساب سال و ماه نمی‌آید و مردم معتقدند در این پنج روز نباید هیچ کار مهمی جز کارهای روزمره و عادی انجام داد (23).

#### جشن عروسی

پس از مراسم خواستگاری و تعیین میزان مهریه و دست ماچ کنان، یعنی بوسیدن دست پدر عروس توسط داماد و دیگر موارد چون خرید بازار، در روز عقدکنان، آقا همراه دستیارش به خانه پدر عروس آمده و در جمع مدعوین می‌نشینند. در این هنگام عروس را که آرایش کرده‌اند و لباس سفید عروسی پوشیده و بر سرش گل و گبری (تاج عروس) زده‌اند، در جای مخصوص خود نشانیده و روی سرش قند می‌سایند تا بخت و بارش بگیرد و در چشم داماد مثل قند شیرین شود. آقا و دستیارش در کنار سفره عقد که به صورت زیبایی تزئین شده و در آن آجیل، شیرینی، نان، سبزی، عسل، کره، گل، چراغ، آیینه و قرآن نهاده‌اند، می‌نشینند و طی مراسمی خطبه عقد را جاری می‌کنند.

سپس عروس و داماد حلقه‌های طلا به دست‌های همدیگر کرده و به نوبت عسل در دهان یکدیگر می‌گذارند و نوازندگان با حرارت خاصی می‌نوازند. اقوام و دوستان به عنوان شادباش و ابراز دوستی و محبت خود، اقدام به پرداخت شواز (شادباش) می‌کنند. این رقص و پایکوبی و شادی تا شام ادامه دارد. پس از صرف شام، عروس و داماد را دور شهر می‌گردانند که این مورد در تمامی شهرهای ایران مرسوم می‌باشد و اتومبیل عروس و داماد را با اتومبیل‌های بسیاری همراه می‌کنند و بوق و دست می‌زنند و سپس عروس را به خانه داماد می‌برند و مراسم زفاف انجام شده و عروس و داماد زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. لازم به یادآوری است که در نحوه برگزاری مراسم جشن عروسی در مناطق روستایی و عشایری، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد (24).

#### باورها

وقتی خروس بی‌موقع می‌خواند، اگر رو به قبله باشد مبارک است و اگر پشت به قبله باشد بدشگون بوده و سرش را می‌برند.

-خروس یا مرغ اگر روی زمین بخوابد و خود را به یکسو انداخته و بال خود را در حالت کشیده نگهدارد، نشانه رسیدن میهمان یا فردی از خانواده است که به مسافرت رفته است.

-عبور کردن کلاغ از بالای خانه و درآوردن صدای قارقار بدشگون است.  
-هلال ماه اگر به صورت کج قرار گیرد نشانه وقوع قحطی و خشکسالی است.  
-اگر کودکی به علت گوناگون بترسد و هراسان شود، اگر انگشتر طلایی را در میان کاسه‌ای آب بیندازند و آبش را به او بدهند تا مقداری بخورد، تسکین می‌یابد.  
-آب داغ را نباید در شب بر زمین ریخت، زیرا احتمال دارد بر روی جن و پری ریخته شود و باعث آزار آنها شود.  
-آب را هیچ‌گاه در اجاق نمی‌ریختند و ریختن آب در اجاق را نشانه قطع نسل می‌دانستند. در هنگامی که بزرگ خانواده‌ای فوت می‌کرد در اجاق آن خانواده آب می‌ریختند و می‌گفتند اجاق ما دیگر کور شده است.

-هرگاه گوسفندان به بیماری مبتلا می‌شدند، مار مرده یا پوست مار در میان آنان می‌سوزاندند و آن را نشانه مبارکی و رفع بیماری می‌دانستند (25).

#### ضرب المثل‌ها

-نه خودا بتواید له قهئ سان سیه ده ید.  
اگر خدا بخواهد روزی را روی سنگ سیاه هم می‌دهد.  
-ئه گه ربو.. مه وه و زانم چو ناش درس که م.  
اگر عروس شدم می‌دانم چگونه آش درست کنم.  
-ئاسن سوّه روه پف سه رده و نیه ود.  
آهن داغ با فوت کردن سرد نمی‌شود.  
-ئاسیاؤبی حه ققی نایده سه و.

آسیاب بدون مزدی راه انداخته‌ای (کارت بیهوده و بی‌نتیجه است).

- برائی منه ت تاریفی که ید.
- برادر من است تو تعریفش می‌کنی.
- بزن هاله هه وُل گیان قه ساؤله هه وُل پیه.
- بز در فکر نجات جان است و قصاب در فکر پیه او.
- خهر وُه بار تفه نگه و گورگ خوه یده ی.
- خر با بار تفنگ گرگ می‌خوردش.
- دِ گاله یه ی دوول بوویه ك نه گرن خوویه که گرن.
- دو گاو در يك چراگاه اگر بوی هم نگیرند خوی همدیگر را می‌گیرند.
- ده له ناوله بان پیه ل نامه رد مه یه.
- از میان آب عبور کن، اما از روی پُل نامرد مگذر.
- راس بچو وه حاکم مه چو.
- راه راست در پیش بگیر تا به قاضی مراجعه نکنی.
- شه وار شیم له ئیواره دیاره.
- شب شوم از غروبش پیداست.
- شیر شکنی غلاو دال خوه یده ی.
- شیر شکار می‌کند و کلاغ و عقاب آن را می‌خورند.
- کِر دمه ده جو وئیه و، مه کو وه گه م دزید.
- تو را استاد بافندگی کردم، وسایل و ابزارم را دزدیدی.
- که م بخوه و وُه حه کیم مه چوو.
- کم بخور و به پزشک مراجعه نکن.
- که یکلان له مال نیه، موشلان جریت راویه.
- بزرگ و قدرتمندی خانه نیست، ضعیف میدان داری می‌کند(26).

### بخش پنجم: مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

##### پیشینه مذهبی

در کرمانشاهان در دوره عیلامیان، بتپرستی رواج داشته و در پی کاوشهای باستان‌شناسی، بتهایی از خدایان این دوره کشف شده است. در دوره ساسانیان و همزمان با ورود اسلام، دین زرتشت، دین غالب این مناطق بود. پس از انقراض حکومت ساسانی و فتح کرمانشاهان به دست مسلمین در سال ۵۲۱ ه.ق، اکثر مردم این مناطق به دین اسلام روی آوردند. در حال حاضر اکثریت مردم استان کرمانشاه پیرو دین اسلام هستند که گروهی پیرو مذهب جعفری و گروهی اهل سنت هستند. اقلیتهای دینی ساکن در این استان زرتشتی، کلیمی و مسیحی می‌باشند. در این استان فرقه‌های مذهبی مختلفی نیز وجود دارند که عبارتند از: شیخیه، زیدیه، اهل حق، نعمت‌اللهیه، خاکساریه، قادریه، نقشبندیه و یزیدیه(27).

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت این استان، ۱۷۷۴۶۹۱ نفر مسلمان، ۳۵۰ نفر زرتشتی، ۱۵۴ نفر مسیحی، ۱۶۷ نفر کلیمی و ۸۳۴ نفر پیرو سایر ادیان بوده‌اند. وضعیت دینی ۲۴۰۰ نفر نیز اظهار نشده بود(28).

##### اماکن مذهبی

در سال ۱۳۷۵، در استان کرمانشاه ۸۴۲ مکان مذهبی وجود داشته است که از این تعداد ۶۷۹ مکان آن مساجد می‌باشند. برخی از مهمترین مساجد آن عبارتند از مسجد جامع (کرمانشاه)، مسجد آیه‌الله جلیلی (کرمانشاه)، مسجد دولت‌شاه (کرمانشاه)، مسجد عمادالدوله (کرمانشاه)، مسجد امامزاده (کنگاور)، مسجد ریجاب (اسلام آباد)، مسجد جامع (پاوه)

....و

این استان دارای ۲۸ حسینیه، ۹ تکیه و ۲ مهدیه می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: حسینیه امام جمعه، حسینیه آیه‌الله جلیلی، تکیه معاون الملک در شهرستان کرمانشاه.

همچنین در این استان ۵۳ زیارتگاه و امامزاده، ۱۲ نظرگاه و قدمگاه و ۲۰ زیارتگاه بزرگان دین می‌باشد. از جمله آنها بقعه سیده فاطمه (کرمانشاه)، مقبره اویس قرنی (کرمانشاه)، امامزاده سید جمال‌الدین (کنگاور)، مقبره احمد بن اسحاق (سرپل ذهاب)، مقبره بابا یادگار (اسلام آباد)، مقبره پیر بنیامین (اسلام آباد) امامزاده کوسه (پاوه)، بقعه مالک (سنقر)، قبر حمزه قادری (سرپل ذهاب) و.... می‌باشد (29).

#### مدارس دینی

مهم‌ترین مدارس دینی استان به شرح زیر می‌باشند:

- مدرسه علمیه امام خمینی (شهرستان کرمانشاه)
- مدرسه علمیه امام صادق (ع) (شهرستان کرمانشاه)
- مدرسه علمیه حاج شهباز خان (شهرستان کرمانشاه)
- مدرسه علمیه امام خمینی (شهرستان سنقر)
- مدرسه علمیه امام خمینی (شهرستان اسلام آباد غرب)
- مدرسه علمیه امیرالمؤمنین (شهرستان صحنه)
- مدرسه علمیه امام محمد غزالی (شهرستان پاوه)
- مدرسه علمیه باقر العلوم (سرپل ذهاب) و (30)....

#### بزرگان و مشاهیر

- آقا اسدالله امام جمعه آل آقا (متوفی ۱۳۲۴ه.ق.)، از علما بزرگوار منطقه کرمانشاه.  
- حاج شیخ هادی جلیلی (متوفی ۱۳۲۷ شمسی).  
- ابن السنی دینوری، مؤلف الایجاز فی الحدیث، کتاب القناعه، عمل الیوم و اللیلة. (متوفی 364ه.ق.)

- حاج آقا محمدمهدی فیض مهدوی (متوفی ۱۳۴۶ه.ق.).  
- ملاعبده الله مفتی، مؤلف رساله اثبات واجب، رساله در علم کلام و... (متوفی ۱۳۴۲ه.ق.).

- آیه‌الله اشرفی اصفهانی (شهید محراب، تاریخ شهادت ۱۳۶۱ شمسی)  
- سردار کابلی (صاحب ترجمه انجیل برنابا، رساله در معرفت قبله).  
- ابوحنیفه دینوری (صاحب کتاب معروف اخبار الطوال)  
- میرزا احمد الهامی (شاعر و مرثیه سرای اهل بیت علیهم السلام)  
- استاد رشید یاسمی. (متوفی ۱۳۳۰ شمسی)  
- میرزا رضا کلهر (خطاط عهد قاجار، متوفی 1310 شمسی)  
- شهرام ناظری (خواننده مشهور کشور)  
- حاج نعمت الله جیحون آبادی (از سران اهل حق، متوفی ۱۳۹۲ه.ق.).  
- میرزا عبدالقادر پاوه‌ای (متولد ۱۲۶۶ه.ق.)، از شعرای بنام منطقه که در شعر قادر تخلص می‌کرد.

و....

#### فصل دوم: اوضاع سیاسی

##### حوادث دوره مشروطیت

در جریان انقلاب مشروطیت این ایالت مرکز درگیری خونین و قتل و غارت‌هایی شد که در سایر نقاط ایران نظیر آن دیده نشده بود.  
به دنبال قتل و غارت شدید در مرکز استان، مشروطه‌طلبان در کنسول‌خانه انگلیس و تلگراف‌خانه اجتماع کردند. خیابان‌های کرمانشاه به کلی از جمعیت خالی شد و افراد از ترس جان به منازل پناه برده بودند. مغازه‌ها بسته بود و هزاران مرد مسلح از دو طرف



به همدیگر تیراندازی می‌کردند.

حاج آقا محمدمهدی از علمای روشنفکر و آزادیخواه، و نویسندگان و شاعران وطن دوستی چون سید عبدالکریم غیرت کرمانشاهی و میرزا علیجان وزیری با سخنرانی و انتشار جراید و نوشتن مقاله، مردم را به مشروطیت فرا می‌خواندند. در مقابل عده‌ای نیز به طرفداری حکومت با مشروطه‌خواهان مخالفت می‌کردند. افرادی چون رئیس العلماء از این دسته بود و عده‌ای از خوانین و امرای کرمانشاهان به طرفداری از محمدعلی شاه با او همکاری می‌کردند (31).

### جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول و تجاوز روسیه به ایران، عده‌ای از آزادی‌خواهان و ملیون به اعتراض، از تهران مهاجرت و در بروجرد به نظام‌السلطنه والی لرستان و خوزستان ملحق شدند.

نظام السلطنه و همراهان به سوی کرمانشاه حرکت کردند و در صحنه مستقر شدند. مهاجران دسته دسته در میان برف و سرمای شدید به استان کرمانشاهان وارد می‌شدند و پیش از ورود به کرمانشاه در صحنه با رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه، فرمانده کل و سرپرست قوای ملی ملاقات می‌کردند و درباره اوضاع عمومی منطقه و جریان جنگ و نقشه‌های آینده اطلاعاتی دریافت می‌داشتند (32).

### واقعه کشف حجاب

همزمان با بازگشت رضاشاه از ترکیه، در سال ۱۳۱۴ شمسی دستور متحدالشکل کردن لباسها و کشف حجاب زنان صادر شد. استان کرمانشاه نیز از این قانون مستثنی نماند ولی مقاومت مردمی در آن استان مانع از اجرای برنامه آنان شد و این قانون با شکست مواجه شد (33).

### جنگ جهانی دوم

حادثه شهریور سال ۱۳۲۰ شمسی که در شعله‌های جنگ جهانی دوم برای ملت ایران پیش آمد يك واقعه شوم و فراموش نشدنی است. در این استان به دلیل مجاورت و هم مرزی با دولت دست نشانده عراق، خاطره آن بسی دردناک‌تر بود. ناامنی، قحطی و مهم‌تر از همه سیر تصاعدی هزینه زندگی و تورم اقتصادی اهالی این منطقه را بیش از سایر نقاط دیگر به ستوه آورده بود. سرانجام در سحرگاه روز یازدهم اسفند ۱۳۲۴ مطابق با ۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۵ ه.ق قوای انگلستان از طریق قصرشیرین از استان کرمانشاه خارج شدند.

### قیام سی تیر

به دنبال جریانات نهضت ملی نفت و استعفای دکتر مصدق، هیجان عمومی در اکثر شهرها به وجود آمد. در شهرستان کرمانشاه نیز، مردم بازارها را بستند و در اداره پست و تلگراف و تلفن متحصن شدند و خواستار بازگشت دکتر مصدق شدند. این قیام و تعطیل عمومی تا روز دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ه.ش در مرکز استان بدون خونریزی ادامه داشت.

### حوادث دوران انقلاب اسلامی

با فرا رسیدن سال ۱۳۵۷، طلیعه آزادی بر آسمان مبارزات درخشیدن گرفت. استان کرمانشاه با داشتن استعداد ذاتی و روح پرخاشگری مردم علیه ظلم و ستم، زمینه‌های حرکت و مبارزه علیه رژیم به سرعت فراهم گردید. اولین اعتصاب و تظاهرات در مرکز استان در تاریخ پانزدهم مهرماه ۱۳۵۷ توسط کارکنان پست و دانش‌آموزان دانشجویان صورت گرفت. پس از درگیری خونین مأمورین با مردم استان، تظاهرات در استان به صورت پراکنده و در دستجات کوچک ادامه داشت. تمامی مغازه‌ها و بازار و مدارس مرکز استان و شهرستانهای آن به عنوان اعتراض بسته بود.

با حملات مأمورین ساواک، شهربانی و ژاندارمری و جمعی فریب خورده چماقدار به جمع تظاهرات مردمی و آتش زدن مساجد و اماکن و کتک‌کاری رهبران دینی، تلگرافهایی از سوی مردم استان به قم مخابره شد و علما عظام از جمله مرحوم آیه‌الله نجفی مرعشی حمایت خود را از مردم بپاخواسته کرمانشاه اعلام کردند. در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با خبر سقوط رژیم شاهنشاهی همگان به خیابانها ریختند و به شادی پرداختند. عوامل حکومت نظامی از ترس مخفی شدند و سربازان لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه با همراه داشتن عکسهایی از امام خمینی وارد شهر شدند و ضمن شرکت در راهپیمایی، پیروزی انقلاب را به مردم تبریک گفتند (34).

### حوادث جنگ تحمیلی

همزمان با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور 1359 ه.ش، شهرهای مهم و مرزی این استان همچون قصرشیرین، نفت شهر، سومار و خسروی را به اشغال خود درآوردند و شهرهای اسلام آباد و گیلان غرب نیز آماج گلوله‌های توپخانه آنان قرار گرفت.

در این جنگ ناخواسته مردم رشید و دلاور استان کرمانشاهان و همچنین سازمان‌ها و نهادهای این منطقه برای دفاع از سرزمین اجدادی خود در برابر دشمن مزدور بعثی مردانه جنگیدند و با حمایت نیروهای دلیر ارتش، سپاه، بسیج در عملیات‌های مسلم بن عقیل، ظفرها، مرخیل - گزیل، سرپل ذهاب، شمال سومار، کربلای شش، کربلای نه و ... شرکت کردند.

گذشته از این، در طول هشت سال جنگ تحمیلی شهرها و روستاهای استان به کرات مورد حمله وحشیانه هوایی و موشکی قرار گرفت و هزاران نفر را به خاک و خون کشید و میلیاردها ریال به شهرها و روستاها و اهالی این استان خسارت وارد شد. مردم مظلوم و محروم این استان، ضمن تحمل این حملات ناجوانمردانه، شهدای بسیاری تقدیم میهن اسلامی خود کردند. یاد شهدای این استان گرامی باد (35).

### پی‌نوشت‌ها

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، آمارنامه استان کرمانشاه، سال ۱۳۷۵، ص ۳.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان کرمانشاه. ص پانزده.
- 3- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۱۰ - ۹.
- 4- ایرج افشار سیستانی، کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، ج ۲، ص ۱۴۳۹.
- 5- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۲۰۲-۲۰۱، و ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۱۲۴۵.
- 6- مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، نگاهی اجمالی به موقعیت و امکانات فرهنگی، اجتماعی استان کرمانشاه، ص ۴۱ - ۴۵.
- 7- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.
- 8- ایرج افشار سیستانی، همان، جلد اول، ص ۲۳۴ - ۲۵۰ (با تلخیص).
- 9- همان، ص ۴۲۱ - ۲۳۴ (با تلخیص).
- 10- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 11- همان، ص بیست و شش و ۶۶.
- 12- ایرج افشار سیستانی، همان، جلد اول. ص ۷۶۶ - ۷۷۲ (با تلخیص).
- 13- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار و ۳۲.
- 14- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۱۲۶ - ۱۳۳.
- 15- همان، ص ۳۲۲.
- 16- ایرج افشار سیستانی، همان، جلد دوم. ص ۸۱۳-۸۰۱.

- 17 سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۳۲۲.
- 18 مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، همان، ص ۲۷ - ۳۷.
- 19 سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، همان، ص ۱۴۴.
- 20 محمود افندی بایزیدی، آداب و رسوم کردان. ص ۱۷۷-۱۷۲.
- 21 موسی پرنیان، فرهنگ عامه کرد (کرمانشاه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۷۰-۱۷۲.
- 22 همان، ص ۱۷۲.
- 23 همان، ص ۱۷۴-۱۷۵.
- 24 ایرج افشار سیستانی، کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، ج ۲، ص ۱۳۸۶-۱۳۸۷.
- 25 موسی پرنیان، همان، ص ۱۳۶.
- 26 همان، ص ۷۸.
- 27 ایرج افشار سیستانی، همان، جلد دوم. ص ۱۳۳۶-۱۳۲۹.
- 28 مرکز آمار ایران، همان، ص ۵.
- 29 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱.
- 30 مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 31 ایرج افشار سیستانی، همان، جلد دوم. ص ۸۸۵-۸۶۷.
- 32 همان، ص ۸۹۸-۸۹۲.
- 33 مرتضی جعفری، صغری اسماعیلزاده و معصومه فرشچی، واقعه کشف حجاب، ص ۲۲۸، ۲۵۲، ۴۲۰.
- 34 بهرا ولدبگی، تاریخ سیاسی اجتماعی پاره و اورامانات. ص ۲۲ - ۸۹) با تلخیص.
- 35 ایرج افشار سیستانی، همان، ج ۲، ص ۹۵۶-۹۴۷.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان خراسان با مساحتی معادل ۳۰۲۷۶۶ کیلومتر مربع در شمال شرقی کشور، بین ۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد. شهر مشهد مرکز استان خراسان با مساحتی حدود ۸/۱۵ کیلومتر مربع در شمال این استان قرار گرفته است (۱).

این استان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۲۳ شهرستان، ۷۴ بخش، ۵۴ شهر، ۲۲۴ دهستان و ۷۹۹۶ آبادی دارای سکنه بوده است (۲).

#### ویژگیهای طبیعی

استان خراسان با وسعت زیاد خود ناهمواریهای فراوانی دارد که از لحاظ شکل شناسی و

زمین شناختی واجد اهمیت خاصی می‌باشد. این ناهمواریها به سه دسته از جمله: کوههای شمالی، کوههای مرکزی و کوههای جنوبی تقسیم می‌شود که این ناهمواریها باعث به وجود آمدن آب و هوای متفاوت در این استان گردیده است. به طور کلی تقسیمات آب و هوایی خراسان به شرح زیر است: آب و هوای سرد کوهستانی: عمدتاً در نواحی بلند استان، خاصه در ارتفاعات آلاداغ - بینالود وجود دارد.

آب و هوای معتدل کوهستانی: این نوع آب و هوا را بیشتر در مناطق بجنورد، قوچان، شیروان، نواحی جنوب بینالود، ارتفاعات کپهداغ، هزارمسجد و قسمتی از مشهد می‌توان دید.

آب و هوای نیمه‌بیابانی ملایم (کوهپایه‌ای): عمدتاً در کوهپایه‌های استان دیده می‌شود و مهمترین ویژگی آن تغییرات درجه حرارت است. در حقیقت این نوع آب و هوا، وجه تمایز آب و هوای شمالی و جنوبی استان است. از شهرهای استان به قاینات می‌توان اشاره کرد که در قلمرو این نوع آب و هواست.

آب و هوای گرم و خشک بیابانی: قلمرو این نوع آب و هوا، نواحی جنوبی استان است و حدود ۵۰ درصد از مساحت استان را زیر پوشش دارد. آب و هوایی است اساساً گرم و خشک با ویژگیهای خاص این استان، این آب و هوا به دو نوع بیابانی داخلی، و شرقی - جنوبی تقسیم می‌شود که هر یک قلمرو خاصی دارند (3).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

محصولات کشاورزی خراسان از جنبه‌های مختلف (ارزش غذایی، اشتغال‌زایی، ارزش ناخالص ملی و انطباق آنها با شرایط اقلیمی) حائز اهمیت می‌باشد.

کشت غلات از مهمترین محصولات کشاورزی خراسان به شمار می‌رود. در سال 1375 میزان تولید گندم و جو در این استان ۱۷۳۶۱۵۰ تن بوده است که از نظر تولید در بین استانهای کشور مقام اول را دارا می‌باشد. همچنین ۶۵٪ زعفران کشور در این خطه تولید می‌شود و مهمترین مناطق کشت آن، قائنات، گناباد و فردوس است (4).

این استان از نظر تولید انواع میوه در سطح کشور از موقعیت خوبی برخوردار می‌باشد. تولید فراوان انواع میوه‌ها، سبب گردیده تا این استان از نظر صنایع غذایی مقام اول را به خود اختصاص دهد (5).

استان خراسان از لحاظ پرورش دام یکی از مهمترین مناطق در ایران محسوب می‌شود. پرورش دام به اشکال مختلف از جمله: کوچ‌نشینی، رمه گردانی، روستایی و تلفیق زراعت و دامداری و دامپروری صنعتی در این استان مشاهده می‌شود. از عمده‌ترین دامهایی که در استان پرورش داده می‌شود: گوسفند، بره، بز، بزغاله، گاو، گوساله، شتر و بچه‌شتر می‌باشد (6).

#### صنایع و معادن

استان خراسان به دلیل تنوع محصولات کشاورزی، وجود معادن غنی و نیروی انسانی متخصص، زمینه بسیار مساعدی برای توسعه و گسترش فعالیتهای صنعتی دارد. صنایع را می‌توان بر حسب مقدار مصرف مواد اولیه و کیفیت تولید به دو دسته عمده «صنایع سنگین» و «صنایع سبک» تقسیم نمود. انواع فعالیت‌های صنعتی در این استان عبارتند از: صنایع غذایی، صنایع نساجی، برق و الکترونیک، شیمیایی و دارویی، چوب و سلولزی، کانی غیرفلزی، صنایع فلزی (7).

این استان به دلیل موقعیت خاص مکانی خود، موقعیت مناسبی از نظر ظرفیت و تنوع ذخایر معدنی دارد که این منابع عبارتند از: منابع عظیم نفت و گاز شمال استان، ذخایر زغال‌سنگ، مس، روی، آهن، منگنز، خاک نسوز، منیزیت، گل سفید، سنگهای ساختمانی و گچ (8).

فعالیت‌های خدماتی (برق، گاز، پست، تلفن، بهداشت و درمان، بازرگانی، راه‌های ارتباطی و حمل و نقل) در کنار دویخس دیگر اقتصادی (کشاورزی و صنعت) سبب توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی این استان گردیده است. در حال حاضر بیشترین میزان اشتغال را بخش خدمات با ۳۱/۳۸ درصد در این استان به خود اختصاص داده است (9).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

خراسان در ابتدا «خورآسان» بوده است. خور که مخفف و به معنی خورشید است و آسان که در اینجا به معنی آمدن و ظاهر شدن می‌باشد. چون این ولایت شرقی‌ترین ایالت ایران است و طلوع خورشید را زودتر از سایر نقاط می‌بیند، چنین نامی را به خود گرفته است (10).

#### پیشینه تاریخی

از گذشته‌های دور خراسان یکی از ارکان کشور ایران به شمار می‌رفته است. این خطه در دوره پادشاهی ساسانیان یکی از استانهای مهم ایران شهر بوده است. دانشمندان اسلامی، سرزمین ایران (ایران شهر) را از نظر تقسیمات سیاسی و بخشهای طبیعی به هشت اقلیم (استان) تقسیم کرده‌اند که خراسان بزرگتر، پرجمعیت‌تر و آبادتر از هفت اقلیم دیگر بوده است و به همین خاطر وقتی اعراب پا به خاک ایران نهادند نظر به سوی خراسان دوختند. تسخیر تمامی سرزمین پهناور خراسان در عهد خلفاء راشدین صورت گرفت و پس از خلفاء راشدین خلفای بنی‌امیه بر آن دیار تسلط پیدا کرده و بر آنجا حکومت می‌کردند.

در سال ۱۲۹ هجری ابومسلم خراسانی از شهر مرو قیام کرد و دولت بنی‌امیه را برانداخت و تمام خراسان را به تصرف خویش درآورد (11). از این زمان به بعد به ترتیب طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر این دیار حکومت کردند. دوران حکمرانی طاهریان بر خراسان بیشتر از نیم سده به طول انجامید و سرانجام یعقوب لیث صفاری با تصرف شهر نیشابور در سال ۲۵۹ هجری به فرمانروایی آنان پایان داد. سلطه صفاریان بر خراسان نیز زودگذر بود، زیرا قلمرو آنان به دست اسماعیل سامانی افتاد.

دوران حکومت صدوسی‌ساله سامانیان یکی از درخشان‌ترین فصلهای تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. بعد از سامانیان این سرزمین پهناور به دست غزنویان افتاد و خراسان به دو بخش تقسیم شد یک بخش در دست غزنویان و قسمتی دیگر از آن سلجوقیان گردید. قلمرو پادشاهان سلجوقی پس از صدویست و سه سال، به دست خوارزمشاهیان افتاد و بساط حکومت خوارزمشاهیان هم پس از یک سده و نیم بدست لشکریان مغول برچیده شد و خراسانی که بیش از ششصدسال از امنیتی نسبی برخوردار بود به یکباره لگدکوب سم ستوران چنگیزخان گردید. بعد از مغولها، تیموریان، ازبکان، صفویان، افغانه، افشاریه و قاجاریه بر این سرزمین و یا قسمتی از آن حکومت کردند.

در سال ۱۲۱۰ هجری ولایت خراسان به وسیله آقامحمدخان قاجار فتح گردید و حکومت قاجاریه در این منطقه استقرار یافت. پس از مرگ آقامحمدخان در سال ۱۲۱۱ هجری، فتحعلی شاه به حکومت رسید. در زمان وی حدود خراسان از طرف شمال شرقی و مشرق به جیحون و سرزمین بلخ، از سمت جنوب به کابل و سیستان و از سمت مغرب به استرآباد محدود می‌شد (12).

#### آثار و بناهای تاریخی

مهمترین آثار و بناهای تاریخی استان خراسان عبارتند از: آستان قدس رضوی (مشهد) - مسجد گوهرشاد (مشهد) - آرامگاه فردوسی (مشهد) - قصر خورشید (مشهد) - خرابه‌های شهر بلقیس (اسفراين) - آینه خانه مفتح (بجنورد) - مسجد جامع (بیرجند) - ارگ بیرجند - برج کرات (تایباد) - مزار و خانقاه شیخ‌الاسلام (تربت

جام - (مسجد و مزار قطب‌الدین حیدر (تربت حیدریه) - میل رادکان (چناران) - مسجد گنبد (خواف) - مقبره شهرستانی (درگز) - مسجد جامع سبزوار - منار خسروگرد (سبزوار) - مقبره بابالقمان (سرخس) - بقعه امامزاده حمزه رضا (شیروان) - بقعه امامزاده حسین بن موسی (طیس) - مسجد جامع (فردوس) - میل ایاز (فریمان) - مسجد جامع (قاین) - آستانه شهرکهنه (قوچان) - مناره فیروزآباد (کاشمر) - برج علی‌آباد (کاشمر) - مسجد جامع (گناباد) - قلعه نهبدان - بارگاه امامزاده محمدمحروق (نیشابور) مسجد جامع (نیشابور) - بقعه قدمگاه (نیشابور) (13).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگیهای جمعیتی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت استان خراسان ۶۰۴۷۶۶۱ نفر بوده است که از این تعداد ۳۰۳۲۷۰۱ نفر مرد و ۳۰۱۴۹۶۰ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۳۴۲۱۹۳۷ نفر در نقاط شهری و ۲۶۲۲۱۳۴ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند (14).

جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان خراسان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	6047661	3032701	3014960	1283206
ساکن در نقاط شهری	3421937	1737703	1684234	735886
ساکن در نقاط روستایی	2622134	1293206	1328928	546767
غیرساکن	3590	1792	1798	654
شهرستان اسفراین	118581	58978	59603	24809
ساکن در نقاط شهری	41062	21199	19863	8785
ساکن در نقاط روستایی	77272	37657	39615	15977
غیرساکن	247	122	125	47
شهرستان بجنورد	415321	209071	206250	83782
ساکن در نقاط شهری	172415	87954	84461	36233
ساکن در نقاط روستایی	242271	120803	121468	47432
غیرساکن	635	314	321	117
شهرستان برداسکن	64065	31415	32650	13761
ساکن در نقاط شهری	17365	8904	8461	3653
ساکن در نقاط روستایی	46700	22511	24189	10108
غیرساکن	0	0	0	0
شهرستان بیرجند	276813	142134	134679	61178
ساکن در نقاط شهری	131727	69975	61752	27446
ساکن در نقاط روستایی	144858	72056	72802	33696
غیرساکن	228	103	125	36
شهرستان تایباد	127679	64141	63538	23958
ساکن در نقاط شهری	45679	23241	22438	8569
ساکن در نقاط روستایی	82000	40900	41100	15389

0	0	0	0	غیرساکن
39130	105153	105196	210349	شهرستان تربت جام
13752	36036	38238	74274	ساکن در نقاط شهری
25364	69065	66914	135979	ساکن در نقاط روستایی
14	52	44	96	غیرساکن
71273	170172	169068	339240	شهرستان تربت حیدریه
26243	59521	60129	119650	ساکن در نقاط شهری
45019	110617	108907	219564	ساکن در نقاط روستایی
11	34	32	66	غیرساکن
21247	54041	53229	107270	شهرستان چناران
6252	16235	15829	32064	ساکن در نقاط شهری
14907	37541	37143	74684	ساکن در نقاط روستایی
88	265	257	522	غیرساکن
17733	46244	45914	92158	شهرستان خواف
4620	11679	12235	23914	ساکن در نقاط شهری
13113	34565	33679	68244	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیرساکن
17635	39810	38804	78614	شهرستان درگز
9094	19645	19401	39046	ساکن در نقاط شهری
8541	20165	19403	39568	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیرساکن
93903	212494	207049	419543	شهرستان سبزوار
41917	91371	94676	186047	ساکن در نقاط شهری
51892	120883	112119	233002	ساکن در نقاط روستایی
94	240	254	494	غیرساکن
13860	36841	36763	73604	شهرستان سرخس
5553	14135	14412	28547	ساکن در نقاط شهری
8307	22706	22351	45057	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیرساکن
29024	71800	70631	142431	شهرستان شیروان
14341	34836	35192	70028	ساکن در نقاط شهری
14671	36936	35410	72346	ساکن در نقاط روستایی
12	28	29	57	غیرساکن
12376	29450	30182	59632	شهرستان طبس
5248	12628	13094	25722	ساکن در نقاط شهری
7128	16822	17088	33910	ساکن در نقاط روستایی



0	0	0	0	غیر ساکن
20462	44230	42395	86625	شهرستان فردوس
10792	23920	24005	47925	ساکن در نقاط شهری
9670	20310	18390	38700	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
15262	38494	39061	77555	شهرستان فریمان
5524	13289	13677	26966	ساکن در نقاط شهری
9738	25205	25384	50589	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
28459	64556	62395	126951	شهرستان قاینات
6531	14254	15514	29768	ساکن در نقاط شهری
21928	50302	46881	97183	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
48624	118949	117926	236875	شهرستان قوچان
20154	48096	48343	96439	ساکن در نقاط شهری
28450	70810	69527	140337	ساکن در نقاط روستایی
20	43	56	99	غیر ساکن
40728	94290	92475	186765	شهرستان کاشمر
16599	38302	38810	77112	ساکن در نقاط شهری
24121	55971	53643	109614	ساکن در نقاط روستایی
8	17	22	39	غیر ساکن
25135	52035	51590	103625	شهرستان گناباد
11974	23952	25338	49290	ساکن در نقاط شهری
13161	28083	26252	54335	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
482968	1110364	1137632	2247996	شهرستان مشهد
412953	940246	967837	1908083	ساکن در نقاط شهری
69978	170031	169697	339728	ساکن در نقاط روستایی
37	87	98	185	غیر ساکن
9031	21367	21698	43065	شهرستان نهبندان
1911	4588	5095	9683	ساکن در نقاط شهری
7050	16610	16417	33027	ساکن در نقاط روستایی
70	169	186	355	غیر ساکن
88868	207950	204954	412904	شهرستان نیشابور
37642	84526	84605	169131	ساکن در نقاط شهری
51126	123132	120074	243206	ساکن در نقاط روستایی

غیر ساکن	567	275	292	100
----------	-----	-----	-----	-----

مأخذ: آمارنامه استان خراسان ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه استان، ص ۲۷.

### وضع فعالیت

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ساله و بیشتر استان خراسان ۴۴۷۲۸۰۴ نفر بوده است که از این تعداد ۱۶۶۰۳۱۰ نفر جمعیت فعال و ۲۷۵۱۷۲۱ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند. از جمعیت فعال این استان ۱۳۸۹۶۴۲ نفر را مردان و ۲۷۰۶۶۸ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. از جمعیت شاغل، ۴۵۷۳۱۸ نفر در بخش کشاورزی، ۴۷۰۰۰۳ نفر در بخش صنعت، ۵۹۲۰۵۴ نفر در بخش خدمات و ۲۵۹۶۸ نفر نامشخص بوده است (15).

### زبان و نژاد

مورخین عقیده دارند مردم خراسان از نژاد پارتها هستند. در مورد نژاد پارتها مدت‌ها بین مورخین اختلاف نظر وجود داشت به طوری که عده‌ای از مورخین مردم خراسان را از نژاد آریا و عده‌ای از نژاد مغولی و چینی (گرائیت ایلی) و بعضی هم از اختلاط هر دو نژاد می‌دانستند. اما پس از مطالعات دقیق معلوم گردید نژاد مردم خراسان فعلی آریایی است. در رابطه با قومها و قبیله‌های موجود در خراسان می‌توان به این نتیجه رسید که تقریباً از تمامی گروه‌های قومی موجود در ایران، در این استان وجود دارد (16). در این منطقه به علت سکونت اقوام مختلف مردم به زبانها و گویش‌های متفاوتی تکلم می‌کنند. بیشتر مردم این استان به زبان فارسی با گویش‌های محلی از جمله: مشهدی، نیشابوری، تربت‌حیدری، بلوچی، سیستانی و... سخن می‌گویند (17).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۵۲۱۰۷۵۵ نفر جمعیت ۶ساله و بیشتر استان خراسان، ۴۲۱۶۰۳۱ نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۲۲۱۳۴۰۳ نفر مرد و ۲۰۰۲۶۲۸ نفر زن بوده‌اند. از تعداد کل باسوادان، ۲۶۴۴۴۳۳ نفر در نقاط شهری و ۱۵۷۰۸۲۷ نفر در نقاط روستایی و ۷۷۱ نفر نیز غیر ساکن بوده‌اند. در این استان نسبت باسوادی در بین مردان ۲/۸۵ درصد و در بین زنان ۸۱/۷۶ درصد بوده است (18). استان خراسان در سال تحصیلی ۷۶ 1375 - مجموعاً دارای ۱۸۴۰۱۸۱ نفر دانش‌آموز بوده که این تعداد در ۴۲۴۶ آموزشگاه در مقاطع مختلف آموزشی به تحصیل اشتغال داشته‌اند (19).

لازم به ذکر است که در این استان مراکز دانشگاهی بسیاری وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود: دانشجویان دانشگاه‌های خراسان به تفکیک جنس و محل تحصیل (۷۶ - ۷۵)

دانشگاه	جمع کل	دانشجوی مرد	دانشجوی زن
دانشگاه فردوسی	13741	8816	4925
دانشگاه علوم پزشکی	6108	3083	3025
دانشگاه پیام نور	12308	6545	5763
دانشگاه آزاد	35465	19555	15910
دانشگاه تربیت معلم سبزوار	1620	820	800
مرکز آموزش خیام	334	210	124
مؤسسه آموزش عالی دانش پژوه ابن سینا	435	124	311
مؤسسه بانکداری ایران	104	103	1

125	918	1043	مرکز آموزش مدیریت دولتی
14	85	99	مرکز آموزش مدیریت صنعتی

مأخذ: آمارنامه استان خراسان، 1375.

امکانات فرهنگی - تفریحی:

کتابخانه

استان خراسان در سال ۱۳۷۵ دارای ۹۵ کتابخانه با 1769228 جلد کتاب چاپی و خطی و ۲۱۴۷۱۹ نفر عضو بوده است (20).

مطبوعات

مطبوعات به عنوان یکی از مهمترین وسایل ارتباط جمعی تأثیرگذار در ایران و از جمله خراسان بوده است. در سال ۱۳۷۵، تعداد مطبوعات منتشر شده در این استان ۳۵ نشریه بوده است که شامل: روزنامه، هفته‌نامه، دو هفته‌نامه، ماهنامه، دو ماهنامه، فصلنامه، دوفصلنامه و مجله می‌باشد (21).

سینما

در سال ۱۳۷۵، استان خراسان دارای ۳۰ سالن نمایش فیلم با گنجایش ۱۳۹۷۵ نفر بوده است (22).

پارک:

در سال ۱۳۷۰، ۱۱۹ پارک عمومی و جنگلی در این استان وجود داشته است (23).

اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۵، استان خراسان دارای ۲۹۰ مکان ورزشی به شرح زیر بوده است: ۳۰ پیست دو و میدانی، ۱۴۳ زمین فوتبال، ۳۷ زمین والیبال، ۳۳ زمین بسکتبال، ۲۲ زمین هندبال، ۷ زمین تنیس، یک زمین سوارکاری و ۱۷ استخر شنا (24).

فصل سوم: آداب و رسوم

آداب ویژه ماه رمضان

آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است و از آنجا که این آداب و رسوم ریشه دینی دارد مورد توجه همگان می‌باشد. در ماه رمضان مردم یک‌پارچه برای انجام تکالیف شرعی آماده می‌شوند و در جهت به‌جا آوردن این وظایف هر جمعیت و هر گروهی با آداب و تشریفات خاص خود مراسم رمضان را برگزار می‌کنند.

در خراسان نیز چند روز قبل از ماه رمضان مردم به نظافت و پاک‌سازی خانه‌ها و مساجد و حسینیه‌ها می‌پردازند. همچنین مردم مایحتاج ماه مبارک رمضان را قبل از فرا رسیدن این ماه تهیه می‌کنند.

یکی از رسوم پسندیده در ماه مبارک رمضان آشتی و ایجاد الفت بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی به دل دارند. عقیده بر این است که اگر کسی روزه بگیرد در حالی که از بستگان یا برادر دینی خود کدورتی به دل داشته باشد روزه‌اش مورد قبول درگاه خداوند نیست.

در اکثر نقاط ایران روز آخر ماه شعبان را روز «کلوخ اندازان» می‌گویند. در این روز ضمن اینکه مردم دور هم جمع می‌شوند و به شادی و شادمانی می‌پردازند خود را برای ماه رمضان آماده می‌کنند. در مشهد نیز مردم روز کلوخ اندازان به بیرون از شهر می‌روند و آن روز را به شادی سپری می‌کنند.

قابل توجه اینکه عده‌ای از مردم یک روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان، روزه پیشوازی می‌گیرند.

در گذشته مردم ماه مبارک رمضان را با رؤیت هلال ماه آغاز می‌کردند به این صورت که مردم غروب روز آخر ماه شعبان به بالای مناره‌ها، گلدسته‌ها و پشت بامها می‌رفتند و بانگاه دقیق در آسمان به جستجوی ماه می‌پرداختند و در صورت مشاهده ماه اعمال

مخصوص ماه رمضان را بهجا می‌آوردند. در مشهد عقیده دارند وقتی هلال ماه رمضان را دیدند باید به شمشیر نگاه کنند. اگر شمشیر نباشد به سبزه، گل، آب یا به چراغ نگاه می‌کنند.

نحوه بجا آوردن اعمال سحر و خوردن سحری در شهرها و روستاهای مختلف تفاوت‌هایی دارد. اما آنچه بیشتر معمول است به این صورت است که ساعتی به سحر مانده اهل خانه بیدار می‌شوند و وضو می‌گیرند و مشغول خواندن دعای سحر و قرآن می‌شوند. بعد از ختم دعا و قرآن نیت می‌کنند و خوردن سحری را آغاز می‌کنند. بعد از کسب و کار روزانه، روزه‌داران برای ادای نماز مغرب و عشا یا به مسجد می‌روند و یا در خانه نماز بهجا می‌آورند و نزد خانواده خویش افطار می‌کنند. غذاهای افطار اغلب ساده و سبک است و روزه‌داران از خوردن غذاهای سنگین پرهیز می‌کنند. یکی از رسوم پسندیده در ماه مبارک رمضان افطاری دادن می‌باشد و آنهایی که استطاعت مالی دارند چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. در ماه مبارک رمضان در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود و مردها و زنها جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند. شبهای ماه رمضان واقعاً شبهای عبادت، ستایش و نیایش است. انسان احساس می‌کند که جز توسل به درگاه الهی و ستایش ذات پروردگار راه دیگری ندارد و آن علاقه و کشش قلبی و عواطف انسانی و روحانی ایجاب می‌کند که انسان به سوی مجالس مذهبی و زیارت حضرت رضا(ع) و استفاده از مجالس و محافل مذهبی رهسپار شود و از برکات و فضائل و روحانیت این مجالس بهره‌مند شود. در این مجالس که یک ساعت بعد از افطار تا نیمه شب برگزار می‌شود ابتداء دو ساعت مراسم تلاوت قرآن مجید و تفسیر آن است و سپس مراسم روضه‌خوانی، و عظ و خطبه توسط و عاظ درباره زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام و سایر مسائل مذهبی برگزار می‌شود و از مستمعین و حضار و مدعوین با چای، میوه، زولبیا و بامیه پذیرایی می‌شود. حدود نیمه‌شب مجلس تمام می‌شود(25).

ایام شهادت حضرت علی(ع) مصادف با روزهای نوزدهم، بیستم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان است. در این ایام مسلمانان و دوستداران مولای متقیان در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌روند و همه جا یک‌پارچه سیاهپوش می‌شود. کسب و کار و بازار یکسره تعطیل، و تعزیه و عزاداری در همه جا برپا می‌گردد. این ایام که با شبهای قدر مصادف است، شیعیان شب هنگام تا سحر به دعا و نیایش پروردگار مشغول می‌باشند. در مشهد روزهای نوزدهم و بیست و یکم هیئتهای مذهبی در حال سینه زدن و زنجیر زدن به حرم مطهر حضرت رضا(ع) مشرف می‌شوند و پس از عزاداری در حرم به حسینیه‌ها و تکیه‌های خود برمی‌گردند. در دیگر شهرهای استان خراسان نیز دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی در خیابان‌ها راه افتاده و به عزاداری می‌پردازند. شبهای احیا شیعیان تا سحر به عبادت و خواندن قرآن و دعا مشغول می‌شوند. بسیاری از مردم در مساجد و برخی هم در خانه اعمال و مراسم احیا را بهجا می‌آورند. روز بیست و هفتم ماه رمضان که مصادف با کشته شدن ابن‌ملجم می‌باشد، مردم جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند. در این شب بازار انواع خوراکی‌ها از جمله کله‌پاچه رونق بسیار دارد.

عید فطر

عید فطر یکی از دو عید بزرگ اسلامی است که در روز اول ماه شوال برگزار می‌شود. مسلمانان پس از یک ماه روزه و عبادت چشم به راه این روز بزرگ می‌باشند و این روز را جشن می‌گیرند. صبح عید فطر در همه شهرها و روستاهای ایران و از جمله خراسان نماز عید فطر با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. گرچه نماز عید فطر واجب نیست اما تمام مسلمانان شرکت در نماز عید فطر را ضروری می‌دانند و در آن شرکت می‌کنند.

لازم به ذکر است که بعضی از مردم که موفق نشده‌اند فطریه‌های خود را به کسی بدهند این فطریه را قبل از نماز، به امام جماعت محل می‌دهند تا او بین فقرا تقسیم کند و یا به مراجع ذی صلاح تحویل دهد (26).

#### عزاداری ماه محرم

عزاداری ماه محرم از گذشته‌های دور در خراسان معمول و مرسوم بوده است. این ماه، مهم‌ترین ماه‌ها برای اجرای آداب مذهبی و یادبود شهادت سرور شهیدان، اباعبدالله الحسین (ع) می‌باشد. با نزدیک شدن ماه محرم، مردم مساجد و حسینیه‌ها را سیاهپوش می‌کنند.

در این ماه، مردم در خانه‌های خود و مساجد، مجالس روضه‌خوانی و سوگواری برپا می‌کنند و همه مردم دسته‌دسته برای استماع سخنان و عاظم به این مجالس می‌روند و پس از پایان مجلس روضه، به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. در ایام ماه محرم مردم از شهرها و روستاهای دور و نزدیک با اتوبوس و مینی‌بوس در حالی که سیاهپوش هستند به مشهد می‌روند. به خصوص در روزهای تاسوعا و عاشورا و اربعین، مردم در حال سینه‌زنی و زنجیرزنی جهت تسلیت به سوی حرم مطهر حضرت رضا (ع) رهسپار می‌شوند.

لازم به ذکر است که برخی از شهرهای استان در روزهای تاسوعا و عاشورا دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن به سوی امامزاده‌ها یا مساجد جامع می‌روند و بعد از عزاداری در آنجا برای صرف غذا به مساجد یا تکیه‌های محل خود برمی‌گردند. عصر روز عاشورا دستجات عزاداران حسینی با قلبی شکسته و پریشان به دستجاتی چند تقسیم می‌شوند و در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر در حالی که شمعی افروخته در دست دارند مراسم شام غریبان را برپا می‌کنند و در سوگ شهادت سرور شهیدان نوحه سرایی می‌کنند.

در بعضی از شهرهای این استان رسم است که دسته‌جات سینه‌زنی در شام غریبان در منازل خانواده شهدا اجتماع کرده و بعد از عزاداری در این منازل به سوی گلزار شهدای شهر رهسپار می‌شوند تا در آنجا به عزاداری بپردازند. در روز بیستم ماه صفر یعنی اربعین سالار شهیدان مجالس روضه‌خوانی برپا می‌شود و همچنین دستجات سینه‌زن در خیابان‌ها حرکت کرده به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. در روز ۲۸ ماه صفر هم‌زمان با رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) و سیط اکبرش امام حسن مجتبی (ع) نیز این مجالس برگزار می‌شود و در این روز کسانی که نذر دارند، در منزل خود، شله‌زرد می‌پزند و بین مردم تقسیم می‌کنند (27).

#### جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی

##### عید قربان

یکی از اعیاد بزرگ مذهبی ایرانیان از جمله خراسانیان عید قربان می‌باشد. در قدیم رسم بود که حجاج سال‌های پیش و یا کسانی که استطاعت داشتند در این روز حیوان قربانی را زینت می‌کردند و پس از خوراندن آب و خواندن دعای قربانی، حیوان را ذبح می‌کردند و گوشت آن را بین همسایگان و مستمندان تقسیم می‌نمودند. ولی امروزه این مراسم بدون تشریفات برگزار می‌شود.

##### عید غدیر

در این روز مردم خراسان علاوه بر جشن و سرور و تزیین معابر و خیابان‌ها، به دیدن سادات می‌روند و این عید را تبریک می‌گویند. در بعضی از شهرهای استان رسم است که سادات به عنوان تبریک سکه‌ای به میهمان می‌دهند.

##### نیمه شعبان

یکی دو روز مانده به نیمه شعبان تقریباً تمام خیابان‌ها و کوچه‌ها توسط مردم آذین بندی می‌شود و مردم در این روزها به جشن و سرور می‌پردازند و با شیرینی و شربت از

یکدیگر پذیرایی می‌کنند(28).

### عید نوروز

در خراسان همه مردم به آداب و رسوم نوروز پای بند و علاقه‌مند هستند. در این استان از چند هفته مانده به نوروز جنب و جوش خاصی در مردم پدید می‌آید، همه مردم در فکر خانه‌تکانی و تهیه لباس نو و مایحتاج شب عید می‌باشند. در روز اول عید معمولاً به دیدن بزرگ خانواده می‌روند و نوروز را تبریک می‌گویند و بزرگ خانواده نیز متناسب با مقام و موقعیت خود به هر یک از دیدار کنندگان عیدی می‌دهد. این روند ادامه می‌یابد تا روز سیزده بدر که مردم برای گشت و گذار به کوه و دشت می‌روند و این روز را در دامان طبیعت سپری می‌کنند(29).

### جشن عروسی

بعد از این که دختری انتخاب کردند، مادر داماد و چند تن از زنان فامیل به عنوان میهمانی و یا بهانه‌ای دیگر به خانه عروس می‌روند و بعد از سؤال و جواب‌های گوناگون به خانواده دختر اظهار می‌کنند که برای خواستگاری آمده‌اند. اگر خانواده عروس قبول کنند، شبی را برای بله برون انتخاب می‌کنند.

شب «بله برون» در خراسان بیشتر به شب «جواب استنی» یا شب «کفش پاکنی» معروف است. در این شب خانواده داماد حلقه‌ای برای عروس می‌خرند و این حلقه را که در حقیقت حلقه نامزدی است «کلیکی» می‌نامند. در این شب بعد از موافقت طرفین روزی را برای عقد انتخاب می‌کنند.

چند روز قبل از عروسی، جهاز عروس را به خانه داماد می‌برند. صبح روز عروسی، عروس و داماد را به طور جداگانه به آرایشگاه می‌برند و در بعد از ظهر همان روز در خانه پدر داماد مجلس جشن مفصلی به مدت چند ساعت برپا می‌شود و میهمانان بعد از صرف چای، شربت، شیرینی، میوه و شام عموماً خداحافظی کرده به خانه خود می‌روند. اما اقوام و دوستان نزدیک خانواده عروس و داماد برای بردن عروس به خانه داماد، می‌مانند و بعد از این که عروس و داماد را با ماشین‌های تزئین شده به منزلشان رسانند همگی به خانه‌های خود می‌روند و بعد از چند روز مراسم پاتختی برگزار می‌شود(30).

### باورها

در خراسان معتقدند آب نیم خورده دیگران را نباید خورد و هر کس بخورد میان او و کسی که اول آب خورده کینه و دشمنی ایجاد خواهد شد. اگر جارو به پای کسی بخورد یک چوب از آن می‌کنند تا شومی آن رفع شود. هرگاه مرغی مثل خروس بخواند، آن را شوم می‌دانند و می‌کشند. اگر کسی دیر از مسافرت بیاید، جارو را وارونه رو به قبله می‌گذارند تا زود بیاید(31).

### ضرب المثل‌ها

آدم دروغگو کم ذهن مُفَنّه. آدم دروغگو کم حافظه می‌شود.  
پری خَطِر يك گل صد خار بیبیس او بُخوره. برای خاطر يك گل صد خار باید آب بخورد.  
خررّه سرباری میگوشتّه بچه ره بارِ کِلّا. خر را سرباری می‌کُشد بچه را بارک الله.  
ماسِتّه که ترو شه از تَغارش معلوم مَرّه. ماستی که ترش است از تَغارش پیداست.  
نَمِد هر چه تو او بَمَنّه بیشتر او ورمِدِرّه. نمد هر چه بیشتر در آب بماند بیشتر آب برمی‌دارد.

کوه به کوه نِمِرَسَه آدم به آدم خَه رسی. کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم خواهد رسید(32).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، از ۶۰۴۷۶۶۱ نفر جمعیت خراسان، ۶۰۳۲۳۳۸ نفر مسلمان، ۱۵۳۷ نفر زرتشتی، ۱۰۵ نفر مسیحی، ۱۵ نفر کلیمی، ۲۷۴۱ نفر سایر ادیان و ۱۰۹۲۵ نفر اظهار نشده بوده‌اند.

از مجموع جمعیت مسلمان، ۵۴/۵۶ درصد در نقاط شهری و ۳۹/۴۳ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند (33). لازم به ذکر است که از قدیم‌الایام فرق و مذاهب متعددی در این خطه وجود داشته است و هم‌اکنون نواحی مرزی خراسان همچون نهبندان، خواف، تایباد، صالح‌آباد و نواحی ترکمن‌نشین شمال خراسان و نیز قسمتی از بیرجند اغلب افراد، سنی مذهب و بقیه مناطق خراسان، شیعه می‌باشند. هم‌اکنون فرقه‌هایی از دراویش و علی‌اللهی در بعضی از شهرستان‌های جنوبی استان ساکن هستند. از فرقه‌های اسماعیلیه نیز تعدادی در روستاهای نیشابور خصوصاً نواحی دیزباد سکونت دارند (34).

#### اماکن مذهبی:

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۷۷۱۲ باب مسجد، ۱۲ باب مصلی، ۱۱۵۸ حسینیه، ۳۴ فاطمیه، ۳۲ مهدیه، ۵۷ زینبیه و حیدریه و ۳۵۲ بقاع متبرکه امام، امامزاده و زیارتگاه می‌باشد (35).

مهمترین مساجد خراسان عبارتند از:

مسجد جامع گوهرشاد - مسجد جامع گناباد - مسجد جامع جویمند - مسجد جامع تربت حیدریه - مسجد جامع رشتخوار - مسجد جامع قدیم سنگان خواف - مسجد جامع نیشابور - مسجد جامع اسفراین - مسجد جامع سبزوار - مسجد جامع تربت جام - مسجد جامع قوچان - مسجد جامع کاخک - مسجد جامع بجنستان - مسجد جامع بیدخت - مسجد جامع کاشمر - مسجد جامع شیروان - مسجد جامع چهاردرخت بیرجند - مسجد جامع قائن - مسجدبالاسر (مشهد) - (مسجد چناران (بجنورد) مسجد امام (مشهد) - مسجد آب انبار (مشهد) - حسینیه حاجی عابدزاده (مشهد) - حسینیه قمی‌ها (مشهد) و ...

بزرگترین و باشکوهترین بقاع متبرکه در ایران آستان مقدس حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) می‌باشد که در این استان قرار دارد. سایر امامزادگان و بقاع متبرکه عبارتند از: خواجه ربیع، خواجه اباصلت، خواجه مراد (مشهد)، امامزاده محمدمحروق (نیشابور)، معصومزاده (بجنورد)، امامزاده حمزه‌بن‌موسی (شیروان)، امامزاده یحیی‌بن‌موسی‌بن‌جعفر (سبزوار)، امامزاده سیدعبدالحسین (بیرجند)، و ...

#### مدارس دینی:

تاریخ تأسیس حوزه علمیه شیعه در استان خراسان را باید در آغاز قرن دهم، یعنی اوایل دوره صفویه دانست، زیرا تا آغاز قرن دهم حاکمیت خراسان با حکام سنی مذهب بوده است. در قرن یازدهم هجری وضع حوزه تفاوت زیادی یافت به طوری که در فاصله سالهای ۱۰۵۷ تا 1091 ه.ق هفت مدرسه تأسیس و علما و مدرسان معروف در آن به تدریس مشغول شدند (36). بر اساس آخرین آمار، این استان دارای 99 باب مدرسه علمیه می‌باشد.

نام تعدادی از مدارس مهم استان عبارتند از: مدرسه علمیه حضرت ابوالفضل(ع)، مدرسه علمیه آیه‌الله خوئی، مدرسه علمیه امام محمدباقر(ع)، (مشهد)، مدرسه حبیبیه (فردوس)، مدرسه علمیه حاج سلطان‌العلماء (کاشمر)، مدرسه علمیه امام خمینی(ره) (بیرجند)، مدرسه علمیه جعفریه (قاین)، مدرسه عوضیه (قوچان)، مدرسه علمیه حاج شیخ یوسفعلی (تربت حیدریه)، مدرسه علمیه گلشن (نیشابور)، مدرسه علمیه جویمند (گناباد)، مدرسه علمیه محمدیه (سبزوار) و....

#### بزرگان و مشاهیر:

خراسان علاوه بر سابقه تاریخی، زادگاه علما، دانشمندان، عرفا، مورخین، محدثین و محققین بزرگی بوده است که برگی زرین بر افتخارات علمی و فرهنگی این مرزوبوم افزوده‌اند. در زیر به صورت فهرستوار به اسامی برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

ابوریحان بیرونی (فیلسوف قرن چهارم و پنجم هجری).  
حکیم ملا هادی سبزواری (حکیم و شاعر قرن سیزدهم هجری، صاحب کتاب منظومه).



خواجه نصیرالدین طوسی (حکیم و فیلسوف قرن ششم و هفتم هجری، صاحب کتاب تجرید الاعتقاد) و ...

- ابن حسام خوافی (شاعر قرن هفتم هجری).  
ابن یمین فریومدی (شاعر قرن هفتم هجری).  
محمد هاشم میرزا (۱۳۵۹-۱۲۹۷ه.ق.).  
ملک الشعرا بهار (شاعر و آزادی خواه عصر مشروطه، ۱۳۳۰-۱۲۶۵ه.ش.).  
ابو عبدالله رودکی (شاعر مشهور قرن سوم هجری).  
استاد ابوالقاسم فردوسی (شاعر مشهور قرن چهارم هجری).  
خیام نیشابوری (شاعر مشهور قرن پنجم و ششم هجری).  
حمید سبزواری (شاعر معاصر، متولد ۱۳۰۴ه.ش.).  
حاج میرزا حبیب شهیدی (۱۳۲۷-۱۲۶۶ه.ق.).  
شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری (شاعر و عارف قرن ششم هجری).  
فضل بن شاذان (فقیه و راوی قرن سوم هجری).  
شیخ طوسی (فقیه قرن پنجم هجری).  
شیخ طبرسی (فقیه و مفسر قرن پنجم و ششم هجری).  
امام محمد غزالی طوسی (فقیه و متکلم اهل سنت، قرن پنجم هجری).  
شیخ حر عاملی (فقیه مشهور قرن یازدهم، صاحب کتاب وسایل الشیعه).  
شیخ بهائی (فقیه مشهور قرن دهم).  
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (فقیه معاصر، صاحب کتاب کفایة الاصول، ۱۳۲۹-۱۲۵۵ه.ق.).

- آیة الله العظمی سید محمد هادی میلانی (فقیه معاصر و مرجع تقلید، ۱۳۹۶-۱۳۱۳ه.ق.).  
ابو عبدالله ابن حنبل (فقیه و متکلم اهل سنت، قرن دوم و سوم).  
ابو عبدالله ترمذی (فقیه اهل سنت، قرن سوم هجری).  
امام الحرمین جوینی (فقیه اهل سنت، قرن پنجم هجری) و ....  
ابو یعقوب ابن راهویه (محدث قرن دوم و سوم هجری).  
ابو عبدالله حافظ بخاری (محدث قرن سوم هجری).  
ابوداود سجستانی (راوی و محدث قرن سوم هجری).  
خواجه ابوالفضل بیهقی (مورخ قرن پنجم هجری).  
ابو عبدالله حاکم نیشابوری (مورخ قرن چهارم هجری).  
ابن خردادبه (تاریخ نویس قرن سوم هجری، صاحب کتاب المسالك و الممالك).

#### فقها و دانشمندان معاصر:

- آیة الله سیدیونس اردبیلی (۱۳۷۷-۱۲۹۶ه.ق.).  
علامه علی اکبر نهاوندی (۱۳۲۹-۱۲۳۸ه.ش.).  
حاج آقا حسین قمی (۱۳۶۶-۱۲۸۲ه.ق.).  
آیة الله آقا نجفی قوچانی (۱۳۶۳-۱۲۹۵ه.ق.).  
آیة الله سید عبدالله شیرازی (1319-1345ه.ق.).  
استاد محمد تقی شریعتی (۱۳۶۶-۱۲۸۶ه.ش.).  
دکتر علی شریعتی (1312-1356ه.ش.).  
آیة الله میرزا جواد آقا تهرانی (متولد ۱۲۸۳ه.ش.).  
علامه سید محمد حسین تهرانی (متوفی ۱۳۷۶ه.ش.).  
آیة الله محمدرضا سعیدی (۱۳۹۱-۱۳۴۵ه.ق.).  
استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۹ه.ش.).  
شهید عبدالکریم هاشمی نژاد (1311-1360ه.ش.).  
آیة الله حاج سید جواد خامنه ای (۱۴۰۶-۱۳۱۳ه.ق.).

رهبر معظم انقلاب آية الله سيدعلی خامنه‌ای (متولد ۱۳۱۸ ه.ش.)

### فصل دوم: اوضاع سیاسی:

جنبش مشروطیت که از تابستان ۱۳۲۳ ه.ق در ایران شروع شده بود به خراسان نیز کشیده شد و مردم این منطقه که از مظالم حکومت‌های محلی و استبدادگر ناراضی بودند به امید آنکه حکومت مشروطه حقوق آنها را تأمین خواهد کرد، مانند سایر شهرهای ایران به پا خاستند و این قیام، شهرهای مشهد، قوچان، شیروان، بجنورد، تربت حیدریه، سبزوار، فرودس و طبس را فرا گرفت (37).

بعد از فتح تهران به دست نیروهای مجاهد، انجمن ولایتی استان خراسان با عضویت امام جمعه و دیگر بزرگان تشکیل شد و در این موقع میرزاابا مجاهد با دویست نفر سوار که از مجاهدین مشروطه بودند از مرکز استان به سوی شهرهای مختلف استان رهسپار گشتند تا ضمن رساندن پیام مشروطیت، نمایندگان و وکلای شهرها را برای اعزام به مجلس شورای ملی تعیین نمایند (38).

### خراسان در جنگ جهانی اول

در سال ۱۳۲۸ ه.ق در آستانه شروع جنگ جهانی اول، روسها به خراسان هجوم آورده و مشهد را تحت سلطه خود درآوردند و ناامنی همه جای خراسان را فرا گرفت و جان و مال مردم از تعرض چپاولگران در امان نماند. از طرف دیگر روسها برای استمرار حضور خود در خراسان به دنبال بهانه‌ای می‌گشتند و این بهانه را در دادن اولتیماتوم برای عزل مورگان شوستر آمریکایی یافتند که با پذیرفته شدن اولتیماتوم، این قضیه به اتمام رسید. ولی با شورش طالب الحق در مشهد، بهانه‌ای برای قوای روس پدید آمد تا در روز دهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ گنبد حضرت رضا(ع) را به توپ ببندند و در این واقعه تعداد زیادی از مردم شهید و زخمی شدند (39).

### واقعه کشف حجاب

به دنبال سفر رضاخان به ترکیه و انتخاب فرهنگ غرب به عنوان فرهنگی برتر، فرمان برداشتن چادر صادر شد که خراسان نیز از این واقعه مستثنی نبود. به دنبال این دستور مقاومت‌هایی از سوی مردم صورت گرفت که شدیدترین این مقاومتها در ماجرای مسجد گوهرشاد بود که در پی سخنرانی شیخ بهلول صورت گرفت و بعد از سخنرانی، مردم به خیابانها ریختند و به مظاهر فساد و تباهی حمله کردند که با دخالت نیروهای دولتی، تعداد زیادی از مردم به شهادت می‌رسند (40).

### جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ ه.ش، قوای روس به ایران حمله کرده و خراسان را تحت اشغال خود درآورده و مردم این خطه را با ناامنی و قحطی، فقر، بلاتکلیفی و مهمتر از همه سیر تصاعدی هزینه زندگی و تورم اقتصادی مواجه ساخت. مجالس دینی و روضه‌خوانی که قبل از واقعه شهریور ۱۳۲۰ ممنوع بود، مجدداً دایر گردید و زنها با چادر و حجاب رفت‌وآمد می‌کردند. و احزاب و گروههای گوناگون سیاسی با عقاید و مرام‌های مختلف دایر گردید. سرانجام پس از گذشت چهارسال و شش‌ماه، طلیعه صلح پدیدار شد و پایان جنگ جهانی دوم اعلام گردید (41).

### حوادث دوران انقلاب

استان خراسان به لحاظ مجاورت با مرز، در دوران رژیم پهلوی به شدت مورد مراقبت قرار می‌گرفت و مردم برای ابراز افکار و عقیده شدیداً زیر فشار بودند. همزمان با مبارزات ۱۵ خرداد این حرکت در خراسان تحت لوای روحانیت و با همت مردم مسلمان تداوم یافت و محور مبارزات مردم خراسان چهار نفر از روحانیون از جمله آية الله میلانی، آية الله خامنه‌ای، شهید هاشمی‌نژاد و حجة الاسلام واعظ طبسی بودند. پس از رویداد ۱۵ خرداد و دستگیری امام(ره)، آية الله میلانی که در خراسان فعالیت می‌کرد سعی کرد به تهران برود که هواپیمای حامل ایشان را در بین راه باز گردانیدند. به دنبال

سرکوب نهضت در خراسان تعداد زیادی از طلاب و علما توسط رژیم دستگیر و یا ممنوع‌المنبر شدند. این روند به همین صورت ادامه یافت تا سال ۱۳۵۷ که خشم مردم به یکباره سرازیر شد و حکومت نظامی، تیراندازی‌ها و دستگیری‌ها دیگر ثمری نداشت و سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مبارزات مردم به ثمر نشست و خون بر شمشیر پیروز شد (42)..

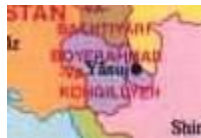
همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، دلیرمردان این خطه نیز همانند دیگر امت ایثارگر، عازم جبهه‌های جنگ شدند و به نبرد با صدامیان پرداختند. از ابتدای جنگ تا کنون این استان ۲۱۰۴۴ نفر از بهترین و فداکارترین فرزندان خود را تقدیم اسلام و پاسداری از انقلاب اسلامی نموده است. علاوه بر این با تقدیم تعداد زیادی جانباز، مفقودالاثر و اسیر دین خود را نسبت به انقلاب ادا کرده است (43)..

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۲۲۷ و ۲۴۱.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی استان خراسان، ۱۳۷۵، ص پانزده.
- 3- دبیران جغرافیای استان خراسان، جغرافیای استان خراسان، سال دوم دبیرستان، ص ۲ و ۶.
- 4- همان، ص ۵۸ و سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، آمارنامه استان خراسان، ص ۱۱۵.
- 5- سیدحسن مطیعی لنگرودی، جغرافیای اقتصادی خراسان، ص ۱۱۳.
- 6- دبیران جغرافیای استان خراسان، همان، ص ۶۰.
- 7- ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۳، ص ۳۶۳.
- 8- سید حسن مطیعی لنگرودی، همان، ص ۱۸۱.
- 9- مرکز آمار ایران، همان، ص سی و یک.
- 10- عبدالحسین نهجیری، جغرافیای تاریخی شهرها، ص ۳۰۸.
- 11- سید محمدکاظم امام، مشهد طوس، ص ۱ و ۲۰.
- 12- ابوالقاسم طاهری، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، ص ۴ و ۳۰.
- 13- دبیران جغرافیای استان خراسان، ص ۵۷-۲۹.
- 14- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 15- همان، ص سی و ۶۶.
- 16- محمداسماعیل مقیمی، جغرافیای تاریخی شیروان، ص ۱۳۲.
- 17- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۲۳۳.
- 18- مرکز آمار ایران، ص ۳۲ و بیست و چهار.
- 19- سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، همان، ص ۱۰۸-۷۵.
- 20- همان، ص ۲۶۴-۲۶۰.
- 21- همان، ص ۲۶۵.
- 22- همان، ص ۲۶۸.
- 23- وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی و اجتماعی استان خراسان ۱۳۷۰، ص ۶۹.
- 24- سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، همان، ص ۲۷۵.
- 25- حسن الهوردیان طوسی، سفر به خراسان، ص ۱۰۸.
- 26- سیداحمد وکیلیان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول.
- 27- حسن الهوردیان طوسی، همان، ص ۱۰۷.
- 28- سیدعلی میرنیا، فرهنگ مردم، ص ۱۵-۱۳.
- 29- ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۱۰۷-۹۲.

- 30 همان، ص ۲۰۳-۱۷۰ (با تلخیص).
- 31 سیدعلی میرنیا، همان، ص ۲۳۶.
- 32 ابراهیم شکورزاده، همان، ص ۵۴۵.
- 33 مرکز آمار ایران، همان، ص هجده و 5-7.
- 34 علی شریعتی، راهنمای خراسان، ص ۲۸-۲۱.
- 35 مرکز آمار ایران، طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور، 1375، ص ۱.
- 36 مجله نگاه حوزه، شماره ۵، ص ۱۶-۱۵.
- 37 همان، ضمیمه شماره ۷، ص ۹.
- 38 غلامعلی شاکری، اترکنامه تاریخ جامع قوچان، ص ۱۱۶-۱۱۴.
- 39 مجله نگاه حوزه، ضمیمه شماره ۷، ص ۱۲-۱۱.
- 40 غلامحسین بقیعی، مزار میرمراد، ص ۱۵۷.
- 41 غلامعلی شاکری، همان، ص ۱۳۷-۱۳۶.
- 42 نگاه حوزه، شماره ۲، ص ۱۰ و شماره ۶، ص ۱۵-۱۴.
- 43 بنیاد شهید استان خراسان.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحتی حدود ۱۵۵۶۳ کیلومتر مربع واقع در ادامه سلسله جبال زاگرس، بین ۲۹ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۱ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان که در جنوب غربی ایران قرار دارد از شمال به استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب به استان‌های فارس و بوشهر، از شرق به استان‌های فارس و اصفهان و از مغرب به استان خوزستان محدود می‌شود. مرکز این استان شهر یاسوج می‌باشد (1).

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان از ۳ شهرستان تشکیل شده است که مجموعاً ۱۲ بخش شامل ۸ شهر، ۳۸ دهستان و ۲۰۲۶ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد (2).

#### ویژگی‌های طبیعی

استان کهگیلویه و بویراحمد به سبب واقع شدن در ادامه سلسله جبال زاگرس دارای گردنه‌های متعدد و صعب‌العبور بوده به طوری که ۴۵ مساحت آن را ناهمواری‌ها تشکیل می‌دهد که باعث به وجود آمدن آب و هوای متعدد گردیده است (3).  
به طور کلی این منطقه دارای دو نوع شرایط اکولوژیکی متفاوت می‌باشد: یکی مناطق عمدتاً پست گرمسیری شامل شهرستان‌های کهگیلویه و گچساران، که در تابستان و بهار، گرم و در زمستان و پاییز، معتدل بوده و دیگری ناحیه مرتفع سردسیری شامل شهرستان بویراحمد، که در تابستان و بهار، معتدل و در پاییز و زمستان سرد است (4).

#### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

##### کشاورزی و دامپروری

آشنایی با فعالیت‌های صنعتی و فنون جدید از یک سو، و خاک‌های جوان و نسبتاً مساعد همراه با منابع کافی آب از سوی دیگر، سبب گردیده است تا کهگیلویه و بویراحمد از

لحاظ ساخت اقتصادی، اساساً منطقه‌ای کشاورزی و دامپروری باشد. مهم‌ترین محصولات این استان عبارتند از: غلات، حبوبات، برنج، یونجه و اسپرس(5). کشت غلات از مهم‌ترین محصولات کشاورزی این استان به شمار می‌رود. در سال ۱۳۷۵، میزان تولید غلات در این استان 189898 تن بوده است که سطحی معادل ۱۲۹۴۸۸ هکتار را به خود اختصاص داده است. تولید زراعت‌های سالانه استان در سال زراعی ۱۳۷۴-۷۵(تن)

شهرستان	گندم	جو	برنج	سایر	جمع	آبی	دیم	جمع
کل استان	113891	37969	75922	38285	3658	34627	36773	949
بویراحمد	42665	30694	11971	12366	3462	8904	17342	320
کهگیلویه	49700	3073	46627	22134	196	21938	13046	109
گچساران	21526	4202	17324	3785	-	3785	6385	520

مأخذ: آمارنامه استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۷۵، ص ۱۳۱. هم چنین با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، طبیعی و اجتماعی منطقه، دامداری و دامپروری در این استان رواج چشمگیری دارد. در سال ۱۳۷۵ در این استان ۲۹۲۸۷۱۹ رأس گوسفند، بره، بز و بزغاله و ۹۲۱۹۹ رأس گاو و گوساله وجود داشته است.

### صنایع و معادن

استان کهگیلویه و بویراحمد با وجود معادن غنی و نیروی انسانی فراوان، زمینه بسیار مساعدی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های صنعتی دارد. انواع فعالیت‌های صنعتی در این استان عبارتند از: صنایع غذایی و دارویی، صنایع نساجی و چرم، صنایع چوب و کاغذ، صنایع شیمیایی، صنایع کانی‌های فلزی و غیر فلزی، صنایع برق و الکترونیک و صنایع دستی(6).

محصولات عمده معدنی استان عبارتند از: سنگ گچ، سنگ لاشه، نمک آبی، فسفات، بوکسیت، سیلیس، مرمریت، خاک نسوز، گوگرد، دولومیت و سنگ آهک(7).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

- 1- کهگیلویه به معنی کوه گیلو می‌باشد و بویراحمد اشتقاق از کلمه طایفه باوی و کلمه بوا به معنی پشت بام و سقف جام و یا ریشه آن از کلمه مرکب ی - ره - مد یعنی چشمه‌ای که در راه ماد واقع است.
- 2- گیلویه نام یکی از مردم اصطخر است که در این منطقه ساکن شد لذا این سرزمین را به نام او خوانده‌اند.
- 3- کوه گیلویه به معنای کوه شاهان است و یا کوهستان کیان.
- 4- گیلویه به معنی زالزالک وحشی است و علت را وجود زالزالک فراوان در منطقه می‌دانند(8).

#### پیشینه تاریخی

منطقه کهگیلویه هر چند بخش کوچکی از سرزمین پهناور ماست اما گذشته‌ای پرماجرا و تاریخی پر حادثه دارد. اسکندر مقدونی پس از تصرف خزانه شوش به طرف پرس پلیس و پاسارگاد روانه شد، و پس از عبور از کارون از طریق اهواز و بهبهان وارد ولایت اوکسیان گردید. این ولایت در همسایگی شوش بود و تا مدخل پارس امتداد داشت. بین آن و سوزیان (خوزستان) معبری تنگ بود که اسکندر بعد از غلبه بر این مردم، با مقاومت سخت آریوبرزن سردار داریوش سوم که معبر مذکور را محافظت می‌کرد، روبرو گردید و بعد از نبردهای طولانی عاقبت این معبر را تصرف کرد.

بعضی از مورخین یونانی این موقعیت را دروازه پارس و برخی دروازه شوش نوشته‌اند. به هر حال، همان طور که از نام آن پیداست معبری تنگ بود که پارس را به شوش متصل می‌نمود. امروزه نام این معبر «تنگ تکاب» است که در ۴۰ کیلومتری جنوب دهدشت و ۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهر بهبهان واقع شده است. ناحیه کهگیلویه قبل از تسلط مسلمانان بر ایران یکی از نواحی پنجگانه فارس به شمار می‌رفت که به ناحیه قباد یا به نام مرکزش ارجان خوانده می‌شد. قبل از سال ۲۲۶ ه.ق یکی از پنج قبیله بزرگ فارس به نام زم زمیجان به اطاعت جیلویه نامی که از کوره استخر رهسپار محل آنها شده بود، درآمد. از آن به بعد کلمه زم که به معنی مسکن است به مناسبت جیلویه و آل جیلویه که بر آن جا حکومت می‌کرد، زم جیلویه خوانده شد و احتمالاً از قرن سوم هجری به بعد قسمتی از کهگیلویه کنونی که محل سکونت جیلویه بود به کوه جیلویه معروف شده است. رفته رفته قدرت جیلویه که بر قبیله زمیجان غلبه کرده بود به جایی رسید که رقیب خاندان ابودلف عجلی شد و معقل بن عیسی برادر ابودلف را کشت. ابی‌دلف بعد از این که از این ماجرا مطلع شد آهنگ او کرد و در جنگی که بین این دو، در گرفت، جیلویه کشته شد. ابودلف سرش را از تن جدا کرد و آن را نقره گرفت و در جنگ‌ها پیشاپیش سپاه به حرکت درمی‌آوردند. در اوایل قرن ششم هجری، ابوطاهر فضلویه که در خدمت سنقر بن مودود اتابک فارس بود به پاداش خدماتی که انجام داده بود، از طرف اتابک مذکور به حکومت ولایت کهگیلویه منصوب گردید. اما دیری نگذشت که دعوی خودسری و استقلال کرد و از اطاعت اتابک سنقر سرپیچید و در حدود سال ۵۵۰ (ه.ق) خود را اتابک خواند که در حقیقت وی مؤسس و اولین اتابک سلسله اتابکان لر بزرگ است. اتابکان لر بزرگ از این تاریخ تا سال ۸۲۷ هجری یعنی نزدیک به ۲۷۷ سال بر ناحیه لر بزرگ یعنی مناطق کهگیلویه و چهارمحال و بختیاری حکومت کردند. پس از روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران، شاه عباس اول در سال ۱۰۰۵ (ه.ق) الله وردیخان را به حکومت کهگیلویه منصوب کرد. در زمان نادرشاه محمد خان بلوچ که از جانب نادر به حکومت کهگیلویه منصوب شده بود سر به شورش برداشت. نادر در سال ۱۱۴۶ (ه.ق) رهسپار بهبهان شد، اما محمد خان بلوچ چون تاب پایداری در خود نمی‌دید به گرمسیرات فارس پناه برد و نادر موفق شد امنیت را در این ناحیه برقرار نماید. در دوران سلسله‌های زندیه و قاجاریه حوادث مهمی در کهگیلویه روی نداد و آرامش نسبی در آن جا برقرار بود (9).

### آثار و بناهای تاریخی

در این استان آثار باستانی بسیاری وجود دارد که با توجه به پیشینه تاریخی هر یک، در خور اهمیت است. این آثار به صورت قلعه، کاروانسرا، مسجد، امامزاده، آتشکده، راهدارخانه، نقاره خانه، آب انبار، پل، جاده، خانه مسکونی و لوحه‌هایی در صخره‌ها و کوه‌ها می‌باشد.

مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی این استان عبارتند از:

آثار دوره‌های ایلامی و اشکانی در تنگ سولک، آثار میمند، مدرسه خیرآباد، بقعه خضر (دهدشت)، قبر شاپور (دهدشت)، آرامگاه امیر لالیا (دهدشت)، آثار پادنا، چهارطاقی فرزوک، آتشکده‌های گل سرخندان، آتشگاه تراب علیا، آتشگاه کوه لار باشت، آتشگاه شمس آباد، مسجد جامع دهدشت، قلعه کلات، امامزاده معصوم، امام زاده بی‌بی عصمت، پل ارجان، حمام ارجان، پل دختر، تنگ تکاب، امامزاده جعفر ارجان، قلعه دز، چهارآسیاب، تل خسروی، سنگر نادری، قلعه دختر، کاروانسرای تنگ تکاب، امامزاده جابر انصاری دهدشت، چهارطاق خیرآباد و (10)....

**بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی**

**فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی**

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت این استان ۵۴۴۳۵۶ نفر بوده است که از این تعداد ۲۷۵۸۲۸ نفر مرد و ۲۶۸۵۲۸ نفر زن بوده‌اند. از کل جمعیت این استان ۲۱۳۵۶۳ نفر در نقاط شهری و ۳۲۷۶۸۵ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته و ۳۱۰۸ نفر نیز غیر ساکن بوده‌اند(11).

### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	544356	275828	268528	93084
ساکن در نقاط شهری	213563	110016	103547	36855
ساکن در نقاط روستایی	327685	164283	163402	55631
غیر ساکن	3108	1529	1579	598
شهرستان بویراحمد	212263	108265	103998	36594
ساکن در نقاط شهری	75489	39533	35956	13056
ساکن در نقاط روستایی	136587	68643	67944	23507
غیر ساکن	187	89	98	31
شهرستان کهگیلویه	206602	104236	102366	34143
ساکن در نقاط شهری	59834	30345	29489	9807
ساکن در نقاط روستایی	146402	73702	72700	24273
غیر ساکن	366	189	177	63
شهرستان گچساران	125491	63327	62164	22347
ساکن در نقاط شهری	78240	40138	38102	13992
ساکن در نقاط روستایی	44696	21938	22758	7851
غیر ساکن	2555	1251	1304	504

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان کهگیلویه و بویراحمد.

### وضع فعالیت

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان کهگیلویه و بویراحمد ۳۷۶۷۷۱ نفر بوده است که از این تعداد ۱۱۵۲۹۵ نفر جمعیت فعال و ۲۵۷۵۳۱ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند. از جمعیت فعال این استان ۱۰۲۲۳۹ نفر را مردان و ۱۳۰۵۶ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. از جمعیت شاغل، ۲۸۲۸۳ نفر در بخش کشاورزی، ۲۸۸۶۱ نفر در بخش صنعت، ۳۹۸۱۵ نفر در بخش خدمات و ۱۳۴۲ نفر نامشخص و اظهار نشده بوده است(12).

### زبان و نژاد

مردم کهگیلویه و بویراحمد از نژاد آریایی و ایرانی هستند که از دیرباز در این سرزمین زندگی می‌کنند(13).

گویش مردم این استان به لری بویراحمدی معروف است که با تفاوت آوایی جزئی در سراسر استان تکلم می‌شود. این گویش از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی می‌باشد. ساخت دستوری و واژگانی گویش لری و فارسی نشان می‌دهد که هر دو از فارسی میانه ساسانی که خود دنباله فارسی باستان می‌باشد، انشعاب یافته است. گویش لری در این استان با فارسی نو پیوند نزدیک دارد(14).

### فصل دوم: آموزش و پرورش



در آبان ۱۳۷۵، از مجموع ۴۵۴۴۲۵ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر این استان، ۳۴۳۱۷۴ نفر باسواد بوده‌اند که از این تعداد ۱۸۹۵۵۱ نفر مرد و ۱۵۳۶۲۳ نفر زن می‌باشد. از تعداد کل باسوادان ۱۵۹۴۴۶ نفر در نقاط شهری و ۱۸۲۴۲۹ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده و ۱۲۹۹ نفر نیز غیرساکن بوده‌اند.

در این استان نسبت باسوادی در بین مردان ۶۰/۸۲ درصد و در بین زنان ۳۰/۶۸ درصد گزارش شده است (15).

استان کهگیلویه و بویراحمد در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۱۹۹۷۰۱ نفر دانش آموز بوده که این تعداد در ۲۱۵۳ آموزشگاه در مقاطع مختلف آموزشی به تحصیل اشتغال داشته‌اند (16).

### مراکز دانشگاهی

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در این استان مراکز آموزش عالی وجود نداشت، اما بعد از انقلاب ۵ واحد آموزش عالی تأسیس شد که عبارتند از:

- 1- دانشکده علوم پزشکی که در سال ۱۳۶۹ تأسیس شد و در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۶۴۱ نفر دانشجو بوده است.
- 2- مجتمع آموزش عالی وابسته به دانشگاه شیراز که در سال ۱۳۶۲ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۸۹۱ نفر دانشجو بوده است.
- 3- دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج که در سال ۱۳۶۳ تأسیس گردید و در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۳۲۲۲ نفر دانشجو بوده است.
- 4- دانشگاه آزاد اسلامی گچساران که در سال ۱۳۶۴ تأسیس شد و در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۲۵۳۲ نفر دانشجو بوده است.
- 5- دانشگاه پیام نور گچساران که در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد و در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ دارای ۴۲۷ نفر دانشجو بوده است.

لازم به ذکر است که مرکز آموزش مدیریت دولتی به منظور افزایش کیفیت و کارایی کارمندان دولت، در سال ۱۳۷۲ در مرکز استان تأسیس گردیده است (17).

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه

کتابخانه‌های عمومی این استان که تحت پوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند در سال ۱۳۷۵ هشت باب بوده که ۶۱۱۹۸ جلد کتاب و ۱۰۴۸۷ نفر عضو داشته‌اند.

#### سینما

این استان در سال ۱۳۷۵ دارای ۳ سالن نمایش فیلم با گنجایش ۱۳۷۰ نفر بوده است. از این تعداد ۲ باب وابسته به بخش عمومی و یک باب وابسته به بخش خصوصی می‌باشد (18).

#### پارک‌ها

در سال ۱۳۷۰، ۲۴ پارک جنگلی و شهری در این استان وجود داشته است که بعضی از این پارک‌ها دارای وسایل بازی و تأسیسات رفاهی می‌باشند (19).

#### اماکن ورزشی

این استان در سال ۱۳۷۵ دارای ۱۳ استادیوم، ۲۶ سالن ورزشی، ۳ استخر شنا، ۸ باشگاه ورزشی، ۲ پیست دو و میدانی، ۱۷ زمین فوتبال و یک زمین بسکتبال بوده است (20).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ویژه ماه رمضان

آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است و از آن جا که این آداب و رسوم ریشه دینی دارد مورد توجه همگان است. در ماه رمضان مردم

یکپارچه برای انجام تکالیف شرعی آماده می‌شوند و در جهت به جا آوردن این وظایف هر جمعیت و گروهی با آداب و تشریفات خاص خود مراسم رمضان را برگزار می‌کنند. از چند روز قبل از ماه رمضان مردم به نظافت و پاکسازی خانه‌ها و مساجد و حسینیه‌ها می‌پردازند.

یکی از رسوم پسندیده در این استان استقبال از ماه رمضان است و به این منظور تعداد زیادی از مردم يك روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند.

ماه مبارك رمضان با رؤیت هلال ماه آغاز می‌شود به این صورت که مردم غروب روز آخر ماه شعبان به بالای بلندی‌ها و پشت بام‌ها می‌روند و با نگاه دقیق به آسمان به جستجوی ماه می‌پردازند و در صورت مشاهده ماه اعمال مخصوص ماه رمضان را به جا می‌آورند. امروزه نیز علاوه بر این کار، با گوش دادن به بیانیه‌های مراجع جامع الشرایط از طریق صدا و سیما، به آغاز ماه آگاهی پیدا می‌کنند.

بعد از کسب و کار روزانه، روزه‌داران برای ادای نماز مغرب و عشا در مسجد و یا خانه نماز به جا می‌آورند و نزد خانواده خویش افطار می‌کنند. آن‌هایی که در مسجد با جماعت نماز می‌خوانند اغلب در همان مسجد بین دو نماز روزه خود را باز می‌کنند. به این صورت که هر شب از طرف کسانی که نذر دارند خرما، زولبیا، بامیه، شیرینی یا حلوا بین نمازگزاران تقسیم می‌شود.

غذاهای افطار اغلب ساده و سبک است و روزه‌داران از خوردن غذاهای سنگین پرهیز می‌کنند. یکی از رسوم پسندیده در ماه مبارك رمضان افطاری دادن می‌باشد و آن‌هایی که استطاعت مالی دارند چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. در ماه مبارك رمضان در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود و مردها و زن‌ها جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند.

شب‌های ماه رمضان واقعاً شب‌های عبادت، ستایش و نیایش است. انسان احساس می‌کند که جز توسل به درگاه الهی و ستایش ذات پروردگار راه دیگری ندارد و آن علاقه و کشش قلبی و عواطف انسانی و روحانی ایجاب می‌کند که انسان به سوی مجالس مذهبی و استفاده از مجالس و محافل مذهبی رهسپار شود و از برکات و فضائل این مجالس بهره‌مند شود. در این مجالس که از يك ساعت بعد از افطار تا نیمه شب ادامه دارد ابتدا مراسم تلاوت قرآن مجید و سپس دعای افتتاح و مراسم سخنرانی و روضه‌خوانی و عاظ برگزار می‌شود و از مستمعین و حضار و مدعوین با چای پذیرایی می‌کنند.

ایام شهادت حضرت علی(ع) که مصادف با روزهای نوزدهم، بیستم و بیست و یکم ماه مبارك رمضان است. مسلمانان و دوستداران مولای متقیان در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌روند و همه‌جا يك‌پارچه سیاهپوش می‌شود. کسب و کار یکسره تعطیل، و عزاداری در همه جا برپا می‌گردد. این ایام که با شب‌های قدر مصادف است، شیعیان شب هنگام تا سحر به دعا و نیایش پروردگار مشغول می‌باشند. بسیاری از مردم در مساجد و برخی هم در خانه اعمال و مراسم شب‌های احیا را به جا می‌آورند. مهم‌ترین برنامه این شب‌ها، خواندن دعای جوشن کبیر و قرآن بر سر گرفتن است.

### عید فطر

عید فطر یکی از دو عید بزرگ اسلامی است که در روز اول ماه شوال برگزار می‌شود. مسلمانان پس از يك ماه روزه و عبادت چشم به راه این روز بزرگ می‌باشند و این روز را جشن می‌گیرند. صبح عید فطر در همه شهرها و روستاهای استان نماز عید فطر با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. گرچه نماز عید فطر واجب نیست اما تمام مردم شرکت در نماز عید فطر را ضروری می‌دانند و در آن شرکت می‌کنند. لازم به ذکر است که بعضی از مردم که موفق نشده‌اند فطریه‌های خود را به کسی بدهند این فطریه را قبل از نماز به امام جماعت محل می‌دهند تا او بین فقرا تقسیم کند و یا به مراجع ذی صلاح

تحويل دهد(21).

#### مراسم ماه محرم

مردم این منطقه همچون مردم دیگر نقاط کشور، عزاداری امام حسین(ع) را با آیین‌های خاص برگزار می‌کنند. بسیاری از اهالی مناطق مختلف استان که در طول سال به شهرهای دیگری برای کسب و کار رفته‌اند، دهه اول محرم را به موطن خود بازگشته و در قالب دسته‌جات و هیئت‌های مذهبی به عزاداری می‌پردازند.

معمولاً هر يك از محلات دارای دسته‌جات خاص سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌باشد و شبیه‌خوانی و تعزیه گردانی در سطح کمتری اجرا می‌شود.

در روز تاسوعا و عاشورا مردم با مالیدن گل بر سر و روی خود، به عزاداری پرداخته و در ظهر عاشورا، بعد از به اجرا درآوردن اوج عزاداری، تقریباً آیین‌ها خاتمه یافته و تنها مراسم شام غریبان در مساجد برگزار می‌شود.

لازم به ذکر است که امروزه اکثر مردم، ظهر روز عاشورا بر مزار شهدا جمع می‌شوند و مراسم این روز را در این مکان‌های مقدس برپا می‌کنند تا ضمن عزاداری برای سیدالشهداء، یاد و خاطره شهدای مظلوم و به خون خفته خود را نیز گرامی بدارند.

معمولاً مراسم ویژه ماه محرم در این استان بعد از عاشورا پایان می‌یابد و تنها در روز بیستم ماه صفر، مصادف با اربعین حسینی در مساجد و حسینیه‌ها مجالس یادبود چهلم شهدای کربلا برگزار می‌شود(22).

#### جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی

اعیاد دینی در این استان هم چون دیگر شهرهای ایران برگزار می‌شود. مردم روز میلاد حضرت حجت، قائم آل محمد(ص) را جشن گرفته و معابر را چراغانی کرده و از مردم با نقل و شیرینی و شربت پذیرایی می‌کنند.

مهم‌ترین اعیاد این منطقه عید قربان و عید غدیر می‌باشد. در روز عید قربان حاجی که سال‌های قبل به مکه مشرف شده‌اند و نیز افرادی که استطاعت مالی دارند، حیوانی حلال گوشت (معمولاً گوسفندی) قربانی می‌کنند و گوشت آن را بین همسایه‌ها تقسیم می‌کنند.

#### عید نوروز

نوروز مهم‌ترین عید ملی در بین لرها می‌باشد و مردم این منطقه مانند سایر نقاط ایران، این روزها را جشن گرفته و با صلح و رحمت دیدار از بزرگان و ریش سفیدان روز عید را آغاز می‌کنند. معمولاً اکثر خانواده‌ها در روز سیزدهم نوروز به صورت دسته جمعی به سوی دشت و صحراهای اطراف روانه می‌شوند تا این روز را در دامان طبیعت سرسبز، سپری نمایند(23).

#### جشن عروسی

بعد از این که دختری مورد پسند واقع شد، مراسم نامزدی با رضایت والدین دختر، طی تشریفات انجام می‌گیرد و پس از «نشونه بندون»، با صرف ناهار یا شام به پایان می‌رسد. سپس مراسم «باشلق برون» یا «کدخدایی» است که معمولاً همراه با ساز و دهل آغاز می‌شود و بآوردن برنج، آرد، روغن، گوسفند، قند و چای و غیره همراه است.

پس از انجام مراسم کدخدایی آن چه توسط پدر و کسان داماد جهت هزینه عروسی فراهم شده است و در اصطلاح محلی به آن «باروزی» گفته می‌شود، همراه جهیزیه عروس طی تشریفات به خانه پدر دختر حمل می‌شود و روز آغاز عروسی تعیین می‌گردد.

هنگامی که عروس آماده اجرای مراسم عقد می‌شود او را بر سر زین اسبی یا روی بالش بزرگی می‌نشانند تا در اصطلاح محلی از او «بلك» بگیرند. پس از تشریفات خاص،

عاقده پیش عروس می‌آید و یکی دوبار طلب اذن از عروس می‌کند، ولی عروس با اشاره مادر و یا اطرافیان از گفتن «بله» خودداری می‌کند و به این عذر که دائی بزرگ یا

برادر، یا عمو و یا کس دیگرش در جمع حاضر نیست، جوابی نمی‌دهد. تا این که پس از حضور یافتن همه اقوام، «بله» را ادا می‌کند. در این هنگام مقداری پول و نقل و نبات بر

سر عروس می‌پاشند و با صدای «گل» و بیت‌های محلی، مجلس شور و هیجان خاصی به خود می‌گیرد. با پایان گرفتن مراسم، عروس برای حرکت به سوی خانه داماد آماده می‌شود. در این هنگام جهت مبارکی از برادر کوچک عروس می‌خواهند تا کمربندی را که به اعتقاد آنان رشته مودت و پایان ناپذیر عروسی است بر کمر عروس ببندد و عروس آماده حرکت می‌شود. پس از آماده شدن عروس جهت رفتن به خانه شوهر، عده‌ای از سواران زبده خانواده عروس با هنرنمایی خاص خود، عروس را تا خانه داماد مشایعت می‌کنند. این رسم امروزه با اتومبیل انجام می‌شود. بعد از این، مراسم حجله بندون، دومائی و واطلبان انجام می‌شود(24).

#### باورها

- پشت سر مسافر آب می‌پاشند تا در بازگشت او به خانه تسریع شود.  
- اگر هنگام وزن کردن خرمن، روباهی زوزه بکشد برکت خرمن زیاد می‌شود.  
- عقیده دارند اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد و ناخودآگاه شخصی یکبار عطسه کند، اتفاق بدی در پیش روی اوست و لذا می‌بایست از رفتن به سفر خودداری کند. البته اگر عطسه تکرار شود اتفاقی نخواهد افتاد.  
- اعتقاد دارند که برای سال نیکو صدای گاو نامرئی، یکبار در اوائل بهار و بار دیگر در دی‌ماه بشارت می‌دهد(25).

#### ضرب المثل‌ها

مُوای گُم نَرِه توای گوی بدوشش - من می‌گویم نره تو می‌گویی بدوشش.  
دَس شکسه کار ای کُنه، اما دل شکسه کار نی کُنه - دست شکسته کار می‌کند اما دل شکسته کار نمی‌کند.

خدا خَرِه شَنخت شاخس نَدَا - خدا خرش را شناخت شاخ به او نداد.  
سُواری غم پیاده نی خَرِه - سوار به فکر پیاده نیست.  
-دندون درد، درمونش کشیدنه - دندان درد، درمانش کشیدن است.  
-تا نبویه چیزی مردم نگویند چیزها - بدون دلیل مردم چیزی نمی‌گویند.  
-هر کسی سبی کسی چه واکند خُش ای یُفته مین چه - هر کسی برای کسی چاه بکند خودش در آن چاه می‌افتد(26).

#### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

مردم نواحی کهگیلویه و بویراحمد پس از شکست از اعراب، دین اسلام را پذیرفتند، ولی این پذیرش طبعاً با توجه به تعصبات مذهبی و اعتقاد و احترامی که به دین قدیم خود که زرتشتی بود، داشتند، به طور تدریجی جامعه عمل پوشید.  
با پذیرش اسلام، مذهب اولیه مردم تسنن بود. شیعی‌گری که جنبش‌های دیگری از آن با عناوین: خرم دینان، اسماعیلیان و سریداران مشهور است پس از درگیری‌های متعدد با عاملان حکومت عباسی، ادامه‌اش به این منطقه کشیده شد و این ولایات را در بر گرفت(27).

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375، از ۵۴۴۳۵۶ نفر جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد، ۵۴۳۴۸۴ نفر مسلمان، ۱۱۲ نفر زرتشتی، ۱۱ نفر مسیحی، ۲ نفر کلیمی، ۲۱۴ نفر سایر ادیان و ۵۳۳ نفر اظهار نشده بوده است.  
از مجموع جمعیت مسلمان، ۲۱۳۲۳۵ نفر در نقاط شهری و ۳۲۷۱۵۸ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند(28).

#### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، این استان دارای ۴۵۳ مکان مذهبی بوده است که شامل ۲۸۱ باب مسجد، ۱۵۲ باب زیارتگاه، ۲ نظرگاه و ۱۶ حسینیه می‌باشد(29).  
مهم‌ترین اماکن مذهبی این استان عبارتند از:

مسجد جامع دهدشت، مسجد شهیدان (گچساران)، مسجد امام حسین (یاسوج).  
امامزاده بی‌بی حکیمه، امامزاده عباس و امامزاده سید جمال‌الدین گچساران.  
امامزاده سید محمود، امامزاده سید محمد، امامزاده عبدالله و امامزاده معصوم (دهدشت).  
امامزاده علی (چرام)، امامزاده بابا احمد (بهمنی)، امامزاده سید محمد (باشت) بقعه  
امامزاده حسن (یاسوج) و (30)....

### مدارس دینی

تاریخ تأسیس حوزه علمیه شیعی در این منطقه را باید در دوره صفویه دانست. چون طبق فرمانی که شاه طهماسب به یکی از علمای منطقه به نام مولانا کمال الدین عبدالسلام علوی صادر کرده، ایشان را مأمور به تبلیغ تشیع و گسترش و ساخت مساجد، مدارس و دیگر مکان‌های مذهبی نموده است (31).  
در حال حاضر مدارس علمیه این استان عبارتند از: مدرسه علمیه ولی عصر (دهدشت)، مدرسه علمیه علی‌بن‌موسی‌الرضا (یاسوج) (32).

### بزرگان و مشاهیر

آیت الله ملک حسینی، (از علمای برجسته، نماینده محترم ولی فقیه در استان و مدیر مسئول مدرسه علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع) یاسوج).  
آقا میر علی صفدر تقوی، عالمی زاهد و پرهیزگار.  
حجت الاسلام میراحمد تقوی، (از علمای سرشناس منطقه و مدیر مسئول مدرسه ولی عصر (عج) دهدشت).  
نور الدین کوه‌گیلویی، متوفی 782 ه.ق.  
آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، از مراجع بنام شیعه که در منطقه سادات محمودی متولد گردید، ۱۳۶۶-۱۲۸۴ ه.ق.  
حاج محمد سعید دهدشتی، (شیخ الاسلام کهگیلویه در عهد فتحعلی‌شاه).  
حاج میر علی صالح و آقا سید حسین رضا توفیقی، (از اجله سادات رضا توفیقی).  
غلامرضا کوه‌گیلویی، (از شعرای قرن دوازدهم).  
مولا محمد باقر بن عبدالکریم دهدشتی، (از فضلاء و خوشنویسان قرن سیزدهم).  
نجات کوه‌گیلویی، از فضلا و شعرای قرن دوازدهم.  
شوقی، (شاعری توانا که دارای اشعاری متین و موزون بود).  
ملا مآذون شیخ هابیلی، (شاعر، متوفی ۱۳۱۳ ه.ق) (33).

### فصل دوم: اوضاع سیاسی

منطقه کهگیلویه هر چند بخش کوچکی از سرزمین پهناور ماست اما گذشته‌ای پرمآجرا و تاریخی پر حادثه دارد. بررسی تاریخ تحولات سیاسی آن، علاوه بر این که کوششی است برای شناساندن يك منطقه، گامی است در جهت تکمیل تاریخ تحولات سیاسی کشور، اما متأسفانه این منطقه و ایلات آن، به رغم برخورداری از پیشینه‌ای درخشان، در زمینه تاریخ‌نگاری بسیار مظلوم واقع شده است.

### حوادث سیاسی دوران مشروطیت

صحنه گردان وقایع سیاسی این استان در گذشته، خوانین بوده‌اند. خان خود را مالک تمام دارایی و مایملک عشایر زیر دست خود می‌دید و در جهت حفظ این قدرت دست به هر اقدامی می‌زد.

قدیمی‌ترین خوانین این منطقه که نقش زیادی در شکل‌گیری حوادث و ساختار سیاسی منطقه داشته‌اند، خاندان ملک بوده‌اند.

ملک در زمان فتحعلی شاه فوت کرد و پسرش هادی خان از طرف فتحعلی شاه به منصب کلانتری رسید. بعد از چندی با کشته شدن هادی خان، مقام کلانتری به محمد طاهر خان پسرش رسید.

در سال ۱۲۱۷ ه.ق محمد طاهر خان به اتهام طرح توطئه، از سوی حکومت قاجار کور

گردید ولی هم چنان ریاست ایل را به عهده داشت و هنگام مرگ، حکومت ایلات را میان پسرانش تقسیم کرد، ولی بعد از مرگ او میان پسرانش اختلاف افتاد. اولین اختلاف میان دو پسرش به نام‌های عبدالله خان و علی محمد خان ایجاد شد و در جنگی که در منطقه هشت تسوج چرام به وقوع پیوست، با حمایت قشون دولتی عبدالله خان شکست خورد و به جای او برادرش خداکرم خان برادرش به ریاست ایل بویراحمد سردسیر منصوب گردید. وی نقش زیادی در سامان بخشیدن به اوضاع ایل داشت و با حمایتی که از طرف حکام دولتی از او می‌شد، دارای قدرت قابل توجهی گردید. ولی این وضعیت دوامی نیاورد و با اختلاف افتادن میان او و پسرانش آتش جنگ و ستیزه جویی شعله‌ور شد. بعد از جنگ‌های فراوان در سال 1297 ه.ق پسرش محمدحسین خان از سوی عمال پدر کشته شد و برادرش ولی خان جانشین او گردید و به دشمنی با خداکرم خان پرداخت.

در سال 1308 در حالی که آتش نفاق در این خانواده شعله‌ور بود، خداکرم خان و پسرش گرفتار کمین سواران بختیاری و بویراحمدی ولی خان شدند و در منطقه چیتاب و باغ ملک بویراحمد کشته شدند و به این ترتیب تا حدودی ماجرای ایلی خاتمه یافت. بعد از او پسرانش ولی خان و هادی خان مدتی با آرامش حکومت کردند ولی این آرامش دیری نپایید که کریم خان فرزند محمد حسین خان بر عموهای خود شورید و زمام حکومت را در دست گرفت. وی پس از آن که بر عموهای خود پیروز شد آن چنان قدرت گرفت که به سمت ایلخانی بویراحمد و کهگیلویه از طرف دولت قاجار منصوب گشت و لقب بهادر السلطنه گرفت.

ایلخانی گری کریم خان مصادف با نهضت مشروطیت بود. او با استفاده از ضعف دولت مرکزی، خود را به حکومت قاجار نزدیک کرد و اختیار حکومتی تمام ایلات کهگیلویه و بهبهان را به دست گرفت. کریم خان به اندازه‌ای نیرو گرفت که رقیب سرسخت خوانین بختیاری و قشقایی شد و برای نشان دادن قدرت خود، به ایلات آنها و هم چنین ایلات ممسنی حمله کرد و به غارتگری پرداخت. سرانجام بعد از درگیری‌های فراوان با ایلات منطقه، هدف شلیک تیراندازان بویراحمدی قرار گرفت و از پای درآمد.

پس از چندی حکومت ایل بویراحمد به شکرالله خان رسید. وی سال‌ها در کمال قدرت بود تا این که سرتیپ خان پسر کریم خان و برادرش غلامحسین خان به سن بلوغ رسیدند و میان این دو برادر و شکرالله خان نزاع بر سر مقام کلانتری بالا گرفت. در نتیجه عده‌ای از بویراحمدی‌ها به طرفدارای پسران کریم خان و گروهی به هواداری شکرالله خان برخاستند و بعد از جنگ‌های منطقه‌ای در سال 1332 ه.ق در دوره حکومت سردار جنگ بختیاری، بویراحمد به دو قسمت علیا و سفلی تقسیم شد که قسمت علیا به دست فرزندان کریم خان، سرتیپ خان و غلامحسین خان و قسمت سفلی شامل قسمتی از نواحی سردسیری و گرمسیری به تصرف شکرالله خان درآمد.

سرتیپ خان و شکرالله خان در سال 1303 در غائله خوزستان به هواداری دولت سردار سپه علیه شیخ خزعل عرب و خوانین بختیاری شرکت کردند و در جبهه ده ملا و زیدون حومه شهر بهبهان دلیری‌هایی از خودشان دادند که در نتیجه آن شهادت‌ها، القاب ضرغام الدوله به شکرالله خان و هژبرالدوله به سرتیپ خان داده شد. سرتیپ خان و شکرالله خان پس از چندی هواداری از دولت پهلوی، به خاطر اجحافتی که از سوی مأمورین نظامی پهلوی نسبت به مردم بویراحمد شده بود، در جنگ سال 1307 شمسی به حمایت امامقلی خان رستم ممسنی درآمدند (34).

#### **کهگیلویه و بویراحمد، در واقعه ملی شدن صنعت نفت:**

در جریان ملی شدن صنعت نفت، یک سری از سران ایلات به طرفدارای از دربار و یک سری نیز به طرفدارای از دکتر مصدق برخاستند. حامیان دکتر مصدق که از سران بویراحمد سفلی بودند از نظر کیفی نسبت به حامیان دربار برتری داشتند و آمادگی داشتند



در صورت لزوم از مصدق حمایت مسلحانه کنند. از آن طرف، هواداران دربار برای متلاشی کردن جبهه هواداران دکتر مصدق تدابیری می‌اندیشیدند تا بدین وسیله در صورت سرنگونی مصدق، هیچ‌گونه اقدامی به حمایت از او صورت نگیرد. برای نیل به این هدف، مقرر شد ناصرخان طاهری (هوادار دربار)، آقا سیف الله شجاعی آقائی را به قتل برساند تا در نتیجه این عمل، طایفه آقائی که سران آن در جبهه هواداران مصدق قرار داشتند و با سران بویراحمد سفلی همکاری می‌کردند در صدد انتقام برآیند. بدین ترتیب در تیر ماه ۱۳۳۲ یعنی کمتر از دو ماه قبل از کودتای ۲۸ مرداد، هنگامی که آقا سیف الله به همراه ناصرخان و محمد حسین خان عازم يك میهمانی بود، به قتل رسید و به دنبال آن در جبهه هواداران مصدق شکافی عظیم به وجود آمد و این همان چیزی بود که هواداران دربار می‌خواستند (35).

### جنگ گجستان

در اواخر پاییز سال ۱۳۴۱ که محمدرضا شاه در صدد اجرای برنامه اصلاحات ارضی خود برآمده بود، ابتدا خوانین و فئودال‌های متنفذ منطقه را به تهران احضار کرد تا زمینه پذیرش روانی آنها را مهیا سازد و در مقابل اطاعت و پذیرش آنها، به هر يك خانه‌ای در تهران با حقوق مكفی واگذار کرد. از طرف دیگر مخالفین به شدت بر عبدالله خان و ناصرخان در مورد نپذیرفتن سازش و اقدام به قیام مسلحانه علیه رژیم فشار می‌آوردند و آنها را تشویق به شورش می‌کردند. سرانجام عبدالله خان و تعدادی از سران ایل‌ها و کدخدایان در پی قیام علیه برنامه اصلاحات ارضی شاه برآمدند و در اولین مرحله به گروه ژاندارم مستقر در پادگان «توت نده» حمله کرده و آنها را قلع و قمع نمودند. شاه نیز در پی این اقدام دستور حمله به بویراحمد، برای سرکوب شورش را صادر نمود. در نیمه دوم فروردین ۱۳۴۲ زمینه لشکرکشی‌های رژیم به منطقه بویراحمد فراهم گردید و در روز ۳۰ فروردین، ستونی به فرماندهی سروان ریحانی‌فر برای اشغال آبادی ملاغلامحسین سیاهپور و قطع ارتباط شورشیان با خانواده‌هایشان به منظور به انفعال کشانیدن و به زانو درآوردن آنان، به طرف این آبادی حرکت کرد. از همان ساعات اول روز، چریک‌های شورشی تحرکات آنها را تشخیص دادند و سیاهپور افراد خود را که پانزده نفر بودند به سه گروه تقسیم می‌کند و طوری ستون را دور می‌زنند که تقریباً ستون را در يك مثلث متساوی الساقین به محاصره می‌گیرند و به نبرد می‌پردازند و چون بویراحمدی‌ها از موقعیت طبیعی بهتری بهره گرفته بودند، ستون ۱۹۰ نفری دولتی را به کلی از پای درآوردند و نیروهای دولتی مجبور به عقب نشینی شدند. در چنین شرایطی دستور حمله توسط هواپیماها صادر شد و هواپیماها مناطق تجمع چریک‌ها را بمباران کردند.

با این که فرماندهان نظامی رژیم در جهت سرکوب و خاموش کردن این شورش تمام توان خود را به کار گرفته بودند ولی موفقیتی به دست نیاوردند. لذا در جهت سرکوب آن، به جریان نفاق و نیروهای نفوذی تمسك جستند و در راستای نیل به این هدف، سران ایل‌ها و بعضی از شورشیان قبل را تطمیع نمودند تا سران شورشی را به قتل برسانند و به این ترتیب علی‌غولمعلی دستیار و نوکر عبدالله خان، در ۱۸ خرداد همان سال، در فرصتی مناسب، با شلیک تیری به زندگی عبدالله خان پایان داد و بدین ترتیب، پایان شورش بویراحمد را به عنوان پایان غائله جنوب، اعلام نمودند (36).

### کهگیلویه و بویراحمد از سال ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی

از سال ۱۳۴۲ به بعد با شروع سیاست‌های حکومت پهلوی و تلاش‌های آنان برای تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی منطقه، تلاش‌های زیادی در جهت خنثی کردن آن سیاست‌ها از جانب علمای دینی و روحانیون صورت گرفت.

در این دوره سرلشکر علیزاده به مدت ده سال (از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳) در مقام فرماندار کل، مسئولیت اجرای سیاست‌های دولت را بر عهده داشت. تا این که در سال ۱۳۵۵



فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد به استان تبدیل گردید. در سال ۱۳۵۶ که کشور دستخوش حوادثی از قبیل: شهادت حاج سید مصطفی خمینی، انتشار مقاله‌ای توهین آمیز بر ضد امام، واقعه نوزده دی در شهر قم و مراسم چهلم شهدای آن در تبریز گردیده بود، به تدریج موج انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام سراسر کشور را فرا گرفت. مردم کهگیلویه و بویراحمد هم که تماماً مردمی شیعه مذهب و غیرتمند بودند از انقلاب اسلامی استقبال کردند و گروه گروه فریاد انقلاب اسلامی را لبیک گفتند. همه علمای منطقه و در رأس آنان آیت الله ملک حسینی و حجت الاسلام تقوی مردم را به انقلاب دعوت کردند و خود رهبری فعالیت‌های انقلابی و تظاهرات مردم را به عهده گرفتند. نبرد سیاسی میان علما و مقام‌های حکومت شدت گرفت و هر کدام سعی داشتند مردم را در جبهه خود قرار دهند. مقام‌های حکومتی حتی در صدد برآمدند که عده‌ای از افراد ناآگاه منطقه را به عنوان چماقدار، مأمور سرکوبی انقلابیون در این استان و یا استان‌های همجوار بکنند. اما در این ایام دیگر چنین افرادی به چنگ آنان نیفتاد. مردم همه پشت سر علما قرار گرفته و در جهت تحقق انقلاب اسلامی می‌کوشیدند. بدین ترتیب تمام طبقات جامعه کهگیلویه و بویراحمد اعم از دامدار و کشاورز و کارگر و کارمند و مرد و زن و پیر و جوان با وحدتی بی‌نظیر برای پیروزی انقلاب اسلامی در تلاش بودند و همگام با مراسم و مناسبت‌هایی که در سایر شهرهای کشور برگزار می‌شد، اقدامات مشابهی انجام می‌دادند.

به تدریج که موج انقلاب گسترده‌تر شد، دولت تصمیم گرفت که فردی نظامی را به استانداری کهگیلویه و بویراحمد منصوب کند تا قادر به سرکوبی مردم باشد. بدین ترتیب در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ سرلشکر محمود همپایی جای احمد جوهرزاده را گرفت. اما موج انقلاب قوی‌تر از آن بود که با چنین اقداماتی مهار بشود. سرلشکر همپایی در نخستین روزهای پس از انتصاب خود تصمیم گرفت از منطقه کهگیلویه سرکشی کند. بدین منظور، او از شهرهای گچساران، چرام، دهدشت، سوق و لنده سرکشی کرد. در همه این شهرها فقط معدودی از افراد وابسته به حکومت آن هم در ساختمان یکی از ادارات با او دیدار کردند. بنابراین او نه تنها نتوانست هیچ گونه دیدار و گفت و گویی با مردم داشته باشد بلکه شدیداً مورد نفرت آنان قرار گرفت. ایشان پس از سوق، عازم لنده شد. مردم سوق در بازگشت وی از لنده، در گردنه مشرف به سوق، راه را بر او بسته و ماشین‌های او و همراهانش را سنگباران کردند. تظاهرات و سایر فعالیت‌های انقلابی مردم کهگیلویه و بویراحمد هم چنان ادامه داشت تا این که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ حکومت پهلوی سرنگون، بساط نظام شاهنشاهی برچیده و انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) به پیروزی رسید و کشور ایران دوران جدیدی از حیات سیاسی خود را آغاز کرد و این استان نیز با پیروزی انقلاب اسلامی وارد عصر نوینی از حیات سیاسی خود شد (37).

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، ص ۶-۵.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان کهگیلویه و بویراحمد، ص پانزده.
- 3- سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، آمارنامه استان کهگیلویه و بویراحمد، ص ۹.
- 4- هیبت الله غفاری، ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد، ص ۳۷.
- 5- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۳۸۱.
- 6- سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، همان، صص ۱۴۱-۱۲۹ و ۱۶۹.
- 7- روزنامه همشهری، ۱۵ اسفند ۱۳۷۷، ص ۸.

- 8- محمدرضا قدکساز، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۱۲۴.
- 9- عزیز الله بیات، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، ص ۴۲۱-۴۱۹.
- 10- نورمحمد مجیدی، تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد، صص ۷-۱۰.
- 11- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 12- همان، ص ۶۶ و سی.
- 13- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۳۷۸.
- 14- افضل مقیمی، بررسی گویش بویراحمد و ...، ص ۱۳.
- 15- مرکز آمار ایران، همان، ص ۳۲ و بیست و چهار.
- 16- سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، همان، صص ۵۷ و 61.
- 17- روزنامه رسالت، ۱۸ بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۷ و سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، همان، صص ۷۹-۷۲.
- 18- سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، همان، صص ۱۶۳-۱۶۲.
- 19- وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۷۰، صص ۳۸-۳۷.
- 20- سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، همان، ص ۸۶.
- 21- سید احمد و کیلیان، رمضان در فرهنگ مردم (با اقتباس).
- 22- اطلاعات محلی.
- 23- همان.
- 24- نورمحمد مجیدی، همان، صص ۵۵۹-۵۵۴.
- 25- نورمحمد مجیدی، همان، ص ۵۷۱-۵۶۸.
- 26- همان، صص ۵۹۹-۵۹۳.
- 27- همان، صص ۵۳۹-۵۳۸.
- 28- مرکز آمار ایران، همان، صص ۷-۵.
- 29- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور، ص ۱.
- 30- نورمحمد مجیدی، همان، ص ۲۰۸-۱۹۹.
- 31- همان، صص ۵۴۱-۵۴۰.
- 32- واحد گزینش و آمار حوزه علمیه قم.
- 33- نورمحمد مجیدی، همان، ص ۵۲۱-۵۰۹ (با تلخیص).
- 34- همان، صص ۲۷۵-۲۵۶.
- 35- سیدمصطفی تقوی مقدم، تاریخ سیاسی کهگیلویه، صص ۴۵۹-۴۵۶ (با تلخیص).
- 36- دکتر سید ساعد حسینی، گوشه‌هایی ناگفته از تاریخ معاصر ایران، صص ۱۲۱-۵۱ (با تلخیص).
- 37- سیدمصطفی تقوی مقدم، همان، صص ۵۴۳-۵۴۰ (با تلخیص)

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



### مشخصات جغرافیایی

استان کردستان با مساحت ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع در شمال غرب ایران بین ۳۴ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۴۵ درجه و ۳۱

دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد (1). این استان از نظر وسعت شانزدهمین استان کشور می‌باشد و از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به استان‌های زنجان و همدان، از جنوب به استان‌های کرمانشاه و همدان و از غرب به کشور عراق محدود است (2). استان کردستان در سال ۱۳۷۵، دارای ۸ شهرستان شامل ۲۳ بخش، ۱۲ شهر، ۷۹ دهستان و ۱۷۵۸ آبادی دارای سکنه بوده است (3).

### ویژگی‌های طبیعی

استان کردستان منطقه‌ای کوهستانی با دشت‌های محدود می‌باشد. به طور کلی دشت‌های شمالی استان نسبتاً حاصلخیزتر هستند ولی سرمای طولانی و کم‌آبی، از عمده مشکلاتی است که در وضعیت کشاورزی منطقه تأثیر به‌سزایی دارد. جلگه‌های جنوبی کم‌وسعت بوده ولی آب و هوای مناسب‌تری دارند. با استفاده صحیح از آب، می‌توان این جلگه‌ها را به قطعات بسیار حاصلخیز کشاورزی تبدیل نمود.

وجود چند نوع توده هوای مدیترانه‌ای، اروپایی، گرم و خشک و سرد و خشک به عنوان مهم‌ترین عوامل جوی در این استان مطرح هستند. در بعضی از مناطق کردستان اختلاف دمای زمستان و تابستان گاهی به 70 درجه می‌رسد (۳۰- تا +۴۰ درجه). میزان بارندگی سالیانه به طور متوسط ۵۰۰ میلی‌متر بوده و شهرستان مریوان پر باران‌ترین نقطه این استان می‌باشد. برای نمونه، میانگین بارندگی در ۱۰ سال گذشته (۶۱-۷۱) حدود ۴/۴۶۳ میلی‌متر بوده است که حداقل آن 274 میلی‌متر در سال ۱۳۶۹ و حداکثر آن ۶۸۰ میلی‌متر در سال ۱۳۶۳ بوده است (4).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

کردستان به علت دارا بودن آب و هوای سرد، بارندگی مناسب، مراتع وسیع و رودهای بسیار، اقتصادی متکی به کشاورزی و دامداری دارد.

مهم‌ترین بخش کشاورزی این استان در قسمت شرقی استان که دارای دشت‌های وسیع است، می‌باشد. کمی آب موجب شده که بیشتر اراضی قابل کشت به صورت دیم مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مهم‌ترین محصولات کشاورزی کردستان عبارتند از: غلات (گندم دیمی و آبی، جو دیمی و آبی و برنج)، حبوبات (نخود و لوبیا)، دانه‌های روغنی (آفتابگردان)، نباتات صنعتی (چغندر قند، توتون)، محصولات باغی (انار، انجیر، توت فرنگی، توت، انگور، آلبالو، گیلاس، سیب، گلابی، هلو، شلیل، زردآلو)، سبزیجات (پیاز، سیب زمینی) و....

مردم کردستان علاوه بر کار کشاورزی به دامداری و دامپروری نیز می‌پردازند. پرورش دام برای بیشتر اهالی از جهت مصرف لبنی از اهمیت بالایی برخوردار است. پرورش دام به روش ابتدایی و سنتی و در حدود امکانات انجام می‌شود. مهم‌ترین دام‌هایی که در کردستان پرورش داده می‌شوند، عبارتند از:

پرورش گاو (با روش‌های صنعتی، نیمه صنعتی، خرده‌پا و روستایی)، پرورش گوسفند (با توجه به کیفیت مراتع با روش ثابت انجام می‌گیرد)، پرورش طیور (به صورت صنعتی در سال‌های اخیر رواج یافته است) و پرورش زنبور عسل (5).

بر پایه آمار سال ۱۳۷۵ این استان، 1754346 رأس گوسفند، ۶۳۳۶۷۸ رأس بز، ۶۵۹۰ رأس گاو و گوساله اصیل، ۲۳۳۴۰ رأس گاو و گوساله دو رگه و ۴۱۳۰۷۰ رأس گاو و گوساله بومی داشته است.

#### صنایع و معادن

استان کردستان به لحاظ دارا بودن صنایع و معادن از جمله استان‌های مهم کشور محسوب می‌شود و در عرصه صنایع دستی، صنایع سبک و صنایع سنگین و معادن به شکوفایی حیات اقتصادی کشور کمک شایانی می‌کند.

## صنایع دستی

صنایع دستی در این استان به کارگاه‌های قالیبافی، سرامیک، سفال سازی، گلیم‌بافی، سجاده‌بافی، گیوه‌بافی و صنایع چوبی محدود می‌شود.

## صنایع ماشینی

در این استان صنایع ماشینی متعددی از جمله صنایع مواد غذایی و دارویی، صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع چوب، صنایع شیمیایی نفت و زغال سنگ و پلاستیک، صنایع محصولات کانی غیرفلزی، صنایع برق و الکترونیک، صنایع سنگین و غیره به فعالیت مشغول هستند.

مهم‌ترین کارخانه صنعتی موجود در این استان کارخانه شیر پاستوریزه کردستان می‌باشد که در زمینه تولید و تبدیل فرآورده‌های لبنی این استان، نقش مهمی را ایفا می‌نماید (6). هم‌چنین در این استان معادن زیر فعال می‌باشند:

معدن سنگ مرمریت اوریه و شترمل.

معدن سنگ مرمریت قلعه شیخان و صالح آباد.

معدن سنگ مرمریت کاوشان، سنگ گرانبیت، سنگ تراورتن، سنگ سیلیس، سنگ آهن، سنگ گچ، پوکه معدنی، فلورین، آنتیموان، معدن سنگ ساختمانی، معدن سنگ آهک، معدن نمک آبی بیجار (7).

## بخش سوم: جغرافیای تاریخی

### وجه تسمیه

کردستان که در واقع برگرفته از منطقه کرد نشین و محل سکونت کردها است، در گذشته به مناطق وسیع‌تر که از جنوب ارمنستان تا شمال شامات را فرا می‌گرفت و تمام طوایف قدیم کرد در این قسمت از آسیا زندگی می‌کردند، گفته می‌شد؛ ولی امروزه بسیار محدود شده است.

آن چه که اکثر محققان و نویسندگان این فن بر آن اتفاق نظر دارند این است که قبل از آمدن قبایل کرد ایرانی به ناحیه کردستان، قومی آریایی نژاد به نام «کاردو» در این سرزمین ساکن بودند و مبنای این نظریه نشانه‌هایی است که در یکی از لوحه‌های سنگی آشوری مربوط به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌باشد. در این لوحه از مملکتی به اسم «کاردا» یا «کارداکا» نام برده شده است.

کرد نام طایفه غالب ایرانی مثل ماد و پارس است که در کوهستان مغرب ایران می‌باشد. شواهد تاریخی و جغرافیایی اتحاد ریشه بین دو کلمه «کرد» و «کاردو» و قرابت پیوند نژادی آنان را ثابت می‌کند (8).

### پیشینه تاریخی

کردها مردمانی آریایی نژادند که از چندین هزار سال قبل از میلاد به منطقه کردستان آمده‌اند و چه بسا طایفه کرد از اختلاط فاتحان ایرانی با ساکنان سابق نواحی کوهستانی تشکیل شده‌اند.

تاریخ کرد را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

1- دوره قبل از تاریخ. از چند هزار سال قبل از میلاد تا سال ۳۶۰۰ ق.م که سلطنت نارامسین پسر سارگون اول توسط عشایر گوتی (یعنی اکراد آراتی) منقرض می‌شود.

2- از سال ۳۶۰۰ - ۸۵۳ ق.م یعنی دوره روابط اکراد با سومر، کلد، آشور و عیلام.

3- از سال ۸۵۳ - ۵۵۰ ق.م از سلسله ماد تا ظهور کوروش اول (مؤسس سلسله هخامنشی).

4- از سال ۵۵۰ قبل از میلاد تا دوران اسلامی یعنی از دوره کوروش اول تا هنگام تفکیک اکراد غرب از ایران.

ظاهراً اصطلاح کردستان را سلاجقه برای تمیز دادن نواحی کردنشین از ولایت جبال وضع کردند و آن ایالتی بود مشتمل بر سرزمین‌های بین آذربایجان و لرستان و قسمتی از

اراضی سلسله جبال زاگرس، که از همان زمان ناحیه مذکور را رسماً به نام کردستان در دفاتر دیوانی ثبت کرده‌اند.

در طول سلسله جبال زاگرس اقوام لولوبی، گوتی، کاسو و شوبارو سکونت داشته‌اند. به استناد تحقیقات خاورشناسان هر یک از طوایف مذکور دارای زبانی مخصوص به خود بوده‌اند.

مرکز کردستان در ابتدا «وهارا» یا «بهار» در سه فرسنگی شمال غربی همدان بود و بعدها به چمچال نزدیک کرمانشاه منتقل شد.

شهرهای کردستان در زمان حمله مغول از قتل و غارت مصون نماند. در زمان تیمور و ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو، کردستان و دیار بکر میدان تاخت و تاز سپاهیان تیمور و ترکمانان شد.

شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفویه به علت این که کردها پیرو مذهب تسنن بودند چندان روابط حسنه‌ای با آنها نداشت ولی در مقابل، سلاطین عثمانی در صدد تقویت هر چه بیشتر آنان بودند. در این دوره، دولت ایران مالک قسمتی از کردستان بزرگ بود که در دامنه‌های شرقی کوه‌های زاگرس قرار داشت.

بعد از جنگ جهانی اول، دولت‌های ایران، ترکیه و عراق تلاش فراوانی در جهت شهر نشین کردن کردها به عمل آوردند (9).

### بناهای عمده تاریخی

مسجد جامع - دارالاحسان (سنندج)

مسجد جامع امان الله خانی، والی کردستان، در قرن سیزدهم هجری، در زمان فتحعلی شاه قاجار (سال ۱۲۲۸ هجری) بنا شده است. این مسجد عظیم که در نهایت استحکام و زیبایی با تزئینات فراوان کاشی‌کاری ساخته شده، دارای شبستان بسیار بزرگ و وسیع است. این بنا با شماره ۳۷۵ در ردیف آثار ثبت شده است.

غار کرفتو (سقز)

این غار در مرز خاک افشار و کرفتو بر روی محل بلندی قرار گرفته است. در این غار آثار ساختمان دو بنا که در درون سنگ‌های صخره غار حجاری شده به نظر می‌رسد که به خط یونانی است. ساختمان این غار را به حدود قرن سوم قبل از میلاد (دوره اشکانی) نسبت می‌دهند. این غار با شماره ۳۳۰ در ردیف آثار ملی ثبت شده است (10).

مهم‌ترین آثار باستانی کردستان عبارتند از:

سنندج: مسجد جامع (مدرسه دارالاحسان)، موزه سنندج، عمارت مشیرالدیوان، امام‌زاده شیخ‌محمدباقر، پیر محمد، پیر عمر، هاجره، خاتون، شیخ عبدالله کوسه، مراد انصاری. سقز: امام‌زاده پیرباغ، پیریونس، پیر بشیر، ملامحمد، مولان آباد، غار کرفتو، گنجینه زیویه.

بانه: امام‌زاده شیخ احمد، ملا موسی، مرقد سورین، پیرمراد، سلیمان بگ.

بیجار: حمزه عرب، پنجه علی.

قروه: بابا گرگر، امام‌زاده حسن.

مریوان: کوسه هجیج، پیر شالیار (11).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: جمعیت و ویژگی‌های آن

استان کردستان در آبان ماه ۱۳۷۵، دارای ۱۳۴۶۳۸۳ نفر بوده است. از این تعداد ۷۰۵۷۱۵ نفر (۴۲/۵۲ درصد) در نقاط شهری و ۶۴۰۶۶۸ نفر (۵۸/۴۷ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. هم‌چنین از مجموع جمعیت این استان، ۶۸۵۱۶۵ نفر مرد و ۶۶۱۲۱۸ نفر زن بوده است. در نتیجه نسبت جنسی در این جمعیت برابر ۱۰۴ به دست می‌آید. یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۴ نفر مرد در این استان وجود داشته است (12).

جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان کردستان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1346383	685165	661218	256536
ساکن در نقاط شهری	705715	364009	341706	142283
ساکن در نقاط روستایی	640668	321156	319512	114253
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان بانه	105606	54381	51225	17580
ساکن در نقاط شهری	55433	29298	26135	9720
ساکن در نقاط روستایی	50173	25083	25090	7860
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان بیجار	114235	56614	57621	22217
ساکن در نقاط شهری	48380	24649	23731	10389
ساکن در نقاط روستایی	65855	31965	33890	11828
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان دیواندره	85367	43067	42300	14552
ساکن در نقاط شهری	19089	9963	9126	3609
ساکن در نقاط روستایی	66278	33104	33174	10943
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان سقز	194998	98385	96613	35325
ساکن در نقاط شهری	115394	58652	56742	22536
ساکن در نقاط روستایی	79604	39733	39871	12789
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان سنندج	359990	186565	173425	75467
ساکن در نقاط شهری	277808	144326	133482	59357
ساکن در نقاط روستایی	82182	42239	39943	16110
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان قره	199834	99830	100004	37935
ساکن در نقاط شهری	83919	42439	41480	16633
ساکن در نقاط روستایی	115915	57391	58524	21302
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان کامیاران	101237	51845	49392	19374
ساکن در نقاط شهری	41945	21892	20053	8026
ساکن در نقاط روستایی	59292	29953	29339	11348
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان مریوان	185116	94478	90638	34086
ساکن در نقاط شهری	63747	32790	30957	12013

22073	59681	61688	121369	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان کردستان.

### وضع فعالیت

در آبان ماه ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر این استان ۹۷۳۵۰۲ نفر بوده است. از این تعداد، ۳۵۹۶۸۴ نفر جمعیت فعال و ۶۰۵۰۵۹ نفر جمعیت غیر فعال بوده‌اند. بر اساس این آمار، افراد شاغل و افراد بیکار (جویای کار) در مجموع، ۹۵/۳۶ درصد از جمعیت ده ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهند. این نسبت در نقاط شهری ۳۲/۲۴ درصد و در نقاط روستایی، ۰۴/۴۰ درصد بوده است. هم چنین از جمعیت فعال این استان، ۲۵/۸۹ درصد را مردان و ۷۵/۱۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (۱۳).

### زبان

مردم استان کردستان به زبان کردی صحبت می‌کنند. اکثر محققین معتقدند که زبان کردی یکی از شاخه‌های زبان ایرانی و از ریشه فارسی باستان یا مانند آن است. «شودزکو» که درباره زبان کردی مطالعات مفصلی دارد می‌نویسد: «الفبای کردی همان الفبای فارسی است و حروف بی‌صدا در هر دو زبان یکی است و طرز بکار بردن اسامی نیز در زبان کردی به همان ترتیب فارسی است.»

زبان کردی از بسیاری جهات با زبان اوستایی مشابه است و بسیاری از ویژگی و اصوات زبان اوستایی را داراست. این زبان دارای شعب و گویش‌های متعددی از جمله کرمانج شمالی، کرمانج جنوبی، کردی کرمانشاهی، اورامانی و گورانی می‌باشد (۱۴).

### نژاد

آنچه اکثر محققان و نویسندگان قدیم و جدید بر آن اتفاق نظر دارند این است که قبل از آمدن قبایل کرد ایرانی به ناحیه کردستان قوم آریایی نژاد دیگری به نام «کارود» در این سرزمین ساکن و دارای تمدن بالنسبه مهمی بوده‌اند که با مهاجرین هم نژاد خود درهم آمیخته و درهم مستحیل شدند. به این ترتیب، کردها شعبه‌ای از نژاد ایرانی هستند که از حیث زبان، اخلاق و عادات، شیوه معیشت و مذهب با سایر ایرانیان دارای جهات مشترک هستند (۱۵).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

در آبان ماه ۱۳۷۵، از ۱۱۴۶۴۵۹ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۶۸/۲۷ درصد با سواد بوده‌اند. نسبت با سواد در گروه سنی (۱۴-۶ ساله) ۵۹/۹۱ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۸۹/۵۶ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۱۴-۶ ساله)، نسبت با سواد در نقاط شهری ۸۸/۹۵ درصد و در نقاط روستایی ۰۷/۸۷ درصد بوده است (۱۶).

### مراکز دانشگاهی

در این استان مراکز دانشگاهی متعددی از جمله دانشگاه کردستان، دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، آموزشکده فنی سنندج، دانشگاه پیام نور سنندج، دانشگاه پیام نور سقز، دانشگاه پیام نور بیجار و دانشگاه پیام نور مریوان در سطوح مختلف آموزش عالی به آموزش دانشجویان مشغول می‌باشند.

تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در این مراکز در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، ۴۷۳۲ نفر بوده‌اند.

۱۷۶۹ دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، ۲۰۱۰ دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی و ۹۵۳ دانشجو در دانشگاه‌های پیام نور استان مشغول تحصیل می‌باشند (۱۷).

### امکانات فرهنگی و تفریحی

#### کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

در استان کردستان، ۶ مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وجود دارد که به



ترتیب در شهرهای سنندج، بانه، سقز، دیوان دره هر کدام يك كانون، و در شهرستان بیجار ۲ كانون می‌باشد.

### کتابخانه

این استان در سال ۱۳۷۵، دارای ۲۳ باب کتابخانه با ۱۸۵۰۷۳ جلد کتاب و ۴۱۷۰۴ نفر عضو بوده است. از این تعداد به ترتیب در شهرهای دیوان دره و کامیاران يك کتابخانه، بانه و مریوان دو کتابخانه، سقز سه کتابخانه، قروه چهار کتابخانه و بیجار و سنندج هر کدام پنج کتابخانه وجود داشته است.

### سینما

در این استان ۵ باب سینما وجود دارد که در شهرهای مریوان، قروه و سقز هر کدام يك باب و در شهرستان سنندج دو باب وجود داشته است (18).

### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۵، در استان کردستان ۲۲ زمین فوتبال چمن (۹ زمین چمن نیمه تمام)، ۲۲ سالن چند منظوره ورزشی (۹ سالن آن نیمه تمام)، ۴۳ سالن ورزشی تمرینی (13 سالن آن نیمه تمام)، ۲۲ زمین ورزشی روباز (۱۱ مورد آن نیمه تمام)، ۱۰ استخر سرپوشیده (۸ استخر نیمه تمام) و ۳ زورخانه وجود داشته است.

لازم به ذکر است که این اماکن ورزشی مشترکاً به سازمان تربیت بدنی و آموزش و پرورش تعلق دارد (19).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ماه مبارك رمضان

در پایان ماه شعبان و حلول ماه مبارك رمضان، مردم برای رؤیت هلال از منزل‌هایشان بیرون می‌آیند و بر مناطق مرتفع و بالای بامها می‌روند و چشم‌ها را متوجه غروبگاه خورشید می‌کنند که هلال را رؤیت نمایند. هنگام رؤیت هلال با گفتن صلوات بر محمد(ص) و مرحبا مرحبا گفتن اظهار شادی می‌نمایند و دیگران را مژده می‌دهند. یکی از آداب مهم این ماه نیت کردن برای نماز تراویح است که بعد از نماز مغرب و عشاء می‌خوانند. نماز تراویح بیست رکعت است که سه رکعت نماز و ثر نیز در تعقیب آن به جا می‌آورند و در مجموع ۲۳ رکعت می‌شود. این نماز را گاهی تا یازده و یا پانزده رکعت تقلیل می‌دهند. نماز تراویح را دو رکعت دو رکعت می‌خوانند و در پایان هر دو رکعت سلام می‌دهند و بعد از خواندن ذکر مختصری، دو رکعت بعدی را شروع می‌کنند. در خواندن این نمازها کمی عجله می‌کنند چون همان طور که از اسم این نماز پیداست سرعت بخشیدن در خواندن این نماز را باعث راحتی و آسایش عمل می‌دانند. در شب قدر بر مصداق لیلۃ القدر خیر من الف شهر مردم این شب را به خیر و احسان و شب زنده‌داری به نماز و دعا و اعتکاف به روز می‌آورند. در کردستان شب قدر را شب‌های تاق (فرد) ده روز آخر ماه می‌دانند مانند بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و پنجم، بیست و هفتم و بیست و نهم (20).

#### اعیاد ملی و مذهبی

مهم‌ترین اعیاد مذهبی که در کردستان رایج است عبارت است از: عید رمضان (عید فطر)، عید قربان، عید مولود حضرت محمد(ص)، عید شب معراج و عید شب برات. در عیدهای رمضان و قربان بازار به مدت ۳ روز تعطیل می‌شود و مردم به دید و بازدید و تبریک و تهنیت می‌پردازند. اصولاً تدارک عید فطر از بیستم رمضان شروع می‌شود و با خرید لباس و کفش و طبخ شیرینی و تشریفات سفره، به استقبال عید می‌روند. با رؤیت هلال ماه شوال و فتوای مجتهد، آمدن عید رمضان را اعلام می‌کنند. برای اعلام فرارسیدن عید، نوجوانان تازه به حد بلوغ رسیده، پشت بام مسجد رفته و دسته جمعی «الله اکبر» می‌گویند. صبح روز اول شوال، مردم برای نماز عید، به مساجد می‌روند و به نماز و خطبه عید می‌پردازند. اما سنت دید و بازدید عید قربان به همان طریق عید

رمضان است که سه روز دکان‌ها و بازارها تعطیل می‌شود. مردم با استحمام کامل و قربانی کردن گوسفند و پوشیدن لباس‌های نو، صبح روز عید قربان به مساجد می‌روند و با تکبیر و توحید و خواندن نماز و دادن عیدی به امام و خادم و فقیه از مسجد بیرون می‌آیند و به یکایک خانه‌ها رفته و عید را تبریک می‌گویند. همچنین به خانواده‌های عزادار سرکشی نموده و با خواندن فاتحه به روح درگذشته، از آنان تسلی و دلجویی می‌کنند (21).

#### عید برات

پانزدهم شعبان را عید برات یا شب قدر می‌نامند و معتقدند که در این روز سرنوشت هر کس تا سال آینده از لحاظ عمر و بلا و روزی تعیین می‌شود.

به این سبب دعای مخصوصی را در شب عید سه بار به نیت طول عمر، دفع بلا و فراوانی روزی می‌خوانند و هر بار سوره «یس» را با آن تلاوت می‌کنند.

دعای عید برات بعد از نماز مغرب و پیش از نماز عشا و صرف شام خوانده می‌شود.

#### عید مولود

روز دوازدهم ربیع الاول که مصادف با ولادت حضرت محمد(ص) است، جشن گرفته می‌شود. ماه ربیع الاول را ماه «مولود» می‌نامند. در این ماه در شهر و دهات استان به همین مناسبت، مراسمی انجام می‌شود که آن را «مولودی» می‌نامند. هزینه این جشن‌ها به صورت دسته‌جمعی یا انفرادی تأمین می‌شود.

در این جشن، خرما، مویز، نقل و غذا آماده می‌کنند و پس از خواندن مولود نامه آن را بین حاضران تقسیم می‌کنند. مولود نامه از سوی پیشنماز یا فرد باسوادی خوانده می‌شود و در خلال آن اشعاری عربی و کردی با آهنگ‌های مخصوصی توسط دسته‌های چند نفری به نوبت خوانده می‌شود. خواندن مولودنامه معمولاً پس از نماز عشا شروع و تا نیمه شب یا طلوع صبح ادامه می‌یابد.

#### عید نوروز

عید نوروز هم که مثل اعیاد دیگر به آن «جیژن» می‌گویند با آدابی همراه است. غروب روز قبل از نوروز، در همه پشت بام‌ها و میدان‌ها و جاهای مرتفع آتش روش می‌کنند. مادران برای بچه‌ها تخم‌مرغ پخته و آن را با «روناس» یا «پوست پخته پیاز» رنگ می‌زنند. شب عید بچه‌ها به پشت‌بام خانه‌ها می‌روند و با آویختن ظرفی از آتش‌دان خانه، درخواست می‌کنند که پول یا چیزی برای آنها در ظرف بیندازند. بچه‌ها در ضمن، این عبارت را با صدای بلند خطاب به ساکنان خانه بر زبان می‌رانند «هاتری ماتری، خوواکوریکی چاوره شکه له تان باتی، بدشی ایمه بخرنده جه ماعاتی» یعنی هاتری ماتری خداوند به شما پسری سیاه چشم عطا کند سهم ما را به حساب گروه بریزید. کار دیگری که در شب نوروز انجام می‌شود ساختن «کوسه» شبیه حاجی فیروز فارسی است که یک نفر صورت خود را سیاه می‌کند و غفلتاً به خانه‌ها سر می‌زند و با تردستی وسیله شادی و انبساط دیگران را فراهم می‌کنند (22).

#### جشن عروسی

پس از انتخاب دختر مورد نظر، خانواده داماد به طور ناخوانده به خانه دختر می‌روند و معیارهایی از قبیل خوشگلی، میزان ثروت خانواده دختر، شغل پدر و موقعیت اجتماعی خانواده دختر را ارزیابی می‌کنند و وقتی از هر حیث شئونات خانواده دختر و خود دختر نظر خانواده داماد را جلب کرد روزی به اتفاق داماد جهت آشنایی بیشتر به دیدار خانواده دختر می‌روند. ولی چنان چه خانواده دختر آنان را پسند نکرده باشد شخص ریش سفیدی را به خانه داماد می‌فرستند و به بهانه‌هایی، عدم آمادگی دخترشان را برای ازدواج، به اطلاع آنان می‌رسانند.

وقتی قرار تمام شد، طرفین مبارک باد می‌گویند و دهان خود را شیرین می‌کنند. سپس قرار شیرینی خوران و وقت آن تعیین می‌شود.

شیرینی خوران معمولاً به فاصله کمتر از یک هفته از مدت خواستگاری انجام می‌شود و

رسم آن به این ترتیب است که از دو روز قبل کارت‌ها و دعوت‌نامه‌ها نوشته می‌شود و طایفه داماد و دوستان او در منزل داماد جمع می‌شوند و خانواده عروس نیز در منزل خود از دختران محل و اقوام نزدیک دعوت می‌نمایند.

همچنین داماد لیست و ایستگان مرد عروس را از خانواده آنها می‌گیرد و دعوت به عمل می‌آورد که به منزل داماد بروند. در آنجا مطربان محلی با سازهای خود مشغول نواختن می‌شوند جوانان به رقص و پایکوبی می‌پردازند و پس از مدتی رقص و پایکوبی از آنان با چای و شیرینی پذیرایی می‌شود.

سپس داماد را کنار عروس می‌نشانند و حلقه نامزدی بین‌شان عوض می‌شود و به این ترتیب مراسم شیرینی خوران تمام می‌شود. در این مراسم معمولاً علاوه بر انگشتر، یک دست لباس محلی نیز برای عروس تهیه می‌شود. از تاریخ مراسم نامزدی تا زمانی که منزل عروس از داماد و کسان او به صرف ناهار و یا شام دعوت می‌کنند در اصطلاح محلی «پاکردن‌هوه» یعنی پاکشایی نامیده می‌شود. پس از آن نوبت عقدکنان می‌رسد بعضی از خانواده‌ها زودتر عقد می‌کنند و بعضی پس از یکسال و یا بیشتر عقد را انجام می‌دهند اما تجربه نشان داده است که هر چه ایام نامزدی بیشتر طول بکشد امکان جدائی دو نامزد بیشتر است. مراسم عقد کنان با حضور سردقتر و چهار نفر شاهد و خویشاوندان نزدیک طرفین انجام می‌گیرد.

بعد از قرائت خطبه و اجرای صیغه عقد دائم، عروس و داماد دفاتر را امضا می‌کنند. مراسم با صرف شیرینی و تبریک گفتن به خانواده عروس و داماد پایان می‌یابد، گاه پس از عقد مراسم عروسی برگزار می‌شود. در این مدت هرگاه اعیاد رمضان و قربان و نوروز پیش می‌آید از طرف خانواده داماد برای عروس هدیه‌ای به نام «عیدانه» می‌برند که معمولاً یک سکه طلا و جعبه‌ای شیرینی همراه با چند شاخه گل و یا پارچه‌ای زیبا برای قبا یا پیراهن است. چند روز مانده به عروسی مراسم (جل برین) لباس بریدن برپا می‌شود. برای لباس بریدن دسته‌ای زن از طرف خانواده عروس و دسته‌ای از طرف خانواده داماد تعیین می‌شود و زنان به سلیقه خود از میان پارچه‌ها لباس‌ها را انتخاب می‌کنند و بر بالای آنها مقداری آب نبات و شیرینی می‌ریزند و دسته‌جمعی می‌خورند. در این مراسم برای خواهر و مادر و خاله و عمه داماد لباسهایی می‌خرند. مجلس عروسی بیشتر در روز جمعه است زیرا که مردم تعطیل هستند و با فراغت بیشتری به عروسی می‌روند. ۲۴ ساعت مانده به عروسی، کارتهای دعوت توزیع می‌گردد. با تأییدات خداوند متعال مراسم جشن عروسی برگزار می‌شود و مردم به صرف ناهار دعوت می‌شوند. در شب عروسی که از بعدازظهر پنج شنبه آغاز می‌شود جوانان برای رونق بخشیدن به مجلس جشن و رقص و پایکوبی که در اصطلاح کردی «پی خوسو» نامیده می‌شود، دعوت می‌شوند. سپس لباس، برنج، روغن و گوسفند و سایر اشیایی که تهیه دیده شده برای منزل عروس با سلیقه خاصی بر روی مجموعه‌های مسی گذاشته می‌شود و بر سر آنها پارچه‌های رنگارنگ زیبا می‌کشند و بر سر می‌گذارند و در جلوی آنها گوسفندی که بر گردنش دستمال قرمزی بسته شده حرکت داده می‌شود. پس از صرف ناهار جهت آوردن عروس حرکت می‌کنند که در حال حاضر این کار با ماشین انجام می‌گیرد. وقتی به خانه عروس رسیدند، مدتی را به رقص می‌گذرانند در این موقع برادر داماد به داخل منزل عروس رفته و پیش عروس می‌رود و شال کمرش را می‌بندد و عروس را آماده حرکت می‌کند. آمادگی عروس به مطرب اطلاع داده می‌شود و او با سرنا آهنگ سواره سواره را می‌نوازد با نواختن این آهنگ، مدعوین حرکت می‌کنند و برادران عروس و یا نزدیکان او هر یک، یک دست او را می‌گیرند و به جلو درب خروجی می‌آورند و در آنجا برادران و یا نزدیکان داماد دو نفر جلو می‌روند و عروس را می‌گیرند و پدر و مادر و خویشاوندان درجه اول عروس جلو درب می‌ایستند و عروس در مقابل آنها سه بار تعظیم می‌کند و آنها به عروس خدانگهدار می‌گویند.

يك نفر از طرف داماد مثلاً برادر او آئینه‌ای در مقابل عروس می‌گیرد و دیگری هم چراغی در دست دارد به این ترتیب با آهنگ دهل و سرنا به سمت منزل داماد می‌روند. نزدیک منزل داماد که رسیدند چند نفر برای آوردن داماد می‌روند و داماد در میان هلله و شادی مردم به عروس نزدیک می‌شود و شیشه‌ای عطر بر سر او می‌پاشد. داماد فوراً به منزل برمی‌گردد و وقتی عروس به در منزل رسید مادر داماد مقداری نقل و سکه‌های پول خرد بر سر او می‌ریزد. سپس عروس و داماد را در اتاقی که برای این مراسم تهیه دیده شده، می‌نشانند و با کوزه‌ای که عروس از خانه خود آورده يك لیوان آب می‌آورند که هر کدام نصف آب لیوان را می‌نوشند. سپس داماد مشت‌های عروس که بسته است را باز می‌کند و در مشت او که تکه‌ای نبات است را برمی‌دارد و می‌رود(23).

#### باورها

- اگر مرغی صدای خروس در بیاورد باید فوری نابود شود وگرنه صاحب‌خانه می‌میرد.  
- اگر کسی سه بار در روز سه شنبه ریش خود را بتراشد، سر او به دست دشمن بریده می‌شود.

- اگر کسی بی جهت نمک بر زمین بریزد، در روز قیامت باید با مژه‌ها نمکها را جمع کند.

- اگر در شب سگی زوزه بکشد بالای آسمانی نازل خواهد شد. از این رو برای رفع بلا باید کفش‌های اهل خانه را وارونه کرد.

- اگر هنگام صرف چای، تفاله درشت چای روی استکان بیاید، میهمان می‌آید.  
- در شب ناخن گرفتن بدببیری می‌آورد.

- گوشت قربانی در شکم به ذکر خدا و رسول مشغول است.

- در شب جمعه باید غذای خوب خورد زیرا روح بزرگ خانواده در آنجا حاضر است.  
- رفتن به حمام در چهارشنبه‌ها شوم است.

- اگر کلاغی بر بام خانه بنشیند و قارقار کند میهمان عزیزی می‌آید.

- اگر روی غذای مانده بسم الله نگوئیم، اجنه آن غذا را می‌خورند.

- لیسیدن گربه دست و پای خود را در خانه‌ای، مژده از رسیدن میهمان برای آن خانه دارد(24).

#### ضرب المثل‌ها

- سهر چوپیان دا به دست گامیشونه چوبولای کاپنه که وو.

سر چوبی را به گاو میش دادند، به طرف کاهدان می‌رفت. اشاره به شخص سودجو و خودبین است که او را مأمور انجام کاری کنند ولی به جای خدمت به مردم به نفع خود بیاندیشد.

- نازانیت هه لپه ری ئیژی حه وشه که ی لاره.

رقصیدن را بلد نیستی می‌گویی حیاط ناهموار و کج است!

- بز ن نه نهلی بیت نانی شوان نه خوات.

وقتی اجل بز برسد، نان چوپان را می‌خورد.

- به کهر نا ویریت به کورتان رپه ره پیه‌تی.

زورش به الاغ نمی‌رسد پالان او را می‌کوبد(25).

#### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

#### پیشینه مذهبی

مردم کردستان پیرو دین اسلام و مذهب سنی شافعی هستند، به جز عده‌ای از اهالی سنندج و برخی کوچ نشینان ایل‌های کلهر، سنجابی و گوران که شیعه‌اند. گردان پیش از پذیرا شدن مذهب اسلام، زرتشتی بوده‌اند. قبل از آن نیز مانند سایر ایرانیان عناصر مختلف طبیعت را پرستش می‌کردند. پس از آنکه مسیحیت از اواخر سده

چهارم میلادی، دین رسمی روم گردید و آشکارا به ترویج آن پرداختند، این مذهب به وسیله رومیان از راه سوریه به ارمنستان و کردستان راه یافت و کردان پیش از پذیرفتن زرتشت، مسیحی بوده‌اند. وجود آتشکده‌های کهن در سرزمین کردستان مانند: آتشکده پاوه بر یکی از بلندترین ارتفاعات جنوب شرقی شهرستان پاوه و آتشکده‌های ناحیه ریجاب و حلوان که با نام اسلامی هنوز پا برجا هستند و آتشکده بزرگ «آتور گشنسب» در سرزمین کرد نشین تخت سلیمان شیز (گنزک)، بر پیشینه زرتشت بودن کردان دلالت دارد که حتی امروزه نیز در میان طایفه‌های مختلف کرد بعضی از آثار آیین زرتشتی مانند: قسم خوردن به آتش و اجاق، مقدس شمردن درختان کهن و احترام زیاد به مردگان و افروختن آتش بر بلندای ارتفاعات رایج می‌باشد.

در میان طوایف کرد، یزیدیه‌ها بیشتر از دیگران تمامیت دینی خود را محفوظ نگاه داشته‌اند. در نظر این طایفه خداوند خالق عالم است ولی حافظ و نگاهدارنده آن نیست، فاقد قدرت و فداکاری است و کاری به جهان ندارد. از دیگر فرق مذهبی منطقه کردستان، می‌توان از اهل حق، علی‌اللهی، صارلی، شبک، بجوران، قادری و نقشبندیه نام برد(26).

تعدادی از پیروان اقلیت‌های مذهبی (زرتشتی، یهودی، مسیحی) نیز در کردستان زندگی می‌کنند که بیشتر آنان در سنندج ساکن می‌باشند(27).

بر پایه آمار سال ۱۳۷۵، ۹۰/۹۹ درصد از جمعیت این استان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این نسبت در نقاط شهری ۸۶/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۹۴/۹۹ درصد بوده است. هم‌چنین ۰۲/۰ درصد زرتشت، ۰۱/۰ درصد کلیمی و ۰۷/۰ درصد سایر ادیان و اظهار نشده گزارش شده است(28).

#### اماکن مذهبی

بر پایه آمار سال ۱۳۷۵، در استان کردستان، ۱۷۷۸ مسجد، ۱۱۱ زیارتگاه و امامزاده، ۶ قدمگاه، ۴۶ تکیه، ۲۴ حسینیه، ۳۰ خانقاه و ۲ مرکز مذهبی سایر فرق گزارش شده است(29).

برخی از مساجد قدیمی استان عبارتند از:

- 1- مسجد حاجی علی پسر آقا رضا علی حبیبی سنندجی.
- 2- مسجد ملا شمس‌الدین در سنندج.
- 3- مسجد بازار در سنندج.
- 4- مسجد شیخ‌الاسلام در سنندج.
- 5- خانقاه شاه نعمت‌الله ولی در سنندج.
- 6- مسجد امام محمد غزالی در سنندج.
- 7- مسجد دو مناره در سقز.
- 8- مسجد ملاویسی در سنندج.
- 9- مسجد ولی در سنندج.
- 10- مسجد وزیر در سنندج(30).

#### مدارس علوم دینی

در استان کردستان سه مدرسه علوم دینی گزارش شده است که عبارتند از:

- 1- مدرسه امام جعفر صادق(ع) در شهرستان بیجار.
- 2- مدرسه امام جعفر صادق(ع) در شهرستان قروه.
- 3- مدرسه علوم دینی شهرستان بوکان(31).

#### بزرگان و مشاهیر

- سردار عزیز خان مکرئ:

از فرماندهان ارتش ایران که صاحب املاک فراوانی بود. وی انسانی متین و باوقار بود و از بزرگان طایفه مکریان به حساب می‌آمد.

-علامه ملا محمد قزلی:

او که نوه ملا علی قزلی از ستارگان فروزنده دانش این دیار بود نه تنها در کردستان بلکه در کشورهای مسلمان عراق و مصر شایستگی‌های علمی خود را به ظهور رساند و برای جهان اسلام خدمات زیادی انجام داد. وی در تقوا و فضل و امانت داری زبان زد همگان بود.

مدفن وی در غزالی زیارتگاه خواص می‌باشد.

-شیخ محمد خوانچه سپهرالدین:

از بزرگان شهرستان بوکان بود که اجازه نامه اجتهاد را از مرحوم قاضی علی آقا دریافت نمود و در هشتاد و هشت سالگی دار فانی را وداع گفت. وی در خانقاه شرفکنده مدفون است.

-قاضی محسن مکرئ:

مشهور به قاضی، داماد مولانا ملا علی قزلی در فقه و اصول اسلامی تسلط بسیار داشت. شخص خوش سیما و بخشنده بود و در آرامگاه سرداران نامدار بوکان مدفون است.

-ملا احمد ربانی:

از ادبای برجسته و خطیب مشهور که در قریه پیرونس بوکان متولد شد و در شهر مهاباد از محضر مرحوم ملامحمد حسن برهانی اجازه افتا گرفت و سپس در شهرستان سقز به تدریس پرداخت و در همان شهر نیز دار فانی را وداع گفت.

-مرحوم مصباح الدیوان ادب:

عبدالله خان مصباح الدیوان از شعرای نامی و هنرمند مشهور گرد بود که از محمد شاه قاجار لقب «ادب» را گرفت (32).

-علامه ملا احمد لاسور:

مدرس علوم دینی و والد جناب علامه ملا علی بغده کندی، که بسیاری از روحانیون منطقه از شاگردان و تربیت یافتگان آن شادروان بوده و می‌باشند.

-مرحوم استاد ملا صالح فاروقی:

ملا صالح فاروقی امام خانقاه نقشبندی شهرستان سقز و مدرس علوم دینی که شاگردان بسیاری را تربیت کرد.

-میرزا عبدالحمید ملک الکلامی شرقی:

یکی از شعرا، دانشمندان و خوشنویسان سقز بود که لقب امیرالکتابی داشته و بسیاری از اساتید خط کنونی ایران از شاگردان او بوده‌اند.

-شیخ جلال الدین نقشبندی (دهشت):

مرحوم شیخ جلال الدین نقشبندی از مشایخ و علمای معتبر سقز بوده که در سقز به دعوت سپهبد رزم‌آرا نخست وزیر وقت ایران، مسموم شد و جهان را بدرود گفت (33).

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### جنگ جهانی اول

استان کردستان از لحاظ سیاسی همواره یکی از سرزمین‌های مورد نظر بیگانگان و به عنوان مرکز ثبات و امنیت کشور محسوب می‌شده است.

مهم‌ترین رخداد قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۰۸ م)، قیام رئیس عشایر میلی یعنی ابراهیم پاشا بود. وی به محض انتخاب به ریاست ایل میلی، آرام ننشست و با جمع‌آوری خرابکاران در بین راه ماردین و دیاربکر به مبارزه با حکومت مرکزی پرداخت، سپس با تشکیل سپاه حمیدیه به مسند میر میرانی نائل آمد که بر تمام عشایر عرب منطقه مسلط شد. پس از اعلان مشروطیت نیز بر علیه حکومت دست به شورش زد. در نتیجه سپاه بزرگی مأمور سرکوبیش گردید و سرانجام در جبل عبدالعزیز در محاصره افتاد و کشته شد. قبل از جنگ جهانی اول در حدود یک سال در منطقه بتلیس به رهبری ملاسلیم

شهاب‌الدین حرکتی آغاز شد ولی نیروهای دولت عثمانی خیلی زود این غائله را خواباندند و رهبر اصلی این واقعه، که همان ملا سلیم بود، به سفارت روسیه پناهنده شد و پس از جنگ جهانی اول کشته شد. در جریان جنگ جهانی اول ۱۹۱۸-۱۹۱۴ جرعه آتش این جنگ، سرزمین کردستان را هم به آتش کشید و عوارض آن برای قوم کرد به صور مختلف کشنده و نابود کننده بود. در اواخر جنگ جهانی اول با ظهور ضعف در قوای آلمان و به دنبال آن ضعف سپاهیان عثمانی، گروه‌های سیاسی کرد از هر طرف شروع به فعالیت کردند. شریف پاشا در پاریس مسئولیتی به عهده گرفت و در ۲۲ مارس ۱۹۱۹ و اول مارس ۱۹۲۰ دو گزارش و پیشنهاد به کنفرانس صلح تحویل داد که در آنها حقوق کردها تشریح شده بود. در همین سال (۱۹۱۹) بین شریف پاشا و نماینده ارمنه ائتلاف نامه‌ای نوشته شد. سرانجام در آگوست ۱۹۲۰ معاهده سیور به امضاء رسید.

### قیام ۱۹۳۰ م.

این قیام که پایه‌های شکل‌گیری آن از پنج سال قبل صورت گرفته بود از کوه‌های آارات (مرکز ملی گرایان گرد) شروع شد و رهبری آن با احسان نوری پاشا بود که باعث تلفات مالی و جانی فراوانی بر نیروهای دولتی گردید. در مقابل باعث تحمیل صدمات و خسارات جبران ناپذیری بر مردم کردستان نیز شد (34).

سرانجام سیاست روس‌ها در راستای حمایت از ارمنی‌ها به ضرر کردها تمام شد و امید کردان در جلب نظر روس‌ها به یأس تبدیل شد. پا گرفتن جنبش ملی ارمنه و افزایش خطر، کردها را به مقابله با ارمنی‌ها برانگیخت و موجب کشتار هزاران ارمنی شد. روس‌ها که در همان ایام (۱۹۰۹ م.) در ایران مستقر بودند به کردستان تاختند و به یاری ارمنه، دست به کشتار کردان زدند. در خلال حمله روس‌ها به بانه کردستان، اقلیت یهودی، شهر را ترک نکردند و با روس‌ها از در دوستی برآمدند. این کار یهودی‌ها، سایر کردها را نسبت به آنها بدبین نمود. در نتیجه ضمن لشکرکشی شیخ محمود به بانه، یهودی‌ها غارت شده و مورد آزار قرار گرفتند (35).

### واقعه کشف حجاب

اگرچه ظلم‌های رضاشاه بر کشور عزیزمان برای هیچ کس پنهان نیست ولی ستمش بر کردها مضاعف بود. او همچون مصطفی کمال در ترکیه، می‌خواست با تغییر لباس مردم و خط کنونی به لاتین، مانند ترکیه به اصطلاح ایران را به تمام معنی به صورت یک کشور غربی درآورد. به این منظور در دی ماه ۱۳۰۷ برای متحد الشکل نمودن البسه اتباع ایران، قانونی را در مجلس فرمایشی تصویب کرد که در اجرای این قانون، مأموران محدودیت‌هایی را برای مردم کردستان فراهم کردند و هر کسی را که با لباس کردی می‌دیدند تحت تعقیب قرار می‌دادند و پوشیدن لباس کردی پنج تومان و دو ریال جریمه داشت که جریمه‌های سنگین محسوب می‌شد. پنج‌شنبه‌ها افراد سرشناس به اتفاق همسرانشان مجبور بودند با "ع لباس خارجی و بدون حجاب برای استماع سخنرانی درباره نظام پادشاهی حضور یابند (36).

این حرکت علی‌رغم تهدیدات همه جانبه، مخالفت‌های منطقه‌ای را به دنبال داشت. به طوری که در سند شماره ۴۸، نهضت بانوان کردستان در نامه‌ای خطاب به دفتر مخصوص شاهنشاهی، ناتوانی خود را از اجرای فرمان کشف حجاب در زنان کردی ابراز کرده و خواستار مدارا کردن با زنان کرد و ملاحظه نمودن جهت پوشش محلی کردی تا آمادگی جو کردستان برای کشف حجاب، شد (37).

### کردستان و انقلاب اسلامی

مردم مظلوم کردستان که در دوره معاصر از طریق بسیاری از زمینه‌ها نظیر احساسات ناسیونالیستی، اختلافات مذهبی، فقر فرهنگی و شخصیت‌ها و دستجات وابسته مورد سوء استفاده قرار گرفته بود، با ظهور انقلاب اسلامی حقانیت جایگاه کرد به دیده احترام نگریسته شد و ماهیت نهضت‌های ناسیونالیستی کردستان که در دهه‌های اخیر به کلی



رنگ باخته بودند، برملا شد.

طرح احزاب سیاسی کردستان در قالب حزب دمکرات به رهبری قاسملو، حزب کومه له به رهبری مهدی، حزب توده کردستان به رهبری غنی بلوریان و شخصیت‌های خود فروخته‌ای مانند شیخ عزالدین حسینی، پالیزبان اویسی، شیخ عثمان نقشبندی و سالار جاف به جز آماده سازی منویات شوم خائنانه به ملت کرد، توجیه دیگری نداشت (38).

مطالعات مختصر تاریخ قوم کرد نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا همواره کوشیده است تا ملت کرد را وجه المصالحه اهداف شوم خود در منطقه قرار دهد و یا در موقع لزوم آن را قربانی توافق‌های پشت پرده خویش با ابرقدرت شرق سازد. آخرین این توطئه‌ها در سال ۱۹۷۵ ضمن توافق محمدرضاشاه با صدام حسین در الجزایر پشت سر مردم کرد صورت گرفت. از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ تماس‌های مکرری میان ملا مصطفی بارزانی و دولت ایران و سازمان «سیا» در تهران، به منظور جلب کمک‌های آمریکا در جنگ علیه عراق صورت گرفت که در این راستا پس از اعلام سیاست ملی کردن صنایع نفت عراق، آمریکا تصمیم می‌گیرد ۱۶ میلیون دلار برای هزینه خرید سلاح‌های ارسالی به اکراد کمک نماید. در سال ۱۹۷۳ اسرائیل با ملا مصطفی تماس گرفته و به وی اصرار کرد تا از فرصت عزیمت ارتش عراق به سوریه جهت شرکت در جنگ اکتبر استفاده کند و دست به یک حمله وسیع در عراق بزند. گرچه نباید غافل شد که نیت شوم آمریکا در پرورش ملامصطفی بارزانی در قبل از انقلاب اسلامی، برای اجرای اهداف خویش در بعد از انقلاب، با تغییر مهره سیاسی شخص دیگری به نام دکتر عبدالرحمن قاسملو تحقق یافته بود ولی یقیناً سرنوشتی جز سرنوشت جنبش پرطمطراق خلق کرد، که به دامان آمریکا پناهنده شد و با همدست شدن با مهره‌های سیا استعمار به حیات خفت باری از صدقه سر آنان قانع شدند؛ نداشتن است (39).

پی‌نوشت‌ها:

- 1- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۳۳۱.
- 2- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان، آمارنامه استان کردستان ۱۳۷۱، صص ۵۴۹-۵۵۰.
- 3- سازمان برنامه و بودجه، آمارنامه استان کردستان، ۱۳۷۵، صص ۷-۸.
- 4- سید یدالله نجفی، جغرافیای عمومی استان کردستان، صص ۴۳-۴۰ (با اضافات).
- 5- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۳۳۸.
- 6- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان، همان، صص ۳۳۷-۳۳۶.
- 7- همان، ص ۳۱۴.
- 8- میرزا شکر الله سنندجی (فخر الکتاب)، تحفه نامری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به انضمام مقالات حشمت الله طیبی، ص پنج الی هفت.
- 9- عزیز الله بیات، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، صص ۳۷۸-۳۷۳ (با تلخیص).
- 10- سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، صص ۱۰۸-۱۰۹.
- 11- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۳۳۶.
- 12- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان کردستان، ص شانزده.
- 13- همان، ص بیست و شش و ۶۶.
- 14- میرزا شکرالله سنندجی (فخر الکتاب)، همان، صص ۲۴-۱۸ (با تلخیص).
- 15- همان، ص ۵-۸ (با تلخیص).
- 16- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 17- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان، همان، صص ۲۱۱-۱۹۹.

- 18- همان، ص ۲۱۹-۲۱۵.
- 19- همان، ص ۲۲۷.
- 20- محمود افندی، آداب و رسوم کردان، صص ۱۷۳-۱۷۲ (با تلخیص).
- 21- برهان ایازی، آینه سنج، صص ۱۸۷-۱۷۰ (با تلخیص).
- 22- محمد رئوف توکلی، جغرافیا و تاریخ بانه کردستان، صص ۶۷-۶۵ (با تلخیص).
- 23- عمر فاروقی، نظری بر تاریخ و فرهنگ سقز کردستان، صص ۲۸۸-۲۸۱ (با تلخیص).
- 24- عمر فاروقی، نظری بر تاریخ و فرهنگ سقز کردستان، صص ۳۴۸-۳۴۶ (با تلخیص).
- 25- عمر فاروقی، تاریخ و فرهنگ سقز کردستان، صص ۳۲۱-۳۲۰.
- 26- مسعود گلزاری، کرمانشاهان - کردستان، جلد اول، صفحه هفتاد و نه - صد و شش (با تلخیص).
- 27- ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۳۳۶.
- 28- مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
- 29- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱.
- 30- برهان ایازی، همان، صص ۴۷۲-۴۲۶) با تلخیص).
- 31- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم؛ و ابراهیم افخمی، تاریخ فرهنگ و ادب مکریان، ص ۲۹.
- 32- ابراهیم افخمی، همان، (قسمت نامداران).
- 33- عمر فاروقی، همان، (قسمت مشاهیر).
- 34- محمد امین زکی، تحقیقی درباره کرد و کردستان، صص ۱۹۴-۱۸۳ (با تلخیص).
- 35- محمد رئوف توکلی، جغرافیا و تاریخ بانه کردستان، ص ۱۷۸ (با اضافات).
- 36- همان، صص ۱۸۹-۱۸۸.
- 37- مرتضی جعفری، صغری اسماعیلزاده و معصومه فرشچی، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب، ص ۱۷۸.
- 38- دفتر سیاسی سپاه پاسداران، کردستان، امپریالیزم و گروه‌های وابسته، صص ۱۷-۱۰ (با تلخیص).
- 39- همان، صص ۱۰-۶ (با تلخیص).



### بخش اول: جغرافیای طبیعی

استان مرکزی با ۲۹۴۰۶ کیلومتر مربع مساحت، ۸۲/۱ درصد از مساحت کشور را دارا می‌باشد و تقریباً در مرکز ایران بین ۳۳ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۱ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این استان از شمال به استانهای تهران و زنجان، از مغرب به استان همدان، از جنوب به استانهای لرستان و اصفهان و از مشرق به استان قم محدود می‌شود.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، استان مرکزی دارای ۸ شهرستان شامل ۱۵ بخش، ۱۸ شهر، ۶۰ دهستان و ۱۵۳۹ آبادی دارای سکنه بوده است و مرکز

آن شهر اراك می‌باشد.

استان مرکزی چون از يك طرف در کوير مرکزی و از طرف ديگر در محل زاويه چين‌خوردگی البرز و زاگرس واقع شده است، دارای سه نوع آب و هوا می‌باشد: ۱ - آب و هوای نیمه بیابانی در شهرستان‌های ساوه و زرند؛ ۲ - آب و هوای معتدل کوهستانی در شهرستان‌های اراك، خمین، تفرش و محلات؛ ۳ - آب و هوای سرد کوهستانی در شهرستان‌های آستانه و شازند(1).

### بخش دوم جغرافیای اقتصادی

اقتصاد استان مرکزی بر سه محور کشاورزی، صنعت و دامپروری استوار است. وجه غالب اقتصاد این استان در نقاط روستایی، کشاورزی و در نقاط شهری، صنعت می‌باشد.

### کشاورزی

از مجموع چهار میلیون هکتار مساحت استان، ۷۵۰۰۰۰ هکتار آن (تقریباً ۱۹ درصد) اراضی زیر کشت می‌باشند. محصولات مهم کشاورزی استان، شامل گندم، جو، حبوبات، آفتابگردان، پنبه، چغندر قند، تنباکو، گوجه فرنگی و پیاز است. میزان تولید گندم این استان در سال ۱۳۷۵، ۱/۶ درصد تولید کل گندم کشور بوده است. از محصولات کشاورزی استان، گندم، جو، انگور، سبزی و خشکبار اراك، انار و طالبی ساوه، گل و کاهوی محلات، بادام و گردو تفرش، گندم و لوبیای خمین و گندم و پیاز زرند ارزش صادراتی دارند که به سایر شهرها صادر می‌شوند(2).

### صنایع و معادن

در حال حاضر بیش از ۱۵۰۰ کارگاه کوچک و بزرگ صنعتی در استان مرکزی مشغول به فعالیت هستند که بیش از ۷۰ واحد آن صنایع ماشینی بزرگ است. مهمترین این صنایع عبارتند از: ماشین سازی اراك، مجتمع پتروشیمی اراك، کارخانه تولید آلومینیوم، کارخانه هپکو، کارخانه کابل‌سازی ایکو، کارخانه واگن سازی پارس، کارخانه کمباین سازی ایران، کارخانه لاستیک سازی پارس، شرکت صنایع، کارخانه قند شازند، کارخانه شمس، شرکت صنایع آذر آب و...

این استان دارای ۱۱۲ معدن مختلف می‌باشد که مهمترین آن عبارتند از: معدن سنگ آهن در شمس‌آباد و معادن سرب، روی و منگنز، باریتین، سنگ تراورتن، گچ و سنگ نمک در شهرستان‌های اراك، آشتیان، خمین، دلیرجان، ساوه، تفرش و = محلات(3). بخش

### سوم: جغرافیای تاریخی

استان مرکزی در منطقه‌ای واقع شده که در زمانهای قدیم آن را «ماد بزرگ» و در دهه‌های اول اسلامی، «ایالت جبال» و در سده‌های بعد «عراق عجم» می‌گفتند. زمانی که اعراب به ایران آمدند - در مقابل جلگه بین‌النهرین که به آن «سواد» می‌گفتند - به کوهستانهای مغرب ایران، نام «جبال» دادند. ایالت جبال شامل استانهای امروزی اصفهان، همدان، باختران، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کردستان، زنجان، لرستان، تهران و استان مرکزی می‌شد. به این ترتیب ایالت جبال از غرب به کشور عراق، از شرق به کویر لوت، خراسان و کرمان، از شمال به رشته کوه‌های البرز و از جنوب به خوزستان و فارس محدود بود.

هنگامی که سلجوقیان قدرتشان به آنجا رسید که حتی در بین‌النهرین نفوذ پیدا کردند و خلفای عباسی را مطیع خویش نمودند، از طرف خلفای عباسی به آن لقب «سلطان العراقرین» داده شد و منظور آنها از دو عراق، یکی کشور عراق فعلی و دیگری استان جبال بود که مرکز قدرت سلجوقیان به شمار می‌رفت. سپس برای اینکه دو عراق با هم اشتباه نشود، ایالت جبال را «عراق عجم» نامیدند (در مقابل عراق عرب که حدودش از آبادان تا موصل در طول و از قادسیه تا حُلوان در عرض بود) و این اصطلاح تا دوره مشروطیت باقی ماند.

بنابراین با توجه به اینکه منطقه استان مرکزی در مرکز ایالت عراق عجم قرار گرفته بود

ظاهراً نام استان مرکزی برگرفته از این مرکزیت است و بر این استان اطلاق شده است. برخی نیز معتقدند به خاطر قانونی که در سال ۱۳۳۹ه.ش در مجلس شورای ملی تصویب شده بود، این استان به همراه استان تهران کنونی به علت اینکه تقریباً در مرکز ایران واقع شده بود، مرکزی نامیده شد.

«شهرستان اراک» که هم اکنون مرکز استان مرکزی و از شهرهای صنعتی ایران به شمار می‌رود، قدمت چندانی ندارد و بنای آن را مربوط به سال ۱۲۴۰ه.ق در دوره قاجاریه می‌دانند. ابتدا دهی به نام «سلطان آباد» بود و سپس به «عراق» مشهور شد و در سال ۱۳۱۴ شمسی نام آن به «اراک» تبدیل گردید(4).

#### آثار و بناهای تاریخی

مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی استان مرکزی عبارتند از:

- آتشکده برزو. ۱۲ کیلومتری راهجرد (دوره ساسانی).
- بقعه سهل بن علی(ع). آستانه، 40 کیلومتری جنوب غربی اراک (صفویه - قاجار).
- آستانه هفتاد و دوتن. ساروق، اراک (دوره سلجوقی).
- آتشکده سلوکی. خمین، دره خوره.
- تپه‌های تاریخی آوه 40 کیلومتری جنوب شرقی ساوه.
- امامزاده سلطان سید محمد عابد (مشهد میقان) (دوره صفویه).
- مناره مسجد میدان. ساوه (۴۵۳ه.ق).
- مقبره سید اسحاق. ساوه (صفوی).
- مسجد جمعه و مناره آن. ساوه (دوره ایلخانی و سلجوقی).
- آتشکده آشکوه. محلات (ساسانی).
- محراب امامزاده ابوالفضل. محلات.
- بقعه امامزاده یحیی. محلات (دوره مغول).
- مدرسه سپهدار. اراک (دوره فتحعلی شاه قاجار).
- مجموعه تاریخی بازار. اراک (دوره قاجاریه).
- گرمابه چهارفصل. اراک (قاجاریه).
- مسجد جامع شش ناو. تفرش (دوره سلجوقی).
- امامزاده محمد(ع). (تفرش (عصر صفویه).
- امامزاده قاسم(ع). تفرش (قریب به پانصد سال پیش(5)).

#### بخش چهارم اوضاع اجتماعی - فرهنگی

##### فصل اول: ویژگیهای جمعیتی

در آبان ماه ۱۳۷۵، جمعیت استان مرکزی ۱۲۲۸۸۱۲ نفر بوده است. از این تعداد ۰۹/۵۷ درصد در نقاط شهری و ۹۱/۴۲ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. از مجموع جمعیت این استان ۶۱۶۱۵۶ نفر مرد و ۶۱۲۶۵۶ نفر زن بوده‌اند که در نتیجه، نسبت جنسی برابر ۱۰۱ به دست می‌آید(6).

جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان مرکزی: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	1228812	616156	612656	272063
ساکن در نقاط شهری	701547	356798	344749	157117
ساکن در نقاط روستایی	527265	259358	267907	114946
شهرستان آشتیان	21334	10798	10536	5349
ساکن در نقاط شهری	8407	4688	3719	1963
ساکن در نقاط روستایی	12927	6110	6817	3386

129875	296020	300550	596570	شهرستان اراک
87812	194923	200443	395366	ساکن در نقاط شهری
42063	101097	100107	201204	ساکن در نقاط روستایی
12609	26790	25437	52227	شهرستان تفرش
3580	7177	7736	14913	ساکن در نقاط شهری
9029	19613	17701	37314	ساکن در نقاط روستایی
25741	59935	58489	118424	شهرستان خمین
12089	27937	28398	56335	ساکن در نقاط شهری
13652	31998	30091	62089	ساکن در نقاط روستایی
10139	19970	20791	40761	شهرستان دلپجان
6655	13520	14429	27949	ساکن در نقاط شهری
3484	6450	6362	12812	ساکن در نقاط روستایی
50429	110249	113180	223429	شهرستان ساوه
30472	66284	69913	136197	ساکن در نقاط شهری
19957	43965	43267	87232	ساکن در نقاط روستایی
26588	67110	64178	131288	شهرستان سربند
5742	13838	13313	27151	ساکن در نقاط شهری
20846	53272	50865	104137	ساکن در نقاط روستایی
11333	22046	22733	44779	شهرستان محلات
8804	17351	17878	35229	ساکن در نقاط شهری
2529	4695	4855	9550	ساکن در نقاط روستایی

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان مرکزی.

### وضع فعالیت

در آبان ماه ۱۳۷۵، از مجموع ۹۴۲۱۵۸ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان، ۳۳۸۳۵۵ نفر فعال و ۵۹۴۳۸۳ نفر غیرفعال بوده‌اند. از مجموع جمعیت فعال، ۳۱۲۹۷۰ نفر شاغل، ۷۰۸۹ نفر بی‌کار قبلاً شاغل و ۱۸۲۹۶ نفر بیکار قبلاً غیر شاغل و از مجموع جمعیت غیرفعال، ۲۵۲۴۱۲ نفر محصل، ۲۹۳۷۰۹ نفر خانه‌دار، ۲۵۸۴۰ نفر دارای درآمد بدون کار و ۲۲۴۲۲ نفر جز گروه سایر بوده‌اند. بر اساس این آمار، افراد شاغل و افراد بیکار (جویای کار) در مجموع، ۳۵/۹۱ درصد از جمعیت ده ساله و بیشتر این استان را تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت در نقاط شهری، ۹۷/۳۳ درصد و در نقاط روستایی، ۵۰/۳۸ درصد بوده است. از جمعیت فعال این استان، ۵۹/۸۶ درصد را مردان و ۴۱/۱۳ درصد را زنان تشکیل می‌داده‌اند (۷).

### زبان و نژاد

مردم استان مرکزی از نژاد آریا و ایرانی‌الصل می‌باشند و همانند همه ایرانیان در حفظ آداب و رسوم باستانی خود کوشا هستند. زبان رسمی مردم این استان فارسی می‌باشد ولی لهجه‌های محلی از قبیل ترکی، خلجی، بوریسه، آشتیانی، غربت و... نیز در این استان رایج می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با زبان لری دارند.

### فصل دوم: آموزش و پرورش

در آبان ماه ۱۳۷۵، از ۱۰۷۸۲۹۰ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۳۱/۷۹ درصد

باسواد بوده‌اند. این نسبت در بین مردان 84/72 درصد و در بین زنان ۸۹/۷۳ درصد بوده است. نسبت با سوادی در گروه سنی ۶ - ۱۴ ساله ۲۵/۹۷ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۷۵/۷۱ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۶ - ۱۴ ساله) نسبت باسوادی در نقاط شهری ۰۱/۹۸ درصد و در نقاط روستایی ۲۲/۹۶ درصد بوده است.

تعداد کل دانش‌آموزان این استان در سال ۷۶ - ۱۳۷۵، بالغ بر ۳۷۴۲۷۳ نفر بوده‌اند. از این تعداد ۲۰۱۶۴۷ نفر پسر و ۱۷۲۶۲۶ نفر دختر بوده‌اند.

تعداد کل دانشجویان این استان نیز ۲۰۴۳ نفر، شامل ۱۱۷۲ نفر مرد و ۸۷۱ نفر زن بوده‌اند. که در رشته‌های مختلف علوم پایه و علوم انسانی به تحصیل مشغول بوده‌اند. نام برخی از مهم‌ترین مراکز دانشگاهی استان عبارتند از: دانشگاه اراک، دانشگاه علوم پزشکی اراک، آموزشکده فنی و مهندسی اراک، دانشگاه پلی تکنیک تفرش، دانشگاه‌های آزاد اسلامی (اراک، محلات، نراق، ساوه، آشتیان)، دانشگاه‌های پیام نور (اراک، خمین، شازند، ساوه، دلیجان) و (8)....

### امکانات فرهنگی - تفریحی

در سال ۱۳۷۵، استان مرکزی دارای ۲۷ کتابخانه عمومی، ۷ کتابخانه ویژه کودکان و نوجوانان، ۷ کتابخانه دانشگاهی و یک کتابخانه سیار بوده است.

همچنین این استان دارای ۷ سالن سینما با ظرفیت ۳۵۰۰ نفر و ۴ سالن نمایش تئاتر با ظرفیت ۳۴۰ نفر بوده است.

اماکن و تأسیسات ورزشی این استان نیز شامل ۱۰۷ زمین فوتبال، ۷ زمین هندبال، ۲ سالن شطرنج، ۷ سالن وزنه‌برداری، ۸ سالن چند منظوره، یک استخر شنا، ۵ پیست دو میدانی، یک پیست اسکی، ۴ سالن زورخانه، ۴ سالن پینگ پنگ و سالنهای تیراندازی، ژیمناستیک، کشتی هر کدام یک سالن بوده است (9).

مهمترین پارکها و جاهای دیدنی استان مرکزی عبارتند از: چشمه دریا عمارت در سربند، غار کیخسرو، پارک زیبا در جوار سرچشمه محلات، چشمه آبگرم محلات، منطقه بیلاقی خرقان، امکانات سد ساوه، روستای انجدان اراک و (10)....

مهمترین مطبوعات و نشریات استان مرکزی در گذشته و حال، عبارتند از: اتفاق (۱۲۸۶ش)، رنجبر (۱۲۸۹ش)، مفتش ایران (1310ش)، نامه عراق (۱۳۱۲ش)، دانش روز (۱۳۵۲ش)، سروش (۱۳۵۸ش)، لاله سرخ (۱۳۶۴ش)، نوید استان مرکزی (۱۳۶۹ش)، شهاب استان مرکزی (۱۳۷۰ش)، فصلنامه آشتیان (۱۳۷۳ش)، فصلنامه صحیفه مبین (۱۳۷۴ش)، فصلنامه راه دانش (۱۳۷۴ش)، آوای ساوه و (11)....

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### ماه مبارك رمضان

از قدیم الایام تا به امروز آداب و رسوم ویژه‌ای مربوط به ماه مبارك رمضان در بین مردم ایران وجود داشته است. در اکثر نقاط ایران آداب و رسوم مخصوص این ماه کمابیش مشترک و یکسان است.

مردم استان مرکزی نیز همانند سایر مردم ایران، به این رسومات پای‌بند بوده و تمام تلاش و سعی خود را به کار می‌گیرند تا بتوانند هر چه بهتر آداب مذهبی و اجتماعی این ماه مبارك را به جا آورند (12).

در اکثر نقاط ایران روز آخر ماه شعبان را روز «کلوخ اندازان» گویند. در این روز ضمن اینکه مردم دور هم جمع می‌شوند و به شادی و شادمانی می‌پردازند خود را برای ماه رمضان آماده می‌کنند. روز کلوخ اندازان بعضی‌ها در خانه بزرگ خانواده جمع می‌شوند و بسیاری از مردم در صورت مناسب بودن فصل و هوا؛ اغلب در بهار و تابستان به باغها و گردشگاه‌های اطراف شهر و آبادی‌شان می‌روند و به تفریح و برپایی مراسم مخصوص روز کلوخ‌اندازان می‌پردازند. خوراکی‌های این روز بسیار متنوع است



و سعی می‌کنند آنچه میلشان باشد بخورند و خود را برای ماه رمضان که ماه امساك است آماده کنند.

در این استان کلوخ اندازی متداول است و به آن «کلوخ خيسان» یا در اصطلاح محل «کلوخ خيسوان» گویند(13).

با فرارسیدن ماه مبارك رمضان مردم استان مرکزی بیش از گذشته به سوی قرآن روی آورده و با برگزاری مراسم ختم قرآن شکوه خاصی به این ماه مبارك می‌بخشند. ختم قرآن در اغلب مساجد و تکایا و یا در بسیاری از خانه‌ها صورت می‌پذیرد. محل برگزاری مجلس ختم قرآن مردانه، اغلب در مساجد است و اکثراً بعد از افطار انجام می‌پذیرد. در برخی مساجد مراسم ختم قرآن بعد از ظهر تا قبل از افطار انجام می‌گیرد. مجلس زنانه ختم قرآن نیز معمولاً در خانه‌ها برپا می‌شود. اغلب این مجالس صبحها که زنان فراغت بیشتری دارند برگزار می‌شود.

در این استان در طول ماه مبارك رمضان، مساجد پر رونق بوده و از صفای خاصی برخوردار است. نمازهای جماعت در سه نوبت با شکوه تمام و با شرکت نمازگزاران برپا می‌شود. در تمام شبها پس از افطار و اقامه نماز مغرب و عشا، مراسم ویژه شبهای ماه رمضان که شامل قرائت دعای افتتاح، منبر و مداحی است برقرار است. در بسیاری از مساجد بعد از اقامه نماز صبح، مراسم ختم قرآن، زیارت عاشورا، دعای ندبه (در روز جمعه) مرسوم می‌باشد. در برخی از مساجد نیز مراسم منبر و مداحی بعد از نماز ظهر برقرار می‌باشد.

در روزهای تیغ یا ایام شهادت حضرت علی(ع) که مصادف با روزهای نوزدهم، بیست و یکم و بیست سوم ماه مبارك رمضان است مردم استان مرکزی مانند مردم سایر نقاط ایران در حزن و اندوه فرو می‌روند و همه جا یکپارچه سیاه پوش می‌گردد. کسب و کار و بازار یکسره تعطیل شده و تعزیه و عزاداری و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی برپا می‌شود. این ایام که با شبهای قدر مصادف است و مردم سرتاسر استان شب هنگام تا سحر به دعا و نیایش پروردگار مشغول می‌شوند. مردم با جمع شدن در مساجد و تکایا و بخصوص مصلاهی شهر به نوحه خوانی و سینه‌زنی پرداخته و در سوگ امام خود اشک می‌ریزند. در مساجد و تکایا، علمای روحانی و در مصلاها، امام جمعه و یا عالمان برجسته شهر به وعظ مردم پرداخته، در ذکر شخصیت مولای متقیان و نیز معرفی چهره واقعی مخالفین حکومت حضرت علی(ع) سخنرانی می‌کنند. در طول ایام شهادت علی(ع) هر روزه دسته‌جات نوحه‌خوانی و سینه‌زنی در شهرها و روستاهای استان برقرار است. لازم به ذکر است که دعای جوشن کبیر و بر سر گرفتن قرآن در شبهای قدر از مهم‌ترین رایج‌ترین اعمال است. مردم معتقدند که تقدیر و سرنوشت انسان در شب قدر معلوم می‌شود، بنابراین تا سحر به عبادت، خواندن قرآن، نمازهای قضا، مستحبی و غیره می‌پردازند.

### عید فطر

روزهداران پس از يك ماه روزه و عبادت پروردگار، چشم به راه این روز بزرگ می‌باشند و خود را برای جشن این روز آماده می‌کنند. با جشن گرفتن این روز در حقیقت مردم منطقه به بدرقه ماه رمضان می‌روند. اگرچه نماز عید فطر مستحب است اما اکثر مردم استان چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی در این نماز پرفیض و باشکوه شرکت می‌کنند. در نقاط شهری معمولاً نماز عید در مصلاهی شهر و یا در برخی مساجد بزرگ و در نقاط روستایی در مسجد یا میدان اصلی روستا برگزار می‌شود. مردم در این روز مبارك به دیدن اقوام و عشیره و دوستان می‌روند و ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات، فرا رسیدن عید را به آنها تبریک می‌گویند. لازم به ذکر است که قبل از اقامه نماز عید فطر، مقدار فطریه را جدا کرده تا آن را به مصرف نیازمندان برسانند(14).

### روزه کودکان



در استان مرکزی همچون سایر نقاط ایران، کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند با تقلید از بزرگترها و یا تشویق پدر و مادرشان سحر همراه بزرگترها بیدار می‌شوند و روزه می‌گیرند. بلند شدن در سحر و نشستن پای سفره سحری برای بچه‌ها بسیار شیرین و دوست داشتنی است (15).

روزه این کودکان اغلب تا ظهر ادامه می‌یابد که در اصطلاح به آن روزه کله گنجشکی می‌گویند.

### نانها و خوراکیهای مخصوص ماه رمضان

از جمله نانهای که در استان در ماه مبارك رمضان مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد، نان گشمه، نان قندی، نان لواشی مخصوص، نان بیست و هفتمی و نان قنیر می‌باشد که معمولاً در خانه‌ها و یا در برخی از مطبخ‌خانه‌ها پخت می‌گردد.

از خوراکی‌های مهم و ویژه این ماه نیز می‌توان به «زیره جوش» و «قووت یا کفلمه» اشاره کرد (16).

### عزاداری ماه محرم

در ماه محرم چهره استان مرکزی متفاوت از ماه‌های دیگر سال دیده می‌شود. در تمام شهرستان‌های استان، مراسم مخصوص این ماه یعنی عزاداری بر امام حسین (ع) و اهل بیت و یارانش علیهم‌السلام بر پا می‌شود. به طور کلی عزاداری در استان مرکزی به چهار صورت وجود دارد:

1- روضه خوانی در مساجد، منازل و تکایا.

2- عزاداری به وسیله دستجات و هیئت‌های سینه‌زنی.

3- زنجیر زنی و سقایی.

4- تعزیه خوانی به صورت ثابت و سیار.

مردم استان به نشانه عزاداری لباس سیاه می‌پوشند و تمام مساجد، حسینیه‌ها و برخی خانه‌ها و مغازه‌ها سیاهپوش می‌گردند. سیاهپوش کردن از يك یا چند روز قبل از فرا رسیدن ماه محرم انجام می‌گیرد.

مراسم عزاداری معمولاً از همان شب اول محرم در مساجد برقرار می‌گردد. کیفیت مراسم عزاداری در مساجد معمولاً بدین صورت است که پس از اقامه نماز جماعت، امام جماعت بر منبر رفته و پیرامون مسایل مذهبی به ویژه پیرامون نهضت عاشورا سخنانی ایراد می‌کند. سپس مدّاح یا مداحان اهل بیت علیهم‌السلام به نوحه خوانی و ذکر مصیبت مشغول می‌شوند. پس از آن مراسم سینه‌زنی برپا می‌گردد و پس از پایان مراسم، مدّاح و یا امام جماعت دعا کرده و مردم آمین می‌گویند و از خداوند طلب مغفرت می‌کنند.

در اکثر نقاط استان از شب پنجم، هیئت‌ها به راه می‌افتند. معمولاً نقطه شروع حرکت هیئت‌ها، مساجد می‌باشد و غالباً دوباره به همان مساجد و در برخی نقاط استان به مسجد دیگری باز می‌گردند. مراسمی که در این شب‌ها در مساجد صورت می‌گیرد با همان کیفیت شب‌های قبل است با این تفاوت که وقتی هیئت وارد مسجد می‌شود از نظر زمانی، هم‌زمان با انتهای سخنان امام جماعت می‌باشد که در این لحظه امام جماعت به احترام عزاداران سخنان خود را قطع کرده و از منبر پایین می‌آید و جماعت عزادار پس از استقرار در مسجد به سینه زنی و زنجیر زنی خود ادامه می‌دهند و سپس یکی از مدّاحان اهل بیت علیهم‌السلام نوحه خوانی می‌کند و سرانجام امام جماعت مراسم را ختم می‌کند. علاوه بر مراسمی که در مساجد برگزار می‌شود، در منازل، افرادی که نذری برای سید الشهدا کرده‌اند و یا حاجتی دارند و یا قصد ثواب دارند در خانه خود مراسم روضه و نوحه خوانی برپا کرده و برخی از افراد هم علاوه بر پذیرایی معمولی شامل چای، خرما و غیره به اطعام جمعیت عزادار نیز می‌پردازند.

یکی از مهم‌ترین و مرسوم‌ترین نوع عزاداری در استان، عزاداری به شیوه دستجات و هیئت‌ها می‌باشد. این هیئت‌ها معمولاً در روزهای آخر محرم در خیابان‌های شهر و یا

محلّه‌ها حرکت می‌کنند و به عزاداری می‌پردازند. البته هیئت‌ها و دسته‌ها در برخی نقاط استان از همان روزهای اول، عزاداری خود را آغاز می‌کنند. در شب‌های نهم و دهم محرم نفرات این هیئت‌ها خیلی زیاد شده، به طوری که تعداد بعضی از هیئت‌های سینه‌زنی به هزار نفر رسیده و با نظم و ترتیب خاص و وسایلی از قبیل چهل چراغ، طبق، حجله (محتوی چراغ‌های متعدد از لامپ‌هایی که با باطری روشن می‌شوند)، شیپور، سنج، دهل، طبل، فلوت، قره‌نی، پرچم و غیره به حرکت در می‌آیند. تشکیلات هیئت‌های زنجیر زنی مختصرتر بوده و هیئت‌های سقایی فقط با یک پرچم حرکت می‌کنند. هر کدام از این هیئت‌ها در هر شب برنامه مخصوص و مسیر معینی که دارند هر ساله طبق آن عمل می‌کنند.

از دیگر شیوه‌های عزاداری که در استان مرکزی بسیار مرسوم است «تعزیه خوانی» می‌باشد که خود بر دو نوع است: تعزیه خوانی سیّار و تعزیه خوانی ثابت. تعزیه خوانی در استان مرکزی به خصوص در شهر اراک، مرکز استان، بیشتر به صورت سیّار بوده و کیفیت و شکل آن بدین صورت است که محلّه‌های قدیمی که از قدیم الایام تعزیه سیّار را برگزار می‌کرده‌اند هر کدام با دستگاه (مجموعه عزاداران و وسایل و تجهیزات) مخصوص به خود در خیابان‌های مهم شهر و یا در بازار حرکت کرده و به عزاداری می‌پردازند. افراد تعزیه خوان با نوحه سرایی، جریان کربلا را از اول تا به آخر برای مردم نمایش می‌دهند. در هر روز محرم که تعزیه انجام می‌گیرد صحنه‌های خاص آن روز به نمایش گذاشته می‌شود. این صحنه‌ها در هر روز بین ۱۰ تا ۲۰ صحنه متغیّر است. برای مثال تعداد صحنه‌هایی که در روز ششم محرم نمایش داده می‌شود ۱۳ صحنه است که یکی از صحنه‌ها وداع حضرت مسلم با امام حسین(ع) در مگه و حرکت به سمت کوفه می‌باشد.

برخی آلات و ابزار تعزیه عبارتند از: پرچم، علم، کتل، چهل‌چراغ، حجله، طبق، خیمه، نعش، تنور خالی و ... و آلات موسیقی آن عبارتند از: نقاره، طبل، دهل، شیپور، سنج و

.....  
نوع دیگر از تعزیه که در استان مرکزی به خصوص در روستاها بیشتر مرسوم است، تعزیه خوانی ثابت می‌باشد. این نوع تعزیه خوانی در برخی از نقاط استان پس از دهه اول محرم و در ماه صفر و در بعضی مساجد و برخی منازل به صورت ثابت برپا می‌شود. از ویژگی‌های این نوع تعزیه در استان مرکزی این است که منحصراً در شب انجام می‌شود. در هر محل گروهی از تعزیه خوانان و تعزیه داران بیشتر در حیاط منازل و مساجد و یا میدان بزرگی تعزیه را برپا می‌دارند و هر شب به یک تعزیه اختصاص دارد(17).

### جشن عروسی

تا چند سال پیش اولیاء پسر و دختر برای فرزندان خویش همسر انتخاب می‌کردند به طوری که تا شب زفاف حتی ممکن بود یک بار هم یکدیگر را ندیده باشند. امروزه تقریباً این رسم دور افتاده است و به نظر دختر و پسر اهمیت داده می‌شود. هنگامی که پسر با دیدن دختر یا شنیدن اوصاف او، با ازدواج موافقت کرد، مادر و خواهر و زنان بزرگتر خانواده برای مذاکره و خواستگاری به خانه دختر می‌روند. به مذاکرات مزبور «بله بران» گفته می‌شود که درباره میزان مهریه و غیره گفتگو می‌شود. گاه درباره باشلق یا شیربها مذاکره می‌شود که این دو به صورت نقدی یا جنسی است. البته میزان جهیزیه دختر نیز ممکن است مورد مذاکره واقع شود. اگر موافقت کامل حاصل شد روزی را برای نامزدی یا به اصطلاح شیرینی خوران و فرستادن انگشتری و شال برای عروس معین می‌کنند.

معمولاً روز نامزدی را از روزهای سعد برمی‌گزینند و این روزها در تقویم‌های قدیمی درج گردیده است. مراسم جشن نامزدی در خانه دختر در حضور خانواده و نزدیکان

طرفین صورت می‌گیرد. دوره نامزدی ممکن است گاه تا چند سال طول بکشد. در مورد آداب عقد باید بگوییم که فقط زنان سفید بخت و یک بخته (زنانی که مطلقه و در مرحله ازدواج دومی نمی‌باشند و نیز زنانی که هوو نداشته باشند) حق حضور در اطاق عقد را دارند. در بعضی نقاط عقیده این است که در لباس عروس هیچ گونه گره‌ای نباید باشد. زیرا در کارش گره خواهد افتاد. رسم است هنگام عقد، عروس در آیینه نگاه کند و در آن هنگام دو کله قند بالای سرش بهم می‌سایند. همچنین در برخی نقاط دیگر استان رسم است بر فرش زیر پای عروس نمک می‌پاشند تا عروس با نمک جلوه کند. هنگامی که عاقد موافقت دختر را می‌خواهد بگیرد، دختر معمولاً باید بار سوم جواب مثبت دهد و عاقد صیغه را سه بار تکرار کند و چون دختر بله گفت صدای مبارکباد و هلهله و شادی و صلوات برمی‌خیزد.

مراسم عروسی معمولاً در شب انجام می‌گیرد. کیفیت مراسم عروسی مخصوصاً در مناطق شهری به همان کیفیتی است که در اکثر نقاط ایران انجام می‌گیرد. برای «عروس بران» یا «عروس کشان»، ده پانزده زن از خویشان داماد به خانه عروس رفته و پس از صرف شیرینی، از مادر عروس اجازه می‌خواهند تا بر سر عروس چادر کنند و او را با خود ببرند. مادر عروس دختر را می‌بوسد و دختر نیز دست و روی مادر را می‌بوسد و با او خداحافظی می‌کند. هنگامی که عروس و همراهان به در خانه رسیدند مادر عروس دخترش را از زیر قرآن رد می‌کند (18).

#### باورها:

باورها ریشه در فرهنگ، مذهب، طرز زندگی، آداب و رسوم اجتماعی و غیره دارند. مردم استان مرکزی مانند سایر نقاط کشور باورها و پندارهای عامیانه‌ای دارند که برخی از آنها با سایر نقاط کشور مشترك است و برخی دیگر مخصوص و ویژه مردم این منطقه می‌باشد. برخی از این باورها عبارتند از:

- 1- اگر بارش باران با آفتاب همراه باشد گرگ‌ها در حال زاییدن هستند.
- 2- روز شنبه ناخن گرفتن خوب نیست.
- 3- کلاغ جره (کلاغ سیاه و سفید دم بلند) اگر قارقار کند مهمان می‌آید و (19)....

#### ضرب المثل‌ها:

مثل‌های رایج در استان مرکزی بر دو نوع است، یک نوع از ادب پارسی که بین همه مردم ایران وجود دارد، نشأت گرفته و نوع دیگر، ساخته مردم منطقه و مطابق شرایط حاکم بر زندگی آنان می‌باشد. برخی از مثل‌های معروف که در شهرستان‌ها و روستاهای استان مرکزی رایج است عبارتند از:

- 1- آبا گلال می‌کنه ماهی بگیره.
- 2- آخور شا ببند بعد اسبشا بخر.
- 3- این روز روشنشه، شو تارش مونده.
- 4- چراغی که به خونه فرضه به مسجد حرومه.
- 5- خر چه داند قیمت نلق و نیات.
- 6- نوکر بی‌جیره واجب، تاج سر اربابه (20).
- 7- هر طرف باد می‌آید، بادش می‌دهد.
- 8- هم از آخور می‌خوره، هم از توبره.
- 9- قباله کهنه‌اش زیر بغل من است. و (21)....

#### بخش پنجم اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

#### الف) پیشینه مذهبی

قبل از اسلام، مردم این استان پیرو دین زرتشت بوده‌اند و آتشکده‌های بزرگی چون: آتشکده «وره» آشتیان و «آتشکوه» محلات بیانگر این واقعیت است.

در حال حاضر بیش از ۷۹/۹۹ درصد از جمعیت استان مسلمان و پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند. در شهرستانهای اراک و سرپند (شازند) تعدادی مسیحی ارمنی (گریگور) زندگی می‌کنند. عده‌ای از اقلیت‌های کلیمی و زرتشتی نیز در این استان به سر می‌برند (22).

توزیع نسبی جمعیت بر حسب دین به تفکیک محل سکونت

دین	استان	نقاط شهری	نقاط روستایی
جمع	00/100	00/100	00/100
مسلمان	79/99	74/99	84/99
زرتشتی	02/0	02/0	02/0
مسیحی	05/0	08/0	00/0
کلیمی	00/0	00/0	00/0
سایر و اظهار نشده	15/0	16/0	13/0

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان مرکزی.

### ب) اماکن مذهبی

در سال 1375، استان مرکزی دارای ۱۸۳۰ باب مسجد، ۳ مصلی، ۵ نمازخانه، ۱۲۲۵ امامزاده و زیارتگاه، ۸ نظرگاه و قدمگاه، ۱۱ بقعه متبرکه، ۲۵ تکیه ثابت، ۱۵۹ حسینیه، ۲ فاطمیه، ۷ مهدیه، ۲ زینبیه یا حیدریه، یک خانقاه و ۱۱ باب از سایر مراکز مذهبی بوده است.

برخی از مهم‌ترین مساجد این استان عبارتند از:

مسجد لطف الله خان (اراک)، مسجد حاج محمد ابراهیم خوانساری (اراک)، مسجد سیدها (اراک)، مسجد حاج آقا صابر (اراک)، مسجد آخوند (اراک)، مسجد حاج تقی‌خان (اراک)، مسجد حاج ابراهیم کاشی (اراک)، مسجد آیه‌الله سلطان (اراک)، مسجد جامع (آشتیان)، مسجد بازار (آشتیان)، مسجد جامع فم (تفرش)، مسجد جامع شش ناو (تفرش)، مسجد جامع (ساوه)، مسجد قرمز (ساوه)، مسجد جامع (گرگان)، مسجد جامع (محلات)، مسجد درب قلعه (محلات) و (23)....

مهم‌ترین امامزاده‌ها و بقاع متبرکه استان عبارتند از:

امامزاده سهل بن علی (اراک)، امامزاده ۷۲ تن (ساروق)، بقعه سید اسحاق (ساوه)، بقعه ابوالعلی (تفرش)، شاهزاده محمد (تفرش)، امامزاده ابوالفضل و یحیی (محلات)، بقعه پیر مرادآباد (اراک)، زیارتگاه مشهد میغان (اراک)، امامزاده ابوطالب (خمین)، امامزاده عبدالله (خمین)، امامزاده فاطمه صغری (آشتیان)، امامزاده محمد (ساوه)، بقعه بی‌بی شرف خاتون (ساوه)، امامزاده اسماعیل (ساوه)، امامزاده هارون (ساوه) و....

### ج) مدارس دینی

استان مرکزی در سال ۱۳۷۰ دارای ۸ باب مدرسه علوم دینی بوده است. مهم‌ترین

مدارس دینی این استان عبارتند از: مدرسه امام خمینی (مدرسه سپهداری) (اراک)، مدرسه دینی آقا ضیاءالدین (حاج حسن ملک) (اراک)، مدرسه حاج محمد ابراهیم خوانساری (اراک)، مدرسه حاج آقامحسن اراکی (اراک)، مدرسه قائم (عج) (محلات)، مدرسه صاحب‌الامر (آشتیان)، مدرسه امام صادق (ع) (تفرش)، مدرسه امام خمینی (ره) (خمین)، مدرسه علمیه المهدی (اراک) و (24)....

### د) بزرگان و مشاهیر

استان مرکزی مهد علم و دانش است و در درون خود بزرگ مردان و بزرگ زنانی را پرورش داده است که در تمام روزگاران مایه فخر و مباهات ایران زمین به شمار می‌روند.

گلچینی از این بزرگان عبارت است از:

امام خمینی(ره) (۱۴۱۰-۱۳۲۰ه.ق، از بزرگترین علما و فقهای سیاسی عالم اسلام، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، مرجع تقلید شیعیان جهان).  
آیت الله اراکی(ره) (۱۴۱۵-۱۳۱۲ه.ق، فقیه و دانشمند بزرگ، مرجع تقلید).  
آیت الله حاج آقا محسن عراقی (متولد ۱۲۸۴ه.ق، حکیم و فقیه نامی، جامع منقول و معقول).  
آیت الله آقاضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱-۱۲۸۷ه.ق، فقیه و اصولی نامور، فیلسوف، استاد بسیاری از فقها و مراجع بزرگ).  
آیت الله آقانورالدین عراقی (۱۳۴۱-۱۲۸۷ه.ق، فقیه و عالم بزرگ، سیاستمدار، محبوب مردم اراک).  
میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۲۶۸-۱۲۲۹ه.ق، سیاستمدار بزرگ ایران، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار، استعمار ستیز).  
میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (مقتول به سال 1251 ه.ق، وزیر نامی دوره قاجار، نویسنده، شاعر و ادیب نامی ایران، سیاستمدار، صاحب کتاب منشآت).  
فخر الدین عراقی (متولد ۱۰۶۱ه.ق، عارف، شاعر و غزل‌سرای نامی قرن هفتم).  
دکتر مصدق (سیاستمدار معاصر و نخست‌وزیر دولت ملی ایران، آزادی‌خواه).  
عباس اقبال آشتیانی (۱۳۳۴-۱۲۷۵ه.ق، ادیب، شاعر و نویسنده بزرگ ایران).  
پروفسور محمود حسابی (۱۳۷۱-۱۲۸۱ه.ش، دانشمند و فیزیک‌دان بزرگ ایران و جهان، مشهور به انیشتین ایران و پدر فیزیک ایران).  
سلمان ساوجی (شاعر و قصیده‌سرای بزرگ قرن هشتم).  
آیت الله العظمی میرزا حسن آشتیانی(ره) (۱۳۱۹-۱۲۴۸ه.ق، عالم و فقیه بزرگ، مرجع تقلید، از پیشگامان نهضت تنباکو).  
علامه آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای (متولد ۱۲۷۶ه.ش، فیلسوف حکیم و نویسنده، دارای تألیفات زیاد).  
و ده‌ها شخصیت برجسته دیگر که از این خطه برخاسته‌اند.

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### استان مرکزی و نهضت مشروطه

در جریان نهضت مشروطیت، مردم استان مرکزی همگام با دیگر نقاط کشور، نقش مهمی در شکل‌گیری این نهضت داشته‌اند. نخستین انجمنی که در شهرستان اراک شکل گرفت و تقریباً از همه حساس‌تر بود و هسته مرکزی مشروطه‌خواهان محسوب می‌شد، انجمن سری «آدمیت» بود که ریاست آن با اسدالله پروین و زیرنظر احرار درجه اول شهر اداره می‌شد. علاوه بر این انجمن، انجمن‌های دیگری نیز وجود داشتند که در این نهضت ملی پیشقدم بودند و هر کدام به نوبه خود خدمات شایانی در راه آزادی و به دست آوردن مشروطیت ایفا نمودند.  
پس از شکل‌گیری انقلاب مشروطه نیز انجمنی به نام «انجمن ولایتی» به ریاست مرحوم آقا نورالدین عراقی(ره) تأسیس شد و فعالیت‌های زیادی در جهت تثبیت نظام مشروطه انجام دادند تا اینکه پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی، این انجمن هم تعطیل شد(25).

### استان مرکزی و انقلاب اسلامی

به دنبال سخنرانی امام خمینی(ع) بر ضد جشن‌های بیست و پنجمین سده شاهنشاهی و فراخوانی روحانیت همیشه در صحنه به اعتراض و رویارویی، بی‌درنگ از سوی علما و روحانیونی که در حوزه علمیه نجف می‌زیستند پیام‌های اعتراض‌آمیزی به برپایی این جشن‌ها و اظهار تنفر و انزجار از آنها به سوی ایران سرازیر شد. از جمله این پیام‌ها، پیام طلاب اراکی بود که در آن از مردم خواسته بودند هزینه جشن را به مصرف

ستم‌دیدگان برسانید و ملت را از قحطی نجات دهید.

سال 1357 اوج فریاد خشم‌گینانه ملت مظلوم ایران بر علیه حکومت خون آشام پهلوی بود. مردم استان مرکزی نیز مثل دیگر هموطنان خود، سکوت ذلت‌بار در مقابل ستم‌گران را شکستند و با راهپیمایی‌های خیابانی که به دعوت علما و روحانیون معظم صورت می‌گرفت، خشم مقدس خود را بر علیه حکومت پهلوی ابراز می‌داشتند. رمضان ۱۳۵۷ اوج مبارزه مردم این سامان بود که در آن مبارزان الهی که بیشترین آنها جوانان دل‌باخته و آماده شهادت بودند با برنامه‌ریزی، شبها با برپایی مجالس سخنرانی و پخش اعلامیه و مقاله، به افشاگری می‌پرداختند و مردم را برای مبارزه‌ای عمومی و فراگیر آماده می‌کردند.

سرانجام این مبارزات آرام تبدیل به نارضایتی عمومی شد و با بالاگرفتن خشم مردم، مراکز دولتی، بانک‌ها، سینماها و... مورد هجوم آنان قرار گرفت. با به ثمر نشستن نهال انقلاب اسلامی، مردم این سامان چون دیگر هموطنان خود، در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب تلاش زیادی نمودند. با شروع جنگ تحمیلی مردم استان مرکزی در ابعاد مختلف کمک شایانی به لشکر اسلام نموده و از نظر جانی و مالی دین خود را نسبت به انقلاب و امام ادا نمودند. تقدیم هزارها شهید و مجروح و جانباز و اسیر نمونه‌ای از اعلام وفاداری مردم این استان به ارزشهای اسلامی و انقلابی است. علاوه بر این شهرهای استان مرکزی از خطر حملات هوایی و موشکی دشمن بعثی در امان نماند و بارها نقاط مسکونی و صنعتی مختلف این استان به ویژه شهرستان اراک مورد هجوم وحشیانه هواپیماها و حملات موشکی مزدوران عراقی قرار گرفت.

**پی‌نوشت‌ها:**

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی، آمار نامه استان مرکزی ۱۳۷۵، ص ۳-۲.
- 2- دبیران جغرافیای استان مرکزی، جغرافیای استان مرکزی، سال دوم آموزش متوسطه عمومی ۱۳۷۵، ص ۳۸.
- 3- همان، ص ۴۱-۴۵.
- 4- حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، ص ۶۱-۶۲ و ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۴۳۹ و عبدالحسین نهجیری، جغرافیای تاریخی شهرها، ص ۲۸۶-۲۸۴ و ۳۰۲.
- 5- نصرت الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۲۷۳-۱۹۳ و ایرج افشار سیستانی، همان، ص ۴۴۲.
- 6- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان مرکزی، ص‌شانزده.
- 7- همان، ص ۶۶ و بیست و شش.
- 8- همان، ص بیست و چهار و سازمان برنامه و بودجه، همان، ص ۸۳-۸۲ و ۹۵.
- 9- همان، ص ۱۳۴-۱۲۲.
- 10- فصلنامه راه دانش (ویژه استان مرکزی)، شماره ۱ و ۲، ص ۲۰۴-۱۹۰.
- 11- همان، شماره ۳ و ۴، ص ۳۶۰-۳۳۷ (با تلخیص).
- 12- ابوالقاسم انجوی شیرازی، گذری و نظری در فرهنگ مردم، ص ۱۴۶.
- 13- احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول، ص ۲۷ و ۳۲.
- 14- اطلاعات نگارنده.
- 15- احمد وکیلان، همان، ص ۱۳۷.
- 16- همان، ص ۱۹۵-۱۷۵ (با تلخیص).
- 17- محمدرضا محتاط، سیمای اراک، ص ۲۷۸-۲۵۵.
- 18- عبدالحسین سعیدیان، سرزمین و مردم ایران، ص ۳۲-۲۸ و مشاهدات نگارنده.

- 19 فصلنامه آشتیان، شماره ۸، سال سوم، بهار ۷۵، ص ۶۷-۶۸.
- 20 محمدجواد ضیغمی، هزاوه زادگاه امیرکبیر، ص ۱۹۲-۱۸۵.
- 21 مرتضی سیفی قمی تفرشی، سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ص ۱۶۱.
- 22 ایرج افشار سیستانی، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، ج ۲، ص ۱۱۱۳.
- 23 مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱ و فصلنامه راه دانش، شماره ۱ و ۲، ص ۲۰۷-۲۰۵.
- 24 وزارت کشور، مجموعه آماری امکانات فرهنگی اجتماعی استان مرکزی ۱۳۷۰، ص ۱۴-۱۳ و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- 25 فصلنامه راه دانش، شماره ۳ و ۴، ص ۸۳-۸۲.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان مازندران واقع در شمال ایران ۲۴۰۹۱ (۵/۱ درصد کل کشور) مساحت دارد و یازدهمین استان کشور از نظر مساحت است. این استان بین ۳۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است (۱). بر اساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۷۵، استان مازندران دارای ۱۴ شهرستان، ۳۵ شهر، ۳۴ بخش و ۱۰۲ دهستان بوده است (۲). مرکز این استان شهر ساری می‌باشد.

#### ویژگی‌های طبیعی

آب و هوای این استان معتدل و مرطوب است. باران فراوان می‌بارد و منطقه سرسبز و جنگلهای انبوه و مراتع سرسبز فراوان دارد. بادهای غربی باعث سردی هوا و ریزش برف هستند. بخش جنوبی به دلیل کوهستانی بودن سردتر است. کوههای البرز رطوبت دریای خزر را در دامنه شمالی خود متوقف ساخته و موجب فراوانی بارندگی در این منطقه است.

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی

محور اقتصادی این استان کشاورزی است. آب و هوای مناسب و بارندگی فراوان موجب شده تا تمام زمینهای این استان به جز مناطق کوهستانی با شیب تند، مورد استفاده قرار گیرند. گندم، جو، شلتوک (برنج)، پنبه، دانه‌های روغنی و توتون مهمترین محصولات کشاورزی این استان هستند. جنگل و چوب نیز از منابع اقتصادی استان هستند. این استان ۱۰۳۷۷۹۳ هکتار جنگل دارد که بخشی از آنها مورد استفاده صنعتی و تجاری قرار گرفته است (۳).

#### صنایع و معادن

در سال ۱۳۷۵، بیش از ۴۳ کارخانه و شرکت صنعتی و ۹۵۸ کارگاه تولید خانگی در



استان مازندران وجود داشته است. مهمترین کارخانجات صنعتی این استان عبارتند از: بهپاک (بهشهر)، سیمان و ساریت مازندران (نکا)، کشت و صنعت شمال (ساری)، خوش نوش (ساری)، صنایع دستمال کاغذی (قائم‌شهر)، برگ برگ (آمل)، آمل پخش (آمل)، پاکسان (بهشهر)، نساجی مازندران (قائم شهر)، نخ شمال (نوشهر)، افشهره (تنکابن)، کارخانه کاغذسازی (ساری) و....

همچنین ۷۱ معدن در این استان وجود دارد که مهمترین آنها زغال سنگ، آهک، واریز، کوهی، پوکه معدنی، سرب، گرانیت و غیره می‌باشد(4).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

مازندران در اصل «موز اندرون» بوده است و موز نام کوهی بود که از حد گیلان تا لار و قصران و جاجرم امتداد داشت.

ماز نام دیواری بود منسوب به مازیار بن قارن که وقتی مازیار با خلفای عباسی در حال جنگ بود، به دستور او ساخته شد و این منطقه را «ماز اندرون» می‌گفتند.

#### پیشینه تاریخی

استان مازندران فعلی در گذشته طبرستان نامیده می‌شد. در قرن هفتم مقارن حمله مغول نام طبرستان متروک و اسم مازندران جانشین آن شد (5). قباد اول (۴۸۷ - ۵۳۱م) پادشاه ساسانی حکومت طبرستان را به یکی از سه پسر خود یعنی کیوس واگذار کرد. مقارن فتوحات اسلام از سلسله‌هایی چند نام برده شده که در طبرستان و یا قسمتی از آن حکومت داشتند از قبیل: پادوسبانان (از سال ۴۵ تا ۱۰۰۶ه.ق)، آل باوند یا باوندیان (از سال ۴۵ تا ۷۵۰ه.ق)، کیوسیه (از ۴۵ تا ۵۴۱۹ه.ق) و....

درباره اولین حمله مسلمانان به طبرستان مورخان وحدت نظر ندارند، بنا به نقل عده‌ای از نویسندگان، در سال ۳۰ه.ق در زمان خلافت عثمان اولین بار سعیدبن عاص، حاکم کوفه درصدد فتح طبرستان برآمد و سرانجام سواحل طبرستان و رویان و دماوند را به تصرف خود درآورد اما هنگامی که مسلمین درگیر جنگهای داخلی بودند. مردم این ناحیه از فرصت استفاده کرده و از اطاعت مسلمین سرباز زدند.

تاریخ این ناحیه مملو از حوادث و شورشهایی است که بین سران این ناحیه با مسلمین اتفاق افتاده است ولی سرانجام در دوره خلافت ابوالعباس سفاح (136 - 132ه.ق) اولین خلیفه عباسی، یکی از عاملان وی رهسپار طبرستان شد و با اهالی آن منطقه از طریق صلح و مدارا کنار آمد و در سال ۱۳۷ه.ق عمر بن العلاء آمل را تصرف کرد. ولی استیلای مسلمین بر طبرستان تا زمانی که اسپهبد خورشید آخرین امیر از سلسله بنی دابویه زنده بود، استحکام چندانی نداشت که سرانجام در جریان شورش سال ۱۴۱ه.ق از مسلمین شکست خورد و در دیلم خودکشی کرد و به این ترتیب طبرستان کاملاً تحت اطاعت اعراب درآمد.

در دوره خلافت متوکل عباسی (۲۳۲ - ۲۴۷ه.ق) بر اثر بد رفتاری با خاندان آل علی(ع) عده زیادی از این خاندان به نواحی مختلف ایران از جمله طبرستان متواری شدند. و در این نقاط بر علیه خلفای عباسی تبلیغ کردند و دیری نپایید که سلسله‌ای از سادات علوی (از ۲۵۰ - ۳۱۶ه.ق) در مازندران و گیلان تأسیس شد که مؤسس آن حسن بن زید علوی ملقب به داعی کبیر بود. وی با طاهریان جنگید و دست آنها را از طبرستان قطع کرد.

قرن چهارم و پنجم هجری طبرستان میدان کشمکش سلسله‌های آل زیاد و آل بویه از یک طرف و سامانیان و غزنویان از طرف دیگر شده بود. در سال ۴۲۶ هجری سلطان مسعود غزنوی از طریق گرگان وارد طبرستان شد و صدمات فراوانی به اهالی آن سامان وارد آورد.

در سال ۶۰۶ه.ق طبرستان از جمله کبود جامه به دست سلطان محمد خوارزمشاه افتاد.

قرن هفتم هجری که مصادف با حمله قوم مغول و اشغال و غارت کشور ایران بود، ناحیه طبرستان بسیار آسیب دید. اما اهالی این منطقه با پیوستن به نهضت سربداران در سال ۷۵۴ه.ق بر سپاه طغاتی‌مور غلبه کردند و حکومت به دست امیر ولی یکی از غلامان طغاتی‌مور افتاد.

در سال ۷۹۴ه.ق تیمور گورکانی بر امیر ولی پورش برد و آنجا را تصرف کرد. بعد از درگذشت تیمور، سادات مرعشی با کسب اجازه از شاهرخ میرزا (850 - 807) ه.ق) به مازندران برگشتند و به عنوان امیران باجگزار در این نواحی سلطنت کردند. اما سرانجام در زمان شاه عباس اول به طور کلی قدرت سادات مرعشی از آنان سلب شد.

پس از برچیده شدن بساط حکومت ملوک الطوایفی در سال ۱۰۰۶ه.ق، یعنی مقارن با حکومت صفویان، استقرار امنیت در این منطقه مورد توجه شاه عباس اول و سلاطین بعدی سلسله صفویه قرار گرفت و در طول سال به کرات یا به عنوان شکار و یا پس از احداث فرح‌آباد و اشرف البلاد (بهشهر کنونی) جهت استراحت رفت و آمد می‌کردند (6).

### بناهای عمده تاریخی

در استان مازندران آثار و بناهای تاریخی فراوان وجود دارد که بیانگر قدمت تاریخی این منطقه می‌باشند. در این قسمت به برخی از بناهای مهم استان اشاره می‌کنیم:

بهشهر: باغها و عمارت صفویه، کاخ صفی آباد، غار هوتو.

آمل: بقعه ناصر الحق، بقعه میرحیدر یا سه سید، آتشکده آمل.

بابل: گنبد سرشت.

نور: حمام صدر اعظم.

سوادکوه: برج لاجیم.

ساری: آب انبار میرزا مهدی، برج رسکت.

چالوس: کلارتهپه (7).

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان مازندران ۲۶۰۲۰۰۸ نفر جمعیت داشته که در مقایسه با سال ۱۳۶۵، برابر ۶۶/۱ درصد رشد داشته است. از این جمعیت ۱۲۹۶۸۴۱ نفر مرد و ۱۳۰۵۱۶۷ نفر زن بوده‌اند. همچنین از مجموع جمعیت این استان 1194233 نفر در نقاط شهری و ۱۴۰۷۷۷۵ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند (8).

#### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان مازندران: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	2602008	1296841	1305167	569182
ساکن در نقاط شهری	1194233	601107	593126	270698
ساکن در نقاط روستایی	1407775	695734	712041	298574
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان آمل	297743	149132	148611	65447
ساکن در نقاط شهری	160429	80449	79980	36818
ساکن در نقاط روستایی	137314	68683	68631	28629
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان بابل	421068	208680	212388	92128
ساکن در نقاط شهری	179626	90322	89304	42052
ساکن در نقاط روستایی	241442	118358	123084	50076

0	0	0	0	غیر ساکن
33688	77538	77727	155265	شهرستان بابلسر
15017	33117	33503	66620	ساکن در نقاط شهری
18671	44421	44224	88645	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
37629	88819	87912	176731	شهرستان بهشهر
21617	49674	49626	99300	ساکن در نقاط شهری
16012	39145	38286	77431	ساکن در نقاط روستایی
خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
0	0	0	0	غیر ساکن
17960	41647	41789	83436	شهرستان محمود آباد
4442	9892	10162	20054	ساکن در نقاط شهری
13518	31755	31627	63382	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
40829	87293	86737	174030	شهرستان تنکابن
16899	35372	35588	70960	ساکن در نقاط شهری
23920	51921	51149	103070	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
15341	32324	32116	64440	شهرستان رامسر
10939	22598	22595	45193	ساکن در نقاط شهری
4402	9726	9521	19247	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
92929	212363	211443	423806	شهرستان ساری
45027	99089	100575	199664	ساکن در نقاط شهری
47902	113274	110868	224142	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
14826	35076	34146	69222	شهرستان سوادکوه
6493	15240	15163	30403	ساکن در نقاط شهری
8333	19836	18983	38819	ساکن در نقاط روستایی
خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
0	0	0	0	غیر ساکن
72385	165197	162722	327919	شهرستان قائم شهر
38961	85954	85560	171514	ساکن در نقاط شهری
33424	79243	77162	156405	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
20096	50454	48373	98827	شهرستان نکا

7313	17666	17542	35208	ساکن در نقاط شهری
12783	32788	30831	63619	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
19816	47799	46969	94768	شهرستان نور
5806	13529	13636	27165	ساکن در نقاط شهری
14010	34270	33333	67603	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن
46108	105658	109095	214753	شهرستان نوشهر
19224	41711	46386	88097	ساکن در نقاط شهری
26884	63947	62709	126656	ساکن در نقاط روستایی
0	0	0	0	غیر ساکن

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان مازندران.

### وضع فعالیت

از جمعیت 10 ساله و بیشتر این استان، ۶۴۶۲۵۷ نفر شاغل و ۶۸۵۴۲ نفر بیکار بوده‌اند (9).

بیشترین شاغلین به کشاورزی و بعد از آن ماهیگیری و دامداری اشتغال دارند.

### زبان

زبان مازندرانی بازمانده زبان ایرانیان قدیم (پارسی میانه) است که نسبت به زبان فارسی دیرتر و کمتر تحت تأثیر زبانهای بیگانه چون اعراب، مغول و تاتار قرار گرفته است. این زبان با لهجه‌های مختلف در این سرزمین متداول است. علاوه بر آن لهجه‌های گیلکی در غرب و لهجه‌های مهاجران سیستانی، بلوچ، سمنانی، شاهرودی، آذری و خراسانی در شرق مازندران رواج دارد (10).

### نژاد

اقوام آریایی بعد از ورود به این استان و غلبه بر بومیان، نژادی مرکب از بومیان و آریاییان بوجود آورده‌اند.

البته گروههایی از کردها، ترکها، گرجی‌ها و ارمنی‌ها نیز به این استان کوچ داده شده‌اند که هنوز هم تا حدودی ویژگی نژادی خود را حفظ کرده‌اند، گرچه از نظر زبان، بومی شده‌اند (11).

### آموزش و پرورش

در سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت ۶ ساله و بیشتر این استان، ۴۷/۷۹ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی ۶ - ۱۴ ساله ۷۹/۹۶ درصد و در گروه سنی 15 ساله و بیشتر ۰۷/۷۲ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم، نسبت باسوادی در نقاط شهری ۹۶/۹۷ درصد و در نقاط روستایی ۹۲/۹۵ درصد بوده است (12).

### مراکز دانشگاهی

در استان مازندران مراکز دانشگاهی متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، علوم پزشکی بابل، علم و صنعت ایران واحد بهشهر؛ آموزش کشاورزی تنکابن، مدیریت دولتی ساری، پیام نور (بهشهر، ساری، بابل، آمل، رامسر)، مرکز تربیت معلم (نکا، ساری، قائمشهر، بابل، آمل، نور، رامسر)، دانشگاه آزاد اسلامی (ساری، قائمشهر، بابل، نوشهر، تنکابن)، مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه رویان نوشهر، دانشگاه علوم و فنون مازندران (بابل) و (13)...

### امکانات فرهنگی - تفریحی

#### کتابخانه‌ها

در سال ۱۳۷۵، در این استان ۳۲ کتابخانه با ۳۰۵۰۶۰ جلد کتاب چاپی و ۲۱۵ جلد کتاب خطی وجود داشته است. همچنین ۳۷ واحد انتشاراتی خدمات نشر آثار علمی و فرهنگی را به عهده داشته‌اند(14).

#### مطبوعات

تنها در شهرستان ساری چهار هفته نامه فعال هستند:  
هفته نامه بشیر، ۲ - هفته نامه نهضت شمال، ۳ - هفته نامه کایر، ۴ - هفته نامه فجر(15).

#### سینماها

در این استان در سال ۱۳۷۵، ۲۲ واحد سینمایی وجود داشته که ۱۳ واحد آن مربوط به بخش خصوصی بوده است. ظرفیت این سینماها ۴۵۶۰ صندلی بوده است(16).

#### پارکها

پارک جنگلی شهید زارع (ساری)؛ پارک جنگلی سعیدی آشتیانی (نور)؛ پارک میرزا کوچک خان (آمل)؛ پارک جنگلی تالار (قائم‌شهر)؛ پارک سی‌سنگان (بین نور و نوشهر)؛ پارک جنگلی چالوس؛ پارک جنگلی سی سرا (چالوس)؛ پارک جنگلی عباس آباد (عباس آباد) و....

همچنین ۱۳ پارک شهری نیز در این استان وجود دارد(17).

#### اماکن ورزشی

در سال ۱۳۷۵، مجموعه امکانات ورزشی استان مازندران به شرح زیر بوده است: ۲۴ استادیوم ورزشی، ۲۹ استخر شنا، ۲۲۸ زمین و سالن والیبال، ۱۶۴ زمین و سالن بسکتبال، ۲۵۵ زمین فوتبال، یک مجموعه سوارکاری، ۱۰ پیست دو میدانی، ۱۱ زمین تنیس، ۹ زمین هندبال، ۳۷ سالن تنیس روی میز، ۲۵ سالن شطرنج، ۵۶ سالن کشتی، ۱۴ سالن وزنه برداری، ۶۰ سالن چند منظوره، ۱۱ سالن ورزش باستانی، ۱۶ سالن ژیمناستیک، ۱۲ سالن بوکس، ۲ سالن شمشیربازی، ۷۱ سالن رزمی و ۲ سالن تیراندازی(18).

#### فصل سوم: آداب و رسوم

##### آداب ویژه ماه رمضان

در استان مازندران از نیمه ماه شعبان مردم خود را برای استقبال از ماه مبارک رمضان آماده می‌کنند. از چند روز قبل از ماه رمضان مردم به نظافت خانه‌ها و تمیز کردن مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها می‌پردازند.

یکی از رسوم پسندیده قبل از شروع ماه رمضان، آشتی و ایجاد الفت بین افرادی است که به سببی از یکدیگر کدورتی در دل دارند و عقیده دارند اگر کسی روزه بگیرد در حالی که با بستگان یا برادر دینی خود قهر باشد روزه‌اش باطل و قبول درگاه خداوند نمی‌باشد. از دیگر مقدمات ماه رمضان دعوت از روحانیون و مبلغان مذهبی می‌باشد. مردم این خطه پذیرایی از روحانیون و مبلغین را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانند و بر این اساس هر روز برای افطاری و سحری یکی از اهالی، روحانی دعوت شده را به خانه‌اش برده و از او پذیرایی می‌کند.

در این استان عده‌ای یک روز و بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان روزه پیشوازی می‌گیرند.

مردم این استان غروب روز آخر ماه شعبان برای دیدن هلال ماه، بالای بامها، بلندبها و مناره‌های مساجد می‌روند و با رؤیت هلال ماه به همدیگر تبریک می‌گویند.

در گذشته برای بیدار شدن در سحرهای ماه مبارک رمضان مردم از روشهای گوناگونی از جمله: صدای نقاره، طبل و شیپور، جار کشیدن و کوبیدن در یا دیوار همسایه یا مناجات سحری استفاده می‌کردند و امروزه نیز برخی از آنها متداول است. اکثر مردم دو ساعت به سحر مانده از خواب بیدار می‌شوند و به عبادت و خواندن دعا مشغول می‌شوند

و بعد از نیت کردن، مشغول خوردن سحری می‌شوند. در این ماه در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود.

افطاری دادن یکی از رسوم پسندیده‌ای است که در بین مردم رایج است. در این استان نیز آنهایی که توانایی دارند يك يا چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند و معتقدند کسی که افطاری می‌دهد با ثواب روزه مهمانش شریک می‌شود. لازم به ذکر است که در نیمه ماه رمضان جشن تولد امام حسن مجتبی(ع) در اکثر نقاط استان برگزار می‌شود. در ایام شهادت حضرت علی(ع) که مصادف با شبهای نوزدهم، بیست و يك و بیست و سوم ماه مبارك رمضان یعنی شبهای قدر می‌باشد، مردم کسب و کار را تعطیل می‌کنند و در عزای امیر مؤمنان به سینه‌زنی و سوگواری می‌پردازند. در این شبها مراسم احیاء که شامل دعا خواندن و قرآن بر سر گرفتن می‌باشد، برگزار می‌شود و مردم تا هنگام سحر به عبادت و راز و نیاز به درگاه پروردگار مشغول می‌شوند. لازم به ذکر است که در برخی مناطق این استان در ایام شهادت، مجالس تعزیه‌خوانی برگزار می‌گردد.

### عید فطر

مسلمانان پس از يك ماه روزه و عبادت، با رؤیت هلال ماه شوال به همدیگر تبریک می‌گویند و به استقبال عید فطر می‌روند و این روز بزرگ را جشن می‌گیرند. صبح عید فطر پس از تعیین مقدار فطریه، برای برپایی نماز عید فطر آماده می‌شوند. در اکثر مساجد این استان نماز عید فطر با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. بعد از نماز مردم برای بازدید و تبریک گویی به خانه اقوام و آشنایان می‌روند و این روز را گرمی می‌دارند(19).

### ماه محرم

در استان مازندران چند روز قبل از فرارسیدن ماه محرم، حسینیه‌ها و مساجد را سیاه‌پوش می‌کنند و پرچم‌های عزا را بر فراز مساجد، تکایا و برخی از منازل برافراشته می‌دارند.

با آغاز ماه محرم، عزاداران در تکایا و مساجد گرد می‌آیند و پس از استماع سخنان روحانیون به سینه‌زنی، زنجیرزنی و مرثیه‌خوانی می‌پردازند.

در بسیاری از مساجد و تکایا از شب اول محرم عزاداران اطعام می‌شوند.

اوج مراسم عزاداری از هفتمین روز ماه محرم آغاز می‌شود و در روز تاسوعا و عاشورا دستجات سینه‌زن و زنجیرزن در حالی که پرچم‌های عزا و علم و کتل در پیشاپیش آن‌ها حرکت می‌کند و طبل‌ها و شیپورها نواخته می‌شود، در خیابان‌ها به عزاداری می‌پردازند.

در دهه آخر ماه صفر که مصادف با اربعین حسینی و رحلت پیامبر اکرم(ص) و امام مجتبی(ع) است، مجدداً مراسم سینه‌زنی، زنجیرزنی و روضه‌خوانی برپا می‌شود. در بعضی مناطق، عزاداری به صورت تعزیه خوانی و شبیه‌خوانی نیز انجام می‌شود(20).

### مراسم ازدواج

مراسم ازدواج در استان مازندران با خواستگاری انجام می‌شود.

در برخی از خانواده‌ها قبلاً پسر و دختر با یکدیگر گفت و گویی انجام می‌دهند و در صورت توافق طرفین، مراسم خواستگاری صورت می‌پذیرد. در مجلس خواستگاری پس از تبادل نظر در مورد مهریه و سایر موارد با شکستن کله قند و توزیع شیرینی و نقل، جشن خواستگاری را گرمی می‌دارند.

در روز عقدکنان و یا قبل از آن جهیزیه‌ای که از طرف خانواده عروس تهیه شده به خانه داماد می‌برند.

مراسم عروسی در خانه عروس و داماد انجام می‌گیرد، سپس مدعوین خانه داماد پس از صرف نهار و یا شام به همراه داماد به خانه عروس می‌روند و در میان نوای ساز، تنبک، دایره و سرنا، عروس را تا خانه داماد همراهی می‌کنند.

در دوران گذشته در جشن عروسی طَبَق، سینی و یا سفره‌ای قرار می‌دادند و مدعوین بنا بر وضع مالی خود پولی در میان طبق و یا سفره قرار می‌دادند و فردی با اعلام میزان هدیه افراد، دیگران را به پرداخت هدیه تشویق می‌کرد. اکنون این سنت به فراموشی سپرده شده است و غالباً در روز پاتختی و یا ایام دیگر، هدایایی از طرف بستگان و آشنایان به خانه داماد برده می‌شود.

در گذشته از دواج‌های تحمیلی در این استان بسیار فراوان بوده و دختران و پسران نقشی در انتخاب همسر خویش نداشتند و اظهار نظر دختر و یا پسر در مورد انتخاب همسر، نوعی بی‌ادبی و گستاخی به پدر و مادر تلقی می‌گردید، ولی امروزه نظرات دختر و پسر مورد توجه خانواده‌ها قرار می‌گیرد (21).

#### مراسم ترحیم

با درگذشت فردی از اعضاء خانواده، مردم محل و یا دوستان و آشنایان گرد هم می‌آیند و فرد متوفی را پس از مراسم تغسیل و تکفین، تشییع می‌کنند. پس از انجام مراسم دفن، تشییع کنندگان برای عرض تسلیت به منزل فرد متوفی می‌روند و تا هفتمین روز درگذشت متوفی ادامه می‌یابد.

در برخی از روستاها تا سه روز پس از درگذشت فرد متوفی، در مساجد مجالس ترحیم برگزار می‌شود. در این مجالس به تلاوت قرآن پرداخته می‌شود و اهالی و بستگان فرد متوفی در منازل شام و نهار تهیه کرده و آن را در طبق‌ها و سینی‌هایی گذاشته و به مجلس ترحیم برده و از عموم حاضران پذیرایی می‌کنند.

طبق يك سنت اسلامی در گذشته تا سه روز در خانه متوفی غذایی طبخ نمی‌شد. پس از گذشت روز سوم بازماندگان فرد متوفی مردم را در منزل خود اطعام می‌کردند. این سنت در سال‌های اخیر به فراموشی سپرده شده است. به طوری که امروز، تمام مخارج به عهده صاحبان عزاست (22).

#### مراسم نوروز

مراسم نوروز در استان مازندران مانند بسیاری از استان‌های کشور، از رنگ و بوی خاصی برخوردار است.

در ماه اسفند زنان به پیراستن چهره غبارگرفته خانه‌ها می‌پردازند. در روستاها زنان با پختن نان برنجی، کماج و انواع شیرینی‌های خانگی سفره عید را می‌آریند. یکی از مراسم جالب توجه در مازندران مراسم نوروز خوانی است که «میرنوروزی» با پوشیدن لباس‌های رنگارنگ و خواندن اشعاری در مدح ائمه اطهار و توصیف طبیعت، خبر از آمدن نوروز می‌دهد.

از دیگر مراسم جالب و سنتی در مازندران، تحویل سال نو توسط سالگر (سال مج) است، هر خانواده ابتدا نام چند کودک و نوجوان را انتخاب و با استخاره به قرآن، نام هر کدام که خوب آمد به عنوان سالگر برمی‌گزیند. سالگر به محض تحویل سال با سینی‌ای که در آن قرآن مجید، سبزه، شیرینی و ظرف آبی قرار دارد، وارد می‌شود و چند قطره از آب به گوشه‌های اطاق‌ها می‌ریزد و به این ترتیب سالی پر بار و پربرکت را برای خانواده خود به ارمغان می‌آورد.

برخی از خانواده‌ها نیز پیرمردها و پیرزن‌های سید را به عنوان سالگر انتخاب می‌کنند. سالگر پس از پایان کار از صاحبخانه هدیه‌ای مانند تخم‌مرغ رنگ شده دریافت می‌کند. در ایام نوروز، آشنایان و بستگان به دیدار یکدیگر می‌شتابند و در روز سیزدهم نوروز (سیزده‌بدر) به مزارع، باغ‌ها و جنگل‌ها می‌روند و سبزه‌ای که برای عید تهیه کرده‌اند را به بیرون می‌اندازند. برخی اعتقاد دارند با پرتاب سبزی به رودخانه‌ها و یا جوی آب، بلايا نیز از میان خانواده دفع خواهد شد (23).

#### ضرب المثل‌ها

-پیری ناشتن، کله پیره گننه ببه.



پدر که نباشد به شوهر مادر باید گفت باباجون.  
-خر قابل کنگله، شال قابل پوس کلا.  
کنایه از افرادی است که لیاقت چیزهای ارزشمند را ندارند.  
-افتولوی ره گنه تی دیم سیووه.  
بدون توجه به عیوب خود، عیوب دیگران را شمردن.  
-من گمه نره، ته گنی بهوش دره.  
کنایه از محال بودن انجام دادن کاری(24).

باورها

-آدم اگر در تاریکی گریه را بزند آواره می‌شود.  
-جغد اگر در خانه‌ای بخواند، یکی در آن خانه می‌میرد.  
-آب روشنایی است. باید پشت سر مسافر آب پاشید تا سلامت برگردد.  
-چای که می‌خورند اگر استکان‌ها ردیف شود میهمان می‌رسد.  
-اگر میهمان در خانه زیاد بنشینند ذغال در کفش او می‌گذارند تا زودتر برود(25).

### بخش پنجم: اوضاع مذهبی - سیاسی

#### فصل اول: اوضاع مذهبی

در آبان ماه ۱۳۷۵، از جمعیت استان ۷۰/۹۹ درصد را مسلمانان تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت در نقاط شهری ۵۱/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۸۰/۹۹ درصد بوده است. علاوه بر این ۰۲/۰ درصد ساکنان این استان زرتشتی، ۰۱/۰ درصد کلیمی و ۲۷/۰ درصد سایر ادیان و اظهاری نشده بوده‌اند(26).

#### حکومت علویان در مازندران

مردم مازندران از ابتدای ایمان آوردن به اسلام به مذهب شیعه گرایش پیدا کردند و از طرفداران اهل بیت بودند و به همین جهت از حدود قرن دوم و سوم هجری تا سالها بعد، سادات علوی و زیدی بر مازندران حکومت کرده‌اند. و این استان از جمله پناهگاههای طرفداران اهل بیت و فرزندان آنان بوده است.

#### فتنه باب

به دنبال ادعای مهدویت از سوی میرزا محمدعلی شیرازی معروف به باب (۱۲۶۰ه.ق) که ساخته دست استعمار انگلیس بود یکی از طرفداران وی که حاج ملا محمدعلی نام داشت بعد از رانده شدن باب از سایر شهرها او را به مازندران دعوت کرد. او توانست عده‌ای از مردم بابل را گول زده و به سمت بابیه گرایش دهد ولی با مبارزه سعید العلماء، بین مسلمانان و طرفداران باب، نبردی سنگین در گرفت به طوری که باب و طرفدارانش به قلعه شیخ طبرسی واقع در قائمشهر، پناه بردند ولی مردم و نیروهای حکومتی قلعه را ویران کرده و آنان را نابود کردند. در این واقعه ۱۵۰۰ نفر از جمله حاج محمدعلی مازندرانی از سران بابیه مازندران کشته شدند. باب سال ۱۲۶۶ه.ق با فتوای علمای تبریز و به فرمان ناصرالدین شاه در شهر تبریز اعدام شد(27).

#### اماکن مذهبی

در سال ۱۳۷۴ در این استان بیش از ۲۵۷۷ مسجد، ۸۸۲ حسینیه، ۱۱۳۴ تکیه، ۷۰۸ بقعه و امامزاده وجود داشته است(28).  
برخی از مساجد معروف استان مازندران عبارتند از:  
مسجد جامع ساری متعلق به دوره عباسیان؛ مسجد جامع بهشهر؛ مسجد جامع آمل؛ مسجد علی آباد دودانگه متعلق به دوره قاجاریه و....  
مهمترین بقاع و امامزادگان معروف استان عبارتند از:  
امامزاده ابراهیم (آمل)؛ امامزاده سلطان محمد طاهر (بابل)؛  
امامزاده سیده سکینه (رامسر)؛ امامزاده عباس (ساری)؛  
امامزاده عبدالحق (زیر آب سوادکوه)؛ امامزاده عبدالله (آمل)؛

امامزاده فضل و فاضل و عباس (بهشهر)؛ امامزاده مطهر (آمل)؛  
امامزاده یحیی (ساری)؛ امامزاده یوسف (بهشهر)؛  
بقعه امامزاده حمزه رضا (نوشهر)؛ بقعه میر بزرگ (آمل) و....

### مدارس دینی

در سال ۱۳۷۴، بیش از ۲۵ مدرسه علوم دینی در استان مازندران به تربیت طلاب علوم دینی مشغول بوده‌اند.

برخی از مدارس دینی این استان عبارتند از:  
مدرسه فیضیه (بابل)؛ مدرسه جعفریه (رستمکلاه)؛  
مدرسه امام صادق (ع) (بهشهر)؛ مدرسه مصطفی خان (ساری)؛  
مدرسه سعادتیه (ساری)؛ مدرسه روحی (بابل)؛  
مدرسه ابوالحسن (ع) (آمل)؛ مدرسه امام صادق (ع) (چالوس)؛  
مدرسه المهدی (عج) (رامسر)؛ مدرسه رضویه (گرگان)؛  
مدرسه شهید بهشتی (نوشهر)؛ مدرسه امام صادق (ع) (نور)؛  
مدرسه آیت الله خامنه‌ای (علی‌آباد کتول) و (29)....

### بزرگان و مشاهیر

منطقه مازندران از دیرباز کانون علم و فرهنگ بوده است و دانشمندان و عالمان بسیاری از این سرزمین برخاسته و در خدمت علم و دانش بوده‌اند.

برخی از این بزرگان عبارتند از:

- این شهر آشوب؛ فقیه، محدث و مفسر.
- عمادالدین طبری؛ تاریخ نویس مشهور.
- ابومحمد حسن بن علی (ناصر کبیر یا اطروش)؛ عالم و فقیه و از بنیانگذاران سلسله سادات علوی در مازندران.
- ملا محمدزمان سوادکوهی؛ عارف و فقیه بزرگ قرن ۱۲ و ۱۳.
- سید رکن الدین بن شرف‌الدین حسینی آملی؛ ریاضی‌دان و منجم سده نهم هجری.
- بهاء‌الدین سید حیدر آملی؛ از مشاهیر عرفای سده هشتم هجری.
- شیخ محمدتقی آملی؛ حکیم، عارف، فقیه و اصولی.
- آیه‌الله کوهستانی؛ عارف و سالک نامدار.
- آیه‌الله جوادی آملی؛ مفسر و فیلسوف معاصر.
- آیه‌الله حسن زاده آملی؛ ریاضی‌دان، فیلسوف و عارف بزرگ معاصر.
- آیه‌الله مدرس بابلی؛ مدرس فقه و اصول در مدارس بابل.
- سعید العلماء مازندرانی از مشاهیر فقه و اصول و از مبارزین علیه بابیه.
- نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی.
- آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی.
- شیخ عبدالله مازندرانی (از رهبران مشروطه (30)).

### فصل دوم: اوضاع سیاسی

#### حوادث دوره مشروطیت

انقلاب مشروطیت از حوادث مهم تاریخی صدساله اخیر ایران است. این انقلاب سرآغاز تحولات مهمی بوده است. رهبری این حرکت با روحانیان بزرگی چون آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، میرزا حسین تهرانی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی و شیخ فضل الله نوری بوده است.

هم آواز با این نهضت، انجمنهای متعددی در این استان تشکیل شد تا بتوانند از حرکت علما حمایت کنند. از جمله این انجمنها می‌توان به انجمن سعادت به رهبری شیخ غلامعلی مجتهد و انجمن حقیقت به رهبری علی بهروزی که در سال ۱۳۲۴ه.ق تشکیل گردیده بودند، اشاره کرد. گرچه نهضت مشروطه با خیانت روشنفکران غربزده به شکست

انجامید ولی مهمترین تأثیر آن ایجاد مجلس شورای ملی بود که از طرف مردم نمایندگان به این مجلس راه یافتند و به این ترتیب به نقش مردم اهمیت داده شد. اولین نمایندگان از شهرستان ساری سیدعباس شریف‌العلماء خاوری و معتصم‌الملک بودند که به دلیل دیر رسیدن به تهران، به مجلس معرفی نشدند.

### نهضت جنگل

نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی در خطه شمال به ویژه گیلان، ضربه مهلکی بر پیکر استبداد پهلوی و مبارزه‌ای نفس‌گیر علیه روس و انگلیس بود. سواحل شمال، میدان تبلیغاتی جنگلی‌ها بود و مردم مازندران به شایستگی از آنها حمایت کردند. سپاهی از جنگلی‌ها به رهبری سعدالله خان کجوری و قدرت‌الله خان رشتی به سواحل بابل حمله کردند و حاکم بابل را دستگیر کردند و پس از مذاکره با نمایندگان مردم مازندران و جلب حمایت مردمی، در ساری مورد استقبال مردم قرار گرفتند.

### نهضت ملی مازندران

در بحبوحه جنگ جهانی دوم، ایران دچار هرج و مرج شده و شهرهای شمالی آشفته بودند. در این هنگام سران با نفوذ این سامان بر آن شدند تا مازندران را به طور موقت اداره کنند. آنان «نهضت ملی مازندران» را به وجود آوردند و انجمنی به نام «انجمن طبرستان» نیز تشکیل یافت و عالمانی چون سید عباس شریف‌العلماء خاوری، حاج میرزا غلامحسین ملکی و سید میرزا علی عمادی و بزرگان دیگری در این انجمن شرکت داشتند. رئیس آن مهدی شهیدی دبیر و شیخ علی اکبر طبری بودند.

### واقعۀ کشف حجاب

در پی اجرای قانون کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ شمسی، تبلیغات وسیعی به منظور آماده سازی افکار عمومی در این استان انجام شد. شهرهای شمالی کشور به خاطر موقعیت مناسب جغرافیایی از اولین شهرهایی بودند که مورد توجه رضاشاه قرار گرفتند. به منظور اجرای این مقصود، حاکم مازندران چون دیگر استانهای کشور، از تسهیلات لازم در امر مبارزه با حجاب برخوردار گردید. زنان بی‌حجاب تشویق و اعتراض کنندگان تهدید و یا تبعید شدند. در حمایت از این طرح تا جایی پیش رفتند که تقاضا شد موجودی اعانات زلزله‌زدگان مازندران، در اختیار زنان بی‌بضاعت و فقیر برای اجرای این توطئه شوم قرار گیرد. اما با این وجود، زنان و مردان و صاحبان اندیشه، در این منطقه با رهبری روحانیون دلسوز، از حریم عفت و پاکدامنی، جانانه دفاع کرده و راضی به پذیرش تمدن غرب نشدند و جز عده قلیلی از مأموران ترسو و مزدبگیر که ادامه حیاتشان در گرو اطاعت از دستورهای شاه بود، قاطبه مردم مسلمان تن به این ننگ ندادند تا اینکه سرانجام این توطئه به شکست انجامید (31).

### دوران انقلاب اسلامی

مردم استان مازندران چون دیگر نقاط کشور، نقش مؤثری در جریان انقلاب اسلامی ایفا نمودند. با شکوهرترین حرکت انقلاب در شهرستان ساری مربوط به تظاهرات دانش آموزی بود که در روز ۱۶ مهرماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. این راهپیمایی که به تشویق معلمان و دبیران متدین و انقلابی صورت گرفته بود، با واکنش نیروهای پلیس روبرو شد و دانش آموزان را با گاز اشک‌آور و ماشین آب پاش متفرق ساختند و عده‌ای از دبیران نیز دستگیر شدند.

در روز ۱۳ آبان ۵۷ بازار ساری یکسره تعطیل شد و بازاریان در اعتراض به کشتارهای بی‌رویه مردم، به تحصن نشستند. در روزهای نهم و دهم دیماه ۵۷، تعدادی از مغازه‌ها و منازل، توسط عوامل رژیم به آتش کشیده شدند. روز ۱۸ دی ماه عزای عمومی اعلام شد و تظاهرات وسیعی انجام گرفت که این تظاهرات با دخالت مأموران به خشونت کشیده شد و تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع به شهادت رسیدند. مهمترین واقعه‌ای که پس از انقلاب در این استان به وقوع پیوست، حادثه ششم بهمن

۱۳۶۰ بود که طی آن اعضای گروهك مزدور موسوم به «سربداران» شهر آمل را اشغال کرده و به روی مردم بی‌دفاع آتش گشودند ولی با مقاومت مردم این درگیریها بیشتر از ۲۴ ساعت طول نکشید و اعضای این گروهك متواری شدند. حضرت امام(ره) در وصیتنامه سیاسی - الهی خود این مقاومت مردم آمل را ستود و آن را به عنوان درس عبرتی برای گروهکهای مزدور توصیف کرده است(32).

همزمان با شروع جنگ تحمیلی راست قامتان این دیار چون کوه پر صلابت در برابر خصم زبون ایستادند و به حق جلوه تمام نمای ایثار گشتند. رزمندگان این استان در قالب لشکر ۲۵ کربلا و تیپ مهندسی جواد الانمه نقش کلیدی در عملیات گوناگون بر علیه صدامیان کافر داشته‌اند و با تقدیم هزاران شهید گلگون کفن، دین خود را به اسلام و میهن اسلامی ادا نمودند. به طوری که تنها در يك روز در شهر ساری ۱۱۰۰ شهید جنگ تحمیلی بر دوش مردم شهیدپرور تشییع شد. یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد(33).

پی‌نوشت‌ها

- 1- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، آمارنامه استان مازندران 1375، ص ۳۰ و ۷۴-۷۷.
- 2- همان، ص ۳۷.
- 3- همان، ص ۵۴۳-۵۰۵.
- 4- همان، ص ۶۲۲-۶۱۸.
- 5- عبدالحسین نهجیری، جغرافیای تاریخی شهرها، ص ۳۲۷-۳۲۴.
- 6- عزیزالله بیات، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، ص ۲۷۲-۲۶۷.
- 7- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۴۵۹-۴۵۷.
- 8- همان، ص ۱۱۰.
- 9- همان، ص ۱۲۵.
- 10- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۴۲۵.
- 11- عبدالحسین سعیدیان، مردمان ایران، ص ۸۲۳-۸۲۲.
- 12- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی استان مازندران، ص بیست و چهار.
- 13- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۲۳۹-۲۲۴.
- 14- همان، ص ۴۴۳.
- 15- مرتضی بذرافشان، سیمای ساری، ص ۱۱۱.
- 16- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۴۴۷.
- 17- همان، ص ۵۴۴.
- 18- همان، ص ۴۸۲-۴۷۱.
- 19- اطلاعات و مشاهدات نگارنده.
- 20- اطلاعات محلی.
- 21- همان.
- 22- همان.
- 23- روزنامه ابرار، ۷ مهرماه ۱۳۷۶.
- 24- قاسم احمدی لاشکی، لاشک (کجور مازندران)، ص ۲۴۶-۲۴۳.
- 25- سیروس طاهباز، یوش، ص ۸۹-۸۴.
- 26- مرکز آمار ایران، همان، ص هجده.
- 27- مرتضی بذرافشان، همان، ص ۴۷-۴۵.
- 28- سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، همان، ص ۴۶۶.
- 29- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

- 30 مرتضی بذرافشان، همان، ص ۸۶-۸۳، روزنامه جمهوری اسلامی ۴/۱۱/۷۱، 72/1/15، 73/4/5 و ۱۰/۷/۷۳؛ روزنامه جهان اسلام ۳/۷/۷۲ و احمد صدر سید جوادى و دیگران، دائرةالمعارف تشیع. جلد اول، ص ۲۳۳-۲۳۴.
- 31 مرتضی بذرافشان، همان، ص ۵۸-۴۷.
- 32 همان، ص ۶۴-۶۰.
- 33 روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ بهمن ۱۳۷۴. ص ۱۱.

### بخش اول: جغرافیای طبیعی



#### مشخصات جغرافیایی

استان زنجان که آن را فلات زنجان نیز می‌نامند با مساحتی نزدیک به ۲۴۳۱۲ کیلومتر مربع در ناحیه مرکزی شمال غربی ایران بین ۳۵ درجه و ۲۵ دقیقه تا 37 درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا، و ۴۷ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ واقع شده است (1).

این استان از شمال به استان‌های اردبیل و گیلان، از شرق به استان قزوین، از جنوب به استان همدان، از جنوب غربی به استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی محدود می‌شود.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان دارای ۳ شهرستان شامل ۱۳ بخش، ۸ شهر، ۴۴ دهستان و 981 آبادی دارای سکنه می‌باشد. شهرستان‌های استان عبارتند از ابهر، خدابنده و زنجان، و مرکز آن شهرستان زنجان می‌باشد (2).

#### ویژگی‌های طبیعی

استان زنجان به طور کلی دارای دو نوع آب و هوای متفاوت می‌باشد: یک نوع آب و هوای کوهستانی که نواحی قیدار، زنجان و ابهر را در بر می‌گیرد و زمستان‌های سرد و پربرف و تابستان‌های معتدل از ویژگی‌های آن است. نوع دیگر آب و هوای گرم و نیمه مرطوب منطقه طارم علیا که تابستان‌های گرم و زمستان‌های ملایم دارد و از درجه رطوبت و میزان بارندگی قابل توجهی نیز برخوردار است (3).

### بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

وجه غالب اقتصاد استان زنجان، کشاورزی می‌باشد. شرایط جغرافیایی مشتمل بر تنوع آب و هوایی، برخورداری از منابع آب و حاصلخیزی خاک، این استان را به صورت یک منطقه مناسب کشاورزی درآورده است. برخی از محصولات کشاورزی و باغی استان، از نظر مقدار سطح زیر کشت و تولید، از جمله انگور، با ۱۳۶ هزار تن در سال، مقام اول را در کشور دارد.

محصولات مهم کشاورزی استان عبارتند از: گندم، جو، برنج، نخود و لپه، انواع لوبیا، عدس، پیاز و سیب زمینی، گوجه فرنگی، نباتات جالیزی، نباتات صنعتی (پنبه، چغندر قند، آفتابگردان)، نباتات علوفه‌ای (یونجه، اسپرس، شبدر)، انگور، سیب، گلابی، انار، زیتون، آلبالو، هلو، قیسی، زردآلو، گردو، فندق، بادام، سنجد و (4)....

همچنین استان زنجان در زمینه دامپروری صنعتی و تولید گوشت و شیر، در سطح

کشور، جایگاه درخور توجهی را احراز نموده و نیز یکی از مهم‌ترین مراکز مرغداری کشور محسوب می‌شود.

### صنایع و معادن

در بخش صنعت و معدن نیز استان زنجان موقعیت ممتازی دارد، به ویژه آن که به دلیل همجواری و نزدیکی به استان‌های تهران و گیلان که با محدودیت‌های قانونی و جغرافیایی در توسعه و گسترش واحدهای صنعتی روبرو هستند، از امکانات توسعه صنعتی برخوردار شده و زیر بناهای لازم نیز برای آن فراهم شده است (5).

مهم‌ترین معادن فعال استان عبارتند از: کائولن، فلدسپات، سیلیس، آهک، خاک صنعتی و سرب و روی.

لازم به ذکر است که تعداد کل معادن استان زنجان ۴۵ واحد می‌باشد که از این تعداد ۲۷ معدن در شهرستان زنجان، ۱۴ معدن در شهرستان ابهر و ۴ معدن در شهرستان خدابنده قرار دارند (6).

مجموع کل واحدهای صنعتی استان ۷۲ واحد مشتمل بر ۱۱ واحد صنایع نساجی، ۸ واحد صنایع شیمیایی، ۸ واحد صنایع غذایی، ۲۲ واحد صنایع برق و الکترونیک، ۲ واحد صنایع فلزی، ۱۷ واحد صنایع کانی و ۴ واحد صنایع سلولزی می‌باشد (7).

صنایع دستی استان از اهمیت ویژه‌ای در سطح کشور برخوردار است و شامل فرش بافی، چاقو سازی، چاروق دوزی، گلیم بافی، ملیله کاری، جاجیم بافی، شانه تراشی، قاشق سازی، منبت کاری و غیره می‌باشد (8).

### بخش سوم: جغرافیای تاریخی

#### وجه تسمیه

برخی از مورخان، شهر زنجان را مطابق شهر «آگانزانا» دانسته‌اند که بطلمیوس از آن نام برده است. به قول حمدالله مستوفی اردشیر بابکان آن را به نام «شهین» بنا و یا تجدید بنا کرد. طبق نوشته‌های متعدد نام اولیه منطقه زنجان شاهین بوده است که بعدها به «زنگان» تغییر نام یافت. برخی از کتب آورده‌اند که زنگان محل اسکان بردگان و زنگیان بوده که پس از استیلای اعراب بر منطقه، معرب شده و به زنجان تغییر شکل یافته است. مدتی هم این خطه به سلطانیه یعنی پایتخت ایران (در سده 8 ه.ق) معروف بود.

#### پیشینه تاریخی

استان زنجان یکی از نواحی تاریخی سرزمین ایران است و کاوش‌های باستان‌شناختی و آثار باقی‌مانده تاریخی، دیرینگی و قدمت آن را نشان می‌دهد. پیشینه تاریخی این استان را می‌توان در چهار دوره خلاصه کرد:

#### 1- دوران پیش از تاریخ (هزاره هفتم تا اوایل هزاره سوم پیش از میلاد):

چگونگی سیر این دوره تمدنی به علت کمبود اطلاعات و مدارک، تاریک و مبهم است. قدیمی‌ترین آثار دوران پیش از تاریخ که در این منطقه یافت شده است، احتمالاً به دوره «بردوستین» (سی هزار سال پیش) تعلق دارند.

#### 2- دوران تاریخی (اوایل هزاره سوم تا اواخر هزاره دوم پیش از میلاد):

یافته‌هایی که از این دوره در منطقه «ایجرود» به دست آمده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و حاکی از شکوفایی و دیر پای تمدن فلات مرکزی ایران و قدمت فلات زنجان می‌باشد.

#### 3- دوران تاریخی جدید (اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تا اوایل قرن هفتم میلادی):

از این دوره یافته‌ها و مدارکی در منطقه زنجان به دست آمده است که برخی از این آثار یادگار زمان مهاجرت اقوام آریایی به این منطقه می‌باشد.

شواهد تاریخی موجود نشان می‌دهد که تا اوایل نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد، دستگاه فرمانروایی معینی در منطقه وجود نداشته است. مردمان این منطقه به علت

فراوانی چشمه‌سارها و آب‌های سطحی عمدتاً به دامداری و کشاورزی مشغول بوده‌اند و به همین جهت امنیت نسبی بر منطقه حاکم بوده است. بر اثر جنگ‌های ممتد منطقه‌ای (قرن‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد) تمدن در این منطقه به شکوفایی درخور توجه دست نیافت.

از قرن هفتم پیش از میلاد تا اواخر هزاره اول پیش از میلاد، یعنی در تمام دوران شاهنشاهی هخامنشی تاریخ منطقه با ابهام بیشتری همراه است ولیکن از پانزده کانون باستانشناسی بررسی شده این دوره، ۹ کانون در دره «رود قزل اوزن» و در «طارم علیا» واقع شده‌اند که از شکوه و آبادانی این بخش از منطقه در قرن‌های دوم و پنجم میلادی حکایت می‌کند.

#### **4- دوران اسلامی (از قرن ۷ تا ۱۹ میلادی برابر با قرن اول تا ۱۴ هجری):**

این دوره از تاریخ زنجان، با فتح آن در زمان خلافت عثمان به دست «براء بن عازب» سردار مشهور آغاز می‌شود.

متن‌ها و اثرهای موجود تاریخی نشان می‌دهند که این منطقه در سرتاسر دوران اسلامی، به ویژه از قرن‌های چهارم تا هشتم هجری (در دوران حکومت کنگریان، سلجوقیان و ایلخانیان) از شکوفایی اقتصادی، فرهنگی و هنری برخوردار بوده است. از آثار این دوره می‌توان مسجدهای جامع قروه، سجاس، قلابر؛ کاروانسراهای نیک‌پی، سرچم؛ آثار تاریخی عظیم سلطانیه، خدابنده، ابهر و سایر آثار تاریخی را نام برد. اصولاً یکی از دلایل انتخاب «سلطانیه» به پایتختی، جنبه اقتصادی این منطقه در قرن هفتم و هشتم هجری بوده که توجه ایلخانان مغول را به خود جلب کرده است.

پس از برچیده شدن حکومت ایلخانی به دست سربداران در قرن نهم هجری منطقه زنجان نیز دچار فتنه خان‌ومان‌سوز تیمور لنگ شد و به شدت ویران گردید. تنش‌های سیاسی و کشمکش‌های نظامی تا قرن دهم هجری شمسی، مانع رشد و اعتلای اقتصادی و فرهنگی در این منطقه شده است. در دوران حکومت صفویه و قاجاریه، به ویژه در دوران حکومت شاه طهماسب، شاه عباس و آقا محمدخان قاجار، رونق نسبی اقتصادی و فرهنگی در منطقه برقرار بوده است. قسمت اعظم روستاها، بخش‌ها و شهرهای کنونی، با توجه به نظام ارباب و رعیتی تا اواخر قرن سیزدهم هجری قمری تکوین و تکامل یافته‌اند و در طول دهه‌های اخیر، به سرعت در حال رشد و گسترش بوده‌اند (9).

#### **آثار و بناهای تاریخی**

مهم‌ترین آثار و بناهای تاریخی استان زنجان عبارتند از:

گنبد سلطانیه (شاهکار عظیم دوره مغول، واقع در شهر سلطانیه).

مسجد جامع زنجان - مسجد سید - (دوره قاجار).

مسجد جامع ابهر (سال ۹۰ هجری).

مسجد جامع قروه (قرن پنجم ه.ق دوره سلجوقی، واقع در قروه ابهر).

مسجد جامع سجاس (قرن پنجم ه.ق، واقع در شهرک سجاس شهرستان خدابنده).

مسجد میرزایی (دوره صفویه و قاجاریه، واقع در شهر زنجان).

مجموعه تاریخی عمارت ذوالفقاری (دوره قاجار، واقع در مرکز بافت قدیمی شهر

زنجان).

بنای تاریخی چلبی اوغلی - خانقاه و مقبره - (قرن ۷ و ۸ ه.ق، سر راه سلطانیه -

خدابنده).

ارگ سلطنتی سلطانیه - کهن دژ - (دوره مغول).

ستی قلعه (دوره ساسانی، واقع در ناحیه ماه نشان).

قلعه قمچی (۸۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، واقع در دهکده ارکین زنجان).

قلعه یا حصار شهر زنجان (دوره سلجوقی).

بازار زنجان (دوره قاجاریه، واقع در قلب بافت قدیمی شهر زنجان).



کاروانسرای سرچم (دوره ایلخانی، واقع در روستای سرچم زنجان).  
 حمام قیصریه زنجان (دوره قاجاریه).  
 پل میر بهاء الدین زنجان (دوره قاجاریه).  
 بقعه پیراحمد زهرنوش (دوره ایلخانی، واقع در شهرستان ابهر).  
 بقعه امامزاده زیدالکبیر (قرن هشتم و نهمه'ق، واقع در ابهر) و (10)....

### بخش چهارم: اوضاع اجتماعی - فرهنگی

#### فصل اول: ویژگی‌های جمعیتی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت استان زنجان ۹۰۰۸۹۰ نفر بوده است. از این تعداد ۴۵۳۳۸۱ نفر مرد و ۴۴۷۵۰۹ نفر زن بوده‌اند، که در نتیجه نسبت جنسی برابر ۱۰۱ به دست می‌آید، به عبارت دیگر در این استان در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۱ نفر مرد وجود داشته است. هم چنین از جمعیت این استان ۴۲۹۰۱۳ نفر ساکن در نقاط شهری و ۴۷۱۸۲۳ نفر ساکن در نقاط روستایی و ۵۴ نفر غیر ساکن بوده‌اند (11).

#### جمعیت و خانوار شهرستان‌های استان زنجان: ۱۳۷۵

شرح	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان	900890	453381	447509	176649
ساکن در نقاط شهری	429013	218674	210339	89574
ساکن در نقاط روستایی	471823	234679	237144	87066
غیر ساکن	54	28	26	9
شهرستان ابهر	200305	100784	99521	40627
ساکن در نقاط شهری	119999	60922	59077	25310
ساکن در نقاط روستایی	80306	39862	40444	15317
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان خداآینده	163068	80991	82077	28973
ساکن در نقاط شهری	18709	9446	9263	3468
ساکن در نقاط روستایی	144359	71545	72814	25505
غیر ساکن	0	0	0	0
شهرستان زنجان	537517	271606	265911	107049
ساکن در نقاط شهری	290305	148306	141999	60796
ساکن در نقاط روستایی	247158	123272	123886	46244
غیر ساکن	54	28	26	9

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان زنجان.

#### وضع فعالیت

در آبان ۱۳۷۵، از ۶۶۳۲۵۸ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان، ۲۳۲۷۳۷ نفر جمعیت فعال و ۴۲۵۲۰۶ نفر جمعیت غیر فعال و ۵۳۱۷ نفر اظهار نشده بوده‌اند. از جمعیت فعال استان، ۲۰۹۱۳۷ نفر مرد و ۲۳۶۰۰ نفر زن بوده‌اند (12).

در این استان، افراد شاغل و افراد بی‌کار (جویای کار) در مجموع، ۰۸/۳۵ درصد از جمعیت ده ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهند. این نسبت در نقاط شهری حدوداً ۳۳ درصد و در نقاط روستایی، حدوداً ۳۶ درصد بوده است. از جمعیت فعال استان، ۸۶/۸۹ درصد را مردان و ۱۴/۱۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (13).

#### زبان و نژاد

بیشتر اهالی استان زنجان از تیره‌های ترك جغتایی هستند که در زمان هلاکوخان مغول به این منطقه مهاجرت و به کشاورزی و دامداری مشغول شده‌اند. در حال حاضر در این استان، ایرانیان اصیل چون فارس‌ها، کردها و لرها نیز به سر می‌برند. زبان‌های رایج در استان زنجان عبارتند از: زبان ترکی که بیشتر مردم استان به این زبان تکلم می‌کنند. زبان فارسی که بین مردم نواحی شرقی استان و برخی نقاط دیگر رایج است. زبان‌ها و گویش‌های دیگری مانند کردی، لُری و تاتی که به صورت پراکنده در شهرها و روستاها مورد استفاده قرار می‌گیرد (14).

### فصل دوم: آموزش و پرورش

#### وضع سواد

در آبان ۱۳۷۵، از ۷۷۳۸۱۷ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان، ۵۳/۷۴ درصد با سواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی 6-14 ساله حدوداً ۹۵ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر حدوداً ۶۵ درصد بوده است. در بین افراد لازم‌التعلیم (۱۴-۶ ساله)، نسبت باسوادی در نقاط شهری حدوداً ۹۷ درصد و در نقاط روستایی حدوداً ۹۳ درصد بوده است (15).

#### مراکز دانشگاهی

در این استان مراکز دانشگاهی بسیاری وجود دارد که برخی از آن‌ها در زیر آورده شده است:

دانشجویان مشغول به تحصیل موسسات آموزش عالی استان زنجان به تفکیک جنس در سال تحصیلی: ۱۳۷۴-۷۵

دانشگاه	جمع	مرد	زن
جمع	17212	10403	6809
دانشگاه علوم پزشکی زنجان	970	462	508
مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه	53	49	3
دانشگاه پیام نور ابهر	2631	1499	1132
دانشگاه زنجان	1228	820	408
دانشگاه آزاد اسلامی زنجان	8076	5114	2962
دانشگاه آزاد اسلامی ابهر	2245	1264	981
مراکز تربیت معلم و آموزشکده فنی	1069	665	404
مرکز آموزش عالی سهروردی (جهاد سازندگی)	20	20	0
مرکز آموزش مدیریت دولتی	95	90	5
مراکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان	826	420	406

مأخذ: آمارنامه استان زنجان، 1375

لازم به ذکر است که از تعداد ۱۷۲۱۲ نفر دانشجویان استان، ۳۹۱۴ نفر در مقطع کاردانی، ۱۲۶۹۳ نفر در مقطع کارشناسی، ۵۷۸ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۷ نفر در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بوده‌اند (16).

#### امکانات فرهنگی و تفریحی

##### کتابخانه

استان زنجان مجموعاً دارای 17 کتابخانه مشتمل بر ۱۵ کتابخانه عمومی و ۲ کتابخانه سیار می‌باشد. بر اساس این آمار، شهرستان زنجان با داشتن ۶ کتابخانه عمومی و ۲ کتابخانه سیار، شهرستان ابهر با داشتن ۶ کتابخانه عمومی و شهرستان خدابنده با داشتن

۳ کتابخانه عمومی مجموعه امکانات کتابخانه‌ای استان را در خود جای داده‌اند (17).

### سینما

این استان دارای ۶ سینما و ۳ سالن تئاتر می‌باشد که از این تعداد شهرستان زنجان دارای ۴ سینما و ۳ سالن تئاتر، شهرستان ابهر دارای یک سینما و شهرستان خدابنده دارای یک سینما می‌باشد. مراکز مزبور سالیانه به طور متوسط جوابگوی ۷۰۰۰۰۰ تماشاگر می‌باشند (18).

### اماکن ورزشی

استان زنجان در سال ۱۳۷۴، دارای ۸ استادیوم، ۱۷ سالن ورزشی، ۴ استخر شنا، ۱۰ باشگاه ورزشی عمومی، ۴ باشگاه ورزشی باستانی، ۲ پیست دو و میدانی، ۷ زمین فوتبال چمن و ۳۸ زمین فوتبال خاکی، ۱۴ زمین والیبال (روبال)، ۳ زمین بسکتبال (روبال) و ۳۵ باشگاه خصوصی تنیس روی میز بوده است (19).

### فصل سوم: آداب و رسوم

#### آداب ویژه ماه رمضان:

آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است و از آن جایی که ریشه مذهبی دارد مورد توجه مردم می‌باشد. در این ماه همگان یکپارچه برای انجام تکالیف شرعی آماده می‌شوند. در استان زنجان نیز چند روز قبل از ماه رمضان مردم به نظافت و پاکسازی خانه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها می‌پردازند و نیز مایحتاج ماه مبارک را قبل از فرا رسیدن این ماه تهیه می‌کنند. بسیاری از مردم استان، یک روز و یا بعضی دو تا سه روز قبل از ماه رمضان «روزه پیشوازی» می‌گیرند. نحوه بجا آوردن اعمال سحر و خوردن سحری در شهرها و روستاهای استان تفاوت‌هایی دارد ولی آنچه بیشتر معمول است این است که ساعتی به سحر مانده اهل خانه بیدار شده، وضو می‌گیرند و مشغول خواندن دعای سحر و قرآن می‌شوند و پس از آن خوردن سحری را آغاز می‌کنند.

یکی از رسوم پسندیده در این ماه افطاری دادن به دوستان، آشنایان و یا افراد فامیل می‌باشد. آن‌هایی که استطاعت مالی دارند چند روز از ماه رمضان را افطاری می‌دهند. در روزهای این ماه مبارک در اغلب مساجد و تکایا و بسیاری از خانه‌ها ختم قرآن برگزار می‌شود و مردها و زن‌ها جداگانه در مجالس ختم قرآن شرکت می‌کنند. مجالس زنانه ختم قرآن معمولاً در خانه‌ها و در هنگام روز (صبح یا بعدازظهر) انجام می‌گیرد، ولی مجالس ختم قرآن مردان معمولاً بعد از افطار در مساجد تشکیل می‌گردد. در ایام شهادت حضرت علی (ع) یعنی روزهای نوزدهم، بیستم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان، مسلمانان و دوستانان مولای متقیان در ماتم و حزن و اندوه فرو می‌روند و همه جا یکپارچه سیاهپوش می‌شود. کسب و کار و بازار یکسره تعطیل، و تعزیه و عزاداری در همه جا برپا می‌گردد.

این ایام که با شب‌های قدر مصادف است، شیعیان شب هنگام تا سحر به دعا و نیایش پروردگار مشغول می‌باشند و در تمام مساجد و تکایا در سوگ امام، به نوحه‌خوانی و سینه زنی می‌پردازند.

بسیاری از مردم در مساجد و یا مسجد جامع شهر، برخی در خانه و برخی نیز در امامزاده‌های منطقه خویش جمع شده و مراسم احیا را به جا می‌آورند. مردم زنجان، روز بیست و هفتم ماه رمضان که مصادف با کشته شدن ابن ملجم است را جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند. در این شب بازار انواع خوراکی‌ها از جمله کله پاچه رونق بسیار دارد. در پایان این ماه مبارک، مراسم عید فطر انجام می‌شود. عید فطر که یکی از دو عید بزرگ اسلامی است، در روز اول ماه شوال برگزار می‌شود. مسلمانان پس از یک ماه روزه و عبادت چشم به راه این روز بزرگ می‌باشند و این روز را جشن می‌گیرند. صبح عید فطر در همه شهرها و روستاهای ایران و از جمله زنجان نماز عید فطر با تشریفات

خاصی برگزار می‌شود. با وجود این که نماز عید فطر واجب نیست اما اکثریت مردم استان زنجان در این نماز شرکت می‌کنند و آن را ضروری می‌دانند. این نماز در مساجد، حسینیه‌ها و مسجد جامع شهر و یا روستاها انجام می‌گیرد. آن‌هایی که موفق نشده‌اند فطریه خود را به کسی بدهند آن را قبل از نماز به امام جماعت محل و یا افراد مسئول می‌دهند تا بین فقرا تقسیم کنند و یا به مراجع ذی‌صلاح تحویل دهند. در این روز مردم زنجان مانند مردم سایر نقاط ایران شاد هستند و ضمن شکرگزاری به خاطر موفقیت در گرفتن روزه، به دیدار دوستان، آشنایان، و بزرگان فامیل خود می‌روند. صله ارحام یکی از آداب این روز بزرگ است (20).

#### ماه محرم:

عزاداری در ماه محرم در قرون متمادی در زنجان معمول و مرسوم بوده است. این ماه مهم‌ترین ماه‌ها برای اجرای آداب مذهبی و یادبود شهادت سرور شهیدان، اباعبدالله الحسین (ع) می‌باشد. با نزدیک شدن ماه محرم، مساجد و حسینیه‌ها را سیاه پوش می‌کنند. در این ماه مجالس روضه‌خوانی و سوگواری در مساجد یا منازل افراد برپا می‌باشد و همه مردم دسته دسته برای استماع سخنان و عاظ به این مجالس می‌روند و پس از پایان مجلس روضه، به سینه زنی، زنجیر زنی و مرثیه خوانی می‌پردازند. در بسیاری از مساجد، تکایا و حسینیه‌ها از شب اول محرم از عزاداران اطعام می‌شود. اوج مراسم عزاداری معمولاً از هفتمین روز محرم آغاز می‌شود. در اکثر نقاط استان، در روز تاسوعا و عاشورا دستجات سینه‌زن و زنجیرزن در حالی که پرچم‌های عزا، علم و کتل در پیشاپیش خود دارند حرکت می‌کنند و طبل‌ها و شیپورها نواخته می‌شود. برخی دسته‌جات و هیئات به امامزاده یا مساجد جامع می‌روند و معمولاً در ظهر تاسوعا و عاشورا پس از زیارت امامزاده یا امامزادگان منطقه و ذکر تسلیت به ایشان به مساجد یا تکیه‌های محل خود برای صرف ناهار باز می‌گردند.

برخی از دسته‌جات در روزهای تاسوعا و عاشورا، از شهر و روستا با اتوبوس و مینی‌بوس در حالی که سیاهپوش و عزادار هستند به شهر قم می‌آیند. این دسته‌جات و هیئت‌ها در خیابان‌های شهر در حال سینه‌زنی و زنجیرزنی جهت عرض تسلیت، به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام رهسپار می‌شوند و در هنگام ظهر به مساجد و تکایا و حسینیه‌ها رفته و از آن‌ها پذیرایی می‌شود.

در بیشتر مناطق استان رسم است که بعد از غروب آفتاب روز عاشورا، عزاداران حسینی با قلبی شکسته و پریشان به دستجاتی چند تقسیم می‌شوند و در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر در حالی که شمعی افروخته در دست دارند مراسم شام غریبان را برپا می‌دارند و در سوگ شهادت سرور شهیدان نوحه سرایی می‌کنند. در روز بیستم ماه صفر یعنی اربعین سالار شهیدان مجالس روضه خوانی برپا می‌شود و همچنین دستجات سینه زن در خیابان‌ها حرکت کرده به سینه‌زنی و زنجیر زنی می‌پردازند.

در روز ۲۸ ماه صفر هم‌زمان با رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) و سبط اکبرش امام حسن مجتبی (ع) مجالس برگزار می‌شود و در این روز کسانی که نذر دارند، در منزل خود، «شله‌زرد» می‌پزند و بین مردم تقسیم می‌کنند (21).

#### جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی

در این استان، عیدهای ملی و مذهبی در مجموع مانند سایر نقاط ایران برگزار می‌شود و ویژگی محلی خاصی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. تنها تفاوت در برگزاری این نوع مراسم، انجام آن به زبان محلی است.

در گذشته، یکی از رسم‌های شب عید، بردن پای (سهم) از طرف بزرگ‌ترها به خانه‌های وابستگان نزدیک بود که عصر و شب عید انجام می‌گرفت. برای مثال، پدر خانواده برای دختران خود که شوهر کرده بودند، یا برادران برای خواهران و خواهر زادگان خود

«پای» می‌دادند و محتوای آن عبارت بود از: برنج پخته و یک یا چند نوع خورش، بورانی و دیگر غذاهایی که برای شب عید تدارک دیده می‌شد. علاوه بر مواد غذایی، مقداری پارچه یا پوشاک نیز در یک سینی بزرگ مسی قرار می‌دادند، روی سینی را با پوششی پارچه‌ای در رنگ‌های مختلف که ملیله‌دوزی یا گلدوزی شده بود، می‌پوشاندند و جوانی از اعضای خانواده، بردن پای را به عهده می‌گرفت. این شخص سینی را بر روی سر گذاشته و با احتیاط حمل می‌کرد. کسی که پای را می‌برد، خوشحال بود؛ زیرا هدیه‌ای مانند پیراهن، جوراب، تخم‌مرغ رنگ کرده، پول نقد و مانند آن نصیبش می‌شد. منظره حمل سینی‌ها و پارچه‌های رنگارنگی که بر روی آن انداخته شده بود، در غروب آفتاب بسیار جالب و دیدنی بود و در شب عید، اغلب کوچه‌ها و خیابان‌ها؛ مملو از این «پای» بران می‌شد. این رسم را هنوز هم در بعضی از روستاهای استان زنجان به جای می‌آورند؛ اما در شهرها ظاهراً فراموش شده و در روزهای عید به دید و بازدیدهای معمولی اکتفا می‌گردد.

### جشن عروسی

مراسم عروسی در شهرهای استان زنجان، کمابیش مانند سایر نقاط ایران است، ولی در نقاط روستایی تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. ازدواج در مناطق روستایی معمولاً بدین ترتیب است که ابتدا پدر و مادر داماد با چند نفر از ریش سفیدان محل برای خواستگاری به منزل عروس می‌روند. پس از تبادل نظر و جلب رضایت پدر عروس، هر کدام از طرفین نماینده‌ای جهت عقد قرارداد تعیین می‌نمایند. متن قرارداد مشتمل بر تعیین شیربها و مهریه، و در صورت مساعد بودن وضع مالی داماد، تعهدی جهت تحویل مقداری خاوریار شامل: قند، چای، برنج، روغن، شیرینی، کشمش از سوی خانواده او می‌باشد. بدین ترتیب قراردادی تحت عنوان «کسمات» منعقد می‌گردد که طی آن، پدر داماد موظف به تهیه و تحویل اقلام یاد شده به پدر عروس است. سپس پدر عروس مقداری پارچه چادری و لباس تحت عنوان «خلعت»، برای ۴۰ نفر از بستگان که به عروسی دعوت می‌شوند، از پدر داماد دریافت می‌کند. در این مراسم، عمو و دایی عروس نیز هدیه‌هایی مانند گوسفند و کت و شلوار به نام «دایی پولی» و «عمو پولی» دریافت می‌کنند. پدر بزرگ و مادر بزرگ عروس نیز یک نوع پارچه ابریشمی گران قیمت تحت عنوان «آناکتانی» یا «مخری» از طرف پدر داماد می‌گیرند و عروس نیز به عنوان هدیه زیور آلاتی دریافت می‌کند.

سپس پدر عروس و پدر داماد، هر کدام نماینده‌ای تعیین می‌کنند و ضمن تحویل خلعت‌های خریداری شده، میهمانان را برای روز عروسی دعوت می‌نمایند. دعوت کننده نیز به نوبه خود انعامی از دعوت شونده دریافت می‌کند. پس از جمع شدن میهمانان در خانه عروس و داماد، میهمانان زن مقداری پول، جاجیم، دستکش تحت عنوان «توره» به عروس هدیه می‌دهند تا همراه جهیزیه فرستاده شود.

جهیزیه که قبلاً بسته بندی شده است، فرستاده می‌شود و عروس نیز پس از دریافت اجازه از پدر یا عمو، آماده حرکت می‌گردد. مرکب عروس، ماشین یا اسبی آذین بندی شده است و عروس همراه با برادر خویش و فرستادگان داماد سوار می‌شود و به راه می‌افتد.

پس از رسیدن عروس به خانه داماد، داماد که به همراه دوستان خود در پشت بام، از قبل منتظر رسیدن عروس است، مقداری پول و شیرینی و سیب را بر سر عروس می‌ریزد. سپس یک پسر بچه به آرزوی زائیدن بچه پسر، به بغل عروس داده می‌شود. پس از ورود عروس به خانه داماد که همراه با ذبح گوسفند و شکستن تخم‌مرغ است، عروس را دور تنور خانه می‌گردانند و وی را از روی پارچه‌ای به نام «پی‌انداز» حرکت می‌دهند و در اتاق مخصوص می‌نشانند.

دو روز بعد از عروسی، رسم زنانه «دواق قاپما» انجام می‌شود. در این رسم، عروس

را روی صندلی می‌نشانند و صورت او را با پارچه می‌پوشانند. سپس در حضور میهمانان، دو پسر بچه که هر کدام يك قاشق چوبی در دست دارند، پارچه روی عروس را با قاشق کنار می‌زنند و پارچه را به کمر خود می‌بندند و پس از دریافت انعام از مادر داماد، آن را تحویل می‌دهند. مراسم پس از صرف شیرینی در حدود ساعت ۶ پایان می‌یابد. پس از حدود بیست روز، پدر عروس تحت عنوان «ایاق آشما» عروس و داماد را به خانه خود دعوت می‌کند و پس از صرف غذا، هدیه‌ای شامل فرش یا گوسفند، به فراخور حال، به عروس و داماد می‌بخشد. پس از آن، قوم و خویش عروس و داماد در ماه اول از دواج مراسم مشابهی را انجام می‌دهند و بدین ترتیب عروسی پایان می‌پذیرد.

### جشن «حالا»

یکی دیگر از جشن‌هایی که در استان زنجان خصوصاً منطقه انگوران برپا می‌شود، جشن «حالا» است. این جشن در ارتباط با جمع‌آوری محصولات کشاورزی است و کهن‌ترین جشن رایج در منطقه است و احتمال دارد با آیین زرتشتی ارتباط داشته باشد. به هر تقدیر، در اوایل فصل پاییز، پس از این‌که محصولات کشاورزی از کشتزارها و خرمنگاه جمع‌آوری و برداشت شد، این جشن برپا می‌شود. بدین ترتیب که در آغاز برداشت محصول از زمین، هر خانوار مقداری در حدود ۲۰ متر مربع از مزرعه گندم خود را به عنوان «حالا» باقی می‌گذارد.

در روز جشن، تعدادی از همسایگان و بستگان را به جشن دعوت می‌کنند و با قربانی کردن گوسفند و گاو و تدارک وسایل پذیرایی، میهمانان را در خانه یا در یکی از تفرجگاه‌های محلی با ناهار پذیرایی می‌کنند. بیش‌تر میهمانان از مردانی که به شغل کشاورزی مشغول‌اند، انتخاب می‌شوند. در این جشن زنان حضور ندارند. میهمانان پس از صرف ناهار با گفتن «مبارک‌باد» و «پربرکت باد» و همراه داشتن نانی به نام «نزیك» یا «نزی» که از شیر پرچربی گوسفند تهیه می‌شود، دسته جمعی به محل گندم درو نشده در کشتزار می‌روند. این افراد هر يك داسی برمی‌دارند و دور گندم باقی‌مانده حلقه می‌زنند.

یکی از ریش سفیدان پس از ذکر اسماء الله و خواندن صلوات شروع به درو کردن گندم می‌نماید؛ بقیه نیز مقداری از گندم را درو می‌کنند. سپس واژه «حالا» را به طور دسته جمعی تکرار می‌نمایند. پس از چند بار تکرار واژه «حالا»، همه خوشه‌های گندم درو می‌شوند.

سپس هر کس هر چقدر که درو کرده است، با خود می‌برد و در کندوی خانه خود به عنوان تبرک و ایجاد برکت خالی می‌کند. سپس ریش‌سفیدان نان «نزیك» و میوه‌ها را در میان میهمانان تقسیم می‌کنند و میهمانان پس از گذاشتن هدیه در دستمال و گفتن عبارت «برکت به خرمن» محل «حالا» را ترك می‌کنند و بدین ترتیب جشن پایان می‌پذیرد (22).

### باورها

مردم زنجان نیز مانند مردم سایر نقاط ایران، باورهای مخصوص به خود دارند که ریشه ملی و یا مذهبی دارد. برخی از این باورها عبارتند از:

- رنگین کمان نشانه فراوانی است.

- اگر در حین بارندگی آفتاب بدرخشد، علامت این است که بچه گرگی به دنیا می‌آید.
- اگر روی گور مرده آب بیاشی روحش آرامش می‌یابد.
- اگر تفاله بلندی در استکان چای شناور باشد، علامت آمدن میهمان است.
- اگر کسی از دیگری غیبت کند مانند آن است که گوشت مرده دیگری را خورده است.
- اگر کف دست بخارد، دلیل پول به دست آوردن خواهد بود (وقتی کسی از کس دیگر پولی بخواهد اصطلاحاً به ظرافت می‌گوید: اوجومون ایچین قاشی یعنی کف دستم را بخاران. و....

## ضرب المثلها

ضرب المثلها بهترین ابزار، برای انتقال معانی و تفهیم در صحبت‌های عامیانه می‌باشند. مردم استان زنجان علاوه بر ضرب المثل‌هایی که در اکثر نقاط ایران رایج است، ضرب المثل‌هایی مخصوص متناسب با فرهنگ و زبان خود دارند که برخی از آن‌ها در اینجا آورده شده است:

- فضولی آیا دیلار جهنمه دیدی اودونلاری یاشدور.

ترجمه: فضول را بردند جهنم، گفت هیزمش تر است.

- کوچکدهن خطا بیوکدهن عطا.

ترجمه: بخشش از بزرگان است و گناه از فرودستان.

- مفتته سرکه بالدان شیرین اولار.

ترجمه: سرکه مفت از عسل شیرین‌تر است.

ناحق قان یاتماز.

ترجمه: خون ناحق از جوش نیفتند و (23)....

## بخش پنجم: اضاع مذهبی - سیاسی

### پیشینه مذهبی

مردم زنجان همانند مردم نقاط دیگر ایران قبل از ظهور اسلام به آیین زرتشت بودند. پس از پیدایش اسلام مردم به این دین گرویدند. حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب (۷۴۰ هجری) مردم منطقه را سنی مذهب ذکر کرده است. در اوایل قرن هشتم هجری، هم زمان با انتخاب سلطانیه به پایتختی، خان‌های مغول، مذهب اهل سنت و جماعت را پذیرفتند و این مذهب در سراسر منطقه رایج بوده است. البته فرقه اسماعیلیه نیز عقاید خود را در منطقه رواج داده بودند. به نظر می‌رسد از دوران صفویه به بعد، مذهب شیعه در بین مردم استان رواج کامل یافته است. در حال حاضر، اکثریت قریب به اتفاق مردم استان پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند و به خاندان عصمت و طهارت ارادت کامل دارند (24).

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از ۹۰۰۸۹۰ نفر جمعیت استان، ۹۰۰۰۷۵ نفر مسلمان، ۱۴۷ نفر زرتشتی، یک نفر کلیمی، ۵ نفر مسیحی، ۴۰ نفر سایر ادیان و ۶۲۲ نفر اظهار نشده بوده‌اند. نسبت مسلمانان در نقاط شهری ۸۷/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۹۴/۹۹ درصد بوده است (25).

### اماکن مذهبی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان زنجان دارای ۱۱۹۴ باب مسجد، یک نمازخانه، ۱۰۰ زیارتگاه و امامزاده، ۱۹ زیارتگاه بزرگان دین، ۱۶ تکیه، ۹۶ حسینیه، یک فاطمیه، ۲ مهدیه، ۳ زینبیه و حیدریه، ۳ خانقاه و ... بوده است (26).

نام برخی از مهم‌ترین اماکن مذهبی استان زنجان عبارتند از:

زنجان: مسجد جامع، مسجد میرزایی، امامزاده سید ابراهیم، امامزاده یحیی.

ابهر: مسجد جامع، مسجد جامع قروه، امامزاده زیدالکبیر، امامزاده محمد، امامزاده

ابراهیم، امامزاده اسماعیل (ابهر - تاکستان).

خدابنده: مسجد جامع سجاس.

سلطانیه: امامزاده ابراهیم، بقعه قیدار نبی، و (27)....

### مدارس دینی

مدارس دینی زنجان از مراکز و پایگاه‌های مهم دینی منطقه به شمار می‌آیند. مهم‌ترین

مدارس دینی استان عبارتند از:

مدرسه امام‌صادق (ع) (زنجان)، مدرسه امیرالمؤمنین (ع) (ابهر)، مدرسه امام‌صادق (ع)

(خدابنده)، و (28)....

### بزرگان و مشاهیر



استان زنجان همواره مهد بسیاری از علما و دانشمندان، فقها، فیلسوفان، نویسندگان، عرفا، شعرا، هنرمندان و دیگر مشاهیر بوده است. در این جا به ذکر نام تنی چند از مهم‌ترین مشاهیر این استان اکتفا می‌کنیم:

آیت الله حاج سید احمد زنجان‌ی (فقیه و رجالی معاصر، مرجع تقلید).

آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجان‌ی (دانشمند، فقیه و مرجع تقلید معاصر).

آیت الله آخوند ملاقربانعلی زنجان‌ی (1248-1328 ه.ق، فقیه و دانشمند، مدفون در کاظمین).

شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق (فیلسوف و متکلم بزرگ، مقتول به سال ۵۸۱ ه.ق در حلب).

آیت الله آقا شیخ محمدباقر زنجان‌ی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ ه.ق، استاد و مدرس بزرگ و مجتهد بنام حوزه علمیه نجف اشرف).

آیت الله مرحوم حاج سید محمود حسینی موسوی زنجان‌ی (1309-1374 ه.ق، عالم پرهیزگار و محبوب مردم تهران و زنجان، واعظ و سیاستمدار، معروف به آیت الله امام جمعه).

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا عزالدین زنجان‌ی (دانشمند و فقیه معاصر، مدرس حوزه زنجان، مبلغ و واعظ بزرگ، عالمی خیر دارای آثار و باقیات الصالحات متعدد).

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن انواری (عالم و مجتهد معاصر).

آیت الله آقا شیخ محمدباقر رشاد زنجان‌ی (فقیه و عالم معاصر، دارای آثار تألیفی متعدد).

مرحوم آیت الله آقا میرزا عبدالرحیم مجتهد (۱۳۶۵-۱۲۸۲ ه.ق، عالم، فقیه، واعظ بزرگ، معروف به مجتهد زنجان‌ی، محبوب مردم زنجان، سیاستمدار و قاضی).

آیت الله آقا شیخ فیاض زنجان‌ی (۱۳۶۰-۱۲۸۵ ه.ق، از اکابر فقهاء امامیه و مراجع تقلید گذشته و جامع معقول و منقول).

مرحوم حاج سید سجاد فهری زنجان‌ی (متوفی ۱۳۹۴ ه.ق، واعظ و منبری مشهور).

حکیم ملا محمد هیدجی زنجان‌ی (1270-1342 ه.ق، شاعر و غزل‌سرای معروف)

و (29)....

## فصل دوم: اوضاع سیاسی

### نهضت مشروطیت

نزدیک به يك قرن شکست‌های پی‌درپی پادشاهان قاجار (فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه) در برابر کشورهای بیگانه سبب شد که مردم ایران در صحنه‌های بین‌المللی حضوری سرافکنانه داشته و ملتی درمانده معرفی شوند. در همین زمان بود که ناگهان ستارگان بیداری در فضای این کشور شروع به درخشیدن کرد و نهضت مشروطه به رهبری علمای بزرگ نجف و تهران آغاز گشت تا با بنیان يك مجلس مردمی ریشه استبداد داخلی و خارجی را بختکانند.

مردم این منطقه که سال‌های طولانی از نزدیک شاهد ظلم و ستم، هواپرستی و جاه‌طلبی‌های حکومت بودند بپا خاستند و با رهبری ستارخان و باقرخان آموزش نظامی در آن جا آغاز گردید. در سال 1328 ه.ق، که ستارخان و باقرخان همراه تنی چند از مجاهدان مشروطه برای رساندن پیام مردم خطه آذربایجان عازم تهران بودند در بین راه هنگامی که به نزدیکی شهر زنجان رسیدند مورد استقبال شایان زن و مرد و پیر و جوان قرار گرفتند.

سپس با مشایعت مردم وارد شهر گشته بعد از چند روز پذیرایی مناسب و تبادل افکار با آنان، در میان بدرقه گرم مردم، این شهر را به سوی شهر قزوین ترك گفتند. از زنجان تا خرم دره در عرض راه مردم دهات و روستاهای اطراف ساعت‌ها در انتظار رسیدن سردار و سالار بودند. تا آن روز درباره هیچ سردار و امیر و حاکمی به آن اندازه از طرف مردم منطقه تجلیل و تکریم به عمل نیامده بود (30).

## جنگ جهانی اول

در جریان جنگ جهانی اول که در سال ۱۳۳۲ه.ق برابر با ۱۹۱۴ م اتفاق افتاد، دولت ایران با انتشار بیانیه‌ای بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی به موجب ضعف و بی‌کفایتی دولتمردان، حراست از این موضع بسیار دشوار و غیر ممکن بود. از این رو برای چندمین بار سرزمین ایران صحنه جنگ و عملیات نظامی برای نیروهای روس و عثمانی گشت و مردم این استان نیز چون سرنوشت جدایی از دیگر هموطنان خود نداشتند، مظلومانه نظاره‌گر پامال شدن زمین‌های حاصلخیز و از بین رفتن خانه‌ها و درختان میوه خود در زیر چکمه سربازان بیگانه بودند.

پس از سقوط تزارها در انقلاب بلشویک اکتبر ۱۹۱۷م در روسیه، نیروهای آن کشور از این سرزمین عقب نشستند. ولی قوای عثمانی همچنان به حضور تجاوزگرانه خود ادامه دادند، ولی پس از شکست از متفقین، از این استان خارج شدند(31).

## واقعه کشف حجاب

به دنبال آشکار شدن سیاست‌های ضد دینی رضاشاه و در پی سفرش به ترکیه، دستور کشف حجاب برای سراسر کشور صادر شد. مأمورین و دژخیمان رژیم در هر کوی و برزن شهرهای این استان بدنبال زنان محجبه رفته و چادر و روسری آنان را پاره می‌کردند. اما علی‌رغم تمامی فشارها و تعقیبات، به علت تعصب دینی مردم این منطقه، این قانون با موفقیت همراه نبوده است(32).

## جنگ جهانی دوم

در پی حمله کشور آلمان به شوروی در تاریخ ۱۳۵۹ه.ق، آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ورتر شد و دولت آمریکا و انگلیس برای پشتیبانی از روسیه در مقابل آلمان، در صدد برآمدند که اسلحه و مهمات جنگی به آن کشور بفرستند. هر چند ایران در این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود، ولی در عمل با کشور آلمان همکاری کرد و خط آهن را در اختیار آن دولت قرار داد.

به دنبال اولتیماتوم متفقین نسبت به تحرکات دولت ایران، در ساعت ۴ صبح روز ۳۰ شعبان ۱۳۶۰ه.ق، سرزمین ایران از سمت شمال و جنوب مورد هجوم قوای روس و انگلیس قرار گرفت و سرتاسر استان زنجان به اشغال بیگانگان درآمد. نیروهای اشغالگر (متفقین) به مدت چهار سال یعنی تا سال ۱۳۶۴ه.ق در این منطقه حضور تجاوزگرانه داشتند و دست به چپاول و غارت اموال دولتی و مردم یازیدند. با پایان جنگ، علی‌رغم امضای پیمان کنفرانس تهران مبنی بر تخلیه سرزمین ایران، توسط قوای روس، آن‌ها از خروج از ایران خودداری کردند و دست نشانندگان و جیره خواران آنان اقدام به دولت خودمختار در منطقه کردند و برخی از شهرها به تصرف قوای حزب دمکرات درآمد. در ۱۸ آبان یک ستون نظامی مرکب از ده گردان پیاده و قوای پشتیبانی به سمت منطقه حرکت کرد که در مدخل شهر زنجان با تهدید ارتش سرخ از حرکت باز ایستاد و زمین‌گیر شد. به دنبال توافق قوام با دولت شوروی و نیز اولتیماتوم شدید آمریکا، نیروهای روس از منطقه خارج و حکومت خود مختار دست نشانده سقوط کرد(33).

## دوران انقلاب اسلامی

سیزده سال از تبعید امام خمینی به ترکیه و نجف گذشت و در این روزگار سیاه نام بردن از خمینی و نوشتن آن جرم سنگینی شمرده می‌شد. صداها در گلو خفه شده بود که ناگهان با تظاهرات ۱۹ دی در قم، برقی در افق جهید و علی‌رغم برخورد مأمورین رژیم، روز ۲۹ بهمن به مناسبت چهلم شهدای مردم قم، قیام سرتاسری تبریز به وقوع پیوست که موج این حرکت سراسر منطقه آذربایجان و زنجان را فراگرفت و ریشه‌های رژیم دوهزار و پانصد ساله را به یکباره متزلزل کرد. رژیم برای کم رنگ جلوه دادن این قیام بی‌درنگ ترفند تازه‌ای به کار گرفت و با به کار انداختن خط سرتاسری مخصوص تبریز - زنجان - مشهد بعد از چند روز تبلیغات پر سر و صدا، اولین سرویس آن در حالی که عکس

بزرگی از محمدرضا شاه بر جلوی نصب شده بود عازم زنجان و مشهد گردید. جوانان پر شور منطقه زنجان از این فرصت استفاده کردند و در هنگام ایستادن قطار، اقدام به پخش اعلامیه در بین مردم و مسافران قطار نمودند که با استقبال مردم روبرو شدند. مأمورین که نمی‌توانستند سرنخی پیدا کنند رعب و وحشت سراپای وجودشان را گرفته بود.

تظاهرات و اعتصاب و تحصن مردم در مبارزه با رژیم همچنان ادامه داشت و به دنبال هر راهپیمایی با رگبار مأمورین فردی از صف مبارزین شهید و یا مجروح می‌شد ولی حرکت روز به روز توفندتر می‌گشت تا آن که سیلی عظیم شد و همراه با حرکت تمامی مردم ایران در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برای همیشه بنیان رژیم شاهنشاهی از بیخ و بن برکنده شد (34).

پی‌نوشت‌ها:

- 1- حسن زنده‌دل و دستیاران، استان زنجان، ص ۲۱.
- 2- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی استان زنجان و شهرستان تاکستان، ص پانزده.
- 3- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۲.
- 4- سازمان برنامه و بودجه استان، آمارنامه استان زنجان ۱۳۷۵، صص ۶۷-۷۸ (با تلخیص).
- 5- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۳۲.
- 6- سازمان برنامه و بودجه استان، همان، صص ۱۲۶-۱۲۵.
- 7- همان، صص ۱۳۱-۱۳۲.
- 8- ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، ص ۲۷۳ و حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۲۰.
- 9- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، صص ۲۷-۲۳.
- 10- همان، صص ۷۹-۴۵ (با تلخیص).
- 11- مرکز آمار ایران، همان، ص شانزده.
- 12- همان، ص ۶۶.
- 13- همان، ص بیست و شش.
- 14- ایرج افشار سیستانی، همان، صص ۲۷۰-۲۶۹.
- 15- مرکز آمار ایران، همان، ص بیست و چهار.
- 16- سازمان برنامه و بودجه استان، همان، ص ۲۹۶.
- 17- همان، ص ۴۰۷.
- 18- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، ص ۱۰۷ و سازمان برنامه و بودجه استان، همان، ص ۴۰۷.
- 19- سازمان برنامه و بودجه استان، همان، صص ۴۱۶-۴۱۵.
- 20- احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، جلد اول.
- 21- اطلاعات محلی.
- 22- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، صص ۹۹-۹۴.
- 23- اطلاعات محلی.
- 24- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، صص ۸۶-۸۵.
- 25- مرکز آمار ایران، همان، صص ۷-۵.
- 26- مرکز آمار ایران، نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، ص ۱. (با احتساب آمار شهرستان تاکستان).
- 27- حسن زنده‌دل و دستیاران، همان، صص ۲۰-۱۹.
- 28- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

- 29 محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، صص ۲۵۷-۲۳۱ (با تلخیص) و حسن زندهدل و دستیاران، همان، ص ۱۰۸.
- 30 اسماعیل امیر خیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، صص ۵۴۶-۵۴۴.
- 31 احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، جلد ۱، ص ۲۸.
- 32 مرتضی جعفری و دیگران، واقعه کشف حجاب، اسناد شماره ۸۸، ۸۹ و ۲۰۲، 203 و ۴۲۶.
- 33 ایرج اخگر، مرگ هست بازگشت نیست (مجموعه خاطرات آذربایجان)، ص ۱۸.
- 34 عبدالرحیم ابادری، سیمای میانه، ص ۹۹.